



مجله

جغرافیا و توسعه فضای شهری

(نشریه علمی)

| سال هفتم، شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

- بررسی تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع شهری (با تأکید بر اختلاط کاربری اراضی) بر سلامت عمومی شهروندان -
مطالعه شهر مشهد
سید هادی حبیبی (۱-۱۸)
- اعتبار سنجی پرسشنامه پرنسپل آفرینی شهری-ورزشی (مطالعه موردی: جویباران)
سعید تایش، مبین توری خانپوردی، میرداده حبیبی (۱۹-۳۶)
- تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حسن تعلق مکانی در محلات نوپدید شهری (مطالعه موردی: محله یانچیان تیریز)
علیرضا سلطان، الهام حاتمی گلزاری (۳۷-۵۵)
- شاخص عامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی
ابوالفضل مشکینی، مرتضی نصرانی هاشمی (۵۷-۷۶)
- تحلیل الگوی مسیریابی کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال با تأکید بر رشد شناختی (مطالعه موردی: محله لشگر قاسم‌آباد)
شیماء عابدی، نگین حنایی، زهرا باقرزاده گل مکانی (۷۷-۹۹)
- تحلیلی بر زیست‌پذیری شهری با تأکید بر شاخص مسکن (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد)
محمد قنبری، محمد اجزاء شکوهی، محمد رحیم رهنما، امید علی خوارزمی (۱۰۱-۱۲۱)
- تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری
مژگان شبخی نسب، بهری اذنی، مهدی مؤمنی، مصطفی محمدی ده‌چشمه (۱۲۳-۱۴۴)
- آینده‌پژوهی راهبردی کلانشهر اصفهان (بر مبنای آنالیز چالش‌ها با مدل علت و معلولی)
فاطمه دانشور، حمید صابری (۱۴۵-۱۶۴)
- تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت‌های قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سستدج)
فرزام الله ویسی، فرزین چارچو (۱۶۵-۱۸۴)
- توسعه فضای اخلاقی شهرها: بررسی و تحلیل ابعاد جغرافیایی مصرف اخلاقی در زمینه محصولات محلی (مورد پژوهی: منطقه یک و بیست شهر تهران)
رقیه صدقی، محمدتقی رضویان، حمیده توکلی نیا، مرتضی قورچی (۱۸۵-۲۰۳)
- تحلیل نقش تفاوت‌های مکانی-فضایی در احساس نشاط شهروندان اهواز
صفیه دامن باغ، ناهید سجادیان، مرتضی نعمتی (۲۰۵-۲۲۴)
- ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهری در ایران
کسری آشوری، کیومرث حبیبی، میلاد دوستوندی (۲۲۵-۲۵۷)

شماره ۱-۷، سال ۱۳۹۹



دانشگاه مهاباد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور

سرمدیر: دکتر محمد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیمزاده آکباد - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی اکبر عنایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر مصطفی امیرفخریان	کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد
ویراستار ادبی: دکتر شیرین صباغی آبکوه	مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
ویراستاران این شماره: عبدالله نوروزی	حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰	شمارگان: ۳۰ نسخه
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۳۴، سرمدیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵	
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)	
نشانی اینترنتی مجله:	E-mail: jud@um.ac.ir
	http://jgusd.um.ac.ir

این مجله در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی - پژوهشی دریافت و طی نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همه پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقاله ارسال شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 با نرم افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۴ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی متر) تایپ شود. متن به صورت دستونی با رعایت فاصله ۱ سانتی متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید از حدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جدول، اشکال، خلاصه فارسی و کتابشناسی).

۴. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

۶. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 13، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسئول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel, Word, PDF) و با دقت ۶۰۰ dpi ارایه شود. اندازه قلم ها به خصوص در مورد منحنی ها (legend) به گونه ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیر نویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و سطر چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹.۱. صفحه عنوان: در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید مشخص شود.

۹.۲. چکیده: شامل: ۱. چکیده فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف ها، روش ها، نتیجه گیری و کلمات کلیدی (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیده انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیده فارسی داشته باشد.

۹.۳. مقدمه: شامل ۱- طرح مسأله (مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال ها و فرضیه ها)، پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۹.۴. روش شناسی تحقیق: در برگزیده ۱- روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آن ها)؛ ۲- متغیر ها و شاخص های پژوهش؛ ۴- قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹.۵. یافته های پژوهش: ارایه نتایج دقیق از یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹.۶. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته های مطالعه با مطالعات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹.۷. نتیجه گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه ای از یافته ها، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهاد های احتمالی.

۱۰. نحوه ارجاعات: منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰.۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) نسخه ۶ باشد؛ به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به عنوان نمونه: (شکوئی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷). ۱۰.۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست نویسی APA نسخه ۶ تنظیم شود. (عناوین کتاب ها و مجلات ایتالیک/ مورب شود).

نمونه فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عنایتی، ع. ا، شایان، ح. و، بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). مجله برنامه ریزی فضایی. ۱(۳)، ۸۰-۶۳.

نمونه انگلیسی:

- Boume, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.

- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. 1(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پراکنش نوشته شود.
۱۰. ۴. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجویان با هم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.
۱۰. ۵. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.
۱۰. ۶. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارائه شود.
۱۱. شیوه ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.
۱۲. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.
۱۳. مسئولیت ارایه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است. از این رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.
۱۴. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<http://jgusd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.
۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۱۶. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌ند از:
الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.
ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.
ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.
۱۷. شرایط جزئی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارائه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳/۸۰۷۰۶۰

کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳ پست الکترونیکی jud@um.ac.ir

وب سایت: <http://jgusd.um.ac.ir>

فرم اشتراک (یک ساله / دو شماره) مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

این جانب..... شغل..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره..... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجله و تیراژی آن از طریق پست پیش‌تاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجله ارسال کنند.

نشانی:..... کد پستی:.....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر پاکزاد آزادخانی (استادیار جغرافیا دانشگاه باختر ایلام)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اصغر پیله ور (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بجنورد)
دکتر معصومه توانگر (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری جهاددانشگاهی خراسان رضوی)
دکتر کیومرث حبیبی (دانشیار شهرسازی دانشگاه کردستان)
دکتر سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا دانشگاه بزرگمهر قائنات)
دکتر محمد حسین سرائی (دانشیار جغرافیا دانشگاه یزد)
دکتر محمدرحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر یعقوب زنگنه (دانشیار جغرافیا دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر علی زنگی آبادی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان)
دکتر مهدی سقایی (استادیار برنامه ریزی روستایی موسسه غیرانتفاعی حکیم جرجانی گرگان)
دکتر مهدی عبداللهی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز)
دکتر یونس غلامی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه کاشان)
دکتر صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)
دکتر ابوالفضل مشکینی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر میرنجف موسوی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه ارومیه)
دکتر عامر نیک پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
(۱-۱۸)	▪ بررسی تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع شهری (با تأکید بر اختلاط کاربری اراضی) بر سلامت عمومی شهروندان - مطالعه شهر مشهد سید هادی حسینی
(۱۹-۳۶)	▪ اعتباریابی پرسشنامه برند آفرینی شهری- ورزششی (مطالعه موردی: جویبار) سعید تابش، میثم نوری خان‌پوردی، میرداود حسینی
(۳۷-۵۵)	▪ تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوپدید شهری (مطالعه موردی: محله یاغچیان تبریز) علیرضا سلطانی، الهام حاتمی گلزاری
(۵۷-۷۶)	▪ شناخت عوامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی ابوالفضل مشکینی، مرتضی نصرتی‌هشی
(۷۷-۹۹)	▪ تحلیل الگوی مسیریابی کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال با تأکید بر رشد شناختی (مطالعه موردی: محله لشگر قاسم‌آباد) شیما عابدی، نکتہ حنایی، زهرا باقرزاده گل مکانی
(۱۰۱-۱۲۱)	▪ تحلیلی بر زیست‌پذیری شهری با تأکید بر شاخص مسکن (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد) محمد قنبری، محمد اجزاء شکوهی، محمد رحیم رهنما، امید علی خوارزمی
(۱۲۳-۱۴۴)	▪ تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری مژگان شیخی نصب، مهری اذانی، مهدی مؤمنی، مصطفی محمدی ده‌چشمه
(۱۴۵-۱۶۴)	▪ آینده‌پژوهی راهبردی کلانشهر اصفهان (بر مبنای آنالیز چالش‌ها با مدل علت و معلولی) فاطمه دانشور، حمید صابری
(۱۶۵-۱۸۴)	▪ تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت‌های قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنج) فرزام اله ویسی، فرزین چاره‌جو
(۱۸۵-۲۰۳)	▪ توسعه فضای اخلاقی شهرها: بررسی و تحلیل ابعاد جغرافیایی مصرف اخلاقی در زمینه محصولات محلی (مورد پژوهی: منطقه یک و بیست شهر تهران) رقیه صمدی، محمدتقی رضویان، جمیله توکلی نیا، مرتضی قورچی
(۲۰۵-۲۲۴)	▪ تحلیل نقش تفاوت‌های مکانی- فضایی در احساس نشاط شهروندان اهواز صفیه دامن باغ، ناهید سجادیان، مرتضی نعمتی
(۲۲۵-۲۵۷)	▪ ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهری در ایران کسری آشوری، کیومرث حبیبی، میلاد دوستوندی



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

بررسی تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع شهری (با تأکید بر اختلاط کاربری اراضی) بر سلامت عمومی شهروندان - مطالعه شهر مشهد^۱

سید هادی حسینی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)
sh.hosseini@hsu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴

صص ۱۸-۱

DOI: 10.22067/JGUSD.2021.47924.0

مقاله پژوهشی

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی چگونگی تأثیر اختلاط کاربری اراضی به عنوان یکی از مؤلفه‌های محیط مصنوع بر سلامت عمومی افراد در شهر مشهد می‌باشد. نوع پژوهش، کاربردی - توسعه‌ای است و در زیر مجموعه پژوهش‌های موردی، پیمایشی و همبستگی جای می‌گیرد. برای سنجش اختلاط کاربری از روش‌های هرفیندال - هریشمن، فرانک و آنتروپی شانون استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق، شهروندان ۲۵ سال به بالای شهر مشهد و حجم نمونه برابر با ۱۰۲۲ نمونه می‌باشد. داده‌های مورد نیاز از ۱۶ محله شهر مشهد گردآوری گردید. نتایج پژوهش نشان داد که در محلات مورد مطالعه این انتظار که اختلاط کاربری اراضی بتواند تأثیرات مثبتی را سلامت عمومی افراد و همچنین فعالیت بدنی و پیاده‌روی شهروندان داشته باشد، محقق نگردید. بر مبنای یافته‌ها، رابطه‌ی معنی‌داری میان اختلاط کاربری اراضی با فعالیت بدنی و پیاده‌روی روزانه افراد وجود ندارد و در سوی مقابل نتایج نشان داد که رابطه‌ای معنی‌دار اما معکوسی میان اختلاط کاربری اراضی با سلامت عمومی افراد مشاهده گردیده است، بدین معنی که با افزایش امتیاز اختلاط کاربری اراضی در محلات هدف، از کیفیت سلامت عمومی افراد کاسته شده است. با توجه به نتایج متفاوت این پژوهش با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی که عمدتاً در شهرهای کشورهای پیشرفته غربی انجام شده است و همچنین فقر جدی مطالعات بومی تجربی و جدید بودن پژوهش‌های مرتبط با برنامه‌ریزی سلامت شهری در ایران، قطعاً نمی‌توان نتایج این پژوهش را به سایر شهرهای ایران تعمیم داد و ضروری است که مطالعات تجربی بیشتری در خصوص شهرهای ایران انجام پذیرد.

کلیدواژه‌ها: اختلاط کاربری اراضی، سلامت عمومی، محیط مصنوع، مشهد

۱. این مقاله برگرفته از یافته‌های طرح پژوهشی با عنوان "مطالعه ارتباط میان کاربری زمین شهری با میزان فعالیت‌های بدنی شهروندان و بررسی تأثیرات آن بر روی سلامت آنها (مطالعه‌ی موردی شهر مشهد)" می‌باشد که با مساعدت‌های صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

۱. مقدمه

طی سال‌های اخیر، ارتباط میان ویژگی‌های محیط محیط مصنوع با سلامت عمومی، کانون توجه پژوهشگران بین المللی (فرانک^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ تسای^۲ و همکاران، ۲۰۱۸؛ کریفیس^۳ و همکاران، ۲۰۱۸) و داخلی (بحرینی و خسروی، ۱۳۸۹؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۶) بسیاری بوده است. این موضوع، با توجه به سیر نگران‌کننده و روز افزون عوامل تهدیدزای سلامت زیست شهروندان، باعث شکل گیری حوزه برنامه ریزی سلامت در مطالعات شهری شده است.

محیط مصنوع در واقع به محیط ساخته شده پیرامون انسان اشاره دارد که زمینه‌ای را برای فعالیت‌های انسانی فراهم می‌کند. به بیانی دیگر، این اصطلاح زمانی استفاده می‌شود که بخواهند به چیزهایی اشاره کنند که در محیط پیرامونی و توسط انسان‌ها، برای انسان‌ها و فعالیت‌های بشری ایجاد شده است (بارتوسکا^۴، ۱۹۹۴). در میان مؤلفه‌های محیط مصنوع، کاربری زمین شهری (به عنوان قلب نظام برنامه‌ریزی شهری) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. چرا که همه جریان‌ها و فعالیت‌های مختلف در فضاهای شهری، از ارتباط میان کاربری‌های مختلف شکل می‌گیرند و اساساً این کاربری‌های شهری هستند که با چگونگی جانمایی و عملکرد خود، محیط مصنوع شهرها را شکل می‌دهند و به همین دلیل نیز، در اغلب مطالعاتی که به ارتباط محیط مصنوع و سلامت پرداخته شده است، کاربری زمین شهری و به طور خاص اختلاط کاربری اراضی به عنوان یک عنصر تعیین کننده مهم مورد بررسی قرار گرفته است (ماترزوف^۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ فاکتور^۶ و همکاران، ۲۰۱۳؛ براونسون^۷ و دیگران، ۲۰۰۹؛ گادیز^۸ و دیگران، ۲۰۱۸؛ کلارک^۹ و جورج^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ هندی و دیگران، ۲۰۰۲؛ سرورو و دانکن، ۲۰۰۳).

اختلاط کاربری اراضی شهری یا توسعه ترکیبی یکی از حوزه‌هایی است که طی سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری و به خصوص پژوهش‌گران حوزه سلامت عمومی قرار گرفته است (سونگ^{۱۱} و نپ^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ هاجنا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴).

در تعریف اختلاط کاربری اراضی، هندی و دیگران (۲۰۰۲)، اختلاط کاربری اراضی را به عنوان مجاورت نسبی کاربری‌های مختلف زمین در درون یک محدوده معین توصیف کرده‌اند. اوینگ و سرورو (۲۰۱۰)، تنوع محیط

1. Frank
2. Tsai
3. Krefis
4. Bartuska
5. Matisziw
6. Factor
7. Brownson
8. Gadais
9. Clarke
10. George
11. Song
12. Knaap
13. Hajna

ساخته شده یا اختلاط کاربری اراضی را به عنوان تعداد کاربری‌های متمایز در یک محدوده معین و اندازه نسبی هر نوع کاربری معین تعریف کرده‌اند. سالنز^۱ و همکاران (۲۰۰۳) تعریفی متفاوت‌تر و ظریف‌تر از اختلاط کاربری اراضی ارائه می‌کنند که در آن تأکید بر سطح تعاملات در بین انواع مختلف کاربری‌ها در درون یک منطقه می‌باشد. در حالی که به نظر می‌رسد تفاوت‌ها جزئی و بی‌اهمیت هستند، اما اولین توصیف، سنجشی دسترسی مبتنی بر فاصله را در مورد اختلاط کاربری اراضی ارائه می‌کند در حالیکه، توصیف دوم، اندازه‌گیری شدت یا الگوی موجود را در ناهمگنی انواع کاربری اراضی نشان می‌دهد و در مقابل، آخرین توصیف، با دقت بیشتری ساختار ترکیبی را نشان می‌دهد با این پیشنهاد که یک متریک (سنجه) اختلاط کاربری اراضی باید مکمل عملکردی انواع مختلف استفاده از زمین را تعیین کند.

با وجود حمایت‌های بی‌شماری که از موضوع اختلاط کاربری اراضی و توسعه ترکیبی طی دهه‌های اخیر صورت گرفته است، اما با این حال، هنوز هم ابهاماتی در خصوص مزایای این الگوی توسعه کاربری وجود دارد. به عنوان نمونه، مانوق و کرایدر (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند که « با وجود محوری بودن مفهوم اختلاط کاربری اراضی در میان مفاهیم اساسی طراحی و برنامه‌ریزی شهری، اما از نظر آنها، هدفی مبهم است و اهدافی که اغلب شاخص‌های واضحی برای اندازه‌گیری میزان حصول و موفقیت وجود ندارد، به مرور اولویت خود را در فرایند برنامه‌ریزی یا اجرا نسبت به اهدافی که راحت‌تر قابل سنجش باشند، از دست می‌دهند».

با این حال، اختلاط کاربری اراضی یکی از مفاهیم کلیدی در پایداری شهری است. شبکه رشد هوشمند، اختلاط کاربری اراضی را یکی از اصول دهگانه رشد هوشمند معرفی نموده است. همچنین در منشور کنگره نوشهرگرایی تأکید شده است که محلات شهری باید فشرده، پیاده‌مدار و دارای اختلاط کاربری اراضی باشند و یا در مباحث مربوط به فرم شهری پایدار و نظریه شهر فشرده، ایجاد اجتماعات فشرده با قابلیت پیاده‌محوری و برخوردار از کاربری اراضی ترکیبی بسیار مورد تأکید می‌باشد (جنکز^۲ و جونز^۳، ۲۰۱۰).

مطالعات متعددی در خصوص ارتباط اختلاط کاربری اراضی با ابعاد مختلف سلامت افراد به خصوص در سطح بین‌المللی انجام شده است. نتایج پژوهش فرانک و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که الگوی کاربری زمین بالاترین همبستگی را با چاقی دارد. اوینگ^۴ و همکاران (۲۰۱۴) عنوان می‌کنند که الگوی توسعه فشرده دارای اختلاط کاربری اراضی احتمالاً تأثیرات سودمندی بر روی بیماریهای مزمن و چاقی دارد. نتایج پژوهش لیدن^۵ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که افراد ساکن در محلات برخوردار از اختلاط کاربری اراضی مناسب نسبت به مناطق حومه‌ای شهرها که از اختلاط کاربری اراضی کمتری برخوردار هستند، از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردار هستند.

1. Saelens
2. Jenks
3. Jones
4. Ewing
5. Lyden

مطالعه دانکن^۱ و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که ساکنان مناطقی از شهر که از اختلاط کاربری بیشتر و امکانات پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری مناسب برخوردارند، در مقایسه با دیگر شهروندان عموماً فعالیت‌های جسمانی بیشتری نیز دارند. یافته‌های مطالعه فرانک (۲۰۰۴) گویای آن است که اختلاط کاربری اراضی بالاترین همبستگی را با چاقی داشته است و هر یک ساعت پیاده‌روی در هر روز احتمال چاقی را تا ۰/۴۸ کاهش می‌داد. بررسی‌های فرانک^۲ و پیو^۳ (۲۰۰۵) نشان داد که توسعه اختلاط کاربری اراضی، تراکم مسکونی و تراکم اشتغال (رشد فشرده) به طور قابل توجهی با کاهش میزان دی اکسید نیتروژن، هیدروژن و مونواکسید کربن در ارتباط است.

در مباحث مربوط به اختلاط کاربری اراضی، عموماً تأکید اصلی بر کاربری‌هایی است که می‌توانند مشوق حضور مردم در فضای شهری باشد که در این میان کاربری‌های تفریحی و خدماتی و فضای سبز جایگاه ویژه‌ای دارند. عموماً اعتقاد بر این است که اختلاط کاربری اراضی می‌تواند دسترسی مردم به فضاهای سبز در دسترس را افزایش دهد. مطالعات نشان می‌دهد فضای سبز مناسب و در دسترس، امکان انجام ورزش و تحرک جسمی را فراهم می‌کند و در نتیجه همین امر باعث افزایش فعالیت‌های بدنی منظم می‌گردد. فعالیت بدنی می‌تواند خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، دیابت، پوکی استخوان، و چاقی، فشار خون را کاهش دهد و باعث تسکین علائم افسردگی و جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های روانی گردد (دوریس^۴ و همکاران، ۲۰۰۳).

برخی پژوهش‌ها، به بررسی ارتباط میان محیط مصنوع و سلامت اجتماعی پرداخته‌اند. برخی معتقدند که در فرم شهری فشرده به دلیل دسترسی به فضای باز عمومی و امکانات پیاده‌روی و اختلاط میان کاربری‌ها، سطوح بالاتری برای راه رفتن وجود دارد، که این امر می‌تواند باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی و بهبود امنیت اجتماعی گردد (گیلز^۵، ۲۰۰۶، ص. ۲۳۵). البته در کنار این نتایج، برخی پژوهش‌ها یافته‌های متفاوتی را نشان می‌دهند. به عنوان نمونه نتایج پژوهش سارلووس^۶ و همکاران (۲۰۱۱) در ایالات متحده نشان داد که بین درجات بالاتر اختلاط کاربری زمین با احتمال بالاتر افسردگی در میان افراد مسن رابطه وجود دارد. بررسی جولین^۷ و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهد که اختلاط بالاتر کاربری اراضی با نشانه‌های بالاتر افسردگی مرتبط می‌باشد. گونگ و همکاران (۲۰۱۶) نیز عنوان می‌کنند که اختلاط کاربری اراضی به عنوان یکی از ویژگی‌های محیط شهری، رابطه معنی دار و قابل سنجشی با پریشانی روانشناختی دارد.

علی‌رغم غنای ادبیات پژوهش در سطح بین‌المللی، بررسی پیشینه پژوهش در سطح داخلی گویای فقر جدی پژوهش‌ها در این حوزه می‌باشد. در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی تنها ۵ عنوان مقاله با کلید واژه اختلاط

-
1. Duncan
 2. Frank
 3. Pivo
 4. De Vries
 5. Giles
 6. Saarloos
 7. Julien

کاربری یافت شد و در پایگاه مجلات تخصصی نور نیز تنها ۷ عنوان مقاله با کلید واژه اختلاط کاربری وجود دارد و نکته مهم آنکه هیچ کدام از این مقالات مرتبط با موضوع اختلاط کاربری با سلامت نیستند.

بررسی کلید واژه محیط مصنوع و محیط ساخته شده نیز نشان داد که در پایگاه مجلات تخصصی نور، به ترتیب ۴ و ۷ مقاله با این عنوان وجود دارد و در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی نیز تنها ۵ عنوان مقاله برای هر دو واژه وجود دارد و این مقالات نیز هیچ کدام به مفهوم سلامت مرتبط نیستند. البته برخی پژوهش‌ها به طور غیرمستقیم به موضوع اختلاط کاربری و رابطه آن با سلامت پرداخته‌اند. به عنوان مثال، آزادی قطار و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به تبیین رابطه بین قابلیت پیاده‌مداری با توزیع فضایی مرگ و میرهای ناشی از سرطان‌های سینه و کولورکتال در تهران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتباط فضایی معکوس و معنی دار بین قابلیت پیاده‌مداری مناطق شهری، نرخ مالکیت خودرو و مرگ و میرهای ناشی از سرطانهای کولورکتال و سینه وجود دارد. در این پژوهش، اختلاط کاربری اراضی یکی از متغیرهای اصلی سنجش قابلیت پیاده‌مداری بوده است. در پژوهشی دیگر، شاددل و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که میان دسترسی به کاربری فضای سبز با مرگ و میر بانوان رابطه وجود دارد و در مناطقی که بانوان فاصله زیادی تا فضای سبز دارند، مرگ بانوان از توزیع فضایی بالایی برخوردار است. همچنین نتایج پژوهش غلامی و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کند که در سطح محله، عواملی مانند دسترسی به فضای سبز، اختلاط کاربری اراضی و فضای باز عمومی، دسترسی به خرده فروشی و اغتشاش محیطی بر سلامت روان افراد تأثیر گذارند.

با توجه به آنکه بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مرتبط، در حوزه شهرهای غربی انجام گرفته‌اند، نتایج آنها را نمی‌توان با قطعیت به شهرهای ایران نسبت داد، به خصوص اینکه موضوع ارتباط میان برنامه‌ریزی شهری و سلامت، موضوعی بسیار جدید در ایران می‌باشد. بر این اساس، با توجه به کمبود مطالعات تجربی در خصوص برنامه‌ریزی شهری (و به طور خاص کاربری اراضی) و سلامت عمومی در شهرهای ایران، مسأله اصلی پژوهش آن است که دریابد آیا نتایج و یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی در خصوص ارتباط میان اختلاط کاربری اراضی شهری با سلامت عمومی را می‌توان برای شهرهای ایران نیز صادق دانست یا خیر؟ با توجه به آنکه فرایندهای شهرنشینی و آسیب‌های اجتماعی آن در ایران نیز همانند سایر شهرهای جهان به مرور خود را نشان داده و خواهند داد، انجام پژوهش در این حوزه می‌تواند به درک بهتر موضوع و در نتیجه تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کارآمدتر در آینده منجر گردد.

۲. متدولوژی

به لحاظ نظری، پژوهش در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای - کاربردی قرار داد. در بخش روش‌شناسی، این تحقیق در تقسیم‌بندی کلان در دسته تحقیقات توصیفی و در زیر مجموعه پژوهش‌های موردی، پیمایشی و همبستگی جای می‌گیرد. گردآوری داده‌های مورد نیاز برای بخش‌های مختلف پژوهش با کمک روش‌های اسنادی و پیمایشی صورت

گرفته است. اختلاط کاربری با سه روش هرفیندال - هیرشمن^۱ و فرانک و همکاران (۲۰۰۶) و آنتروپی شانون سنجش گردید.

مدل پیشنهاد شده توسط فرانک و همکاران (۲۰۰۶) در واقع روش خاصی از آنتروپی است. بر مبنای این مدل، زمانی که یک فضای شهری دارای حداکثر اختلاط کاربری اراضی باشد، امتیاز برابر با یک خواهد بود و بالعکس. شاخص پیشنهاد شده توسط فرانک و همکارانش به دو شکل متفاوت در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ارائه شده است. در مدل ارائه شده در پژوهش سال ۲۰۰۵، تنها سه گونه کاربری مد نظر قرار گرفته شده بود، اما در مدل ارائه شده در پژوهش سال ۲۰۰۶ تعداد کاربری ها به ۶ گونه کاربری مختلف افزایش یافته است.

رابطه ۱ $Land\ Use\ Mix = -A / (\ln(N))$

$A = (b_1/a) * \ln(b_1/a) + (b_2/a) * \ln(b_2/a) + (b_3/a) * \ln(b_3/a) + (b_4/a) * \ln(b_4/a) + (b_5/a) * \ln(b_5/a) + (b_6/a) * \ln(b_6/a)$

b_1 الی b_6 به ترتیب شامل کاربری های مسکونی تک خانواری، مسکونی چند خانواری، خرده فروشی، اداری، آموزشی و تفریحی و فراغتی می باشند.

در این پژوهش برای سنجش اختلاط کاربری اراضی در نواحی مختلف شهر مشهد از فرمول مربوط به سال ۲۰۰۶ استفاده گردید و با توجه به نوع کاربری های مشخص شده در طرح جامع شهر مشهد، کاربری های انتخابی نیز شامل الف) مسکونی، ب) تجاری، پ) اداری - انتظامی، ت) آموزشی، ث) فرهنگی، هنری و مذهبی و ج) تفریحی و ورزشی می باشند.

شاخص هرفیندال - هیرشمن برای حوزه اقتصاد ابداع شده است تا بر اساس آن بتوان میزان تمرکز و تنوع اقتصادی در یک بازار یا منطقه را سنجید. این شاخص را می توان از طریق رابطه ی زیر اندازه گیری کرد:

رابطه ۲) در این رابطه n گویای تعداد بنگاه ها یا واحدهای اقتصادی موجود در یک بازار یا منطقه می باشد و S_i گویای سهم نسبی هر بنگاه یا بخش اقتصادی از کل بازار می باشد.

از این شاخص، در حوزه مطالعات شهری نیز برای سنجش میزان اختلاط کاربری اراضی در مناطق شهری استفاده گردیده است (سونگ و همکاران، ۲۰۱۳). شاخص هرفیندال - هیرشمن همواره عددی بین صفر و یک می باشد. هرچه این عدد به سمت یک میل کند، شهر دارای دارای تمرکز در خدمات و امکانات و کاربری های عمومی در یک منطقه خواهد بود و بالعکس.

و در نهایت شاخص آنتروپی یکی از عمومی‌ترین روش‌ها برای سنجش اختلاط کاربری اراضی می‌باشد. روش محاسبه آنتروپی از طریق رابطه زیر می‌باشد که در آن P_j فراوانی نسبی سهم هر نوع کاربری یا به عبارتی دیگر، مقدار وزن هر یک از لایه‌ها (کاربری‌ها) می‌باشد و $K \geq 2$ تعداد انواع کاربری‌ها را شامل می‌گردد (سونگ و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج محاسبه شده در دامنه‌ای بین ۰-۱ قرار داد به گونه‌ای که صفر گویای همگنی کامل (عدم اختلاط اراضی) و یک گویای تنوع و عدم تجانس کامل (اختلاط اراضی) در درون مرزهای محله / منطقه می‌باشد (هس و همکاران، ۲۰۰۱؛ مانوق^۱ و کرایدر^۲، ۲۰۱۳).

$$ENT = - \left[\sum_{j=1}^k P_j \ln P_j \right] / \ln(k) \quad \text{رابطه ۳}$$

روش سنجش وضعیت سلامت عمومی افراد در این تحقیق، روش «ذهنی و شفاهی اندازه‌گیری سلامت» است که در آن از خود شخص در مورد میزان سلامت وی پرسیده می‌شود. ابزار مورد استفاده برای سنجش سلامت افراد، نسخه ۲۸ سوالی پرسشنامه سلامت عمومی^۳ است که توسط گلدبرگ^۴ (۱۹۷۲) ابداع گردید. برای سنجش فعالیت بدنی افراد نیز از شاخص شارکی و سوالات در مورد میزان پیاده روی روزانه افراد استفاده گردید. با توجه به استاندارد بودن دو ابزار تحقیق، با مرور سوابق مربوط به کاربرد این پرسشنامه توسط محققان مختلف داخلی و خارجی، روایی آن تأیید گردید. پایایی پرسشنامه سلامت عمومی نیز برابر با ۰/۹۰۸ و پرسشنامه شارکی نیز برابر با ۰/۸۱۲ به دست آمد. قلمرو جغرافیایی پژوهش محدوده خدماتی شهر مشهد می‌باشد. با توجه به داده‌های آماری موجود به خصوص اطلاعات مربوط به کاربری زمین شهری و تراکم جمعیت، نواحی ۴۳ گانه و محلات ۱۴۰ گانه شهر مشهد به عنوان ملاک قرار گرفته و از بین آنها، نواحی و محدوده‌های منتخب برای پیمایش انتخاب خواهند گردید. برای انتخاب نمونه آماری مورد نیاز با توجه به هدف اصلی، مقیاس محلات شهری انتخاب شد. در فرایند نمونه‌گیری، ابتدا نواحی ۴۳ گانه شهر مشهد به لحاظ اختلاط کاربری اراضی بر اساس روش‌های سه گانه بررسی گردیدند. پس از شناخت وضعیت اختلاط کاربری اراضی در نواحی ۴۳ گانه، ۱۲ ناحیه‌ی که دارای شرایط متفاوت به لحاظ اختلاط کاربری (اختلاط کاربری پایین، متوسط و بالا) بودند، انتخاب گردیدند و در مرحله بعد، اختلاط کاربری اراضی این نواحی در سطح محلات شهری بررسی گردیده و از میان محلات آنها، ۱۶ محله بر اساس تنوع شرایط اختلاط کاربری اراضی انتخاب گردیده و در نهایت پرسشگری از افراد در میان ساکنان محلات منتخب صورت گرفت. محلات مورد بررسی حدود ۱۰,۶ درصد کل جمعیت شهر مشهد را در خود جای داده‌اند.

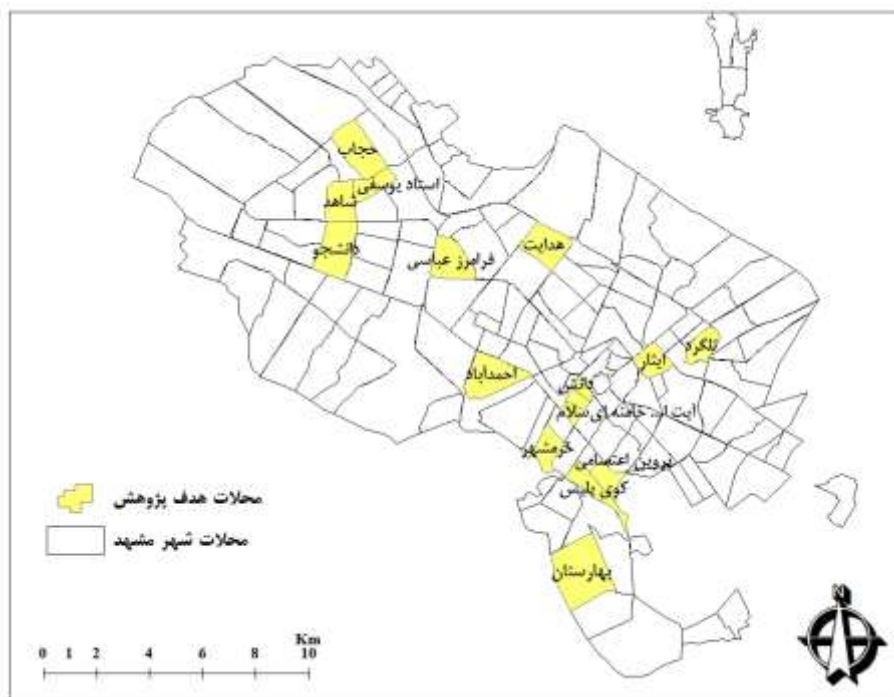
1. Manaugh
2. Kreider
3. (GHQ-28)
4. Goldberg

جامعه آماری تحقیق، شهروندان ۲۵ سال به بالای شهر مشهد است. نمونه آماری دربرگیرنده ۱۰۲۲ نفر از شهروندان شهر مشهد در محلات هدف می باشند که با کمک مرکز افکار سنجی جهاد دانشگاهی مشهد جمع آوری داده های مورد نیاز و پرسشگری از محلات هدف انجام گردید. متغیر مستقل در این پژوهش، اختلاط کاربری اراضی محلات می باشد که با استفاده از روش های سه گانه فوق الذکر محاسبه گردید و متغیر وابسته تحقیق نیز سلامت عمومی شهروندان می باشد که با استفاده از پرسشنامه سلامت عمومی GHQ-28 برای محدوده های منتخب تحلیل گردید.

جدول ۲. ویژگی های کاربری اراضی محدوده های هدف پژوهش

منطقه	ناحیه	محلات مورد مطالعه	تراکم جمعیت	اختلاط کاربری اراضی		
				فرانک و همکاران	هرفیندال	آنتروپی شانون
یک	یک	احمد آباد	کم	متوسط	متوسط	متوسط
دو	سه	هدایت	خیلی کم	متوسط	متوسط	متوسط
	چهار	فرامرز عباسی	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط
چهار	یک	ایثار	متوسط	متوسط	متوسط	پایین
	دو	تلگرد	خیلی زیاد	متوسط	متوسط	متوسط
هفت	دو	کوی پلیس	خیلی کم	متوسط	بالا	متوسط
		پروین اعتصامی	کم	متوسط	بالا	متوسط
	چهار	بهارستان	کم	پایین	پایین	پایین
هشت	یک	آیت الله خامنه ای	خیلی کم	بالا	بالا	متوسط
		دانش	خیلی کم	بالا	بالا	متوسط
		سلام	خیلی کم	بالا	بالا	متوسط
	سه	خرمشهر	متوسط	پایین	متوسط	پایین
ده	یک	شاهد	کم	متوسط	بالا	متوسط
		استاد یوسفی	متوسط	متوسط	بالا	متوسط
	سه	حجاب	زیاد	متوسط	متوسط	متوسط
	دو	دانشجو	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۱. محدوده‌های منتخب برای تحلیل‌های پیمایشی و پرسشگری

۳. یافته‌ها

۳.۱. سنجش وضعیت سلامت عمومی افراد

برای تعیین زیرمقیاس‌های سلامت عمومی از تحلیل عاملی استفاده گردید. بر اساس این آزمون، ۵ عامل اصلی به عنوان زیرمقیاس سلامت مشخص نمود که شامل عامل‌های کارکرد (سلامت) جسمانی، اختلال خواب، اضطراب، کارکرد اجتماعی و افسردگی. برای بررسی سلامت عمومی افراد، از روش لیکرت استفاده گردید و گزینه‌ها بصورت (۰-۱-۲-۳) نمره‌دهی شدند^۱. بر این اساس کل نمره یک فرد از صفر تا ۸۴ متغیر خواهد بود که نمره کمتر بیانگر شرایط سلامت بهتر و بالعکس است. برای مقایسه سلامت عمومی افراد از نقطه برش ۲۲ برای سلامت عمومی کل و نقطه برش ۶ برای ابعاد سلامت جسمانی و افسردگی، نقطه برش ۳ برای ابعاد اختلال خواب و کارکرد اجتماعی و نقطه برش ۴/۵ برای بعد اضطراب استفاده گردید. بر اساس پرسش‌نامه سلامت عمومی گلدبرگ، نمره نهایی که افراد کسب می‌کنند، در یکی از دو حیطه‌ی نمره سالم (اختلال هیچ یا کمترین حد با نمره کل از صفر تا ۲۲) و نمره‌ی ناسالم (در یکی از سه حیطه‌ی اختلال خفیف، متوسط و یا شدید با نمره‌ی کل بیش از ۲۲ تا ۸۴) قرار خواهند گرفت.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که در محدوده‌های مورد مطالعه، به طور کلی ۱۹/۷ درصد پاسخگویان در وضعیت سالم قرار داشته‌اند، ۴۷ درصد در وضعیت اختلال خفیف و ۱۹ درصد در وضعیت اختلال متوسط و ۰/۷

۱. این روش امتیازدهی، استاندارد خاص پرسشنامه می‌باشد و در اکثر پژوهش‌های پیشین، بر این مبنا، گویه‌ها کدگذاری شده‌اند.

درصد نیز دارای اختلال شدید بوده‌اند (جدول ۲). همچنین تحلیل‌ها به تفکیک حوزه‌های پنج‌گانه سلامت عمومی در میان مشارکت کنندگان گویای آن است که بهترین وضعیت سلامتی مربوط به حوزه افسردگی می‌باشد و بدترین مربوط به حوزه اضطراب می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳. وضعیت زیربخش‌های پنج‌گانه سلامت عمومی پاسخگویان (درصد)

افسردگی	کارکرد اجتماعی	اضطراب	اختلال خواب	کارکرد جسمانی	
۶۱/۵	۲۹/۳	۱۵	۱۸/۲	۲۲/۸	سالم
۲۹/۹	۵۶	۵۰/۸	۶۲/۳	۳۶/۷	اختلال خفیف
۶/۲	۱۰/۸	۲۲/۲	۱۶	۲۴/۲	اختلال متوسط
۰/۸	۳/۳	۴/۳	۱/۹	۱۲	اختلال شدید
۱/۶	۰/۷	۷/۷	۱/۶	۴/۳	اظهار نشده

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۲. اختلاط کاربری اراضی، فعالیت بدنی و پیاده روی

برای سنجش فعالیت بدنی افراد از چند روش استفاده گردید. نخست استفاده از پرسشنامه استاندارد میزان فعالیت بدنی شارکی^۱ که دارای پنج سؤالی می‌باشد. به هر سؤال حداقل امتیاز ۱ و حداکثر ۵ تعلق می‌گیرد. بنابراین مجموع امتیاز هر فرد از پرسشنامه بین ۵ تا ۲۵ است و امتیاز بالاتر گویای شدت فعالیت بدنی بیشتر توسط فرد می‌باشد. روش دیگر برای سنجش فعالیت بدنی افراد، سنجش میزان آمادگی جسمانی آنها است. در این تحقیق برای اندازه‌گیری آمادگی جسمانی افراد، از روش سنجش میزان پیاده‌روی افراد در طی روز استفاده شد. مطالعات نشان داده‌اند رابطه مستقیمی بین میزان پیاده‌روی و میزان آمادگی جسمی افراد وجود دارد، پس بر این اساس، می‌توان از میزان پیاده‌روی افراد برای پیش بینی میزان آمادگی جسمانی افراد استفاده کنیم (بحرینی و خسروی، ۱۳۸۹، ص ۸).

بر اساس یافته‌های تحقیق، ۴۰/۶ درصد پاسخگویان روزانه کمتر از نیم ساعت پیاده روی داشته‌اند، ۳۳/۶ درصد بین نیم تا یک ساعت و ۲۵/۸ درصد نیز بالاتر از یک ساعت در روز پیاده روی برای مقاصد مختلف داشته‌اند. همچنین از میان کسانی که فعالیت بدنی منظم داشته‌اند، بر مبنای شدت فعالیت بدنی (شارکی)، ۴۱ درصد فعالیت بدنی خیلی پایین، ۳۳/۱ درصد فعالیت بدنی متوسط، ۲۱/۱ درصد فعالیت بدنی زیاد و ۴/۷ درصد فعالیت بدنی شدید داشته‌اند.

نتایج پژوهش نشان داد که در محدوده‌های مورد مطالعه میان پیاده روی روزانه افراد با سلامت عمومی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. همانگونه که داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد ضرایب همبستگی برای سلامت عمومی کل و مؤلفه‌های آن منفی باشد. این ضرایب در واقع گویای آن است که با افزایش میزان پیاده روی روزانه افراد از امتیاز

سلامت عمومی آنها کاسته شده است. با توجه به آنکه در امتیازدهی GHQ-28 امتیاز پایین تر گویای سلامت عمومی بهتر و امتیاز بالاتر گویای سلامت عمومی بدتر می‌باشد، پس بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که همراه با افزایش فعالیت بدنی شهروندان، از امتیاز سلامت عمومی آنها کاسته شده و در واقع سلامت عمومی آنها بهبود یافته است.

جدول ۴. رابطه پیاده روی روزانه با سلامت عمومی افراد

سلامت عمومی (کل)	افسردگی	کارکرد اجتماعی	اضطراب	اختلال خواب	سلامت جسمانی	
-۰/۳۵۲**	-۰/۳۰۲**	-۰/۱۲۲**	-۰/۲۸۹**	-۰/۲۴۹**	-۰/۳۳۸**	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری
						پیاده روی روزانه

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتایج تحلیل ارتباط میان اختلاط کاربری اراضی با فعالیت بدنی نشان داد که هیچ‌گونه همبستگی معنی‌داری میان اختلاط کاربری اراضی با فعالیت بدنی شهروندان (پرسشنامه شارکی) و میزان پیاده‌روی روزانه پاسخگویان برای فعالیت‌های مختلف مشاهده نگردید. به طور کلی می‌توان گفت که بررسی‌ها نشان داد که در محدوده‌های مورد مطالعه، ارتباط معنی‌داری میان اختلاط کاربری اراضی به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم محیط مصنوع، با فعالیت بدنی و پیاده‌روی افراد وجود ندارد و بنابراین بایستی در این زمینه به دنبال متغیرهای دیگری بود که می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای بر افزایش / کاهش تحرک و فعالیت بدنی شهروندان در فضای شهری داشته باشند.

جدول ۴. رابطه اختلاط کاربری با فعالیت بدنی افراد (پرسشنامه شارکی)

آنتروپی شانون	هرفیندال - هریشمن	فرانک و دیگران	
-۰/۰۶۳	-۰/۰۸۰	-۰/۰۲۹	ضریب همبستگی
۰/۲۱۱	۰/۱۰۹	۰/۵۶۵	سطح معنی داری
۴۰۲	۴۰۲	۴۰۲	نمونه آماری
			فعالیت بدنی

نکته: تعداد کل نمونه ۱۰۲۲ مورد می‌باشد. عدد ۴۰۲ مربوط به کسانی است که دارای تحرک و فعالیت بدنی بوده‌اند و مابقی افرادی بوده‌اند که اظهار داشته‌اند هیچ‌گونه تحرک و فعالیت بدنی ندارند.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۵. رابطه اختلاط کاربری اراضی با میزان پیاده روی روزانه افراد

آنتروپی شانون	هرفیندال - هریشمن	فرانک و دیگران	
۰/۰۶۹	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۳	ضریب همبستگی
۰/۰۶۷	۰/۴۰۵	۰/۷۴۰	سطح معنی داری
۶۹۷	۶۹۷	۶۹۷	نمونه آماری
			میزان پیاده روی روزانه

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۳. اختلاط کاربری اراضی و سلامت عمومی

یافته‌های مربوط به چگونگی ارتباط اختلاط کاربری اراضی با سلامت عمومی افراد گویای آن است که: بر مبنای شاخص اختلاط کاربری فرانک و دیگران (۲۰۰۶)، بین اختلاط کاربری با سلامت عمومی کل و ابعاد سازنده آن رابطه معنی داری وجود دارد، منتهی این رابطه به گونه‌ای است که تنها اختلاط کاربری اراضی باعث بهبود سلامت عمومی کلی و ابعاد آن نگردیده است، بلکه باعث کاهش سلامت عمومی افراد نیز گردیده است. ضرایب مثبت در جدول ۶ نشان می‌دهد که با افزایش امتیاز اختلاط کاربری (اختلاط کاربری بیشتر)، بر میزان امتیاز سلامت عمومی کلی افراد نیز افزوده می‌شود و از آنجائیکه کدگذاری امتیازهای مربوط به سلامت عمومی کلی به صورت معکوس می‌باشد (امتیاز کمتر = سلامت بیشتر و بالعکس)، بر این اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که رابطه و همبستگی منفی میان دو متغیر وجود دارد. بر مبنای شاخص اختلاط کاربری هرفیندال - هریشمن، به جز بعد اختلال خواب، میان اختلاط کاربری اراضی با سلامت عمومی و مؤلفه‌های سازنده آن همانند روش فرانک، اختلاط کاربری اراضی نه تنها نتوانسته است به افزایش و بهبود کیفیت این شاخص‌ها منجر گردد، بلکه به کاهش وضعیت سلامت عمومی پاسخگویای در ابعاد فوق منجر گردیده است. نتایج مربوط به شاخص اختلاط کاربری آنتروپی شانون نیز دقیقاً همانند یافته‌های روش هرفیندال - هریشمن می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶. همبستگی اختلاط کاربری اراضی و سلامت عمومی

اختلاط کاربری	سلامت جسمانی	اختلال خواب	اضطراب	کارکرد اجتماعی	افسردگی	سلامت عمومی کل
فرانک و دیگران	ضریب همبستگی	۰/۳۰۴**	۰/۱۵۷**	۰/۲۶۹**	۰/۲۱۶**	۰/۳۳۲**
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
هرفیندال	ضریب همبستگی	۰/۴۱۴**	۰/۰۵۴	۰/۱۸۲**	۰/۲۵۷**	۰/۳۱۹**
هریشمن	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آنتروپی	ضریب همبستگی	۰/۴۲۱**	۰/۰۴۸	۰/۱۳۸**	۰/۰۹۸**	۰/۲۴۵**
شانون	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در ادامه با توجه به وجود روابط معنی دار میان اختلاط کاربری و سلامت عمومی، ابتدا میانگین امتیاز اختلاط کاربری اراضی محلات هدف، با تلفیق میانگین امتیازهای روش‌های سه‌گانه فوق‌الذکر محاسبه گردید. سپس سعی گردید با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره نسبت به برآورد میزان تأثیرگذاری اختلاط کاربری بر هر یک از ابعاد سلامت عمومی اقدام گردد. همانگونه که داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد بیشترین تأثیرگذاری اختلاط کاربری اراضی با سلامت جسمانی با ضریب تعیین ۰/۱۵۹ و مقدار بتای ۰/۳۹۹ و در مقابل کمترین تأثیرگذاری اختلاط کاربری بر

اختلال خواب با ضریب تعیین ۰/۰۰۵ و مقدار بتای ۰/۰۷۹ می باشد. ردیف آخر نشان می‌دهد که اختلاط کاربری اراضی به تنهایی توان تبیین ۱۱/۹ درصد تغییرات سلامت عمومی کل را برای افراد برخوردار می‌باشد.

جدول ۷. رگرسیون چند متغیره ارتباط اختلاط کاربری اراضی با سلامت عمومی

	R ²	Adj.R ²	Beta	Sig.
سلامت جسمانی	۰/۱۶۰	۰/۱۵۹	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
اختلال خواب	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۷۹	۰/۰۰۱
اضطراب	۰/۰۳۹	۰/۰۳۹	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰
کارکرد اجتماعی	۰/۰۴۸	۰/۰۴۷	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
افسردگی	۰/۰۸۶	۰/۰۸۵	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰
سلامت عمومی کل	۰/۱۲۰	۰/۱۱۹	۰/۳۴۶	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در این پژوهش، علاوه بر اختلاط کاربری اراضی، به بررسی ارتباط میان دسترسی به کاربری فضای سبز و سلامت نیز پرداخته شد. نتایج پژوهش‌های مختلف (مس^۱ و همکاران، ۲۰۰۹؛ ویلانووا^۲ و همکاران، ۲۰۱۲؛ الساندرو^۳ و همکاران، ۲۰۱۵ و شاددل، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) گویای تأثیر مثبت دسترسی به فضای سبز بر بهبود سلامت افراد در حوزه‌های مختلف می‌باشد. نتایج این پژوهش در این خصوص نشان می‌دهد که در محدوده‌های مورد مطالعه رابطه معکوسی میان فاصله تا فضای سبز شهری با امتیاز مربوط به سلامت عمومی کل، سلامت جسمانی، اضطراب وجود دارد. به عبارت دیگر، در محدوده‌های مورد بررسی، رابطه میان دسترسی به پارک و فضای سبز شهری با سلامت عمومی و ابعاد آن معکوس می‌باشد. هرچه فاصله زمانی دسترسی پاسخگویان به پارک نزدیکتر باشد، وضعیت سلامتی آنها نامطلوب‌تر می‌باشد. داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که در ابعاد سلامت جسمانی، اضطراب و سلامت عمومی کل، ضرایب همبستگی منفی می‌باشند، بدین معنا که با کاهش دسترسی شهروندان به پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، بر میزان سلامت شهروندان افزوده شده است (دلیل منفی بودن ضرایب به واسطه معکوس بودن امتیازات حوزه سلامت می‌باشد یعنی امتیاز کمتر = سلامت بهتر و بالعکس). اما در سوی دیگر، در خصوص کارکرد اجتماعی نتایج نشان می‌دهد که با افزایش فاصله دسترسی افراد به پارک از کیفیت کارکرد اجتماعی او کاسته می‌گردد و بالعکس با کاهش فاصله زمانی دسترسی فرد به پارک بر کیفیت کارکرد اجتماعی او افزوده می‌گردد و به بیانی دیگر رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار میان فاصله تا پارک و کیفیت کارکرد اجتماعی وجود دارد.

1. Mass
2. Villeneuve
3. Alessanddro

جدول ۸. رابطه دسترسی به پارک و سلامت عمومی افراد

		سلامت عمومی کل	افسردگی	کارکرد اجتماعی	اضطراب	اختلال خواب	سلامت جسمانی
دسترسی به پارک	ضریب همبستگی	-۰/۱۱۸**	۰/۰۱۸	۰/۱۴۷**	-۰/۱۷۳**	۰/۰۰۳	-۰/۲۱۳**
	سطح معنی داری	۰/۰۰۲	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۲۵	۰/۰۰۰
	نمونه آماری	۶۶۶	۷۴۲	۷۵۲	۷۰۶	۷۴۵	۷۲۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتایج مربوط به بررسی ارتباط میان مساحت پارک‌ها در محلات مورد مطالعه با وضعیت سلامت عمومی نیز گویای تأیید نتایج بخش پیشین می‌باشد. همانگونه که داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد در محلات مورد مطالعه با افزایش مساحت فضای سبز شهری بر امتیازات مربوط به ابعاد سلامت جسمانی، اضطراب، کارکرد اجتماعی، افسردگی، سلامت عمومی کل افزوده است (به عبارت دیگر از کیفیت سلامت فرد در این ابعاد کاسته شده است. چون امتیاز بیشتر = سلامت کمتر و امتیاز کمتر = سلامت بیشتر).

جدول ۹. تحلیل همبستگی مساحت پارک‌های شهری و سلامت عمومی

		سلامت عمومی کل	افسردگی	کارکرد اجتماعی	اضطراب	اختلال خواب	سلامت جسمانی
مساحت پارک	ضریب همبستگی	۰/۱۰۲**	۰/۰۶۸*	۰/۰۸۸**	۰/۰۷۸*	۰/۰۳۸	۰/۰۹۰**
	سطح معنی داری	۰/۰۰۲	۰/۰۳۱	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۰/۲۲۸	۰/۰۰۵
	فراوانی	۸۸۳	۱۰۰۶	۱۰۱۵	۹۴۴	۱۰۰۷	۹۷۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

همانند نتایج مربوط به ارتباط اختلاط کاربری اراضی و سلامت، نتایج مربوط به ارتباط فضای سبز و سلامت نیز متفاوت با نتایج مطالعات پیشین (که البته عمدتاً در کشورهای توسعه یافته انجام یافته است) می‌باشد. با توجه به تفاوت نتایج این پژوهش با پژوهش‌های بین‌المللی، به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا در ایران مطالعه‌ی خاصی در خصوص ارتباط میان فضای سبز و سلامت صورت گرفته است یا خیر؟ و اینکه در صورت موجود بودن چنین پژوهش‌هایی، نتایج آنها چه بوده است. بررسی نشان داد که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نبی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی میزان انطباق‌پذیری پارک‌های شهر تهران با رویکرد شفابخشی باغ‌ها» دارای هماهنگی و انطباق می‌باشد. در این پژوهش که اتفاقاً در سنجش بعد سلامت روانی از پرسشنامه سلامت عمومی GHQ گلدبرگ استفاده نموده است، یافته گویای آن است که در ۸ پارکی که مورد بررسی قرار گرفته اند، این پارک‌ها از میزان شاخصه‌های شفابخشی و نیز اکولوژیکی در اکثر سطوح، در موقعیت ضعیف و یا بسیار ضعیف قرار دارند و از اینرو، مطالعات این تحقیق، ضرورت طراحی و بازطراحی پارک‌ها را براساس اصول علمی روشن می‌سازد. بر این

اساس، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که نتایج مربوط به ارتباط فضای سبز و سلامت در این تحقیق با نتایج مربوط به اختلاط کاربری اراضی و سلامت که در بخش‌های پیشین بررسی گردید همخوانی و انطباق دارد و لذا از آنجا که کاربری فضای سبز یکی از کاربری‌های مهمی است که در سنجش اختلاط کاربری اراضی مورد بررسی قرار می‌گیرد، ارتباط معکوس میان اختلاط کاربری اراضی و سلامت در واقع به نوعی تأثیرگذار بر وجود ارتباط معکوس میان فضای سبز و سلامت نیز می‌باشد.

۴. بحث

شهرها سیستم‌های پیچیده‌ای هستند که بر بستر شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و تکامل می‌یابند و بر این اساس، هر یک برای خود دارای موجودیت مستقلی هستند که شناخت آنها باید با توجه به بافت و زمینه آنها صورت گیرد. این موضوع به خصوص بر مبنای یافته‌های این پژوهش تصدیق می‌گردد. یافته‌های این پژوهش تفاوت‌های جدی را با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی نشان داد (البته هر چند که نباید به یک تک مطالعه و تک مقاله اکتفا نمود و قطعاً بایستی پژوهش‌های بیشتری در این خصوص صورت گیرد). بر مبنای نتایج پژوهش مشخص گردید که در محدوده‌های مورد مطالعه هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری میان اختلاط کاربری اراضی با فعالیت بدنی پاسخگویان مشاهده نگردید و بالعکس افزایش اختلاط کاربری اراضی منجر به افزایش فاصله زمانی دسترسی پاسخگویان (به صورت پیاده) به پارک‌های شهری شده است. این بدان معنی است که تشدید استفاده از اراضی شهری در محدوده‌های مورد مطالعه، هر چند به ظاهر باعث تنوع عملکردی محدوده و اختلاط کاربری بیشتر شده است، اما به واسطه ارزش‌گذاری بالای زمین در مناطق شهری، فضا برای ایجاد پارک و فضای سبز (که کاربری‌های غیرانتفاعی هستند و باید توسط بخش عمومی ایجاد گردند) کاهش پیدا کرده است و در نتیجه شهروندان مجبورند فاصله‌ی زیادی را برای دسترسی به این فضاها طی نمایند. در نتیجه اختلاط کاربری اراضی بیشتر باعث کاهش تمایل شهروندان به پیاده روی (که نوعی از فعالیت بدنی است) برای دسترسی به فضاهای سبز و پارک‌ها شده است. علاوه بر این، نتایج مربوط به میزان پیاده‌روی روزانه افراد نشان داد که اختلاط کاربری اراضی هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری با میزان پیاده‌روی روزانه شهروندان ندارد. چرایی این موضوع را می‌توان این گونه بیان نمود که در روش‌های سنجش اختلاط کاربری اراضی، فقط مساحت کاربری‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و موضوعاتی چون کیفیت کاربری‌ها، چگونگی توزیع آنها، چگونگی طراحی آنها اصلاً بررسی نمی‌گردد، در صورتی که یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار در حوزه فعالیت بدنی در شهر، کیفیت محیط شهری است و نه صرفاً کمیت وجود فضاها. شاید بتوان یکی از دلایل این‌وجه افتراق را در این دانست که در شهرهای کشورهای پیشرفته‌ای که این روش‌ها و مدل‌ها عموماً در آنجا ساخته و استفاده شده‌اند، به واسطه وجود سازوکارهای نظام‌مند برنامه‌ریزی و طراحی شهری، کیفیت محیط شهری همیشه مدنظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری قرار می‌گیرد و در این شهرها، صرف وجود یا عدم وجود اختلاط کاربری اراضی و توسعه ترکیبی به متغیری تعیین‌کننده برای فعالیت بدنی تبدیل می‌گردد، در

صورتی که در شهرهای کشورهای در حال توسعه و همچنین ایران، به علت فقدان نظام برنامه‌ریزی کارآمد، بایستی مجموعه‌ای از عوامل کمی و کیفی در کنار یکدیگر جمع گردند تا این فضاها بتوانند منجر به پیامدهای مثبت در حوزه فعالیت بدنی گردند. بررسی‌ها در خصوص ارتباط اختلاط کاربری اراضی با سلامت عمومی افراد مشخص ساخت که اختلاط کاربری اراضی در محدوده‌های مورد مطالعه نه تنها باعث بهبود سلامت عمومی شهروندان نشده است، بلکه باعث تشدید و بدتر شدن شاخص‌های سلامت عمومی شهروندان نیز گشته است. این وضعیت تقریباً برای هر سه روشی که با کمک آنها اختلاط کاربری اراضی سنجیده شد، نتایج مشابهی داشته است. در واقع یافته‌های این پژوهش نشان دادند که برخلاف نتایج مطالعات پیشین در خصوص تأثیرگذاری اختلاط کاربری اراضی بر بهبود سلامت فرد در ابعاد مختلف، در شهر مشهد و محدوده‌های مورد مطالعه، چنین نتایجی حاصل نگردید و بالعکس در برخی موارد اختلاط کاربری اراضی باعث تأثیرگذاری منفی بر روی سلامت شهروندان در برخی ابعاد بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد به طور یقین نمی‌توان نتایج یافته‌های پژوهش‌های مربوط به شهرهای کشورهای پیشرفته در خصوص تأثیر اختلاط کاربری اراضی بر سلامت عمومی شهروندان را به شهرهای ایران نسبت داد. بخشی از چرایی این امر را می‌توان اینگونه توضیح داد که متأسفانه در ایران موضوع اختلاط کاربری اراضی و جایگاه آن در توسعه پایدار شهری و سلامت جایگاهی در میان مدیران و سیاست‌گذاران شهری ندارد و در واقع آنچه که اتفاق افتاده است، نه بر مبنای یک برنامه‌ریزی هدفمند و از پیش اندیشیده شده، بلکه بر مبنای جریان بازار زمین شهری و انتخاب عقلایی شهروندان بوده است. علاوه بر اینکه سیاست‌هایی چون تراکم فروشی، فضا فروشی، قانون فروشی و ... در شهرهای ایران و مشهد طی دهه‌های اخیر (که همه آنها با هدف کسب درآمد کوتاه مدت برای شهرداری‌ها بوده است) عملاً باعث شده است تا در سیاست‌گذاری‌های شهری، عملاً نظامات شهرسازی کمتر جدی گرفته شوند. نکته دیگر اینکه، در ایران هیچ‌گونه ارتباط مدون و مشخص و چهارچوب‌مندی میان سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت و سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری وجود ندارد. به واسطه رویکرد بخشی و جزیره‌ای نظام برنامه‌ریزی در ایران، هر یک از این دو حوزه به دنبال اجرای سیاست‌های مدنظر خود هستند و لذا اگر مشاهده می‌کنیم که میان الگوی کاربری زمین با سلامت رابطه‌ای وجود ندارد و یا حتی رابطه به شکل معکوس می‌باشد، به آن دلیل است که عملاً در سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری ایران، موضوع سلامت جایگاهی ندارد و شاید اصلاً قرار نیست سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری به موضوع سلامت شهروندان بیانديشد. در واقع می‌توان گفت یافته‌های این بخش از پژوهش گویای وضعیت نامطلوب نظام برنامه‌ریزی شهری ایران می‌باشد. قطعاً نتایج این پژوهش را نمی‌توان برای همه شهرهای ایران مصداق دانست. لذا ضروری است با ایجاد زمینه‌های تحقیقاتی بین رشته‌ای و میان رشته‌ای در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و سیاست‌گذاری سلامت تلاش نمود تا با کشف کم و کیف ارتباط میان این دو حوزه، در نهایت بتوان زمینه را برای ایجاد شهرهایی سالم و اجتماعی سالم فراهم ساخت.

۶. سیاست‌گذاری

این مقاله برگرفته از یافته‌های طرح پژوهشی با عنوان "مطالعه ارتباط میان کاربری زمین شهری با میزان فعالیت‌های بدنی شهروندان و بررسی تأثیرات آن بر روی سلامت آنها - مطالعه‌ی موردی شهر مشهد" با کد ۹۴۸۱۱۸۸۶ می‌باشد که با مساعدت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور به انجام رسیده است.

کتاب‌نامه

۱. آزادی قطار، س.، مشکینی، ا.، رکن الدین افتخاری، ع.، مصطفوی، ا.، و احدنژاد روشتی، م. (۱۳۹۶). تبیین رابطه بین قابلیت پیاده‌مداری مناطق شهری با توزیع فضایی مرگ‌ومیرهای ناشی از سرطان‌های سینه و کولورکتال در شهر تهران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۱ (۳)، ۵۵-۹۴.
۲. بحرینی، س. ح.، و خسروی، ح. (۱۳۸۹). معیارهای کالبدی فضایی موثر بر میزان پیاده‌روی، سلامت و آمادگی جسمانی - مطالعه شهر هشتگرد. *هنرهای زیبا*، ۴۳، ۵-۱۶.
۳. شاددل، ل.، رهنما، م. ر.، و خوارزمی، ا. ع. (۱۳۹۶). تحلیل خودهمبستگی فضایی مرگ و میر بانوان و دسترسی به فضاهای سبز شهری در شهر مشهد (ویتامین G). *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲ (۳)، ۱۱-۲۲.
۴. لطفی، ص.، قدمی، م.، و حسین‌پور عسگر، م. (۱۳۹۶). مطالعه‌ی اثرات توزیع کاربری اراضی بر سلامت شهروندان، مطالعه موردی شهر بابلسر. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹، ۱۳۹-۱۵۴.
۵. نبی‌زاده، م. م.، جهانگیر، ص.، و ابراهیم‌زاده، ف. (۱۳۹۶). بررسی میزان انطباق‌پذیری پارک‌های شهر تهران با رویکرد شفابخشی باغ‌ها. *فصلنامه علمی - تخصصی معماری سبز*، ۹، ۱۵۴-۱۶۵.

6. Bartuska, T. (1994). *The Built Environment Definition and Scope in "Introduction: Definition, Design, and Development of the Built Environment"*. London: Crisp Publication.
7. Brownson, R. C., Hoehner, C. M., Day, K., Forsyth, A., & Sallis, J. F. (2009). Measuring the built environment for physical activity: state of the science. *American journal of preventive medicine*, 36(4), S99-S123.
8. Cervero, R., & Duncan, M. (2003). Walking, bicycling, and urban landscapes: evidence from the San Francisco Bay Area. *American journal of public health*, 93(9), 1478-1483.
9. Clarke, P., & George, L. K. (2005). The role of the built environment in the disablement process. *American journal of public health*, 95(11), 1933-1939.
10. De Vries, S., Verheij, R. A., Groenewegen, P. P., & Spreeuwenberg, P. (2003). Natural environments—healthy environments? An exploratory analysis of the relationship between greenspace and health. *Environment and planning A*, 35(10), 1717-1731.
11. Duncan, M. J., Spence, J. C., & Mummery, W. K. (2005). Perceived environment and physical activity: a meta-analysis of selected environmental characteristics. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 2(1), 1-9.
12. Ewing, R., Meakins, G., Hamidi, S., & Nelson, A.C. (2014). Relationship between urban sprawl and physical activity, obesity, and morbidity—Update and refinement. *Health Place*, 26, 118-126.
13. Factor, R., Awerbuch, T., & Levins, R. (2013). Social and land use composition determinants of health: Variability in health indicators. *Health & place*, 22, 90-97.

14. Frank, L. D., Sallis, J. F., Conway, T. L., Chapman, J. E., Saelens, B. E., & Bachman, W. (2006). Many pathways from land use to health - associations between neighborhood walkability and active transportation, body mass index, and air quality. *Journal of the American Planning Association*, 72(1), 75-87.
15. Frank, L., & Pivo, G. (2005). Impacts of mixed use and density on utilization of three modes of travel: single-occupant vehicle, transit, and walking. [Internet] Disponível em :< <http://www.Reconnectingamerica.Org/assets/Uploads.Frank-and-Pivo.Pdf>> [Acessado em Fevereiro de 2012].
16. Gadais, T., Boulanger, M., Trudeau, F., & Rivard, M. C. (2018). Environments favorable to healthy lifestyles: A systematic review of initiatives in Canada. *Journal of sport and health science*, 7(1), 7-18.
17. Giles-Corti, B. (2006). *The impact of urban form on public health*. Canberra: Australian State of the Environment Committee.
18. Hajna, S., Dasgupta, K., Joseph, L., & Ross, N. A. (2014). A call for caution and transparency in the calculation of land use mix: measurement bias in the estimation of associations between land use mix and physical activity. *Health & place*, 29, 79-83.
19. Handy, S. L., Boarnet, M. G., Ewing, R., & Killingsworth, R. E. (2002). How the built environment affects physical activity: views from urban planning? *American journal of preventive medicine*, 23(2), 64-73.
20. Jenks, M., & Jones, C. (Eds.). (2010). *Dimensions of the sustainable city*. London: Springer.
21. Julien, D., Richard, L., Gauvin, L., & Kestens, Y. (2012). Neighborhood characteristics and depressive mood among older adults: an integrative review. *International psychogeriatrics*, 24(8), 1207-1225.
22. Krefis, A. C., Augustin, M., Schlünzen, K. H., Oßenbrügge, J., & Augustin, J. (2018). How does the urban environment affect health and well-being? A systematic review. *Urban Science*, 2(1), 21.
23. Manaugh, K., & Kreider, T. (2013). What is mixed use? Presenting an interaction method for measuring land use mix. *Journal of Transport and Land use*, 6(1), 63-72.
24. Matisziw, T. C., Nilon, C. H., Stanis, S. A. W., LeMaster, J. W., McElroy, J. A., & Sayers, S. P. (2016). The right space at the right time: The relationship between children's physical activity and land use/land cover. *Landscape and Urban Planning*, 151, 21-32.
25. Saarloos, D., Alfonso, H., Giles-Corti, B., Middleton, N., & Almeida, O. P. (2011). The built environment and depression in later life: the health in men study. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 19(5), 461-470.
26. Saelens, B. E., Sallis, J. F., Black, J. B., Chen, D. (2003). Neighborhood-based differences in physical activity: an environment scale evaluation. *American Journal of Public Health*, 93(9), 1552-8.
27. Song, Y., & Knaap, G. J. (2004). Measuring the effects of mixed land uses on housing values. *Regional Science and Urban Economics*, 34(6), 663-680.
28. Song, Y., Merlin, L., & Rodriguez, D. (2013). Comparing measures of urban land use mix. *Computers, Environment and Urban Systems*, 42, 1-13.
29. Tsai, W. L., McHale, M. R., Jennings, V., Marquet, O., Hipp, J. A., Leung, Y. F., & Floyd, M. F. (2018). Relationships between characteristics of urban green land cover and mental health in US metropolitan areas. *International journal of environmental research and public health*, 15(2), 340-362.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

اعتباریابی پرسشنامه برندآفرینی شهری_ورزشی (مطالعه موردی: جویبار)

سعید تابش (استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران)

s.tabesh@umz.ac.ir

میثم نوری خان یوردی (دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، نویسنده مسئول)

meysam1896@yahoo.com

میرداود حسینی (دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

m.d_hoseini@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳

صص ۳۶-۱۹

DOI: 10.22067/JGUSD.2021.47986.0

مقاله پژوهشی

چکیده

اهمیت ورزش در جذب گردشگر، سرمایه و همچنین ارتقاء جایگاه شهر بسیار مورد توجه است. با این حال، پتانسیل برندسازی ورزشی در تعداد زیادی از شهرهای کشورهای در حال توسعه واقعیت پیدا نکرده است. بنابراین مسئله اصلی این است که چه عواملی برای برندسازی شهرها از طریق ورزش نیاز است. لذا، پژوهش حاضر با هدف اعتبار سنجی پرسشنامه برندسازی شهری-ورزشی انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی، از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر ماهیت داده‌ها کیفی-کمی است. ابزار تحقیق، پرسشنامه تعدیل یافته یافته نوری و کلاته (۱۳۹۶) بود. جامعه آماری این پژوهش شامل اعضای هیئت علمی در حوزه‌های مدیریت ورزشی، بازاریابی شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدیران ورزشی، اعضای هیئت علمی متخصص در زمینه برندسازی و بازاریابی، مدیران شهری (شهرداری و استانداری)، مربیان ورزشی و قهرمانان ورزشی و همچنین اعضای هیئت علمی کشورهای همسایه که در زمینه برندسازی تجربه داشتند و چندین بار به ایران سفر داشتند، بود. نمونه‌گیری در این مطالعه هدفمند و دردسترس بود. در مرحله دوم (مصاحبه) پس از اشیاع نظری، ۲۱ نفر و در مرحله سوم، ۱۸ نفر برای نمونه پژوهش انتخاب شدند. سرانجام عوامل استخراج شده در پرسشنامه تهیه و به گروهی از متخصصان ارسال شد. نتایج نشان داد که پرسشنامه برندسازی شهری-ورزشی دارای ۶ بعد، ۱۶ دسته و ۷۶ شاخص است. با توجه به اهمیت برندسازی شهری از طریق ورزش، مدیران شهری و سیاست‌گذاران می‌توانند با در نظر گرفتن این عوامل، شهرهایی را که دارای پتانسیل هستند شناسایی کنند و نفوذ، اعتبار و توسعه شهر را افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: بازاریابی شهری، برندسازی شهری، توسعه شهری، ورزش.

۱. مقدمه

امروزه در بحث رقابت اقتصادی در عرصه بین‌المللی، استفاده و بهره‌برداری از جذابیت‌ها و پتانسیل‌های شهرها یکی از عوامل مهم موفقیت به شمار می‌آید که بیش از گذشته مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته است. به نوعی می‌توان گفت؛ بهره‌برداری مناسب و بهینه از جذابیت‌ها و پتانسیل‌های موجود شهرها، جلب توجه سرمایه‌گذاران، جذب گردشگران و حمایت شهروندان را به همراه خواهد داشت که رسیدن به این موفقیت مستلزم توسعه مدیریت شهری و ایجاد یک مدیریت شهری پایدار با استفاده از رویکردی خلاقانه و نوآورانه در جهت بهره‌وری این جذابیت‌ها و پتانسیل‌ها می‌باشد (لو^۱ و دی‌جانگ^۲، ۲۰۱۹، ص. ۸۵). پیشرفت سریع جهانی شدن بدین معنا است که هر شهری برای گرفتن سهم خود از مشتریان، گردشگران، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های جهانی و همچنین برای به دست آوردن بازارهای هدف باید با دیگر شهرها به رقابت بپردازد و یکی از راه‌های جذب منابع بیشتر استفاده از ابزارها و روش‌های نوین بازاریابی شهری است که برند شهری به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین ابزار در این فرایند است (لزگی و صیامی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

همان‌طور که کالاها، خدمات و سازمان‌ها دارای برند هستند؛ نام تجاری یا برند ممکن است به عنوان یک نام، اصطلاح، نشان و نماد یا ترکیبی از این‌ها معنا و مفهوم پیدا کند که باعث شناسایی کالاها و خدمات یا یک مکان خاص شده و آن‌ها را از رقبای دیگر متمایز می‌کند (یانگ و وانگ^۳، ۲۰۱۸، ص. ۶۳). به طور گسترده یک برند به عنوان «یک نام، اصطلاح، علامت، نماد، یا ترکیبی از آن‌ها شناخته می‌شود» که با هدف شناسایی کالاها و خدمات یک فروشنده و یا گروهی از فروشندگان و متمایز کردن آن‌ها از رقبا طراحی شده است (کاتلر^۴، ۲۰۰۹، ص. ۱۲۰). این مفهوم فراتر از کالاها به حوزه‌های مختلفی چون شرکت‌ها، جوامع و مکان‌ها گسترش یافته است. اما فهم تکامل برندآفرینی شهری، در مقایسه با برندآفرینی یک محصول، پیچیده‌تر و دارای ابعاد مختلفی است. شهرهای سبز، شهرهای هوشمند و یا شهرهای پیشرفته فقط چند عبارتی است که نشان می‌دهد شهرها چه نقش‌ها یا ویژگی‌های دارند و به چه چیزهای در دنیا معروف و شناخته شده هستند (پرلر^۵ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۱۷). برندآفرینی موضوعی نوظهور است و نشان می‌دهد که یک منطقه جغرافیایی نیز می‌تواند تحت تأثیر برندآفرینی به یک مکان برجسته تبدیل شود (هو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۶۶). برندآفرینی یک ابزار بازاریابی است که برای ترویج و شکل‌گیری هویت محصولات، مکان‌ها و ملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. شهرها می‌توانند با استفاده از مجموعه‌ای از ویژگی‌های مانند فرهنگ، هنر، میراث و یا منابع طبیعی

-
1. Lu
 2. De Jong
 3. Wang
 4. Kotler
 5. Preller
 6. Hu

برای خود تبلیغ و برندآفرینی کنند (کاساپی^۱ و کلا^۲، ۲۰۱۷، ص. ۱۲)؛ بنابراین، تقریباً هر شهری در جهان تلاش می‌کند تا از طریق برندآفرینی شهری مؤثر، در جذب مخاطبان هدف خود، به اندازه کافی شایسته باشد.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های برندآفرینی توجه زیادی را در میان دانشگاهیان و افراد متخصص به دست آورده است. علاقه رو به افزایش در زمینه مقاصد، ملت‌ها و شهرها عمیقاً به طراحی استراتژی‌های برندآفرینی مؤثر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نیروی انسانی با استعداد و ماهر نیاز دارد. در واقع، برند مقصد به طور فزاینده‌ای به عنوان یک دارایی ارزشمند برای توسعه شهری و ابزار مناسب برای شهرها برای متمایز ساختن خود و بهبود موقعیت آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (کامیلری^۳، ۲۰۱۸، ص. ۱۷). برندآفرینی شهری، تصویری از شهر به جهان ارائه می‌دهد که به شهرها اجازه می‌دهد تا از مزایای رقابتی منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌مند شوند (یانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۴). امروزه برندآفرینی شهرها به ابزاری اساسی برای توسعه شهری در سراسر جهان تبدیل شده است (آنتیرویکو^۵، ۲۰۱۵، ص. ۱۷۴). یکی از راهکارهای مدیریت شهری به منظور پیشرفت در بازار رقابتی جهانی، برنامه‌ریزی جهت دستیابی به برندآفرینی شهری از طریق بازاریابی شهری است؛ که این کار ضمن معرفی چهره شهر، قادر به جذب مخاطبان باشد؛ بازاریابی شهر ابزاری در راستای اهداف کلی مدیریت شهری است؛ در محیط شهری رقابتی، یک شهر پایدار شهر بسیار جذابی برای ساکنان، شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و بازدیدکنندگان است (گریگوری^۶، ۲۰۱۹، ص. ۱۹۹). برندآفرینی شهری فرایندی است، که شامل انجام مطالعات استراتژیک برای ایجاد تصویر بهتر از شهر می‌باشد. این فرایند مجموعه‌ای از عملیات‌های است که شامل بسیاری از اجزای شهر و حتی احساسات شهر است، در پایان این فرایند، شهر تبدیل به یک مرکز جاذبه برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، گردشگران و غیره می‌شود (اوزکایا^۷ و دنیز^۸، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۰). ریهان^۹ (۲۰۱۴) برندآفرینی شهری را روشی برای ساختن تصورات شهری و شکل دادن به آن تعریف می‌کند. برندآفرینی شهری تلاش برای طراحی، شکل‌دهی یا تغییر تصاویر ذهنی مخاطبان با تمرکز بر جذابیت و پتانسیل‌های منحصربه‌فرد یک شهر که امکان ارزش‌آفرینی برای دارایی‌های مشهود و نامشهود شهرها را فراهم می‌سازد (روستا و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). با توجه به این تعریف برندآفرینی شهری- ورزشی را می‌توان تلاش برای طراحی، شکل‌دهی یا تغییر تصاویر ذهنی مخاطبان با تمرکز بر جذابیت و پتانسیل‌های منحصربه‌فرد یک شهر با استفاده از ورزش (رویدادهای ورزشی، امکانات و تجهیزات ورزشی، مشارکت ورزشی، محصولات

1. Kasapi
2. Cela
3. Camilleri
4. Yang & et al
5. Anttiroiko
6. Gregory
7. Ozkaya
8. Deniz
9. Rehan

ورزشی، تیم‌های ورزشی یا ورزشکار)، که امکان ارزش‌آفرینی برای دارایی‌های مشهود و نامشهود شهرها را فراهم می‌سازد، تعریف کرد.

شهرها به طور فزاینده‌ای آگاه می‌شوند که حوادث به طور کلی و رویدادهای ورزشی به طور خاص، فرصت‌های عالی برای بازاریابی شهر است. رویدادهای یک‌باره امکانات منحصر به فردی برای انجام پروژه‌های پیچیده و بزرگ فراهم می‌کنند. نمونه‌ای از این رویدادها می‌توان به بازی‌های المپیک اشاره کرد که شهر بارسلونا از یک رویداد به عنوان کاتالیزور برای احیای شرایط اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد و مزیت مطلوب را به دست آورد. بعضی از رویدادهای سالانه (مانند ماراتن یا مسابقات تنیس ویمبلدون) به تصویر ورزشی شهر کمک می‌کنند. همچنین می‌توان بیان کرد سالن‌های ورزشی، ورزشگاه‌ها، استخرهای شنا و زمین‌های فوتبال، عناصر اصلی محصولات شهری ورزشی هستند. در ارتباط با بازاریابی شهر، آن‌ها سطح خدمات شهری و تصویر آن را به عنوان شهر ورزشی بالا می‌برند که (بطور بالقوه) مردم و شرکت‌ها را جذب می‌کند. علاوه بر این، امکانات ورزشی در مقیاس بزرگ می‌تواند به عنوان کاتالیزوری برای احیای اجتماعی و اقتصادی محیط خود عمل کند. آن‌ها فعالیت‌های جدید مانند هتل‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها را به خود جلب می‌کنند منجر به ایجاد سرگرمی و فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت می‌شوند (وندنبرگ^۱ و براون^۲، ۲۰۱۷، ص. ۴۲۰).

اهمیت بازاریابی و جنبه‌های برندگذاری به‌طور فزاینده‌ای در صنعت ورزش افزایش می‌یابد و آنچه مسلم است این است که پژوهش‌های بازاریابی و توسعه برند در صنعت ورزش و رشته‌های ورزشی در ایران به مقوله‌ای فراموش شده تبدیل شده که شکاف عمیقی نیز با این توسعه و تحول پیدا کرده است. شهرها به واسطه داشتن جاذبه‌های خاص و یا زیرساخت‌های خوب شناخته و مطرح می‌شوند و اعتبار کسب می‌کنند که لازمه این شناخت و مطرح شدن در دنیای رقابت، برندآفرینی شهری است. وقتی صحبت از رویدادهای ورزشی مانند المپیک ۲۰۰۸، المپیک ۲۰۱۲، یا رشته ورزشی مانند کشتی، یا ورزشکارانی مانند مسی، یا اماکن ورزشی مانند نیوکمپ یا باشگاه‌های ورزشی مانند رئال مادرید، بایر مونیخ، یا محصولات ورزشی آدیداس یا آسیکس می‌شود ناخودآگاه شهرهای مانند پکن، لندن، جویبار، روساریو، بارسلون، مادرید، مونیخ، هرتسوگن‌آوراخ یا کوبه در ذهن می‌آید. این پتانسیل ۱- رویدادهای ورزشی، ۲- امکانات و تجهیزات ورزشی، ۳- مشارکت ورزشی، ۴- محصولات ورزشی، ۵- تیم‌های ورزشی یا ۶- ورزشکار است که یک شهر را به یک نقطه شناخته شده و مطرح تبدیل می‌کند و باعث برندآفرینی شهری ورزشی می‌شود که به نوبه خود باعث می‌شود توجه دنیا به آن نقطه جلب شود. اگر شهرها با وجود داشتن پتانسیل و جاذبه‌های متنوع و خاص به خوبی برندآفرینی نشوند و به عنوان یک برند شهری ورزشی در دنیا شناخته نشوند از قافله رقابت عقب خواهند ماند و مجبور به کنار کشیدن از صحنه رقابت خواهند شد. با توجه به این نکته که کشور ایران و بعضی شهرها از جمله شهرستان

1. Wendberg

2. Brown

جویبار در یک یا چند رشته ورزشی در دنیا سرآمد و مطرح هستند نیاز به داشتن شاخص‌های برندآفرینی شهری_ورزشی هر روز بیش از گذشته احساس می‌شود. همچنین داشتن الگویی مناسب برای برندآفرینی شهری ورزشی بسترها و زمینه‌های لازم برای مطرح شدن در عرضه ملی و بین‌المللی را فراهم می‌سازد. از طرفی این مسئله مبهم و ناشناخته است و دلیل اصلی ناشناخته و مبهم بودن این موضوع این است که تحقیقات اندکی در این رابطه انجام شده است. به همین دلیل پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی پرسشنامه برندآفرینی شهری ورزشی در شهرستان جویبار انجام می‌شود تا از این طریق مدیران و سیاست‌مداران با در نظر گرفتن عوامل دخیل در برندآفرینی شهری ورزشی، این شهر را به یک برند شهری_ورزشی مناسب و مطرح تبدیل کنند. به بیان دیگر پژوهشگران به دنبال این موضوع هستند تا دریابند که چه پارامترها یا شاخص‌هایی لازم است تا شهرستان جویبار از نظر برند شهری_ورزشی در سطح ملی یا بین‌المللی شناخته و مطرح شود تا بتوان هم رویدادهای ورزشی را میزبانی کرد و هم به عنوان مقصد گردشگری شناخته شود. از طرفی از آنجایی که تاکنون ابزار استاندارد و معتبری که مستقلاً و مستقیماً شاخص‌های برندآفرینی شهری_ورزشی را در کشور ایران و تقریباً در دنیا شناسایی کند، وجود ندارد و ادبیات اندکی در این حوزه موجود می‌باشد؛ به همین منظور لازم هست تا ساخت و اعتباریابی یک پرسشنامه استاندارد انجام شود؛ و در آخر محققین در این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سوال هستند که ابزار لازم برای ارزیابی یک شهر به منظور برندآفرینی شهری_ورزشی و انجام برنامه‌ریزی‌های استراتژیک باید دارای چه فاکتورهای باشد و چه شاخص‌های را باید در نظر بگیرند؟

۲. متدولوژی

۲.۱. روش تحقیق

هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسشنامه برندآفرینی شهری_ورزشی است؛ پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ روش توصیفی_تحلیلی و بر حسب ماهیت داده‌ها کیفی - کمی است؛ که در سه مرحله انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل اعضای هیئت علمی رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدیران ورزشی، اعضای هیئت علمی رشته مدیریت با مطالعه در حوزه برند و بازاریابی، مدیران شهری (شهرداری و استانداری)، مربیان ورزشی و همچنین شامل اعضای هیئت علمی بود که در کشورهای دیگر در حوزه برندینگ فعالیت داشته و چندین مرتبه به کشور ایران سفر کرده بودند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند و در دسترس بود که در مرحله دوم (مصاحبه) پس از اشباع نظری ۲۱ نفر و در مرحله سوم ۱۸ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. در مرحله اول به مطالعه کتابخانه‌ای و مرور پیشینه مرتبط با پژوهش و استفاده از پژوهش نوری و کلاته (۱۳۹۶) پرداخته شد و شاخص‌های برندسازی شهری شناسایی و لیستی تهیه شد. مرحله دوم شامل دو فاز بود؛ که فاز اول شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود

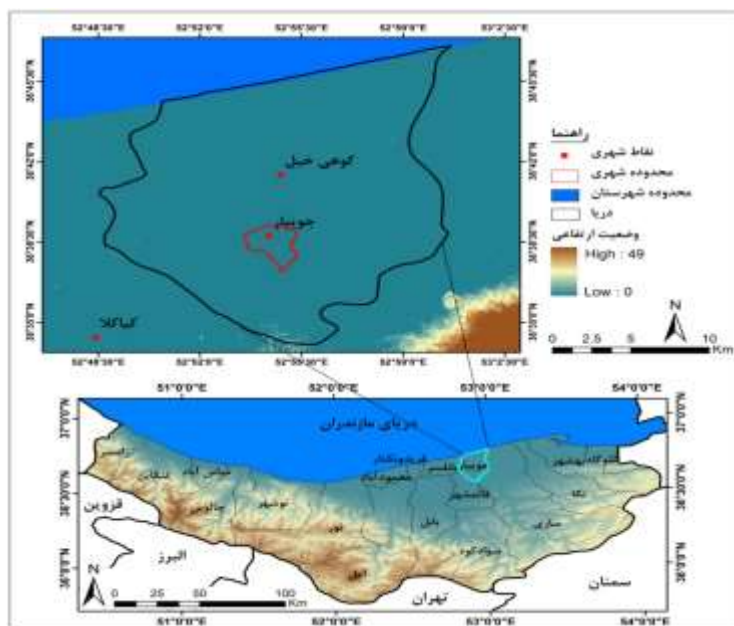
که بعد از مصاحبه با ۲۱ متخصص و رسیدن به اشباع نظری فهرستی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با برندسازی شهری-ورزشی شناسایی و فهرست شد؛ در فاز دوم مرحله دوم عوامل به دست آمده در فاز مصاحبه پس از بازخوانی مکرر و جلوگیری از شباهت‌های مفهومی با هم ترکیب شدند و در نهایت ۷۶ مفهوم به دست آمد. در مرحله سوم از آنجایی که پرسشنامه استاندارد پیرامون موضوع پژوهش وجود نداشت عوامل استخراج شده در قالب یک پرسشنامه تعدیل یافته که بر مبنای پژوهش نوری و کلاته تهیه شده بود در اختیار گروه متخصصین قرار گرفت؛ و برای تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از اساتید متخصص مدیریت ورزشی قرار گرفت که در انتها تأیید شد. در مرحله ۳، شاخص‌ها با استفاده از روش اعتبار محتوایی توسعه داده شده توسط لاوشه^۱ (۱۹۷۵) و به توسعه داده شده توسط آیره و اسکالی^۲ (۲۰۱۴) تأیید شدند، که برای اعتبارسنجی ابزارهای جدید مانند پرسشنامه، مقیاس‌ها، یا شاخص‌ها استفاده می‌شود. این روش نشان می‌دهد که شاخص‌های شناسایی شده برای تحلیل توسط یک پنل تخصصی انجام می‌شود که بر اساس آن هر شاخص باید به عنوان یکی از دسته‌های «ضروری»، «مفید اما غیرضروری» یا «غیرضروری» تقسیم‌بندی شود. پنل باید شامل حداقل ۵ و حداکثر ۴۰ متخصص باشد. در این مرحله، هر متخصص، هر شاخص را به یکی از دسته‌های تعیین شده طبقه‌بندی می‌کند. آیره و اسکالی (۲۰۱۴) جدول را بر اساس یک فرمول ریاضی که بیانگر اعتبار روایی محتوایی است، تعریف کرد که در آن حداقل تعداد نظرات در دسته «ضروری» بر اساس تعداد پنل تعریف می‌شود. پنل شامل ۱۸ شرکت کننده بود. مطابق نظر آیره و اسکالی (۲۰۱۴)، برای واجد شرایط بودن به عنوان یک شاخص معتبر، با یک پنل متشکل از ۱۸ متخصص، حداقل ۱۳ متخصص نباید شاخص را پایین‌تر از «ضروری» ارزیابی کنند. جدول ۲ نمرات هر یک از شاخص‌های مشخص شده را نشان می‌دهد.

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

با توجه به اهداف تحقیق محدوده مطالعاتی شامل محدوده شهری و حاشیه شهری جویبار است که از نظر تقسیمات سیاسی در شهرستان جویبار و استان مازندران قرار دارد. مختصات جغرافیایی آن ۴۷°۵۲' تا ۵۸°۵۹'۵۲' طول شرقی از نصف النهار مبدأ و ۳۳°۳۶' تا ۴۷°۳۶' عرض شمالی است. حدود آن از شمال به دریای مازندران از جنوب به شهرستان قائمشهر از شرق به شهرستان ساری و از طرف غرب به شهرستان بابلرس می‌رسد.

1. Lawshe

2. Ayre & Scally



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

۳. یافته‌ها

۳.۱. یافته‌های توصیفی (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی)

همان‌طوری که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تعداد نمونه پژوهش ۱۸ نفر بوده است که ۶ نفر از آنها عضو هیات علمی دانشگاه‌ها، ۱ نفر قهرمان ورزشی، ۲ نفر از روسای فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی، ۲ نفر از مشاوران و پژوهشگران در زمینه برندسازی، ۴ نفر از مدیران شهری، ۲ نفر از مدیران رویدادهای ورزشی و یک نفر از مدیران میراث فرهنگی گردشگری بودند. همچنین میزان تحصیلات، جنسیت و سن نمونه پژوهش به صورت تفصیلی در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش در مرحله مصاحبه

متغیر			فراوانی	درصد
تخصص	عضو هیئت علمی دانشگاه در حوزه مدیریت ورزشی و بازاریابی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری		۶	۳۳
	قهرمانان استانی، ملی و بین‌المللی		۱	۶
	روسای فدراسیون‌های ورزشی و هیئت‌های ورزشی		۲	۱۱
	مشاوران و پژوهشگران در حوزه برندسازی و برندسازی شهری		۲	۱۱
	مدیران شهری (شهرداری - استانداری)		۴	۲۲
	مدیران میراث فرهنگی گردشگری		۱	۶
	مدیران برگزارکننده رویدادهای ورزشی		۲	۱۱
جنسیت	مرد		۱۶	۸۹

متغیر			فراوانی	درصد
مدرک تحصیلی	زن	کارشناسی ارشد	۴	۲۲
		دکتری	۱۴	۷۸
		۳۰-۴۰	۸	۴۴
سن	۵۱ به بالا	۴۱-۵۰	۶	۳۴
		۵۱ به بالا	۴	۲۲

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۲. یافته‌های استنباطی حاصل از مصاحبه‌های کیفی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، این مرحله شامل ۱۸ متخصص و پژوهشگر بود که در حوزه‌های مدیریت ورزشی و مدیریت شهری دانش و تجربه کافی داشتند. طبق گفته آیره^۱ و اسکالی^۲ (۲۰۱۴) برای اینکه شاخص‌های شناسایی شده معتبر و قابل قبول باشند حداقل ۱۳ نفر از اعضای پنل باید شاخص (ضروری) را انتخاب کنند؛ که با توجه به این گفته همه شاخص‌ها دارای روایی محتوا بودند.

جدول ۲. پاسخ‌های گروه پنل متخصصین

ابعاد	مقوله	مفاهیم	ضروری	مفید اما غیرضروری	غیرضروری
بازاریابی و ارتباطات رسانه‌ای	رسانه‌ای	اطلاع‌رسانی و پخش به‌موقع و مناسب رویدادهای ورزشی	۱۷	۱	۰
		ارتباط مستمر با رسانه‌های ملی و بین‌المللی	۱۶	۲	۰
		ساخت فیلم‌های مرتبط ورزشی (مستند های ورزشی)	۱۷	۱	۰
		چاپ کتاب، بروشور و رمان ورزشی	۱۸	۰	۰
		انتشار گاه‌نامه برای شهروندان	۱۶	۲	۰
	تبلیغاتی	انجام تبلیغات در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی (وبلاگ، تلگرام، اینستاگرام، تویتر و ...)	۱۸	۰	۰
		وجود تبلیغات مناسب و جذاب در رسانه داخلی و خارجی	۱۵	۲	۱
		راه اندازی کمپین‌های تبلیغاتی مختلف و متعدد در سطح ملی و بین‌المللی	۱۷	۱	۰
		همکاری با آژانس‌های تبلیغاتی	۱۶	۲	۰
		وجود تبلیغات دیواری در اماکن شلوغ و پر رفت و آمد و مهم مثل فرودگاه‌های داخلی و خارجی و مراکز بین‌المللی	۱۵	۳	۰
زیرساخت	مدیریتی	تشکیل کمیته‌های بازاریابی	۱۶	۲	۰
		وجود برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان مدت، بلندمدت و برنامه‌های	۱۷	۱	۰

1. Ayre

2. Scally

ابعاد	مقوله	مفاهیم	ضروری	مفید اما غیر ضروری	غیر ضروری
های ورزشی		استراتژیک برای توسعه زیرساخت‌های ورزشی			
		وجود تیم مدیریتی توانمند در برگزاری رویدادهای ورزشی	۱۵	۲	۱
	دیپلماسی ورزشی	ارتباط دائم و مناسب با فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی	۱۶	۲	۰
		داشتن کرسی در مجامع بین‌المللی توسط اشخاص یا سازمان	۱۶	۲	۰
	اقتخارات ورزشی	توانایی تسلط بر دیپلماسی ورزشی	۱۷	۱	۰
		تعداد ورزشکاران در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		تعداد داوران در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		تعداد مربیان در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		تعداد مدال‌های المپیک در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		تعداد مدال‌های جهانی در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		تعداد مدال‌های آسیایی در یک رشته ورزشی خاص	۱۸	۰	۰
		اخلاق و رفتار شایسته مدیران، مربیان و ورزشکاران در رویدادهای ورزشی			
	میزبانی رویداد	اخلاق و رفتار شایسته مدیران، مربیان و ورزشکاران در رویدادهای ورزشی	۱۷	۰	۰
		توانایی برگزاری نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی در حوزه ورزش	۱۶	۲	۰
		امکان برگزاری رویداد مطابق استاندارد جهانی	۱۷	۱	۰
		سابقه میزبانی رویدادهای بین‌المللی	۱۵	۳	۰
	امکانات و تجهیزات ورزشی	تولید محصولات ورزشی (کالاهای و خدمات) با کیفیت	۱۸	۰	۰
		نوآوری و استفاده از فناوری به روز دنیا در برگزاری رویدادهای ورزشی	۱۵	۳	۰
		وجود امکانات و تاسیسات ورزشی مناسب و در حد استاندارد	۱۵	۳	۰
		تعداد سالن‌های ورزشی	۱۴	۳	۱
		تعداد باشگاه‌های ورزشی	۱۵	۳	۰
		ساخت، تجهیز و نگهداری از اماکن ورزشی با تکنولوژی و معماری منحصر به فرد و مدرن	۱۷	۱	۰
زیر ساخت های شهری	دیپلماسی شهری	میزان سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در ورزش	۱۶	۲	۰
		سیاست‌های شهری مناسب	۱۷	۱	۰
		حمایت و همکاری مردم شهر	۱۸	۰	۰
		حمایت رهبران سیاسی جامعه از ورزش و رویدادهای ورزشی	۱۸	۰	۰
		وجود همکاری مشترک و چند جانبه بین دست‌اندرکاران(رهبران) اصلی شهر	۱۷	۱	۰
	معماری شهری	داشتن معماری شهری برجسته	۱۶	۲	۰
		داشتن هویت شهری متمایز	۱۷	۱	۰

ابعاد	مقوله	مفاهیم	ضروری	مفید اما غیر ضروری	غیر ضروری
	مسائل زیست محیطی	وجود خصوصیات قابل تصور و بصری شهر	۱۶	۲	۰
		توجه به مسائل تولید و دفع زباله در ساخت اماکن ورزشی	۱۶	۲	۰
		استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر و پاک در ساخت و بهره‌برداری اماکن ورزشی	۱۸	۰	۰
		کنترل آلودگی صوتی، و آب و هوا و ... در ساخت و بهره‌برداری اماکن ورزشی	۱۷	۱	۰
		مدیریت پسماند در اماکن و رویدادهای ورزشی	۱۶	۲	۰
	راهای ارتباطی	وجود فرودگاه	۱۶	۲	۰
		وجود راه‌های ارتباطی زمینی (جاده‌ای) ایمن و با کیفیت	۱۷	۱	۰
		وجود راه‌آهن	۱۵	۳	۰
		وجود راه ارتباطی دریایی	۱۷	۱	۰
		وجود امکانات و خدمات حمل‌ونقلی درون شهری	۱۶	۲	۰
	رفاهی- خدماتی	وجود مراکز خرید جذاب	۱۷	۱	۰
		وجود مراکز رفاهی-اقامتی (هتل و مسافرخانه)	۱۸	۰	۰
		وجود رستوران و غذاخوری‌های متنوع	۱۷	۱	۰
		پاکیزگی و تمیزی شهر	۱۶	۲	۰
		وجود مراکز درمانی پیشرفته	۱۷	۱	۰
		وجود پارک و فضاهای سبز شهری مناسب	۱۶	۲	۰
		وجود جاذبه‌های تفریحی و سرگرمی شهری	۱۷	۱	۰
	جغرافیای شهر	موقعیت جغرافیایی مناسب	۱۷	۱	۰
		شرایط آب‌وهوای ایده‌آل	۱۷	۱	۰
فرهنگی- هنری	جنبش‌های نمادین	انجام فعالیت‌های فرهنگی مثل برگزاری جشن‌ها و مسابقات ورزشی به صورت دوره‌ای	۱۴	۴	۰
		وجود نقاشی‌های ورزشی در سطح شهر	۱۵	۳	۰
		تولید عروسک‌های نمادین ورزشی	۱۴	۲	۲
		وجود نشانه‌های بصری ورزشی (ساخت تندیس یا مجسمه‌های ورزشکاران برجسته در ابعاد منحصر به فرد)	۱۶	۲	۰
		وجود شعار برای شهر در حوزه ورزشی	۱۷	۱	۰
		وجود لوگوی‌های مرتبط ورزشی برای شهر	۱۶	۲	۰
		وجود آهنگ‌ها (موسیقی) ورزشی و غیر ورزشی	۱۸	۰	۰
		اجرای فعالیت‌های فرهنگی مثل برگزاری جشن‌ها و مسابقات ورزشی به صورت دوره‌ای	۱۵	۳	۰
		فرهنگ شهر میزبان	۱۷	۱	۰
		وجود هویت گرافیکی	۱۶	۲	۰
آکادمیکی	آموزشی-	برگزاری همایش، سمینار و سمپوزیوم‌های ملی و بین‌المللی	۱۷	۱	۰

ابعاد	مقوله	مفاهیم	ضروری	مفید اما غیرضروری	غیرضروری
	پژوهشی	ورزشی			
		برگزاری های کارگاه های آموزشی	۱۸	۰	۰
		وجود مراکز آموزشی و پژوهشی	۱۶	۲	۰
قانونی	قانونی	میزان ایمنی و امنیت فکری برای گردشگران ورزشی و شهروندان	۱۷	۱	۰
		میزان ایمنی و امنیت جانی برای گردشگران ورزشی و شهروندان	۱۷	۱	۰
		میزان ارتکاب به جرائم	۱۷	۱	۰
		وجود قوانین حقوقی، مدنی و شهروندی مناسب	۱۷	۱	۰

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

طبق جدول ۲، ۶ بعد، ۱۶ مقوله و ۷۶ شاخص در این پژوهش تأیید شد:

۱. بعد بازاریابی و ارتباطات رسانه ای: این بعد از دو مقوله "تبلیغاتی" و "ارتباطات رسانه ای" تشکیل شده است. مقوله "ارتباطات رسانه ای" شامل ۵ مفهوم و مقوله "تبلیغاتی" شامل ۶ مفهوم می باشد.

۲. بعد زیرساخت های ورزشی: این بعد از ۵ مقوله "مدیریتی"، "دیپلماسی ورزشی"، "افتخارات ورزشی"، "میزبانی رویداد" و "امکانات و تجهیزات ورزشی" تشکیل شده است. مقوله "مدیریتی" شامل ۲ مفهوم، مقوله "دیپلماسی ورزشی" شامل ۳ مفهوم، مقوله "افتخارات ورزشی" شامل ۸ مفهوم، مقوله "میزبانی رویداد" شامل ۳ مفهوم و مقوله "امکانات و تجهیزات ورزشی" شامل ۶ مفهوم می باشد.

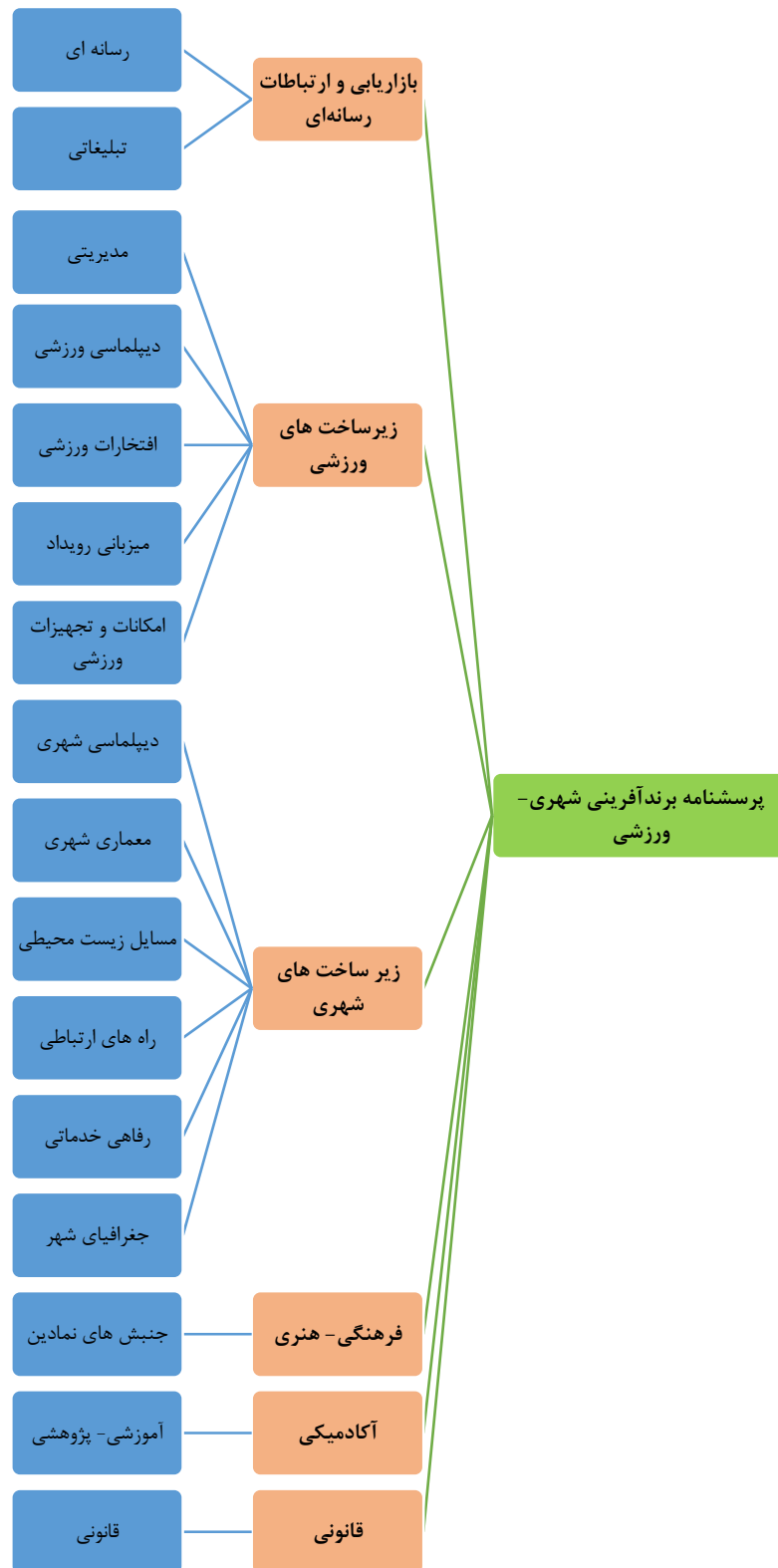
۳. بعد زیرساخت های ورزشی: این بعد از ۶ مقوله "دیپلماسی شهری"، "معماری شهری"، "مسائل زیست محیطی"، "راه های ارتباطی"، "رفاهی - خدماتی" و "جغرافیای شهر" تشکیل شده است. مقوله "دیپلماسی شهری" شامل ۵ مفهوم، مقوله "معماری شهری" شامل ۳ مفهوم، مقوله "مسائل زیست محیطی" شامل ۴ مفهوم، مقوله "راه های ارتباطی" شامل ۵ مفهوم، مقوله "خدماتی - رفاهی" شامل ۷ مفهوم و مقوله "جغرافیای شهر" شامل ۲ مفهوم می باشد.

۴. بعد فرهنگی - هنری: این بعد از ۱ مقوله "جنبش های نمادین" تشکیل شده است که شامل ۱۰ مفهوم می باشد.

۵. بعد آکادمیکی: این بعد از ۱ مقوله "آموزشی - پژوهشی" تشکیل شده است که شامل ۳ مفهوم می باشد.

۶. بعد قانونی: این بعد از ۱ مقوله "قانونی" تشکیل شده است که شامل ۴ مفهوم می باشد.

شکل ۲ به صورت شماتیک ابعاد و مفاهیم پرسشنامه برندآفرینی شهری-ورزشی را نشان می دهد.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

۴. بحث

چندین دهه است که شهرها به طور فزاینده‌ای با چالش تغییر ساختار اقتصادی و بازآفرینی شهری روبرو شده‌اند؛ در این بین برندسازی شهر به عنوان یک استراتژی اساسی برای حفظ رقابت، بهبود عملکرد زیست محیطی، تجربه یک تحول پایدار شهری شناخته می‌شود (ما^۱، ۲۰۲۱). در این بین ورزش یک فرصت و ابزار استراتژیکی منحصربه‌فرد برای برندآفرینی شهری ورزشی مطرح است. از طرفی پژوهش‌های توسط محققین در سراسر دنیا در مورد شاخص‌های برندینگ شهری انجام شده است. ولی پژوهش که شاخص‌های برندینگ شهری- ورزشی را بسنجد انجام نشده است و در این رابطه ابزاری برای شناسایی برندآفرینی شهری-ورزشی وجود ندارد بنابراین این مطالعه با هدف ساخت و اعتباریابی پرسشنامه برندآفرینی شهری-ورزشی (مطالعه موردی: جویبار) انجام شده است. در این پژوهش ۷۶ مفهوم شناسایی شد. این ابزار وسیله مفیدی است که بتوان شهرهای که پتانسیل تبدیل شدن به برند شهری-ورزشی را دارند شناسایی کرد و برای بهتر شدن برندسازی آن تلاش کرد. بنابراین اهداف مطالعه برآورده شده است. اگرچه این مطالعه تنها در ایران انجام شده است، اما نتایج آن قابل تعمیم به دیگر کشورها هم است.

شهرستان جویبار یکی از برجسته‌ترین و موفق‌ترین شهرستان‌ها در رشته ورزشی کشتی است، به طوری که به عنوان پایتخت کشتی کشور شناخته می‌شود و هر ساله کشتی‌گیران نخبه‌ای را به کشور و دنیا معرفی می‌کند؛ ولی این شهرستان در زمینه برندینگ شهری-ورزشی ضعیف عمل کرده است و کاستی‌هایی دارد و آنطور که باید در جهان شناخته نشده است و برای بسیاری از مردم دنیا ناشناخته و گمنام است؛ از طرفی رشته ورزشی کشتی به طور کلی در بسیاری از کشورها محبوب است و استقبال خوبی از آن می‌شود؛ بنابراین مدیران و برنامه‌ریزان شهری شهرستان جویبار می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و با استفاده از پرسشنامه به دست آمده در این پژوهش نقاط قوت و ضعف شهر را در برندسازی شهری-ورزشی شناسایی کنند و برای تقویت و رفع آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. برونادهای حاصل از این پژوهش نشان داد که به طور کلی شهرستان جویبار برای برندسازی شهری-ورزشی باید ابعاد و شاخص‌هایی را در نظر بگیرد و با استفاده از این ابزار تمامی جنبه‌های برندسازی شهری ورزشی را توسعه دهد و موانع را رفع کند و با ارزیابی پتانسیل شهر با استفاده از این ابزار استراتژی‌های توسعه و برندسازی شهری-ورزشی را تدوین کند.

بنابراین برای دستیابی به یک برند شهری_ورزشی موفق در سطح بین‌المللی، مدیران شهری باید بتوانند تصمیمات درستی را اتخاذ کرده، و برنامه‌ریزی مناسبی را داشته باشند؛ که این نیازمند داشتن دانشی همه‌جانبه از سوی مدیران و همچنین ابزاری برای اندازه‌گیری پتانسیل‌های شهری است. برای ایجاد جامعه‌ای سالم و درک الگوهای مختلف برندآفرینی شهری_ورزشی و به تبع آن توسعه پایدار، باید شناخت کافی وجود داشته

باشد. مدیران باید تصویر کنونی شهر را شناخته، و تصویری که در آینده مدنظر دارند را طراحی و فالعیت‌های مربوط به دستیابی به آن را تعریف کنند؛ که این اهداف با استفاده از پرسشنامه به دست آمده در این پژوهش تا حد زیادی قابل دستیابی است. لزگی و صیامی (۱۳۹۶)، قربانی و عزیزی (۱۳۹۴)، هیلدرث^۱ (۲۰۰۸)، آنهولت^۲ (۲۰۰۷)، رینیستو^۳ (۲۰۰۳)، در پژوهش‌های خود شاخص‌های مانند انجام مراسم خاص، انجام یک رویداد مهم (ورزشی، علمی)، ارزش‌های اجتماعی خاص، قدرت سیاسی (پایتخت بودن و ...)، آثار و بناهای منحصربه‌فرد، رفتار شهروندان با گردشگران، وجود مراکز تفریحی و سرگرمی، وجود مراکز بهداشتی و درمانی، وضعیت هتل‌ها و مسافرخانه‌ها، رستوران‌ها و کافی‌شاپ، رضایت شهروندان از زندگی در شهر، وضعیت تأسیسات شهری، وضعیت تجهیزات شهری، خدمات حمل و نقل عمومی مناسب، کیفیت خیابان‌های سطح شهر، تعداد بزرگراه‌های موجود در سطح شهر، وضعیت پایانه‌ها و فرودگاه شهر، بهره‌مندی از قدرت تبلیغات را به عنوان شاخص‌های برندسازی شهری عنوان کردند؛ که به طور کلی با نتایج این پژوهش همخوانی دارد.

یکی از راهکارهای ایجاد مدیریت پایدار شهری توجه به صنایع توانمند و خلاق شهر و استفاده از قابلیت‌های موجود یک شهر برای برندآفرینی شهری می‌باشد. به نوعی می‌توان گفت تدوین برنامه راهبردی بازاریابی برای یک شهر و در نتیجه خلق برند شهری و ارائه‌ی تصویری مثبت از شهر ارتباط مستقیم با توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه‌ی یک شهر دارد. امروزه یکی از روش‌های موثر برای موفقیت در عرصه برندآفرینی شهری استفاده از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های ورزشی می‌باشد، زیرا چون جذب سرمایه، جلب توجه بین‌المللی، کسب احترام و مشروعیت بین‌المللی، حضور نخبه‌ها و استعدادها را را نیز به همراه خواهد داشت. اما برندآفرینی شهری_ورزشی برای یک شهر نیازمند اعمال تدابیری که مدیران شهری باید در نظر بگیرند. با توجه به اهمیت و تاثیرگذاری ورزش که در پیشینه پژوهش به آن اشاره شد؛ برندآفرینی شهری_ورزشی و ابزاری که بتواند پتانسیل‌های یک شهر را اندازه بگیرد تقریباً در پژوهش‌های داخلی نادیده گرفته شده است و هیچ ابزار جامعی در این رابطه وجود نداشت. امید است این پژوهش تا حد زیادی خواسته‌های مدیران شهری را برای برندآفرینی شهری_ورزشی برآورده کند و راه را برای برندآفرینی شهرها از طریق ورزش هموار کند.

طبق نتایج بدست آمده از تحقیق یکی از روش‌ها و ابزارهای مختلفی که امروزه مدیران و مسئولان شهری در جهت برندآفرینی و ارتقای برند شهرها از آن بهره می‌گیرند، استفاده از رسانه‌ها و تصویرسازی در ذهن مخاطبان از طریق رسانه‌ها می‌باشد. در همین راستا مدیران شهری که به دنبال دستیابی به یک برند شهری شایسته و مناسب در عرصه‌ی بین‌المللی هستند، باید به اهمیت و نقش رسانه‌ها و بهبود تصویر برند از طریق رسانه‌ها توجه ویژه‌ای داشته و از شناخت و دانش کافی برای استفاده بهینه از رسانه‌ها را دارا باشند. بنابراین ایجاد ارتباط با رسانه‌های ورزشی ملی و بین‌المللی و همچنین استفاده از متخصصین این حوزه در جهت تولید

1. Hildreth
2. Anholt
3. Rainisto

محتوای تبلیغاتی برای برند شهر در سطح فرا ملی می‌تواند یکی از راهکارهای اصلی در برندآفرینی شهری - ورزشی باشد. چنانچه صفادار (۱۳۹۲) تصویرسازی رسانه‌ای را به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارها برای رسیدن به تصویر ذهنی مطلوب از شهر بیان می‌کند. همچنین مطابق با یافته‌های تحقیق برای دستیابی به یک برند شهری ورزشی موفق در سطح بین‌المللی، شهر نیازمند زیرساخت‌های ورزشی است که در سطح و کیفیت بین‌المللی باشند. بنابراین برای رسیدن به این مهم نیاز به مدیران متخصص در این زمینه لازم است. برای ایجاد جامعه‌ای سالم و درک الگوهای مختلف برندآفرینی شهری_ورزشی و به تبع آن توسعه پایدار، باید شناخت کافی وجود داشته باشد. مدیران باید تصویر کنونی شهر را شناخته و تصویری که در آینده مدنظر دارند را طراحی و فعالیت‌های مربوط به دستیابی به آن را تعریف کنند. از طرفی یکی از شیوه‌هایی که باعث به وجود آمدن پیوندهای محکمی بین برندها، مردم و مکان موردنظر می‌شود، برگزاری رویدادهای ورزشی می‌باشد که با نتایج تحقیق هیگام^۱ و هینچ^۲ (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. بنابراین با دستیابی به زیرساخت‌های ورزشی مناسب است که می‌توانیم پروسه جذب میزبانی رویدادهای ورزشی فراملی را هموارتر کرده و طیف وسیعی از مخاطبان را از طریق رسانه‌های بین‌المللی به خود جلب کنیم. همچنین با جذب میزبانی رویدادهای ورزشی می‌توانیم شاهد گسترش روابط با کشورهای دیگر بوده و یک دیپلماسی ورزشی قوی در عرصه بین‌المللی داشته باشیم چرا که طبق یافته‌های کمپل (۲۰۱۵) و ریچیلو (۲۰۱۸) امروزه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با برگزاری رویدادهای ورزشی بین‌المللی در پی ایجاد مشروعیت بین‌المللی برای خود هستند و می‌توانند از این طریق احترام بین‌المللی کسب کرده و نفوذ خود را در امور جهانی افزایش دهند.

همچنین طبق نتایج بدست آمده یکی از معیارهای مهم در برندآفرینی شهری ورزشی، زیرساخت‌های شهری و شکل ظاهری آن است که از اهمیت بسیاری برخوردارند. چرا که امروزه یکی از عوامل شناخته شدن شهرها موقعیت دسترسی، عملکرد و یا پیشرفت‌های زیرساختی شهر هستند. طرح استراتژی‌های شهری و معماری منحصر به فرد نقش بسزایی در دستیابی شهر به یک نماد موفق را دارند، که با نتایج بدست آمده در تحقیق محمد رحان (۲۰۱۳) و فرشته‌خو (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. همچنین در جهت به دستیابی برندآفرینی موفق شهری ورزشی الهام‌گیری از تاریخ و فرهنگ آن منطقه در تدوین راهبردهای ایجاد و تقویت زیرساخت‌های شهری نقش عمده‌ای دارند. بنابراین باید زیرساخت‌های مورد نیاز در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، عمرانی، علمی، زیست محیطی، فناوری و اجتماعی و سخت افزارهایی همچون جاده، حمل و نقل، هتل و رستوران‌ها ایجاد و یا تقویت گردند. همچنین طبق یافته‌های تحقیق حاضر، امروزه فرهنگ به یکی از بیشترین ارزش‌های افزوده برای هر شهری تبدیل شده است. یک موزه ورزشی معروف جدید، برگزاری مراسم، تولد یک شخصیت شناخته شده و قهرمان ملی در شهر، یک تیم ورزشی مشهور، همگی می‌توانند راهکاری برای توسعه در جهت تبلیغ

1. Higham

2. Hinch

شهر باشند. ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی باعث ارتقای خلاقیت، هنر و موسیقی و در امتداد آن برند شهر خواهد شد. همچنین تقویت ظرفیت‌های علمی موجود در دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و استفاده از آن‌ها در جهت برگزاری سمینارها ملی و بین‌المللی و همچنین کارگاه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف ورزشی و دعوت از مربیان و متخصصان نامی آن رشته می‌تواند در برندآفرینی شهر نقش بسزایی ایفا کند. طبق یافته‌های تحقیق از عوامل مهم دیگر در برندآفرینی شهری ورزشی زیرساخت‌های قانونی می‌باشد، که هر چقدر بتوان به استانداردهای بین‌المللی نزدیک‌تر شد مسلماً موفقیت بیشتری حاصل خواهد شد. همچنین نکته‌ی بسیار مهمی که مدیران باید همواره در تمامی مراحل برندآفرینی باید در نظر داشته باشند، یک برند شهری ورزشی فقط در پی جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی نیست، بلکه باید منافع ذی‌نفعان علی‌الخصوص جامعه شهر را نیز مدنظر قرار دهد.

۵. نتیجه‌گیری

شهرهایی که بتوانند تصویر مناسبی از برند شهری را ایجاد نمایند با سرعت و سهولت بیشتری در یاد افکار عمومی شناخته می‌شوند و می‌توانند بهره بیشتری از سهم گردشگران، ایجاد کسب‌وکار، جذب سرمایه‌گذاری، اعتبار و بهبود کیفیت زندگی را بدست آورند و در عین حال توجه و احترام بیشتری را به خود معطوف نمایند. در نتیجه شهرستان جویبار می‌تواند با در استفاده از فاکتورهای به دست آمده در این پژوهش می‌تواند برند شهر-ورزشی قابل قبولی برای خود ایجاد کند. در آخر می‌توان اینگونه بیان کرد که اهمیت ورزش و نقش آن در ارتقا جایگاه شهر بر هیچ کس پوشیده نیست لذا مدیران شهری می‌توانند با تکیه بر نتایج حاصل از این پژوهش برای شهر خود برندسازی کنند. مدیران شهری برای این که بتوانند تصمیمات درستی را اتخاذ کرده و برای شهر درست برنامه‌ریزی کنند، نیازمند دانشی همه‌جانبه در حوزه پتانسیل‌های ورزشی شهر و اهمیت برندسازی شهری از طریق ورزش هستند که شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای ایجاد جوامعی سالم و درک هزینه و فایده الگوهای مختلف توسعه، باید شناخت کافی از تاثیر ورزش داشته باشند؛ این بدان معنی است که مدیران شهری شهرستان جویبار باید تصویر فعلی و توانایی‌های ورزشی شهر را بشناسند، سپس تصویری را که خواهان آنند را طراحی و فعالیت‌هایی را برای بهبود آن تعریف کنند که برای شناخت این تصویر نیازمند ابزاری هستند که این تحقیق تا حدودی خواسته‌ها را برآورده کرده است و مدیران شهری و ورزشی شهرستان جویبار با این ابزار می‌توانند پتانسیل شهر را برای تبدیل شدن به یک برند شهری-ورزشی را شناسایی کنند و آن را افزایش دهند؛ و به کمک برنامه‌ریزی‌های مناسب شهرستان جویبار را به یک برند شهری-ورزشی مناسب تبدیل کنند. مدیران شهری شهرستان جویبار همواره باید بر پتانسیل و ویژگی‌های بارز ورزشی شهر تاکید کنند و سعی کنند با تدوین راهبردهای مناسب شهر خود را در عرصه بین‌المللی مطرح کنند. همچنین مدیران و تصمیم‌گیران شهری شهرستان جویبار می‌توانند با همکاری ذینفعان، سهامداران و مردم شهر از حمایت‌های آن‌ها در برندسازی شهری-ورزشی بهره گیرند و از این طریق تمامی ذینفعان جامعه را در برندسازی

شهری_ورزشی دخیل کنند و راه توسعه شهری را هموار کنند. همچنین مدیران شهری و مدیران ورزشی شهرستان جویبار باید به طور مداوم ارزیابی پتانسیل تبدیل شدن شهر به یک برند شهری_ورزشی را به طور مداوم انجام دهند و با استفاده از این ابزار به دست آمده در این پژوهش کاستی‌ها را رفع کنند.

کتاب‌نامه

۱. روستا، ا.، قره‌چه، م.، حمیدی‌نژاد، م.ر.، و محمدی‌فر، ی. (۱۳۹۵). مدلی برای برندآفرینی شهری در ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد. *مدیریت برند*، ۳(۵)، ۶۸-۴۱.
۲. صفادار، س. (۱۳۹۲). نقش تصویرسازی رسانه‌ای در برندسازی شهری (تهران). تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد گروه مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. لزگی، ا.، و صامی، ق (۱۳۹۶). تبیین مؤلفه‌های برندینگ شهری با تأکید بر ابعاد اقتصادی آن نمونه موردی: کلان‌شهر مشهد. *تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲(۳)، ۱۶۲-۱۵۲.
۴. نوری خان یوردی، م.، و کلاته، م. (۱۳۹۶). طراحی مدل برندآفرینی شهری ورزشی با رویکرد نظریه داده بنیاد. *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت برند*، ۴(۲)، ۱۰۶-۶۹.
۵. وثوقی، ل.، عبدلی، م.، خزایی، ف.، و سارانی، م. (۲۰۲۰). واکاوی ظرفیت برندسازی شهری و عناصر برند در مقصد گردشگری مبتنی بر رویکرد هویت مبنا. *نشریه گردشگری شهری*، ۷(۳)، ۱۴۳-۱۵۹.
6. Anholt, S. (2007). *What is competitive identity?* London: Palgrave Macmillan.
7. Anttiroiko, A. V. (2015). City branding as a response to global intercity competition. *Growth and change*, 46(2), 233-252.
8. Austrian, Z., & Rosentraub, M. S. (2002). Cities, sports, and economic change: A retrospective assessment. *Journal of urban affairs*, 24(5), 549-563.
9. Camilleri, M. A. (2018). *Travel marketing, tourism economics and the airline product. An introduction to theory and practice*. Heidelberg: Springer International Publishing.
10. Campbell, R. (2015). World Cup and nation branding misses. The Fields of Green website, July 9, available at: <http://thefieldsofgreen.com/2015/07/09/world-cup-and-nation-branding-misses/> (accessed June 5, 2017).
11. Gregory, J. J. (2019). *Creative Industries and Neighbourhood Change in South African Cities*. Heidelberg: Springer International Publishing.
12. Han, M., De Jong, M., Cui, Z., Xu, L., Lu, H., & Sun, B. (2018). City Branding in China's Northeastern Region: How Do Cities Reposition Themselves When Facing Industrial Decline and Ecological Modernization? *Sustainability*, 10(1), 102.
13. Hemmonsby, J. D., & Knott, B. (2016). Branding an African city through sport: the role of stakeholder engagement. *African Journal of Hospitality Tourism and Leisure*, 5(3), 1-14.
14. Higham, J., & Hinch, T. (2010). *Sport and tourism*. Oxford: Routledge.
15. Hildreth, J. (2008). The European City Brand Barometer—Revealing which cities get the brands they deserve. *Saffron Brand Consultants*.
16. Hu, L., Yang, J., Yang, T., Tu, Y., & Zhu, J. (2020). Urban Spatial Structure and Travel in China. *Journal of Planning Literature*, 35(1), 6-24.
17. Kasapi, I., & Cela, A. (2017). Destination branding: A review of the city branding literature. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 8(4), 129-142.

18. Kotler, P., Armstrong, G., Ang, S. H., Leong, S. M., Tan, C. T., & Ho-Ming, O. (2012). Principles of marketing: an Asian perspective. Pearson/Prentice-Hall.
19. Lauermann, J. (2019). The Urban Politics of Mega-Events: Grand Promises Meet Local Resistance. *Environment and Society*, 10(1), 48-62.
20. Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity 1. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
21. Lu, H., & de Jong, M. (2019). Evolution in city branding practices in China's Pearl River Delta since the year 2000. *Cities*, 89, 154-166.
22. Ma, W. (2021). *From city branding to urban transformation: How do Chinese cities implement city branding strategies?* Delft: Delft University of Technology
23. Mahmoudzadeh, S., Nasr, M., & Hashemi, M. (2014). A survey on factors influencing city branding. *Management Science Letters*, 4(10), 2325-2328.
24. McGillivray, D. (2019). Sport events, space and the 'Live City'. *Cities*, 85, 196-202.
25. Müller, M. (2015). The mega-event syndrome: Why so much goes wrong in mega-event planning and what to do about it. *Journal of the American Planning Association*, 81(1), 6-17.
26. Ozkaya, B., & Deniz, E. (2019). A Research on City Branding Activities: The Case of Karşıyaka/İzmir. *Business and Economics Research Journal*, 10(2), 557-574.
27. Pereira, R. H. (2018). Transport legacy of mega-events and the redistribution of accessibility to urban destinations. *Cities*, 81, 45-60.
28. Rainisto, S. K. (2003). *Success factors of place marketing: A study of place marketing practices in Northern Europe and the United States*. Helsinki University of Technology.
29. Rehan, R. M. (2014). Urban branding as an effective sustainability tool in urban development. *HBRC Journal*, 10(2), 222-230.
30. Richelie, A. (2018). A sport-oriented place branding strategy for cities, regions and countries. *Sport, Business and Management: An International Journal*, Vol. 8(4), 354-374.
31. Stewart, A., & Rayner, S. (2016). Planning mega-event legacies: uncomfortable knowledge for host cities. *Planning perspectives*, 31(2), 157-179.
32. Sun, Z., Pieters, J., Young, J., & Soltani, A. (2018). Exploring city branding strategies and their impacts on local tourism success, the case study of Kumamoto Prefecture, Japan. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 23 (2), 158-169.
33. Toppeta, D. (2010). The Smart City Vision: How Innovation and ICT Can Build Smart, "Livable", Sustainable Cities. The Innovation Knowledge Foundation. Available from http://www.thinkininnovation.org/file/research/23/en/Top+peta_Report_005_2010.pdf
34. Yang, J., & Wang, X. (2018, July). Research on the Positioning of the City's Brand Image Based on Service Design--Taking the Brand Image of Guangzhou City as an Example. Atlantis: In 3rd International Conference on Contemporary Education, Social Sciences and Humanities (ICCESSH 2018), Atlantis Press.
35. Yang, Q., Lu, H., Scoglio, C., de Jong, M., & Gruenbacher, D. (2018). A network-based approach to model the development of city branding in China. *Computers, Environment and Urban Systems*, 72, 161-176.
36. Yang, T., Ye, M., Pei, P., Shi, Y., & Pan, H. (2019). City branding evaluation as a tool for sustainable urban growth: A framework and lessons from the Yangtze River Delta Region. *Sustainability*, 11(16), 4281.
37. Zimbalist, A. (2016). 3.4 Corruption and the bidding process for the Olympics and World Cup. *Global corruption report: sport*, 178-182.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد شهری (مطالعه موردی: محله یاغچیان تبریز)

علیرضا سلطانی (استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

dralirezasoltani16@gmail.com

الهام حاتمی گلزاری (استادیار گروه معماری، مرکز سردرود، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

e.hatami.g@sardroud-iau.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

صص ۳۷-۵۵

چکیده

امروزه برنامه‌ریزی و توسعه شهری روندی پایین به بالا بوده که از مقیاس خرد یعنی محله شروع می‌شود و هدف اولیه آن، ایجاد مکان‌های (محلات) مطلوب برای زندگی از طریق پیوند انسان با مکان و به عبارتی ارتقای حس تعلق مکانی محسوب می‌گردد. در این راستا، با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و توسعه محله‌محور در دستیابی به توسعه شهری و نقش تأثیرگذار ارتباط و پیوند انسان با محلات و توسعه آن، هدف از تحقیق حاضر شناسایی مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد تبریز (محله یاغچیان) می‌باشد. روش تحقیق در مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل حداقل مجزورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز ساکنان محله یاغچیان تبریز (حدود ۱۵۰۰۰ نفر) می‌باشد که حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردیده و براساس فرمول اصلاح شده کوکران به تعداد ۳۴۰ نفر تقلیل یافته است. یافته‌های تحقیق بر مبنای مدل ساختاری حاکی از آن است که در محله مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در وهله اول تعلق کارکردی: انعطاف‌پذیری، آسایش و جذابیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴، در وهله دوم تعلق حسی و عاطفی: سیمای بصری و اجتماع‌پذیری به ترتیب با ارزش ۰/۴۱ و ۰/۳۸ و در وهله سوم تعلق مفهومی: هویت و شخصیت مکان، خوانایی و قابلیت ادراک و تصور مکان به ترتیب با ارزش ۰/۳۲، ۰/۲۷ و ۰/۲۲ می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: حس تعلق مکانی، محلات نوبنیاد، محله یاغچیان تبریز.

۱. مقدمه

مکان یک پدیده‌ی چندوجهی است که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر دارد (کینگ^۱، ۱۹۹۵، ص. ۷، ورتووک^۲، ۲۰۰۹، ص. ۴۹). به عبارت دیگر مکان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی (ارتباطات اجتماعی، احساسات، افکار، روابط اقتصادی و ...) در بستر کالبد و فضای آن می‌باشد (سرایي و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۸ به نقل از استدمن^۳، ۲۰۰۳، ص. ۶۷۳). با توجه به اهمیت مکان در زندگی انسانی، در چند دهه‌ی اخیر مطالعات مکان‌محور با معانی پیرامون در قالب شاخص‌های تعلق مکانی، حس مکان، هویت و اجتماع‌محور بودن (میچل^۴، ۱۹۹۶، ص. ۱۲۸؛ مَصی^۵، ۲۰۰۴، ص. ۶؛ ساویج^۶ و همکاران، ۲۰۰۵، ص. ۱۳؛ واتسون^۷، ۲۰۰۶، ص. ۲۹؛ نوبل و پویتینگ^۸، ۲۰۱۰، ص. ۴۹۰)، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط ایفا کرده‌اند (رلف^۹، ۲۰۰۹، ص. ۹؛ لویکا^{۱۰}، ۲۰۱۱، ص. ۲۰۸). پیشرفت‌های تئوریک در بسط معنای "مکان" به آنجا رسیده است که انسان بودن نیز به معنای زیست در جهانی مملو از مکان‌ها دانسته شده است (مظلومی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲ به نقل از رلف^{۱۱}، ۱۹۷۶، ص. ۳۳)، که این امر ناشی از رابطه‌ی متقابل فضا و مکان با رفتار اجتماعی و هویت اجتماعی و مکان می‌باشد (امین^{۱۲}، ۲۰۰۴، ص. ۳۴؛ مَصی، ۲۰۰۴، ص. ۸؛ رادیک^{۱۳}، ۲۰۱۶، ص. ۴۳۳؛ ویلسون^{۱۴}، ۲۰۱۶، ص. ۴۲). بنابراین در بررسی رابطه‌ی فعالیت‌های انسانی با مکان، سکونت رابطه‌ای پرمعنا میان انسان و محیط است و در این راستا دو عامل فضا و احساس تعلق مکانی که برگرفته از خاطرات فردی و جمعی ساکنین است؛ عوامل و متغیرهای مهمی در شکل‌گیری این رابطه‌ی پرمعنا در جهت دستیابی به هویت‌مند بودن ساختار مکان می‌باشند (ربانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۷). از طرفی در بین مکان‌ها و فضاها، بیشترین حس تعلق به واحدهای خردتر آن یعنی محله‌ها مربوط می‌شود (وان^{۱۵}، ۲۰۱۴، ص. ۱)، که به‌عنوان سلول‌های حیات و همچنین بستر سکونت، دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان‌شان دارند (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱). امروزه محلات جدید خارج از رعایت استانداردهای مربوط به شرایط بومی منطقه و تقویت هویت مکان احداث می‌گردند و علی‌رغم اینکه به‌عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات شهر، در توسعه‌ی پایدار و برنامه‌ریزی برای شهر نقش مؤثری داشته و هسته‌های اصلی زندگی شهری به‌شمار می‌روند، ولی با

1. King
2. Vertovec
3. Stedman
4. Mitchell
5. Massey
6. Savage
7. Watson
8. Noble and Poynting
9. Relph
10. Lewicka
11. Relph
12. Amin
13. Radice
14. Wilson
15. Wan

این وجود، در نظام رسمی برنامه‌ریزی فضایی جایگاهی ندارند. چنانچه برنامه‌ریزی و طراحی محلات جدید شهری صرفاً معیارهای کالبدی (بدون هویت مکانی) و ایجاد محلی برای سکونت را مدنظر قرار داده است، درحالی‌که، در برنامه‌ریزی و طراحی آنها بایستی تلفیقی از معیارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی مورد استفاده قرار گیرد. این امر از یک‌سو موجبات افزایش حس تعلق مکانی در ساکنان گردیده و از سوی دیگر توسعه‌ی محله و به تبع آن توسعه‌ی شهر را فراهم خواهد آورد. بنابراین بایستی هدف از برنامه‌ریزی محلات شهری، ایجاد مکان‌های مطلوب برای زندگی، درنظر گرفتن ابعاد و معیارهای مختلف در طراحی و ارتقای حس و تعلق مکانی در ساکنان باشد.

از این‌رو هدف از تحقیق حاضر بررسی مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین‌یاد می‌باشد. باتوجه به اینکه محله یاغچیان محله نوین‌یادی است اما از نظر سیستم شبکه ارتباطی دسترسی پیاده و امکانات و خدمات محله‌ای با مشکلات زیادی روبرو است که باعث عدم حس تعلق مکانی در ساکنین می‌شود، با توجه به اینکه تحقق حس تعلق مکانی در محله یاغچیان که یک محله نوین‌یاد است می‌تواند با بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی و مشارکت مردمی همراه با همکاری سازمانهای ذی ربط، به‌عنوان راهکاری در جهت دستیابی به پایداری محله باشد؛

محله به فضای مشخص اشاره دارد که درون واحدهای فضایی بزرگتر تقسیم شده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۵، ص. ۳۶). واژه "محله" یک مفهوم معروف در تاریخ توسعه شهرنشینی را توصیف می‌کند. تعاریفی که عموماً مورد استفاده قرار می‌گیرند از "محله" مانند "یک جامعه محلی جغرافیایی واقع در یک شهر یا حومه بزرگ‌تر" یا "یک منطقه جداگانه قابل شناسایی در یک جامعه با حفظ کیفیت یا شخصیتی که آن را از مناطق دیگر متمایز می‌کند" یا "منطقه‌ای که در آن ساکنان با منافع مشترک و سودمند کنارهم قرار می‌گیرند" وجود دارد. (بتزنهاوسر^۱ و پوکتات^۲، ۲۰۱۹) مفهوم محله از اواخر قرن ۱۹ میلادی به عنوان یک موضوع تحقیقاتی مورد توجه اندیشمندان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری و طراحان بوده است. (سراکوچ^۳، ۲۰۱۹) از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، مدیران شهری شروع به طراحی و توسعه محله‌های زیست پذیر و سازگار با محیط‌زیست از اوایل قرن بیستم کردند. (میس^۴ و توودور-سجونز^۵، ۲۰۱۷). از طرفی تعاریف محله، بیش از آن گسترده است که بتوان آن را در گروه‌ها و دسته‌بندی‌های محدود جای داد اما آنچه مشخص است این است که در هر فضایی که بتوان آن را محله نامید، دو چیز باید وجود داشته باشد؛ اول، فضا و مکان‌های موجود در آن که مسکونی بوده و عده‌ای در آن اقامت می‌کنند و دوم، فضای اجتماعی و انتظامی که روابط، مرزها و شبکه‌های اجتماعی را در خود جای می‌دهد (آذری، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

1. Betzenhauser
2. Pauketat
3. Serra Coch
4. Mace
5. Tewdwr-Jones

مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۷) انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود. براساس «مدل کانتر^۱» مکان، بخشی از فضای ساخته‌شده یا فضای طبیعی است که نتیجه‌ی روابط متقابل سه عامل: ۱. رفتار انسانی ۲. معانی و مفاهیم ۳. مشخصات کالبدی و متمایز بودن از یک‌سو و ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن از سوی دیگر است. در این بین حس تعلق به مکان به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد، این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند (سرمست، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷). همچنین حس تعلق مکانی جنبه‌ای ذهنی از رابطه‌ی میان انسان و مکان و به عبارتی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی عاطفی شخص با مکان می‌باشد (مادگین^۲ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۶۷۷؛ لی^۳ و شن^۴، ۲۰۱۳، ص. ۷۸). تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. (کاملی و عظمتی، ۱۴۰۰) بنابراین می‌توان گفت حس تعلق به مکان در پیوند عملکردی بین مردم و مکانهایی که به عنوان وابستگی به مکان توصیف می‌شوند. از این رو تعداد دفعات بازدید از یک مکان و جاذبه‌های مکان در طول روز منجر به افزایش و ارتقا حس تعلق به مکان می‌گردد. (میرزامحمدی، باقرزاده کثیری، زینالی عظیم، ۱۳۹۸). براساس مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح‌شده در راستای حس تعلق مکانی می‌توان گفت که مؤلفه‌های حس تعلق مکانی به سه بخش تعلق کارکردی، تعلق عاطفی و تعلق مفهومی قابل تقسیم می‌باشد (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶، ص. ۲۱). افزایش حس تعلق مکانی نمودی از تغییر وابستگی کارکردی به مکان در ساکنان به وابستگی عاطفی است. این امر موجب افزایش ماندگاری ساکنان در مکان گردیده و به تبع آن پیشرفت و توسعه‌ی مکان را ممکن می‌سازد (حاتمی گلزاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۰-۱۷۳).

بر مبنای چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت که شکل‌گیری حس و تعلق مکانی ناشی از تحقق معیارهایی همچون تعلق مفهومی، تعلق عاطفی و تعلق کارکردی می‌باشد. در ادامه مهمترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر ارائه می‌گردد:

بصیری، زینالی عظیم و آذر (۱۳۹۹)، تحلیل عوامل و مؤلفه‌های حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهر تبریز محله اهراب تبریز، نتایج نشان داد که گذر زمان با بار عاملی ۰/۹۶ بیشترین تاثیر را در حس تعلق به مکان در محله اهراب دارد. پس از آن به ترتیب خوانایی و دسترسی، غنای بصری، مبلمان و تجهیزات، احساسی، کیفیت فضایی، تعاملات اجتماعی، زیبایی و نمادها و هویت قرار دارند. عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله‌های شهری، محله‌ی قدیمی ساغری سازان رشت، ارزیابی نتایج تحقیق حاکی از وابستگی معنادار ساکنین در واحدهای مسکونی قدیمی، نسبت به آپارتمان‌سازی‌های جدید در محله‌ی

1. Counter
2. Madgin
3. Lee
4. Shen

ساغری سازان است. حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی، محله‌ی کلاه فرنگی سبزوار، نتایج نشان می‌دهد به‌جز مؤلفه‌ی ارزیابی بیرونی، سایر مؤلفه‌های هویت مکانی در سطح مناسبی قرار دارد و برخلاف تغییراتی که در بافت فیزیکی محله‌ی کلاه فرنگی به‌وجود آمده است، ساکنان این محله همچنان احساس هویت مکانی نسبتاً زیادی را تجربه می‌کنند. بزی و همکاران، (۱۳۹۸)، بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عواملی از قبیل قدمت مکان، وجهه‌ی مکان، دسترسی به خدمات در مکان، پوشش گیاهی، نمای خیابان‌ها، بافت مکان، وجود و یا نزدیکی اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت در مکان همه از عواملی هستند که بر حس تعلق به مکان شهروندان خرم‌آبادی تأثیرگذار بوده‌اند. سنفورد^۱ (۲۰۱۳) بررسی مکان‌های آینده و تعلق مکانی در آنها، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مکان‌های آینده و تعلق به آنها تحت تأثیر دو عامل مادی و اجتماعی خواهد بود که هر کدام به‌نحوی در مواردی باعث افزایش و در مواردی دیگر باعث کاهش تعلق مکانی خواهند گردید. غزیمی^۲ (۲۰۱۴)، بررسی حس مکانی و هویت مکانی پرداخته، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هویت و حس مکان برگرفته از هویت اجتماعی و تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها و احساساتی است که به خاطر سکونت در مکان به او منتقل می‌شود. کوهن^۳ (۲۰۱۷)، بررسی تحولات مکانی تحت سه عامل ارتباطات، گذشته و تعلق، در این مطالعه اشاره شده است که تحولات یک مکان تحت تأثیر فرهنگ جهانی، گذشته‌ی مکان و ارتباطات اجتماعی بوده و زمانی که این سه عامل همسو باهم در مکان عینیت یابند، تعلق مکانی شکل خواهد گرفت. گورگیل^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، حس مکان یا تعلق مکانی، الگوها و دستورالعمل‌های فضاهای باز انسان‌محور در چین، ازجمله راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش در راستای ارتقای حس مکان و تعلق مکانی، بهره‌گیری از هنرمندان و مبتکران کارآزموده و برنامه‌های اجتماعی مختلف در راستای هم‌پیوندی فرایندهای عمومی این فضاها در بین نسل‌های مختلف می‌باشد. چنانچه در مطالعات و پژوهش‌های پیشین حس تعلق مکانی در هر کدام از ابعاد (مفهومی، عاطفی و کارکردی) مورد بررسی قرار گرفته است و اکثراً هدف از آنها مطالعه‌ی بافت‌ها و محله‌های قدیمی شهرها بوده است. درحالی‌که محلات قدیمی با توجه به ساختار سنتی خود و همچنین معیارهای فرهنگی-اجتماعی حاکم بر سازمان اجتماعی آنها دارای تعلق مکانی مناسبی می‌باشند و این بافت‌های جدید هستند که عدم تحقق شاخصه‌های تعلق مکانی موجب بی‌توجهی ساکنان به آینده‌ی محلات و عدم توسعه‌ی آنها خواهد گردید. در خصوص تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی حس مکان، حس تعلق و دلبستگی مکانی باید گفت تا پیش از دهه‌ی ۷۰ میلادی و در مطالعات انجام شده در زمینه‌ی رابطه‌ی انسان و محیط عملاً به انگاره‌ی تعلق و دلبستگی به مکان توجه نشده، اما پس از آن تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶، ص. ۱۹)؛ تحقیقاتی که هر کدام به بخشی از مفهوم حس تعلق مکانی (تعلق مفهومی،

1. Sandford
2. Qazimi
3. Cohen
4. Gorgul

کارکردی و عاطفی) پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به پیشینه مطالعاتی، نوآوری پژوهش حاضر بررسی جامع تعلق مکانی در ابعاد سه‌گانه (تعلق کارکردی، تعلق عاطفی و تعلق مفهومی) در محلات نوین (محله‌ی یاغچیان تبریز) می‌باشد.

بنابراین ضرورت تحقیق ایجاب می‌کند که حس تعلق مکانی در بافت‌ها و محلات نوین شهر مورد بررسی قرار گرفته و سیاست‌های متناسب در راستای ارتقای این حس و توسعه‌ی محلات مدنظر قرار گیرد. بر این اساس تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال می‌باشد که مهمترین عوامل تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین تبریز (محله‌ی یاغچیان) کدامند؟

۲. متدولوژی

۲.۱. روش پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال توسعه‌ی دانش در راستای عوامل تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محلات نوین تبریز بوده است، بنابراین روش تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق نیز از مدل حداقل مجذورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS و آزمون پیرسون استفاده شده است. همچنین جامعه‌ی آماری تحقیق، ساکنان محله‌ی نوین یاغچیان تبریز (حدود ۱۵۰۰۰ نفر) بوده که در خصوص تعیین حجم نمونه هم از قواعد خاص روش حداقل مربعات جزئی (مدل استفاده‌شده در این تحقیق) پیروی شده است، به گونه‌ای که حجم نمونه مورد نیاز در مدلسازی روش حداقل مربعات جزئی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کوچکتر از روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس است. در این روش که یکی از جدیدترین قواعد انتخاب حجم نمونه را دارد قواعدی را پیشنهاد می‌کند که حجم نمونه باید برابر یا بزرگتر از این موارد باشد: برابر یا بزرگتر از تعداد شاخص‌های سازه‌ای که دارای بیشترین تعداد معرف‌های ترکیبی است (شاخص‌های سازه‌ای در این تحقیق ۱۸ شاخص پنهان و ۸ شاخص آشکار می‌باشد که حجم نمونه به مراتب بیشتر می‌باشد)؛ ده برابر بیشترین تعداد مسیرهای ساختاری که به یک سازه‌ی خاص در مدل مسیری داخلی ختم می‌شود (در این تحقیق بیشترین مسیرها به سمت حس تعلق مکانی از طریق عوامل تبیین‌کننده بوده که شامل ۸ مسیر مستقیم و ۱۸ مسیر غیرمستقیم می‌باشد، بنابراین مجموع آنها ۲۶ مسیر بوده و حجم نمونه بیشتر از ۱۰ برابر این مسیرها می‌باشد) (هنسِلِر و همکاران^۱، ۲۰۰۹: ۲۸۸). با توجه به قاعده‌ی مدل حداقل مربعات جزئی و با توجه به این نکته که ممکن است تعدادی از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده دارای داده‌های ناهمگون و غیرقابل اعتماد باشند، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ به دست آمده که با استفاده از فرمول اصلاح شده‌ی کوکران به تعداد ۳۴۰ تقلیل یافته است. در این تحقیق روش نمونه‌گیری براساس الگوی تصادفی ساده می‌باشد.

روش حداقل مجذورات جزئی به‌عنوان یکی از آخرین دستاوردهای آماردانان برای آزمون و برآورد روابط علی، از ترکیب داده‌های آماری و مفروضات علی کیفی بهره می‌برد. این تکنیک اجرای همزمان مدلسازی اکتشافی و تأییدی را برای پژوهشگران میسر می‌سازد. یعنی برای آزمون نظریات و تکوین نظریات مناسب دارد. در این روش، تحلیل و تفسیر مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری مورد بحث می‌باشد.

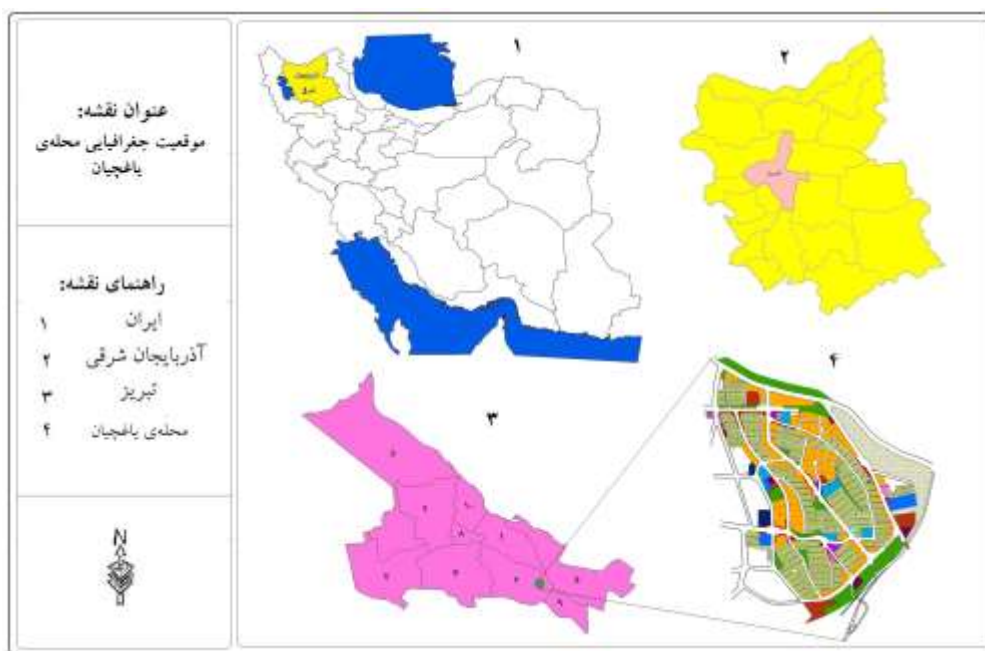
تحلیل و تفسیر مدل ساختاری: یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می‌بایست در دو مرحله تحلیل و تفسیر شود. ابتدا مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری مورد تحلیل و تفسیر قرار خواهد گرفت. منظور از بررسی مدل اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای متغیرهای مکنون و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر میان متغیرهای مکنون است.

تحلیل مدل اندازه‌گیری: در این مرحله، تعیین می‌شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده‌اند یا خیر. بدین منظور روایی و پایایی آن‌ها بررسی می‌شود. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از شاخص‌های متغیرهای مکنون (سازه‌ها)، سازگار درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگرا و روایی افتراقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

حجم نمونه اندک بهترین دلیل استفاده از PLS در این تحقیق نسبت به روشهای دیگر بوده است. روش‌های نسل اول مدل سازی معادلات ساختاری که با نرم افزارهایی نظیر EQS، LISREL و AMOS اجرا می شدند، نیاز به تعداد نمونه زیاد دارند، در حالی که PLS (بی ال اس) توان اجرای مدل با تعداد نمونه خیلی کم را دارا می باشد. یک مزیت مهم دیگر امکان استفاده از مدل های اندازه گیری با یک شاخص (سوال) در روش PLS-SEM می باشد. این روش امکان را داده که در مدل پژوهشی خود از مدل های اندازه گیری با یک سوال استفاده کنیم.

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

در تحقیق حاضر بررسی مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوین‌پاد انجام شده است که محله‌ی یاغچیان تبریز (وسعت این محله ۱۲۵ هکتار بوده و احداث آن از سال ۱۳۷۶ شروع شده است) مورد بررسی قرار گرفته است تا بدین وسیله با شناخت حس تعلق مکانی در میان ساکنین و عوامل مؤثر بر آن، سیاست‌های متناسب با محله در راستای ارتقای حس تعلق به مکان و توسعه‌ی آن ارائه گردد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محله یاغچیان

۲. ۳. شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

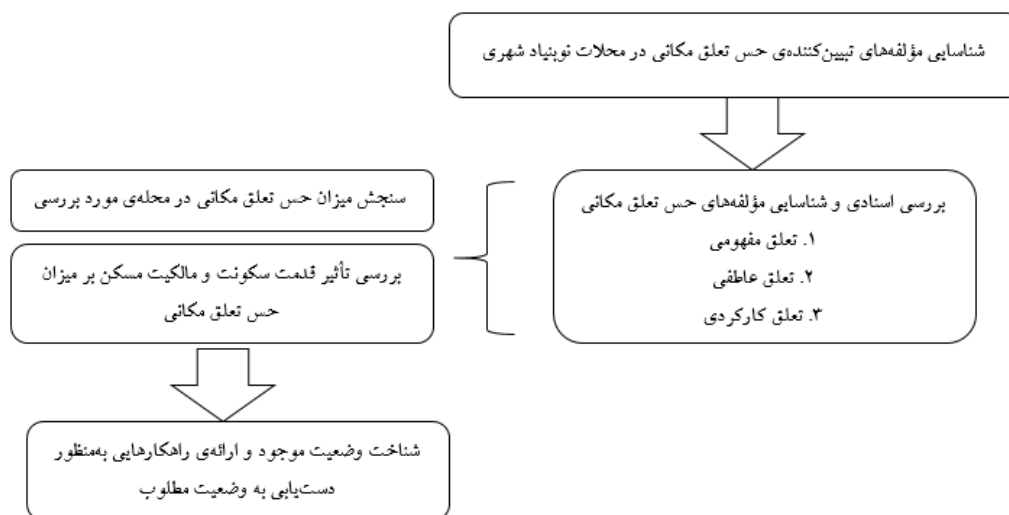
با توجه مشکلات موجود در محله یاغچیان و بررسی های میدانی شکل گرفته، تحلیل مولفه های زیر از سایر مولفه های حس تعلق مکانی در محدوده مورد پژوهش بیشتر احساس شد و این مولفه ها بصورت متغیرهای تحقیق حاضر به شرح جدول شماره ۱ می باشد.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و کدبندی آنها

مؤلفه های اصلی حس تعلق مکانی (SB)	مؤلفه های فرعی
هویت و شخصیت مکان (ICP)	منحصربه فرد بودن محله Q1، متمایز بودن با سایر محلات Q2
خوانایی (R)	وجود نشانه ها و نمادها در محله Q3، آشنا بودن فضا برای ساکنان Q4
آسایش (C)	احساس راحتی و آرامش Q5، ایمنی و امنیت Q6
جذابیت (A)	بهره گیری از مبلمان و تسهیلات شهری Q7، قابلیت ایجاد نشاط و سرزندگی Q8
قابلیت ادراک و تصور مکان (PPP)	خاطره انگیزی (قابلیت خاطره ساز بودن مکان) Q9، قابلیت تداعی معانی Q10
سیمای بصری (VA)	پاکیزگی محله Q11، کیفیت مناسب چشم اندازها (فضاهای سبز و الگوهای معماری) Q12
اجتماع پذیری (S)	وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی Q13، میزان صمیمیت افراد با یکدیگر Q14، مشارکت در فعالیتهای گروهی مربوط به محله Q15
انعطاف پذیری (F)	ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع Q16، دسترسی به خدمات اساسی Q17، نحوه ی ارتباط با سایر محلات شهر Q18

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

در تحقیق حاضر فرایند تحلیلی تحقیق به شرح شکل شماره ۲ می‌باشد.



شکل ۲. مدل تحلیلی تحقیق

۳. یافته‌ها

۳.۱. پایایی شاخص‌های متغیرهای مکنون

پایایی هر یک از شاخص‌های متغیر مکنون، در مدل PLS توسط میزان بارهای عاملی هر شاخص می‌شود. ارزش هر یک از بارهای عاملی شاخص‌های متغیر مکنون مربوطه می‌بایست بزرگتر یا مساوی ۰/۵ باشد. در جدول شماره ۲ میزان بارهای عاملی برای شاخص‌های متغیرهای مکنون تحقیق قابل مشاهده است.

جدول ۲. ارزش بارهای عاملی شاخص‌های متغیرهای مکنون

متغیر مکنون	ICP	R	C	A	PPP	VA	S	F	P- values
متغیر مشاهده شده									
Q ₁	۰/۷۶۱	۰/۲۴۲	۰/۳۸۴	۰/۴۴۹	۰/۲۱۸	۰/۳۹۱	۰/۰۸۸	۰/۱۸۴	<۰/۰۰۱
Q ₂	۰/۷۶۱	-۰/۲۴۲	-۰/۳۸۴	-۰/۴۴۹	-۰/۲۱۸	-۰/۳۹۱	-۰/۰۸۸	-۰/۱۸۴	<۰/۰۰۱
Q ₃	۰/۰۹۶	۰/۷۲۷	۰/۱۸۷	۰/۴۲۶	۰/۱۱۹	۰/۳۷۳	۰/۱۴۵	۰/۰۸۶	<۰/۰۰۱
Q ₄	-۰/۰۹۶	۰/۷۲۷	-۰/۱۸۷	-۰/۴۲۶	-۰/۱۱۹	-۰/۳۷۳	-۰/۱۴۵	-۰/۰۸۶	<۰/۰۰۱
Q ₅	۰/۱۴۷	۰/۲۸۵	۰/۷۴۹	۰/۳۱۴	-۰/۴۱۱	۰/۲۷۹	۰/۱۶۳	۰/۲۷۷	<۰/۰۰۱
Q ₆	-۰/۱۴۷	-۰/۲۸۵	۰/۷۴۹	-۰/۳۱۴	۰/۴۱۱	-۰/۲۷۹	-۰/۱۶۳	-۰/۲۷۷	<۰/۰۰۱
Q ₇	۰/۲۹۲	۰/۱۴۴	۰/۳۵۱	۰/۷۷۲	۰/۰۵۹	۰/۱۴۸	۰/۳۷۲	۰/۲۶۴	<۰/۰۰۱
Q ₈	-۰/۲۹۲	-۰/۱۴۴	-۰/۳۵۱	۰/۷۷۲	-۰/۰۵۹	-۰/۱۴۸	-۰/۳۷۲	-۰/۲۶۴	<۰/۰۰۱
Q ₉	۰/۲۵۴	۰/۱۶۹	۰/۲۴۸	۰/۳۲۹	۰/۷۵۳	۰/۲۵۷	۰/۳۵۱	۰/۳۷۰	<۰/۰۰۱

P-values	F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
									متغیر مشاهده شده
<۰/۰۰۱	-۰/۳۷۰	-۰/۳۵۱	-۰/۲۵۷	۰/۷۵۳	-۰/۳۲۹	-۰/۲۴۸	-۰/۱۶۹	-۰/۲۵۴	Q ₁₀
<۰/۰۰۱	۰/۰۹۰	۰/۱۴۲	۰/۷۱۱	۰/۱۹۳	۰/۰۸۱	۰/۴۰۲	۰/۳۱۷	۰/۱۱۵	Q ₁₁
<۰/۰۰۱	-۰/۰۹۰	-۰/۱۴۲	۰/۷۱۱	-۰/۱۹۳	-۰/۰۸۱	-۰/۴۰۲	-۰/۳۱۷	-۰/۱۱۵	Q ₁₂
<۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	۰/۱۴۵	۰/۳۲۱	۰/۳۱۶	۰/۲۶۴	۰/۱۸۳	۰/۲۴۶	Q ₁₃
<۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	-۰/۱۴۵	-۰/۳۲۱	-۰/۳۱۶	-۰/۲۶۴	-۰/۱۸۳	-۰/۲۴۶	Q ₁₄
<۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	۰/۷۳۵	-۰/۱۴۵	-۰/۳۲۱	-۰/۳۱۶	-۰/۲۶۴	-۰/۱۸۳	-۰/۲۴۶	Q ₁₅
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	۰/۲۱۲	۰/۳۰۷	۰/۱۶۶	۰/۱۹۴	۰/۳۱۰	۰/۱۸۸	۰/۰۴۸	Q ₁₆
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	-۰/۲۱۲	-۰/۳۰۷	-۰/۱۶۶	-۰/۱۹۴	-۰/۳۱۰	-۰/۱۸۸	-۰/۰۴۸	Q ₁₇
<۰/۰۰۱	۰/۷۵۹	۰/۲۱۲	۰/۳۰۷	۰/۱۶۶	۰/۱۹۴	۰/۳۱۰	۰/۱۸۸	۰/۰۴۸	Q ₁₈

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود تمامی مقادیر سنجه‌های مرتبط با متغیر مکنون که پررنگ شده است، بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت مدل اندازه‌گیری از پایایی کافی در زمینه‌ی شاخص‌های مکنون برخوردار است.

۳.۲. پایایی سازه (سازگاری درونی)

برای اندازه‌گیری این پایایی، شاخص پایایی ترکیبی در مدل PLS ارائه می‌شود. این شاخص براساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص باید بزرگتر یا مساوی ۰/۷ باشد. جدول شماره ۳ مقدار پایایی سازه را برای هر یک از متغیرهای مکنون نشان می‌دهد.

جدول ۳. پایایی سازه‌های متغیرهای مکنون

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
								پایایی سازه
۰/۷۵۴	۰/۷۵۵	۰/۷۶۳	۰/۷۳۵	۰/۷۰۸	۰/۷۴۲	۰/۷۶۱	۰/۷۲۹	پایایی ترکیبی
۰/۷۱۱	۰/۷۸۲	۰/۷۴۴	۰/۷۲۱	۰/۷۸۱	۰/۷۶۹	۰/۷۱۸	۰/۷۴۵	آلفای کرونباخ

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر پایایی ترکیبی، بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است. مقدار آلفای کرونباخ نیز در جدول شماره ۳ نشان داده شده و ملاحظه می‌شود که این ضرایب نیز همگی بالاتر از ۰/۷ هستند، بنابراین مدل اندازه‌گیری از پایایی سازه‌ی مناسبی برخوردار است.

۳.۳. روایی همگرا

روایی همگرا در مدل PLS توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در جدول شماره ۴ روایی همگرایی متغیرهای مکنون بیان شده است.

جدول ۴. روایی همگرایی سازه‌های (متغیرهای مکنون)

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	متغیر مکنون
								روایی همگرا
۰/۶۸۳	۰/۶۰۹	۰/۵۹۳	۰/۷۳۱	۰/۶۷۵	۰/۸۱۱	۰/۷۲۹	۰/۶۷۴	پایایی ترکیبی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول شماره ۵ تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ بیشتر بوده و مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است.

۳.۴. روایی افتراقی

برای ارزیابی اعتبار افتراقی باید بررسی شود که آیا میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای یک سازه (متغیر مکنون)، بیشتر از توان دوم همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر. در جدول شماره ۵ روایی افتراقی متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴. اعتبار افتراقی سازه‌ها (متغیرهای مکنون)

F	S	VA	PPP	A	C	R	ICP	سازه
								سازه
۰/۳۶۷	۰/۱۴۷	۰/۲۷۷	۰/۶۱۴	۰/۳۵۴	۰/۰۹۱	۰/۲۵۹	۰/۷۲۹	ICP
۰/۵۱۱	۰/۶۰۲	۰/۱۸۴	۰/۱۶۸	۰/۱۶۲	۰/۱۱۷	۰/۷۱۴	۰/۴۱۷	R
۰/۱۹۳	۰/۰۹۷	۰/۵۲۹	۰/۰۷۱	۰/۲۰۹	۰/۷۶۲	۰/۳۱۱	۰/۲۹۱	C
۰/۴۶۵	۰/۴۵۱	۰/۴۱۲	۰/۳۲۰	۰/۷۵۸	۰/۳۵۷	۰/۱۶۵	۰/۳۱۵	A
۰/۲۴۸	۰/۱۴۴	۰/۳۸۸	۰/۷۳۵	۰/۲۶۱	۰/۳۱۲	۰/۲۴۹	۰/۳۰۹	PPP
۰/۳۷۶	۰/۳۶۳	۰/۷۲۰	۰/۲۱۹	۰/۲۷۷	۰/۴۷۵	۰/۴۸۱	۰/۴۲۱	VA
۰/۱۹۹	۰/۷۶۴	۰/۲۱۵	۰/۲۸۵	۰/۳۲۸	۰/۴۰۷	۰/۳۵۵	۰/۵۰۳	S
۰/۷۳۱	۰/۲۷۲	۰/۳۲۹	۰/۳۷۱	۰/۳۷۴	۰/۲۲۶	۰/۲۶۷	۰/۲۸۰	F

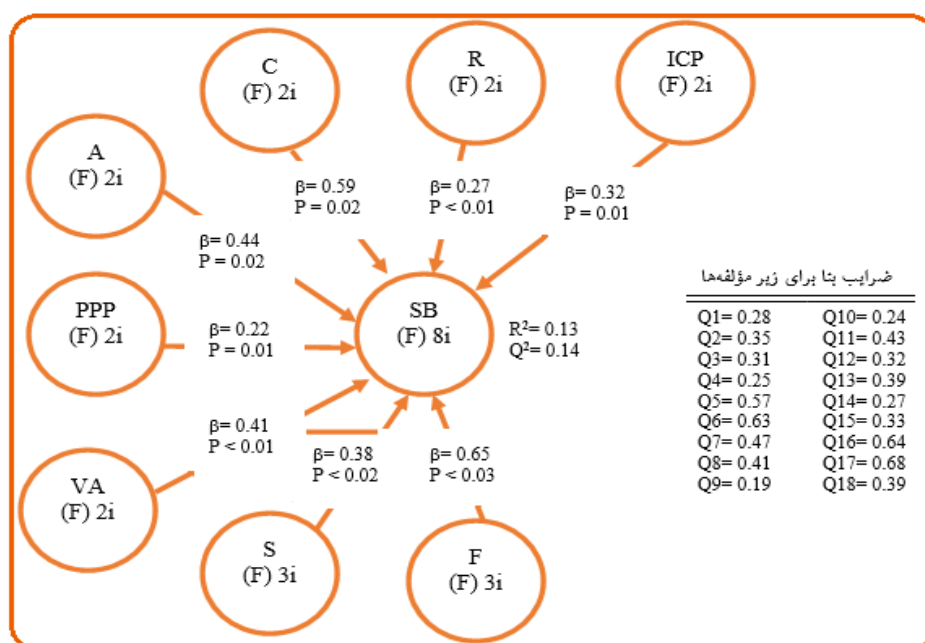
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مقادیر قطر اصلی در جدول فوق نشان دهنده‌ی ریشه‌ی دوم AVE و سایر مقادیر نیز نشان دهنده‌ی همبستگی میان سازه‌ها هستند. ملاحظه می‌شود که تمامی سازه‌ها با شرایط مورد نظر مطابقت دارند بنابراین می‌توان بیان کرد که

سازه‌ها از اعتبار افتراقی برخوردارند. همان‌گونه که در جدول شماره ۸ مشخص است، عناصر روی قطر اصلی دارای مقادیری بیشتری نسبت دیگر مقادیر هستند.

۳.۵. تحلیل مدل ساختاری

در شکل ۴ که تحلیل مدل ساختاری را نشان می‌دهد، ضرایب هر یک از مسیرها به نمایش درآمده است. هر یک از ضرایب در صورتی قابل قبول است که مقدار P-values آن کمتر از ۰/۰۵ باشد. همچنین جدول شماره ۸- P-values مربوط به هریک از مسیرها را ارائه داده است.



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق

جدول ۵. معناداری ضرایب مسیر

نتیجه	P-values	ضریب مسیر	مسیر
تایید	۰/۰۱۱	۰/۳۲۲	SB ← ICP
تایید	۰/۰۰۵	۰/۲۷۱	SB ← R
تایید	۰/۰۲۳	۰/۵۹۴	SB ← C
تایید	۰/۰۲۱	۰/۴۴۳	SB ← A
تایید	۰/۰۱۲	۰/۲۲۳	SB ← PPP
تایید	۰/۰۰۷	۰/۴۰۹	SB ← VA
تایید	۰/۰۱۸	۰/۳۷۸	SB ← S
تایید	۰/۰۳۱	۰/۶۵۱	SB ← F

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول شماره ۶ مقدار تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همانطوری که قابل مشاهده است، اثرگذاری متغیرهای مورد بررسی معنی‌دار بودن رابطه‌ی بین مؤلفه‌ها و حس تعلق مکانی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین همه‌ی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. از طرفی نتایج حاکی از آن است که در محله‌ی مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در وهله‌ی اول تعلق کارکردی (انعطاف‌پذیری، آسایش، جذابیت)، در وهله‌ی دوم تعلق حسی و عاطفی (سیمای بصری، اجتماع‌پذیری) و در وهله‌ی سوم تعلق مفهومی (هویت و شخصیت مکان، خوانایی، قابلیت ادراک و تصور مکان) می‌باشد. همچنین قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگتر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. با توجه به جدول شماره ۷ می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری تحقیق حاضر از قدرت کافی برخوردار است در این مدل ۱۲/۸ درصد از واریانس حس تعلق مکانی را متغیرهای وارد شونده بر آن توجیه می‌کند.

جدول ۶. ضرایب تعیین متغیرهای وابسته

R ²	شاخص
	متغیرهای وابسته
۰/۱۲۸	SB

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

براساس آزمون استون-گیسر نیز، چون مقادیر آزمون گیسر بالاتر از صفر محاسبه شده است نشان می‌دهد که مدل در نظر گرفته شده، ظرفیت و توان پیش‌بینی لازم را دارد. ضریب آزمون استون-گیسر برای متغیر حس تعلق مکانی برابر با ۰/۱۳۹ می‌باشد.

جدول ۷. آزمون استون-گیسر

Q ²	شاخص
	متغیرهای وابسته
۰/۱۳۹	SB

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۶. تأثیر قدمت سکونت و مالکیت مسکن بر حس تعلق مکانی

در این قسمت از تحقیق رابطه‌ی بین قدمت سکونت ساکنان و مالکیت مسکن در محله‌ی یاغچیان با حس تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج براساس آزمون پیرسون حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری بین قدمت سکونت و حس تعلق مکانی در ساکنان محله وجود دارد. همچنین رابطه‌ی بین مالکیت مسکن و حس تعلق مکانی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد.

جدول ۸. بررسی تأثیر قدمت سکونت و مالکیت مسکن با حس تعلق مکانی

متغیرهای مستقل	آزمون	حس تعلق مکانی
قدمت سکونت	Pearson Correlation	۰/۷۵۳
	Sig	۰/۰۰۰
مالکیت مسکن	Pearson Correlation	۰/۵۶۱
	Sig	۰/۰۲۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به نتایج مستخرج می‌توان این چنین بیان کرد که حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان به ترتیب ناشی از تعلق کارکردی، عاطفی و مفهومی می‌باشد و قدمت سکونت و مالکیت مسکن بر افزایش این حس تأثیرات معناداری داشته‌اند. همچنین وضعیت مؤلفه‌های تبیین‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان به شرح زیر می‌باشد:

اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی: در محله‌ی یاغچیان وجود تراکم جمعیتی و ساختمانی بسیار زیاد، باعث تمرکز بیش از حد افراد ساکن در محله با ویژگی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی گردیده که این امر موجب عدم سوق یافتن افراد به برقراری تعاملات اجتماعی در سطح محله شده است.

دسترسی به خدمات: در محله‌ی یاغچیان اکثر خدمات در دسترس می‌باشند و این امر موجب افزایش رضایت ساکنین از این مؤلفه گردیده است.

قدمت سکونت و مالکیت مسکن: در محله‌ی یاغچیان که قدمت سکونت پایین بوده؛ مالکیت مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش حس تعلق مکانی داشته است. همچنین دلیل عدم حس تعلق مکانی در اکثر ساکنان این محله به علت اجاره‌ای بودن مسکن و جابجایی‌های مستمر بوده است.

تداعی خاطرات: تداعی خاطرات رابطه‌ی مستقیمی با قدمت سکونت دارد و با توجه به نوبیاد بودن محله این معیار قابلیت تحقق‌پذیری محدودی دارد.

مرکز محله: در محله‌ی یاغچیان مرکز محله دیده نمی‌شود و این امر ناشی از توجه بیش از حد به ارزش‌های مادی (افزایش تراکم و کسب سود) از یک سو و همچنین ساختار خطی و پیوسته‌ی ساخت‌وسازها از سوی دیگر می‌باشد.

آشنایی و حس راحتی در محله: وجود نمادهای متغیر همچون عناصر تجاری و خدماتی در محله از یک‌سو و تغییرات فراوان در ساختار کالبدی آن از سوی دیگر موجب کاهش حس آشنایی محلات گردیده است.

۴. بحث

با توجه به اهمیت بحث حس تعلق مکانی در سطح محلات و نقش آن در پیشرفت محله، هدف از تحقیق حاضر ارزیابی عوامل تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد تبریز (محله‌ی یاغچیان) می‌باشد. براساس نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که همه‌ی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. از طرفی نتایج حاکی از آن است که در محله‌ی مورد مطالعه مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در وهله‌ی اول تعلق کارکردی (انعطاف‌پذیری، آسایش، جذابیت)، در وهله‌ی دوم تعلق حسی و عاطفی (سیمای بصری، اجتماع‌پذیری) و در وهله‌ی سوم تعلق مفهومی (هویت و شخصیت مکان، خوانایی، قابلیت ادراک و تصور مکان) می‌باشد.

همچنین قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگتر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. پس براساس نتایج بدست آمده روشن شد که محله نوبنیاد یاغچیان با مولفه‌های حس تعلق به مکان شکل نگرفته است. دلیل این امر را می‌توان در طراحی نامناسب محلات نوبنیاد شهری همچون محله‌ی یاغچیان بر مبنای عناصر هویت‌ساز مانند انطباق با بافت و زمینه، انطباق با الگوهای کهن و سنتی و انطباق با فرم و عملکرد دانست. در محله‌ی یاغچیان چیدمان فضایی عناصر و کارکردها به‌نحوی است که تأکید بر پیاده‌روی به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی به‌صورت محدود نمایان است و عبور و مرور اکثر به‌وسیله‌ی وسایل نقلیه صورت می‌گیرد. از طرفی شکل‌گیری عناصری مانند پارک آبی و پارک موزه‌ی شمیم پایداری به‌عنوان نماد محله باعث متمایز بودن محله گردیده است، با این حال کارکرد شهری و هرزگاهی منطقه‌ای این عناصر موجب عبور و مرور افراد زیادی به سطح محله گردیده که در اکثر مواقع باعث کاهش حس تعلق مکانی در ساکنان محله شده است. همچنین افزایش تراکم ساختمانی و به‌تبع آن افزایش جمعیت با ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی متفاوت و شکل‌گیری مسکن با معماری مشابه و متکی بر ارزش‌های اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان می‌باشد. در این راستا بایستی در طراحی محلات نوبنیاد به ویژگی‌های خاص مکان و به‌کارگیری آنها در طراحی معاصر، توجه داشت و به صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان با زمینه‌ی موجود را مدنظر قرار داد.

در بررسی تطبیقی محتوای پژوهش حاضر با پیشینه‌ی مطالعاتی نیز می‌توان گفت که از نظر اهداف، پژوهش حاضر هم راستا با مطالعات دانش پایه و حبیب (۱۳۹۶) و سنفورد (۲۰۱۳) و تا حدودی مطالعات بزی و همکاران (۱۳۹۳) و عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد، که بافت‌های جدید شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. از منظر نتایج نیز تأثیر مؤلفه‌هایی همچون دسترسی به خدمات، مالکیت مسکن، تعاملات اجتماعی، ارزش‌های سنتی و.. بر ارتقای حس تعلق مکانی در پژوهش حاضر با مطالعات ذکر شده در بالا مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال تلفیق مؤلفه‌ها در سه معیار تعلق مفهومی، تعلق عاطفی و تعلق کارکردی و سنجش تأثیرگذاری آنها بر حس تعلق مکانی تفاوت تحقیق حاضر با مطالعات بصیری، زینالی عظیم و آذر (۱۳۹۹)، یزدانی و همکارانش (۱۳۹۸) می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

براساس نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که همگی ۸ مورد از مؤلفه‌های مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با حس تعلق مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی مربوط به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری (F)، آسایش (C) و جذابیت (A) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۴۴ بوده است. همچنین در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیشترین تأثیرگذاری بر حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی مربوط به دسترسی به خدمات اساسی، ترکیب فضاها و عملکردهای متنوع و ایمنی و امنیت به ترتیب با ارزش ۰/۶۸، ۰/۶۴ و ۰/۶۳ می‌باشند. در نهایت، با توجه به نتایج مستخرج و ضعف شاخصه‌های بیان‌کننده‌ی حس تعلق مکانی در محله‌ی یاغچیان و تأکید بیش از اندازه به مؤلفه‌های کارکردی، می‌توان راهکارهای زیر را در راستای دست‌یابی به حس تعلق مکانی در محله‌ی مورد بررسی و توسعه‌ی آن ارائه کرد:

- در محله‌ی یاغچیان وجود خیابان‌های بسیار و تأکید بر نقش وسایل نقلیه موجب کاهش نقش پیاده‌رو گردیده و تعاملات اجتماعی را کاهش داده است. از این‌رو ضروری است بر مبنای نظریات نوین شهرسازی، با کاهش تردد وسایل نقلیه در بطن محله یاغچیان و تأکید بر پیاده‌روی ضمن کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، بستری برای افزایش تعاملات اجتماعی در محله یاغچیان ایجاد گردد.
- عدم وجود مرکز محله و نمادها و نشانه‌های متمایز در محله یاغچیان موجب یکنواختی بصری در ساکنان گردیده و عدم حس تعلق مکانی در ساکنان را دامن زده است.
- مساکن با معماری مشابه فضایی یکنواخت و بی‌روح را در محله یاغچیان ایجاد کرده اند، بنابراین ضروری است با طراحی‌های متنوع نما و استفاده بیشتر از رنگ‌ها از یکنواختی و بی‌روحی کالبدی محله یاغچیان جلوگیری گردد.

- طراحی ورودی محله یاغچیان در راستای مشخص کردن حدود محله و افزایش حس تمایز آن با محلات مجاور ضروری است؛ با توجه به اینکه ورودی محله از طرف مرکز شهر مشخص نبوده و ادغام با محلات مجاور موجب کاهش حس تعلق مکانی محله گردیده است.
- نظارت کلان بر ساخت‌وسازهای جدید محله یاغچیان در راستای انطباق با زمینه و هویت محلات همجوار در جهت تحکیم هویت پایدار و در عین حال حفظ شاخصه‌های منحصر بفرد محله یاغچیان تبریز.

کتاب‌نامه

۱. آذری، ن. (۱۳۸۹). شرحی بر مفهوم محله و تغییرات محله‌ای. جستارهای شهرسازی، ۹ (۳۴)، ۴۴-۳۷.
۲. بزی، خ.، میرزاپور، س.، و افراسیابی راد، م. ص. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد. معماری و شهرسازی پایدار، ۲ (۲)، ۱۳-۱.
۳. بصیری، م.، زینالی عظیم، ع.، آذر، ع. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل و مولفه‌های حس تعلق به مکان در محلات قدیمی شهر تبریز (نمونه موردی محله اهراب تبریز). دانش شهرسازی، انتشار آنلاین از ۲۷ اسفند ۱۳۹۹.
۴. حاتمی گلزاری، ا.، میرزا کوچک خوشنویس، ا.، بایزیدی، ق.، و حبیبی، ف. (۱۳۹۹). بررسی کیفی ماندگاری معماری مجموعه‌ی بازار تبریز از منظر پدیدارشناسی. اندیشه‌ی معماری، ۴ (۷)، ۱۸۸-۱۷۲.
۵. حسین آبادی، س.، سلمانی مقدم، م.، و نوری دشتبان، م. (۱۳۹۸). هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه‌ی مطالعه: محله‌ی کلاه‌فرنگی سبزوار. برنامه‌ریزی فضایی، ۹ (۳۴)، ۱۱۰-۸۹.
۶. دانش پایه، ن.، و حبیب، ف. (۱۳۹۶). معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه‌ی جدید شهری، مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران. مطالعات شهری، ۶ (۲۵)، ۳۰-۱۷.
۷. ربانی، ر. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.
۸. سرمست، ب. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش «مقیاس شهر» در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران). مدیریت شهری، ۱ (۲۶)، ۱۴۶-۱۳۳.
۹. عزیزی، م. م. (۱۳۸۵). محله‌ی مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا، ۲۷، ۴۶-۳۵.
۱۰. غلامعلی زاده، ح.، و اسدی ملک‌جهان، ف. (۱۳۹۸). سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله‌ی شهری، مطالعه موردی: محله‌ی قدیمی ساغریسازان رشت. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۰ (۱)، ۸۸-۷۳.
۱۱. قاسمی، و.، و نگینی، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲ (۷)، ۱۳۶-۱۱۳.
۱۲. کاملی، م.، و عظمتی، ح. (۱۴۰۰). بررسی میزان ارتباط حس تعلق به مکان و سطح امنیت اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی: شهر قم. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱ (۶۱)، ۲۴۱-۲۵۸.

۱۳. مظلومی، س. م. (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۳)، ۱۵۰-۱۳۱.
۱۴. میرزامحمدی، ا.، باقرزاده کثیری، ش.، و زینالی عظیم، ع. (۱۳۹۸). تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تأکید بر روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: برج های آسمان تبریز). اندیشه معماری، ۴(۸)، ۱۰۵-۱۱۹.
۱۵. یزدانی، م.، علیپور، ا.، و محمودی، الف. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تأکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزدهگانه حاشیه شهر اردبیل). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۳۹-۹.
16. Amin, A. (2004). Regions Unbound: Towards a New Politics of Place. Special Issue: The Political Challenge of Relational Space. *Geografiska Annaler, Series B: Human Geography*, 86(1), 33-44.
17. Betzenhauser, A., & Pauketat, T. R. (2019). 9 Elements of Cahokian Neighborhoods. *Archeological Papers of the American Anthropological Association*, 30(1), 133-147.
18. Cohen, N. (2017). Moving Places: Relations, Return and Belonging. *Emotion, Space and Society*, 25, 1-2.
19. Gorgul, E., Luo, L., Wei, S. D., & Pei, C. (2017). Sense of place or sense of belonging? Developing guidelines for human-centered outdoor spaces in China that citizens can be proud of. *Procedia Engineering*, 198, 517 – 524.
20. Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
21. King, R. (1995). *Migrations, globalisation and place*. In: Massey, D., Jess, P. (Eds.), *A Place in the World? Places, Cultures and Globalization*. Milton Keynes: Open University Press.
22. Lee, T. H., & Shen, Y. L. (2013). The Influence of Leisure Involvement and Place Attachment on Destination Loyalty: Evidence from Recreationists Walking Their Dogs in Urban Parks. *Journal of Environmental Psychology*, 33(3), 76- 85.
23. Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230.
24. Mace, A., Tewdwr-Jones, M., (2017). Neighborhood planning, participation and rational choice. *Journal of Planning Education and Research*, 1-33.
25. Madgin, R., Bradley, L., & Annette H. (2016). Connecting Physical and Social Dimensions of Place Attachment: What Can We Learn from Attachment to Urban Recreational Spaces? *Journal of Housing and the Built Environment*, 31(4), 677-693.
26. Massey, D. (2004). Geographies of Responsibility. *Geografiska Annaler, Series B: Human Geography*, 86(1), 5-18.
27. Mitchell, D. (1996). Introduction: Public space and the city. *Urban Geography*, 17(2), 127-131.
28. Noble, G., & Poynting, S. (2010). White Lines: The Intercultural Politics of Everyday Movement in Social Spaces. *Journal of Intercultural Studies*, 31(5), 489-505.
29. Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1(1), 306-310.
30. Radice, M. (2016). Unpacking Intercultural Conviviality in Multiethnic Commercial Streets. *Journal of Intercultural Studies*, 37(5), 432-448.
31. Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.

32. Relph, E. (2009). A Pragmatic Sense of Place. *Environmental & Architectural Phenomenology*, Kansas State University, *Architecture Department*, 20(6), 8-19.
33. Sandford, R. (2013). Located futures: Recognising place and belonging in narratives of the future. *International Journal of Educational Research*, 61, 116-125.
34. Savage, M., Bagnall, G., & Longhurst, B. (2005). *Globalization and Belonging*. London: Sage.
35. Serra Coch, G. (2019). *Neighborhood Mapping and Neighborhood Planning*. Columbia: Thesis Master of Science in Urban Planning, the Faculty of Architecture and Planning Columbia University.
36. Vertovec, S. (2009). *Transnationalism*. London: Routledge.
37. Wan, X. (2014). Wan China's urbanisation, social restructure. Retrieved from <https://cdn.auckland.ac.nz/assets/arts/documents/Wan%20%20China%27s%20urbanisation,%20social%20restructure.pdf>.
38. Watson, S. (2006). *City Publics: The (Dis) Enchantments of Urban Encounters*. London: Routledge.
39. Wilson, F. F. (2016). On Geography and Encounter: Bodies, Borders and Difference. *Progress in Human Geography*, 1-21.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

شناخت عامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی

ابوالفضل مشکینی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

meshkini@modares.ac.ir

مرتضی نصرتی هشی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

mortezaanosrati@znu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

صص ۷۶-۵۷

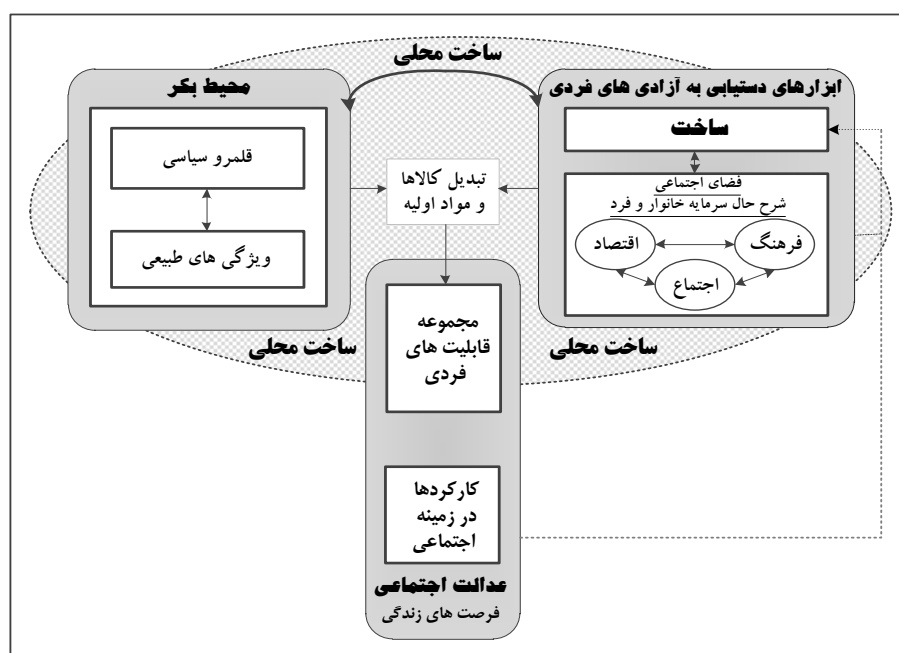
چکیده

با شکل‌گیری دیدگاه قطب رشد پس از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ و همچنین ادامه روند افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها بعد از انقلاب، تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در شهرهای بزرگ و بی‌توجهی به توزیع عادلانه قدرت، ثروت و امکانات در سایر نواحی شهری کشور تشدید شده است. بر این اساس، هدف این پژوهش شناسایی متغیرهای کلیدی و اثرگذار و روابط حاکم میان متغیرها در سیستم شهری ایران به منظور تحقق عدالت اجتماعی طی بازه زمانی کوتاه مدت در افق ۱۴۱۰ است. از این رو، فرآیند پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و بر حسب رهیافت تحقیق، توصیفی-اکتشافی است. داده‌ها به کمک تکنیک پوشش محیطی و با مشارکت ۱۶ متخصص رشته برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به عنوان اعضای پانل خبرگان گردآوری شده که برآیند آن، شناسایی ۲۱ متغیر اولیه جهت بررسی وضعیت آینده عدالت اجتماعی در شهرهای ایران است. شناسایی متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر و روابط حاکم بر میان متغیرها از روش پرکاربرد در آینده پژوهی، «تحلیل ساختاری»، متغیرها استفاده شده است. نتایج تحقیق مبین آن است، متغیر «آموزش حقوق شهروندی»، در محیط سیستم از ثبات و اثرگذاری بسیار بالایی برخوردار است. همچنین، متغیرهای «ایجاد فرصت برابر» و «دموکراسی شهری» به عنوان متغیرهای دوجهی، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» به منزله متغیر ریسک و متغیرهای هدف شامل «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق»، دارای اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالایی هستند. این متغیرها از ظرفیت بسیار زیادی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم جهت تحقق عدالت اجتماعی در شهرهای ایران برخوردار می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، عدالت، عدالت اجتماعی، مسایل شهری ایران، میک مک.

۱. مقدمه

در مطالعات عدالت اجتماعی مفهوم «عدالت مقید به زمان و مکان و نوع روابط نظامات و ساختارهای اجتماعی بوده (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۲) و بنابراین، مفهوم عدالت ابدی نیست (حاتمی‌نژاد و شورچه، ۱۳۹۳، ص. ۷۷-۷۶). یکی از بارزترین و مهم‌ترین فضایل و ارزش‌های آدمیان به عنوان اصول خدشه ناپذیر زندگی در تاریخ بشری، «عدالت اجتماعی» است (رحیمی و نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). از دیرباز تمرکز قدرت و ثروت، همواره موجب بوجود آمدن ستم و انحصار در جامعه بوده است. بی‌عدالتی از یک طرف حاصل ساختار قدرت، نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و از طرف دیگر حاصل شرایط طبیعی است. بنابراین، بازتولید روابط و مناسبات نابرابر قدرت و ثروت و تقسیم بندی ناشی از آن، دسترسی نابرابر گروه‌های مختلف اجتماعی به منابع (ابوریساد^۱، ۲۰۲۰، ص. ۲۵۷) را رقم می‌زند. به طور کلی، مفهوم عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شد و برای «نخستین بار صدای بازماندگان در جوامع انسانی در علم جغرافیا طنین انداز می‌گردد» (شکویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱). شکل (۱) بیانگر چارچوب مفهومی معنای هنجاری عدالت و تبیین‌های جغرافیایی و جامعه‌شناختی نابرابری در مفهوم فضا است.



شکل ۱. عدالت اجتماعی به عنوان تابعی از اشکال محیط های بکر، ساخت و سرمایه است
(ایزرانیل و فرنکل، ۲۰۱۸، ص. ۷)

راولز^۱ در دهه ۷۰ با مطرح کردن «عدالت به مثابه انصاف» پایه‌گذار شروع جدید از بحث‌ها بر سر بی‌عدالتی و نابرابری‌های جامعه شهری بود (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۶۵) و هم‌زمان با این اندیشمند، دیوید هاروی^۲ در سال ۱۹۷۳ با انتشار اثر ارزشمند خود با عنوان «عدالت اجتماعی و شهر» اولین جغرافیادانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها (شکویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱)، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم بکار می‌گیرد (احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). بنابراین، عدالت اجتماعی به عنوان یک ماهیت اخلاقی (مولندوف^۳، ۲۰۱۸، ص. ۱) به طور سستی به توزیع منافع و منابع در جامعه اشاره دارد (ایزرائیل^۴ و فرنکل^۵، ۲۰۱۸، ص. ۲).

محوری‌ترین مفاهیمی که در عدالت اجتماعی بر آن تأکید می‌شود، شامل سه اصل کلیدی می‌باشند:

۱. نیاز: به این معنا که افراد در بهره‌برداری از منابع و امتیازات دارای حقوق برابر هستند.

۲. منفعت عمومی: شامل کارایی و معیارهای رشد اقتصادی و تحلیل آثار خارجی و جانبی است.

۳. استحقاق: تخصیص منابع اضافی به نواحی خاص فقط در صورت کمک به مصالح عمومی پذیرفته است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۷).

از دیدگاه جغرافیایی عدالت اجتماعی و شهر، توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاها از جمله عوامل مؤثری هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر عدالت اجتماعی، اقتصادی و فضایی را در نواحی شهر برقرار کنند (بندرآباد و خلیجی، ۱۳۹۷، ص. ۸۰). تخصیص منابع با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی مردم شهر را در سهولت دسترسی به امکانات بهداشتی، زمان رسیدن به محل کار، مسکن مناسب، والگوی مناسب تولید و توزیع یاری می‌دهد و چون میزان این قبیل منابع در شهرها محدود است (شکویی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷) بنابراین، حرکت و پایداری شهرها زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع امکانات و خدمات میان واحدهای اجتماعی و فضایی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و مساوات و برابری جغرافیایی (ودایع خیری و رضائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۴)، توانمندسازی و ارتقاء شمولیت اجتماعی و سیاسی همه، تضمین فرصت برابر (کوهن^۶، ۲۰۲۰، ص. ۱۳۸) و کاهش توزیع نابرابر درآمد بین گروه‌های مختلف در یک جامعه صورت گیرد (ناکو^۷، ۲۰۲۰، ص. ۲). جغرافی‌دانان مارکسیستی چون «دیوید هاروی» و «مانوئل کاستلز^۸» معتقدند، اقتصاد سرمایه‌داری و انباشت سرمایه با استفاده از فناوری، ابزار و تخصص‌های خود فرم‌های فضایی را خلق می‌کنند که نتیجه آن تشدید بی‌عدالتی، بهره‌کشی و محرومیت‌زدایی و تغییر مکان گروه‌های

1. Rawls

2. David Harvey

3. Moellendorf.

4. Israel

5. Frenkel

6. Kuhn

7. Naku

8. Manuel Castells

کم درآمد است. درخواست پوپولیسست‌های شهری همچون «هربرت گانز»^۱، «هری بویته»^۲ و «پیت سراندرز»^۳ از برنامه‌ریزان این است که به سلاقی عمومی احترام بگذارند و توسعه‌دهنده مفهوم دموکراسی تساوی‌گرا باشند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۶۹). هدف جغرافیدانان مکتب جغرافیای رادیکال، شناسایی چگونگی توزیع منابع کمیاب مثل زمین شهری، توزیع درآمد میان مردم، ثروت کشور و غیره است. در مکتب جغرافیای فرهنگی نو، نیل اسمیت^۴ اظهار می‌دارد: نابرابری و نبود عدالت اجتماعی در شهرها حاصل دو عامل بحران‌زا در نظام سرمایه داری است: ۱. تثبیت فضایی سرمایه ۲. نیاز شدید سرمایه‌داری به تحرک سرمایه در جهت تعادل‌بخشی به قانون سوددهی سرمایه (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۸). از دید اونیل، یک ساختار اجتماعی تساوی‌طلبانه پیش‌شرطی برای دربرگیرندگی همه شهروندان به عنوان مشارکت‌کنندگان مؤثر در فرآیند سیاسی است (ودایع خیری و رضائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۳). دیدگاه این پژوهش بر آن است که تخصیص منطقه‌ای منابع باید به گونه‌ای باشد که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند. از این رو، عدالت اجتماعی در شهر باید به گزاره‌های زیر پاسخگو باشد: ۱. تخصیص متناسب امکانات و خدمات، ۲. استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل در شهر، ۳. جلوگیری از به وجود آمدن زاغه‌های فقر (ملکشاهی و وکیلی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۱).

به طور کلی، تمرکز توسعه در شهرها به ویژه در کلان‌شهرها، توجه به مفاهیم فیزیکی و کالبدی و غفلت از اهداف اجتماعی، شهرها را با چرخه نامطلوبی از نبود تعادل‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی روبه‌رو کرده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را همچون فقر، تعارضات فرهنگی، نزول کیفیت زندگی، شکاف درآمدی، از هم‌گسیختگی اجتماعی، تضعیف نهاد خانواده (خاکپور و باوان‌پوری، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۴)، بی‌عدالتی در توزیع خدمات و زیرساخت‌های اساسی شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی پیش روی آنها نهاده است (مشکینی و تردست، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۸). با تمرکزگرایی شهری پس از اصلاحات ارضی و تزریق درآمدهای نفتی به شهرهای بزرگ، کشور ما نیز در چند دهه اخیر با رشد فزاینده‌ای رو به رو شده و در نتیجه شهرهای ایران با موجی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله، سیاست‌های برنامه‌ریزی فضایی نامناسب و سیستم ناتمام مدیریت زمین (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۳)، فشار لابی‌های قدرت سیاسی و اقتصادی، نبود حمایت از اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه، نابرابری‌های جنسیتی ساختاری (سگرز^۵، ۲۰۲۰، ص. ۱۵) در فضای عمومی و شهری، دست به گریبان بوده است. تشدید این نابرابری‌ها موجب شکل‌گیری دوگانگی طبقاتی و ایجاد یک فضای ناسالم و متضاد با نیازهای واقعی و شرایط محلی در جریان‌های توسعه شهری شده است. این امر می‌تواند زمینه شکل‌گیری ناآرامی‌ها و تنش‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۷۰؛ آلواردو و همکاران^۶، ۲۰۱۸، ص. ۴).

1. Herbert Gans
2. Harry Boyte
3. Piter Saunders
4. Neil Smith
5. Seghers.
6. Alvaredo

با این وجود، پژوهش‌های خارجی و داخلی گسترده‌ای درباره عدالت اجتماعی به صورت منسجم توسط اندیشمندان و پژوهشگران شهری انجام شده که در آن به تأثیرات و پیامدهای منفی ناشی از بی‌عدالتی و نابرابری‌ها برای انسان شهری اشاره می‌شود: قاندرحمی و دیگران (۲۰۱۸) در مقاله «تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر اصفهان» نشان می‌دهد عدالت اجتماعی به صورت ناهمگن در خوشه‌های توزیع مکانی در شهر اصفهان توزیع می‌شود. کیم^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بازتوسعه شهری همراه با پیامدهای عدالت: نقش عدالت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های جابجایی سکونتی، نتیجه می‌گیرد، ارتباط با همسایگان در پروژه بازسازی منجر به احتمال جابجایی کمتر می‌شود. کائو^۲ و هایکمن^۳ (۲۰۲۰) طی پژوهش «حمل و نقل، عدالت اجتماعی و قابلیت‌ها در شرق پکن» با هدف کشف سطوح مختلف عدالت اجتماعی در ارتباط با جنسیت، سن، درآمد فردی و مالکیت ماشین به بررسی فرصت درک‌شده برای سفر و دسترسی به فعالیت‌ها در گروه‌های جمعیتی متفاوت می‌پردازد. نتایج تحقیق بیانگر عدم توجه به نابرابری اجتماعی مرتبط با حمل و نقل عمدتاً در توسعه سیستم‌های حمل و نقل است و تا حد قابل توجهی در ارزیابی پروژه در نظر گرفته نمی‌شود. در گستره پژوهش‌های داخلی، ستاوند و دیگران (۱۳۹۸)، در پژوهش «واکاو فضاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی» به منظور تحلیل و رتبه‌بندی مناطق شهری از منظر برخورداری عمومی با استفاده از مدل‌های تاپسیس فازی، ویکور و روش تصمیم‌گیری چند معیاره ارزیابی تولید وزنی تجمعی^۴ نتیجه می‌گیرد وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری و زیست‌پذیری در کانون‌های جرم خیز بخش مرکزی شهر تهران نامطلوب و رابطه ضعیف و متوسط دارند. بندرآباد و خلیجی (۱۳۹۷) در مطالعه «سنجش عدالت اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار، نمونه موردی: مناطق شهری تبریز» به بررسی و شناخت نحوه و چگونگی توزیع خدمات در مناطق شهر تبریز و تعیین معیارهای اصلی سطح توسعه‌یافتگی با بهره‌گیری از مدل تحلیل خاکستری (GRA)، می‌پردازد. یافته‌ها مبین آن است توزیع خدمات و امکانات در مناطق شهر تبریز متوازن و هماهنگ نیست. مشکینی و دیگران (۱۳۹۶) به منظور مطالعه و بررسی ارتباط میان عدالت شهری و سرمایه اجتماعی در محلات شهر فردوسی، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته که نتایج نشانگر آن است، در تمام محله‌ها به غیر از محله محمود آباد، عدالت اجتماعی شهری بالا و میزان سرمایه اجتماعی پایین بوده و همچنین مشارکت، بیشترین تأثیر را بر عدالت اجتماعی در محله‌ها دارد. بنابراین، در پژوهش‌های انجام شده بیشتر مسایل کیفیت زندگی، نابرابری‌های محله‌ای، سطح برخورداری از خدمات و امکانات، نقش سرمایه اجتماعی و نابرابری فضایی از منظر عدالت اجتماعی مورد توجه بوده است. مطالعه در شناخت و قدرت تأثیرگذاری هر یک از متغیرها و روابط حاکم در امر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی، نقطه قوت این پژوهش و ارزیابی موضوع محسوب می‌شود.

1. Kim
2. Cao
3. Hickman
4. Waspas

امروزه به دلیل پیچیدگی‌های فضایی سیستم شهری، برنامه‌ریزی شهری سستی نیازمند تحول و دگرگونی در مبانی و اندیشه‌ها، رویکردها و روش‌ها بوده تا با ارتقاء بازدهی، افزایش تحقق‌پذیری و انعطاف‌پذیری بتواند نواقص و کمبودهای تئوریک خود را رفع نماید. از این رو، توجه بیشتر مطالعات شهری به مباحث نابرابری، دسترسی به خدمات، توزیع امکانات و خدمات، سرانه کاربرهای شهری، شناخت متغیرهای اثرگذار بر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی و روابط متقابل بین متغیرها به منظور شکل‌دهی و ایجاد تعادل و توازن در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی برای تسهیل عادلانه منابع و امکانات در شهرهای ایران امری ضروری است. جهت پاسخگویی به این نیاز، آینده‌پژوهی یکی از رویکردهای معاصر متأخر در برنامه‌ریزی، می‌تواند دید مردم و مسئولان را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی باز نگاه دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۳). در همین راستا، کاهش نارسایی‌ها در جهت حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار شهری برای نهاده شدن عدالت اجتماعی در شهرهای کشور، ما را بر آن می‌دارد، شناخت متغیرهای کلیدی و اثرگذار به منظور تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در شهرهای ایران در افق ۱۴۱۰ و مطالعه روابط حاکم از میان حجم انبوه متغیرها مسأله اصلی این نوشتار را شکل دهد.

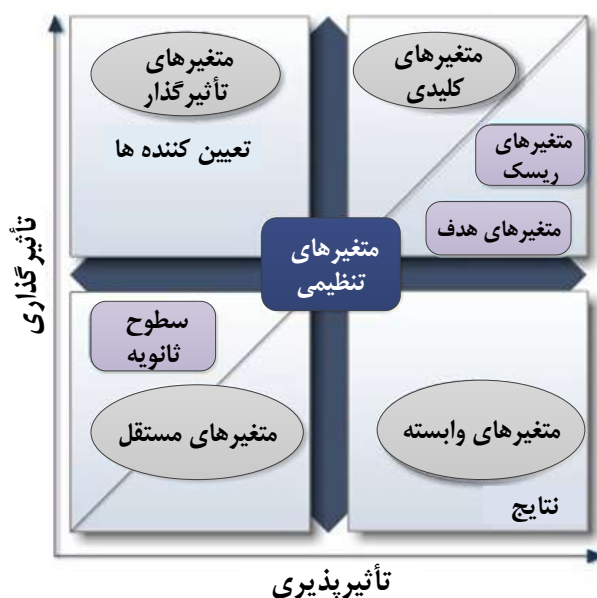
۲. متدولوژی

در شرایط پسامدرن، آماده شدن برای رؤیاریی با رخدادهای ناپایدار یا نامشخص (ساندورف^۱، ۲۰۱۷، ص. ۱)، رفتن به آینده (خزایی و حسینی گلکار، ۱۳۹۴، ص. ۸۳) و پیش‌روندگی روابط اجتماعی به مثابه سیال و تغییرپذیر (اسلاتر^۲، ۲۰۲۰، ص. ۲۹) با استفاده از فعل و انفعال‌های موقعیت‌های متغیر و انتخاب‌های ایجاد شده (رفتارها) توسط افراد بوجود می‌آید (سامرز، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳). بر این اساس آینده‌نیازمند رویکرد میان‌رشته‌ای برای فهم روابط متقابل است (چاکرابارتی^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۵). با ظهور تفکر آینده‌پژوهی و اشاعه مبانی فکری آن، می‌توان گفت آینده‌پژوهی، نیازمند بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعدادهای طیف متنوعی از نیروهای انسانی و داشتن دیدی سطح بالا است (تقوی، ۱۳۹۲، ص. ۸). آینده‌پژوهی انتقادی^۴ به عنوان یکی از ابعاد تحقیقاتی سهیل عنایت‌الله، رویکرد بنیادین این پژوهش است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و بر حسب رهیافت تحقیق، توصیفی-اکتشافی و بر اساس دیدگاه پاپر^۵ به لحاظ سرشت روش‌ها کیفی-کمی است. به منظور شناسایی و تعیین عوامل و متغیرهای موجود در عدالت اجتماعی، داده‌ها به کمک تکنیک پویش محیطی با روش‌های مرور منابع چاپی، مقالاتی به قلم خبرگان، ردپای افراد کلیدی، پایش کنفرانس‌ها و پانل خبرگان (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷) گردآوری شده است. در پانل خبرگان از نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته، زیرا از نظر گوده^۶ در تکنیک‌های خبره محور تسلط نظری، تجربه عملی و

1. Suddendorf
2. Slaughter
3. Chakrabarti.
4. Critical Futures Studies
5. Popper
6. Godet

اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های متخصصین بر تعداد آنها ارجحیت دارد (نصرتی هشی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۶). جامعه آماری این پژوهش با مشارکت ۱۶ متخصص رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را دربر می‌گیرد که برآیند تکنیک پوشش محیطی و برگزاری ۴ جلسه پانل خبرگان، شناسایی ۲۱ متغیر اولیه جهت بررسی وضعیت آینده عدالت اجتماعی در شهر است. داده‌ها با روش تحلیل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک (MICMAC)^۱ تجزیه و تحلیل می‌شوند.

در روش تحلیل ساختاری، هدف تأکید بر تعیین کلیدی‌ترین متغیرها و ساختار روابط بین متغیرهای کیفی توصیف‌کننده سیستم پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۰). فرآیند روش تحلیل ساختاری از نظر روش‌شناسی از سه گام اصلی تشکیل می‌شود: ۱. تهیه فهرستی از عوامل و متغیرهایی که بر آینده تأثیرگذار هستند و بر اساس تکنیک پوشش محیطی انجام می‌شود، ۲. شناسایی و توصیف روابط میان متغیرها و عوامل شناسایی شده در گام اول، ۳. شناسایی متغیرهای کلیدی بر اساس رابطه میان متغیرها و عوامل تأثیرگذار (ناظمی، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۶). برای انجام محاسبات پیچیده جهت شناسایی متغیرهای کلیدی از نرم‌افزار میک‌مک استفاده گردید (جائوتسی و سایپو، ۱۳۹۵، ص. ۳۲۳). پس از فهرست متغیرها توسط کارشناسان، شدت اثر هر متغیر بر متغیر دیگر و روابط میان آنان براساس امتیازدهی تعیین می‌گردد (طالبیان و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). نتیجه به صورت یک نمودار در یک محور مختصات (تأثیرگذاری-تأثیرپذیری) مطابق شکل شماره (۲) نمایش داده می‌شود.



شکل ۲. پلان تأثیرگذاری-تأثیرپذیری گروه‌های مختلف متغیرها

مأخذ: (لابدزکا، ۲۰۱۶، ص. ۵۷)

۳. یافته‌ها

هر مجموعه، به عنوان یک کل پیچیده دارای عنصر و اجزاء خاص است که روابط مشخص و نیز عملکرد نظام‌مند و معین میان عناصر، یک «سیستم» تشکیل می‌دهند. بنابراین، ۲۱ متغیر اولیه با استفاده از تکنیک پویش محیطی (مرور منابع چاپی، مقالاتی به قلم خبرگان، ردپای افراد کلیدی، پایش کنفرانس‌ها)، پانل خبرگان و بررسی پیشینه ادبیات شناسایی شدند. به عبارت دیگر، اطلاعات از طریق منابع اسنادی، کتابخانه‌ای و پیمایشی گردآوری و با متغیرهای به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان و متخصصان با هم تلفیق شده که در جدول (۱) ارایه شده است.

جدول ۱. پایگاه متغیرهای اولیه عدالت اجتماعی اثرگذار بر شهر در افق ۱۴۱۰

متغیرهای اولیه		
۱- ایجاد فرصت‌های برابر	۸- ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از کارافتادگان	۱۵- تحدید اندازه دولت
۲- دموکراسی شهری	۹- نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۱۶- کاهش فساد اداری
۳- توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۱۰- اصلاح هدفمندسازی یارانه‌های شهری	۱۷- ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی
۴- نظام تامین اجتماعی فراگیر	۱۱- ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۱۸- رفع تبعیض جنسیتی در شهرها
۵- تأمین نیازهای اولیه	۱۲- مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری	۱۹- شایسته سالاری
۶- تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۱۳- کاهش شکاف طبقاتی	۲۰- توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز
۷- نظام مالیاتی کارآمد	۱۴- آموزش حقوق شهروندی	۲۱- استحقاق

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

این متغیرها به عنوان بخشی از یک سیستم شهری مبنای پایه‌ای سیستم در مطالعات آینده‌پژوهی را در افق ۱۴۱۰ تشکیل می‌دهند. با تشکیل یک ماتریس به ابعاد 21×21 و ارزیابی و امتیازدهی روابط بین متغیرها توسط متخصصین در پنل خبرگان، به منظور رسیدن به ضریب بالایی از روایی‌ها با افزایش تعداد چرخش‌ها تا ۴ بار جهت مطلوبیت صددرصدی، سطح داده‌ها به روایی قابل قبول رسیدند. برآیند اولیه تحلیل اجزای سیستم به کمک نرم‌افزار میک نیز در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. برآیند نخست تحلیل ماتریس داده‌ها

اندازه ماتریس	۲۱
تعداد تکرار	۴
تعداد صفر	۲۱۵
تعداد یک	۱۱۸
تعداد دو	۸۰
تعداد سه	۲۸

جمع	۲۲۶
میزان پرشدگی	۵۱/۲۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر این اساس، میزان پرشدگی ماتریس ۵۱/۲۴ درصد بوده است. بنابراین، ۲۲۶ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۲۱۵ رابطه از یکدیگر هیچ تأثیری نپذیرفته‌اند. ۱۱۸ رابطه تأثیر کمی بر همدیگر داشته و ۸۰ رابطه از ارتباط نسبتاً قوی برخوردار بوده‌اند. رابطه ۲۸ متغیر نشان می‌دهد ارتباط بین آنها بسیار زیاد بوده‌اند طوری که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بیشتری می‌باشند.

۳.۱. سنجش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

جدول شماره (۳)، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ارتباط بین متغیرها توسط نرم‌افزار میک مک است که میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

رتبه	متغیرهای اثرگذار	میزان اثرگذاری به درصد	متغیرهای اثرپذیر	میزان اثرپذیری به درصد
۱	ایجاد فرصت‌های برابر	۱۰	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹
۲	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸
۳	دموکراسی شهری	۸	ایجاد فرصت‌های برابر	۸
۴	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸	توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز	۷
۵	آموزش حقوق شهروندی	۷	استحقاق	۷
۶	استحقاق	۵	کاهش شکاف طبقاتی	۷
۷	نظام تأمین اجتماعی فراگیر	۵	تأمین نیازهای اولیه	۶
۸	مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری	۵	نظام تأمین اجتماعی فراگیر	۶
۹	کاهش شکاف طبقاتی	۴	مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری	۶
۱۰	توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز	۴	دموکراسی شهری	۵
۱۱	اصلاح هدفمندسازی یارانه‌های شهری	۴	کاهش فساد اداری	۵
۱۲	تأمین نیازهای اولیه	۴	ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی	۴
۱۳	ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۴	ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۴
۱۴	نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۴	اصلاح هدفمندسازی یارانه‌های شهری	۴
۱۵	ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی	۳	ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از کارافتادگان	۴
۱۶	نظام مالیاتی کارآمد	۳	رفع تبعیض جنسیتی در شهرها	۴
۱۷	رفع تبعیض جنسیتی در شهرها	۳	نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۳
۱۸	تحدید اندازه دولت	۳	شایسته سالاری	۳
۱۹	ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از	۲	آموزش حقوق شهروندی	۱

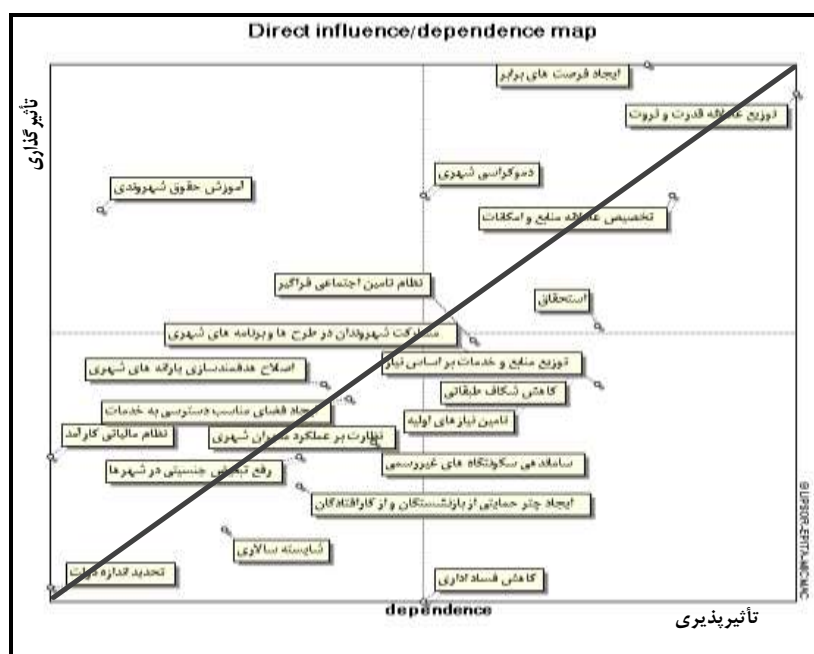
رتبه	متغیرهای اثرگذار	میزان اثرگذاری به درصد	متغیرهای اثرپذیر	میزان اثرپذیری به درصد
	کارافتادگان			
۲۰	شایسته سالاری	۲	نظام مالیاتی کارآمد	۱
۲۱	کاهش فساد اداری	۲	تحدید اندازه دولت	۱

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تحلیل‌ها حاکی از آن است، ۱۰ متغیر کلیدی اثرگذار و اثرپذیر در محیط سیستم عیناً با اختلاف جزئی در رتبه تکرار شده‌اند.

۳.۲. ارزیابی گراف اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

در تکنیک تحلیل اثرات متقابل دو نوع پراکندگی وجود دارد که «سیستم پایدار و ناپایدار» نام دارند. متغیرهایی که حول محور قطری صفحه مختصات جای دارند در اکثر مواقع در وضعیت بینابین از اثرگذاری و اثرپذیری قرار می‌گیرند که این مسأله شناسایی متغیرهای اصلی و کلیدی را با مشکل مواجه می‌سازد. از این رو، طبق شکل (۳)، نحوه توزیع متغیرها در سیستم مختصات نشان‌دهنده وضعیت ناپایداری سیستم است و پراکنش متغیرها بیشتر در گرداگرد محور قطری این صفحه مشاهده می‌شود که این امر نشان می‌دهد اندک بودن متغیرهای کلیدی اثرگذار، سیستم را تهدید می‌نماید.



شکل ۳. نقشه پراکنش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرهای عدالت اجتماعی

بر اساس تحلیل نرم‌افزار پنج نوع از متغیرها با توجه به موقعیت آنها در سیستم مختصات بالا قابل شناسایی می‌باشند:

- **ناحیه اول (متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار):** متغیرهای این ناحیه اثرگذاری بیشتر و اثرپذیری کمتری دارند. آینده سیستم بیشتر تحت تأثیر این متغیرها بوده، غیرقابل کنترل و از ثبات بیشتری برخوردار می‌باشند. با توجه به پلان پراکندگی، «آموزش حقوق شهروندی» به عنوان اثرگذارترین متغیر عدالت اجتماعی در محیط شهری در افق ۱۴۱۰ شناخته می‌شود.

- **ناحیه دوم (متغیرهای کلیدی یا دو وجهی):** نشان‌دهنده متغیرهایی است که از اثرگذاری و اثرپذیری بالایی برخوردار و در قسمت شمال‌شرق صفحه مختصات جای گرفته‌اند. ماهیت آن‌ها با عدم پایداری آمیخته است. این متغیرها عبارتند از «ایجاد فرصت برابر» و «دموکراسی شهری». همچنین، متغیرهای کلیدی یا دو وجهی به دو گروه متغیرهای «ریسک» و «هدف» قابل تقسیم است:

۱. **متغیرهای ریسک:** این متغیر در بالای خط قطری ناحیه شمال‌شرق قرار دارد و از ظرفیت بسیار زیادی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم برخوردار است، مانند «توزیع عادلانه قدرت و ثروت».

۲. **متغیرهای هدف:** این متغیرها در زیر خط ناحیه شمال‌شرقی نمودار جای دارند. با دست‌کاری نمودن متغیرهای هدف، می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت موردنظر دسترسی پیدا کرد. این متغیرها بیش از آن که نتایج از پیش تعیین‌شده‌ای را نمایش دهند، نشانگر «اهداف ممکن» در سیستم می‌باشند، مانند «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق».

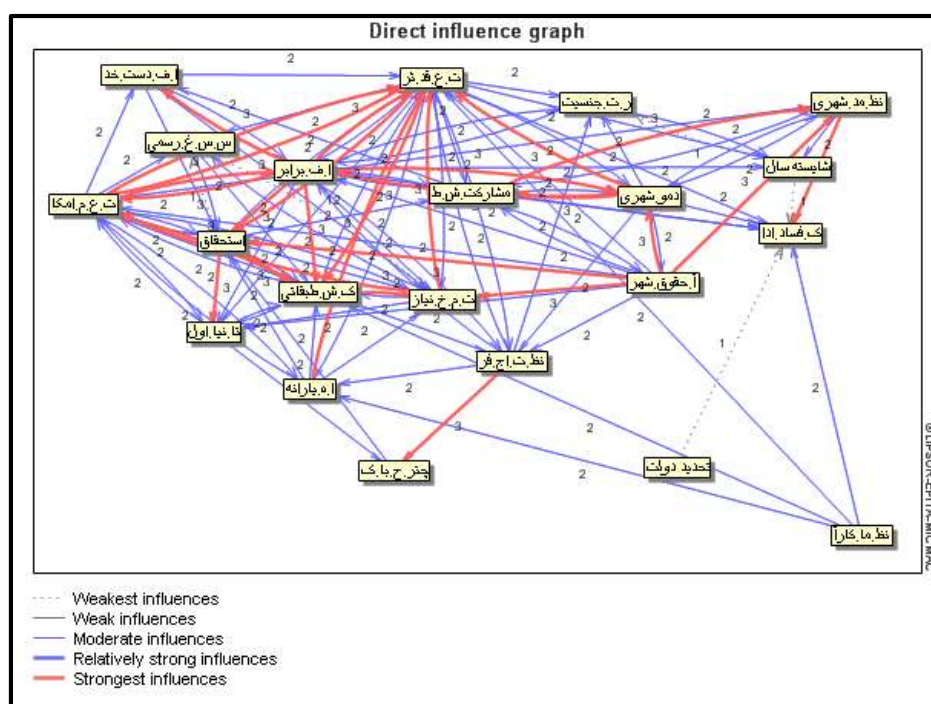
- **ناحیه سوم (متغیرهای مستقل یا قابل چشم‌پوشی):** نشانگر متغیرهایی است که از میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمی برخوردار هستند. اما هر یک از این متغیرها از وضعیت یکسانی برخوردار نبوده و بنا به موقعیت جای‌گیری در سیستم، شرایط متفاوتی را تجربه خواهند نمود. این متغیرها شامل «اصلاح هدفمندسازی یارانه‌های شهری»، «ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات»، «نظارت بر عملکرد مدیران شهری»، «ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی»، «نظام مالیاتی کارآمد»، «رفع تبعیض جنسیتی»، «ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و ازکارافتادگان»، «شایسته‌سالاری» و «تحدید اندازه دولت» است. لازم به ذکر است متغیرهای این ناحیه هر چه به ناحیه دوم نزدیک‌تر شوند از قابلیت کنترل توسط سیستم برخوردار بوده و بر اهمیت استراتژیک بودن متغیرها خواهد افزود.

- **ناحیه چهارم (متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته):** متغیرهایی را که میزان تأثیرگذاری آن‌ها کم و تأثیرپذیری آن‌ها زیاد است، نشان می‌دهند. معمولاً به عنوان خروجی سیستم در نظر گرفته می‌شوند و جزو اهداف سیستم به شمار می‌آیند. این متغیر عبارت است از «کاهش شکاف طبقاتی»، «توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز»، «تأمین نیازهای اولیه» و «کاهش فساد اداری».

- **ناحیه پنجم (متغیرهای تنظیمی):** در نزدیکی مرکز ثقل نمودار جای دارند و گاهی به عنوان «ریسک ثانویه» عمل می‌کنند. بسته به سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت در زمینه برنامه‌های عدالت اجتماعی، متغیرها قابل ارتقاء به متغیرهای

تأثیرگذار، تعیین کننده یا متغیرهای ریسک و هدف می باشند. در این زمینه می توان به «نظام تأمین اجتماعی فراگیر» و «مشارکت شهروندان در طرح ها و برنامه های شهری» اشاره کرد.

در شکل شماره (۴) نحوه اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرهای کلیدی در عدالت اجتماعی بر یکدیگر به تصویر کشیده شده است. این اثرگذاری و اثرپذیری بر حسب ضعیف‌ترین اثرها، اثرهای ضعیف، اثرهای متوسط، اثرهای قوی و قوی‌ترین اثرها به صورت خطوط گرافیکی نمایش داده می‌شود. بر اساس امتیازدهی کارشناسان، در این سیستم، قوی‌ترین روابط شامل متغیرهای «ایجاد فرصت برابر، توزیع عادلانه قدرت و ثروت و تخصیص عادلانه منابع و امکانات» است که بیشترین اثرگذاری مستقیم و متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی»، «نظام مالیاتی کارآمد» و «تحدید اندازه دولت» کمترین اثرپذیری مستقیم را نسبت به سایر متغیرها دارا می‌باشند.



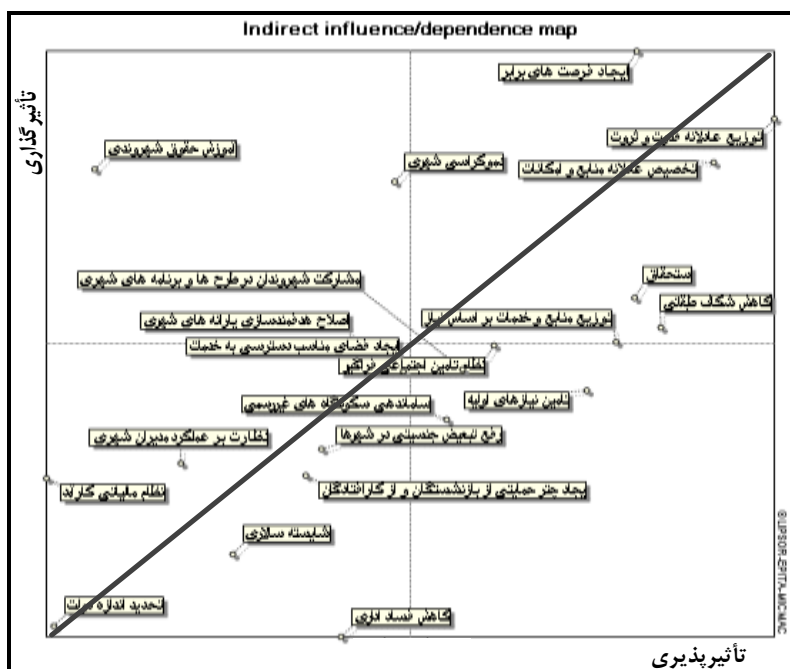
شکل ۴. گراف روابط مستقیم بین متغیرها

۳.۳. سنجش اثرگذاری و اثربخشی غیرمستقیم متغیرها

در این بخش رتبه برخی متغیرها به ویژه «کاهش شکاف طبقاتی» از جایگاه ششم در اثرپذیری مستقیم به رتبه سوم در اثرپذیری غیرمستقیم ارتقاء یافته و در رتبه سایر متغیرها تغییراتی اندک مشاهده می‌شود. اما همانند جدول شماره (۳) ده متغیر اول رتبه بالایی را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده آن است، این متغیرها از توانایی تحت تأثیر قرار دادن محیط سیستم به صورت غیرمستقیم برخوردار می‌باشند.

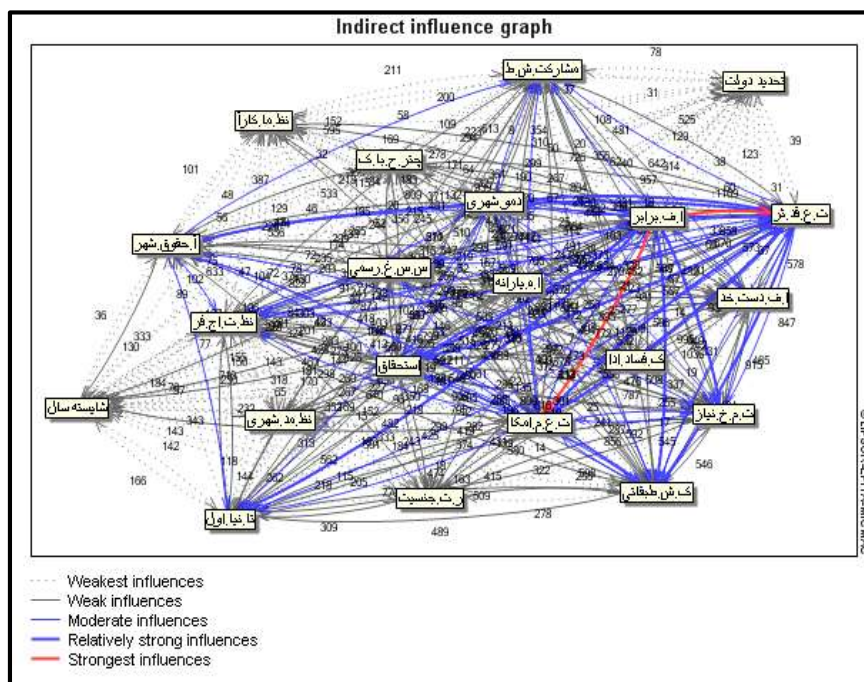
۳. ۴. ارزیابی گراف اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرها:

طبق پلان پراکندگی شماره (۵)، نحوه توزیع متغیرها در گراف اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم نشان‌دهنده وضعیت ناپایداری سیستم است. اما یک تفاوت فاحش نسبت به نمودار پراکنش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم دیده می‌شود. متغیرهای این نمودار، در ناحیه سوم (متغیرهای مستقل یا قابل چشم‌پوشی) از حالت تجمع خارج و به صورت قطری به سمت ناحیه دوم (متغیرهای کلیدی یا دو وجهی) در حال حرکت می‌باشند. بنابراین، متغیرهای مستقل هرچه به سمت ناحیه دوم نزدیکتر شوند باعث «تشدید» اثر شده و از اثرگذاری و اثرپذیری بسیاری برخوردار می‌شوند.



شکل ۵. پلان پراکندگی اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرهای عدالت اجتماعی

در شکل شماره (۶) نحوه اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرهای کلیدی در عدالت اجتماعی بر همدیگر ارایه شده است.



شکل ۶. گراف روابط غیرمستقیم بین متغیرها

با توجه به ارزش‌گذاری متخصصین، همانند شکل شماره (۴)، قوی‌ترین روابط شامل متغیرهای «ایجاد فرصت برابر، توزیع عادلانه قدرت و ثروت و تخصیص عادلانه منابع و امکانات» است که بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم و متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی»، «نظام مالیاتی کارآمد» و «تحدید اندازه دولت» از کمترین اثرپذیری غیرمستقیم در مقایسه با دیگر متغیرها برخوردار است.

۴. بحث

با مطالعه صورت گرفته در حوزه عدالت اجتماعی، هر یک از پژوهشگران به یک جنبه خاص از متغیرهای عدالت اجتماعی تمرکز نموده و ضعف و قوت‌های آن را در جغرافیای شهری ایران مورد کنکاش قرار داده‌اند. اما با توجه به بررسی اندک در شناخت میزان اثرگذاری و جایگاه متغیرهای عدالت اجتماعی در محیط شهری، این مطالعه تمرکز دقیق و صرف خود را بر متغیرهای عدالت اجتماعی جهت شناخت وزن و اثرگذاری مضاعف هر یک از متغیرها در محیط سیستم شهری معطوف می‌نماید. مطالعه متغیرهای کلیدی اثرگذار بر وضعیت آینده عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰ نشان می‌دهد، از بین ۲۱ متغیر مورد مطالعه، ۶ متغیر به عنوان بازیگران کلیدی و مؤثر از نقش بسیار مهمی در تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در سیستم شهری ایران برخوردارند.

جدول ۴. مهمترین متغیرهای کلیدی اثرگذار مستقیم و غیرمستقیم بر سیستم عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰

رتبه	متغیر کلیدی (اثرگذاری مستقیم)	امتیاز به درصد	متغیر کلیدی (اثرگذاری غیرمستقیم)	امتیاز به درصد
۱	ایجاد فرصت های برابر	۱۰	ایجاد فرصت های برابر	۱۰
۲	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹
۳	دموکراسی شهری	۸	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸
۴	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸	آموزش حقوق شهروندی	۸
۵	آموزش حقوق شهروندی	۷	دموکراسی شهری	۸
۶	استحقاق	۵	استحقاق	۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

محیط سیستم تحت تأثیر این ۶ متغیر کلیدی از جمله، «ایجاد فرصت های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «دموکراسی شهری»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات»، «آموزش حقوق شهروندی» و «استحقاق» است که در ناحیه یک و دوم پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم قرار دارند. متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی» و «دموکراسی شهری» به عنوان متغیرهای تعیین کننده، بحرانی ترین مؤلفه‌ها در نظر گرفته می شود، زیرا از یک سو، تغییرات سیستم وابسته به آنهاست و از سوی دیگر به عنوان متغیرهای ورودی سیستم عمل می کنند. به عبارت دیگر پایداری سیستم شدیداً به این متغیرها وابسته است. در سطح بعدی متغیرهای «ایجاد فرصت های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق» قرار دارند که به متغیرهای دوجویی معروف می باشند. ماهیت این متغیرها با عدم پایداری آمیخته است، زیرا هر عمل و تغییری بر روی آنها موجب واکنش و تغییر بر دیگر متغیرها می گردد و همچنین بر سیستم اثرگذاری قابل قبولی دارند. آنچه در اینجا مهم است، از میان متغیرهای دوجویی، متغیر «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» جزو متغیرهای استراتژیک محسوب می شود، چون با اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالا می تواند سیستم را تحت تأثیر خود قرار دهد. از ریشه های کم توجهی به این متغیرها نخست، می توان به رشد شتابان و بی برنامه شهرنشینی تحت لوای «مدرنیزاسیون و نوسازی» در شهرهای ایران اشاره داشت که این امر منجر به توسعه ناموزون و استقرار ساختارهای سیاسی-اقتصادی متمرکزگرا در گذشته شده است. سپس، اقتصاد نفتی و سود ناشی از آن موجب انباشت و تراکم سرمایه و به دنبال آن انباشت قدرت به ویژه در شهرهای بزرگ، موجب تشدید عدم خلق فرصت های برابر و عدم توزیع عادلانه قدرت و ثروت با توجه به پتانسیل ها و ظرفیت های محیطی شهرها شده است. این توسعه نامتوازن باعث رشد و تمرکز خدمات و فعالیت های تولیدی در برخی بخش ها و مناطق خاص و سرانجام «قطبی شدن» آن مناطق به دنبال دارد. به گونه ای که در دهه های اخیر، الگوی توسعه به نفع طبقات اجتماعی خاص در شهرهای بزرگ از جمله تهران، البرز، مشهد، تبریز و... رقم خورده است. زیرا شهرهای بزرگ در ایران بیشترین سرمایه های انسانی، اجتماعی و اقتصادی را به سوی خود جذب نموده است. این مسئله به محرومیت، نابرابری و عدم دسترسی سایر مناطق شهری به خدمات، امکانات و ثروت دامن می زند. شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ ایران، فقر شهری و نیز

پدیده‌های متأخری از جمله گور خوابی، درخت خوابی، اجاره پشت بام فقط جهت خواب و ماشین خوابی در درون شهرهای بزرگ (از جمله، شهر تهران) از پیامدهای عدم توزیع بهینه قدرت، ثروت و امکانات در پهنه سرزمینی ایران است. از این رو، بروز بحران‌های اجتماعی-اقتصادی، نارضایتی عمومی و شوریدن بر علیه ساختار قدرت و حاکمیت، سیمای شهری و عملکردی سیستم شهری را با مخاطره مواجه می‌سازد. بنابراین، در آموزش حقوق شهروندی و دموکراسی شهری مسایلی همچون حق حیات، کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری شهروندان، حق آزادی و امنیت شهروندی و حق مشارکت در تعیین سرنوشت می‌تواند تحقق عدالت اجتماعی را تحت الشعاع قرار دهد. ایجاد فرصت‌های برابر به دور از حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، سن، زبان، طبقه اجتماعی و ...، به منظور استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی موجود برای تمام اقشار جامعه شهری، نیز می‌تواند حداکثر منفعت محرومان را تأمین نماید و هم ضمن برقراری برابری فرصت بر اساس استعداد فردی، مقام‌ها و موقعیت‌ها را برای همگان باز و دسترس‌پذیر کند. توزیع عادلانه قدرت و ثروت می‌تواند از اختیارات مدیران و مسئولان شهری کاسته و موجب تقویت حدود و اختیارات مقامات و نهادهای محلی از جمله پارلمان‌ها یا شوراهای شهری گردد تا شهروندان را در اداره بهینه و شایسته شهر به مشارکت در امور ترغیب نماید. همچنین، در صورت توزیع عادلانه ثروت در سطوح مختلف جامعه و وضعیت نابسامان گروه‌های اجتماعی کم درآمد را بسامان‌تر نموده و این امر کیفیت زندگی و شکاف طبقاتی را بهبود خواهد بخشید. نحوه توزیع عادلانه منابع و امکانات بر ساختار و ماهیت شهر و تفکیک طبقاتی نواحی شهر اثرگذار خواهد گذاشت و اداره شهر را با مشکلات جدی رو به رو خواهد کرد. از این رو، توزیع و توازن مناسب و شایسته امکانات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی در بین مناطق شهری از نابرابری، ایجاد شکاف در توسعه و توزیع نامناسب جمعیت جلوگیری خواهد کرد. در غیر این صورت، به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و مسایل پیچیده فضایی خواهد انجامید. توزیع نادرست امتیازات مشترک (شامل، ثروت، کرامت انسانی، شایستگی‌ها و مراتب اجتماعی، بهداشت و سلامت)، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناگواری در پی خواهد داشت (مانند، مهاجرت روستاییان به شهرها و یا مهاجرت از شهرهای کوچک و دور افتاده به شهرهای بزرگ). توزیع نامتناسب در درون خود شهرها نیز سبب تقسیم شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به دو بخش مرفه‌نشین و فقیرنشین می‌شود که این خود به افزایش تبعیض و بی‌عدالتی دامن خواهد زد. علاوه بر موارد مذکور، باید منابع و امکانات شهری به تناسب نیاز، وظایف و تعهد گروه‌های اجتماعی (استحقاق) به آنها اعطاء شود و بدین ترتیب از استثمار و تضییع حقوق افراد جلوگیری گردد. به طور کلی، این امر در گرو نگاه ویژه به «انسان محور توسعه» و «اصلاحات ساختاری» از سطح کلان ملی تا سطح خرد محلی است تا شهرها با توجه به ظرفیت‌های محیطی مبتنی بر عدالت و برابری برنامه ریزی شوند.

۵. نتیجه‌گیری

شهرهای ایران طی دهه‌های اخیر در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. همچنین، سازمان فضایی آن منطبق بر کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیست و این ساختارها فاقد ایدئولوژی متکی بر عدالت اجتماعی می‌باشند. به‌طوری که اثرات آن را می‌توان در فضا و سیمای شهری کشور می‌توان مشاهده نمود. بدین منظور، پژوهشی در راستای شناخت متغیرهای کلیدی و اثرگذار بر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰ و روابط میان متغیرها صورت گرفت. در این بررسی، با جمع‌آوری داده‌ها به کمک ابزارهای آینده‌نگاری از جمله تکنیک پویش محیطی و پانل خبرگان، ۲۱ عامل اولیه دخیل در امر عدالت اجتماعی تعیین شدند. سپس با ایجاد یک ماتریس به ابعاد 21×21 جهت ارزیابی و ارزش‌گذاری روابط بین متغیرها توسط کارشناسان و خبرگان، برآیند اولیه مبین نرخ پرشدگی ماتریس ۵۱/۲۴ درصد است. پراکنش متغیرها در پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم نشان می‌دهد، سیستم به علت پراکنش متغیرها در گرداگرد محور قطری در وضعیت ناپایدار بسر می‌برد. از این رو، نتایج نشان می‌دهد، متغیر «آموزش حق شهروندی» در ناحیه اول سیستم مختصات از اثرگذاری بسیار بالایی برخوردار است و همچنین متغیرهای «دموکراسی شهری»، «ایجاد فرصت‌های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق» در ناحیه دوم پلان پراکندگی به عنوان متغیرهای دو وجهی دارای اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالایی می‌باشند. از این میان متغیر «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» متغیر استراتژیک سیستم به شمار می‌رود. بر این اساس، سرلوحه قرار دادن آموزش حقوق شهروندی و حق مشارکت در تعیین سرنوشت، ایجاد فرصت‌های برابر فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب و طبقه، کاهش اختیارات مدیران شهری و تقویت نهادهای محلی، توجه ویژه به گروه‌های اجتماعی کم درآمد و توزیع و توازن شایسته امکانات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی در بین مناطق شهری کشور در برنامه‌ها و سیاست‌های حکمروایی ملی و شهری می‌تواند حداکثر منفعت محرومان و ذینفعان را تأمین کند. بنابراین، در صورت عدم توجه به متغیرهای کلیدی یاد شده در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های ملی، منطقه‌ای و محلی می‌تواند شهرهای ایران را با بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مشکلات پیچیده فضایی مواجه نماید و از توسعه پایدار دور نماید. بر این اساس، پیشنهادهایی برای مطلوبیت و ارتقاء سیاست‌ها و برنامه‌های تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در شهرهای ایران طی افق ۱۴۱۰ به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- تقویت حقوق و آزادی‌های مدنی در راستای حقوق شهروندی و دموکراسی شهری؛
- برنامه‌ریزی پان آپتیکن^۱ بر اساس سند توسعه آمایش سرزمین به منظور توزیع عادلانه قدرت و ثروت؛
- تدوین سیاست‌های شهری عدالت‌محور به منظور خلق فرصت‌های برابر برای شهروندان؛
- توزیع شایسته و متوازن منابع و امکانات با توجه به ظرفیت‌های نواحی شهری؛

- تدوین برنامه‌های فراگیر به منظور تسهیل و گسترش رقابت عادلانه و مشارکت اجتماعی و اقتصادی شهروندان؛
- توزیع عادلانه منافع در بین طبقات اجتماعی بر اساس نیاز، وظایف و تعهد (استحقاق).

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد روشتی، م.، موسوی، م.ن.، محمدی حمیدی، س.، و ویسیان، م. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل عدالت اجتماعی در برخورداری از خدمات شهری (مورد مطالعه: دسترسی به خدمات آموزشی مقطع راهنمایی شهر میاندوآب). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱ (۴)، ۵۱-۳۳.
۲. احمدیان، ر.، فتحعلی بیگلر، م.، و ژاله رجیبی، پ. (۱۳۹۵). روش‌ها و فنون کاربردی در طراحی شهری و برنامه ریزی شهری منطقه ای. تهران: انتشارات آذرخش.
۳. بندرآباد، ع.، و خلیجی، م.ع. (۱۳۹۷). سنجش عدالت اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: مناطق شهری تبریز). *فصلنامه شهر پایدار*، ۱ (۱)، ۸۹-۷۷.
۴. تقوی، م. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی: روش‌شناسی آینده‌پژوهی (جلد پنجم)*. تهران: ناشر مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۵. جاثوتسی، م.، و سایپو، ب. (۱۳۹۵). *آخرین پیشرفت‌ها در روش‌شناسی‌های آینده‌نگاری؛ ترجمه سینا فقیه، محمدمامین فقیه و فرهاد نظری زاده*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. حاتمی‌نژاد، ح.، حسینی، ح.، و جوانبخت، م. (۱۳۹۷). *عدالت فضایی در ایران*. مشهد: انتشارات پاپلی.
۷. حاتمی‌نژاد، ح.، و شورچه، م. (۱۳۹۳). *شهر و نظریه انتقادی (با تأکید بر آراء و آثار دیوید هاروی)*. تهران: انتشارات پرهام نقش.
۸. خاکپور، ب.، و باوان پوری، ع. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهری مشهد. *مجله دانش و توسعه*، ۲۷، ۲۰۲-۱۸۲.
۹. خزایی، س.، و حسینی گلکار، م. (۱۳۹۴). *جستارهایی در باب آینده‌پژوهی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۱۰. داداش پور، ه.، علیزاده، ب.، و رستمی، ف. (۱۳۹۳). *گفتمان عدالت فضایی در شهر*. تهران: انتشارات آذرخش.
۱۱. رحیمی، ل.، و نقی زاده، م. (۱۳۹۵). *تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه، مجله هویت شهر، ۲ (۱۰)، ۲۰-۱۳)*.
۱۲. رهنما، م.ر.، و حسینی، م. (۱۳۹۵). *کاربرد نرم‌افزارهای آینده‌پژوهی در مطالعات شهری*. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۳. زیاری، ک.، ربانی، ط.، و ساعدموچشی، ر. (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی: پارادایمی نوین در برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (مبانی، مفاهیم، رویکردها و روش‌ها)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. سامرز، س. (۱۳۹۳). *مانند یک آینده‌پژوه فکر کنید؛ ترجمه فرنگیس الیاسی*. انتشارات دارخوین.

۱۵. ستاوند، م.ه.، حاجی زاده، ف.، و یغفوری، ح. (۱۳۹۸). واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی. *مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۹ (۵۲)، ۱۹۲-۱۷۱.
۱۶. شکویی، ح. (۱۳۹۵). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۷. شکویی، ح. (۱۳۹۸). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)*. تهران: انتشارات سمت.
۱۸. طالبیان، ح.، مولایی، م.م.، و قراری، ف. (۱۳۹۶). تحلیل ساختاری به روش میک مک فازی در آینده نگاری راهبردی (مطالعه موردی: آینده پژوهی ایران ۱۳۹۴). *دوفصلنامه آینده پژوهی ایران*، ۱ (۲)، ۷۵-۱۰۳.
۱۹. فخرایی، م.، و کیقبادی، م. (۱۳۹۳). *نگاهی به روش‌های آینده‌پژوهی: معرفی شش تکنیک مهم و پرکاربرد در آینده‌پژوهی*. تهران: ناشر آینده‌پژوه.
۲۰. کلانتری، م.، مشکینی، ا.، پیری، ع.، و زرین کاویانی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع محور در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله بان‌برز شهر ایلام). *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۱۰ (۳۶)، ۳۲-۲۱.
۲۱. مشکینی، ا.، امیرحاجلو، ا.، و زنگانه، ا. (۱۳۹۶). تبیین نابرابری در توسعه صنعت گردشگری با نگاهی به ایران. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۹ (۴)، ۷۸۹-۷۶۹.
۲۲. مشکینی، ا.، رضاعلی، م.، و رضائی، م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر برنامه ریزی و رابطه میان عدالت شهری و سرمایه اجتماعی در محله‌های شهر فردوسی، شهرستان شهریار. *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۸ (۳۱)، ۱۸۶-۱۶۵.
۲۳. مشکینی، ا.، لطفی، ص.، و احمدی کردآسیابی، ف. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر قائمشهر). *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸ (۲)، ۱۷۴-۱۵۳.
۲۴. مشکینی، ا.، و تردست، ز. (۱۳۹۸). اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسأله دار شهری (مطالعه موردی: محله بانبرز ایلام). *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱ (۴۶)، ۱۶۱-۱۴۷.
۲۵. ملکشاهی، غ.، و وکیلی، ص. (۱۳۹۶). بررسی توزیع خدمات عمومی بر اساس عدالت اجتماعی (موردشناسی: شهر سقز). *مجله جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۲۵، ۱۷۰-۱۴۰.
۲۶. ناظمی، ا. (۱۳۹۴). *مبانی آینده پژوهی و روش‌های آن؛ تألیف سعید خزایی، امیر ناظمی، امیر هوشنگ حیدری، عزیز علیزاده و حامد کاشانی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۲۷. نصرتی هشی، م. (۱۳۹۶). *آینده پژوهی در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: ناحیه یک، منطقه ۹ شهر تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسین حاتمی نژاد و به مشاوره دکتر احمد پوراحمد، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیا انسانی، دانشگاه تهران.
۲۸. ودایع خیری، ر.، و رضائی، م. (۱۳۹۵). عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان با نقش میانجیگری عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر فردوسی-شهرستان شهریار). *فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۶ (۲۴)، ۲۴۴-۲۳۱.

29. Aborisade, R. A. (2020). The insecurity of inequality in Africa: A review of recent developments. *KIU Journal of Social Sciences*, 6(1), 255-266.
30. Cao, M., & Hickman, R. (2020). *Transport, social equity and capabilities in East Beijing*. In Handbook on Transport and Urban Transformation in China. Uk: Edward Elgar Publishing. pp. 317-332.
31. Chakrabarti, A. (2019). *Research into design for a connected world* (Proceedings of ICoRD, 2). Singapore: Springer.
32. Ghaedrahmati, S., Khademalhoosini, A., & Tahmasebi, F. (2018). Spatial analysis of social justice in city of Isfahan, Iran. *Annals of GIS*, 24(1), 59-69.
33. Israel, E., & Frenkel, A. (2018). Social justice and spatial inequality: Toward a conceptual framework. *Progress in Human Geography*, 42(5), 647-665.
34. Kim, H., Marcouiller, D. W., & Choi, Y. (2019). Urban redevelopment with justice implications: The role of social justice and social capital in residential relocation decisions. *Urban Affairs Review*, 55(1), 288-320.
35. Kuhn, H. (2020). *Reducing Inequality Within and Among Countries: Realizing SDG 10—A Developmental Perspective*. Singapore: Springer.
36. Łabędzka, J. (2016). An extraction of key variables for long-term trends using a modified cross-impact matrix. *Problemy Eksploatacji*, 1, 55-63.
37. Moellendorf, D. (2018). *Cosmopolitan justice*. Routledge.
38. Naku, D. W. C. (2020). Bridging economic inequality gap in developing countries: A diagnosis of obstacles and opportunities in the context of Uganda. *Journal of Poverty, Investment and Development*, 5(1), 1-11.
39. Paya, A. (2018). Critical rationalism as a theoretical framework for futures studies and foresight. *Futures*, 96, 104-114.
40. Rahman, M. (2020). *Four years of SDGs in Bangladesh: Non-state actors as delivery partners*. Bangladesh: Centre for Policy Dialogue (CPD).
41. Seghers, J. (2020). *Whatever It Takes: A rapid and massive increase in aid is needed to save millions of lives and bring our divided world together amid the coronavirus pandemic*. Uk: Oxfam.
42. Slaughter, R. A. (2020). Futures Studies as a Quest for Meaning. *World Futures Review*, 12(1), 26-39.
43. Suddendorf, T. (2017). The Emergence of Episodic Foresight and Its Consequences. *Child Development Perspectives*, 11(3), 191-195.
44. Alvaredo, F., Chancel, L., Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (2018). *World Inequality Report*. USA: Harvard University press.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیل الگوی مسیریابی کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال با تأکید بر رشد شناختی (مطالعه موردی: محله لشگر قاسم آباد)^۱

شیمای عابدی (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران)

shimaabedi67@gmail.com

تکتم حنایی (دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

toktamhanaee@yahoo.com

زهرا باقرزاده گل مکانی (استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران)

z.golmakan@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

صص ۷۷-۹۹

چکیده

اهمیت بررسی رشد در حیطه‌ی رشته روانشناسی کودک تبلور می‌یابد. از سویی دیگر مقوله‌ی رشد شناختی به‌عنوان منبع آگاهی‌بخش در زمینه رشد کودکان است و در فرآیند مسیریابی کودکان تأثیر دوچندان دارد. توجه به این امر در فضاهای شهری می‌تواند سبب سهولت مسیریابی موفق کودکان شود. هدف از این پژوهش تحلیل الگوی مسیریابی با تأکید بر رشد شناختی کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال می‌باشند روش تحقیق در پژوهش حاضر کاربردی است. در این راستا به‌منظور گردآوری داده‌ها از مشاهدات میدانی، پرسشنامه و بازدید از محدوده استفاده‌شده است. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی با استفاده از فرمول کوکران است و تکمیل پرسشنامه توسط ۱۰۶ نفر از کودکانی در بازه‌ی سنی ۱۲-۱۰ سال و ۱۰۶ نفر از کودکان در بازه‌ی سنی ۱۴-۱۲ تکمیل گردیده است. تحلیل داده‌ها برای تحلیل الگوی مسیریابی کودکان با تأثیرپذیری از رشد شناختی در محله لشگر به‌صورت کمی از روش تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل محاسبه گردیده است. در تحلیل داده‌ها برای ارزیابی ارتباط مابین مسیریابی و رشد شناختی پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات حاصل با روش‌های آماری آزمون تی وابسته، آزمون فرضیات کلموگروف-اسمیرنف تحلیل گردیده است. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که کودکان در بازه‌ی سنی ۱۰-۱۲ سال، بیشتر به رنگ نماها، فرم بنا و ساختمان‌هایی که فرم و عملکرد شاخصی دارند اشاره کرده‌اند، همچنین کودکان در بازه سنی ۱۴-۱۲ سال به نشانه‌های شاخص که دارای کالبد متمایز نسبت به سایر ابنیه در محله داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: رشد شناختی، کودک، مسیریابی، محله لشگر.

۱. این مقاله مستخرج از رساله با عنوان "طراحی خیابان شهری در راستای تسهیل مسیریابی کودکان با تأکید بر رشد شناختی کودکان ۷-۱۲ سال (نمونه موردی محله ولیعصر)"، به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد می‌باشد.

۱. مقدمه

در چند سال اول زندگی، به طور معمول بچه‌ها پیشرفت می‌کنند از مهارت‌های شناختی اولیه، می‌توان به مواردی همچون درک علت و معلول، پایداری اشیاء و همچنین به مهارت‌های پیچیده‌تر همانند طبقه‌بندی، حل مشکلات ساده و یادآوری توالی‌ها و تکرارها اشاره نمود. این مهارت‌ها به طور طبیعی هنگامی ایجاد می‌شود که کودکان در فعالیت‌های بازی مناسب سن شان فعالیت می‌کنند. اغلب آموزش‌های بسیار مستقیم در این مهارت‌ها برای کودکان معمولی باعث رشد می‌شود. مهارت‌های شناختی در زمینه مهارت‌ها و توانایی‌های دیگر در حال رشد هستند (ج.سومن^۱، ۲۰۱۸). کودکان خردسال مشکلات پیچیده‌ای را در مسیریابی تجربه می‌کنند. برای درک بهتر از توانایی‌های پیشرفت مسیریابی می‌توان برای بهبود این مهارت از استراتژی‌های مختلفی استفاده کرد و مهارت‌ها را در کودکان بهبود بخشید. پیشرفت در توانایی‌های فضایی برای روان‌شناسان در دهه‌های مختلفی مورد توجه بوده است. وظایف فضایی مانند وظیفه مسیریابی جهت کشف پیشرفت مسیر، در توانایی‌های فضایی مورد استفاده قرار گرفته است. مسیریابی توانایی فضایی است که اکثر مردم هر روز استفاده می‌کند و به توانایی یادگیری و یادآوری مسیر از طریق محیط اشاره می‌کنند، شامل یادگیری مسیرها با موفقیت است و استراتژی‌های مختلفی برای رمزگذاری و ردیابی مسیر وجود دارد (لینگود^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). رشد شناختی در اوایل دوران کودکی بسیار مهم است: مهم‌ترین دوره رشد در طول عمر فرد، مورد توجه قرار گرفته است و بر مهارت‌های سازگاری و پیش‌بینی عملکردی و موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این رشد شناختی ممکن است تحت تأثیر عواملی باشد که می‌تواند با اثر توزیع اجتماعی تعامل داشته باشد (گونزالز^۳، ۲۰۱۸). از آنجایی که حرکت و جابجایی مستقل کودکان در محیط‌های شهری کاهش یافته است، کودکان از همه قلمروهای زندگی دور می‌شوند کودکان نیاز به تمرین و نشان دادن استقلال خود را در عموم مردم دارند و یک محیط برنامه‌ریزی شده و طراحی شده می‌تواند از ساخت چنین مهارت‌هایی در محیط‌های شهری پشتیبانی کند، این تمرینات به عنوان یک مداخله اساسی در محیط شهری برای تأمین قابلیت تحرک مستقل کودکان و آشنایی با محیط مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیگل^۴، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه چگونگی مسیریابی افراد در یک محیط ناآشنا و پیچیده مسئله‌ی چالش برانگیزی است پژوهشگران علوم شناختی و محیطی معتقدند توانایی افراد در ادراک محیط و یافتن مسیر از هم متفاوت است. تصاویر ذهنی و نقشه‌های شناختی ابزار دستیابی به بازنمایی درونی محیط می‌شود. لذا با توجه به اینکه کودکان از اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌باشند نحوه مسیریابی کودک در فضای شهری بخصوص مهم‌ترین مسیر آن‌ها یعنی مسیر خانه تا مدرسه‌اش است حائز اهمیت است از این رو با توجه به بررسی‌های دوره رشد شناختی پیاژه دوره ۷ تا ۱۲ سالگی مربوط به دوره سنی است که کودکان محیط اطراف و فضای شهری را به کامل درک می‌کنند. کودکان ۷-۱۲ ساله با توجه به میزانی شناختی نسبت به

1. G. Soman
2. Lingwood
3. González
4. Segal

محیط دارند می‌بایست فضاهای شهری به گونه‌ای برای آن‌ها طراحی شود که بدون سردرگمی مسیر بین دونقطه مبدأ و مقصد را شناسایی و جهت‌یابی نمایند. معیارها و شاخص‌های متفاوتی در مسیریابی کودکان وجود دارد که این معیارها می‌تواند باعث بهبود و سهولت مسیریابی شود که این عوامل شامل عوامل بصری، ادراکی، معنایی، رنگ‌ها و فرم‌ها است.

پژوهش‌های پیشین از جنبه‌های مختلف حوزه کودک و نیازهای کودک در فضای شهری مورد بحث قرار داده‌اند. سعیدی رضوانی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به اصول طراحی فضاهای بازی کودکان با تأکید بر گروه سنی ۵-۱۲ سال پرداخته است. زنجانی در سال (۱۳۹۲) به پژوهش خود به طراحی پایدار برای کودکان از دیدگاه روانشناسی محیطی با رویکرد معماری پایدار پرداخته است که شامل تأثیرگذاری بازی بر رشد کودک و تأثیرگذاری مشارکت در فعالیت رشد و در زمینه توجه به ادراک توسط کودک سبب تقویت نیروی ذهن کودک می‌گردد اشاره نموده است. ابر قوئی (۱۳۹۱) به بررسی سهم کودکان از شهرسازی پایدار با تأکید بر طراحی مراکز محله پرداخته است. ایزدپناه (۱۳۸۳) در پژوهش خود به فعالیت‌های متناسب در رشد کودکان در فضا و ارائه اصول طراحی فضاهای بازی در کودکان در شهر پرداخته است. سیدباقر حسینی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر ادراکی-رفتاری فضاهای باز محله در سلامت کودکان، به برنامه‌ریزی و- طراحی مسیرهای پیاده و دوچرخه از خانه تا مدرسه و سازگاری فضاهای باز شهری- با ویژگی‌های جسمی و روانی دانش آموزان پرداخته است.

کودک در فرهنگ فارسی عمید به معنای بچه، پسر یا دختر خردسال آورده شده است. از دیدگاه روانشناسی نیز مراحل رشد شامل ادوار مختلفی است: کودک از تولد تا ۱۵ ماهگی نوزاد نامیده می‌شود و از ۱۵ ماهگی تا ۲/۵ سالگی کودک نوپاست و بین ۲/۵ تا ۵ سالگی دوران خردسالی یا پیش دبستانی کودک است. میانه کودکی نیز دوران دبستانی یا شش سالگی تا ۱۲ سالگی را دربرمی گیرد و از ۱۲ سالگی به بعد دوران بلوغ یا نوجوانی فرد فرامی‌رسد (آزموده، ۱۳۹۱). کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر یا طفل) آورده شده است (شیعه، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مصوبه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سن بلوغ را برای پسران پانزده و برای دختران نه سال قمری تعیین کرده است (کاشانی جو و همکاران، ۱۳۹۱).

رشد و تکامل کودک به طور منظم و مداوم در زمینه مشخصی صورت می‌گیرد. رشد قابل مشاهده، ارزشیابی و اندازه‌گیری است و در سیستم اعصاب از طریق علائم فیزیولوژیکی و رفتار جلوه‌گر می‌شود. آثار و علائمی که در جنبه‌های مختلف رفتار ظاهر می‌شود، شاخص میزان رشد را تشکیل می‌دهد (عموزاده خلیلی، ۱۳۸۴). بررسی رشد کودک برای درک انسان بالغ و تعیین مشخصه‌های محیط اجتماعی تأثیرگذار در پرورش وی بسیار مهم است. کودکان نقش بسزایی در تجدید حیات هر نسل دارند و بدون توجه به رشد کودک و آموزش او، پیشرفت جامعه بشری ممکن نیست (رشتچی، ۱۳۸۹). یافته‌های روانشناسان کودک و محیط حاکی از آن است که رشد ذهنی و هوشی انسان امری اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه هماهنگ و هم‌جهت با سایر ابعاد رشد انسان صورت می‌گیرد. همان‌گونه که بهبود شرایط بهداشتی و تغذیه می‌تواند بر رشد جسمانی فرد مؤثر باشد (مظفر و همکاران، ۱۳۸۶). بدون شک یکی از

مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد، دوران کودکی است. امروزه این حقیقت انکارناپذیر به اثبات رسیده است که کودکان در سنین پایین، فقط به توجه و مراقبت جسمانی نیاز ندارند، بلکه این توجه باید همه ابعاد وجودی آن‌ها شامل رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و هوشی را نیز در برگیرد، این ابعاد، عوامل تعیین‌کننده اساسی شخصیت یک انسان هستند که از دوران کودکی پایه‌گذاری می‌شوند و شکل می‌گیرند (رکنی و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهشگران عصر حاضر در بیان ضرورت‌های اساسی رشد به سه مورد اشاره نموده‌اند: ضرورت درک محیط و گسترش شناخت، ضرورت سلامت، امنیت جسمی و گسترش مهارت‌های بدنی، ضرورت ارضای عواطف، پیوند با محیط و گسترش انگیزه‌ها این ضرورت‌ها تأکیدی بر نقش محیط زندگی و کودک و امکانات قابل‌دسترس در این محیط جهت تحرک آزاد و مستقل، گسترش مهارت‌های بدنی و ایجاد پیوندهای عاطفی و روحی با آن است (قره بیگلر، ۱۳۸۹). رشد در حالت کلی شامل تغییرات کمی و کیفی است که با پیشرفت زمان در طبیعت و ساخت و رفتار موجود زنده حادث می‌شود. تقسیم رشد در سه بعد رشد جسمی و رشد ذهنی و روانی یک طبقه‌بندی فراگیر برای تشریح این پدیده و مراتب آن است. پیازه دوران کودکی را دوران مهم رشد هوش و شخصیت انسان می‌داند و معتقد است که نه تنها این دوره شری نیست که باید زودتر آن را از خود دفع کرد، بلکه باید از نیروهایی که رشد طبیعی در اختیار می‌گذارید در پرورش استعدادهای گوناگون کودک و هدایت این استعدادها به‌سوی کمال لایق خود استفاده کرد (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۴).

پیاژه در سال‌های دهه ۱۹۲۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان، جهان را به‌طور دیگری می‌بینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می‌دهند تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند. منبع الهام کودک محیطی است که در آن احاطه شده و منبع الهام بزرگسالان، خود اوست (متینی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۹۳). تحقیق در حوزه شهرهای دوستدار کودک، به‌ویژه در اروپا، از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد موردتوجه قرار گرفت. عمده این تحقیقات در راستای این حق شهروندی به‌بچه‌ها و رسیدگی به خواست‌ها و نیازهای آن‌ها بود و در این راستا طرح‌هایی با تعریف شد (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۳).

از دیگر اهداف مهم در پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به مواردی اشاره کرد: ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، فعالیت در راستای غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان معلول، حمایت از خانواده، تشویق بزرگسالان در راستای حفظ و حمایت از حقوق کودکان، توسعه فضاهای تفریحی (کامل نیا و حقیر، ۱۳۸۸). به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی بچه‌ها مثل سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس بچه‌ها به‌عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به‌وسیله کودکان ساخته می‌شود (کیانی و اسماعیل‌زاده کواکی، ۱۳۹۱).

نقش پیازه در مطالعه‌ی رشد شناختی، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است نظریه پیازه، احساس نسبتاً ملموسی درباره‌ی تفکر کودکان ارائه می‌کند. آنچه او توصیف می‌کند، با درک شهودی و نیز خاطرات ما از دوران کودکی

تطبیق می‌کند (خرازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹). کودکان در فرآیند رشد و رشد شناختی و همچنین رفتار مسیریابی به مواردی از جمله درک شهودی، یادگیری، سازمان‌دهی، استدلال و توجه اهمیت می‌دهند.

فرآیندهای شناختی شامل توجه، ادراک، حافظه، یادگیری، تکلم، خواندن، نوشتن، برنامه‌ریزی و اجرا هستند. از طریق فرآیندهای شناختی است که آدمی قادر می‌شود یاد بگیرد، ادراک نماید از مهارت‌های زبانی استفاده نماید. رشد شناختی کودک تابع دو عامل وراثت و محیط است. (عبدالحسین زاده، ۱۳۸۷) توانایی‌های شناختی کودکان در چهار حالت به ثبت رسیده‌اند: زبان بیان، زبان پذیرنده، پذیرش تصویری و محرک دقیق به دست می‌آیند (دوهرتی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). رشد شناختی تابع عواملی همچون ادراک، یادگیری، طبقه‌بندی، حافظه، زبان، استدلال و یا حل مسئله است (برویل^۲، ۲۰۱۵). تحریک کودکان توسط اشیاء و نمادها سبب افزایش تجربیات ادراکی و رشد شناختی می‌گردد (آندره^۳ و همکاران، ۲۰۰۵).

اصطلاح "مسیریابی" ابتدا توسط معمار کوین لینچ در سال ۱۹۶۰ در کتاب خود به نام "تصویر شهر" معرفی شد که در آن او مشخص کرد که پنج عنصر اصلی که مردم برای سازمان‌دهی تصاویرشان در مورد شهر استفاده می‌کنند عبارت‌اند از: مسیرها، نشانه‌ها، مناطق، لبه‌ها و گره‌ها مسیریابی عمدتاً در مورد ارتباطات مؤثر و متکی به سروصدایی از ارتباطات پیام‌های دریافت شده از طریق سیستم حسی افراد از عناصر بصری، شنوایی، لمسی و بویایی است. یک مهارت طبیعی است که مردم در طول زندگی خود در آن پیشرفت می‌کنند. مردم راه خود را با تلاش برای ادراک محیطی و چگونگی سازمان‌دهی آن پیدا می‌نمایند. (ماکری^۴، ۲۰۱۵).

برای بسیاری از فرایندهای زندگی روزمره مدرن مانند جستجو برای غذا، تفریح، فعالیت‌های اجتماعی، مراقبت‌های پزشکی، خانه جدید برای خرید، یا سفر به مقصد بازگشت از یک مقصد جدید ضروری است. اگرچه ممکن است مسیریابی فرآیند ساده به نظر برسد، اما در حقیقت یک کار بسیار پیچیده است که نیازمند استفاده از حافظه برای یادگیری مسیر و بازگشت به سفر یا معکوس کردن سفر است (کستل^۵، ۲۰۱۷). مسیریابی توصیف توانایی‌های شناختی و رفتاری فرد، برای رسیدن به مقصد فضایی است. توانایی که مبتنی بر سه اجزای مشخص، تصمیم‌گیری، اجرا تصمیم‌گیری و پردازش اطلاعات بر اساس، توانایی حل مسئله فضایی است (پاسینی^۶، ۱۹۸۴، ص. ۱۵۴). اشاره به فرایندی دارد که یک فرد نیاز به پیدا کردن راه از یک مکان شناخته‌شده به مکان دیگری دارد. این یک فعالیت ضروری از زندگی روزمره است که امکان دسترسی به غذا، کار، تحصیل، تفریح و مراقبت‌های پزشکی را فراهم می‌کند. باین حال، برای موفقیت در مسیر، نیاز به پردازش شناختی برای شناسایی، پردازش، ذخیره و بازیابی اطلاعات مربوطه از محیط در طول سفر است (کستل^۵، ۲۰۱۷). مسیریابی شامل ایجاد ابزاری برای کمک به پیدا

1. Doherty
2. Barrouillet
3. Andrade
4. Makri
5. castell
6. Passini

کردن راه خود به بازدیدکنندگان از طریق ساختمان‌ها و فضاهای شهری است. مسیریابی دانش سازمان‌دهی و تعریف دنباله‌ای از پیام‌های ارسال‌شده و عناصر ارتباطی طراحی‌شده برای ترویج مسیریابی فرد است (آسلا و رافائل^۱، ۲۰۰۶، ص ۶).

وقتی کودکان و بزرگسالان محیط فضایی ناآشنا را می‌یابند رفتار مسیریابی و کسب دانش فضایی آن‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی مانند نشانه‌ها قرار می‌گیرد. به‌غیر از نشانه‌ها، رنگ نیز می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی محیطی برای ساختار فضاهای فضایی استفاده شود. توصیه نمودن به کودکان ۶ و ۱۲ ساله برای توجه به نشانه‌های نزدیک مسیر، به هر دو گروه سنی کمک می‌کند تا مسیر را با موفقیت پیگیری کنند، اما تنها کودکان بزرگ‌تر می‌توانند از نشانه‌های که در مسیر دورتر قرار دارند استفاده نمایند. بهبود رشد در کارکرد کودکان در وظایفی که نیاز به دانش فضایی دارند، مربوط به سن توانایی‌های شناختی است (اوسمان و وینبور^۲، ۲۰۰۴). پژوهش حاضر به دنبال شناسایی معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار در سهولت مسیریابی کودکان می‌باشند.

به دلیل تعداد بالای مراکز آموزشی و فرهنگی در این محدوده مسیریابی کودکان و خوانایی این محله برای کودکان حائز اهمیت است. در این پژوهش ابتدا به بررسی ادبیات نظری پیرامون کودکان، رشد شناختی و مسیریابی پرداخته و در قسمت دوم به بررسی مسیریابی کودکان در محله لشگر پرداخته‌شده است و در بخش سوم با استفاده از تحلیل یافته‌های پرسشنامه‌ها به بررسی ارتباط مسیریابی و رشد شناختی کودکان از طریق تحلیل کمی و تحلیل مفهومی نقاشی کودکان در محله لشگر پرداخته‌شده است. در این رابطه پرسش‌های اصلی پژوهش این است که:

۱. معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار در سهولت مسیریابی کودکان چه بوده است؟

۲. چه رابطه‌ای بین مسیریابی و مولفه‌های رشد شناختی وجود دارد؟

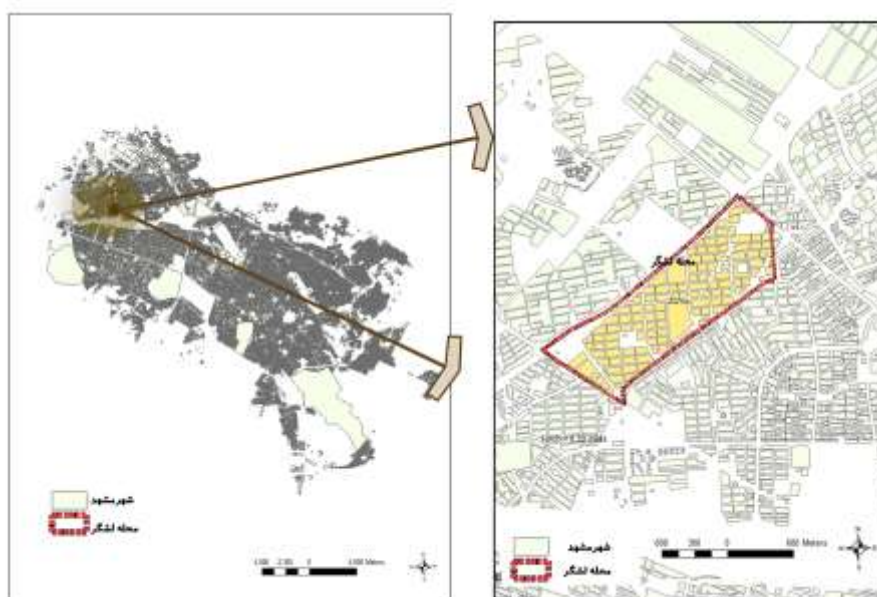
۲. متدولوژی

با توجه به ماهیت و ابعاد موضوع تحقیق، در این پژوهش از روش تحلیل - توصیفی بهره گرفته‌شده است. روش گردآوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی است. در روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مسیریابی و رشد شناختی پرداخته‌شده است و در روش میدانی از طریق مشاهده مستقیم، در این مرحله با استفاده از فرمول کوکبان به محاسبه تعداد افراد در جامعه آماری پرداخته‌شده است. پرسشنامه در میان ۱۰۶ نفر از کودکان در بازه‌ی سنی ۱۰-۱۲ سال و ۱۰۶ نفر و در بازه‌ی سنی ۱۲-۱۴ سال جمع‌آوری گردیده است. با توجه به مبانی نظری و بررسی آن به استخراج عامل‌ها پرداخته‌شده است و با استفاده از تحلیل لیزرل مورد محاسبه و تحلیل قرار گرفته است. برای تحلیل اطلاعات با استفاده از روش‌های تحلیل آماری آزمون t، آزمون فرضیات کلموگروف-اسمیرنف، در نرم‌افزار spss استفاده‌شده است. نقاشی‌های کودکان پیرامون مسیریابی آن‌ها با استفاده از روش تحلیل

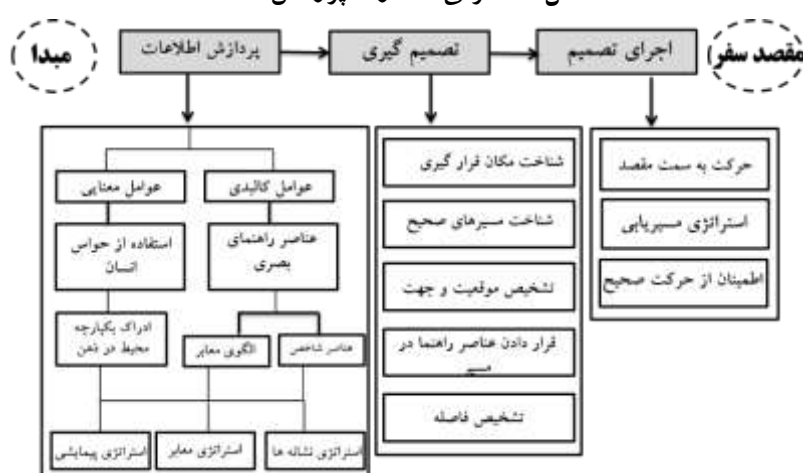
1. Asla & Raphael

2. Osmann & Wiedenbauer

محتوی مورد تحلیل قرار گرفته است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه پیش‌آزمون صورت گرفته است. در ابتدا، تعداد ۴۰ پرسشنامه در جامعه آماری توزیع و گردآوری شد. آلفای کرونباخ برای ارزش ادراک شده ۰/۸۷۱/ این مقدار نشانگر پایایی بالای ابزار است. در بخش نقاشی از کودکان خواسته شده است که مسیر خانه تا مدرسه را به شکل کروکی و نقاشی ترسیم کنند. با روی هم اندازی نقاشی‌ها عناصر و ارتباطات ذهنی کودکان استخراج شدند. محدوده مورد مطالعه در پژوهش محله لشگر که در حوزه شمالی غربی شهر مشهد در ناحیه ۲، منطقه ۱۰ واقع است جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ شامل ۱۱۱۰ نفر است. جمعیت ۱۰ سال تا ۱۴ سال این محدوده دختر ۵۵۵ و مرد ۵۶۰ نفر است.



شکل ۱. معرفی محدوده پژوهش



شکل ۲. چارچوب نظری پژوهش

۳. یافته‌ها

با بررسی‌های صورت گرفته در نقاشی‌های کودکان توانایی فضایی کودکان در سنین مختلف به لحاظ انتخاب جهت و مسیر در فضای شهری در نقاشی‌های آنان قابل مشهود است. لذا با توجه به آشنایی کودکان توانایی شناختی کودک به لحاظ بازخوانی محیط و یادآوری محیط و عناصر تشکیل‌دهنده فضای شهری وجود دارد. کودکان ۱۲-۱۰ ساله از طریق رمزگذاری کاربری‌ها نظیر اغذیه‌فروشی، مسجد است به مسیریابی می‌پردازند. علاوه بر موارد ذکرشده این کودکان به خیابان‌هایی که در سطح محدوده نقش لبه را ایفا می‌نمایند همچون بزرگراه امام علی، میدان هاشمی مهنه و همچنین محله الهیه اشاره نموده‌اند. کودکان ۱۲-۱۴ سال نیز به عناصری همچون گره‌ها و خیابان‌ها توجه نموده‌اند و در فرآیند مسیریابی از معابر و خیابان‌ها و علائم استفاده می‌نمایند. کودکان ۱۰-۱۲ ساله امکان بازخوانی محیط بیشتری نسبت به کودکان ۱۲-۱۴ ساله دارند. افرادی که تعداد دفعات حضور آن‌ها در محیط بیشتر است در حافظه بلندمدت آن‌ها عناصر بیشتری بازخوانی می‌گردد. کودکان در مسیریابی خود با توجه به ادراک آنان از محیط از معابر، کاربری‌های موجود در مسیر مدرسه و خانه، نوع شکل ساختمان‌ها استفاده می‌نمایند. ذخیره‌سازی حسی به لحاظ استفاده از حواس مختلف، بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، لامسه با توجه به اینکه به‌طور لحظه‌ای تحریک می‌شود در مسیریابی کودکان با توجه به کیفیت‌های مطرح‌شده در جدول ذیل تأثیرگذار است. با توجه به اینکه کودکان به دنبال تعامل با محیط می‌باشند تا بتوانند با حضور در محیط حس صلاحیت و شایستگی را ادراک نمایند. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین معیارها در مسیریابی استراتژی مسیر است در اغلب نقاشی‌های کودکان مسیرها و معابر به‌عنوان عنصر اصلی می‌باشند.

جدول ۱. ارتباط ویژگی‌های فردی در رشد شناختی و مسیریابی

ویژگی‌های فردی	تحلیل الگوی مسیریابی کودکان و تأثیر رشد شناختی				
	توانایی فضایی	توانایی شناختی	رمزگذاری	یادآوری	حافظه کوتاه‌مدت
۱۰-۱۲	✓	✓	✓		✓
۱۲-۱۴	✓	✓	✓	✓	✓

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

با بررسی‌های صورت گرفته در نقاشی‌های کودکان که نمودی از تصویر ذهنی کودکان از محل زندگی و مسیر رفت‌وآمد مدرسه می‌باشند لذا با توجه به اینکه پیچیدگی مسیرها در محیط سبب تحریم حس کنجکاوی کودکان می‌گردد. لذا کودکانی که در بازه‌ی سنی ۱۲-۱۴ سال می‌باشند سعی در استفاده از معابر پیچ‌درپیچ در هنگام مسیریابی به محل زندگی و مدرسه خود می‌نمایند. با توجه به اینکه راز آمیزی در محیط تأثیر به سزایی در ادراک کودک دارد، لذا از نقطه نظر امنیت برای کودکان این کیفیت دارای اهمیت است. لذا از این لحاظ کودکانی که آشنایی کمتری با

محیط دارند توجه زیادی به کیفیت راز آمیزی محیط ندارند. تنوع در کاربری‌های موجود در مسیر، همچنین فضاهای متنوع محلات با توجه به شناخت کودک و انتخاب مسیر از جمله کیفیت‌های مشهود در نقاشی کودکان است. با توجه به اینکه بازی کودک سبب رشد کودک به لحاظ شناختی، ادراکی و فیزیکی می‌شود با توجه به اینکه کودکان علاقه دارند در محیط‌های شهری همراه با دوستان خود بازی نمایند لذا در نقاشی‌های آنان مسیرها و بسترهای مناسب و منعطف جهت بازی فوتبال، آب‌بازی در محیط دیده می‌شود. کودکان در سنین ۱۰-۱۲ سال و ۱۲-۱۴ سال علاقه دارند که در محیط بازی نمایند. توجه کودکان به عناصر شاخص موجود در محله که می‌توان به مواردی همچون مسجد حضرت فاطمه الزهرا، مرکز درمانی موجود در خیابان فاطمیه، سوپرمارکت موجود در مسیر حرکت کودکان اشاره نمود. لذا عناصر شاخص نام‌برده در نقاشی‌های کودکان دیده می‌شود که در آن‌ها در هنگام مسیریابی به محل زندگی و مدرسه از این عناصر استفاده می‌نمایند. کاربری‌های اشاره‌شده در نقاشی‌های کودکان نوعی انسجام به لحاظ انسجام نشانه‌ها دارد که مسیر مشخصی از محل رفت‌وآمد کودکان را نشان می‌دهد. در ادامه با توجه به اینکه کنجکاوی و خیال‌پردازی در فضای شهری سبب رشد اجتماعی و شناختی کودک است. لذا کودکان در کنار کیفیت راز آمیزی به حفظ امنیت و ایمنی اشاره نموده‌اند. کودکان علاقه بسیار زیادی به فضاهای پیچیده و خیال‌انگیز دارند که امکان مکاشفه و بازی‌های هیجان‌انگیز برای آن‌ها وجود داشته باشد از نظر کودکان فضاهای راز آمیز و پیچیده در ضمن داشتن امنیت بسیار جذاب است.

جدول ۲. تحلیل الگوی مسیریابی کودکان در محیط

تحلیل الگوی مسیریابی کودکان در محیط ساخته‌شده						ویژگی‌های فردی
انسجام	خوانایی	انعطاف‌پذیری	تنوع	راز آمیزی	پیچیدگی	
✓	✓	✓	✓		✓	۱۰-۱۲
✓	✓	✓	✓	✓	✓	۱۲-۱۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۱. تحلیل عناصر مشترک در نقاشی‌های کودکان از فرایند مسیریابی

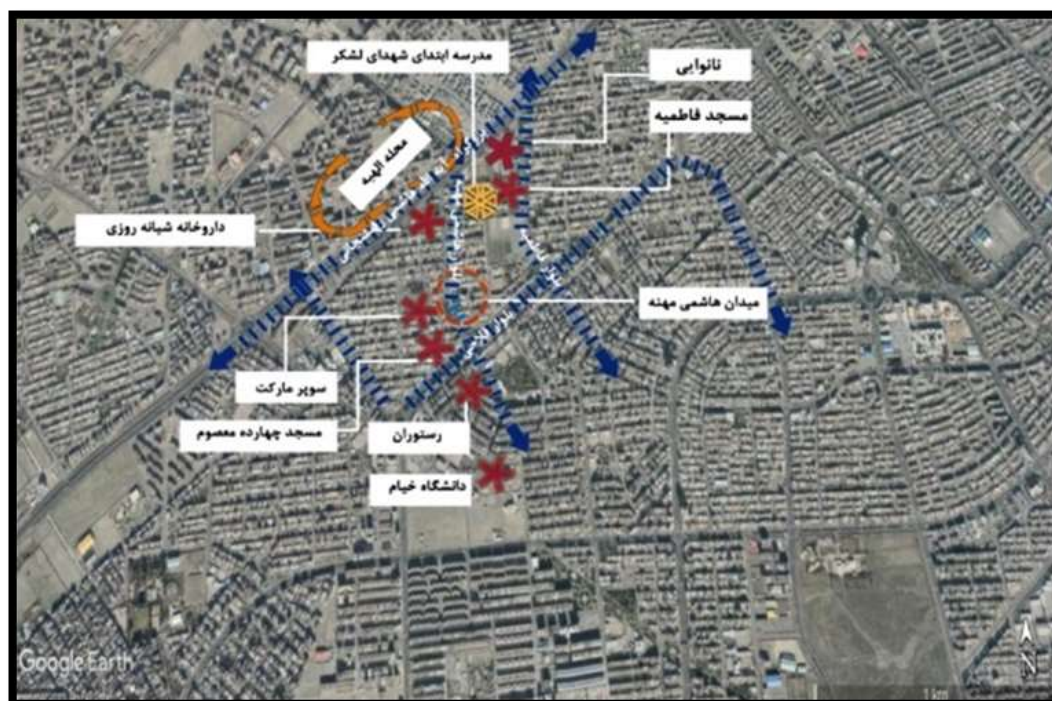
با بررسی‌های صورت گرفته در نقاشی‌های کودکان منطقه ۱۰، با توجه به اینکه در تمامی نقاشی‌های کودکان عناصر نام‌برده شده در ذیل قابل توجه بوده است لذا در بررسی نقاشی‌های کودکان از جمله عناصر شاخص اشاره‌شده می‌توان به مسجد فاطمیه محدوده خیابان فاطمیه، مرکز درمانی و بهداشت، پارک آبی قاسم‌آباد، میدان شهید هاشمی مهنه، محله الهیه، مسجد چهارده معصوم، سوپرمارکت، مدرسه و کلوپ بازی‌های کامپیوتری اشاره نمود. لذا به ترتیب اولویت در نقاشی‌های کودکان می‌توان به مسجد فاطمیه اشاره نمود که در نقاشی‌های کودکان به رنگ آبی، رنگ آمیزی گردیده است. با توجه به اینکه از دید روان‌شناختی رنگ آبی به معنی دور شونده و سوق به بی‌نهایت است لذا کودکان در نقاشی‌های خود مسجد فاطمیه به رنگ آبی نقاشی نموده‌اند. این عنصر در نقاشی کودکان

به عنوان نشانه و عنصر شاخص مطرح شده است. لذا در هنگام مسیریابی از این نشانه به عنوان عنصر شاخص استفاده می نمایند. از جمله نشانه های موجود در نقاشی های کودکان می توان به داروخانه شبانه روزی فاطمیه که در خیابان فاطمیه قرار دارد اشاره نمود این عنصر را کودکان به رنگ قهوه ای رنگ آمیزی نموده اند با توجه به اینکه رنگ قهوه ای رنگی، القاء کننده حس امنیت و حس گرما است لذا این عنصر به عنوان نشانه در مسیریابی کودکان در نقاشی های آنان قابل مشاهده است. از جمله عناصر شاخص موجود در نقاشی های کودکان می توان به پارک های آبی و تفریحی موجود در قاسم آباد اشاره نمود لذا این عناصر را به رنگ آبی رنگ آمیزی نموده اند این رنگ احساس آرامش به کودکان القاء می نماید. این نشانه به عنوان عنصر شاخص در جهت خوانایی محیط است که در مسیریابی کودکان نقش بسیار اساسی ایفا می نماید و به عنوان عنصر اصلی استخوان بندی فضایی موجود در نقاشی کودکان دانست. میدان هاشمی مهنه و همچنین بزرگراه آیه الله هاشمی رفسنجانی از جمله مسیرهایی است که در نقاشی کودکان اشاره شده است. این معابر به رنگ مشکی توسط کودکان رنگ مشکی نموده اند. محله الهیه از جمله مواردی است که در اغلب نقاشی های کودکان به چشم می خورد با توجه به اینکه کودکان نتوانستند مرز مشخص این محله را ترسیم نمایند اما به صورت نوشتاری در نقاشی های آنها به این محله با رنگ مشکی اشاره نموده اند. با توجه به دیدگاه روانشناسی پیرامون رنگ مشکی این رنگ به عنوان نماد قدرت است لذا این امر نشانگر این است که کودکان محله زندگی خود را به خوبی به خاطر می آورند و نقش بسیار پررنگی در نقاشی های آنان دارد. از جمله موارد قابل توجه در نقاشی کودکان مسجد چهارده معصوم خیابان فاطمیه است که در بلوار شهید هاشمی مهنه واقع گردیده است این عنصر بارنگ سبزرنگ آمیزی شده است با توجه به اینکه رنگ سبز نماد طبیعت، آرامش و آسایش است توجه کودکان به این عنصر حس امنیت در محیط را در هنگام مسیریابی به عنوان یک کاربری فعال در زمان های مختلف را به خود جلب نموده است. از جمله عنصری که در اغلب نقاشی های کودکان قائل مشاهده است سوپرمارکت است که را رنگ قرمز نمایان شده است با توجه به اینکه رنگ قرمز هیجان آور است لذا کودکان با توجه به اینکه این کاربری تجاری است و مرکز فروش انواع مواد خوراکی است در نقاشی های خود توجه بسیار زیادی به وجود سوپر در طی فرایند مسیریابی نموده اند. عنصر مدرسه عنصر حاکم در نقاشی های کودکان است به طوری که با بزرگنمایی آن تأکید خود را بر این عنصر نشان داده اند لذا افرادی که خانه آنها از مدرسه دورتر بوده است مسیر خانه تا مدرسه را طولانی ترسیم نموده اند اما کسانی که خانه و مدرسه شان را نزدیک به یکدیگر کشیده اند نشانگر این است که مسیر کوتاه تری برای رسیدن به مدرسه طی می نمایند. کودکان در نقاشی های خود اغلب مدرسه را به رنگ قرمز و آبی رنگ آمیزی نموده اند لذا رنگ قرمز نشانگر این است که مدرسه محیطی جذاب و هیجان انگیز برای کودکان است. در بعضی از موارد کودکان مدرسه خود را بارنگ آبی رنگ آمیزی نموده اند که نشانگر محلی امن و بانظم برای کودکان است. از جمله موارد اشاره شده توسط کودکان می توان به بوستان چهارده معصوم اشاره نمود با توجه به اینکه کودکان در بازه ی سنی ۱۰-۱۲ سال در مرحله ی عینی از رشد شناختی می باشند تمام ویژگی های فضا به ترتیب کالبد را در ذهن نگهداری می نمایند لذا این ویژگی ها را در این بازه ی ذهنی در ذهن خود طبقه بندی می نمایند.

جدول ۳. تحلیل عناصر مشترک در نقاشی‌های کودکان از فرایند مسیریابی

عناصر استفاده شده	رنگ	الگوی مسیریابی	استراتژی مسیریابی	توضیحات
مسجد فاطمیه	آبی	توجه به نشانه‌ها و خوانایی	نشانه	مرز و محدوده مشخص
داروخانه شبانه‌روزی	قهوه‌ای			انسجام نشانه
پارک آبی قاسم‌آباد	آبی	توجه به نشانه‌ها و انسجام	نشانه	شبکه فضای سبز
میدان هاشمی مهنه	مشکی	توجه به شبکه معابر و انسجام در شبکه فضایی	مسیر	نظام شبکه ارتباطی
محله الهیه	مشکی	توجه به عنوان حوزه در محدوده	نشانه	مرز و محدوده مشخص
مسجد چهارده معصوم	سبز	توجه به نشانه و انسجام	پیمایشی	نشانه شاخص
سوپرمارکت	قرمز	توجه به عنوان نشانه در شبکه فضایی	نشانه	انسجام نشانه‌ها
مدرسه	قرمز آبی	توجه به عنوان نشانه و مسیر	مسیر، پیمایشی، نشانه	انسجام نشانه و نشانه شاخص

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۳. عناصر مشترک در نقاشی کودکان



شکل ۴. نقاشی‌های کودکان در سنین مختلف

در این بخش پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده خواهیم پرداخت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی توأماً استفاده شده است ابتدا آمار توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها و متغیرهای اصلی تحقیق و سپس آمار استنباطی مربوط به فرضیه‌های تحقیق ارائه خواهد شد، در این راستا فرضیه‌های تحقیق با آزمون‌های همبستگی و لیزرل تحلیل می‌شوند.

۳.۲. تحلیل متغیرهای مسیریابی

در این قسمت برای شناخت بیشتر متغیرهای مورد بررسی و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده، یافته‌های توصیفی حاصل از بررسی مانند جداول فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی، میانگین، انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق، ارائه می‌شود:

جدول ۴. متغیر آمار توصیفی متغیر جنسیت و سن

متغیرها	عنوان	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	دختر	۵۸	۵۴/۷
	پسر	۴۸	۴۴/۸
سن	۱۰ تا ۱۲ سال	۵۸	۵۴/۷
	۱۲ تا ۱۴ سال	۴۸	۴۴/۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۵. آماره‌های توصیفی زیر شاخص متغیر رشد شناختی

گوپه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
آیا دوست دارید در هنگام برگشت به خانه صداهای مختلف بشنوید	۱۰۶	۲/۳۱	۱/۴۳	۱	۵
آیا دوست دارید در هنگام برگشت به خانه با دوستان و مردم حرف بزنید؟	۱۰۶	۱/۹۱	۱/۱۵	۱	۵
آیا دوست دارید تنها به مدرسه بروید و بازگردید	۱۰۶	۲/۴۴	۱/۶۰	۱	۵
آیا دوست دارید مسیر بازگشت به خانه موزیکال باشد؟	۱۰۶	۲/۲۰۷	۱/۴۱	۱	۵
آیا در هنگام بازگشت به خانه بوی خاصی را استشمام نموده‌اید؟	۱۰۶	۲/۰۳۷	۱/۳۵	۱	۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

مطابق اطلاعات جدول و نمودار بالا در متغیر رشد شناختی عامل استقلال (رفتن و بازگشتن از مدرسه به‌تنهایی) دارای بالاترین میانگین (۲/۴۴) است.

جدول ۶. آماره‌های توصیفی زیر شاخص متغیر مسیریابی

گوپه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
آیا در هنگام برگشت به خانه به راه‌ها و ساختمان‌ها توجه می‌نمایید؟	۱۰۶	۲/۴۳	۱/۲۰	۱	۵
آیا دوست دارید در مسیر برگشت به خانه پیاده بازگردید یا با وسیله نقلیه؟	۱۰۶	۱/۸۱	۱/۰۷	۱	۵
مقدار از تابلوهای راهنما برای رسیدن به مدرسه یا خانه استفاده می‌کنید؟	۱۰۶	۲/۶۶	۱/۵۹	۱	۵
چقدر قاسم‌آباد را می‌شناسید؟	۱۰۶	۲/۲۵	۱/۲۸	۱	۵
آیا برای پیدا نمودن مسیر منزل به‌راحتی می‌توانید تصمیم‌گیری نمایید؟	۱۰۶	۱/۷۰	۰/۹۷	۱	۵
الآن که به محل زندگی فکر می‌کنید خیلی از ساختمان‌ها را یادآور می‌شوید؟	۱۰۶	۲/۰۵	۱/۱۸	۱	۵
آیا می‌دانی که مدرسه شما در کدام قسمت از قاسم‌آباد واقع شده است؟	۱۰۶	۲/۱۲	۱/۳۷	۱	۵
چقدر در هنگام راه رفتن به جهات توجه می‌کنید؟	۱۰۶	۲/۵۸	۱/۵۲	۱	۵
چقدر در هنگام حرکت به‌درستی مسیری که حرکت می‌کنید اعتماد دارید؟	۱۰۶	۲/۰۰	۱/۳۸	۱	۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

مطابق اطلاعات جدول در متغیر مسیریابی عامل توجه به جهات (شمال، جنوب، شرق و غرب) دارای بالاترین میانگین (۲/۵۸) است. مطابق اطلاعات جدول در هر دو متغیر اصلی تحقیق (مسیریابی و رشد شناختی) دارای میانگین یکسان ۲/۱۸ می‌باشند.

جدول ۷. آماره‌های توصیفی زیر شاخص متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
رشد شناختی	۱۰۶	۲/۱۸	۰/۸۵	۱	۴
مسیریابی	۱۰۶	۲/۱۸	۰/۶۸	۱	۴/۱۱

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۳. تحلیل شاخص‌های مسیریابی و رشد شناختی

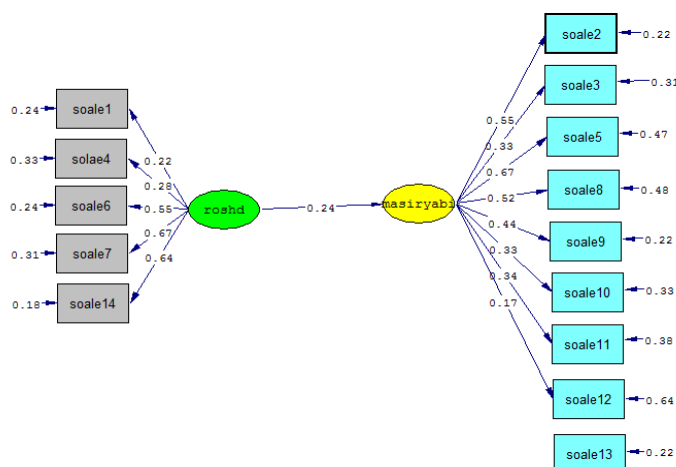
در این بخش و با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب به آزمون فرضیات این پژوهش خواهیم پرداخت. در ادامه نتایج این آزمون را برای فرضیات این پژوهش گزارش خواهیم نمود. بنابراین با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون در تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه نرمال بودن مشاهدات فرض صفر رد نمی‌شود. در نتیجه از آزمون‌های پارامتریک به منظور بررسی فرضیات استفاده می‌شود.

جدول ۸. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف

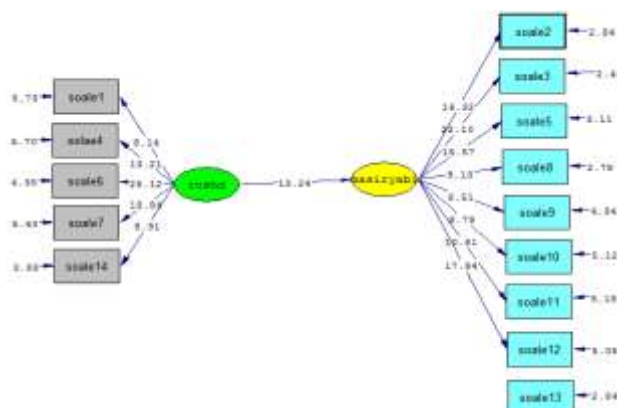
نام متغیر	تعداد	آماره‌ی آزمون	سطح معناداری
رشد شناختی	۱۰۶	۱/۳۹	۰/۰۵۴
مسیریابی	۱۰۶	۰/۸۳۶	۰/۴۸۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در این قسمت از تحلیل داده‌ها به بررسی ارتباط مؤلفه‌های رشد شناختی و مسیریابی پرداخته شده است. رابطه اول به نظر می‌رسد میان رشد شناختی و مسیریابی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب مسیر و بار عاملی شامل موارد زیر است:



شکل ۵. ارتباط رشد شناختی و مسیریابی



شکل ۶. نتایج آزمون T مسیریابی و رشد شناختی

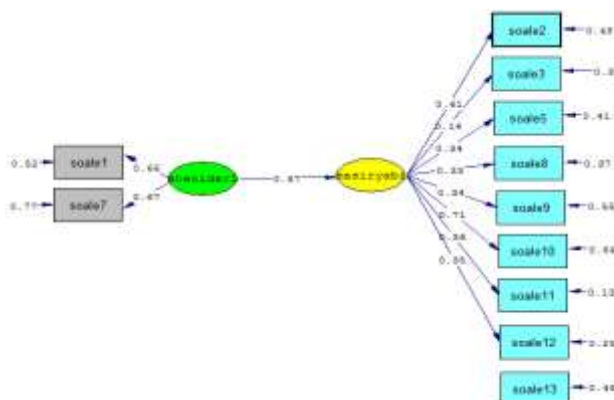
بر اساس نتایج به دست آمده از جدول رشد شناختی بر مسیریابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم دارد (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶) و شدت این تأثیر برابر با ۰/۶۷ است؛ بنابراین بین رشد شناختی و مسیریابی رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه از جمله واحدهای شناختی بر اساس نظریه پردازش اطلاعات طرحواره و تصویر ذهنی است لذا الگوهای موجود در ذهن کودک از فضای شهری کمک زیادی به مسیریابی او در فضای شهری می کند.

جدول ۸. ارتباط مسیریابی و رشد شناختی

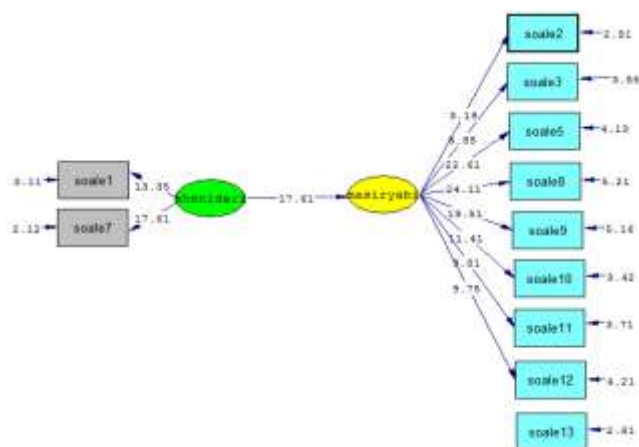
مؤلفه	ضریب مسیر	T-VALUE مقدار	سطح معنی داری	نتیجه
رشد شناختی ← مسیریابی	۰/۲۴	۱۳/۲۴	۰/۰۰۱	تأیید

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

به نظر می رسد میان عامل شنیداری و مسیریابی رابطه وجود دارد. در ادامه بر اساس آزمون به بررسی این رابطه پرداخته شده است.



شکل ۷. ارتباط عامل شنیداری و مسیریابی



شکل ۸. نتایج آزمون T میان مسیریابی و عامل شنیداری

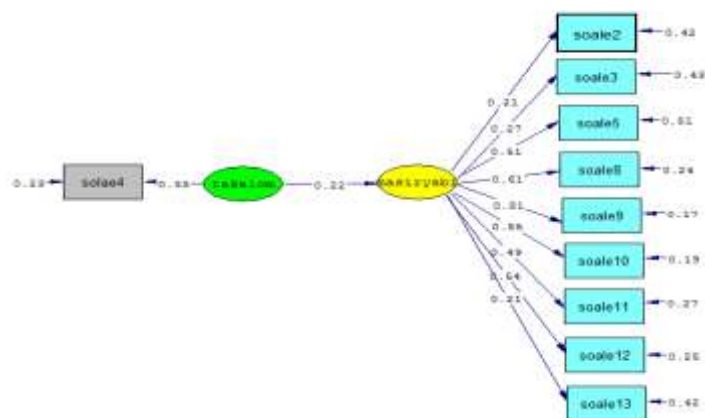
بر اساس نتایج به دست آمده از جدول عامل شنیداری بر مسیریابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم دارد (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶) و شدت این تأثیر برابر با ۰/۶۷ است؛ بنابراین بین عامل شنیداری و مسیریابی رابطه وجود دارد. از جمله تأثیرهای حسی همانند صدا در ذهن بازسازی می شود و آگاهانه در رشد کودک و فرایند ادراک و مسیریابی کودک تأثیرگذار است.

جدول ۱۰. ارتباط مسیریابی و عوامل شنیداری

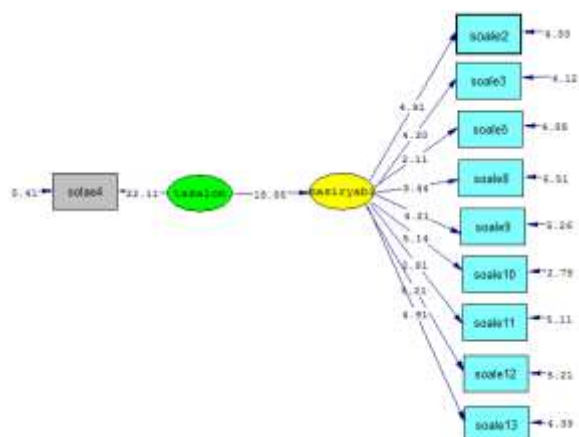
مؤلفه	ضریب مسیر	T-VALUE مقدار	سطح معنی داری	نتیجه
عوامل شنیداری ← مسیریابی	۰/۶۷	۱۷/۶۱	۰/۰۰۴	تأیید

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

به نظر می رسد میان عامل گفتاری و مسیریابی رابطه وجود دارد. در ادامه به بررسی این ارتباط پرداخته شده است.



شکل ۹. ارتباط عامل تکلم و صحبت کردن و مسیریابی



شکل ۱۰. مسیریابی و عوامل گفتاری

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول عامل گفتاری بر مسیریابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم دارد (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶) و شدت این تأثیر برابر با ۰/۲۲ است؛ بنابراین بین عامل گفتاری و مسیریابی رابطه وجود دارد.

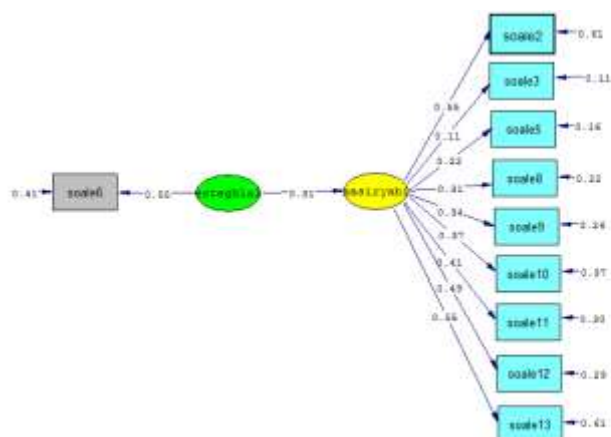
در طی فرآیند رشد شناختی، کودک به تدریج مهارت‌های لازم برای یادگیری و درک تجارب جدید را می‌آموزد. با پیشرفت تکلم، کودک تعامل بیشتری با محیط پیدا می‌کند. از جمله عوامل مؤثر در رشد کودک عامل تکلم و صحبت کردن است کودکان در سطح ادراک و شناختشان از محیط تا عمل برقرار می‌نمایند. سؤال پرسیدن پیرامون یکی از عوامل تأثیرگذار بر سهولت مسیریابی است.

جدول ۱۱. ارتباط مسیریابی عوامل گفتاری

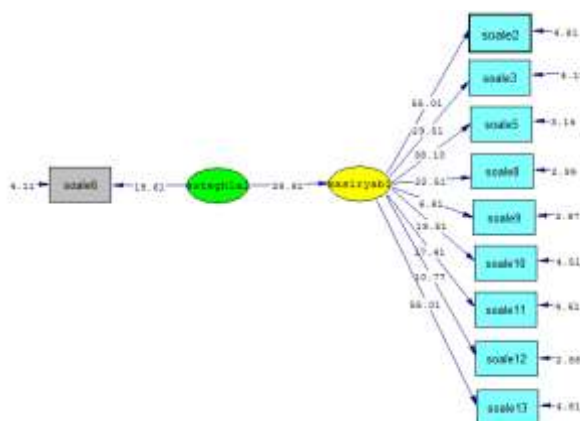
مؤلفه	ضریب مسیر	T-VALUE مقدار	سطح معنی داری	نتیجه
عوامل گفتاری (تکلم) ← مسیریابی	۰/۲۲	۱۸,۵۵	۰/۰۰۰	تأیید

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

به نظر می‌رسد بین عامل استقلال و مسیریابی رابطه وجود دارد. در ادامه به بررسی این فرضیه پرداخته شده است.



شکل ۱۱. ارتباط عامل استقلال و مسیریابی



شکل ۱۲. ارتباط عوامل مسیریابی و استقلال فردی

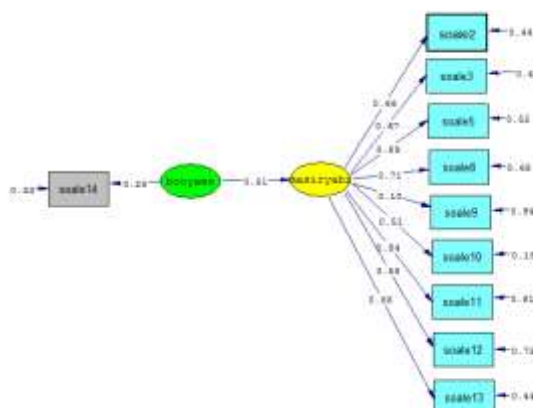
بر اساس نتایج به دست آمده از جدول عامل استقلال بر مسیریابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم دارد و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶ و شدت این تأثیر برابر با ۰/۳۱ است؛ بنابراین بین عامل استقلال و مسیریابی رابطه وجود دارد. عامل استقلال از مهم ترین جنبه های رشد فردی کودکان است، به نسبت افزایش سن کودک رشد او نیز تکامل می یابد و راحت تر در فضای شهری می تواند حضور یابند.

جدول ۱۲. ارتباط مسیریابی و عامل استقلال

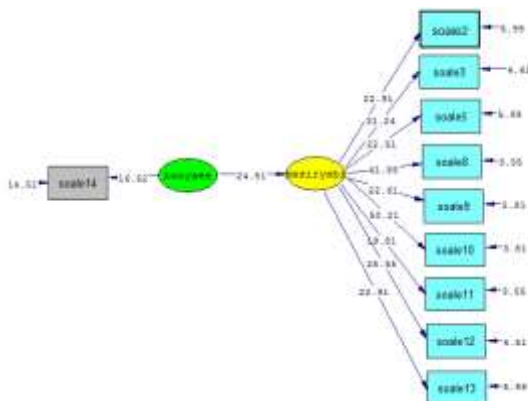
مؤلفه	ضریب مسیر	T-VALUE مقدار	سطح معنی داری	نتیجه
عامل استقلال ← مسیریابی	۰/۳۱	۲۸/۶۱	۰/۰۰۰	تأیید

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

به نظر می رسد بین عامل بویایی و مسیریابی رابطه وجود دارد. در ادامه به بررسی رابطه میان این دو عامل پرداخته شده است.



شکل ۱۳. ارتباط عامل بویایی و مسیریابی



شکل ۱۴. نتایج آزمون T میان مسیریابی و حس بویایی

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول عامل بویایی بر مسیریابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر مستقیم دارد (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶) و شدت این تأثیر برابر با ۰/۵۱ است؛ بنابراین بین عامل بویایی و مسیریابی رابطه وجود دارد. عامل بویایی از حمله عوامل تأثیرگذار در سهولت مسیریابی کودکان است.

جدول ۱۵. ارتباط مسیریابی و حس بویایی

مؤلفه	ضریب مسیر	مقدار T-VALUE	سطح معنی داری	نتیجه
عامل بویایی ← مسیریابی	۰/۵۱	۲۴/۵۱	۰/۰۰۰	تأیید

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

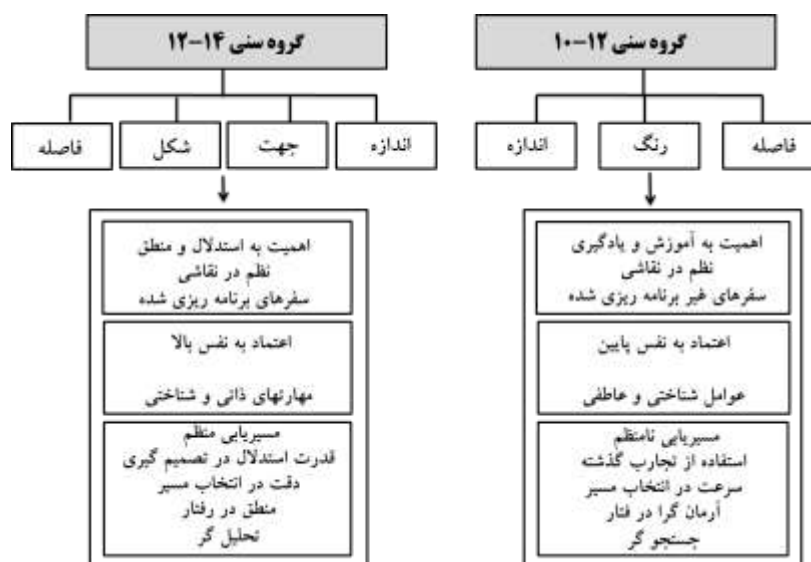
۴. بحث

از دیدگاه قره بیگلو (۱۳۸۹) در پژوهش خود به مسئولیت‌های شهر نسبت به کودکان پرداخته است و در این پژوهش به طراحی محیط منطبق با فرهنگ و ایجاد ارتباط احساسی بین استفاده‌کنندگان و محیط و احداث فضاهای بازی سازگار با کودکان اشاره نموده است. فرهنگ و مظفر (۱۳۸۵) به تعامل کودک با محیط عامل رشد استعدادهای جسمی و روانی و به ارائه اصول و معیارهای طراحی بوستان‌های شهری در تناسب با رشد و شکوفایی خلاقیت کودکان پرداخته است. از دیدگاه وراثت^۱ (۲۰۱۷) طراحی برای کودکان شهری پیشنهاد یک رویکرد دوستانه کودکان به برنامه‌ریزی شهری، به مادر جهت ساختن شهرهای موفق که همه افراد جامعه از آن استفاده نمایند کمک می‌نماید. برنامه‌ریزی شهری برای کودکان یک حوزه در حال ظهور است. این یک رویکرد منسجم و منظم برای برنامه‌ریزی و طراحی شهرها است که رشد کودکان، سلامت و دسترسی به فرصت‌ها را بهبود می‌بخشد. جابه‌جایی آزادانه کودکان در سرتاسر دنیا به علت فقدان امنیت و ایمنی در حال کاهش است. مهاجرو همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی نقش عناصر شهری در شکل‌گیری نقشه‌های شناختی کودکان نمونه موردی کودکان ۷ تا ۱۰ سال شهر رشت به شناخت مؤلفه‌هایی پرداخته است که منجر به ارتقاء کیفیت محیط در راستای توانمندسازی اجتماعی کودکان می‌شود پرداخته است. در این پژوهش به مطالعه و شناسایی عناصر کالبدی مشخص از نقاشی کودکان با توجه به تکرار عناصر شاخص پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش نشانگر، این است که ابعاد، نوع کاربری، فرم، رنگ، میزان ارتباط کاربری‌ها با نیازهای کودکان و فاصله از نقاط مقصد کودکان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در ثبت موقعیت عناصر بافت شهری در ذهن کودکان است. رضایی و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل فیزیکی مؤثر در مسیریابی فضای آموزشی کودکان ۷ تا ۱۲ سال در رشت، شمال ایران به بررسی تأثیر عوامل فیزیکی بر مسیریابی کودکان در فضاهای آموزشی پرداخته است. این پژوهش با روش کمی- کیفی است و داده‌های کیفی شامل نقاشی کودکان است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در گروه سنی ۷ تا ۸ سال پارک‌ها و زمین‌های بازی، در گروه سنی ۹ تا ۱۰ سال فضای سبز و در گروه سنی ۱۱-۱۲ سال، علائم ورودی و تابلوهای مسیریابی، مهم‌ترین نشانه در مسیریابی کودکان به فضاهای آموزشی بودند. مؤلفه‌هایی مانند تغییر اندازه، استفاده از رنگ‌های شاد، معماری متمایز، علائم و نشانه‌ها در مسیریابی کودکان در سنین بالا مؤثر می‌باشد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در نتایج تحقیقات مختلف در زمینه مسیریابی و رشد شناختی کودکان یافته‌های این پژوهش با نتایج سایر مقالات بررسی شده موافق است و کودکان یا افزایش سن مسیریابی راحتی تری را با توجه به رشد شناختی آنان تجربه می‌نمایند. از جمله نوآوری پژوهش حاضر می‌توان به جنبه‌ی جدید بودن موضوع از حیث بررسی مؤلفه‌های رشد شناختی و مسیریابی کودکان در سنین مختلف اشاره نمود.

1. Wright.

۵. نتیجه گیری

بر اساس تحلیل رشد شناختی میان دو گروه سنی ۱۰-۱۲ سال و ۱۲-۱۴ سال در فرآیند مسیریابی نتایج حکایت از آن دارد که عناصر بررسی راهنما و مورد استفاده در مسیریابی در دو گروه سنی تفاوت دارند و گروه سنی ۱۲-۱۴ سال ذهن تحلیل گری دارند و در مقابل گروه ۱۰-۱۲ سال به صورت جستجوگری و توجه به راز آمیزی تعیین مسیر می کنند. در هر دو گروه نظم در نقاشی های ترسیم شده دیده می شود ولی گروه ۱۲-۱۴ سال در نقاشی ها سفرهای برنامه ریزی شده و گام به گام ترسیم کرده اند، این در حالی است که برای گروه سنی ۱۰-۱۲ سال سفرهای برنامه ریزی نشده و اتفاقی بیشتر دارای اهمیت است.



شکل ۱۵. فرآیند مسیریابی با توجه به رشد شناختی در دو گروه سنی ۱۰-۱۲ سال و ۱۲-۱۴ سال

گروه سنی ۱۲-۱۴ سال قدرت استدلال بیشتری در برنامه ریزی و تصمیم گیری سفر دارند و با دقت بیشتر سفر را برنامه ریزی می کنند. این گروه منطق بیشتری در رفتار دارند و با اعتماد به نفس بالاتر و با استفاده از مهارت های ذاتی و شناختی تعیین مسیر می کنند. این در حالی است که گروه سنی ۱۰-۱۲ سال آرمان گرا هستند و با استفاده از تجربیات گذشته با سرعت بیشتری توانایی تعیین مسیر دارند. این افراد به دلیل ویژگی های شناختی و عاطفی اعتماد به نفس کمتری در تعیین مسیر به موفقیت دارند. با توجه به آنچه بیان گردید، پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- تأمین آسایش روانی با ایجاد شبکه یکپارچه از مسیرهای ارتباطی ایمن در جهت سهولت مسیریابی کودک؛
- ارتقاء سرزندگی فضاهای عمومی به منظور حضور کودک با ایجاد پاتوق و فضاهای همگانی برای کودکان؛
- افزایش تحرک و استقلال آزادانه کودک در مسیریابی؛
- افزایش شفافیت و خوانایی محله با تأکید بر نشانه ها با استفاده از رنگ های شاد؛

- تأکید به اندازه و ابعاد فضاها به منظور افزایش اعتماد به نفس کودکان برای حرکت آسان در محیط؛
- استفاده از عناصر شاخص متمایز به دلیل قابلیت شناسایی آسان کودکان در انتخاب مسیر؛
- استفاده از اشکال با ابعاد و رنگ شاخص به عنوان راهنما در فرآیند انتخاب مسیر جستجوی کودکان.

کتابنامه

۱. احمدوند، ک، هدایت احمدی، ح.، و غلامی هره دشتی، س. (۱۳۹۴). *فلسفه بازی و نقش آن در رشد عقلانی کودکان براساس برنامه P4C*، فصلنامه فلسفه و کلام، فلسفه و کودک، ۴۹، ۱۲-۵۸.
۲. آزموده، م. (۱۳۹۱). *معماری و طراحی برای کودکان*. تهران: انتشارات علم و دانش، ۱۲-۱۳.
۳. رشتچی، م. (۱۳۸۹). بررسی نظریه ی ویگوتسکی از دیدگاه روان شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان، تفکر و کودک. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال اول، شماره ی اول، ۳-۲۰.
۴. رکنی، م.، زاده محمدی، ع.، نوابی نژاد، ش. (۱۳۹۴). بررسی اثر بخشی نقاشی درمانی بر خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله"، فصلنامه علمی، پژوهشی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره سوم، دوره ۵، زمستان، ۱۹۶-۱۷۳.
۵. زیگلر، ر.، واگنر، آ.، مارتا، و خرازی، س. ک. (۱۳۸۷). *روان شناسی رشد شناختی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. شیعه، ا. (۱۳۸۶). *آماده سازی شهر برای کودکان نمونه مورد بررسی تهران*، تهران: نشر شهر تهران.
۷. عبدالحسین زاده، ع. (۱۳۸۷). نقش والدین در رشد شناختی کودکان. *نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند*، شماره ۱۷، ۳۴۵-۳۴۷.
۸. عزیزی یوسف کند، ع. (۱۳۹۱). بررسی فرم در نقاشی کودکان. *هنر و معماری، رشد آموزش هنر*، ۳۱، ۴۳-۳۵.
۹. عموزاده خلیلی، م. (۱۳۸۴). مقایسه رشد شناختی - حرکتی کودکان در مهدکودک های شهری و روستایی سمنان در سال ۱۳۸۱. *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۵ (۴۸)، ۷۳-۸۱.
۱۰. قره بیگلر، م. (۱۳۸۹). شهر و کودک مسئولیت های شهر نسبت به محل بازی کودکان. *ماهنامه منظر*، ۲ (۱۰)، ۱۴-۱۷.
۱۱. کاشانی جو، خ.، هرزندی، س.، و فتح العلومی، ا. (۱۳۹۲). بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان نمونه موردی محله نظامیه تهران. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره ۱۱، ۲۴۹-۲۳.
۱۲. کامل نیا، ح.، و حقیر، س. (۱۳۸۸). الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک، *باغ نظر*، ۶ (۱۳۸۸)، ۷۷-۸۸.
۱۳. کیانی، ع.، اسماعیل زاده کواکی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان. *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۹ (۲۰)، ۷-۲۵.
۱۴. متینی، م.، سعیدی رضوانی، ن.، احمدیان، ر. (۱۳۹۳). معیارهای طراحی محلات مبتنی بر رویکرد شهر دوستدار کودک مطالعه موردی - محله فرهنگ مشهد، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۱۵، ۱۱۲-۹۱.

۱۵. مظفر، ب.، حسینی، س. ب.، باقری، م.، و عظمتی، ح. (۱۳۸۶). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان. *مجله علمی - پژوهشی باغ نظر*، ۵۹، ۴-۷۲.

16. Alexander Segal, R. (2015). *Playfinding child-Friendly wayfinding as a Tool for children's independent mobility in the exchange district of Winnipeg*. Manitoba: Department of City Planning Faculty of Architecture University of Manitoba Winnipeg.
17. Barrouillet, P. (2015). Theories of cognitive development: From Piaget to today. *Developmental Review*, 38, 1-12.
18. Castell, ch. Stelzmann, D, Oberfeld, D, Welsch, R, Hecht, H. (2017). Cognitive performance and emotion are indifferent to ambient color. *Research and Application*, 43(1), 65-74.
19. Doherty, Brett T. Hoffman, K, P Keli, A, M Engel, S, M Stepleton, H, D Goldman, B, Folshn, A, l Daniels, J (2019). Prenatal exposure to organophosphate esters and cognitive development in young children in the Pregnancy, Infection, and Nutrition Study. *Environmental Research*, 169, 33-40.
20. Gonzalez, L Cortes-sancho, R. Murcia, M. Ballester, F. (2018). The role of parental social class, education and unemployment on child cognitive develop. *Article in Press, G Model GACETA*, 1659, 1-10.
21. Jansen-Osmann, P., & Wiedenbauer, G. (2004). Wayfinding performance in and the spatial knowledge of a color-coded building for adults and children. *Spatial Cognition and Computation PATIAL*, 4(4), 337-358.
22. Kavanagh, D. J., Andrade, J., & May, J. (2005). Imaginary relish and exquisite torture: The elaborated intrusion theory of desire. *Faculty of Health and Human Sciences, School of Psychology*, 112(2), 446-467.
23. Lingwood, J. Blades, M. Farran, E. Coubois, Y. Matthews, D. (2015). The development of wayfinding abilities in children: Learning routes with and without landmarks. *Journal of Environmental Psychology*, 41, 74-80.
24. Makri, A. (2015). *Indoor signposting and wayfinding through an adaptation of the Dutch cyclist junction network system*. Delft: Delft University of Technology, Faculty of Architecture and the Built Environment.
25. Passini, R. (1984). Spatial representations, a wayfinding perspective. *Environmental Psychology*, 4, 153-164.
26. Raphael, D. A. (2013). *Wayfinding: principles and practice*. 2nd edition. American Society of Landscape Architects. <https://learn.asla.org/asla/sessions/2323/view>.
27. Soman, U. G. (2018). *Cognitive development*. Preparing to teach committing to learn: an introduction to educating children who are deaf/hard of. eBook Chapter 3. <https://www.infanthearing.org/ebook-educating-children-dhh/>



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیلی بر زیست پذیری شهری با تاکید بر شاخص مسکن (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد)

محمد قنبری (رئیس گروه تحول و بهبود فرآیندهای شهرداری مشهد و دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی

مشهد، نویسنده مسئول)

m.ghanbari233@yahoo.com

محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

shokouhim@um.ac.ir

محمد رحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

rahnama@um.ac.ir

امید علی خوارزمی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد)

omid_kharazmi@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

صص ۱۰۱-۱۲۱

چکیده

امروزه رویکردهای گوناگونی برای حل مسائل و مشکلات موجود در شهرها مطرح و به کار گرفته شده‌اند. عوامل متعددی در زیست پذیری یک مکان تأثیر دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به حضور مردم، کاربری مختلط، مسکن، ایمنی و امنیت، حس تعلق، کارایی و محیط زیست اشاره کرد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل زیست پذیری شهری کلانشهر مشهد با تاکید بر شاخص مسکن می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. از نرم افزارهای GIS، SPSS و مدل ویکور و آنتروپی برای تحلیل اطلاعات استفاده شده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تراکم نفر در واحد مسکونی در شهر مشهد ۳/۴ نفر می‌باشد. بیشترین سرانه مسکونی با ۵۶/۹ و ۵۶/۸ مترمربع مربوط به منطقه ۱۳ و ۸ بوده است. همچنین کمترین سرانه با ۲۰/۷ و ۲۰/۱ در منطقه ۴ و ۵ مشاهده می‌شوند. به لحاظ شاخص‌های قدمت، دوام، مالکیت، دسترسی به فاضلاب شهری و قیمت مسکن بهترین وضعیت به ترتیب مربوط به مناطق ۱۲، ۱۲، ۱، ۱۱ و ۱ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که منطقه ۱۱ کلانشهر مشهد، بهترین منطقه از نظر شاخص مسکن می‌باشد. پس از منطقه ۱۱، مناطق ۱۰ و ۹ به لحاظ مسکن دارای بهترین شرایط می‌باشند. بدترین منطقه هم به لحاظ مسکن، به ترتیب مناطق ۵، ۴ و ۱۳ می‌باشند. حدود ۳۸ درصد مناطق شهر مشهد در سطح بسیار نامطلوب مسکن به لحاظ زیست پذیری شهری قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: زیست پذیری شهری، شاخص مسکن، عینی و ذهنی، مشهد.

۱. مقدمه

جغرافیدانان همواره هدف غایی از مطالعات جغرافیایی را ارتقای کیفیت زندگی انسان عنوان کرده‌اند و در پی بهینه کردن رابطه متقابل انسان و محیط در جهت مطلوبیت بخشی به زندگی انسان بوده‌اند (حاجی نژاد، رفیعیان و زمانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). امروزه رویکردهای گوناگونی برای حل مسائل و مشکلات موجود در شهرها مثل زیست پذیری، شهر هوشمند، شهر ایده آل، شهر تاب آور، شهر دوستدار کودک، شهر یادگیرنده و شهر خلاق مطرح و به کار گرفته شده‌اند. عوامل متعددی در زیست پذیری یک مکان تأثیر دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به حضور مردم، کاربری مختلط، مسکن، ایمنی و امنیت، کارایی و محیط زیست اشاره کرد (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). زندگی در مسکن با کیفیت پایین با سلامتی روانی پایین‌تر و میزان بالاتری از بیماری‌های عفونی، مشکلات تنفسی و برخی دیگر از آسیب‌ها مرتبط است (هودن چپمن^۱، ۲۰۰۲، ص. ۶۴۵). دستیابی به مسکنی که بتواند در طول چرخه زندگی پاسخگوی نیازهای متعدد و متغیر کاربران باشد، از بعد اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بسیاری از مسائل مسکن امروز را حل کند (رسولی ثانی آبادی، فرهادی و غفاری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷). اما امروزه، خانه‌ها تبدیل به کالا شده و نابرابری‌های شهری را حادث کرده‌اند (زیاری و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۱). کسانی که در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کنند سلامت جسمی و روانی بدتری نسبت به مالکین خانه‌ها دارند و برخی از مطالعات نشان داده‌اند که وضعیت مسکن پیش بینی بهتری از سلامت در مقایسه با تحصیلات ارائه می‌کند. از آنجایی که تراکم‌های مسکونی پایین‌تر قادر به حمایت از خدمات محلی، اشتغال و زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی نیستند و بنابراین موجب افزایش وابستگی به وسیله نقلیه موتوری می‌شوند (بدلند^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۶۸).

مفهوم زیست پذیری به دلیل اهمیت تهدیدهای موجود در حوزه وضعیت کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع، فقدان اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری اجتماعی، ضعف فزاینده هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدات جدی برای زیست پذیری و اجتماع به شمار می‌آیند (فلوریدا^۳، ۲۰۰۲، ص. ۲۵؛ کوتکین^۴، ۲۰۰۱، ص. ۳۸). عده‌ای از محققین به این نتیجه رسیده‌اند که میان شرایط مسکن و عزت نفس انسان رابطه‌ای وجود دارد و ارتباط میان کیفیت مسکن و اختلالات عصبی روانی حتمی می‌باشد و همچنین میزان تراکم در مسکن در رفتارهای عصبی افراد تأثیر گذار خواهد بود (حکیمی، پورمحمدی و پرهیزگار، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۴). واژه زیست پذیری را اداره ملی هنر امریکا برای دستیابی به ایده‌های برنامه ریزی شهری مد نظر قرار داد و بعدها، مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی دیگر این واژه را به کار گرفتند (سلیمانی مهرنجانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۳۰). زیست پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و

-
1. Howden-Chapman
 2. Badland
 3. Florida
 4. Kotkin

کیفیت مکان، و اجتماعات سالم در ارتباط است (نوریس^۱ و پیتمن^۲، ۲۰۰۰، ص. ۱۲؛ بلاسینگیم^۳، ۱۹۹۸، ص. ۱۳؛ خراسانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۱). مردم و مکان، دو سوی مفهوم زیست پذیری هستند، اما شاخص‌های زیست پذیری، عمدتاً به بررسی صرف مکان و قلمرو می‌پردازند و نه اشخاص و هیچ معیاری نمی‌تواند تصویر کاملی از زیست پذیری ارائه دهد (لاریس^۴، ۲۰۰۵، ص. ۷). زیست پذیری به عنوان ویژگی‌های یک جامعه که مناسب بودنش برای زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تعریف می‌شود. حال آنکه تعریف کیفیت زندگی به عنوان اثرات زیست پذیری یک جامعه بر ساکنان آن ذکر می‌شود (وانزر^۵ و سسکین^۶، ۲۰۱۱، ص. ۴-۳) زیست پذیری بر روی دوره زمانی کوتاه مدت و پایداری بر روی دوره‌های زمانی بلند مدت تمرکز دارند (ون درست^۷، ۲۰۱۰، ص. ۳۴۵). تمایز بین شاخص‌های زیست پذیری با شاخص‌های پایداری در این است که شاخص‌های زیست پذیری آنچه را که امروز در حال وقوع است اندازه می‌گیرند، اما شاخص‌های پایداری، ظرفیت موجود برای آنچه در آینده رخ خواهد داد را اندازه گیری می‌کند (فلین^۸، بری^۹ و تئودور^{۱۰}، ۲۰۰۵، ص. ۵).

در اکثر مطالعات انجام شده در حوزه مسکن بیشتر مباحث کمی در کلانشهر مشهد مورد بحث قرار گرفته است که نیاز بود در کنار توجه به مباحث کمی مسکن، توجه به موضوع زیست پذیری مسکن که از جدیدترین مفاهیم در حوزه برنامه‌ریزی شهری است نیز مورد بحث و ارزیابی قرار بگیرد. لذا با توجه به اهمیت زیست پذیری مسکن در شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر و بزرگترین شهر مذهبی ایران سالانه میزبان تعدادی زیادی از زائران داخلی و خارجی می‌باشد، این موضوع بسیار با اهمیت و ضروری است که مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل زیست پذیری شهری کلانشهر مشهد با تاکید بر شاخص مسکن می‌باشد.

۲. متدولوژی

روش تحقیق این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع آوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی مآخذ مرتبط با مسکن و زیست پذیری استفاده گردید. برای تهیه شاخص‌های زیست پذیری شهری از بعد مسکن، مآخذ خارجی بسیار زیادی مطالعه گردید که در نهایت شاخص‌های به دست آمده در دو گروه، شاخص‌های ذهنی (پرسشنامه) و شاخص عینی طبقه بندی شد. این شاخص‌های در جدول ۱ ذکر شده است.

1. Norris
2. Pittman
3. Blassingame
4. Larice
5. Vanzerrr
6. Seskin
7. Van Dorst
8. Flynn
9. Berry
10. Theodore

جدول ۱. شاخص‌های مسکن زیست پذیری شهری

شاخص‌های عینی	تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، متوسط اتاق در واحد مسکونی، متوسط نفر در اتاق، سرانه مسکونی، زیربنای واحدهای مسکونی، قدمت واحدهای مسکونی، مصالح و نوع اسکلت واحدهای مسکونی (دوام)، نحوه مالکیت واحدهای مسکونی، دسترسی به سیستم فاضلاب شهری
گویه‌های پرسشنامه (ذهنی)	به چه میزان استانداردهای ساخت و ساز در واحد مسکونی شما رعایت شده است؟ به چه میزان از ایمنی واحد مسکونی خود در برابر بلایای طبیعی مثل زلزله احساس امنیت می‌کنید؟ وضعیت برخورداری واحد مسکونی شما از نظر سرمایش و گرمایش، روشنایی، سیستم فاضلاب و حمام چگونه است؟ به چه میزان از واحد مسکونی که ساکن هستید، رضایت دارید؟

مأخذ: (واحد هوش اقتصادی^۱، ۲۰۱۵، ص. ۹-۸؛ لو^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۵۱-۲۰؛ بال^۳، ۲۰۱۳، ص. ۵۰-۳۹؛ امیر^۴، پاسپیتانینگتاس^۵ و سانتوسا^۶، ۲۰۱۵، ص. ۱۶۷؛ ویلیامز^۷، ژو^۸ و لوین^۹، ۲۰۱۲، ص. ۱۰-۸)

با توجه به شاخص‌های مرتبط با مسکن و وجود اطلاعات عینی و ذهنی، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای Arc GIS و SPSS استفاده گردید. در نهایت هم با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (مدل ویکور و آنتروپی)، رتبه‌بندی مناطق مختلف شهر مشهد از لحاظ زیست‌پذیری به لحاظ مسکن مشخص گردید. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر تعیین گردید که با توجه به جمعیت هر منطقه، نسبتی از این حجم نمونه به آن منطقه تعلق گرفت و به جهت افزایش معناداری تعداد حجم نمونه در مناطقی که کمتر بود تغییر و به ۴۰۲ نفر افزایش یافت.

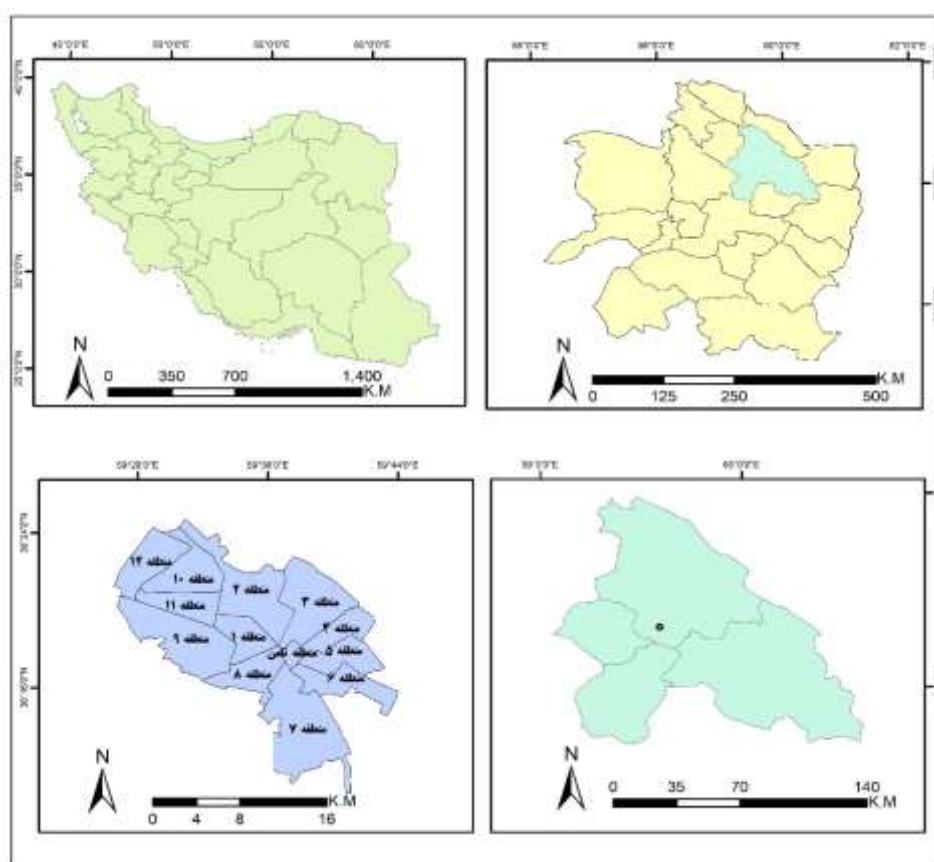
جدول ۲. میزان حجم نمونه براساس فرمول کوکران و حجم نمونه تعدیل شده

منطقه	جمعیت سال ۱۳۹۰ (نفر)	حجم نمونه اولیه	حجم نمونه تعدیل شده	منطقه	جمعیت سال ۱۳۹۰ (نفر)	حجم نمونه اولیه	حجم نمونه تعدیل شده
۱	۱۷۶۱۰۴	۲۴	۲۴	۸	۹۴۰۴۰	۱۳	۱۳
۲	۴۸۵۸۳۳	۶۷	۶۷	۹	۳۰۰۲۴۶	۴۲	۴۲
۳	۳۲۲۰۱۸	۴۵	۴۵	۱۰	۲۶۴۵۲۳	۳۷	۳۷
۴	۲۴۴۹۴۴	۳۴	۳۴	۱۱	۱۹۲۲۲۳	۲۷	۲۷
۵	۱۶۸۸۷۶	۲۳	۲۳	۱۲	۳۹۶۳۶	۶	۱۳
۶	۲۵۳۹۶۳	۳۵	۳۵	۱۳	۱۶۸۸۴	۳	۱۳
۷	۲۰۶۹۶۸	۲۹	۲۹	کل	۲۷۶۶۲۵۸	۳۸۴	۴۰۲

مأخذ: (معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری مشهد، ۱۳۹۲، ص. ۳۷؛ یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

1. The Economist Intelligence Unit
2. Lowe
3. Ball
4. Amir
5. Puspitaningtyas
6. Santosa
7. Williams
8. Zhou
9. Levine

با توجه به تفاوت حجم نمونه در مناطق مختلف و اینکه در روند این پژوهش نیاز به میانگین گویه های مورد بررسی می باشد، میانگین کل گویه های پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS مشخص گردید و در فرآیند مدل های تصمیم گیری چندمعیاره به عنوان یک عدد کلی لحاظ گردید و میانگین شاخص های عینی هم به تفکیک در محاسبات اعمال گردید. برای روایی پرسشنامه از روایی محتوایی با استفاده از کتب و مجلات معتبر و استفاده از راهنمایی ها و مشاوره اساتید محترم و کارهای تحقیقی انجام شده در رابطه با موضوعات مشابه تحقیق به کار گرفته شد. درباره پایایی پرسشنامه نیز که با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ تعیین شده است.



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه نسبت به کشور، استان و شهرستان

۳. یافته ها

۳.۱. تحلیل شاخص های عینی

۳.۱.۱. تراکم نفر در واحد مسکونی

این شاخص از نسبت جمعیت به واحد مسکونی موجود به دست می آید که نوع دیگری از شاخص خانوار در واحد مسکونی است که بعد خانوار را در خود لحاظ کرده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰،

تراکم نفر در واحد مسکونی در شهر مشهد ۳/۴ نفر می‌باشد. در حالی که این شاخص در سال ۱۳۸۵ برابر با ۴/۱۶ نفر بوده است. بالا بودن آن نشان گر بالا بودن تعداد خانوار در واحدهای مسکونی، بالا بودن بعد خانوار و کمبود مسکن در شهر مشهد بوده است که در سال ۱۳۹۰ با کاهش بعد خانوار و افزایش تعداد واحدهای مسکونی شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی، مطلوب‌تر شده است. در سال ۱۳۹۰ مطلوب‌ترین وضعیت این شاخص با رقم ۳/۱ نفر در منطقه ۱ می‌باشد و نامطلوب‌ترین وضعیت این شاخص با رقم ۴ نفر در منطقه ۵ می‌باشد، البته بعد خانوار ۳/۸ در این منطقه از عوامل بالا بودن رقم این شاخص بوده است (جدول ۳).

۳. ۱. ۲. تراکم خانوار در واحد مسکونی

این شاخص که از تقسیم تعداد خانوارها به تعداد واحد مسکونی به دست می‌آید در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱،۰۲ خانوار در واحد مسکونی می‌باشد. میزان مطلوب این شاخص به ازای هر خانوار عدد یک می‌باشد. یعنی به ازای هر خانوار باید یک واحد مسکونی وجود داشته باشد. این رقم در کشورهای توسعه یافته ۱/۰۱ بوده و در کشورهای در حال توسعه ۱/۲ نفر می‌باشد. رقم ۱/۰۲ در شهر مشهد نشانگر این است که در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار بوده و نسبت به کشورهای توسعه یافته تفاوت معناداری ندارد (زنگنه، ۱۳۹۲، ۱۴۷). مقایسه میزان تراکم خانوار در واحد مسکونی در مناطق مختلف شهر مشهد نشان می‌دهد که در مناطق ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ با رقم ۱ در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارد و سایر مناطق دارای تراکم بیش از یک نفر می‌باشد (جدول ۳).

۳. ۱. ۳. تراکم اتاق در واحد مسکونی

نتایج به دست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ بیان گر متوسط ۳ اتاق در واحد مسکونی در شهر مشهد می‌باشد. حالت ایده آل تعداد اتاق در واحد مسکونی برابر با اعضای خانواده می‌باشد و این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ بعد خانوار در مشهد برابر با ۳/۴ نفر بوده است. پس از بررسی وضعیت مناطق مختلف شهر مشهد به لحاظ شاخص تراکم اتاق در واحد مسکونی، منطقه ۱ با رقم ۳/۸ دارای بالاترین تعداد اتاق در واحد مسکونی دارای بهترین وضعیت می‌باشد. مناطق ۸ و ۱۱ هم در این شاخص در وضع مطلوبی می‌باشند (جدول ۳).

۳. ۱. ۴. تراکم نفر در اتاق

در کلان شهر مشهد در سال ۱۳۸۵ تراکم نفر در اتاق ۱/۹ نفر بوده است و در سال ۱۳۹۰ این رقم به ۱/۲ کاهش یافته است. شهر مشهد به دلیل بعد خانوار و خانوار در مسکن رقم ۱/۲ را نشان می‌دهد. این رقم در مناطق شهری استان ۱/۲ و در مناطق شهری کشور ۱/۱۴ می‌باشد. در مجموع در این زمینه شهر مشهد، مناطق شهری استان و کشور در وضعیت مشابهی می‌باشند. نامطلوب‌ترین وضعیت این شاخص در منطقه ۴، ۵ و ۶ با ارقام ۱/۵ مشاهده می‌شوند. این سه منطقه از مناطق کمتر توسعه یافته بوده و دارای بعد خانوار بالا و تعداد اتاق کمتری می‌باشند. منطقه یک با رقم ۰،۸ نفر در اتاق بهترین وضعیت را به لحاظ این شاخص در بین مناطق شهر مشهد دارا می‌باشد (جدول ۳).

۳. ۱. ۵. سرانه مسکونی

با تحلیل نقشه‌های GIS شهر مشهد و داده‌های جمعیتی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، می‌توان بیان کرد که سرانه مسکونی در شهر مشهد برابر با $34/1$ مترمربع می‌باشد که بیشترین سرانه با $56/9$ و $56/8$ مترمربع مربوط به منطقه ۱۳ و ۸ بوده است و کمترین سرانه با $20/7$ و $20/1$ در منطقه ۴ و ۵ مشاهده می‌شوند. البته با توجه به سرانه مسکونی در شهرهای ایران که بین ۲۰ تا ۵۰ مترمربع می‌باشد، شهر مشهد با $34/1$ مترمربع در وضعیت میانه‌ای قرار دارد. لازم به ذکر است که سرانه مسکونی مشهد در سال ۱۳۸۵ برابر با $39/4$ مترمربع بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. وضعیت شاخص‌های کمی مسکن در مناطق شهر مشهد در سال ۱۳۹۰

منطقه	تراکم نفر در واحد مسکونی	تراکم خانوار در واحد مسکونی	متوسط اتاق در واحد مسکونی	تراکم نفر در اتاق	سرانه مسکونی* (متر مربع)
منطقه ۱	۳/۱	۱	۳/۸	۰/۸	۴۸/۷
منطقه ۲	۳/۴	۱/۰۱	۲/۷	۱/۳	۳۰/۹
منطقه ۳	۳/۶	۱/۰۵	۲/۶	۱/۴	۲۱/۸
منطقه ۴	۳/۸	۱/۰۵	۲/۵	۱/۵	۲۰/۱
منطقه ۵	۴	۱/۰۵	۲/۶	۱/۵	۲۰/۷
منطقه ۶	۳/۹	۱/۰۷	۲/۶	۱/۵	۲۲/۹
منطقه ۷	۳/۵	۱/۰۱	۲/۷	۱/۳	۳۴/۱
منطقه ۸	۳/۲	۱	۳/۴	۱	۵۶/۸
منطقه ۹	۳/۳	۱	۳/۳	۱/۰۱	۳۳/۲
منطقه ۱۰	۳/۴	۱	۳/۱	۱/۱	۲۹/۳
منطقه ۱۱	۳/۳	۱	۳/۵	۱	۳۴/۸
منطقه ۱۲	۳/۴	۱	۲/۸	۱/۲	۳۳/۶
منطقه ۱۳ (ثامن)	۳/۳	۱/۰۴	۳/۲	۱	۵۶/۹
کل	۳/۴	۱/۰۲	۳/۸	۱/۲	۳۴/۱

*مساحت ذکر شده در این ستون براساس اطلاعات لایه‌های GIS مستخرج گردیده است.

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳. ۱. ۶. سطح زیربنای واحدهای مسکونی

منظور از مساحت زیربنای واحد مسکونی، مجموع سطوح ساخته شده مسقف در بنای واحد مسکونی از قبیل اتاق، آشپزخانه، حمام، توالت، انباری، صندوق خانه، پستو و ... است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). نتایج به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که از کل واحدهای مسکونی شهر مشهد $11/8$ درصد کمتر از ۵۰ متر مربع مساحت داشته‌اند. مناطق ۴ و ۱۳ دارای بیشترین سهم از این نوع واحدهای مسکونی کوچک بوده‌اند. این

مناطق جزء مناطق قدیمی و کمتر توسعه یافته شهر مشهد می‌باشند. مناطق ۱ و ۱۱ دارای کمترین نوع از این واحدهای مسکونی بوده‌اند. زیربنای ۵۰ تا ۱۰۰ متر مربع با ۶۰/۲ درصد دارای بیشترین سهم از واحدهای مسکونی این شهر بوده‌اند و بیشترین فراوانی آن در منطقه ۱۲ مشاهده می‌شود. ۱۹/۲ درصد از واحدهای مسکونی کلان شهر مشهد دارای زیربنای ۱۰۰ تا ۱۵۰ مترمربع بوده‌اند که بیشترین آنها به ترتیب در مناطق ۱۱، ۱، ۹ مشاهده می‌شوند و کمترین آن در مناطق ۴، ۵ و ۶ می‌باشند. زیربنای بالاتر از ۱۵۰ مترمربع جمعاً ۸/۸ درصد از واحدهای مسکونی شهر را به خود اختصاص داده است و این نوع واحدها بیشتر در مناطق ۱، ۱۱ دیده می‌شوند (جدول ۴). همچنین متوسط زیربنا در واحدهای مسکونی در شهر مشهد برابر با ۹۶/۷ مترمربع بوده است.

جدول ۴. زیربنای واحدهای مسکونی (مترمربع) در مناطق شهر مشهد در سال ۱۳۹۰

نام منطقه	تعداد واحد مسکونی	کمتر از ۵۰	۵۰-۱۰۰	۱۰۰-۱۵۰	بیشتر از ۲۰۰
منطقه ۱	۵۵۴۸۸	۲/۵	۳۰/۴	۳۴/۶	۱۳/۳
منطقه ۲	۱۲۸۷۳۶	۱۰	۶۸/۷	۱۵/۵	۴/۶
منطقه ۳	۱۰۵۹۹۶	۱۷/۳	۶۷/۲	۱۱/۵	۲/۷
منطقه ۴	۶۸۷۶۰	۲۵/۴	۶۶/۲	۶/۸	۱/۲
منطقه ۵	۴۳۳۱۲	۱۷/۶	۷۱/۸	۹	۱/۵
منطقه ۶	۶۳۰۹۱	۱۸/۵	۷۰/۵	۸/۹	۱/۵
منطقه ۷	۶۶۸۷۱	۱۱/۸	۷۱/۵	۱۳	۲/۶
منطقه ۸	۲۹۲۷۷	۶/۴	۵۳	۲۶	۸/۶
منطقه ۹	۸۹۲۲۶	۳/۴	۵۱/۶	۳۱/۹	۸/۵
منطقه ۱۰	۷۶۷۹۳	۵/۶	۶۲/۵	۲۶/۹	۳/۸
منطقه ۱۱	۵۳۸۸۸	۱/۵	۴۱/۵	۴۰/۲	۱۲/۳
منطقه ۱۲	۱۱۳۳۸	۱۰/۱	۷۳/۵	۱۲	۱/۴
منطقه ۱۳ (ثامن)	۶۴۸۸	۲۳/۷	۵۳/۶	۱۳/۹	۵/۵
مجموع	۷۹۹۲۶۴	۱۱/۸	۶۰/۲	۱۹/۲	۵/۴

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳.۱.۷. قدمت ساخت واحدهای مسکونی

عمر مفید برای هر واحد مسکونی را حدوداً ۲۵ سال ذکر شده است (وارثی، ۱۳۷۳، ص. ۶۴۴). از کل واحدهای مسکونی شهر مشهد ۲۱/۱ درصد آنها قدمتی کمتر از ۵ سال دارند. بیشترین واحدهای نوساز کمتر از ۵ سال با ۴۷ درصد مربوط به منطقه ۱۲ شهر مشهد می‌باشد چرا که این منطقه جدید بوده و فعالیت‌های ساخت و ساز در این منطقه نسبت به سایر مناطق پویاتر می‌باشد. منطقه ۱۳ (ثامن) به عنوان هسته مرکزی شهر که محلات قدیمی در

اطراف حرم امام رضا (ع) وجود دارد با ۴/۲ درصد دارای کمترین واحد مسکونی با قدمت کمتر از ۵ سال می باشد. ۳۲ درصد از واحدهای مسکونی شهر مشهد دارای قدمتی بین ۵ تا ۱۵ سال می باشند که تقریباً نوساز به شمار می آیند و این نوع مساکن بیشتر در منطقه ۱۰ و ۱۲ می باشند و کمترین آنها در منطقه اطراف حرم مطهر (منطقه ثامن) دیده می شوند. این درصد کم از واحدهای مسکونی نوساز و تقریباً نوساز تا ۱۰ سال ساخت هم مربوط به تخریب واحدهای فرسوده ای بوده که در طول ده ساله اخیر تخریب و بازسازی شده اند. بافت های مسکونی با قدمت ۱۵ تا ۲۵ سال ۲۰/۶ درصد از واحدهای مسکونی شهر مشهد را شامل می شوند که کمترین آنها با ۲/۸ درصد در منطقه ۱۲ دیده می شود. این نوع مساکن در زمره واحدهای مسکونی مرمتی قرار می گیرند. بافت های مسکونی ۲۵ تا ۳۵ سال هم ۱۸/۱ درصد از واحدهای مسکونی را به خود اختصاص داده است که بیشتر آن با ۲۸/۱ درصد در منطقه ۸ مشاهده می شود و منطقه ۱۲ به دلیل قدمت کم دارای کمترین درصد از این نوع واحدها می باشد. ۸/۶ درصد از بافت های مسکونی شهر مشهد قدمتی بیش از ۳۵ سال دارند.

جدول ۵. قدمت واحدهای مسکونی در مناطق شهر مشهد - ۱۳۹۰

نام منطقه	کمتر از ۵ سال	۵-۱۵	۱۵-۲۵	بیشتر از ۳۵	نام منطقه	کمتر از ۵ سال	۵-۱۵	۱۵-۲۵	بیشتر از ۳۵
منطقه ۱	۱۵/۳	۲۸/۷	۲۱/۸	۲۵/۶	۸/۶	منطقه ۸	۱۵	۲۲/۸	۱۶/۶
منطقه ۲	۲۴/۲	۳۵/۸	۲۲/۹	۱۳/۳	۳/۸	منطقه ۹	۳۰	۴۳/۸	۱۶/۹
منطقه ۳	۱۵/۴	۳۰/۹	۲۰/۸	۲۶	۶/۹	منطقه ۱۰	۲۲/۷	۴۶/۸	۲۵/۹
منطقه ۴	۱۶/۵	۳۰	۲۳/۳	۲۳/۹	۶/۳	منطقه ۱۱	۲۲/۶	۳۷/۸	۲۹/۵
منطقه ۵	۲۲/۴	۲۴	۲۲/۹	۲۳/۵	۷/۶	منطقه ۱۲	۴۷	۴۹	۲/۸
منطقه ۶	۱۸	۲۳	۲۴/۷	۲۴/۸	۹/۵	۱۳ (ثامن)	۴/۲	۱۱/۵	۱۵/۵
منطقه ۷	۲۰/۹	۳۰/۸	۱۹/۷	۲۱/۱	۷/۵	مجموع	۲۱/۱	۳۲	۲۰/۲

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳.۱.۸. وضعیت دوام واحدهای مسکونی

معمولاً واحدهای مسکونی را به کمک نوع مصالح به کار رفته در آنها به سه گروه بی دوام، کم دوام، نیمه بادوام و بادوام تقسیم می کنند: ۱- بادوام: (اسکلت فلزی بتون مسلح آجر و آهن، سنگ و آهن). ۲- نیمه بادوام: (آجر و چوب سنگ و چوب و بلوک ساختمانی تمام آجر یا سنگ و آجر). ۳- کم دوام: (تمام چوب خشت و چوب خشت و گل). ۴- بی دوام: (حصیر چادر و مشابه آن). خانه های ساخته شده از مصالح با دوام معمولاً از ایمنی کافی در برابر سوانح برخوردارند، اگر چه نیاز به سرمایه گذاری بیشتری دارند (ستارزاده، ۱۳۸۸، ص. ۷۲). در این پژوهش واحدهای مسکونی کم دوام و بی دوام در یک گروه تحت عنوان واحدهای مسکونی کم دوام دسته بندی شده اند. بررسی های انجام شده بر روی داده های دریافت شده از مرکز آمار ایران براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ نشان می دهد که ۳۹/۸ درصد از بناهای مسکونی شهر مشهد دارای اسکلت فلزی بوده که در زمره

بادوام‌ترین نوع ساخت به شمار می‌روند. بالاترین درصد از این نوع ساخت و سازها در مناطق ۹، ۱۲، ۱، ۱۱، ۱۰ و ۸ مشاهده می‌شوند که بیش از ۵۰ درصد واحدهای مسکونی را شامل می‌شوند. ۴/۱ درصد از واحدهای مسکونی این شهر از نوع بتن آرمه می‌باشند که بیشترین آن در مناطق ۱۲، ۱ و ۱۰ می‌باشند. ۵۲/۳ درصد از واحدهای مسکونی شهر مشهد هم از نوع آجر و آهن و یا سنگ و آهن می‌باشند. در مناطق ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ که جزو مناطق حاشیه‌ای شهر بوده و ساکنان آن‌ها از وضعیت اقتصادی بالایی برخوردار نمی‌باشند و امکان سرمایه گذاری در نوع اسکلت فلزی و بتن آرمه برای ساکنانشان مقدور نیست از این نوع ساخت استقبال بیشتری می‌گردد. بیش از ۶۰ درصد از بناهای مسکونی این مناطق از آجر و آهن ساخته شده است و کمترین درصد از این نوع ساخت در منطقه ۱۲ (جدیدترین منطقه شهر) دیده می‌شود. سایر روش‌های ساخت از نوع مصالح نیمه بادوام و کم دوام بوده است که درصد کمی از ساخت و سازها را به خود اختصاص می‌دهند. این نوع مصالح بیشتر چوب، خشت و یا ترکیبی از این موارد بوده است و ۳/۸ درصد از واحدهای مسکونی از این نوع مصالح ساخته شده‌اند. جدول زیر نوع ساخت واحدهای مسکونی در مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد ذکر شده است.

جدول ۶. مصالح و نوع اسکلت بناهای مسکونی در مناطق شهر مشهد در سال ۱۳۹۰

نام منطقه	اسکلت فلزی	بتون آرمه	آجر و آهن	سایر	نام منطقه	اسکلت فلزی	بتون آرمه	آجر و آهن	سایر
منطقه ۱	۶۳/۷	۹/۸	۲۳/۶	۲/۹	منطقه ۸	۵۰/۷	۳/۲	۴۲/۸	۳/۳
منطقه ۲	۳۴/۳	۲/۱	۵۹/۷	۳/۹	منطقه ۹	۷۲	۳/۸	۲۱/۶	۲/۶
منطقه ۳	۱۸/۴	۱/۳	۷۸/۶	۱/۷	منطقه ۱۰	۵۱/۲	۶/۹	۴۰/۲	۱/۷
منطقه ۴	۱۷/۵	۰/۳	۷۹/۸	۲/۴	منطقه ۱۱	۵۷/۴	۳/۴	۳۷/۴	۱/۸
منطقه ۵	۱۸/۹	۰/۴	۷۸/۲	۲/۵	منطقه ۱۲	۶۹/۹	۱۴/۲	۱۵/۲	۰/۷
منطقه ۶	۱۳/۵	۳/۸	۸۰	۲/۷	ثامن (۱۳)	۲۱/۹	۱/۷	۵۶/۵	۱۹/۹
منطقه ۷	۲۷/۸	۱/۶	۶۶/۷	۳/۹	مجموع	۳۹/۸	۴/۱	۵۲/۳	۳/۸

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳.۱.۹. نحوه مالکیت واحدهای مسکونی

شاخص نحوه تصرف واحد مسکونی بر حسب مالکیت و یا اجاره‌ای، از جمله شاخص‌های پایه در شناخت بخش مسکن از ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. طبق تقسیم بندی مرکز آمار ایران، مالکیت واحدهای مسکونی در ایران شامل موارد زیر می‌باشد: مالکیت عرصه و اعیان، مالکیت اعیان، اجاره‌ای، در برابر خدمت، رایگان و سایر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، از نظر نحوه تصرف مسکن ۴۷/۴ درصد از خانوارهای شهر مشهد دارای واحدهای مسکونی ملکی (ملکی عرصه و اعیان و ملکی اعیان) بوده‌اند. بیشترین مالکیت‌ها با رقم ۵۷/۶ درصد در منطقه ۱ و کمترین آنها در منطقه ۱۲ مشاهده می‌شود. ۴۲/۸ درصد از خانوارها دارای واحد مسکونی اجاره‌ای بوده‌اند و بیشتر این خانوارها در مناطق ۱۲، ۴ و ۵ و کمترین

آن هم در مناطق ۱ و ۱۳ می باشند. نحوه تصرف دیگر خانوارها از نوع رایگان، در برابر خدمت و سایر بوده که جمعاً ۹/۸ درصد از خانوارها را شامل می گردد (جدول ۷).

جدول ۷. نحوه تصرف واحدهای مسکونی در مناطق شهر مشهد در سال ۱۳۹۰

منطقه	ملکی	اجاره‌ای	در برابر خدمت	رایگان	سایر	منطقه	ملکی	اجاره‌ای	در برابر خدمت	رایگان	سایر
منطقه ۱	۵۷/۶	۳۲/۲	۱/۵	۷/۸	۰/۹	منطقه ۸	۵۰/۳	۳۸/۳	۲	۸/۸	۰/۶
منطقه ۲	۴۸/۱	۴۳/۳	۰/۵	۷/۳	۰/۸	منطقه ۹	۵۱/۸	۴۱/۳	۱/۶	۴/۸	۰/۵
منطقه ۳	۴۶/۲	۴۴/۷	۰/۶	۷/۶	۰/۹	منطقه ۱۰	۴۹/۳	۴۴/۲	۰/۵	۵/۵	۰/۵
منطقه ۴	۴۴	۴۸	۰/۳	۶/۵	۱/۲	منطقه ۱۱	۵۱/۶	۴۱/۱	۰/۴	۶/۴	۰/۵
منطقه ۵	۴۳/۵	۴۸	۰/۴	۷/۳	۰/۸	منطقه ۱۲	۴۲/۱	۵۳/۲	۱/۴	۳	۰/۳
منطقه ۶	۴۷/۱	۴۲/۵	۰/۷	۹	۰/۷	(ثامن) ۱۳	۳۹/۳	۳۵/۵	۷/۴	۱۶	۰/۹
منطقه ۷	۴۵/۶	۴۳/۵	۱/۶	۸/۶	۰/۷	مجموع	۴۷/۴	۴۲/۸	۱/۴	۷/۷	۰/۷

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۳.۱.۱. دسترسی به سیستم فاضلاب شهری

یکی از شاخص‌های مهم محیط زیست سالم دارا بودن سیستم مناسب جمع آوری و دفع فاضلاب است. طبق بررسی‌های به عمل آمده، میزان نیترا در آب چاه‌های شهر مشهد زیاد است که از پیامدهای اصلی عدم پوشش مناسب شبکه جمع آوری فاضلاب در کل شهر است. تخلیه فاضلاب شهر به درون چاه‌های جاذب و ورود آن‌ها به منابع آب زیر زمینی، منابع تأمین کننده آب شهر را تهدید می کند و متعاقباً به عنوان عامل جدی تهدید کننده سلامت شهر است. شبکه جمع آوری فاضلاب کلان شهر مشهد در حال حاضر تنها بخشی از شهر مشهد را شامل می شود، به طوری که از طول شبکه جمع آوری فاضلاب با قطر بیش از ۲۰۰ میلی متر و بیشتر در شهر مشهد ۱۸۴۴ کیلومتر می باشد که در قالب ۳۶۴۹۰۳ انشعاب اصلی و فرعی در شهر پراکنده شده اند (شرکت آب و فاضلاب مشهد، ۱۳۹۱ به نقل از حیاتی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۹). براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ از مجموع مسکن موجود در کلانشهر مشهد، حدود ۴۰ درصد به شبکه عمومی فاضلاب متصل هستند (مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات شهرداری مشهد، ۱۳۹۳، ص. ۱۵-۱۴). همان طور که در جدول زیر مشاهده می شود بر اساس تعداد مسکن موجود در مناطق مختلف کلانشهر مشهد، مناطق ۱۱، ۱۰ و ۹ به ترتیب بیشترین مسکن متصل به شبکه عمومی فاضلاب را دارا می باشند. از طرف دیگر بدترین مناطق به لحاظ اتصال به شبکه فاضلاب عمومی مربوط به مسکن مناطق ثامن و ۵ می باشد.

جدول ۸. درصد مسکن تحت پوشش شبکه فاضلاب در مناطق شهر مشهد

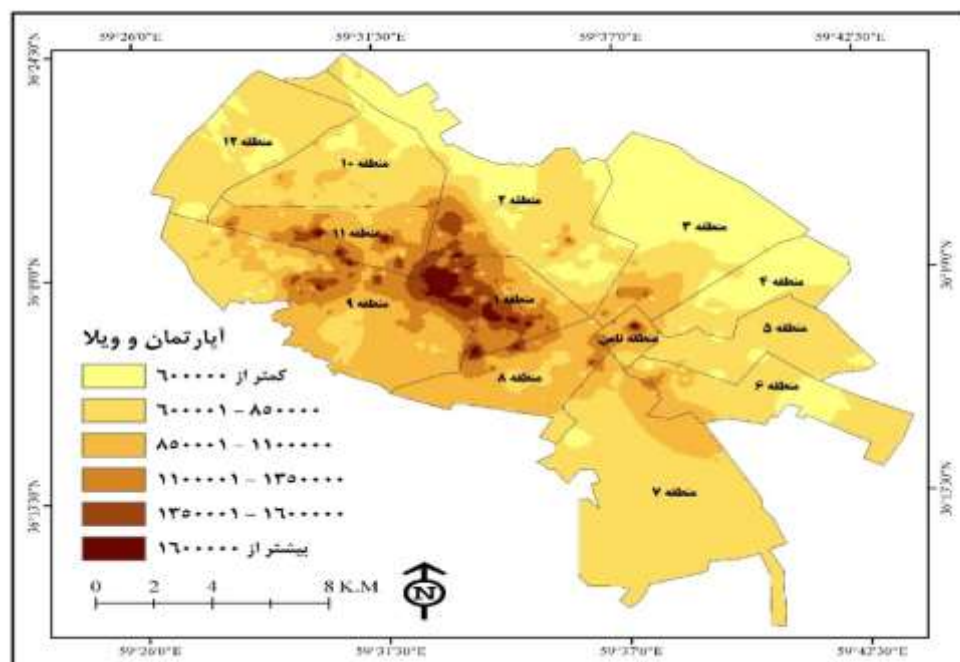
منطقه	کد	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نُه	ده	یازده	دوازده	نام	کل
تعداد کل مسکن *	۵۵۴۵۵	۶۳۸۷۱	۶۵۹۵۱	۶۸۷۸۰	۷۱۳۴۳	۷۶۳۰۶	۸۷۷۸۶	۸۹۲۶۷	۹۲۶۸۷	۹۷۸۶۸	۱۰۳۳۱۱	۱۱۳۳۱۱	۷۷۲۶	۳۶۹۵۷۸
درصد **	۲۷/۵	۴۴/۳	۷/۴	۱۰/۲	۳/۸	۷/۸	۹/۹	۱۷	۷/۸	۱۷/۷	۹۱/۷	۶۴	۲/۱	۳۹/۶

*آپارتمانی و غیر آپارتمانی. **درصد مسکن تحت پوشش

مأخذ (مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات شهرداری مشهد، ۱۳۹۳، ص. ۱۵-۱۴)

۳.۱.۱. قیمت مسکن (آپارتمانی و ویلایی) در مشهد

با توجه به اینکه در پایان نامه کارشناسی ارشد آقای امیر اسدی قیمت مسکن مشهد (آپارتمانی و ویلایی) در سال ۱۳۹۰ انجام شده است در این بخش به اطلاعات این پایان نامه استناد می‌شود.



شکل ۲. توزیع فضایی قیمت میانگین هر مترمربع منزل مسکونی (آپارتمان و ویلایی) در شهر مشهد

مأخذ (اسدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۸-۱۰۵).

بررسی توزیع فضایی قیمت میانگین هر متر مربع منازل مسکونی (ویلايي و آپارتمانی) نشان می‌دهد که قیمت منازل از حاشیه به سمت قسمت‌های درونی شهر افزایش می‌یابد و کمترین میانگین قیمت هم در مناطق حاشیه‌ای شمال، شرق و جنوب شرقی مشاهده می‌شود. براساس نقشه نهایی قیمت میانگین مسکن در شهر مشهد می‌توان بیان کرد که بیشترین قیمت مسکن در محدوده‌های اطراف حرم، مناطق ۱، ۱۱، ۸ و ۹ مشاهده می‌شود.

۲.۳. تحلیل شاخص‌های ذهنی

۳.۲.۱. بررسی پاسخگویان بر حسب شاخص مسکن

در بررسی شاخص ذهنی مسکن، ۴ گویه (سؤال) مطرح گردیده است و نظرات شهروندان درباره هر کدام از آنها پرسیده شده است. در بخش روش تحقیق این گویه‌ها ذکر و در جدول زیر میانگین آن‌ها در مناطق شهرداری مشهد نشان گردیده است.

جدول ۹. توزیع پاسخگویان بر حسب میانگین گویه‌های شاخص ذهنی مسکن در مناطق شهرداری مشهد

مناطق گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	میانگین کل
گویه ۱	۲/۸۳	۲/۹۶	۲/۸۷	۲/۰۶	۲/۴۳	۲/۹۷	۲/۹۳	۳/۴۶	۳/۳۳	۳/۴۶	۳/۷۴	۲/۷۷	۲/۳۸	۲/۹۶
گویه ۲	۲/۵۸	۲/۷۹	۲/۵۳	۱/۶۸	۲/۰۹	۲/۹۱	۲/۲۸	۳/۲۳	۳/۰۲	۳/۲۷	۳/۵۲	۲/۴۶	۲/۳۸	۲/۷۰
گویه ۳	۳/۰۴	۳/۱۸	۳/۴۷	۲/۶۴	۲/۸۳	۳/۲	۳/۲۸	۳/۵۴	۳/۸	۳/۸۹	۳/۹۶	۲/۶۹	۳	۳/۳۳
گویه ۴	۳/۰۴	۲/۹۷	۳/۲	۱/۹۱	۲/۶۵	۳/۲۳	۳/۳۸	۳/۹۲	۳/۶۷	۳/۸۴	۳/۸۱	۲/۶۲	۲/۷۷	۳/۱۷
میانگین کل	۲/۸۱	۲/۹۶	۳	۲/۰۹	۲/۵۴	۳/۰۳	۲/۹۵	۳/۶۱	۳/۴۵	۳/۶۸	۳/۷۱	۲/۶	۲/۶۳	۳/۰۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

از بررسی میانگین گویه‌های مختلف شاخص مسکن می‌توان بیان کرد که گویه شماره ۳ (وضعیت برخورداری واحد مسکونی از نظر سرمایش و گرمایش، روشنایی، سیستم فاضلاب و حمام) با امتیاز ۳/۳۳ دارای بیشترین میانگین و گویه شماره ۲ (احساس امنیت از ایمنی واحد مسکونی در برابر بلایای طبیعی) با امتیاز ۲/۷۰ دارای کمترین میانگین می‌باشند. حال آنکه میانگین کل گویه‌های مربوط به شاخص مسکن در شهر مشهد برابر با ۳/۰۳ می‌باشد. پس از به دست آوردن میانگین کل گویه‌های مختلف شاخص ذهنی مسکن در مناطق شهرداری مشهد می‌توان بیان کرد که مناطق ۱۱ و ۱۰ به ترتیب با میانگین ۳/۷۱ و ۳/۶۸ بهترین وضعیت و مناطق چهار و پنج با میانگین‌های ۲/۵۶ و ۲/۰۹ بدترین وضعیت را به لحاظ این شاخص داشته‌اند. میانگین کلی شاخص ذهنی مسکن در مشهد برابر با ۳/۰۳ بوده است و مناطق ۱۱، ۱۰، ۸، ۹ دارای میانگین بیش از میانگین شهر و مناطق ۴، ۵، ۱۲، ۱۳، ۱، ۷، ۲ و ۳ کمتر از میانگین شهر بوده‌اند. امتیاز منطقه ۶ هم برابر با میانگین کلی شاخص ذهنی مسکن برای مشهد برابر با ۳/۰۳ بوده است.

برای بررسی میزان زیست پذیری مناطق شهر مشهد بر اساس شاخص های ذهنی و عینی مسکن، در این بخش با استفاده از میانگین هر کدام از آنها و به کار گیری مدل آنتروپی و ویکور وضعیت هر یک از مناطق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. ابتدا با استفاده از مدل آنتروپی، وزن هر یک از زیر شاخص ها مشخص می گردد و پس از تعیین وزن هر یک از زیر شاخص ها، با استفاده از مدل ویکور امتیاز نهایی مناطق براساس زیر شاخص های مسکن مشخص خواهد شد. با توجه به ماهیت زیرشاخص های نفر در واحد مسکونی، خانوار در واحد مسکونی، نفر در اتاق و قدمت واحد مسکونی که هر چه اعداد آنها کمتر باشد بیان گر ارزش بیشتر آن ها می باشد، لذا باید اعداد میانگین این زیرشاخص ها را استاندارد سازی و معنا دار کنیم که نتایج نهایی آن در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱۱. میانگین استاندارد شده زیر شاخص های مسکن در مناطق مختلف شهر مشهد

میانگین ها مناطق	نفر*	خانوار*	اتاق*	نفر**	سرانه	قدمت	دوام	مالکیت	فاضلاب شهری	قیمت (تومان)	شاخص ذهنی
منطقه ۱	۳۲۳	۱	۳/۸	۱/۲۵	۴۸/۷	۰/۰۵۳	۹۷/۱	۵۷/۶	۵/۲۷	۱۲۸۳۱۲۴	۲/۸۱
منطقه ۲	۲۹۴	۰/۹۹	۲/۷	۰/۷۶۹	۳۰/۹	۰/۰۷۰	۹۶/۱	۴۸/۱	۶/۴۴	۷۰۵۳۸۷	۲/۹۶
منطقه ۳	۲۷۸	۰/۹۵۲	۲/۶	۰/۷۱۴	۲۱/۸	۰/۰۵۴	۹۷/۳	۴۶/۲	۸/۱۴	۵۶۷۱۶۲	۳
منطقه ۴	۲۶۳	۰/۹۵۲	۲/۵	۰/۶۶۷	۲۰/۱	۰/۰۵۶	۹۷/۶	۴۴	۳/۱۰	۵۷۳۹۷۲	۲/۰۹
منطقه ۵	۲۵۰	۰/۹۵۲	۲/۶	۰/۶۶۷	۲۰/۷	۰/۰۵۶	۹۷/۵	۴۳/۵	۳/۴	۶۷۲۱۸۱	۲/۵۴
منطقه ۶	۲۵۶	۰/۹۳۵	۲/۶	۰/۶۶۷	۲۲/۹	۰/۰۵۲	۹۷/۳	۴۷/۱	۷/۱۷	۷۰۷۸۷۱	۳/۰۳
منطقه ۷	۲۸۶	۰/۹۹	۲/۷	۰/۷۶۹	۳۴/۱	۰/۰۵۹	۹۶/۱	۴۵/۶	۹/۱۹	۷۵۴۸۹۸	۲/۹۵
منطقه ۸	۳۱۳	۱	۳/۴	۱	۵۶/۸	۰/۰۴۶	۹۶/۷	۵۰/۳	۱۷	۹۷۴۴۸۵	۳/۶۱
منطقه ۹	۳۰۳	۱	۳/۳	۰/۹۹	۳۳/۲	۰/۰۸۷	۹۷/۴	۵۱/۸	۷/۷۱	۹۷۷۰۰۵	۳/۴۵
منطقه ۱۰	۲۹۴	۱	۳/۱	۰/۹۰۹	۲۹/۳	۰/۰۸۴	۹۸/۳	۴۹/۳	۲/۸۸	۷۲۰۵۷۷	۳/۶۸
منطقه ۱۱	۳۰۳	۱	۳/۵	۱	۳۴/۸	۰/۰۷۵	۹۸/۲	۵۱/۶	۸/۹۱	۱۰۸۰۳۷۵	۳/۷۱
منطقه ۱۲	۲۹۴	۱	۲/۸	۰/۸۳۳	۳۳/۶	۰/۱۴۳	۹۹/۳	۴۲/۱	۶۴	۶۳۰۸۲۷	۲/۶
منطقه ثامن	۳۰۳	۰/۹۶۲	۳/۲	۱	۵۶/۹	۰/۰۳۳	۸۰/۱	۳۹/۳	۲/۱	۱۰۲۵۷۰۳	۲/۶۳

*تراکم در واحد مسکونی **متوسط در اتاق

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)

با استفاده از مدل ویکور رتبه بندی مناطق شهر مشهد انجام گرفت. با توجه به حجم زیاد داده ها و جداول بسیار زیاد در روند اجرای مدل های آنتروپی و ویکور، جداول اولیه آنها ذکر نمی گردد. در مرحله بعد برای تهیه ماتریس نرمال شده وزن، می بایست وزن نسبی هر یک از شاخص ها را که از طریق مدل آنتروپی به دست آمده است را در ماتریس نرمال شده ضرب کنیم. حاصل ضرب ماتریس نرمال شده در وزن های نسبی شاخص ها، ماتریس نرمال شده وزن می باشد. مقادیر تابع مزیت (Q)، که بیان گر رتبه نهایی مناطق سیزده گانه کلانشهر مشهد از نظر «شاخص مسکن به لحاظ زیست پذیری شهری» می باشد، بین صفر تا یک تعیین می گردد و مقدار عددی تابع مزیت (Q) هر

چقدر به عدد صفر نزدیک تر باشد، نشان دهنده مطلوبیت بیشتر شاخص های مسکن می باشد و هر چقدر مقدار Q به یک نزدیک تر باشد، نشان دهنده ضعف شاخص های مسکن در مناطق مختلف کلانشهر مشهد می باشد. بنابراین، کمترین مقدار تابع مزیت Q ، بالاترین اولویت را به خود اختصاص می دهد. به عبارتی دیگر، هر منطقه ای که کمترین مقدار را از نظر تابع مزیت (Q) داشته باشد، مطلوب ترین شرایط را از نظر شاخص مسکن دارا می باشد و منطقه ای که بیشترین مقدار از تابع مزیت (Q) را دارا باشد، ضعیف ترین منطقه از نظر شاخص مسکن می باشد.

جدول ۱۴. مقدار تابع مزیت (Q) و مقادیر مطلوبیت ایده آل (S) و مطلوبیت ضد ایده آل (R) شاخص مسکن

منطقه نام	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ۹	منطقه ۱۰	منطقه ۱۱	منطقه ۱۲	منطقه نام
تابع مزیت (Q)	۰/۵۹	۰/۶۳	۰/۸۶	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۵۵	۰/۵۰	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۹۲
رتبه	۳	۵	۱۰	۲	۴	۵	۷	۸	۶	۹	۱۱	۱۲	۱

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)

۴. بحث

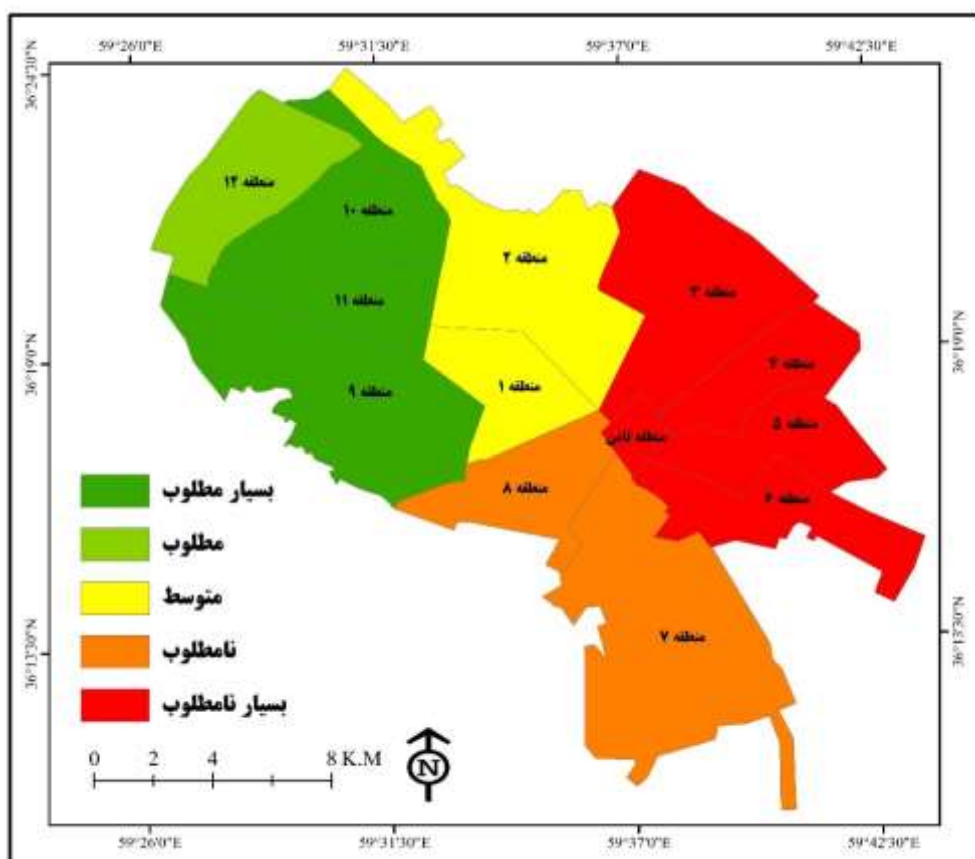
براساس یافته های تحقیق می توان تحلیل کرد که وضعیت شاخص های عینی تأثیر زیادی در وضعیت ذهنی برای شهروندان دارد. به طوری که رابطه همبستگی بین میانگین مجموع رتبه بندی مناطق از بعد عینی با میانگین شاخص ذهنی بیان گر تأثیر ۶۵ درصدی شاخص های عینی بر شاخص ذهنی دارد. به بیان دیگر باید گفت که وجود امکانات و زیرساخت های مناسب می تواند به لحاظ ذهنی تأثیر قابل ملاحظه ای در زیست پذیری شهری برای شهروندان داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع زیست پذیری مطالعات زیادی در سطح بین المللی انجام شده است و به تبع آن در حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری در کشور ما نیز طی سال های اخیر مطالعات و پژوهش های در ارتباط با زیست پذیری از ابعاد مختلف آن انجام شده است. از این پژوهش های داخلی می توان به بندرآباد (۱۳۸۹)، مازندرانی (۱۳۹۲)، جعفری اسدآبادی (۱۳۹۲)، خزاعی نژاد (۱۳۹۴)، ساسان پور، تولایی و جعفری اسدآبادی (۱۳۹۴)، خراسانی (۱۳۹۱)، حیدری (۱۳۹۵)، حاتمی نژاد، مدانلو جویباری و اخوان حیدری (۱۳۹۸)، جعفری، محمدی ترکمانی و رسول زاده (۱۳۹۷)، زیاری، پوراحمد، حاتمی نژاد و باستین (۱۳۹۷)، سالاری مقدم، زیاری و حاتمی نژاد (۱۳۹۸)، ایران دوست، عیسی لو و شاهمرادی (۱۳۹۲)، علیپور، احدنژاد روشتی و مشکینی (۱۳۹۹) و مطالعات دیگری در حوزه زیست پذیری و مسکن اشاره نمود که یکی از وجوه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش های اشاره شده در این موضوع می باشد که در اکثر پژوهش ها صرفاً به یکی از ابعاد کمی یا کیفی (عینی یا ذهنی) موضوع زیست پذیری پرداخته

شده است و اکثر مطالعات براساس مطالعات پرسشنامه‌ای بوده است ولی در این مطالعه تلاش شده است که در کنار توجه به شاخص‌های کمی زیست‌پذیری مسکن به شاخص ذهنی نیز توجه شود و از ترکیب هر دو موضوع نتیجه‌گیری نهایی انجام گردد. همچنین در این پژوهش سعی گردید اکثر مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با زیست‌پذیری با تاکید بر حوزه مسکن مورد بررسی قرار بگیرد و شاخص‌های کمی و آماری به طور کامل مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت. نکته قابل ذکر دیگر در ارتباط با این پژوهش این موضوع می باشد که این مقاله یکی از نتایج رساله دکتری مرتبط با زیست‌پذیری شهری در مشهد بوده است که تا قبل از آن مطالعه‌ای در حوزه زیست‌پذیری شهری و همچنین حوزه زیست‌پذیری و مسکن در شهر مشهد به طور کامل و جامع انجام نشده بود. لازم به ذکر است در ارتباط با مفاهیم مختلفی همچون شهر پایدار، شهر خلاق، شهر شب، شهر اکولوژیک، شهر دوستدار کودک و موارد مشابه دیگر مطالعاتی در مشهد و شهرهای دیگر کشورمان انجام شده است و در برخی از شاخص‌های آنها با موضوع زیست‌پذیری تشابهاتی نیز وجود دارد. یکی از پژوهش‌هایی که بیشترین همسویی را با پژوهش حاضر دارد پژوهش انجام شده توسط علیپور، احدنژاد روشتی و مشکینی (۱۳۹۹) می باشد که در هر دو مطالعه تلاش شده است شاخص‌های کمی به طور کامل مورد بررسی قرار بگیرد و تفاوت در مدل امتیاز دهی و اولویت بندی شاخص‌ها می باشد و همچنین عدم بررسی شاخص‌های ذهنی در آن پژوهش می باشد. همان‌طور که در سطرهای بالا نیز ذکر گردید اکثر مطالعات انجام شده به صورت پرسشنامه‌ای بوده است و در بسیاری از آنها سعی شده است اطلاعاتی همچون تراکم نفر و خانوار در واحد مسکونی تعداد اتاق، متوسط اتاق در واحد مسکونی، زیربنای واحدهای مسکونی، قدمت واحدهای مسکونی، مصالح و دوام واحدهای مسکونی، نحوه مالکیت واحدهای مسکونی، دسترسی به سیستم فاضلاب شهری و ... از طریق پرسشنامه به دست آید در حالی اکثر این اطلاعات به صورت آمارهای مستند و دقیق به طور رسمی وجود دارد و می توان در پرسشنامه‌های استفاده شده سایر موضوعات همچون میزان رضایت از شرایط مختلف زیست‌پذیری مسکن، انتظارات و سایر مؤلفه‌های ذهنی دیگر را به صورت ذهنی مورد بررسی قرار داد و در این پژوهش از آمارهای رسمی و مستند برای شاخص‌های کمی استناد گردید.

۵. نتیجه‌گیری

در نهایت برای بررسی وضعیت زیست‌پذیری مناطق شهر مشهد به لحاظ شاخص مسکن باید بیان کرد که بر اساس امتیازهای تابع Q منطقه ۱۱ کلان‌شهر مشهد، بهترین منطقه از نظر شاخص مسکن می‌باشد. در واقع، منطقه ۱۱ در بین مناطق سیزده گانه کلان‌شهر مشهد، مطلوب‌ترین شرایط را از نظر مسکن دارا می‌باشد. بر اساس تابع مزیت Q پس از منطقه ۱۱، مناطق ۱۰ و ۹ به لحاظ شاخص مسکن دارای بهترین شرایط می‌باشند. بدترین منطقه هم به لحاظ شاخص بررسی شده، به ترتیب مناطق ۵، ۴ و ۸ می‌باشند. از آنجا که تابع Q بین ۰ تا یک می‌باشد، می‌توان اعداد نهایی برای مناطق کلان‌شهر مشهد را در ۵ گروه دسته بندی کرد تا درک بهتری از وضعیت هر منطقه به دست آورد. (۰-۰/۲ بسیار مطلوب؛ ۰/۴-۰/۲۱ مطلوب، ۰/۶-۰/۴۱؛ ۰/۸-۰/۶۱ نامطلوب؛ ۰/۸۱-۱ بسیار نامطلوب). مناطق ۱۱،

۹ و ۱۰ در سطح بندی بسیار مطلوب قرار دارند. در سطح بندی مطلوب هم منطقه ۱۲ قرار گرفته است. در سطح بندی متوسط، منطقه ۲ و ۱، در سطح بندی نامطلوب هم مناطق ۸ و ۷ قرار دارند. از آنجا که محدوده امتیاز نهایی مناطق ۶، ۳، ۱۳، ۴ و ۵ بین ۱ تا ۸/۰ می باشند، این مناطق در سطح بسیار نامطلوب به لحاظ شاخص مسکن در کلان شهر مشهد قرار دارند.



شکل ۳. سطح بندی زیست پذیری مناطق شهر مشهد براساس شاخص مسکن

این سطح بندی براساس امتیازهای نهایی کسب شده در بین مناطق این کلانشهر می باشد و نمی توان وضعیت بسیار مطلوب مسکن مناطق ۱۱، ۱۰ و ۹ را به صورت مطلق دانست و این رتبه بندی و امتیازهای کسب شده نسبت به وضعیت سایر مناطق کلان شهر مشهد می باشد.

برای بررسی بهتر و دقیق تر زیست پذیری در حوزه مسکن در کلان شهر مشهد، پیشنهاد می شود مطالعات در سطوح خردتر از مناطق با تاکید بر سطح محله نیز مورد توجه قرار بگیرد. از طرف دیگر با توجه به اینکه در طی سال های اخیر منطقه بندی و محله بندی مصوب شهر مشهد به ۱۷ منطقه و ۱۷۰ محله تغییر کرده است و نواحی نیز حذف گردیده است (این تقسیم بندی جدید مصوب و ابلاغی وزارت کشور و سازمان شهرداری ها و دهیاری ها

می‌باشد ولی هنوز به طور کامل اجرایی نشده است) ضرورت بازبینی مطالعات حوزه زیست‌پذیری و مسکن و حتی سایر موضوعات در طی سال‌های آتی احساس می‌گردد و آمارهای مرتبط نیز به روز رسانی گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی بر عمیق‌تر شدن و توجه بیشتری به شاخص‌های ذهنی زیست‌پذیری شهری در حوزه مسکن گردد.

سپاس‌گزاری: این مقاله از رساله دوره دکتری آقای محمد قنبری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه فردوسی مشهد مستخرج گردیده است. همچنین این رساله مورد حمایت مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد بوده است.

کتاب‌نامه

۱. اسدی، ا. (۱۳۹۰). *تحلیل توزیع فضایی قیمت مسکن در شهر مشهد*. مشهد: پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. ایراندوست، ک.، عیسی‌لو، ع. ا.، و شاهمرادی، ب. (۱۳۹۲). شاخص زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر مقدس قم)، *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۴ (۱۳)، ۱۱۸-۱۰۱.
۳. بندرآباد، ع. ر. (۱۳۸۹). *تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست‌پذیر ایرانی مطالعه موردی مناطق ۱، ۱۵ و ۲۲ شهر تهران*. تهران: رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۴. جعفری اسدآبادی، ح. (۱۳۹۲). بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار مورد مطالعه کلان شهر تهران. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران.
۵. جعفری، ف.، محمدی ترکمانی، ح.، و رسول‌زاده، ز. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز. *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۳ (۶)، ۱۴۳-۱۱۳.
۶. حاتمی‌نژاد، ح.، مدانلو جوبیاری، م.، و اخوان‌حیدری، ک. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی زیست‌پذیری کالبدی کلان شهر اهواز. *نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴ (۱۳)، ۲۳-۱۱.
۷. حاجی‌نژاد، ع.، رفیعیان، م.، و زمانی، ح. (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی مطالعه موردی: مطالعه بافت قدیم و جدید شهر شیراز. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۷، ۸۲-۶۳.
۸. حکیمی، ه.، پورمحمدی، م. ر.، پرهیزگار، الف. (۱۳۹۰). ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی ایران (مطالعه موردی جمشیدآباد خوی). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۲ (۴)، ۱۹۷-۲۱۰.
۹. حیاتی، س. (۱۳۹۱). *تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مشهد*. مشهد: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. حیدری، م. ت. (۱۳۹۴). *تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)*. تهران: رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.
۱۱. خراسانی، م. ا. (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی تطبیقی دیدگاه ساکنان و مدیران محلی در رابطه با زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۵۱، ۲۸۰-۲۶۱.

۱۲. خراسانی، م. الف. (۱۳۹۱). تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی مطالعه موردی شهرستان ورامین. تهران: رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۱۳. خزائی نژاد، ف. (۱۳۹۴). تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران. تهران: رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.
۱۴. خستو، م. و سعیدی رضوانی، ن. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم خرید پیاده. نشریه هویت، ۴(۶)، ۷۴-۶۳.
۱۵. رسولی ثانی‌آبادی، ا.، فرهادی، م.، و غفاری، ع. (۱۳۹۶). نقش فضای ارتباطی در دستیابی به واحدهای مسکونی انعطاف‌پذیر. مجله صفا، ۲۷(۷۶)، ۳۶-۱۷.
۱۶. زنگنه، م. (۱۳۹۲). تحلیل فضایی قابلیت‌های شهر مشهد جهت دستیابی به توسعه پایدار مسکن. اصفهان: رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
۱۷. زیاری، س.، فرهودی، ر.ا.، پوراحمد، ا.، حاتمی‌نژاد، ح. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل مسکن پایدار در شهر کرج. مجله جغرافیا و توسعه، ۵۲، ۱۵۶-۱۴۱.
۱۸. زیاری، ک. ا.، پوراحمد، ا.، حاتمی‌نژاد، ح.، و باستین، ع. (۱۳۹۷). سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها (مطالعه موردی: شهر بوشهر). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۴)، ۱۸-۱.
۱۹. ساسان‌پور، ف.، تولایی، س.، و جعفری اسدآبادی، ح. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵(۱۸)، ۴۲-۲۷.
۲۰. سالاری مقدم، ز.، زیاری، ک. ا.، و حاتمی‌نژاد، ح. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۵ کلان شهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۲(۳)، ۵۸-۴۱.
۲۱. ستارزاده، د. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵. فصلنامه جمعیت، ۶۷ و ۶۸، ۷۹-۵۷.
۲۲. سلیمانی مهرنجانی، م.، تولایی، س.، رفیعیان، م.، زنگانه، ا.، و خزاعی‌نژاد، ف. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. مجله پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱)، ۵۰-۲۷.
۲۳. شرکت آب و فاضلاب شهر مشهد. (۱۳۹۱). مشهد: شرکت آب و فاضلاب شهر مشهد.
۲۴. علیپور، س.، احدنژاد روشتی، م.، و مشکینی، ا. (۱۳۹۹). تحلیلی بر زیست‌پذیری مسکن شهر کرج با رویکرد عدالت اجتماعی. دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهرها، ۷(۲)، ۱۴۷-۱۲۹.
۲۵. مازندرانی، ع. (۱۳۹۲). شناسایی اصول و معیارهای شهر زیست‌پذیر و سنجش زیست‌پذیری در منطقه ۵ شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۶. مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات شهرداری مشهد. (۱۳۹۳). گزیده شاخص‌های جمعیتی شهر مشهد، برگرفته از اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰. مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد.
۲۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). آمار مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد. تهران: مرکز آمار ایران.

۲۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج کلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ در استان خراسان رضوی. تهران: مرکز آمار ایران
۲۹. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد. (۱۳۹۲). سالنامه آماری سال ۱۳۹۲ شهر مشهد. مشهد: شهرداری مشهد.
۳۰. وارثی، ح. ر. (۱۳۷۳). بررسی وضعیت مسکن اصفهان. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

31. Amir, A. L., Puspitaningtyas, A., & Santosa, H. R. (2015). Dwellers participation to achieve livable housing in grudo rental flats. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (179), 165-175.
32. Badland, H., Whitzman, C., Lowe, M., Davern, M., Aye, L., Butterworth, I., Hes, D., & Giles-Corti, B. (2014). Urban livability: emerging lessons from Australia for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health. *Social Science & Medicine*, (111), 64-73.
33. Ball, D. (2013). What makes a happy city? *Journal of cities*, (32), 39-50.
34. Blassingame, L. (1998). Sustainable cities: oxymoron, utopia or inevitability? *Social science Journal*, (35), 1-13.
35. Florida, R. (2002). *The rise of the creative class: and how it's transforming work, leisure, community and everyday life*. NY: Basic books Publication.
36. Flynn, P., Berry, D., & Theodore, H. (2002). Sustainability & quality of life indicators: towards the integration of economic, social and environmental measure. *The journal of social health*, 2(4), 1-23.
37. Howden-Chapman, P. (2002). Housing and inequalities in health. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 56, 645-646.
38. Kotkin, J. (2001). *The new geography: how the digital revolution in reshaping the American landscape*. NY: Random house paper Backs.
39. Larice, M. Z. (2005). *Great neighborhood: the livability and morphology of high density neighborhoods in urban North America*. Berkeley: PhD thesis in University of California.
40. Lowe, M., Whitzman, C., Badland, H. M., Davern, M., Hes, D., Aye, L., Butterworth, I., & Giles-Corti, B. (2013). *Liveable, healthy, sustainable: what are the key indicators for melbourne neighbourhoods?* Melbourne: McCaughey VicHealth Centre for Community Wellbeing, Melbourne University.
41. Norris, T. Pittman, M. (2000). The health community's movement and coalition for healthier cities and communities. *Public Health Reports*, 115, 118-124.
42. The Economist Intelligence Unit. (2015). A summary of the liveability ranking and overview, London, England.
43. Van Dorst, M. (2010). Sustainable liveability: *privacy zoning as a physical condition for social sustainability, in Environment, health, and sustainable development*. A. Abdel-Hadi, M. Tolba, and S. Soliman, Editors. Cambridge: Hogrefe Publishing.
44. Vanzerrr, M., & Seskin, S. (2011). Recommendations memo2 livability and quality of life indicators, Memorandum.

45. Williams, C., Zhou, N., He, G., & Levine, M. (2012). Measuring in all the right places: themes in international municipal eco-city index systems. *Ernest Orlando Lawrence Berkeley National Laboratory*, 1-15.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری

مژگان شیخی نصب (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

m.sheikhinasab@yahoo.com

مهری اذانی (استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)

mehri.azani@gmail.com

مهدی مؤمنی (دانشیار گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

momeni100@gmail.com

مصطفی محمدی ده‌چشمه (دانشیار گروه جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، واحد اهواز، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران)

m.mohammadi@scu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

صص ۱۲۳-۱۴۴

چکیده

رهیافت بازآفرینی رجوع معناداری به هویت بافت تاریخی دارد که دستیابی به آن تنها در گرو توجه به گردشگری خلاقانه شهری است. توجه به بافت فرسوده و رفع ناپایداری آن‌ها به موضوع محوری در شهرها بدل شده به گونه‌ای که بازآفرینی شهری با رویکرد توسعه گردشگری به عنوان چاره‌ای برای حفظ این گونه بافت‌های ارزشمند توصیه می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری انجام شد. تحقیق حاضر با توجه به هدف، کاربردی و بر اساس روش از نوع توصیفی-تحلیلی است. مؤلفه‌های مورد مطالعه در این تحقیق در ۷ عامل اجتماعی، کالبدی و زیرساختی، اقتصادی، سیاسی، ضوابط، فرهنگی و بافت فرسوده تقسیم‌بندی شدند. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از روش دیمت فازی بهره گرفته شد. نتایج پژوهش در مقدار $(Di+Ri)$ نشان داد که بعد اقتصادی با امتیاز نهایی $3/159$ با اهمیت‌ترین مؤلفه در بین مؤلفه‌های مورد مطالعه جهت توسعه گردشگری در بافت‌های قدیمی شهر اهواز می‌باشد. همچنین نتایج در مقدار $(Di-Ri)$ نشان داد که در گروه علی مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی قرار دارد و اثرگذارترین آن‌ها بعد اجتماعی با امتیاز نهایی $0/615$ و در گروه معلول مؤلفه‌های فرهنگی، بافت فرسوده و ضوابط قرار دارد که اثرپذیرترین آن‌ها بافت فرسوده با امتیاز نهایی $0/4733$ - شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: اهواز، بازآفرینی، بافت تاریخی، گردشگری.

۱. مقدمه

در حال حاضر، یکی از عوامل مهم برای دستیابی به توسعه پایدار در سطح جهان، گردشگری است (احمد^۱، ۲۰۱۸، ص. ۲۲) که از آن به عنوان عامل رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها یاد می کنند (سیلوا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۰۱) و نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی دارد (تاپاک^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱)؛ بنابراین، مدیران گردشگری، به منظور دستیابی به پایداری، نیازمند تدوین راهبردی هستند که یکپارچگی بوم شناختی را حفظ کند و منافع اقتصادی و توسعه برای هر منطقه به همراه داشته باشد (هال^۴، ۲۰۱۱، ص. ۶۵۴).

توسعه گردشگری شهری و پایدار ضامن حفظ و صیانت از بافت های تاریخی به شمار می رود. بافت قدیمی شهرها، گنجینه های ارزشمند از تاریخ و تمدن جوامع بشری است (شماعی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۶۰) و یکی از ارزشمندترین و گران بهاترین آثار فرهنگی محسوب می شوند (سرای و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۰). ساماندهی و احیای این بافت های علاوه بر تحقق هدف حفاظتی این بافت ها به دلیل ارتقای کیفی فضاهای مربوطه، چرخه ی توسعه گردشگری در این بافت ها را فعال می کند. این امر نه تنها موجب افزایش هویت اجتماعی و فرهنگی مجموعه بافت می شود، بلکه راهکارهای مؤثر و تجربه شده برای ایجاد و بازتولید عرصه های عمومی و هویت ازدست رفته و خاطرات زدوده شده از بافت های تاریخی شهری است؛ چراکه شهرهای امروزی به دلیل تأثیرپذیری از دیدگاه بالا به پایین و مدرنیستی، در حال از دست دادن هویت خویش اند و از لحاظ سیما و کالبد، ادامه شیوه های شهرسازی مدرنیسم را می پیمایند؛ چیزی که در مکاتب مدرنیستی از آن به عنوان نوسازی شهری فن گرا نام برده می شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴).

رهیافت بازآفرینی شهری به منظور معکوس نمودن جریان فرایند تغییر و افت شهری اتخاذ می گردد (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری با اتکا به اصول توسعه پایدار با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و اعتقاد راسخ به عدم پاسخگویی رویکردهای قبلی از یکسو و با نگاه به چالش های آینده از سوی دیگر چارچوب نظری و عملی باهدف رفع ناکارآمدی های شهری در بافت های فرسوده به منظور برون رفت کامل آن ها از انواع ناکارآمدی ها ارائه شده است (یعقوبی و شمس، ۱۳۹۸، ص. ۶۷). برنامه ریزی راهبردی، پایداری و مشارکت سه ضلع مثلث رهیافت بازآفرینی شهری محسوب می شوند (فلاحزاده و محمودی پاتی، ۱۳۹۴، ص. ۶). نگرش تعاملی، فرهنگ، توسعه از درون، توجه به محیط زیست، حفاظت بافت تاریخی، محدود کردن دخالت مستقیم دولت در امر توسعه، مشارکت چندبخشی با تأکید بر نقش جوامع محلی مهم ترین اصول بازآفرینی شهری را تشکیل می دهند (اوزلم^۵، ۲۰۰۶، ص. ۲۹). از نیمه دوم قرن بیستم رویکردهای مختلف و متفاوتی برای بهبود و ساماندهی به وضعیت شهرها و

1. Ahmad
2. Silva
3. Tapak
4. Hall
5. Ozlem

محلها در دستور کار قرار گرفت (دهه ۱۹۵۰ رویکرد بازسازی، دهه ۱۹۶۰ رویکرد باززنده سازی، دهه ۱۹۷۰ رویکرد نوسازی، دهه ۱۹۸۰ رویکرد تجدید حیات، دهه ۱۹۹۰ رویکرد بازآفرینی و دهه ۲۰۰۰ رویکرد نوزایی شهری) (عندلیب و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۸۱). تا دهه ۱۹۸۰ اکثر این رویکردها بر جنبه کالبدی نوسازی بافت‌های هدف تأکید کرده و دیگر جنبه‌های نوسازی و بهسازی بافت فرسوده نادیده گرفته شد. در دهه ۱۹۹۰ سیاست جدیدی تحت عنوان «چالش شهرها» نوعی رویکرد مداخله‌ای که با نگاه به گذشته و بدون پاک‌سازی هویت‌های تاریخی مختلف، به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی ساکنان عصر حاضر با اهداف اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، محیطی و کالبدی شکل گرفت (حاجی پور، ۱۳۸۵، ص. ۱۸)؛ بنابراین اهمیت توجه به بازآفرینی شهری با ناکارآمدی و تک‌بعدی بودن رویکردهای قبلی نسبت به بافت‌های شهری از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شده است (برگ^۱ و دیگران، ۲۰۰۴). واژه بازآفرینی در لغت به معنی تمدید سازی و نو شدن و به‌روز شدن است. اما به لحاظ مفهومی به معنی خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های فضایی (کالبدی و فعالیت) قدیم است. بازآفرینی (معاصر سازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت‌وسازهای دارای یک نوع کاربری به‌جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدام‌های کیفی به‌موازات اقدام‌های کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی و غیره مشهود می‌باشد. (مک‌دونالد^۲، ۲۰۰۹، ص. ۵۰). در همین راستا پژوهش‌های زیادی انجام شده است که در زیر به چند مورد آن اشاره خواهد شد.

سپ^۳ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بازآفرینی اجتماعی و اقتصادی و مشارکت» شهر خلاق را شهری می‌داند که قادر به ایجاد اقتصاد خلاق، تولیدات فرهنگی، تحقیقی، هنری و عاملی قوی برای ظرفیت‌های هویتی است. دومینگز^۴ و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خود به رقابت‌پذیری مقاصد گردشگران در دو کشور اسپانیا و استرالیا به این نتیجه رسیدند در استرالیا کیفیت خدمات، برندهای تجاری و زیرساخت‌های مناسب از اهمیت زیادی برای جذب گردشگر برخوردار است.

در خصوص پیشینه پژوهش کریم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که ابعاد تأثیرگذار بازآفرینی شهری گردشگری محور به ترتیب بر ابعاد اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۹۷، ابعاد اقتصادی با ضریب همبستگی ۰/۹۰، ابعاد فرهنگی با ضریب همبستگی ۰/۹۰ و کالبدی با ضریب همبستگی ۰/۸۳، دلالت دارد. پوراحمد و احمدی‌فرد (۱۳۹۷)، در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند عواملی مانند نمایش‌های عروسکی، شاخص تبلیغات و شاخص نقاشی در کنار جاذبه‌های تاریخی منطقه از مهم‌ترین عوامل و اولویت‌های صنایع فرهنگی به

1. berg
2. McDonalds
3. Sepe
4. Domínguez

شمار می‌آیند که می‌توان آن‌ها را در توسعه گردشگری خلاق منطقه باهدف نهایی بازآفرینی به کار گرفت. (پوراحمد و حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۵). از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسعه گردشگری از توسعه اقتصادمحوری به سمت هرچه پایدارتر حرکت کرد (تیاگو^۱ و دیگران، ۲۰۲۰). سازمان جهانی گردشگری برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ اصطلاح «گردشگری پایدار» را طبق معیارهای گزارش برانتلند این گونه تعریف کرد که گردشگری پایدار نیازهای گردشگران حاضر و جوامع میزبان را با محافظت و ارتقای فرصت‌های آیندگان برآورده می‌کند. کمیته توسعه پایدار گردشگری در نشستی در تایلند در سال ۲۰۰۴ در تعریف گردشگری پایدار تجدیدنظر نمود، هدف این بازبینی انعکاس بهترین پایداری در گردشگری با توجه به نتایج کنفرانس توسعه پایدار ژوهانسبورگ است (ادبی فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۹). لا^۲ (۱۹۹۲) معتقد است که گردشگری می‌تواند به بازآفرینی فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی کمک کند. سواربروک^۳ (۲۰۰۱) نیز اعتقاد دارند که گردشگری شهری می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاری داخلی و ارتقا کسب‌وکار شود. رشد این صنعت در جوامعی که به شدت تحت تأثیر زوال شهری قرار گرفته‌اند، می‌تواند باعث افزایش غرور محلی شده زیر ساکنین در مورد شهر خود احساس مثبت‌تری خواهند داشت (سواربروک، ۲۰۰۱).

از سوی دیگر، نگرش برتر در مرمت بافت‌های فرسوده و قدیمی نگرش ارگانیستی و یکی از جدیدترین نظریه‌های آن جامع‌نگری در برنامه‌ها و اقدام‌ها برای تلفیق فرهنگ و اقتصاد در بستر توسعه پایدار است که از طریق گردشگری می‌توان بدان دست یافت. همچنین اگر یک شهر قرار باشد مخاطب گردشگری شهری قرار بگیرد، می‌بایست چهار ویژگی قابل قبول و متداول را دارا باشد، این چهار ویژگی عبارت‌اند از: ۱- تراکم زیاد فیزیکی، ۲- ایفای نقش‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی، ۳- ایفای نقش‌های متفاوت اقتصادی، ۴- مرکزیت عینی بافشدگی بیشتری در ساختار و ماهیت گردشگری دیده می‌شود (پوراحمد و حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۵). در همین راستا، بافت‌های تاریخی که عمدتاً هسته اولیه شهرها را تشکیل می‌دهند، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در ایران هستند، از این رو تجدید حیات و احیای بافت تاریخی علاوه بر ارتقای کیفیت محیط و برقراری دوباره زندگی اجتماعی در آن، سبب رونق گردشگری نیز می‌شود (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۸). همچنین این بافت‌ها به دلیل نمایش هویت شهرها، از ارزش بسیار زیادی برای جذب گردشگری برخوردارند (تیموری و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۶۳).

هدف از این پژوهش تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری می‌باشد. چراکه این فضاها، فضاهایی پویا و دربرگیرنده ثروت‌های فرهنگی و میراث تاریخی و معنوی و منعکس‌کننده ارزش‌های تاریخی-فرهنگی می‌باشند. کل بافت‌های فرسوده در شهر اهواز ۱۰۱۰۲ هکتار است ولی از سال ۱۳۸۹ تاکنون شهرداری اهواز به دلایل مشکلات فراوان از جمله کم‌اهمیت جلوه دادن بافت‌های تاریخی درون بافت‌های فرسوده موجود و همچنین کمبود بودجه، تنها در حدود ۱۸ هکتار از بافت فرسوده را اقدام به نوسازی کرده است (مطالعات بافت فرسوده، شهرداری منطقه یک اهواز، ۱۳۹۷). عدم توجه به ارزش‌های میراثی بافت قدیم در زمینه‌های

1. Tiago

2. Law

3. Swarbrooke

(احداث مراکز اقامتی - پذیرایی، تجاری، خرده‌فروشی، سرگرمی، گذران اوقات فراغت، فرهنگی و...)، عدم توجه مدیران شهری به نقش و سهم قابل توجه اهواز قدیم به‌عنوان فضای مناسب مورد بهره‌برداری‌های نو و بلندمدت توسعه‌ی گردشگری، عدم توجه به بهبود بخشی بافت اهواز قدیم مؤثر در ایجاد کارآفرینی و اشتغال در زمینه‌های گردشگری در راستای اقتصاد پایدار، ناکارآمدی زیرساخت‌ها به‌گونه‌ای که در مرکز کلان‌شهر اهواز بناها و خانه‌های تاریخی ازجمله: بازار معین‌التجار، سرای دادرس، خانه ماهپار، هتل قو، سرای فتحی و... مربوط به چند دهه قبل وجود دارد که نه به‌عنوان آثار باستانی ثبت و مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته و نه مالکین اقدام به نوسازی آن‌ها می‌کنند. بنابراین این پژوهش در پی این سوال است که مهم‌ترین مولفه‌های بازآفرینی بافت‌های فرسوده با تاکید بر توسعه گردشگری کدامند؟ ۲. روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده توصیفی - تحلیلی بوده است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. در این تحقیق برای تحلیل بازآفرینی شهری در راستای توسعه گردشگری از ۴۳ شاخص در ۷ مؤلفه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، کالبدی، زیرساختی، ضوابط) استفاده شده است (جدول ۱). با استفاده از مدل دیمتل فازی میزان اثرگذاری و اثرپذیری بین متغیرها موردسنجش قرار گرفت.

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های بازآفرینی بافت‌های قدیمی جهت توسعه گردشگری

نماد	عوامل اصلی	نماد	نام متغیر
A1	اجتماعی	A1	امنیت اجتماعی
		A2	تقویت حس مکانی و همبستگی اجتماعی
		A3	حمایت از تشکلهای محلی
		A4	تعارض فرهنگی بین گردشگران و مردم ساکن
		A5	توجه به گروه‌های جنسیتی
		A6	مهاجرین جدید
		A7	ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جذب گردشگر
		A8	تمایل برخی ساکنین برای ادامه زندگی در بافت فرسوده
		A9	علاقه ساکنین به بازآفرینی
		A10	مشارکت مردم
		A11	عدم توجه به کاربری‌های تاریخی
B1	فرهنگی	B1	تقویت هویت فرهنگی
		B2	برجسته‌سازی و توجه به موزه‌ها، گالری‌های هنری، مرکز موسیقی، صنایع دستی
		B3	توجه به مراسم خاص مذهبی، رخدادهای ورزشی، جشنواره‌های خاص
C1	اقتصادی	C1	بالا بودن قیمت زمین در بافت
		C2	توان مالی پایین شهرداری
		C3	رفع موانع اعطای وام
		C4	کارآفرینی و ایجاد شغل‌های مرتبط با گردشگری

نماد	عوامل اصلی	نماد	نام متغیر
		C5	نزدیک بودن به هسته مرکزی شهر
		C6	دسترسی به حمل و نقل عمومی
		C7	تأمین بودجه برای بالفعل کردن گردشگری
		C8	کاهش سود وام پرداختی به ساکنین
		C9	عدم ثبات نرخ ارز
D1	کالبدی- زیرساختی	D1	بحرانی بودن برخی بناها به دلیل فرسودگی بیش از حد
		D2	شبکه ارتباطی و معابر نامناسب
		D3	توجه به سیمای بصری و طراحی محیطی از طریق بازآفرینی
		D4	ایجاد کاربری‌های فراغتی مانند کتابخانه عمومی، کافی‌شاپ، رستوران، چایخانه
		D5	امکان افزایش کاربری‌های تجاری و اقامتی
		D6	وجود کاربری‌های ناسازگار
		D7	نظارت بر بازآفرینی متناسب با گردشگری
		D8	تأثیر سیاست خارجی ایران بر اجرای برنامه‌ها و طرح‌های داخلی از جمله طرح‌های کالبدی
		D9	توسعه فضاهای خرید و سرگرمی، راسته‌بازارهای خرده‌فروشی
E1	سیاسی	E1	ادامه روند تحریم‌ها
		E2	اجرایی شدن مفاد برجام
		E3	فساد اداری
F1	بافت فرسوده	F1	وقفی بودن املاک
		F2	مشکل وراثت در مالکیت
		F3	اختلاف سلیقه سازمان میراث فرهنگی با شهرداری
G1	ضوابط	G1	آلودگی ناشی از ترافیک
		G2	رعایت حد بستر رودخانه
		G3	چشم‌انداز مناسب به دلیل نزدیکی به رودخانه
		G4	ناکارآمدی شبکه فاضلاب شهری و آلودگی ناشی از آن

مأخذ: (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۷؛ فیروزبخت، ۱۳۹۷؛ آزادبخت، ۱۳۹۸)

دیمتل فازی Fuzzy DEMATEL روشی برای شناسایی الگوی روابط علی میان معیارهای تصمیم‌گیری با رویکرد استنتاج فازی است. این تکنیک با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی سیستماتیک به آن‌ها، با استفاده از اصول تئوری گراف‌ها، ساختار سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم را با روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل، عناصر مذکور را به‌دست می‌آورد به گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور را به صورت امتیازی عددی معین می‌کند. تکنیک دیمتل فازی با استفاده از متغیرهای زبانی فازی، تصمیم‌گیری را در شرایط عدم اطمینان محیطی تسهیل می‌کند. گام‌های این تکنیک به شرح زیر است:

گام اول: ایجاد ماتریس روابط مستقیم

گام دوم: طراحی معیارهای زبانی فازی

در این مرحله برای رفع عدم اطمینان از معیارهای کلامی فازی مطابق جدول (۲) استفاده شده است.

جدول ۲. تناظر اعداد کلامی با عبارات کلامی

عبارات کلامی	کاملاً بی‌تأثیر	تأثیر کم	تأثیر متوسط	تأثیر زیاد	تأثیر بسیار زیاد
معادل قطعی	۰	۱	۲	۳	۴
مقادیر کلامی	(۱، ۱، ۱)	(۲، ۳، ۴)	(۴، ۵، ۶)	(۶، ۷، ۸)	(۸، ۹، ۹)

مأخذ: (یادگاری و تارخ، ۱۳۹۶، ص. ۷۷۳)

گام سوم: ساخت ماتریس تصمیم‌گیری اولیه ($\tilde{O}$)

گام چهارم: ماتریس نرمالایزه شده ($\tilde{Z}$) محاسبه می‌شود.

گام پنجم: در این گام ماتریس ($\tilde{V}$) برای هر حد فازی (L_{ij}'' , m_{ij}'' , u_{ij}'') محاسبه می‌شود.

گام ششم: هر $\tilde{V}_{ij}$ از ماتریس $\tilde{V}$ با استفاده از رابطه ۷ به عدد قطعی تبدیل می‌شود. سپس ماتریس V ایجاد می‌شود.

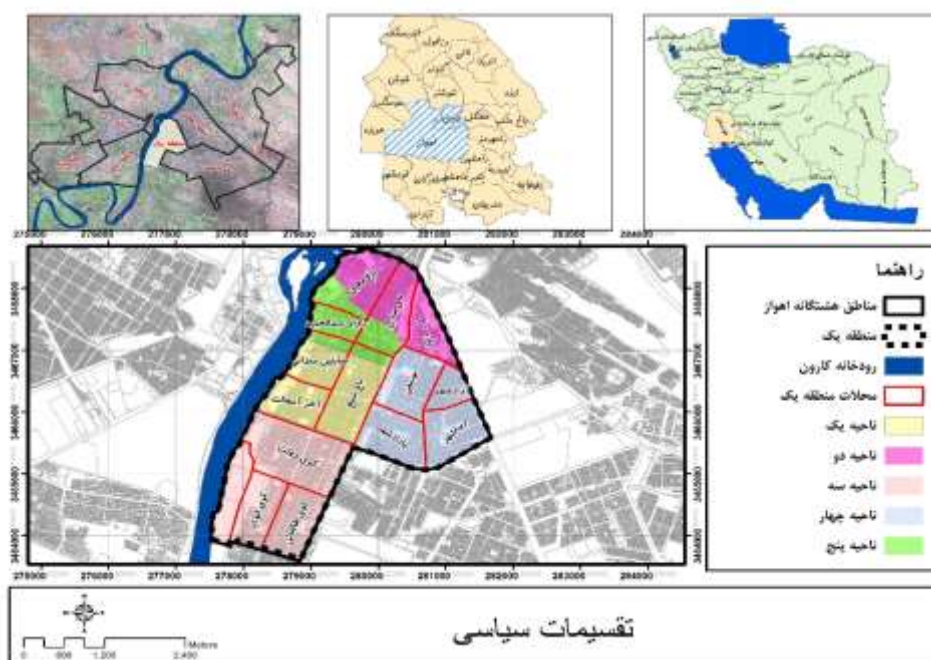
گام هفتم: محاسبه مقادیر $D_i - R_i$ و $D_i + R_i$ که D_i و R_i به ترتیب جمع هر سطر و ستون ماتریس V می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، کارشناسان بازآفرینی شهری، مدیران شهری، متخصصان حوزه گردشگری در شهر اهواز اساتید دانشگاه، پژوهشگران در زمینه گردشگری، کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اهواز می‌باشند. برای مواجهه با ابهامات ارزیابی‌های انسانی، متغیر زبانی «تأثیر» با پنج واژه زبانی (بسیار بالا، بالا، ضعیف، بسیار ضعیف، عدم تأثیر) با اعداد مثبت فازی مثالی مورد استفاده قرار گرفته شد. پرسشنامه مربوط به دیمتل فازی (بر پایه مقایسه زوجی) جهت تبیین و ارزیابی روابط علت و معلولی میان این شاخص‌ها در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل تمامی کارشناسان بافت‌های فرسوده و متخصصان گردشگران و اساتید دانشگاه در این زمینه می‌باشد. در این پژوهش ۲۵ نفر متخصص به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

۲. ۱. قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده منطقه اهواز قدیم که همان منطقه یک شهرداری اهواز محسوب می‌شود مساحتی در حدود ۱۱۰۲،۶ هکتار را تشکیل می‌دهد و جمعیتی بالغ بر ۱۱۸۴۷۸۸ نفر را در خود جای داده است. (اطلاعات مناطق نواحی و محلات شهر اهواز، ۱۳۹۵). از کل مساحت تشکیل‌دهنده بافت فرسوده منطقه اهواز قدیم ۳۵۲،۴ هکتار آن در محدوده مصوب شهرداری منطقه یک اهواز قرار دارد. قدمت مکان‌های تاریخی این منطقه همچون سرای معین التجار، هتل قو، سرای دادرس، سرای فتحی و ... به دوران قاجاریه و یا پهلوی اول بر می‌گردد (نقشه ۱). همچنین محله‌های

قدیمی و بعضاً خالی از سکنه در مرکز شهر اهواز از ایمنی لازم برخوردار نبوده که گذر از کوچه‌پس‌کوچه‌های مرکزی شهر گواه بر این ادعا است. از طرف دیگر در بسیاری از کوچه‌ها و خیابان‌های مرکز شهر جوی‌های روباز وجود دارد که مرکز تجمع حشرات موزی و انباشت زباله‌ها است. عدم کارایی و کارآمدی تسهیلات حمل‌ونقل این بافت، تنگ بودن خیابان‌ها و کوچه‌ها کار امدادسانی اطفای حریق و دسترسی‌های مؤثر را با مشکلاتی مواجه نموده است به دلیل قدمت، این بافت در برابر زلزله بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد، ناکارآمدی و عدم توجه به حفاظت بافت‌های ارزشمند اهواز قدیم (سرای معین‌التجار، هتل قو، سرای دادرس، سرای فتحی و ... که به دوران قاجاریه بر می‌گردد) زمینه ضعف هویت و از بین رفتن تعلق خاطر شهروندی اهواز قدیم را فراهم نموده است که این مسئله عدم ماندگاری و پایداری جمعیت در این بخش را دامن زده است.



شکل ۱. تقسیمات سیاسی خوزستان

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. بررسی ابعاد مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی برای توسعه گردشگری

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش دیمتل فازی بهره گرفته شده است. در این قسمت کلیه ابعاد تأثیرگذار بر بافت‌های قدیمی مورد ارزیابی قرار گرفته شد. قابل ذکر است که به علت حجم زیاد محاسبات و جداول، فقط روابط کل فازی و نتیجه نهایی آن به صورت روابط علی و معلول ارائه شده است. در همین راستا، بعد از استفاده عبارت کلامی و ایجاد ماتریس مقایسه زوجی هر خبره به صورت عدد فازی مثلثی و محاسبه میانگین حسابی نظرات خبرگان

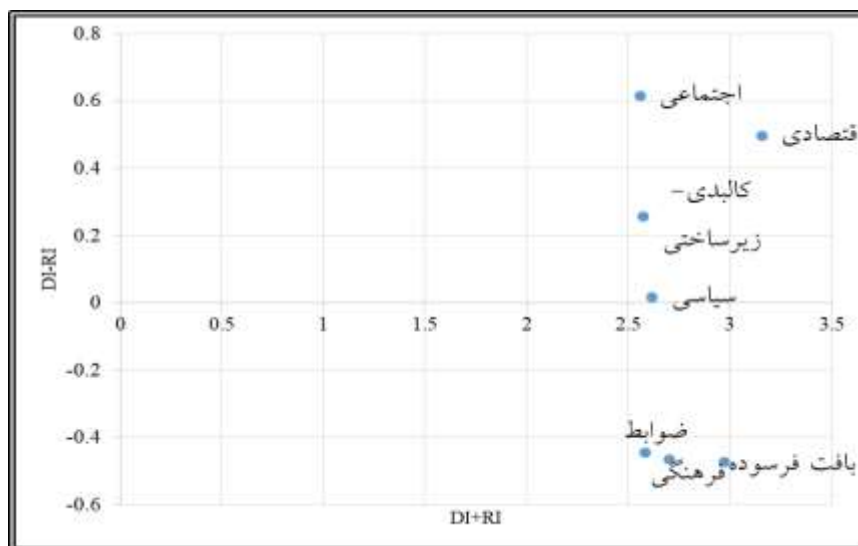
و نرمالیزه کردن ماتریس در نهایت محاسبه ماتریس روابط کل فازی (از محاسبه کران بالا، کران میانه و کران پایین به-دست می‌آید) و پس از محاسبه روابط کل فازی نتایج نهایی آن به صورت دیفازی در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی ابعاد

نماد	A1	B1	C1	D1	E1	F1	G1	Di+Ri	Di-Ri
A1	۰/۱۰۴۵	۰/۳۱۱۵	۰/۲۰۷۹	۰/۱۸۹۹	۰/۲۴۶۳	۰/۲۹۵۱	۰/۲۳۱۷	۲/۵۵۸۳	۰/۶۱۵۶
B1	۰/۰۹۶۷	۰/۱۳۴۳	۰/۲۰۶۷	۰/۱۱۹۳	۰/۱۷۲۸	۰/۱۶۷۴	۰/۲۲۰۴	۲/۷۰۱۲	-۰/۴۶۵۹
C1	۰/۱۵۸۴	۰/۲۹۲۶	۰/۱۷۰۰	۰/۲۵۹۴	۰/۳۰۵۶	۰/۳۷۶۰	۰/۲۶۵۷	۳/۱۵۹۱	۰/۴۹۶۵
D1	۰/۱۶۴۵	۰/۲۳۱۵	۰/۲۲۸۲	۰/۱۰۹۳	۰/۱۵۷۵	۰/۲۷۲۹	۰/۲۵۰۲	۲/۵۷۲۶	۰/۲۵۵۶
E1	۰/۱۲۷۹	۰/۱۶۵۱	۰/۱۸۱۷	۰/۲۱۳۲	۰/۱۱۳۲	۰/۳۰۹۱	۰/۲۰۶۴	۲/۶۱۷۳	۰/۰۱۵۷
F1	۰/۱۹۰۱	۰/۱۷۵۰	۰/۱۶۹۰	۰/۱۶۲۰	۰/۱۷۵۲	۰/۱۵۳۰	۰/۲۲۵۷	۲/۹۷۲۱	-۰/۴۷۲۳
G1	۰/۱۲۹۳	۰/۲۷۳۵	۰/۱۶۷۷	۰/۱۰۵۵	۰/۱۳۰۳	۰/۱۴۸۷	۰/۱۱۴۳	۲/۵۸۳۸	-۰/۴۴۵۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مقدار (Di+Ri) و (Di-Ri) به دست آمده از جدول ۶، نمودار علی و معلولی معیارهای بافت فرسوده برای توسعه گردشگری در شهر اهواز به صورت شکل ۲ ترسیم گردید. در این نمودار محور افقی نشان‌دهنده میزان اهمیت معیارها و محور عمودی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمودار علی مؤلفه‌ها

۳.۲. بررسی شاخص‌های مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی برای توسعه گردشگری

۳.۲.۱. بررسی شاخص‌های اجتماعی

نتایج نهایی شاخص‌های اجتماعی به صورت دیفازی در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص‌های اجتماعی

نماد	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10	A11	Di+Ri	Di-Ri
A1	۰/۳۴۰	۰/۵۱۲	۰/۴۶۳	۰/۴۲۷	۰/۴۱۴	۰/۵۱۴	۰/۵۳۴	۰/۴۴۸	۰/۴۶۷	۰/۲۸۴	۰/۴۰۵	۸/۳۱۴	۱/۲۹۹
A2	۰/۲۹۲	۰/۳۷۰	۰/۴۰۵	۰/۳۳۷	۰/۳۳۰	۰/۳۹۴	۰/۴۵۶	۰/۳۴۵	۰/۴۲۲	۰/۲۷۴	۰/۳۱۶	۸/۵۲۳	-۰/۶۴۳
A3	۰/۳۸۷	۰/۵۳۰	۰/۴۷۵	۰/۴۸۲	۰/۴۶۵	۰/۵۷۴	۰/۵۷۶	۰/۴۸۸	۰/۵۴۱	۰/۳۰۷	۰/۳۹۷	۹/۶۶۴	۰/۷۷۸
A4	۰/۳۸۰	۰/۴۸۹	۰/۴۸۹	۰/۴۰۳	۰/۳۸۴	۰/۵۱۹	۰/۵۵۸	۰/۴۵۹	۰/۵۰۷	۰/۲۸۵	۰/۴۰۶	۸/۹۴۳	۰/۸۱۳
A5	۰/۳۴۱	۰/۴۳۴	۰/۴۴۱	۰/۴۲۶	۰/۳۴۴	۰/۵۱۱	۰/۵۰۷	۰/۴۱۳	۰/۴۷۶	۰/۲۸۴	۰/۳۸۲	۸/۲۹۴	۰/۸۲۴
A6	۰/۲۸۴	۰/۳۲۵	۰/۳۲۸	۰/۳۰۲	۰/۲۸۳	۰/۳۲۳	۰/۳۹۲	۰/۲۹۲	۰/۳۲۱	۰/۱۹۶	۰/۲۵۸	۸/۰۷۲	-۱/۴۶۷
A7	۰/۲۸۶	۰/۴۰۷	۰/۳۵۹	۰/۳۰۸	۰/۲۸۸	۰/۳۵۹	۰/۳۷۸	۰/۳۳۳	۰/۳۷۳	۰/۲۳۹	۰/۲۹۵	۸/۷۵۱	-۱/۵۰۲
A8	۰/۲۹۹	۰/۳۶۸	۰/۳۷۱	۰/۳۶۰	۰/۳۱۶	۰/۳۷۹	۰/۴۴۲	۰/۳۲۱	۰/۳۸۷	۰/۲۲۳	۰/۳۱۱	۷/۹۱۸	-۰/۳۶۷
A9	۰/۳۸۵	۰/۴۹۰	۰/۴۷۷	۰/۴۲۱	۰/۳۹۳	۰/۴۸۸	۰/۵۲۲	۰/۴۴۸	۰/۴۴۴	۰/۲۹۷	۰/۳۶۰	۹/۳۵۶	۰/۰۹۴
A10	۰/۲۵۹	۰/۳۱۰	۰/۳۱۸	۰/۲۹۴	۰/۲۵۵	۰/۳۳۸	۰/۳۶۱	۰/۳۰۱	۰/۳۲۸	۰/۱۷۷	۰/۲۴۵	۵/۹۵۶	۰/۴۱۸
A11	۰/۲۵۶	۰/۳۴۸	۰/۳۱۸	۰/۳۰۵	۰/۲۶۵	۰/۳۷۲	۰/۴۰۱	۰/۲۹۴	۰/۳۶۵	۰/۲۰۳	۰/۲۴۶	۶/۹۹۷	-۰/۲۴۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بردار افقی (Di+Ri)، میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر است. به عبارتی هر چه مقدار بردار افقی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با عامل‌های دیگر دارد. بردار عمودی (Di-Ri)، قدرت تأثیرگذاری هر عامل را منعکس می‌کنند. اگر این عامل مثبت باشد، متغیر علی و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳. نمودار علی شاخص‌ها

۳.۲.۲. بررسی شاخص‌های فرهنگی

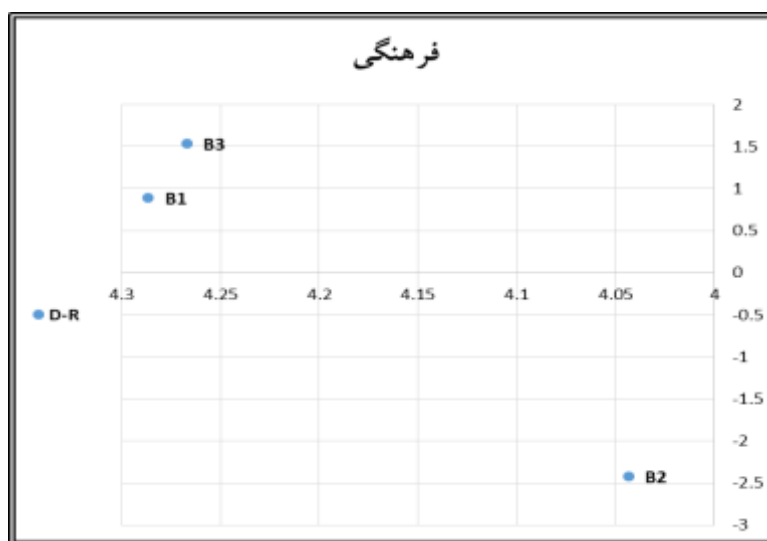
در جدول ۵ کلیه شاخص‌های فرهنگی از لحاظ میزان اثرگذاری و اثرپذیری مورد ارزیابی و نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۵. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص‌های فرهنگی

Di-Ri	Di+Ri	B3	B2	B1	نماد
۰/۸۸۸۱۸۵۸	۴/۲۸۶۴۲۳	۰/۶۱۱۶	۱/۳۹۱۰	۰/۵۸۴۷	B1
-۲/۴۲۱۴۹۲	۴/۰۴۳۳۵۸	۰/۲۰۷۴	۰/۳۵۹۲	۰/۲۴۴۳	B2
۱/۵۳۳۳۰۶	۴/۲۶۷۰۱۲	۰/۵۴۷۸	۱/۴۸۲۳	۰/۸۷۰۱	B3

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در شکل ۴، کلیه متغیرهای علی و معلول نشان داده شده است.



شکل ۴. نمودار علی شاخص‌ها

۳.۲.۳. بررسی شاخص‌های اقتصادی

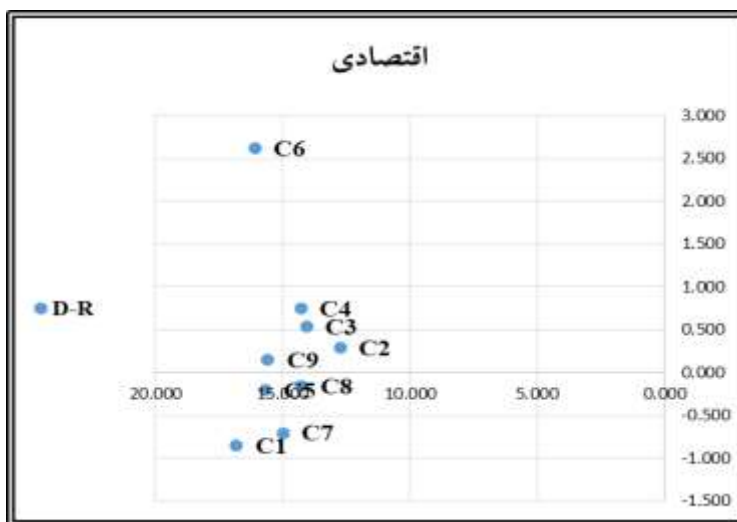
در بحث اقتصادی نیز مولفه‌های اصلی آن شناسایی و در جدول ۶ دیفاز آن محاسبه و ماتریس هر یک از مولفه‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۶. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص‌های اقتصادی

نماد	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	Di+Ri	Di-Ri
C1	۰/۹۹۲	۰/۷۳۵	۰/۷۷۷	۰/۸۰۱	۰/۹۴۸	۰/۷۹۷	۰/۹۴۱	۰/۹۰۲	۱/۰۸۴	۱۶/۸۰۰۶۵	-۰/۸۴۸
C2	۰/۸۷۳	۰/۵۷۵	۰/۶۵۶	۰/۶۸۲	۰/۷۶۹	۰/۶۷۷	۰/۷۳۹	۰/۶۹۳	۰/۸۵۰	۱۲/۷۳۷۳۶	۰/۲۸۹۵۶
C3	۰/۹۶۳	۰/۶۷۷	۰/۷۰۱	۰/۷۱۵	۰/۹۰۲	۰/۷۳۴	۰/۸۸۷	۰/۷۸۴	۰/۹۳۴	۱۴/۰۵۱۶۳	۰/۵۴۱۵۸
C4	۱/۰۱۷	۰/۷۱۸	۰/۷۵۱	۰/۷۱۸	۰/۸۷۷	۰/۷۳۰	۰/۸۹۰	۰/۸۳۲	۰/۹۸۱	۱۴/۲۸۰۵۶	۰/۷۴۶۷۳
C5	۱/۰۰۴	۰/۷۲۰	۰/۸۲۰	۰/۷۹۶	۰/۸۶۸	۰/۷۹۳	۰/۸۸۲	۰/۸۱۵	۱/۰۴۲	۱۵/۶۸۲۸۳	-۰/۲
C6	۱/۲۲۴	۰/۸۷۹	۰/۹۳۳	۰/۹۳۴	۱/۱۳۳	۰/۸۹۴	۱/۰۸۸	۱/۰۶۴	۱/۲۱۲	۱۶/۰۹۴۵	۲/۶۲۴۹
C7	۰/۹۲۸	۰/۶۶۶	۰/۷۴۰	۰/۷۴۱	۰/۸۳۴	۰/۷۱۲	۰/۷۹۸	۰/۷۴۹	۰/۹۷۱	۱۴/۹۸۳۷۴	-۰/۷۰۳
C8	۰/۹۲۷	۰/۶۲۶	۰/۷۰۱	۰/۷۰۱	۰/۸۴۲	۰/۷۲۲	۰/۷۸۹	۰/۷۲۳	۰/۹۳۱	۱۴/۲۵۵۶۶	-۰/۱۵۳
C9	۰/۸۹۶	۰/۶۲۸	۰/۶۷۷	۰/۶۸۱	۰/۷۶۸	۰/۶۷۵	۰/۸۳۰	۰/۷۳۱	۰/۸۴۳	۱۵/۵۷۶۵۳	۰/۱۵۱۷۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

کلیه شاخص‌های اقتصادی به صورت علی و معلول در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵. نمودار علی شاخص‌ها

۳.۲.۴. بررسی شاخص‌های کالبدی-زیرساختی

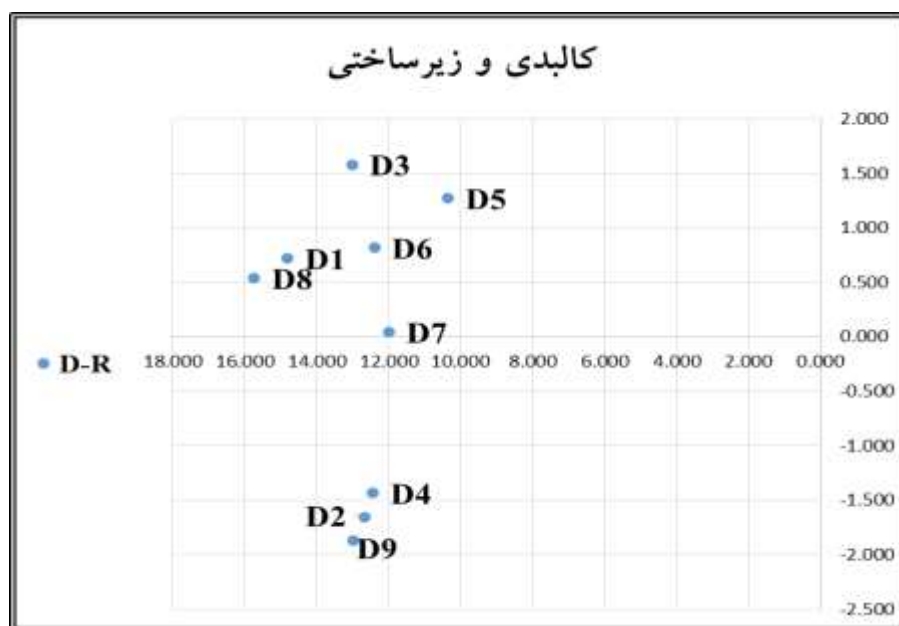
در این بخش کلیه شاخص‌های کالبدی از لحاظ تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج به شرح جدول ۷ می‌باشد.

جدول ۷. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص‌های کالبدی

نماد	D1	D2	D3	D4	D5	D6	D7	D8	D9	Di+Ri	Di-Ri
D1	۰/۸۷۷۵	۰/۹۷۶۱	۰/۷۲۹۶	۰/۹۳۸۱	۰/۶۱۲۰	۰/۷۵۰۸	۰/۸۱۳۴	۱/۰۵۴۹	۱/۰۰۸۸	۸/۳۱۴۲۷	۱/۲۹۹۴۳
D2	۰/۶۶۸۰	۰/۶۴۰۱	۰/۵۵۱۵	۰/۶۶۳۲	۰/۴۲۰۶	۰/۵۶۱۳	۰/۵۷۷۷	۰/۷۲۲۷	۰/۷۰۳۶	۸/۵۲۲۶۶	-۰/۶۴۳۲
D3	۰/۹۲۳۶	۰/۸۸۹۰	۰/۶۶۸۹	۰/۸۹۱۸	۰/۵۸۳۴	۰/۷۲۱۴	۰/۷۷۶۱	۰/۹۲۲۴	۰/۹۱۹۷	۹/۶۶۳۸۴	۰/۷۷۷۷۲
D4	۰/۶۷۲۳	۰/۶۸۰۸	۰/۵۵۳۶	۰/۶۱۴۵	۰/۴۴۶۶	۰/۵۵۹۶	۰/۵۴۹۰	۰/۷۱۶۳	۰/۷۰۳۷	۸/۹۴۲۹۵	۰/۸۱۳۳۷
D5	۰/۷۶۱۵	۰/۶۹۲۳	۰/۶۰۰۷	۰/۶۷۲۷	۰/۴۳۱۶	۰/۵۶۰۲	۰/۵۸۱۷	۰/۷۳۶۸	۰/۷۷۲۳	۸/۲۹۴۰۲	۰/۸۲۳۸۳
D6	۰/۷۹۸۸	۰/۸۱۰۹	۰/۷۰۵۷	۰/۷۹۱۴	۰/۵۰۳۴	۰/۶۱۶۱	۰/۷۱۵۸	۰/۸۵۵۹	۰/۸۰۸۴	۸/۰۷۲۱۱	-۱/۴۶۶۶
D7	۰/۷۰۲۹	۰/۷۴۶۸	۰/۵۷۳۲	۰/۷۴۱۵	۰/۴۸۳۵	۰/۵۸۷۷	۰/۵۷۴۷	۰/۸۳۴۹	۰/۷۷۳۰	۸/۷۵۰۹۹	-۱/۵۰۱۹
D8	۰/۹۸۶۹	۱/۰۴۱۷	۰/۷۹۳۸	۰/۹۵۶۷	۰/۶۱۱۷	۰/۸۳۷۶	۰/۸۳۱۹	۱/۰۰۳۷	۱/۰۶۸۳	۷/۹۱۸۲۶	-۰/۳۶۷۱
D9	۰/۶۵۱۴	۰/۶۸۹۶	۰/۵۳۸۸	۰/۶۶۲۶	۰/۴۴۷۲	۰/۵۹۵۹	۰/۵۵۴۲	۰/۷۴۸۳	۰/۶۶۵۹	۹/۳۵۵۷۱	۰/۰۹۴۱۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در شکل ۶، کلیه شاخص‌ها به صورت روابط علی و معلولی نشان داده شده است.



شکل ۶. نمودار علی شاخص‌ها

۳.۲.۵. بررسی شاخص‌های سیاسی

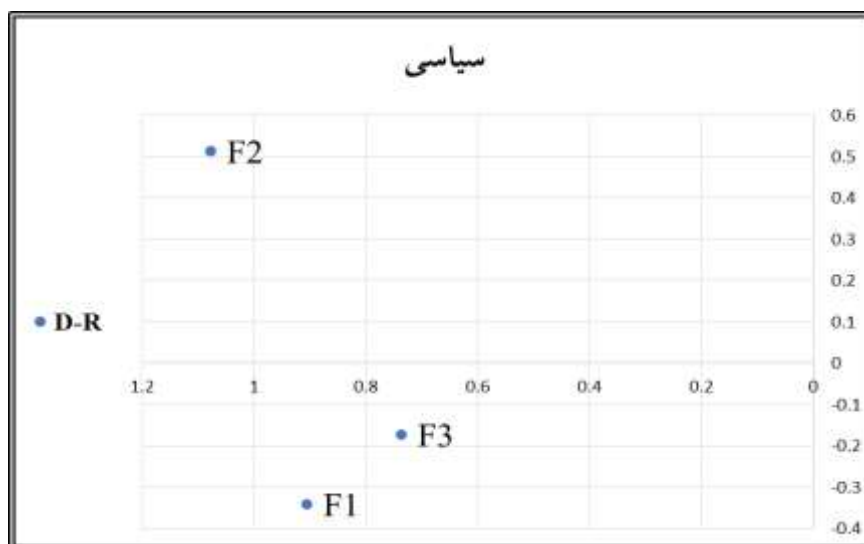
در این بخش نیز کلیه شاخص‌های سیاسی با استفاده از روش دیمتل فازی مورد بررسی قرار گرفت و ماتریس دیفازی این شاخص‌ها به صورت جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص های سیاسی

نماد	F1	F2	F3	Di+Ri	Di-Ri
F1	۰/۰۸۹۰	۰/۰۸۴۳	۰/۱۰۸۹	۰/۹۰۵	-۰/۳۴۱
F2	۰/۴۰۱۱	۰/۱۱۳۶	۰/۲۸۰۷	۱/۰۷۸	۰/۵۱۳۳
F3	۰/۱۳۳۰	۰/۰۸۴۳	۰/۰۶۴۹	۰/۷۳۷	-۰/۱۷۲

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

در بحث سیاسی مهم ترین شاخص بر اساس دیمتل فازی به صورت علی و معلولی نشان داده شده است.



شکل ۷. نمودار علی شاخص ها

۳.۲.۶. بررسی شاخص های بافت فرسوده

روابط کل فازی شاخص های بافت فرسوده مورد ارزیابی قرار گرفته شد و نتایج آن در جدول ۹ نشان داده شده

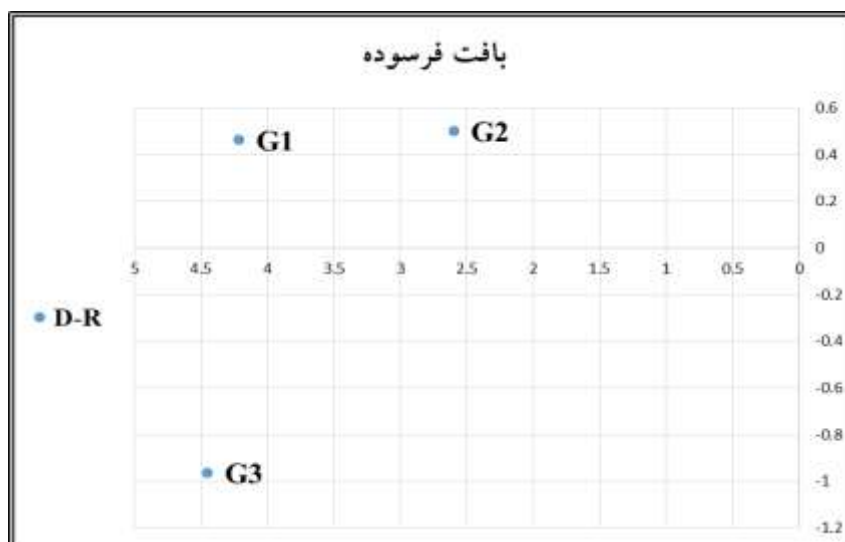
است.

جدول ۹. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص های بافت فرسوده

نماد	G1	G2	G3	Di+Ri	Di-Ri
G1	۰/۶۵۲۴	۰/۴۹۱۸	۱/۱۹۳۵	۴/۲۱۳۲	۰/۴۶۲۱
G2	۰/۵۱۰۸	۰/۲۱۸۹	۰/۸۱۹۴	۲/۵۹۷۵	۰/۵۰۰۶
G3	۰/۷۱۲۴	۰/۳۳۷۸	۰/۶۹۳۳	۴/۴۴۹۷	-۰/۹۶۳

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

کلیه شاخص‌های بافت فرسوده به صورت روابط علی و معلولی در شکل ۸ نشان داده شده است.



شکل ۸. نمودار علی شاخص‌ها

۳.۲.۷. بررسی شاخص‌های ضوابط

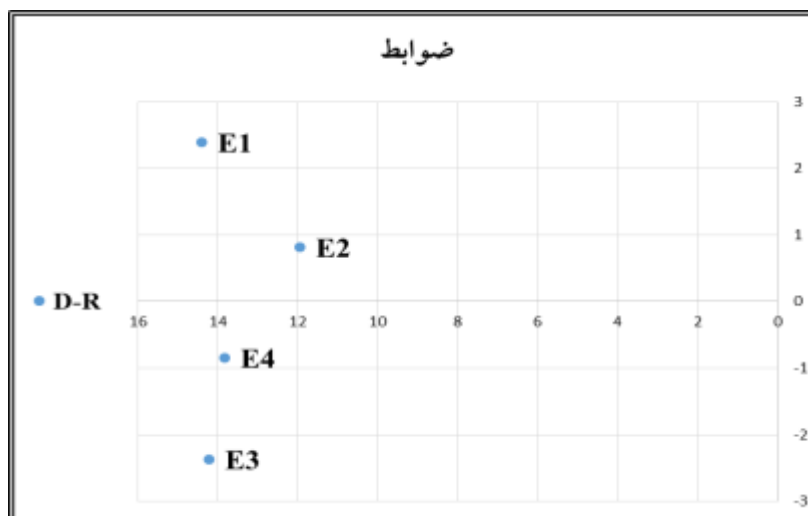
در نهایت ماتریس روابط کل فازی شاخص‌های ضوابط مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج آن در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. دیفازی کردن ماتریس روابط کل فازی و نتایج نهایی شاخص‌های ضوابط

نماد	E1	E2	E3	E4	Di+Ri	Di-Ri
E1	۱/۶۸۵۳	۱/۷۲۵۱	۲/۶۷۶۷	۲/۳۱۲۱	۱۴/۴	۲/۳۹۵
E2	۱/۳۶۵۰	۱/۱۷۲۳	۲/۰۱۶۸	۱/۸۳۰۱	۱۱/۹۵	۰/۸۱۷
E3	۱/۴۹۰۴	۱/۱۷۵۸	۱/۶۳۱۸	۱/۶۲۶۹	۱۴/۲۲	-۲/۳۶۹
E4	۱/۴۶۳۸	۱/۴۹۳۸	۱/۹۶۸۲	۱/۵۶۹۹	۱۳/۸۳	-۰/۸۴۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در نهایت کلیه شاخص‌های ضوابط به صورت روابط (علی و معلولی) در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.



شکل ۹. نمودار علی شاخص‌ها

۴. بحث

انتخاب بافت های تاریخی به عنوان نمونه مورد پژوهش از آن جهت است که در مرکز شهر واقع شده است و یکی از مکان های پر جاذبه و پتانسیل های گردشگری از جمله جاذبه های طبیعی متعدد رودخانه کارون، ابنیه و آثار تاریخی، فرهنگ غنی و اصیل در جوانی مانند مناسبت ها و مراسم های ملی و آیینی، طبخ غذاهای محلی متنوع و صنایع دستی... می تواند به عنوان پایلوت توسعه گردشگری و امکان و فرصت مناسب برای بازآفرینی بر پایه گردشگری پدید آورد. لذا این مناطق به خاطر پیچیدگی برای توسعه گردشگری با چالش های عمده مواجه است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. به طوری که بر اساس شکل ۲، نتایج نشان می دهد که معیارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی در دسته معیارهای علی قرار دارند و در بین آن ها شاخص اجتماعی با بیشترین امتیاز جز تأثیرگذارترین معیار شناخته شد. به عبارتی با ارتقای شاخص اجتماعی برای توسعه گردشگری در بافت های قدیمی و فرسوده می تواند زمینه ساز افزایش پایداری در محدوده مورد مطالعه گردد و در نتیجه باعث بهبود گردشگری در این محدوده ها می شود. و معیار بافت فرسوده جز تأثیرپذیرترین معیارها می باشد. در شکل ۳ شاخص های اجتماعی از لحاظ علی و معلول مورد ارزیابی قرار گرفته شد و شاخص امنیت اجتماعی، حمایت از تشکلهای محلی، تعارض فرهنگی بین گردشگران و مردم ساکنین، توجه به گروه های جنسیتی، علاقه ساکنین به بازآفرینی و مشارکت مردم در گروه علی واقع شده اند؛ به گونه ای که شاخص امنیت اجتماعی با بیشترین مقدار $Di+Ri$ در بالاترین قسمت نمودار واقع شده است و نشان از تأثیرگذارترین شاخص در بین شاخص های مورد مطالعه است. از سوی دیگر شاخص های اثرپذیر در معیار اجتماعی می توان به تقویت حس مکانی و همبستگی اجتماعی، مهاجرین جدید، ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جذب گردشگر، تمایل برخی ساکنین برای ادامه زندگی در بافت فرسوده و عدم توجه به کاربری های تاریخی اشاره کرد و در گروه معلول واقع شده اند. شاخص ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جذب

گردشگر با کمترین مقدار Di-Ri به عنوان تأثیرپذیرترین شاخص شناخته شده است. در شکل ۴، شاخص تقویت هویت فرهنگی و توجه به مراسم خاص مذهبی، رخدادهای ورزشی، جشنواره‌های خاص در دسته علی قرار دارند و به گونه‌ای که شاخص تقویت هویت فرهنگی با بیشترین مقدار امتیاز در مقدار (Di-Ri) نشان‌دهنده تأثیرگذاری بیشتر آن است. همچنین بر اساس مقدار (Di+Ri) تقویت هویت فرهنگی با اهمیت‌ترین شاخص در بین شاخص‌های موردسنجش است. از سوی دیگر بر اساس مقدار (Di-Ri) شاخص برجسته‌سازی و توجه به موزه‌ها، گالری‌های هنری، مرکز موسیقی، صنایع‌دستی با کمترین امتیاز (۲/۴۲-) به عنوان تأثیرپذیرترین شاخص شناخته شده است و تحت تأثیر شاخص‌های دیگر قرار دارد. در گروه (Di+Ri) مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی می‌توان به بالا بودن قیمت زمین در بافت، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی و عدم ثبات نرخ ارز اشاره کرد و جایگاه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و نشان از اهمیت بالای آن در توسعه گردشگری می‌باشد. در شکل ۵، شاخص‌های که در گروه علی واقع شده‌اند و امتیاز مثبت دارند می‌توان به توان مالی پایین شهرداری، رفع موانع اعطای وام، کارآفرینی و ایجاد شغل‌های مرتبط با گردشگری، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی و عدم ثبات نرخ ارز اشاره کرد. در بین این شاخص‌ها، عامل دسترسی به حمل‌ونقل عمومی با کسب امتیاز ۲/۶۲۴ جز اثرگذارترین شاخص شناخته شده است. از سوی دیگر در گروه معلول شاخص‌های مانند بالا بودن قیمت زمین در بافت، نزدیک بودن به هسته مرکزی شهر، تأمین بودجه برای بالفعل کردن گردشگری و کاهش سود وام پرداختی به ساکنین اشاره کرد و در بین شاخص‌های مورد مطالعه بالا بودن قیمت زمین در بافت جز تأثیرپذیرترین شاخص شناخته شد. در بعد کالبدی-زیرساختی مقدار (Di+Ri) شاخص‌های مورد مطالعه قرار گرفته شده و نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های مانند توجه به سیمای بصری و طراحی محیطی از طریق بازآفرینی، توسعه فضاهای خرید و سرگرمی، راسته‌بازارهای خرده‌فروشی و ایجاد کاربری‌های فراغتی مانند کتابخانه عمومی، کافی‌شاپ، رستوران، چایخانه جز با اهمیت‌ترین شاخص‌ها و از سوی دیگر شاخص‌های مانند تأثیر سیاست خارجی ایران بر اجرای برنامه‌ها و طرح‌های داخلی از جمله طرح‌های کالبدی، وجود کاربری‌های ناسازگار اشاره کرد که از لحاظ اهمیت در جایگاه‌های آخر واقع شده‌اند و نشان‌دهنده میزان اهمیت آن‌ها در توسعه گردشگری در بافت‌های فرسوده شهری می‌باشد. بر اساس شکل ۶، در گروه معلول شاخص‌های مانند شبکه ارتباطی و معابر نامناسب، وجود کاربری‌های ناسازگار، نظارت بر بازآفرینی متناسب با گردشگری و تأثیر سیاست خارجی ایران بر اجرای برنامه‌ها و طرح‌های داخلی از جمله طرح‌های کالبدی اشاره کرد که در بین آن‌ها نظارت بر بازآفرینی متناسب با گردشگری جز تأثیرپذیرترین شاخص‌ها می‌باشد که تحت تأثیر شاخص‌های دیگر قرار دارد. همچنین بر اساس مقدار (Di-Ri) نتایج در بعد تأثیرگذاری نشان می‌دهد که ۵ شاخص (بحرانی بودن برخی بناها به دلیل فرسودگی بیش‌ازحد، توجه به سیمای بصری و طراحی محیطی از طریق بازآفرینی، ایجاد کاربری‌های فراغتی مانند کتابخانه عمومی، کافی‌شاپ، رستوران، چایخانه، امکان افزایش کاربری‌های تجاری و اقامتی، توسعه فضاهای خرید و سرگرمی، راسته‌بازارهای خرده‌فروشی) اشاره کرد که در گروه علی قرار دارند و در بین آن‌ها شاخص بحرانی بودن برخی بناها به دلیل فرسودگی بیش‌ازحد با امتیاز ۱/۲۹ جز اثرگذارترین شاخص‌ها

می‌باشد. نتایج شاخص های سیاسی بر اساس مقدار (Di-Ri) نشان می دهد که شاخص اجرایی شدن مفاد برجام مثبت و در گروه علی قرار دارد. شاخص ادامه روند تحریم ها و فساد اداری با توجه به منفی بودن مقدار (Di-Ri) در گروه معلول قرار دارد. به عبارتی شاخص اجرایی شدن مفاد برجام در گروه علی به خاطر مثبت بودن اثرگذارترین شاخص و درحالی که ادامه روند تحریم ها به خاطر منفی بودن در گروه معلول و در نتیجه اثرپذیرترین شاخص شناخته شد. همچنین بر اساس مقادیر (Di+Ri)، شاخص اجرایی شدن مفاد برجام با بیشترین امتیاز (۱/۰۷۸) با اهمیت ترین شاخص در بعد سیاسی محسوب می شود.

نتایج شاخص های بافت فرسوده با توجه به مقدار (Di+Ri) نشان می دهد که عواملی مانند اختلاف سلیقه سازمان میراث فرهنگی با گردشگری، وقفی بودن املاک و مشکل وراثت در مالکیت به ترتیب با امتیازهای حاصل از دیمت فازی (۴/۴۴)، (۴/۲۱) و (۲/۵۹) در جایگاه های اول تا سوم واقع شده اند و نشان از اهمیت آنها برای توسعه گردشگری در بافت های قدیمی می باشد (جدول ۸). از سوی دیگر، با توجه به مقدار (Di-Ri) شاخص مشکل وراثت در مالکیت و وقفی بودن املاک مثبت هستند و در گروه علی واقع شده اند و نشان از تأثیرگذاری آنها بر گردشگری بافت های قدیمی در شهر اهواز می باشد. در حالی که شاخص اختلاف سلیقه سازمان میراث فرهنگی با شهرداری با کسب امتیاز منفی (۰/۹۶۲-) در گروه معلول قرار دارد و نشان دهنده تأثیرپذیری آن از شاخص های تأثیرگذار است و تحت تأثیر آنها قرار دارد (شکل ۸). نتایج شاخص ضوابط نشان می دهد عواملی مانند آلودگی ناشی از ترافیک و رعایت حد بستر رودخانه با توجه به مثبت بودن در گروه علی قرار دارند و با امتیاز ۲,۳۹۵ جز اثرگذارترین شاخص ها در بین شاخص های مورد مطالعه می باشد. از سوی دیگر، با توجه به مقدار (Di-Ri)، چشم انداز مناسب به دلیل نزدیکی به رودخانه و ناکارآمدی شبکه فاضلاب شهری و آلودگی ناشی از آن جز شاخص های معلول شناخته شده اند و چشم انداز مناسب به دلیل نزدیکی به رودخانه جز اثرپذیرترین شاخص ها می باشد. همچنین با توجه به مقدار (Di+Ri) آلودگی ناشی از ترافیک و رعایت حد بستر رودخانه به ترتیب بیشترین اهمیت و کمترین اهمیت در بین شاخص های مورد مطالعه می باشد. بنابراین بر اساس یافته های مذکور می توان گفت که بی توجهی مدیران شهری به نقش و پتانسیل های گردشگری در داخل بافت های قدیمی و فرسوده با چشم انداز بلندمدت، عدم استفاده از ظرفیت های این بافت ها برای ایجاد کارآفرینی و اشتغال در زمینه های گردشگری برای دستیابی به اقتصاد پایدار، ناکارآمدی زیرساخت ها برای ریل گذاری توسعه گردشگری و سایر عوامل باعث گردیده است که از این ظرفیت ها و پتانسیل ها در جهت پایداری در داخل بافت ها بهره برداری لازم صورت نگرفته است. در همین راستا، نتایج این پژوهش با یافته های پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۹؛ شمعی و همکاران، ۱۳۹۹؛ تقوایی و طاهری، ۱۳۹۹ و پژوهان و پورمقدم، ۱۳۹۶ همخوانی دارد. بنابراین، موضوع بازآفرینی بافت های تاریخی از منظر گردشگری در ابعاد مختلف چندان که شایسته است مورد کنکاش قرار نگرفته و مصداق های عملی آن نیز هنوز جای کار دارد. در نتیجه این پژوهش با بررسی ابعاد مختلف بازآفرینی بافت های تاریخی و مصداق های عینی آن برای بهبود گردشگری از لحاظ علی و معلولی مورد ارزیابی قرار گرفته شد که کمتر در سایر مقالات مشاهده می شود. همچنین آن چیزی که چیزی

که باعث تمایز این پژوهش از سایر پژوهش‌ها شده است، می‌توان به دو موضوع اشاره کرد؛ از یک سو، توجه و درک گردشگری به عنوان راه‌حلی برای بهبود وضعیت درآمد و معیشت مردمان مناطق کم‌درآمد و دیگری ابزاری جهت ارتقاء و ساماندهی بافت‌های فرسوده و از سوی دیگر، ارزیابی و بررسی عملکرد شاخص‌ها و تعیین جایگاه آنها در راستای بازآفرینی بافت‌های فرسوده از لحاظ علی و معلول.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف تحلیل عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری انجام شد. نتایج حاصل از روش مذکور نشان می‌دهد که در بین معیارهای ۷ گانه اجتماعی، کالبدی و زیرساختی، اقتصادی، سیاسی، ضوابط، فرهنگی و بافت فرسوده، عامل اجتماعی تأثیرگذارترین و عامل بافت فرسوده تأثیرپذیرترین شاخص شناخته شد.

در بین شاخص‌های اجتماعی، عامل تقویت حس مکانی و همبستگی اجتماعی با امتیاز ۱/۲۹۹ اثرگذارترین شاخص و تمایل برخی ساکنین برای ادامه زندگی در بافت فرسوده با کمترین امتیاز حاصل از مقدار (Di-Ri) جز اثرپذیرترین شاخص شناخته شد. در بین شاخص‌های فرهنگی توجه به مراسم خاص مذهبی، رخدادهای ورزشی، جشنواره‌های خاص جز شاخص‌های اثرگذار و برجسته‌سازی و توجه به موزه‌ها، گالری‌های هنری، مرکز موسیقی، صنایع دستی جز شاخص‌های تأثیرپذیر شناخته شدند. در بین معیارهای اقتصادی شاخص دسترسی به حمل‌ونقل عمومی با بیشترین امتیاز ۲/۶۲۴ جز عامل اثرگذار و بالا بودن قیمت زمین در بافت با کمترین امتیاز ۰/۸۴۸- جز عامل اثرپذیر شناسایی شد. در بخش کالبدی عامل بحرانی بودن برخی بناها به دلیل فرسودگی بیش‌ازحد و نظارت بر بازآفرینی متناسب با گردشگری به ترتیب جز اثرگذارترین و اثرپذیرترین شاخص در بین شاخص‌های مورد مطالعه شناخته شدند. در بعد سیاسی نیز دو عامل ادامه روند تحریم‌ها و فساد اداری در گروه معلوم و اجرایی شدن مفاد برجام در گروه علی واقع شدند. در بین شاخص‌های بافت فرسوده، مشکل وراثت در مالکیت با امتیاز ۰/۵۰۰ جز اثرگذارترین شاخص و اختلاف سلیقه سازمان میراث فرهنگی با شهرداری با کمترین امتیاز حاصل از مقدار (Di-Ri) شناخته شدند. در نهایت در بین شاخص‌های مورد مطالعه ضوابط آلودگی ناشی از ترافیک اثرگذارترین شاخص و در گروه علی و همچنین شاخص چشم‌انداز مناسب به دلیل نزدیکی به رودخانه اثرپذیرترین شاخص شناخته شدند؛ بنابراین، گروه‌های علی با کسب مقادیر مثبت (Ri+Di) به‌مثابه عوامل اثرگذار و گروه‌های معلول به کسب مقادیر منفی (Di-Ri) به‌مثابه عوامل اثرپذیر شناسایی شدند. علاوه بر این، شدت اثرگذاری و اثرپذیری هر عامل و شاخص‌ها باعث می‌شود که سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط بتوانند با توجه و تمرکز بر عوامل علی، زمینه را هر چه بیشتر برای تحقق عوامل معلول فراهم سازند و در نهایت این هم‌افزایی در بین سازمان‌ها باعث می‌شود که مدیریت بافت‌های قدیمی به‌صورت یکپارچه گردد تا زمینه‌ساز افزایش و توسعه گردشگری در داخل این بافت‌ها گردد.

لازم به ذکر است تحقق افق روشن برای آینده بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر توسعه گردشگری نیازمند پیشنهادهایی به شرح زیر می‌باشد:

- توجه و تأکید بر رشد هوشمند شهری به جای رشد اسپرال در داخل بافت
- بهبود سیستم حمل و نقل عمومی و تأمین پارکینگ در منطقه
- با در نظر گرفتن هویت تاریخی و همچنین با توجه به ویژگی‌های معماری مناسب هر یک از بناهای ارزشمند تاریخی در این منطقه، کاربری آموزشی- فرهنگی پیشنهاد می‌شود. مانند خانه ماهیار، منزل نفیسی، سرای افضل.
- توجه و تأکید بر اختلاط کاربری‌ها در سطح منطقه خصوصاً در محدوده CBD که مجاورت با رودخانه کارون و فعالیت‌های اقتصادی ویژگی‌های خاصی به آن بخشیده که بر فضاهای همگانی در محدوده CBD تأثیر گذارده است.

- تنوع فعالیتی اعم از گردشگری خرید، صنایع دستی در این محدوده پیشنهاد و تشویق می‌گردد.
- پیشنهاداتی در سطح کلان نیز ارائه می‌گردد که به شرح ذیل می‌باشد:
- توجه به مشارکت در بازآفرینی با تأکید بر گردشگری؛
- توجه به هویت تاریخی- فرهنگی در بازآفرینی؛
- و توجه جدی به بروکراسی اداری و موازی کاری.

کتاب‌نامه

۱. ادبی فیروزجاه، ج.، ندایی، ط.، محمدی، ح.، و فتاح‌زاده، ف. (۱۳۹۹). اولویت‌بندی و مقایسه مؤلفه‌های گردشگری ورزشی پایدار استان گیلان بین گردشگران ورزشی و جامعه میزبان. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۹(۳)، ۲۴۴-۲۲۷.
۲. اسعدی، ع.، پرتوی، پ.، و حبیبی، ک. (۱۳۹۹). ارزیابی محورهای مطلوب پیاده‌مداری به منظور ارتقای گردشگری شهری مطالعه موردی: بافت مرکزی و تاریخی شهر سقز. *فصلنامه گردشگری شهری*، ۷(۳)، ۳۳-۱۷.
۳. آزاد بخت، ن. (۱۳۹۸). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر توسعه گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر بروجرد). *مطالعات جغرافیای عمران و مدیریت شهری*، ۵(۳)، ۱۲-۱۳۷.
۴. پژوهان، م.، و پورمقدم، ز. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری شهری با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر رشت). *مطالعات شهری*، ۷(۲۷)، ۶۶-۵۳.
۵. پوراحمد، ا.، احمدی فرد، ن. (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ تهران). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۱)، ۹۰-۷۵.
۶. پوراحمد، ا.، احمدی فرد، ن. (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۱)، ۹۰-۷۵.

۷. پوراحمد، ا.، سینی، ع. (۱۳۹۴). بازآفرینی بافت‌های تاریخی شهری جهت توسعه گردشگری فرهنگی. کاشان: همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها..
۸. پوراحمد، ا.، فرهودی، ر.، زنگنه شهرکی، س.، و شفاعت قراملکی، ط. (۱۳۹۹). تبیین الگوی بازآفرینی بافت تاریخی با رویکرد توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر تبریز). *جغرافیا و برنامه ریزی*، ۷۴(۲۴)، ۶۰-۴۳.
۹. تقوایی، م.، و طاهری، ا. (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر بازآفرینی شهری بر گردشگری شهری (مطالعه موردی منطقه سه شهر اصفهان). *مطالعات مدیریت شهری*، ۱۲(۴۱)، ۲۷-۱۶.
۱۰. تیموری، ر.، کرمی، ف.، تیموری، ز.، و صفدری، ا. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر گردشگری مکان‌های تاریخی شهری نمونه موردی: بازار تاریخی کلان‌شهر تبریز. *نشریه گردشگری شهری*، ۱(۱)، ۷۸-۶۳.
۱۱. سرائی، م. ح.، اشنویی، ا.، و شیرپز ارائی، ع. ا. (۱۳۹۴). راهبرد تجدید حیات بافت قدیم شهر آران و بیدگل. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۲(۱)، ۳۷-۲۹.
۱۲. شماعی، ع.، دلفان نسب، م.، و فصیحی، ح. (۱۳۹۹). توسعه گردشگری در محله تجریش با رویکرد بازآفرینی شهری. *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۰(۳۹)، ۸۹۴-۸۷۷.
۱۳. شماعی، ع.، موحد، ع.، و رضاپور میرصالح، ح. (۱۳۹۷). تحلیل نقش بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در توسعه گردشگری شهری. *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، ۹(۳۴)، ۷۱-۵۹.
۱۴. عندلیب، ع.، بیات، ا.، و رسولی، ل. (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول ۱ (بریتانیا). *آمایش محیط*، ۶(۲۳)، ۱۰۴-۷۹.
۱۵. فلاح‌زاده، س.، و محمودی پاتی، ف. (۱۳۹۴). اولویت‌بندی سیاست‌های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تأکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره‌وران. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۴(۱۵)، ۱۶-۵.
۱۶. فیروزبخت، م. (۱۳۹۷). بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر توسعه گردشگری شهری (مورد پژوهی: منطقه یک کلانشهر تهران). *مطالعات جغرافیا و عمران و مدیریت شهری*، ۴(۱)، ۱۲۵-۱۰۹.
۱۷. کریم‌زاده، ع.، شهریاری، ک.، و اردشیری، م. (۱۳۹۷). تحلیلی بر گردشگری شهری در بازآفرینی بافت‌های تاریخی از دیدگاه ساکنین محلی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی: شهر شیراز). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱(۳۲)، ۱۴۰-۱۲۷.
۱۸. نوریان، ف.، و آریانا، ا. (۱۳۹۱). تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری. *هنرهای زیبا*، ۱۷(۲)، ۱۵-۲۸.
۱۹. یادگاری، م.، و تارخ، م. ج. (۱۳۹۶). استفاده از تکنیک دیمتل فازی برای رتبه‌بندی راهبردهای مدیریت دانش. *فصلنامه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران*، ۳۲(۳)، ۷۸۸-۷۶۱.
۲۰. یعقوبی، م.، و شمس، م. (۱۳۹۸). بازآفرینی بافت فرسوده با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر ایلام). *شهر پایدار*، ۲(۱)، ۶۳-۷۷.

22. Domínguez, T., Darcy, S., and Alén González, E. (2014). Competing for the disability tourism market comparative exploration of the factors of accessible tourism competitiveness in Spain and Australia. *Tourism Management*, 47 (2015), 261–272.
23. Hall, C. M. (2011). Policy learning and policy failure in sustainable tourism governance: From first and second-order to third-order change? *Journal of Sustainable Tourism*, 19(4–5), 649–671.
24. Law, C. M. (1992). Urban Tourism and Contribution to Economic Regeneration. *Urban Studies*, 29(3-4), 559-618.
25. Lin, C. L., & Wu, W. W. (2004). A fuzzy extension of the DEMATEL method for group decision making. *European Journal of Operational Research*, 156, 445–455.
26. Ozlem, G. (2009). Urban Regeneration and increased comparative power: Ankara in an era of globalization. *Cities*, 26, 27-37
27. Sepe, M. (2014). Urban transformation, socio-economic regeneration and participation: two cases of creative urban regeneration. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 6(1), 20-41.
28. Silva, F. B., Herrera, M. A. M., Rosina, K., Barranco, R. R., Freire, S., Schiavina, M. (2018). Analyzing spatiotemporal patterns of tourism in Europe at high-resolution with conventional and big data sources. *Tourism Management*, 68, 101-115.
29. Swarbrooke, J., & Horner, S. (2001). *Business Travel and Tourism*. Oxford: Butterworth Heinemann.
30. Tapak, L., Abbasi, H, Mirhashemi, H. (2019). Assessment of factors affecting tourism satisfaction using K-nearest neighborhood and random forest models. *BMC Research Notes*, 12(1), 1-5.
31. Tiago, F., Gil, A., Stemberger, S., Borges-Tiago, T. (2020). Digital sustainability communication in tourism. *Journal of Innovation & Knowledge*, 6, 27-34.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

آینده پژوهی راهبردی کلانشهر اصفهان (بر مبنای آنالیز چالش‌ها با مدل علت و معلولی)

فاطمه دانشور (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مرکز تحقیقات گردشگری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

daneshvar.m773@gmail.com

حمید صابری (استادیار مرکز تحقیقات گردشگری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hamidsaberi2000@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

صص ۱۶۴-۱۴۵

چکیده

عدم وجود نگاه آینده‌پژوهانه در نظام توسعه شهری از عوامل عمده ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته شده است، از این‌رو ضروری است تا آینده را در چارچوب مدل‌های آینده‌پژوهی و با رویکرد برنامه‌ریزی شهری قابل فهم کرده تا از چالش‌های پیش رو با حداقل آسیب عبور نمائیم. این پژوهش، با هدف آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با رویکرد شناخت چالش‌های آینده در حوزه برنامه‌ریزی شهری کلانشهر اصفهان و شناخت راهبردهای اجرایی به منظور کاهش چالش‌ها از دیدگاه متخصصان و مدیران اجرایی نگاشته شده است. در این تحقیق در گام اول با استفاده از نظر خبرگان و کارشناسان اجرایی حوزه مدیریت شهری و مدل دلفی، تعداد ۱۶ عامل به عنوان چالش‌های کلیدی شهر اصفهان در آینده تبیین گردید. در گام دوم از روش دیمتل به منظور تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی عوامل علی و معلولی استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل علی و معلولی دیمتل نشان می‌دهد که عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری، الحاقات به شهر اصفهان و تراکم فروشی شهرداری اصلی‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل در ایجاد بحران‌های آینده شهر اصفهان هستند و در نهایت با استفاده از نظر خبرگان و استفاده از مدل دلفی کارآمدترین راهکارها با توجه به معضلات مطرح شده تبیین و با استفاده از مدل آنالیز چالش‌ها رتبه‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد که مهمترین راهبردهای برون‌رفت از معضلات کلانشهر اصفهان برنامه ریزی و دیدگاه یکپارچه به مسائل شهری و استقرار مدیریت یکپارچه شهری، تهیه و تدوین طرح جامع شهری با رویکردهای نوین و برنامه‌ریزی با مشارکت مردم (مردم برای مردم) است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی شهری، شهر اصفهان، دیمتل فازی، مدل دلفی.

۱. مقدمه

ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه آینده‌مدیریت شهری می‌باشد. در این میان اجماع در عدم کارکرد مناسب این نظام در میان صاحب نظران وجود دارد اما در خصوص راهکار پیشنهادی نیز اختلاف نظر به چشم می‌خورد. عدم وجود نگاه آینده‌پژوهانه در نظام توسعه شهری از عوامل عمده ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته شده است در این میان، راه حل صرفاً مبانی برنامه‌ریزی نیست، بلکه آنچه بیشتر مورد نیاز است، بررسی انتقادی برنامه‌ریزی شهری و تولید مبانی، در راستای ایجاد ساختارهای جدید است. شهر به مثابه موجود زنده و پویا از ابتدای پیدایش دائم در حال تحول است. به تعبیر دیگر، این تحولات سریع زندگی شهری بوده‌اند که مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و مسائل مرتبط با شهرها را به وجود آورده‌اند، از سوی دیگر، آینده‌پژوهی با سرعتی شتابان در حال ارتقای جایگاه خود در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. الگوها و فرآیندهای متفاوتی برای اجرای اثربخش آینده‌پژوهی پدید آمده است که توانسته است تضمینی برای نتایج بهتر سیاست‌گذاری در دولت‌ها باشند. این مسئله سبب شده است که پژوهشگران در پی طراحی پروژه‌های آینده‌پژوهی مرتبط با مسائل شهری باشند. (کوسا^۱، ۲۰۱۱، ص. ۵).

برنامه‌ریزی شهری در واقع به دنبال تأمین رفاه شهروندان، از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم‌تر، مؤثرتر و دلپذیرتر می‌باشد. تلاش برنامه‌ریزان شهری در دوره‌های پیشین نیز معطوف به این اهداف بوده است. اما هر یک از آنها با استفاده از امکانات عصر خود و میزان شناخت از محیط پیرامونی این اهداف را پی گرفته‌اند و در حد پیش‌بینی‌هایی که از آینده و تحولات جامعه و روزگار خود داشته‌اند، توانسته‌اند در تحقق اهدافشان موفق باشند. واقعیت امر این است که برنامه‌ریزی برای آینده بر اساس نیازهای فعلی و یا کمبودهای خدماتی فعلی، سرمایه ملی مناسبی جهت حضور موفق در جهان آینده نیست و برای ایفای نقش در آینده ضرورت دارد با اتکا به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، به طور جدی پیشران‌های توسعه و تحولات آینده بر اساس کلان‌روندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی شده و متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌های جامعه به واکاوی مسائل چالش‌برانگیز کنونی و آینده و برنامه‌ریزی برای حضور موفق در آینده اقدام شود. به مفهوم دیگر امروز ادبیات برنامه‌ریزی از مفاهیم پیش‌بینی، آینده‌نگری و کشف آینده عبور کرده و به حوزه آینده‌پژوهی، که وظیفه‌اش نگاشت آینده و ساخت آن است رسیده است (مقیم، ۱۳۹۵، ص. ۹۶).

به منظور شناخت بیشتر شماری از تحقیقات علمی انجام شده با موضوع آینده‌پژوهی ذکر شده است:

حبیبی و جعفری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "آینده‌پژوهی و آینده کلانشهرها با تاکید بر کلانشهر تهران" با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به ارائه تعاریفی از مفهوم آینده‌پژوهی و ارتباط آن با موضوع کلانشهرها پرداخته‌اند.

نتایج بررسی نشان می‌دهد با توجه به عدم تجربه این موضوع در کشور، استفاده از تجارب کشورهای پیشرو در این زمینه ناگزیر است.

ربانی (۱۳۹۲) در مقاله "آینده‌پژوهی رویکردی نوین در برنامه‌ریزی، با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری" به بررسی برنامه‌ریزی، آینده‌پژوهی، تفاوت‌های برنامه‌ریزی سنتی و آینده‌پژوهی، دلایل استفاده از آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی شهری و محدودیت‌های برنامه‌ریزی در مقابله با آینده‌پژوهی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از محدودیت‌های برنامه‌ریزی شهری با بهره‌گیری از آینده‌پژوهی حل می‌شود.

احدثاد و همکارانش (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان "شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری" با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع که یکی از روش‌های متداول و مورد پذیرش آینده‌نگاری است، و با استفاده از نرم‌افزار میکمک به تحلیل مؤلفه‌های شکوفایی شهری کلانشهر تبریز پرداخته است. بدین منظور ابتدا با مطالعه اسناد فرادست تمامی عوامل دخیل در توسعه و شکوفایی شهری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش دلفی ۷۸ مؤلفه در پنج حوزه به عنوان شاخص‌های شکوفایی شهری استخراج شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل اثرات متقابل / ساختاری به وسیله نرم‌افزار MICMAC استفاده شده است. در نهایت از میان ۷۸ عامل یاد شده پس از بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر و بر وضعیت آینده کلانشهر تبریز با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، ۱۵ عامل کلیدی (نرخ بیکاری، مرگ‌ومیر مادران، میزان سواد، امید به زندگی، مسکن بادوام، ظرفیت حمل‌ونقل عمومی، اشتغال زنان، مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، ضریب جینی، نرخ فقر، مراکز فرهنگی، آلودگی هوا، خانوارهای حاشیه‌نشین، بیکاری جوانان و مدارس دولتی) که بیشترین نقش را در در وضعیت آینده توسعه و شکوفایی کلانشهر تبریز دارند، انتخاب شدند.

پیترا^۱ و جارات^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "عمل آینده‌نگاری در برنامه‌ریزی بلندمدت" دانش عمل آینده‌نگاری را در برنامه‌ریزی بلندمدت از طریق تحلیل رهیافت‌های همکارانه برنامه‌ریزی در دو سازمان مرتبط گسترش دادند. یافته‌های پژوهش به مدیران و پژوهشگران کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی بلندمدت را به عنوان راهبردهای اجرایی در قالب گزینه‌های آینده در حال ظهور در نظر گیرند.

با توجه به چند بعدی بودن مدیریت شهری، می‌توان آن را به یک نظام تشبیه کرد. "نظام عبارت است از ترکیبی از اجزا و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته است و روابط متقابل میان آن‌ها به شکل خاصی سازمان یافته است" (رسنی و بیسون، ۱۳۷۰، ص. ۶۲). در متون مدیریتی، نیز برنامه‌ریزی این گونه تعریف شده است: برنامه‌ریزی شامل رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده با تصمیمات عقلایی است. لذا برنامه‌ریزان شهری باید به عنوان قسمتی از تابع برنامه‌ریزی مدیریت شهری انگاشته شوند. مدیریت و برنامه‌ریزی شهری از جامعیت خاصی برخوردار است و محتوای آن به نسبت عمق ارتباطی که با محیط شهر و

1. Peter

2. Jarratt

ساکنان آن دارد، بسیار گسترده است شاید کمتر دانشی را بتوان یافت که این چنین با رشته‌های مختلف علمی در ارتباط باشد و از تخصص‌های گوناگون بهره بگیرد و در عین حال برای خود رشته‌ای مستقل باشد. امور مربوط به شهر و برنامه‌ریزی شهری از ساماندهی ورودی یک مجتمع تا برنامه‌ریزی حمل و نقل و طراحی هندسی شبکه زیر ساخت‌های شهری و از ساماندهی یک واحد همسایگی تا احداث یک شهر جدید، بدلیل تاثیرگذاری بر انسانها و محیط پیرامون آنها در حال و آینده و تاثیر پذیری از انسان و رفتارهای او نیازمند بررسی موشکافانه وضع موجود و اقدام به پیش بینی و آینده‌نگری‌ها با ابزارهای محک شده پژوهش دارد. از نظر اندیشمندان، برنامه‌ریزی «فرآیندی آگاهانه جهت حل مسائل موجود و دست یابی به مسیری برای ایجاد دگرگونی در نظام اجتماعی است که یک سلسله عملیات اجرایی منظم و پایش شده را با توجه به اولویت‌ها در آینده پیش‌بینی می‌کند» (معصومی اشکوری، ۱۳۸۷، ص. ۱۵).

تخصص آینده‌پژوهی در مدیریت شهری، مبحث جدیدی از استراتژی و رویکردهای قدرتمند برای برنامه‌ریزی بلندمدت، ایجاد کرده است. آیند پژوهان در هر مرحله از فرایند برنامه‌ریزی، از مدیریت استراتژیک حمایت می‌کنند (لوکاس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴، ص. ۱۰). آینده‌پژوهی به عنوان بعدی مکمل در برنامه‌ریزی استراتژیک سعی در برطرف نمودن چالش‌های موجود و تحقق رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی با در نظر داشتن دغدغه‌های زیست محیطی دارد (گربر^۲ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۴۳). برنامه‌ریزی شهری و آینده‌پژوهی هر دو اصولاً به آینده مرتبط‌اند. هر کدام از این دو فعالیت به موضوعات مبهم، چندوجهی و بحث‌انگیز می‌پردازند که نتایج این موضوعات پیچیده و نامشخص است. برنامه‌ریزی شهری و آینده‌پژوهی با وجود بهره‌گیری از روش‌های پیچیده ارائه و مهارت‌های خاص خود که برآمده از شیوه عمل آنها و دشواری‌های روش‌شناختی در متعادل‌سازی دامنه گسترده از فنون، مشارکت‌کنندگان و نگرش‌ها است. دارای شیوه‌های نگرش متفاوت به آینده می‌باشند (رادکلیف^۳ و کراوچک^۴، ۲۰۱۱، ص. ۱۵).

آینده‌پژوهی را می‌توان در سه رهیافت آینده‌پژوهی مشارکتی، آینده‌پژوهی راهبردی (کوسا، ۲۰۱۴، ص. ۳۷) و آینده‌پژوهی سازمانی (روهربرک^۵، ۲۰۱۰، ص. ۱۱) طبقه‌بندی نمود. در این میان، آینده‌پژوهی راهبردی با آینده‌پژوهی مسائل راهبردی مرتبط است. به عبارت دیگر فرایندی است که طی آن توانایی‌های فردی یا سازمانی به منظور درک خطرات و فرصت‌های در حال ظهور، وابستگی‌های مسیر، پیشران‌ها، محرک‌ها، منابع و روابط علت و معلول مرتبط با تصمیمات گزینه بهبود می‌یابد. آنچه آینده‌پژوهی راهبردی را از انواع دیگر آینده‌پژوهی جدا می‌کند توانایی آن در کمک به سازمان‌های (بزرگ) به منظور تعریف شرایط مبارزه و تعیین اینکه وارد مبارزه شود یا خیر می‌باشد (کوسا، ۲۰۱۵، ص. ۱۲).

-
1. Lucas
 2. Gerber
 3. Ratciff
 4. krawczyk
 5. Rohrbeck

شهر اصفهان از جمله شهرهایی است که بعنوان یک کلانشهر در ناحیه مرکزی قرار دارد و به دلیل محدودیتهای فراوان، امروزه با معضلات بسیاری در زمینه شهر روبرو شده است. لذا تحقیق حاضر به دنبال حل این مسئله است که، با دیدگاه آینده‌نگر چالش‌های اساسی کلانشهر اصفهان را روشن نماید. هدف این تحقیق، تعیین رابطه علی و معلولی بین چالش‌های اساسی شهر اصفهان و رتبه بندی راهبردهای اجرایی تبیین شده به کمک روش ترکیبی دمیتل^۱، دلفی^۲ و آنتروپی شانون می‌باشد.

۲. متدولوژی

پژوهش پیش رو از دید هدف، کاربردی بوده و جمع آوری اطلاعات بر اساس تلفیق روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی انجام شده است. منبع و مبنای اصلی داده‌های تجزیه و تحلیل، نظرات کارشناسان و متخصصان است. با توجه به ماهیت موضوع و ادبیات پژوهش، به نظر رسید راه اساسی دستیابی به نتیجه‌ی صحیح و کاربردی، استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان در این زمینه است.

۲.۱. روش دلفی

از آنجایی که کاربرد آینده‌نگری و پیش‌بینی در تکنیک دلفی، نسبت به سایر کاربردهای آن (تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی آن، قضاوت، تسهیل حل مساله، تعیین سیاست‌ها، جمع‌آوری گروهی اطلاعات، تعیین اولویت، هدف‌گذاری، نیاز سنجی و ...) مقدم‌تر است. بنابراین در این پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی از نظرات متخصصین (خبرگان) حوزه‌های مختلف شهری استفاده شده است تا به بررسی معضلات کلانشهر اصفهان و تعیین راهبردهای برون‌رفت از معضلات بپردازد. تکنیک دلفی فرایندی ساختارمند جهت گردآوری اطلاعات در طی راندهای متوالی و در نهایت اجماع گروهی است (حییبی و دیگران، ۲۰۱۴). درحالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سؤال چه هست؟ دارند، دلفی به سؤال چه می‌تواند/ چه باید باشد؟ پاسخ می‌دهد (کندی^۳، ۲۰۰۴، ص. ۵۰۹). در تکنیک دلفی، دیدگاه خبرگان توسط یک هماهنگ‌کننده گردآوری شده و سپس خلاصه نتایج توسط هماهنگ‌کننده در اختیار دیگر اعضا قرار داده می‌شود. سپس افراد براساس خلاصه نتایج مرحله قبل مجدداً دیدگاه خود را تعدیل کرده و مطرح می‌کنند. در نهایت پس از رسیدن به یک اجماع کلی، نتایج در قالب یک گزارش آماری مطرح شده و برای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود (کوان^۴ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۵۵). در عمل، روش دلفی یک سری از پرسشنامه‌ها یا دوره‌های متوالی به همراه بازخورد کنترل شده‌ای است که تلاش دارد به اتفاق نظر میان یک گروه از افراد متخصص در باره یک موضوع خاص دست یابد (سرلک و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۱۲). در این پژوهش متخصصان شامل ۲۰ نفر

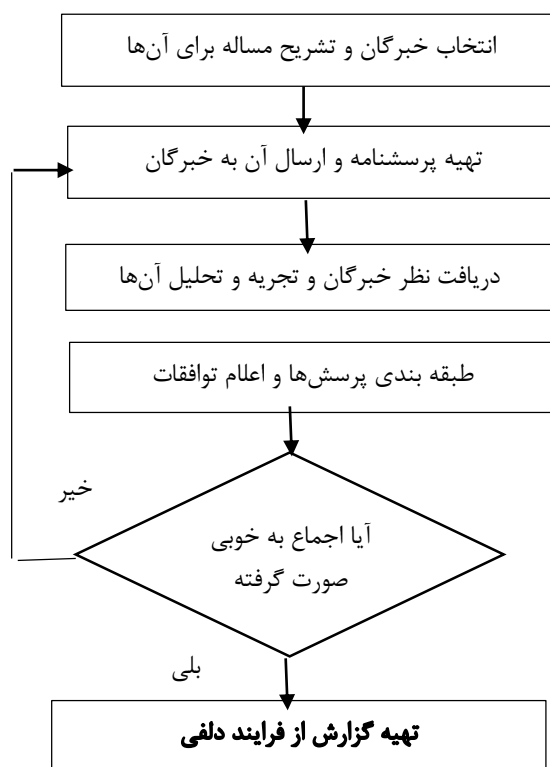
1. DEMATEL

2. Delfi

3. Kennedy

4. Cowan

از کارشناسان شهرداری و سازمان‌های وابسته و متخصصان دانشگاهی در زمینه‌های مختلف مدیریت شهری در شهر اصفهان بودند. مراحل انجام روش دلفی در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. مراحل مدل دلفی

۲.۲. مدل دیمتل فازی

در مرحله دوم، وابستگی‌های متقابل عوامل مذکور با استفاده از روش دیمتل کشف و سلسله مراتب بین عوامل با توجه به مقایسه‌های زوجی و قضاوت خبرگان شناسایی می‌شود. بدین ترتیب سطوح تأثیرات مستقیم و فعل و انفعالات چالش‌ها کمی و فازی شده و در نهایت موجب انتخاب علت‌ها و معلول‌ها در چالش‌ها شده است. در این پژوهش تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان موجب ارائه تکنیک دیمتل در شرایط جدیدی می‌شود. به این ترتیب که با توجه به ماهیت بازه‌ای بودن داده‌ها، روش دیمتل خاکستری ارائه می‌گردد که با استفاده از متغیرهای زبانی، تصمیم‌گیری را در شرایط عدم اطمینان آسان می‌کند.

لین^۱ و وو^۲ (۲۰۰۸) گام‌های زیر را برای انجام روش دیمتل فازی ارائه دادند:

گام اول: تشکیل گروه خبرگان به منظور جمع‌آوری دانش گروهی آنها برای حل مسئله

گام دوم: تعیین معیارهای مورد ارزیابی و همچنین طراحی مقیاس‌های زبانی: در این گام با استفاده از نظرات خبرگان عوامل و شاخص‌های پژوهش شناسایی شده است. مقیاس‌های زبانی مورد استفاده در این روش و مقادیر متناظر با آنها در جدول شماره (۱) آمده است. اعداد فازی مورد استفاده در این پژوهش از نوع فازی مثلثی هستند.

جدول ۱. عبارات زبانی مورد استفاده و اعداد فازی متناظر

عبارات زبانی	معادل قطعی	اعداد فازی مثلثی
بدون تاثیر (No)	۰	(۰, ۰, ۰/۲۵)
تاثیر خیلی کم (VL)	۱	(۰, ۰/۲۵, ۰/۵)
تاثیر کم (L)	۲	(۰/۲۵, ۰/۵, ۰/۷۵)
تاثیر زیاد (H)	۳	(۰/۵, ۰/۷۵, ۱)
تاثیر خیلی زیاد (VH)	۴	(۰/۷۵, ۱, ۱)

مأخذ: (شیه^۱ و همکاران، ۲۰۱۰)

گام سوم: ایجاد ماتریس فازی ارتباط مستقیم اولیه با جمع‌آوری نظرات خبرگان. برای اندازه‌گیری روابط بین معیارها باید آن‌ها را در یک ماتریس مربعی قرار داده و از خبرگان خواسته شود، آنها را به صورت زوجی و بر اساس میزان تأثیرشان بر یکدیگر با هم مقایسه کنند. در این نظرسنجی، خبرگان نظرات خود را بر اساس جدول ۲ بیان خواهند کرد. با فرض اینکه به تعداد n معیار و p خبره داشته باشیم؛ p ماتریس فازی داریم، که هر یک متناظر با نظرات یک خبره همراه با اعداد فازی مثلثی به عنوان عناصر آن خواهند بود.

گام چهارم: نرمال سازی ماتریس فازی ارتباط مستقیم. بدین منظور، از تبدیل مقیاس خطی به عنوان فرمول نرمال‌سازی برای تبدیل مقیاس‌های معیارها به معیارهای قابل مقایسه استفاده شده است.

$$\bar{a}_{ij} = \sum_{j=1}^n \bar{z}_{ij} = \left(\sum_{j=1}^n l_{ij}, \sum_{j=1}^n m_{ij}, \sum_{j=1}^n r_{ij} \right) \text{ and } r = \max_{1 \leq i \leq n} \left(\sum_{j=1}^n r_{ij} \right)$$

$$\bar{X} = \begin{bmatrix} \bar{X}_{11} & \bar{X}_{12} & \cdots & \bar{X}_{1n} \\ \bar{X}_{21} & \bar{X}_{22} & \cdots & \bar{X}_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \bar{X}_{m1} & \bar{X}_{m2} & \cdots & \bar{X}_{mn} \end{bmatrix} \text{ and } \bar{X}_{ij} = \frac{\bar{z}_{ij}}{r} = \left(\frac{l_{ij}}{r}, \frac{m_{ij}}{r}, \frac{r_{ij}}{r} \right)$$

گام پنجم: محاسبه ماتریس فازی ارتباط کل.

در این گام ابتدا معکوس ماتریس نرمال محاسبه می شود و سپس آن از ماتریس I کم شده و در انتها ماتریس نرمال در ماتریس حاصل ضرب می گردد.

$$[l'_{ij}] = X_l \times (I - X_l)^{-1}$$

$$[m'_{ij}] = X_m \times (I - X_m)^{-1}$$

$$[r'_{ij}] = X_r \times (I - X_r)^{-1}$$

گام ششم: ایجاد و تجزیه و تحلیل نمودار علی.

بدین منظور، ابتدا جمع عناصر هر سطر (Di) و جمع عناصر هر ستون (Ri) از ماتریس فازی محاسبه می شود. سپس به راحتی مقادیر D+R و D-R به دست می آید. برای ترسیم نمودار علی باید مانند روش دیمتل قطعی، این دو مقدار را غیر فازی کرد. در اینجا برای غیرفازی سازی این دو مقدار از روش CFCS استفاده شده است. بعد از غیر فعال سازی اعداد، یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم شده است. در این دستگاه، محور طولی مقادیر D+R را نشان داده و D-R محور عرضی می باشد.

بنابراین، بردار افقی در دستگاه مختصات، میزان تاثیر و تاثیر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر، هر چه این مقدار برای یک عامل بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. بردار عمودی دستگاه مختصات، قدرت تاثیرگذاری هر عامل را نشان می دهد. به طور کلی اگر این مقدار برای یک عامل مثبت باشد، یک متغیر علی محسوب شده و اگر منفی باشد، یک متغیر معلول محسوب می شود.

۳. ۲. روش وزندهی آنتروپی شانون

آنتروپی یک مفهوم بسیار با اهمیت در علوم اجتماعی، فیزیکی و تئوری اطلاعات می باشد. وقتی که داده های یک ماتریس تصمیم گیری به طور کامل مشخص باشد، می توان از روش آنتروپی برای ارزیابی وزن ها استفاده کرد. ایده روش فوق، این است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است. آنتروپی در نظریه اطلاعات، یک معیار عدم اطمینان است که با توزیع احتمال مشخص P_i بیان می شود.

اندازه گیری این عدم اطمینان (E_i) توسط شانون، به صورت زیر بیان شده است:

رابطه ۱:

$$E_i = S(P_1, P_2, \dots, P_n) = -k \sum_{i=1}^n [P_i - \ln p_i]$$

k مقداری ثابت است و به منظور این که E_i بین صفر و یک باشد، اعمال می‌شود. E از توزیع احتمال P_i بر اساس مکانیزم آماری، محاسبه شده و مقدار آن در صورت تساوی P_i با یکدیگر (یعنی $P_i = \frac{1}{n}$)، ماکزیمم مقدار ممکن خواهد بود که بدین صورت محاسبه می‌شود:

رابطه ۲:

$$-k \sum_{i=1}^n P_i - \ln P_i = -k \left\{ \frac{1}{n} \ln \frac{1}{n} + \frac{1}{n} \ln \frac{1}{n} + \dots + \frac{1}{n} \ln \frac{1}{n} \right\} = -k \left\{ \ln \frac{1}{n} \left(\frac{n}{n} \right) \right\} = -k \times \ln \frac{1}{n}$$

k به عنوان مقدار ثابت، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

رابطه ۳:

$$k = \frac{1}{\ln(m)}$$

"ماتریس تصمیم‌گیری"، حاوی اطلاعاتی است که آنتروپی می‌تواند به عنوان معیار برای ارزیابی آن به کار می‌رود. فرض کنید که ماتریس تصمیم‌گیری، به صورت زیر است.

جدول ۲. نظرات تصمیم‌گیرندگان درباره شاخص‌ها

شاخص افراد	C_1	C_2	...	C_n
N_1	a_{11}	a_{12}	...	a_{1n}
N_2	a_{21}	a_{22}	...	a_{2n}
$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$	$\ddots$	$\vdots$
N_m	a_{m1}	a_{m2}	...	a_{mn}
W_j	W_1	W_2	...	W_n

مأخذ: (لی و همکاران، ۲۰۱۰)

a_{ij} : نظر فرد i ام درباره شاخص j ام است.

با استفاده از این ماتریس، P_{ij} به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} \quad ; \quad \forall_{i,j} \quad \text{رابطه ۴:}$$

و آنتروپی شاخص j ام (E_j) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}] \quad ; \quad \forall_j \quad \text{رابطه ۵:}$$

عدم اطمینان یا درجه‌ی انحراف (d_j) از اطلاعات به دست آمده برای شاخص j بیان می‌کند که شاخص مربوطه، چه میزان اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، در اختیار تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهد. مقدار (d_j) به صورت زیر به دست می‌آید:

$$d_j = 1 - E_j ; \quad \forall_j \quad \text{رابطه ۶:}$$

سپس مقدار وزن w_j به صورت زیر به دست می آید:

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} ; \quad \forall_j \quad \text{رابطه ۷:}$$

اگر تصمیم گیرنده از قبل، وزن دهی مشخص مثل λ_j را برای شاخص j در نظر گرفته باشد، در این صورت وزن تعدیل شده (w'_j)، به شرح زیر محاسبه می شود:

$$w'_j = \frac{\lambda_j w_j}{\sum_{j=1}^n \lambda_j w_j} ; \quad \forall_j \quad \text{رابطه ۸:}$$

در این پژوهش، از قبل وزن دهی مشخصی (λ_j) در نظر گرفته نشده است، بنابراین محاسبه اوزان تعدیل شده (w'_j) متفی است.

۳. یافته ها

۳.۱. چالش های اجماع یافته و رابطه علی و معلولی چالش ها در کلانشهر اصفهان

ابتدا با استفاده از نتایج دلفی و اجماع نظرات متخصصان پانل های شرکت کننده مهمترین معضلات کلانشهر اصفهان شناسایی شد. متخصصان در ۱۶ معضل آینده کلانشهر اصفهان اجماع نظر داشتند که در جدول شماره (۳)، بیان شده است. هر معضل با یک علامت اختصاری معرفی شده است و سپس با استفاده از نظر متخصصان و مدل دیمتل فازی رابطه علی و معلولی چالش های کلانشهر اصفهان تعیین شده است. به منظور خلاصه شدن تنها جدول مقایسات زوجی چالش ها توسط خبرگان ذکر شده است.

جدول ۳. چالش های اجماع یافته از دیدگاه متخصصان

شماره	علامت اختصاری	عنوان
۱	C_1	خشکسالی و کمبود منابع آبی
۲	C_2	آلودگی هوا و ریزگردها
۳	C_3	بحران زاینده رود
۴	C_4	توسعه نامتناسب شهری
۵	C_5	مهاجرت
۶	C_6	افزایش جمعیت و تراکم نامتوازن جمعیت
۷	C_7	آلودگی های زیست محیطی
۸	C_8	الحاقات به شهر اصفهان
۹	C_9	فرونشست
۱۰	C_{10}	وجود صنایع آب بر و آلوده کننده
۱۱	C_{11}	معضلات ترافیکی

شماره	علامت اختصاری	عنوان
۱۲	C ₁₂	حاشیه نشینی
۱۳	C ₁₃	بافت فرسوده
۱۴	C ₁₄	عدم مشارکت اجتماعی
۱۵	C ₁₅	تراکم فروشی شهرداری
۱۶	C ₁₆	عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

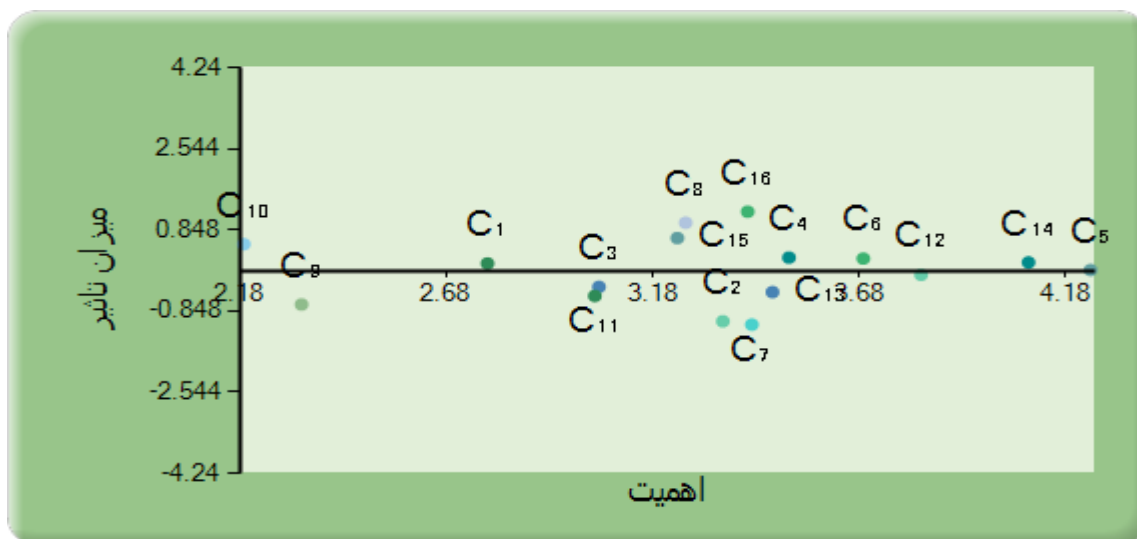
مرحله بعدی میزان اهمیت شاخص‌ها $(\bar{D}_i + \bar{R}_i)$ و رابطه بین معیارها $(\bar{D}_i - \bar{R}_i)$ مشخص می‌گردد. اگر $\bar{D}_i - \bar{R}_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $\bar{D}_i - \bar{R}_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول (۶)، $\bar{D}_i + \bar{R}_i$ و $\bar{D}_i - \bar{R}_i$ را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر حاصل مثبت باشد آن عامل، متعلق به گروه عامل است و اگر منفی باشد، آن عامل، متعلق به گروه معلول است (سانگ^۱ و کائو^۲، ۲۰۱۷، ص ۵). جدول ۴ اعداد قطعی شده میزان اهمیت و تاثیرگذاری چالش‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. اهمیت و تاثیرگذاری چالش‌ها (اعداد قطعی)

معیار	$(\bar{D}_i + \bar{R}_i)^{def}$	$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def}$
معیار ۱	۲/۷۸	۰/۱۵
معیار ۲	۳/۳۵	۱/۰۶-
معیار ۳	۳/۰۵	۰/۳۴-
معیار ۴	۳/۵۱	۰/۲۷
معیار ۵	۲۴/۴	۰/۰۱
معیار ۶	۳/۶۹	۰/۲۵
معیار ۷	۳/۴۲	۱/۱۳-
معیار ۸	۳/۲۶	۱
معیار ۹	۲/۳۳	۰/۷۱-
معیار ۱۰	۲/۱۹	۰/۵۵
معیار ۱۱	۳/۰۴	۰/۵۳-
معیار ۱۲	۳/۸۳	۰/۰۹-
معیار ۱۳	۳/۴۷	۰/۴۵-
معیار ۱۴	۴/۰۹	۰/۱۷
معیار ۱۵	۳/۲۴	۰/۶۸
معیار ۱۶	۳/۴۱	۱/۲۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

شکل ۲، میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. محور افقی نمودار اهمیت معیارها و محور عمودی تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری معیارها را نشان می‌دهد.

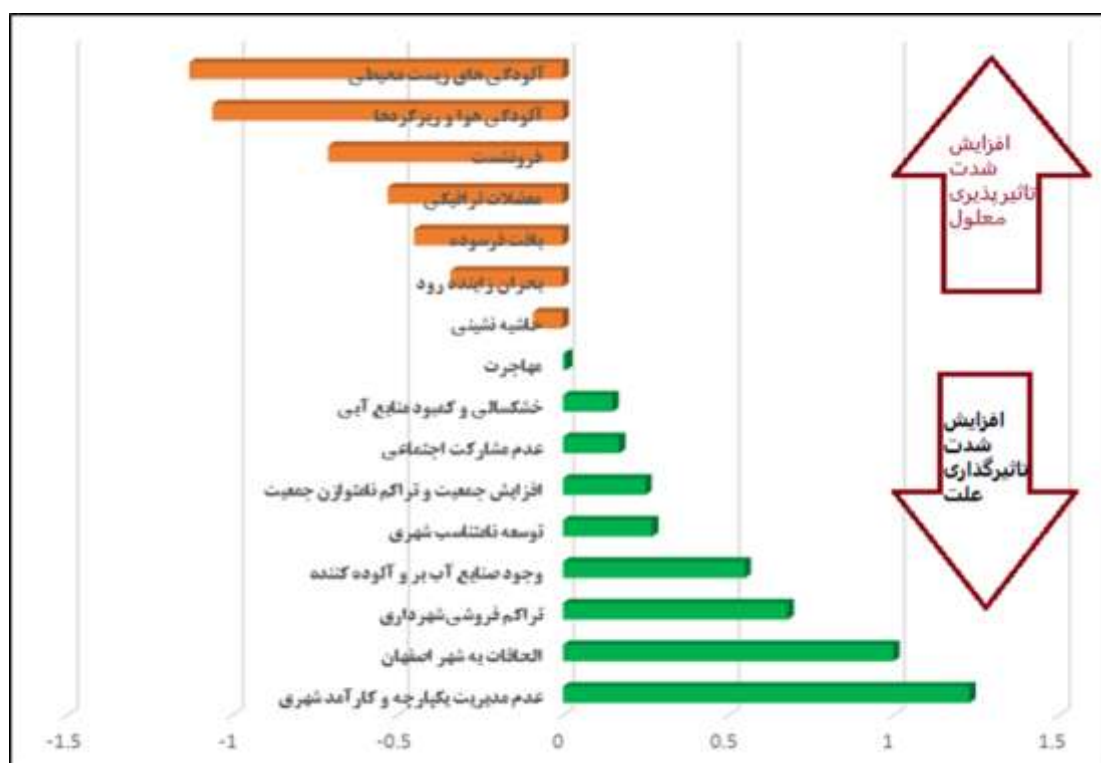


شکل ۲. نمودار روابط و اهمیت چالش‌ها

جدول ۵. الویت بندی چالش‌ها بر اساس روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

نوع	$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def}$	اولویت بندی بر اساس شدت اثر گذاری خالص در سیستم	$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def} < 0$	$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def}$	اولویت بندی بر اساس اثر پذیری خالص در سیستم
$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def} > 0$ معیارهای تأثیرگذار	۱/۲۳	عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری	$(\bar{D}_i - \bar{R}_i)^{def} < 0$ معیارهای تأثیرپذیر	-۰/۰۹	حاشیه نشینی
	۱	الحاقات به شهر اصفهان		-۰/۳۴	بحران زاینده رود
	۰/۶۸	تراکم فروشی شهرداری		-۰/۴۵	بافت فرسوده
	۰/۵۵	وجود صنایع آب بر و آلوده کننده		-۰/۵۳	معضلات ترافیکی
	۰/۲۷	توسعه نامتناسب شهری		-۰/۷۱	فرونشست
	۰/۲۵	افزایش جمعیت و تراکم نامتوازن جمعیت		-۱/۰۶	آلودگی هوا و ریزگردها
	۰/۱۷	عدم مشارکت اجتماعی		-۱/۱۳	آلودگی های زیست محیطی
	۰/۱۵	خشکسالی و کمبود منابع آبی			
	۰/۰۱	مهاجرت			

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)



شکل ۳. نمودار تاثیرگذاری و تاثیرپذیری چالش‌ها

همان‌طور که شکل‌های (۲) و (۳) و جداول شماره (۴) و (۵) نشان می‌دهد، از میان ۱۶ چالش شناخته شده، چالش‌های عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری، الحاقات به شهر اصفهان، تراکم فروشی شهرداری، وجود صنایع آب بر و آلوده‌کننده، توسعه نامتناسب شهری، افزایش جمعیت و تراکم نامتوازن جمعیت، عدم مشارکت اجتماعی، خشکسالی و کمبود منابع آبی و مهاجرت، در دسته چالش‌های علی قرار گرفته‌اند و بطور قطع از چالش‌های تاثیرگذار هستند.

نتایج نهایی نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی، بحران زاینده‌رود، بافت فرسوده، معضلات ترافیکی، فروشنستی، آلودگی هوا و ریزگردها و آلودگی‌های زیست‌محیطی در دسته چالش‌های معلول قرار گرفته‌اند که بطور قطع از چالش‌های تأثیرپذیر هستند.

نتایج جدول (۵) و نمودار (۳)، نشان می‌دهد که چالش عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری (C16) با بیشترین مقدار قسمت بالای نمودار هستند و این چالش با مقدار D-R (۱/۲۳) تأثیرگذارترین چالش است. به عبارت دیگر این چالش زمینه‌ساز سایر چالش‌ها است.

هر چه مقدار D-R چالش‌های تأثیرگذار بیشتر باشد، دامنه شمول آن بر چالش‌های تأثیرپذیر افزایش یافته و مدیریت صحیح آن اثر بهتر و بیشتری بر کنترل سایر چالش‌ها دارد. این به آن معناست که رتبه‌بندی به دست آمده،

راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی شهری چالش‌های شهری است و اولویت را به چالش‌های تأثیرگذار با امتیاز بالاتر اختصاص می‌دهد.

آلودگی‌های زیست‌محیطی (C8) تأثیرپذیرترین عامل است و مسئله اصلی در بحران‌های کلانشهر اصفهان است که توسط سایر عوامل می‌تواند حل شود.

عامل "مهاجرت" (C5) مشارکت اجتماعی (C14) و حاشیه‌نشینی (C12) تأمل زیادی با عوامل دیگر دارند و دارای اهمیت زیادی در بین چالش‌ها است.

در مرحله پایانی اجماع در مهمترین راه‌کارهای حل معضلات و چالش‌های آینده کلانشهر اصفهان جمع‌آوری شده و ذکر شده است.

۲.۳. راهبردهای اجماع یافته و وزن‌دهی راهبردها با آنتروپی شانون

در نهایت با استفاده از نتایج دلفی و اجماع نظرات متخصصان پانل‌های شرکت کننده مهمترین راهبردهای برون‌رفت از معضلات کلانشهر اصفهان شناسایی شد متخصصان در ۱۵ راهبرد جهت حل معضلات کلانشهر اصفهان اجماع نظر داشتند که در جدول (۶) بیان شده است. هر راهبرد با یک علامت اختصاری معرفی شده است و سپس با استفاده از نظر متخصصان و مدل آنتروپی شانون راهبردها وزن‌دهی شده است. راهبردها بصورت کلی از قبیل برنامه‌ریزی و دیدگاه یکپارچه به مسائل شهری و استقرار مدیریت یکپارچه شهری، برنامه‌ریزی با مشارکت مردم (مردم برای مردم)، تهیه و تدوین طرح جامع شهری با رویکرد‌های نوین و تدوین برنامه‌راهبردی کلانشهر اصفهان با توجه به وضعیت موجود و یا بصورت موضعی از قبیل ایجاد محدودیت برای صنایع آب‌بر و آلوده کننده، تدوین و طراحی الگوی ساخت و ساز با توجه به هویت و ویژگی‌های شهر اصفهان، ساماندهی و ارتقاء بافت‌های فرسوده و ایجاد محدودیت برای صنایع آب‌بر و آلوده کننده است.

جدول ۶. راهبردهای اجماع یافته از دیدگاه متخصصان

ردیف	راهبردها	علامت اختصار
۱	ایجاد محدودیت برای صنایع آب‌بر و آلوده کننده	S1
۲	تدوین و طراحی الگوی ساخت و ساز با توجه به هویت و ویژگی‌های شهر اصفهان	S2
۳	ساماندهی و ارتقاء بافت‌های فرسوده	S3
۴	برنامه‌ریزی و دیدگاه یکپارچه به مسائل شهری و استقرار مدیریت یکپارچه شهری	S4
۵	استقرار یک برنامه جامع حمل و نقل عمومی با توجه به نیاز شهر و گسترش حمل و نقل عمومی	S5
۶	برنامه‌ریزی با مشارکت مردم (مردم برای مردم)	S6
۷	تهیه و تدوین طرح‌های آمایش با رویکرد حفظ محیط زیست	S7
۸	لزوم ارزیابی پروژه‌ها توسط شهروندان و کارشناسان	S8
۹	مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های شهری	S9
۱۰	توجه به الگوی رشد جمعیت در طرح‌های شهری	S10
۱۱	روتن کسب و کار در روستاها و شهرهای کم جمعیت اطراف به منظور جلوگیری از مهاجرت	S11

ردیف	راهبردها	علامت اختصار
۱۲	تهیه و تدوین طرح جامع شهری با رویکرد های نوین	S12
۱۳	تدوین برنامه راهبردی کلانشهر اصفهان با توجه به وضعیت موجود	S13
۱۴	حل مسائل اجتماعی و فرهنگی شهر و کاهش تضادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه	S14
۱۵	مطالعه عوامل و پیامدهای مهاجرت و راهکارهای جلوگیری از مهاجرت به شهر اصفهان و ساماندهی مطالعه جمعیت سیار شهری	S15

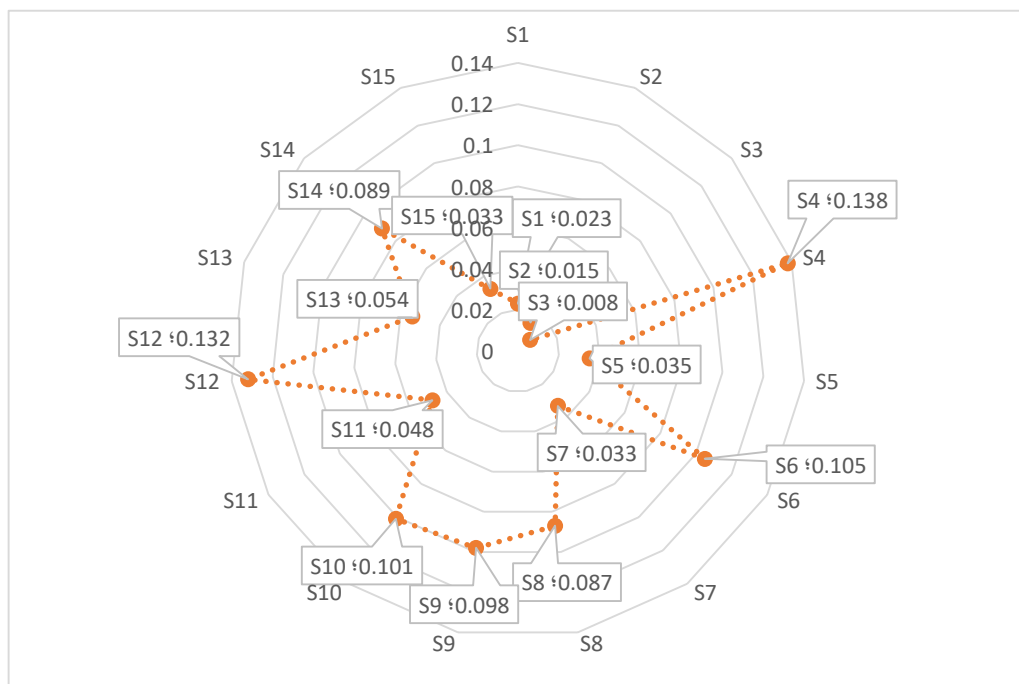
مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول (۷) و شکل (۴) وزن نهایی راهبردها با آنتروپی شانون را نشان می دهد چنانچه نتایج نهایی نشان می دهد راهبردهای S4 ، S12 ، S6 ، S10 و S9 دارای بیشترین اهمیت از دید متخصصان است برنامه ریزی و دیدگاه یکپارچه به مسائل شهری و استقرار مدیریت یکپارچه شهری، تهیه و تدوین طرح جامع شهری با رویکرد های نوین، برنامه ریزی با مشارکت مردم (مردم برای مردم)، توجه به الگوی رشد جمعیت در طرح های شهری و مشارکت بخش خصوصی در طرح های شهری پنج راهبرد اصلی از دید کارشناسان و متخصصان است.

جدول ۷. وزن نهایی راهبردهای اجماع یافته از دیدگاه متخصصان

ردیف	راهبردها	مقدار آنتروپی (Ej)	مقدار عدم اطمینان (dj)	وزن راهبرد (Wj)	رتبه
۱	S1	۰/۹۹۸	۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۱۳
۲	S2	۰/۹۹۹	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۱۴
۳	S3	۰/۹۹۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۱۵
۴	S4	۰/۹۸۷	۰/۰۱۳	۰/۱۳۸	۱
۵	S5	۰/۹۹۷	۰/۰۰۳	۰/۰۳۵	۱۰
۶	S6	۰/۹۹	۰/۰۱	۰/۱۰۵	۳
۷	S7	۰/۹۹۷	۰/۰۰۳	۰/۰۳۳	۱۱
۸	S8	۰/۹۹۲	۰/۰۰۸	۰/۰۸۷	۷
۹	S9	۰/۹۹۱	۰/۰۰۹	۰/۰۹۸	۵
۱۰	S10	۰/۹۹۱	۰/۰۰۹	۰/۱۰۱	۴
۱۱	S11	۰/۹۹۶	۰/۰۰۴	۰/۰۴۸	۹
۱۲	S12	۰/۹۸۸	۰/۰۱۲	۰/۱۳۲	۲
۱۳	S13	۰/۹۹۵	۰/۰۰۵	۰/۰۵۴	۸
۱۴	S14	۰/۹۹۲	۰/۰۰۸	۰/۰۸۹	۶
۱۵	S15	۰/۹۹۷	۰/۰۰۳	۰/۰۳۳	۱۲

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)



شکل ۴. نمودار اوزان نهایی راهبردهای اجماع یافته

۴. بحث

شهر به عنوان پیچیده‌ترین محصول بشر، در طول تاریخ فرایند تکاملی خود را پیموده است و با موضوعات و مشکلات پیچیده و متنوعی روبه‌رو بوده و این امر منجر به دشواری برنامه‌ریزی آن شده است و به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل و متناسب با این تحولات مدیریت شهری جدید می‌طلبد. این مدیریت شامل برخوردی نوین با مسئله مدیریت مناطق شهری است. امروزه علم و هنر آینده پژوهی چنین تغییر نگرشی را برای ما فراهم نموده تا بتوان با بکارگیری رویکردهای نوین متناسب با این نگرش با مسائل و مشکلات شهری مقابله کرد. آینده پژوهی شامل احتمال نگرش به آینده در سطوح مختلف به منظور درک بهتر تغییرات بین انسان، جامعه و محیط آنها است، شاید مهمترین دلیل استفاده از آینده پژوهی، کمک به تعیین آنچه نمی‌دانیم، اما باید بدانیم، می‌باشد تا بتوان تصمیمات هوشمندانه‌تری اتخاذ کرد. آینده پژوهی راهبردی با مسائل راهبردی مرتبط بوده و فرایندی است که طی آن توانایی‌های فردی یا سازمانی برای درک خطرات در حال ظهور افزایش می‌یابد که در این پژوهش به شناخت چالش‌های آینده در حوزه برنامه‌ریزی شهری کلانشهر اصفهان و شناخت راهبردهای اجرایی به منظور کاهش چالش‌ها از دیدگاه متخصصان و مدیران اجرایی پرداخته شده است. دستیابی به راهبردهای برون‌رفت از معضلات شهری مبتنی بر آینده پژوهی در کلانشهر اصفهان، نیازمند شناخت معضلات و چالش‌های موجود کلانشهر اصفهان می‌باشد. بدین منظور اولین گام شناخت چالش‌ها و راهبردهای آینده پژوهی با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان فعال در محدوده مورد مطالعه است که در این تحقیق در پیل متشکل از خبرگان

تشریح و بررسی شد و مهمترین معضلات کلانشهر اصفهان و راهبردها و زندگی و رتبه بندی شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که چالش عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری تأثیرگذارترین چالش است و این چالش زمینه ساز سایر چالش ها است. در همین چارچوب، جمالی نژاد و ضرابی (۱۳۸۹) نیز به اهمیت مدیریت هماهنگ شهری اشاره کرده اند. مفهوم مدیریت هماهنگ، یک نوع نگاه یکپارچه از نقش های توسعه اجتماعی، رشد اقتصادی و حفظ محیط زیست ارائه می دهد و برای رسیدن به توسعه پایدار و حفظ ذخیره های سرمایه ای نیاز به روش های مدیریتی یکپارچه و ارتقادهنده را توصیه می نماید. دومین راهبرد تدوین طرح جامع شهری با رویکرد های نوین است، نتایج مطالعات صرافی و همکارانش (۱۳۹۴) نیز نشان می دهد که با وجود تحولات گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی در کشور و به تبع آن افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی، وضعیت برنامه ریزی شهری در ایران تغییر چندانی نکرده است و طرح های شهری همچنان بر همان سبک و سیاق گذشته تهیه می شوند. نگاهی گذرا به بازخورد طرح های شهری اجرا شده در کشور می تواند تردیدهای جدیدی را نسبت به روش کنونی و سستی برنامه ریزی ایجاد کند. سومین راهبرد موثر شناخته شده برنامه ریزی با مشارکت مردم است که با نتایج مطالعات مطالعات حسینی و همکارانش (۱۳۹۲) مطابقت دارد، که رابطه مستقیم و معناداری میان مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه شهر و بهبود سطح پایداری توسعه شهر را تایید می کند. جامعیت فضایی و معضلات شناسایی شده و راهبردهای تبیین شده با توجه به ویژگی های شهر اصفهان است و تنها برای این شهر قابل بررسی و اجرا است.

۵. نتیجه گیری

هدف این پژوهش، آینده پژوهی در برنامه ریزی و مدیریت شهری با رویکرد شناخت چالش های آینده در حوزه برنامه ریزی شهری کلانشهر اصفهان و شناخت راهبردهای اجرایی به منظور کاهش چالش ها از دیدگاه متخصصان و مدیران اجرایی است. در این مقاله با استفاده از روش دلفی و دیمیتل فازی مبنای آنالیز چالش ها با مدل علت و معلولی به این موضوع پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد، عدم مدیریت یکپارچه و کارآمد شهری، الحاقات به شهر اصفهان و تراکم فروشی شهرداری اصلی ترین و تأثیرگذارترین عوامل در ایجاد بحران های آینده شهر اصفهان هستند. در نهایت با استفاده از نظر خبرگان و استفاده از مدل دلفی فازی، کارآمدترین راهکارها با توجه به معضلات مطرح شده تعیین و با استفاده از مدل آنتروپی شانون رتبه بندی شده است. نتایج نشان می دهد که مهمترین راهبردهای برون رفت از معضلات کلانشهر اصفهان برنامه ریزی و دیدگاه یکپارچه به مسائل شهری و استقرار مدیریت یکپارچه شهری، تهیه و تدوین طرح جامع شهری با رویکردهای نوین و برنامه ریزی با مشارکت مردم (مردم برای مردم) است. بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر ارائه شده است:

به منظور ایجاد مدیریت شهری یکپارچه، بر طرف نمودن ناهماهنگی و تفرقه موجود در میان نظام‌های مدیریت شهری امری ضروریست، که این مهم با هماهنگی و از طریق نزدیکی اهداف و دیدگاه‌ها، یکپارچگی عملکردها و سیستم‌ها و کارآمدتر کردن فرایندها بدست خواهد آمد.

مدیریت یکپارچه شهری نیازمند بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در تمامی بخش‌هاست. از شهروندان و بخش خصوصی گرفته تا نهادهای غیر دولتی و دولت و جامعه جهانی از طریق بهره‌گیری و استفاده از تجربیات آنهاست. تمرکززدایی از ساختارهای دولتی، بالا بردن دانش درون سازمانی و تغییر الگوی های سستی مدیریت، استفاده از تکنولوژی پیشرفته و تقویت هماهنگی و تعامل سازمان‌ها و نهادهای درگیر مدیریت شهری و البته با مشارکت شهروندی همراه با آموزش و ترویج فرهنگ مشارکت در امور شهری. واگذاری کارهای حوزه شهری به خود مردم است که در ابتدا می‌توان این مهم را از سطح محله‌ای آغاز نمود.

کتاب‌نامه

۱. احد نژاد، م.، حاضری جیقه، ص.، مشکینی، ا.، و پیری، ع. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۹(۳۲)، ۳۰-۱۵.
۲. اصغریور، م. ج. (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری گروهی و نظریه بازی‌ها با نگرش تحقیق در عملیات. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. امیری، م.، نوروزی، ش.، و نجاری، ع. (۱۳۹۴). بهینه سازی مدیریت شبکه حمل و نقل اضطراری کلان شهر تهران پس از سوانح طبیعی با رویکرد آینده پژوهی. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی - انسانی، ۹۱(۴۷)، ۱۴۳-۱۵۷.
۴. حبیبی، ل و جعفری مهرآبادی، (۱۳۸۹). آینده پژوهی و آینده کلانشهرها با تاکید بر کلانشهر تهران، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چش انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۹، صص ۶۲-۵۵۴.
۵. حسینی، ه.، حسینی، ق.، میره، م.، و زنگنه، ی. (۱۳۹۲). پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: شهر سبزوار). جغرافیا و پایداری محیط، ۳(۱)، ۶۱-۶۶.
۶. ربانی، ط. (۱۳۹۲). آینده پژوهی رویکردی نوین در برنامه‌ریزی، با تاکید بر برنامه ریزی شهری". اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان. قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) واحد قزوین.
۷. رسنی، ژ.، و بیسون، ج. (۱۳۷۰). روش تفکر سیستمی. ترجمه امیرحسین جهانگللو، تهران: انتشارات پیشبرد و مفهوس.
۸. صرافی، م.، توکلی‌نیا، ج.، و چمنی مقدم، م. (۱۳۹۳). جایگاه برنامه‌ریز در فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران. فصلنامه مطالعات شهر، ۳(۱۲)، ۱۹-۳۲.
۹. ضرابی، ا.، جمالی‌نژاد، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش مدیریت هماهنگ شهری در تحقق بخشی میزان امنیت اجتماعی مورد پژوهی: استان اصفهان. نشریه مدیریت شهری، ۱(۲۶)، ۲۴۰-۲۲۵.

۱۰. معصومی اشکوری، ح. (۱۳۸۷). راهنمای علمی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات پیام.
۱۱. مقیمی، ا. (۱۳۹۴). معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه‌ریزی شهری، معماری و صنعت ساختمان. نشریه مدیریت شهری، ۱۴ (۳۸)، ۷۵-۱۰۴.
12. Chen, S. J., Hwang, C.L., and Howang, F.P. (1992). Fuzzy multiple attribute decision making, Lecture Note in Economics and Mathematical System, 375.
13. Conder, S., & Lawton, K. (2001). *Alternative Futures for Transportation and Land Use—Integrated Models Contrasted with “Trend-Delphi” Methods: The Portland Metro Results*. Washington, DC: Transportation Research Board.
14. Cowan, D., Brunero, S., Lamont, S., & Joyce, M. (2015). Direct care activities for assistants in nursing in inpatient mental health settings in Australia: A modified Delphi study. *Collegian*, 22(1), 53-60.
15. Ervin, O. L. (1977). A delphi study of regional industrial land-use. *Review of Regional Studies*, 7(1), 42-58.
16. Gerber, A. S., & Green, D. P. (2005). Correction to Gerber and Green (2000), replication of disputed findings, and reply to Imai (2005). *American Political Science Review*, 99(2), 301-313.
17. Ho, Y. F., & Wang, H. L. (2008). Applying fuzzy Delphi method to select the variables of a sustainable urban system dynamics model. In *Proceedings of the 26th International Conference of System*. [http:// www. systemdynamics. org/ conferences/ 2008/ proceed/](http://www.systemdynamics.org/conferences/2008/proceed/) (accessed on 15/ May/ 2011).
18. Ho, Y. F., & Wang, H. L. (2008, July). Applying fuzzy Delphi method to select the variables of a sustainable urban system dynamics model. In *Proceedings of the 26th International Conference of System*. [http://www. systemdynamics. Org/ conferences/ 2008/ proceed/](http://www.systemdynamics.Org/conferences/2008/proceed/) (accessed on 15/May/2011).
19. Hou, H., Liu, Y., Liu, Y., Wei, X., He, Q., & He, Q. (2015). Using inter-town network analysis in city system planning: A case study of Hubei Province in China. *Habitat International*, 49, 454-465.
20. Kennedy, H. P. (2004). Enhancing Delphi research: methods and results. *Journal of advanced nursing*, 45(5), 504-511.
21. Krawczyk, E., & Ratcliffe, J. (2005). Imagine ahead, plan backwards: prospective methodology in urban and regional planning. *Futures Academy, Dublin Institute of Technology*.
22. Kuosa, T. (2014). Towards strategic intelligence. *Foresight, Intelligence and Policy Making, Helsinki, Dynamic Futures*.
23. Lee, Y., Li, M., Yen, H., & Huang, T. (2010). Analysis of adopting an integrated decision makingtrial and evaluation laboratory on a technology acceptance model. *Expert Systems with Applications*, 1745-1754
24. Lin, C. J. & Wu, W. W. (2008). A causal analytical method for group decision making under fuzzy environment. *Expert Systems with Applications*, 34, 1, pp. 205-213.
25. Liu, S., Forrest, J., & Vallee, R. (2009). Emergence and development of grey systems theory. *Kybernetes*, 38(7/8), 1246-1256.
26. Lucas, K., Walker, G., Eames, M., Fay, H., & Poustie, M. (2004). *Environment and social justice: Rapid research and evidence review*. London, UK Policy Studies Institute
27. Miller, E. J., Hunt, J. D., Abraham, J. E., & Salvini, P. A. (2004). *Microsimulating urban systems*. *Computers, environment and urban systems*, 28(1-2), 9-44.
28. Peter, M. K., & Jarratt, D. G. (2015). The practice of foresight in long-term planning. *Technological Forecasting and Social Change*, 101, 49-61

29. Peter, Marc K & Jarratt, Denise G. (2015). "The practice of foresight in long-term planning". *Journal of Technological Forecasting & Social Change*, 101, 49-61.
30. Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2004). Imagineering cities—creating liveable urban futures in the 21 st century. *Thinking Creatively in Turbulent Times*, 107.
31. Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2011). Imagineering city futures: The use of prospective through scenarios in urban planning. *Futures*, 43(7), 642-653.
32. Rohrbeck, R. (2010). Harnessing a network of experts for competitive advantage: technology scouting in the ICT industry. *R&d Management*, 40(2), 169-180.
33. Sarlak, M. A., Seyed Javadin, R., Nejatbakhsh Isfahani, A., & Viseh, A. (2012). Identifying the Aspects of Ideal and Spiritual Based Organization in Iran Supreme Education (Islamic Approach). *Journal of the Islamic University*, 4, 355-76.
34. Shieh, j., Wu, H., & Huang, K. (2010). A DEMATEL method in identifying key success factors of hospital service quality. *Knowledge-Based Systems*, 23(3), 277–282.
35. Tadić, S., Zečević, S., & Krstić, M. (2014). A novel hybrid MCDM model based on fuzzy DEMATEL, fuzzy ANP and fuzzy VIKOR for city logistics concept selection. *Expert Systems with Applications*, 41(18), 8112.
36. Tadić, S., Zečević, S., & Krstić, M. (2014). A novel hybrid MCDM model based on fuzzy DEMATEL, fuzzy ANP and fuzzy VIKOR for city logistics concept selection. *Expert Systems with Applications*, 41(18), 8112-8128.
37. Wang, Y. L., & Tzeng, G. H. (2012). Brand marketing for creating brand value based on a MCDM model combining DEMATEL with ANP and VIKOR methods. *Expert Systems with Applications*, 39(5), 5600-5615
38. Yigitcanlar, T., Dur, F., & Dizdaroglu, D. (2015). Towards prosperous sustainable cities: A multiscalar urban sustainability assessment approach. *Habitat International*, 45, 36-46.
39. Zhao, H., Tong, X., Wong, P. K., & Zhu, J. (2005). Types of technology sourcing and innovative capability: An exploratory study of Singapore manufacturing firms. *The Journal of High Technology Management Research*, 16(2), 209-224.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت‌های قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج)

فرزام اله ویسی (دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران)

farzam.tohi@yahoo.com

فرزین چاره‌جو (استادیار گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، نویسنده مسئول)

f.charehjoo@iausdj.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷

صص ۱۸۴-۱۶۵

چکیده

اهمیت ایجاد زمینه‌های دلبستگی به مکان و تقویت مؤلفه‌های مؤثر بر آن به ضرورت موضوع دلبستگی به مکان و شناخت عوامل تقویت کننده آن می‌افزاید. تحقیق حاضر که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای دلبستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر در بافت‌های شهر سنندج انجام شده است، دارای هدف کاربردی و ماهیت و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۱ نفر از ساکنین بافت‌های چهارگانه سنندج است. دلبستگی به مکان و ابعاد آن، متغیر وابسته و عوامل دلبستگی به مکان و مقیاس مکان به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. جهت بررسی مقایسه‌ای محدوده‌های پژوهش در سه سطح از آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی؛ برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان؛ و همچنین دلبستگی به مکان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که از میان متغیرهای بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی، عوامل کالبدی و اجتماعی و متغیرهای مستقل ویژگی‌های فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دلبستگی به مکان دارند. بررسی نتایج و مقایسه عوامل دلبستگی در بین چهار محدوده نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه با کمترین میزان دلبستگی به محله، از میان ابعاد دلبستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دلبستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دلبستگی به محله دارد، که لازم است در طرح‌های آتی به آنها توجه ویژه‌ای مبدول شود، تا بتوان دلبستگی ساکنین به محله را ارتقا بخشید و از مهاجرت ساکنان به خارج محله جلوگیری نمود.

کلیدواژه‌ها: بافت شهری، حس تعلق، سنندج معادلات ساختاری.

۱. مقدمه

فضای عمومی شهرها همچون بستری جهت تعامل انسان‌ها با یکدیگر و همچنین تعامل آنها با محیط عمل می‌کند. این فضاها (که عمدتاً خیابان‌ها و پیاده‌روها بستر اصلی تردد و حضور شهروندان هستند) را می‌توان چیزی بیش از ترکیب خصوصیات فیزیکی آن و عابری که در آن توقف و تردد کنند، تفسیر کرد (سانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱؛ بیگدلی راد^۲ و بین نگاه^۳، ۲۰۱۳، ص. ۱۲).

پیوند بین انسان و محیط مبتنی بر تعامل قابلیت‌های بالقوه قلمرو کالبدی و نیازهای انسان است و هر محیط ساخته‌شده از خانه تا محله و از محله تا شهر، نمادی از حضور خواسته‌های انسان است. بنابراین مسئله اساسی، درک نقش محیط مصنوع و ماهیت انسان است، زیرا انسان از یک سو تحت تأثیر شرایط محیط قرار می‌گیرد و از سوی دیگر به محیط سازمان می‌بخشد و شرایط آن را مناسب با هدف‌ها و نیازهای خود تطبیق داده و بر آن تأثیر می‌گذارد (ابوسفیه^۴ و رازم^۵، ۲۰۱۷، ص. ۲).

حس تعلق به مکان که برپایه حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط و در ادامه ادراک هویت و معانی مکان شکل می‌گیرد، موجب انسانی شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور و بهره‌برداری از آن می‌شود (یوجانگ^۶، ۲۰۱۲، ص. ۱۵۶؛ پلیز^۷ و کوالز^۸، ۲۰۲۰، ص. ۱۶۴۷؛ فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). لذا توجه به مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها چه از بعد کالبدی و چه از بعد روانی برای افزایش رضایت‌مندی ساکنین و ارتقای حس تعلق و دلبستگی مکانی در شهروندان، امری ضروری به نظر می‌رسد (چاره‌جو و حوریجانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲).

هاگرتی و همکاران (۲۰۱۵) احساس تعلق را به عنوان تجربه مداخله شخصی در یک سیستم و یا محیط عنوان کرده‌اند، به طوری که افراد خود را جزئی جدایی‌ناپذیر از آن سیستم یا محیط می‌دانند (کیچن^۹ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۳). به طور کلی، حس تعلق به مکان یک پیوند عاطفی مثبت بین مردم و مکان است ریشه در حس خوشایند هماهنگی و آشنایی با محیط دارد، در پی ادراک معانی مکان و فضا شکل می‌گیرد و موجب انسانی‌تر شدن فضا و در نتیجه برقراری ارتباط دوسویه، افزایش مقبولیت و تمایل افراد به حضور مستمر و بهره‌برداری از مکان خواهد شد، به گونه‌ای که نقشی تعیین‌کننده در میزان جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا دارد، عاملی که حیات یا مرگ فضا

1. Song
2. Bigdeli Rad
3. Bin Ngah
4. Abusafieh
5. Razem
6. Ujang
7. Plys
8. Qualls
9. Kitchen

وابسته بدان است (جانسن^۱، ۲۰۲۰، ص. ۴۰۸؛ هاشمزاده^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۵؛ فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲).

برخورداری از احساس تعلق همچنین یکی از تعیین کننده‌های مهم در بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی شناخته شده است. آبراهام مازلو^۳ نیز احساس تعلق را در قالب یکی از نیازهای اساسی انسان عنوان کرده است (کیچن و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۳). تحقیقات اخیر که در حوزه سلامت انجام شده است نشان داده‌اند که محیط مصنوع تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی افراد دارد و سلامت افراد به طور بالقوه تحت تأثیر محیطی قرار دارد که در آن سکونت دارند (عزیزی^۴ و شاکری^۵، ۲۰۱۸، ص. ۵۴۸؛ پیترولمن^۶ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۲). این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که از جمله عوامل زمینه‌ای تأثیر گذار بر سلامت می‌توان به کیفیت محل زندگی وی اشاره نمود، که همین خود بر اهمیت کیفیت رابطه بین محل سکونت افراد و سلامت جسمی و روانی آنها اشاره دارد. تحقیقات انجام شده به وضوح نشان داده‌اند که کیفیت ارتباط افراد با محل سکونت آنها نقش اساسی در بهزیستی و تندرستی آنها دارد (گاتینو^۷ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۸۱۲).

به طور کلی، بر اساس آنچه که مطرح شد، رابطه انسان با محیط زندگی خود یکی از معیارهای اساسی جهت درک عمیق‌تر عوامل تأثیرگذار محیطی بر رفتار انسان و به طور کلی روانشناسی محیط می‌باشد. که در این زمینه، نحوه درک و تجربه مردم از یک مکان یکی از عوامل اصلی تبیین‌کننده می‌باشد. احساس تعلق و دلبستگی به مکان مزایای جسمی و روانی بسیاری را برای افراد به همراه خواهد داشت که این خود ممکن است، فواید بالقوه ای برای سلامتی انسان و رفتارهای حامی محیط داشته باشد (جانوت^۸ و فنویللت^۹؛ ۲۰۱۸، ص. ۵۰).

بنابر آنچه که مطرح شد، متأسفانه با نگاهی به تجارب ساخت و ساز در استان کردستان و به ویژه شهر سنندج، در زمینه مجتمع‌ها و محلات مسکونی، روشن است که رویکرد غالب آنها، رویکردی تک بعدی بوده که در آن تنها به ساخت و توسعه سرپناهی برای اقامت و استراحت، کار و پیشه و تا حدود زیادی فضایی برای سرریز جمعیتی توجه شده است، که فقدان توجه به تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی در این سکونت‌گاه‌ها و در پی آن، قرارگیری مسائل مالی، توجیهات اقتصادی و... در اولویت ساخت و سازها، موجب شده است که موضوع هویت و خاطره جمعی تعلق مکانی به مثابه یک حلقه گمشده تلقی گردد. در واقع در این زمینه، توسعه شتابان و بدون برنامه ریزی بویژه در بافت‌های ناکارآمد نظیر بافت حاشیه‌نشین بافت حاشیه (محل نایسر) و بافت فرسوده بافت قدیم (چهارباغ)، عرصه‌های شهری را با چالش‌های بسیاری روبرو ساخته و همین مسئله حیات اجتماعی ساکنان را نیز تحت تأثیر

1. Jansen
2. Hashemnezhad
3. Abraham Maslow
4. Azizi
5. Shekari
6. Pinter-Wollman
7. Gattino
8. Junot
9. Fenouillet

خود قرار داده است. در همین رابطه، این پژوهش بر آن است تا به بررسی الگوی کالبدی و ارتباط آن با حس تعلق به مکان در بین ساکنین محلات و سنجش میزان تعلق مکانی در چهار محله با الگوی کالبدی متفاوت بپردازد و در این مسیر با شناخت عناصر و اجزای کالبدی، الگو و ساختار محلات نظیر الگوی توزیع خدمات، شبکه ارتباطی و نحوه استفاده از فضاهای باز و... و همچنین بررسی رابطه آن‌ها با حس تعلق مکانی شهروندان بپردازد تا با ارائه چک لیست و چارچوبی طراحانه بتواند دلبستگی مکانی را در نمونه مورد مطالعه تقویت کند.

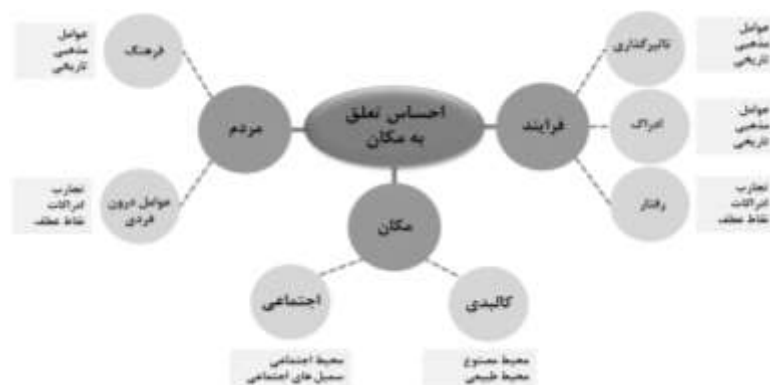
علی‌رغم اهمیت این موضع، امروزه توسعه موجود در شهرهای کنونی نشان می‌دهد که تحولات سریع شهرنشینی و تسلط همه جانبه برنامه‌ریزی و توسعه نابسامان و نامتناسب بر مدیریت شهرهای امروزی، موجب از بین رفتن روح و شخصیت و هویت دیرینه شهرها شده و علی‌رغم وجود کالبد متمایز و خیره‌کننده شهرها و فضاهای شهری، حس تعلق به مکان رنگ کمتری به خود گرفته و وجود حس غریبی در فضاهای شهری، عدم اعتماد و نبود یک هویت جمعی مشترک در میان شهروندان موج می‌زند (کاظم‌زاده آزاد، ۱۳۹۱، ص. ۵۳؛ رجایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴). علاوه بر این، جهانی‌سازی، تجاری‌سازی و ارتباطات جمعی نیز همگی منجر به یکنواختی کالبدی، فرهنگی و اجتماعی در فضاهای شهری شده و عدم تطابق و اتصال چشم‌اندازهای شهری با معانی و هویت مکان، موجب از بین رفتن ارزش‌های کالبدی، شاخصه‌های فرهنگی و عاطفی فضاهای شهری شده‌اند؛ پدیده‌ای که از آن به عنوان "بی‌مکانی" یاد می‌شود، که به معنی کمرنگ شدن هویت و کاهش تعلق مکانی تفسیر شده است (شیم^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱؛ یوجانگ^۲ و زکریا^۳، ۲۰۱۵، ص. ۷۱۲؛ یوان^۴ و کروکس^۵، ۲۰۱۹، ص. ۱۵).

ریموند و همکاران (۲۰۱۰) نیز مدل متفاوتی را در رابطه با ابعاد تأثیر گذار بر تعلق مکانی ارائه داده‌اند. این مدل هم شامل هویت مکان و هم شامل وابستگی مکانی می‌باشد که هر دو منعکس‌کننده ارتباطات انسان با مکان از جمله پاسخگویی مکان، احساسات و ادراکیت و همچنین ارتباط نمادین به مکان می‌باشد. بعد سوم در این مدل، پیوند طبیعت است، که نشان‌دهنده ارتباطات با محیط طبیعی که ریشه در نمایش شناختی و یا پاسخ عاطفی دارد، می‌باشد. بعد چهارم، پیوند اجتماعی است. که همین خود منعکس‌کننده ارتباطات عاطفی دارد که ریشه در علایق، گذشته مشترک و پیوندها با مکان و اجتماعات موجود دارد و احساس تعلق به آن جامعه را دربر می‌گیرد.

به طور کلی و بر اساس آنچه که مطرح شد، حس تعلق به مکان در حوزه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و به روش‌های مختلفی تعریف شده است، که می‌توان تمامی این تعاریف را در چارچوب کلی ارائه شده توسط اسکنل و گیفورد تجمیع نمود. مدل ارائه شده توسط این محققین سه بعد "شخص-فرایند-مکان" را به عنوان زیرمجموعه تعلق مکانی نام برده است (اسکانل^۶ و گیفورد^۷، ۲۰۱۰، ص. ۲). در این مدل فرد به سطوح وابستگی

1. Shim
2. Ujang
3. Zakariya
4. Yuan
5. Crooks
6. Scannell
7. Gifford

مکانی در سطح فردی و گروهی اشاره دارد؛ بعد مکان نیز بر خصوصیات کالبدی و اجتماعی تعلق مکانی تمرکز دارد که خود شامل تعیین فضایی، اهمیت مکان و سطوح مختلف فضایی جنبه های اجتماعی و کالبدی فضا می باشد. نهایتاً، بعد روانشناختی نیز فرایند دلبستگی به مکان را نشان می دهد که دربرگیرنده اجرای شناختی، عاطفی و ادراکی دلبستگی می باشد (مولای^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۴).



شکل ۱. مدل ارائه شده توسط اسکنل و گیفورد.

(تیکسیرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۵؛ مولای و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۴؛ اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰، ص. ۲).

جدول ۱. دیدگاه متفکران مختلف در رابطه با حس تعلق به مکان.

پدیدار شناسان	ریتز (۱۹۳۶)	جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عامل تأثیر گذار میان مردم و مکان با اجزاء تشکیل دهنده آن است که سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط گردیده و با گذر زمان، عمق و گسترش بیشتری خواهد یافت.
	شولتز (۱۹۸۱)	شولتز مطالعه مکان را مطالعه رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می افتد دانسته و معتقد است که مجموعه ای از رخدادها، شکلها، رنگ ها و بافت ها، شخصیت یک مکان و هویت آن را شکل میدهند. او ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار نموده و بر این باور است که تجربه مکان تجربه معنای مکان است.
روانشناسان محیطی	آسپل (۱۹۸۱)	حس تعلق مکانی در سطح بالاتری از حس مکان بوده که به جهت تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای دارد. حس تعلق مکانی پیوند فرد با مکان را منجر شده که در آن افراد با توجه به نشانه ها، معانی و عملکرد، به تشکیل یک تصویر ذهنی از محیط پرداخته و برای وی مکان نقش ویژه ای پیدا خواهد کرد.
	کای (۱۹۹۱)	در سطح حس تعلق مکانی، فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاهی دارد بلکه با مکان احساس تقدیر مشترک نیز خواهد داشت. وی برای حس تعلق مکانی ۳ مرحله تعلق، دلبستگی و تعهد به مکان اشاره دارد.
پروشانسکی		وی با تأکید بر هویت مکان به عنوان بستر و عامل ارتباطی مهم در ارتباط انسان، بر نقش عوامل کالبدی به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تأکید دارد و بر همین اساس عامل مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود را به عناصر کالبدی به عنوان بخشی از هویت ذهنی و فردی ارجاع می دهد.
کریستین نوربرگ شولتز		وی معنی را عامل هویت بخشی و فضای هستی را عامل تعلق مکانی افراد به محیط بیان کرده و خصوصیات

1. Moulay

2. Teixeira

این ۳ مکان را در ۳ عامل گونه شناسی، مکان شناسی و ریخت شناسی بیان کرده و به ارتباط درون و بیرون عناصر کالبدی در طراحی و ساماندهی فضا اشاره می نماید.	
حس تعلق مکانی را چیزی بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد داد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد افراد با محیط را شامل می شود و خصوصیات این محیط را در ۳ عامل مقیاس، اختصاصی بودن و قابلیت دسترسی بیان می کند.	آلتمن

مأخذ: (یعقوب زنگنه و حسین آبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳؛ رلف، ۱۳۹۷، ص ۵۸؛ شولتز، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

به طور کلی و بر اساس آنچه که مطرح شد، اهداف اصلی و کلان مورد نظر در این تحقیق، ارتقای دلبستگی به مکان به ویژه محله در میان ساکنین محلات واقع در بافت‌های مختلف شهر سنج و دستیابی به یک ارتباط منطقی بین ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دلبستگی به مکان و مقیاس مکان می‌باشند، که با ارائه پاسخ‌های منطقی به پرسش‌هایی که در ادامه خواهد آمد، در صدد دستیابی به آنها می‌باشد.

مؤلفه‌ها و معیارهای اصلی مؤثر بر ایجاد و تقویت دلبستگی به مکان کدامند؟ و کدام بعد بر میزان دلبستگی ساکنین مؤثرتر می‌باشد؟

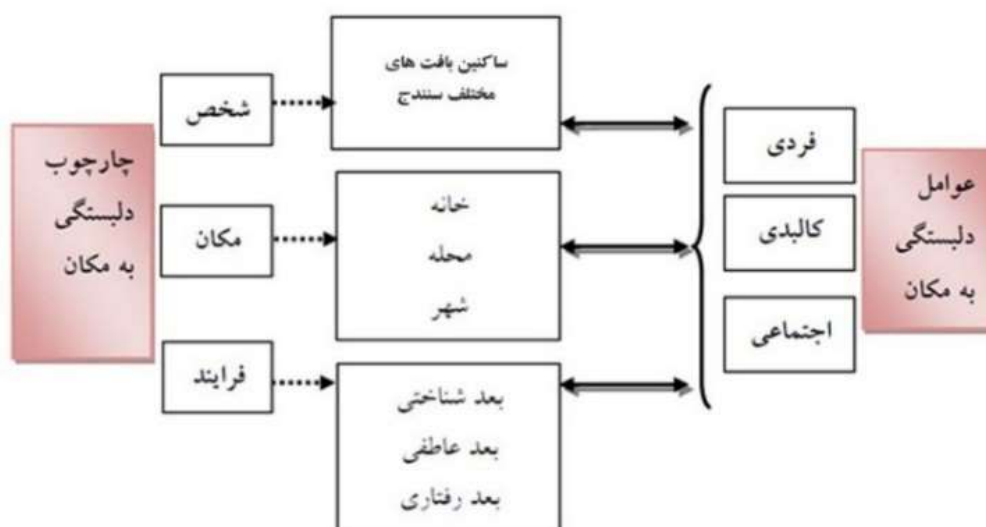
۲. متدولوژی

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی می‌باشد که از یک پرسشنامه استاندارد شده در جامعه ایران بهره برده شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۱ نفر از ساکنین بافت‌های چهارگانه شهر سنج می‌باشد که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی مورد پرسش قرار گرفته‌اند. به طور کلی، این پژوهش در تلاش جهت تبیین ارتباط طراحی شهری و حس تعلق مکانی است. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، جهت بررسی میانگین جامعه‌های مورد بررسی از آزمون واریانس یک‌طرفه و برای بررسی مقایسه‌ای بین محدوده‌های مورد بررسی در سه سطح مختلف از آزمون‌های پس از تجربه^۱ به کمک آزمون توکی^۲ استفاده شده است. برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان در سه مقیاس و همچنین دلبستگی به مکان در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. برای سنجش میزان پایایی ابزار پژوهش (پرسشنامه) از روش "آلفای کرونباخ" استفاده شده است، که ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۷۱۵ می‌باشد، که نشان‌دهنده پیوستگی درونی بالای پرسشنامه و پایایی مناسب آن می‌باشد.

دلبستگی به مکان و ابعاد آن (شناختی، عاطفی و رفتاری) به عنوان متغیر وابسته و عوامل دلبستگی به مکان (سه عامل فردی، کالبدی و اجتماعی) و مقیاس مکان به عنوان متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار گرفته است.

1. Post Hoc

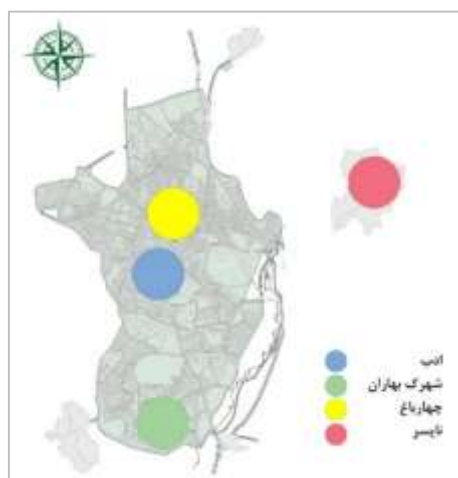
2. Tukey



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: (رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۵۸)

محدوده‌های پژوهش به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که به لحاظ ویژگی‌ها و ساختار فضایی و شاخصه‌های مورفولوژیک شهری با یکدیگر متفاوت باشند. در همین رابطه، ۴ محدوده بافت میانی (ادب)، بافت جدید (بهاران)، بافت قدیم (چهارباغ) و بافت حاشیه (محله نایسر) از بافت‌های چهارگانه شهر انتخاب شده‌اند. باتوجه به تفاوت در ساختار و فرم شهری بافت‌های چهارگانه شهر سندج، بهترین معیار انتخاب این محدوده‌ها، انتخاب یک نمونه موردی در هر یک از این بافت‌های چهارگانه بوده است، تا از این طریق، با بهره‌گیری از حداکثر تفاوت‌ها، امکان تعمیم نتایج بدست آمده نیز به کل شهر سندج فراهم آید. در ادامه به معرفی بافت‌های چهارگانه و همچنین شناخت و تحلیل محلات منتخب پژوهش پرداخته خواهد شد.



جدول ۲. ویژگی‌های کلی محلات مورد بررسی

ویژگی‌های کالبدی-فضایی	ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی	محل
- قرارگیری در مرکز اقتصادی شهر و دارای معابر کم عرض، فشردگی، تراکم و قدمت بافت، بافت شطرنجی و تا حدودی منظم - وجود عناصر مهم و قدیمی شهر در این محله و دربرگیرنده بازار به عنوان کاربری شهری- منطقه ای ضعیف در دارابودن تسهیلات و خدمات گذران اوقات فراغت در محله	- درآمد اکثریت ساکنان این محدوده متوسط به پایین می‌باشد. باتوجه به اینکه ساکنان این محدوده اغلب سال‌های زیادی است که در اینجا سکونت دارند، یکدیگر را می‌شناسند و از سطح مشارکت و همبستگی اجتماعی نسبتاً بالایی برخوردار هستند. به دلیل قدیمی بودن بافت، ساکنان آن را عمدتاً افراد میان‌سال تشکیل می‌دهند.	بافت قدیم
- بافت متراکم، برنامه ریزی شده، درشت دانه و پایدار توسعه بر اساس طرح های پیشنهادی جدید و به صورت شطرنجی - عدم وجود اختلاط کاربری و تسلط کاربری مسکونی بر محدوده	- اکثریت مردم این محدوده از درآمد بالایی برخوردار هستند. - باتوجه به نوساز بودن بافت این محدوده، ساکنان آن را عمدتاً افراد جوان تشکیل می‌دهند.	بافت میانی
- تسلط بافت آپارتمانی و مسکونی، بافت متراکم و معابر خودرو محور	- درآمد ساکنان این محدوده متوسط روبه بالا می‌باشد. - سطح مشارکت و همبستگی در میان ساکنان این محله در سطح مطلوبی قرار دارد.	بافت جدید
- بافت این محله ریزدانه، ناپایدار، فشرده و متراکم و فاقد طرح از پیش اندیشیده شده است. - کوچه‌ها و معابر کم عرض، جهت‌گیری و پخشایش نامناسب ساختمان‌ها - عدم وجود اختلاط کاربری‌ها، که همین خود باعث وابستگی ساکنین این محله به مرکز شهر شده است.	- درآمد تمامی ساکنان این محدوده متوسط به پایین می‌باشد و به طور کلی از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. - عدم وجود حس مشارکت، همبستگی و حس تعلق به محله در میان ساکنین	بافت حاشیه

مأخذ: (مهندسین مشاور تدبیرشهر، ۱۳۸۷).

۳. یافته‌ها

۳.۱. مقایسه تطبیقی متغیرهای پژوهش بین چهار محدوده مورد بررسی

۳.۱.۱. میزان دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی

در این مرحله ابتدا نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون کلموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داده است که متغیرهای مورد بررسی دارای توزیع نرمال بوده و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد. سپس با توجه به جدول آزمون میانگین، روشن است که تفاوت معنی داری بین دل‌بستگی به سه مقیاس در هر چهار محدوده برقرار می‌باشد. بنابراین دل‌بستگی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

جدول ۳. میانگین چندجامعه برای دلبستگی به خانه، محله و شهر بین محلات

معنی داری	F	مجدور میانگین	اختلاف F	مجموع مجدورها	مولفه‌های پژوهش
۰/۰۰۰	۱۲/۱۷۲	۱۰/۳۷۷	۳	۳۱/۱۳۱	دلبستگی به خانه بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی
-	-	۰/۸۵۲	۱۱۶	۹۸/۸۹۰	
-	-	-	۱۱۹	۱۳۰/۰۲۰	
۰/۰۰۳	۴/۹۹۶	۳/۶۵۹	۳	۱۰/۹۹۷	دلبستگی به محله بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی
-	-	۰/۸۳۲	۱۱۶	۸۴/۹۵۶	
-	-	-	۱۱۹	۹۵/۹۳۳	
۰/۱۷۶	۱/۶۷۷	۰/۸۷۴	۳	۲/۶۲۲	دلبستگی به شهر بین گروه‌ها داخل گروه‌ها کلی
-	-	۰/۵۲۱	۱۱۶	۶۰/۴۶۰	
-	-	-	۱۱۹	۶۳/۰۸۳	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول دسته‌های همگن توکی نیز نشان می‌دهد که برای دلبستگی به خانه، بافت میانی (ادب) و بافت جدید (بهاران) و بافت قدیم (چهارباغ) در یک دسته همگن قرار دارند و بافت حاشیه (محله نایسر) در دسته جداگانه قرار گرفته است. بدین معنی که بافت حاشیه از نظر فاصله میزان دلبستگی به خانه متمایزتر از محدوده‌ها دیگر می‌باشد. برای دلبستگی به محله، بافت قدیم و بافت میانی و بافت جدید در یک دسته همگن قرار دارند و بافت حاشیه در دسته جداگانه قرار گرفته است و برای دلبستگی به شهر، بافت قدیم در بالاترین، بافت جدید در رتبه دوم، بافت میانی سوم و بافت حاشیه در پایین ترین دسته قرار گرفته اند.

نتایج آزمون‌ها برای مقایسه دلبستگی به سه مقیاس در بین محدوده‌ها بدین ترتیب می‌باشد:

- در بافت حاشیه، دلبستگی به شهر بیشترین و دلبستگی به محله کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت جدید، دلبستگی به خانه بیشترین و دلبستگی به شهر کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت میانی، دلبستگی به خانه بیشترین و دلبستگی به شهر کمترین میزان می‌باشد.
- در بافت قدیم، دلبستگی به شهر بیشترین و دلبستگی به خانه کمترین میزان می‌باشد.

که باتوجه به مشاهدات میدانی و بررسی‌های انجام شده، از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به فاکتور‌ها و عواملی همچون فاصله از مرکز شهر و مراکز خدماتی و حمل و نقل عمومی، کاربری‌های مورد نیاز زندگی روزانه، کیفیت‌های محیطی، سیما و منظر محلات و تسهیلات و خدمات شهری ارائه شده در سطح این محلات می‌باشد که کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است، و همگی بر این نتایج بدست آمده مؤثر بوده اند.

۳.۱.۲. میزان تأثیر عوامل اجتماعی در سه مقیاس مکانی

با توجه به جدول شماره ۴ در رابطه با آزمون میانگین، تفاوت معنی داری بین میزان تأثیر عوامل اجتماعی به سه مقیاس در هر چهار محله برقرار می‌باشد. بنابراین عوامل اجتماعی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

مقیاس خانه: آزمون‌های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می‌دهد که در عوامل اجتماعی در خانه، بین بافت حاشیه و بافت جدید تفاوت معنی داری وجود دارد و منفی شدن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در خانه در بافت جدید بیشتر از بافت حاشیه و بافت قدیم و بافت میانی می‌باشد. همچنین عوامل اجتماعی در محله، بین بافت حاشیه و بافت قدیم تفاوت معنی داری وجود دارد و منفی شدن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید و بافت میانی می‌باشد، اما عوامل اجتماعی در شهر در بافت قدیم و بافت حاشیه برابر می‌باشد.

جدول ۴. میانگین چندجامعه برای عوامل اجتماعی به خانه، محله و شهر بین محلات

ANOVA						
معنی داری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورها	مولفه‌های پژوهش	
۰/۰۰۲	۵/۱۸۹	۱۳/۲۰۶	۳	۳۹/۶۱۹	اجتماعی_خانه	بین گروه ها
-	-	۲/۵۴۵	۱۱۶	۲۹۵/۲۳۸		داخل گروه‌ها
-	--		۱۱۹	۳۳۴/۸۵۶		کلی
۰/۰۰۲	۵/۲۳۵	۲/۰۵۶	۳	۶/۱۶۹	اجتماعی_محله	بین گروه ها
-	-	۰/۳۹۳	۱۱۶	۴۵/۵۶۲		داخل گروه‌ها
-	-	-	۱۱۹	۵۱/۷۳۱		کلی
۰/۰۱۰	۳/۹۸۴	۰/۷۳۰	۳	۲/۱۸۹	اجتماعی_شهر	بین گروه ها
-	-	۰/۱۸۳	۱۱۶	۲۱/۲۴۴		داخل گروه‌ها
-	-	-	۱۱۹	۲۳/۴۳۳		کلی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۱. عوامل کالبدی سه مقیاس در میان سه محله

جدول آزمون میانگین نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان تأثیر عوامل کالبدی به سه مقیاس در هر چهار محله برقرار می‌باشد. بنابراین عوامل کالبدی در هر سه مقیاس جداگانه تحلیل می‌گردد:

جدول ۵. میانگین چندجامعه برای عوامل کالبدی به خانه، محله و شهر بین محلات.

ANOVA						
معنی داری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورها	مولفه‌های پژوهش	
۰/۰۰۰	۲۲/۶۰۱	۷/۷۳۷	۳	۲۳/۲۱۲	کالبدی_خانه	بین گروه ها
-	-	۰/۳۴۲	۱۱۶	۳۹/۷۱۳		داخل گروه‌ها
-	-	-	۱۱۹	۶۲/۹۲۵		کلی
۰/۰۰۰	۱۶/۱۷۱	۵/۸۸۱	۳	۱۷/۶۴۴	کالبدی_محله	بین گروه ها
-	-	۰/۳۶۴	۱۱۶	۴۲/۱۸۸		داخل گروه‌ها
-	-	-	۱۱۹	۵۹/۸۳۱		کلی

ANOVA						
معنی داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورها	مولفه های پژوهش	
۰/۰۰۰	۱۹/۳۳۸	۶/۲۸۰	۳	۱۸/۸۳۹	بین گروه ها	کالبدی_شهر
-	-	۰/۳۲۵	۱۱۶	۳۷/۶۶۹	داخل گروه ها	
-	-	-	۱۱۹	۵۶/۵۰۸	کلی	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول شماره ۵ در رابطه با میانگین چند جامعه نشان می دهد که بین عوامل کالبدی محله در بین محلات تفاوت معنی داری وجود دارد، اما بین عوامل کالبدی خانه و شهر برقرار نیست. جدول توکی نیز نشان می دهد که در مقیاس محله، بافت جدید و بافت میانی در یک دسته همگن و بافت حاشیه در دسته جداگانه دیگر قرار دارد.

- مقیاس خانه: آزمون های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می دهد که در عوامل کالبدی در خانه، محله بافت میانی بیشترین و بافت حاشیه کمترین می باشد: بافت میانی < بافت جدید < بافت قدیم < بافت حاشیه
- مقیاس محله: آزمون های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می دهد که در عوامل کالبدی در محله، محله بافت میانی بیشترین و بافت حاشیه کمترین می باشد: بافت میانی < بافت جدید < بافت قدیم < بافت حاشیه
- مقیاس شهر: آزمون های پس از تجربه به کمک آزمون توکی نشان می دهد که در عوامل کالبدی در شهر، بافت قدیم و بافت حاشیه بیشترین و بافت میانی کمترین می باشد: بافت قدیم = بافت حاشیه < بافت جدید < بافت میانی

۳.۲. ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دلبستگی به سه مقیاس مکان

۳.۲.۱. بعد شناختی

بعد شناختی شامل چهار مؤلفه "دانش، الگو، خاطره، معنی" می باشد که نتایج تحلیل نشان داده است که بین هر چهار محله در بعد شناختی تفاوت معنی داری وجود دارد.

دانش محله ای / معنی محله ای / الگو محله ای / خاطره محله ای: بافت قدیم < بافت میانی < بافت جدید < بافت

حاشیه

جدول ۶. میزان دانش محله بین محلات

دانش_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۳/۰۰۰	-
بافت	۳۰	۳/۷۰	۳/۷۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۹۰
بافت قدیم	۳۰	-	۴/۳۰
معنی داری		۰/۶۰۴	۰/۱۴۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۷. میزان معنی محله بین محلات

معنی_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۰۰	-
بافت جدید	۳۰	-	۳/۲۰
بافت میانی	۳۰	-	۳/۵۰
بافت قدیم	۳۰	-	۴/۲۰
معنی داری		۱/۰۰	۴/۱۶۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۸. میزان الگوی محله بین محلات

الگو_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۱/۹۰	-
بافت جدید	۳۰	-	۲/۷۰
بافت میانی	۳۰	-	۲/۸۰
بافت قدیم	۳۰	-	۳/۰۰
معنی داری	-	۱/۰۰	۰/۷۲۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۹. میزان خاطره محله بین محلات

خاطره_محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۴۰	-
بافت جدید	۳۰	۳/۰۰	۳/۰۰
بافت میانی	۳۰	۳/۱۰	۳/۱۰
بافت قدیم	۳۰	-	۳/۳۰
معنی داری	-	۰/۱۸۷	۰/۳۱۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۲. بعد عاطفی

بعد عاطفی شامل ۴ مؤلفه (شادی، تعصب و غرور، عشق و علاقه، دفاع از مکان) می‌باشد. گروه‌های همگن

آزمون توکی نشان می‌دهد:

عشق محله: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه (محله نایسر)
 -تعصب و غرور محله: بافت قدیم (چهارباغ) < بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت حاشیه (محله

نایسر)

شادی محله: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه (محله نایسر)
 -دفاع از مکان محله: بافت حاشیه (محله نایسر) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت میانی (ادب) < بافت جدید

(بهاران)

جدول ۱۰. میزان عشق محله بین محلات

عشق محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۷۰	–
بافت قدیم	۳۰	۳/۲۰	۳/۲۰
بافت میانی	۳۰	–	۳/۶۰
بافت جدید	۳۰	–	۳/۷۰
معنی داری	–	۰/۳۴۶	۰/۳۴۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۱. میزان تعصب و غرور محله بین محلات

تعصب و غرور محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۰۰	–
بافت میانی	۳۰	۲/۶۰	۲/۶۰
بافت جدید	۳۰	–	۳/۰۰
بافت قدیم	۳۰	۰/۱۵۰	۳/۲۰
معنی داری	–	–	۰/۱۵۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۲. میزان شادی محله بین محلات

شادی محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
بافت حاشیه	۳۰	۲/۲۰	–
بافت قدیم	۳۰	۲/۸۰	۲/۸۰
بافت میانی	۳۰	–	۳/۳۰
بافت جدید	۳۰	–	۳/۳۰
معنی داری	–	۰/۰۷۷	۰/۱۸۵

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱۳. میزان دفاع از مکان محله بین محلات

دفاع از مکان محله			
Tukey HSD			
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05	
		۱	
بافت جدید	۳۰	۲/۹۰	
بافت میانی	۳۰	۳/۱۰	
بافت قدیم	۳۰	۳/۳۰	
بافت حاشیه	۳۰	۳/۶۰	
معنی داری	–	۰/۱۴۸	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۳. بعد رفتاری

بعد رفتاری شامل ۴ مؤلفه (ترک با ناراحتی، کنترل بر امورات، مشارکت، عدم جابجایی) می‌باشد. بعد رفتاری در بین هر سه محله دارای تفاوت معنی داری است:

در هر سه مقیاس مقیاس: بافت جدید (بهاران) < بافت میانی (ادب) < بافت قدیم (چهارباغ) < بافت حاشیه (محله نایسر)

برای بعد رفتاری سه محله، رابطه مقابل خانه < محله < شهر برقرار است، یعنی با افزایش مقیاس، بعد رفتاری کاهش می‌یابد.

جدول ۱۴. میزان رفتار محله بین محلات.

رفتار				
Tukey HSD				
محلات	تعداد	Subset for alpha = 0.05		
		۱	۲	۳
بافت حاشیه	۳۰	۲/۲۳۳۳	-	-
بافت قدیم	۳۰	۲/۵۰۰۰	۲/۵۰۰۰	-
بافت میانی	۳۰	-	۲/۸۵۰۰	۲/۸۵۰۰
بافت جدید	۳۰	-	-	۳/۱۵۸۳
معنی داری	-	۰/۵۳۵	۰/۲۹۴	۰/۴۰۷

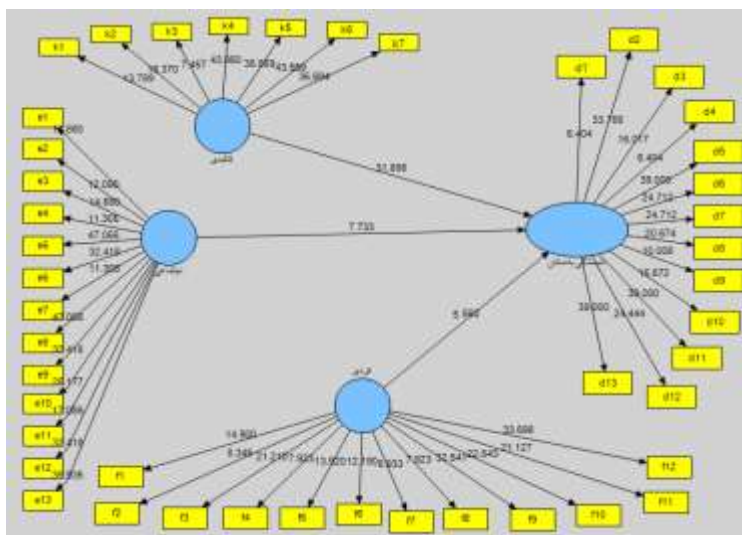
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. تحلیل کمی داده‌ها

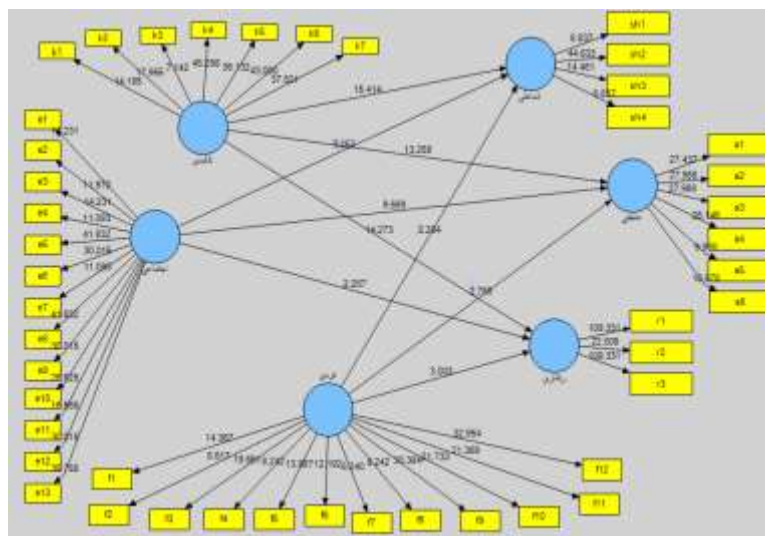
در این بخش از پژوهش برای ارزیابی اثرگذاری عوامل کالبدی، اجتماعی و فردی بر دلبستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله و شهر) و نیز دلبستگی به مکان در سه بعد (شناختی، عاطفی و رفتاری) از مدل یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار SMARTPLS استفاده شده است.

۳.۳.۱ معیار ضرایب معناداری Z

ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t باید از ۱/۹۶ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن رابطه بین سازه‌ها را تأیید نمود. در شکل زیر مدل پژوهش همراه با ضرایب معناداری (t-value) مشاهده می‌شود.



شکل ۳. مدل تأثیر ابعاد (کالبدی، اجتماعی، فردی) بر دلبستگی به مکان در حالت قدر مطلق ضرایب معناداری



شکل ۴. مدل تأثیر ابعاد کالبدی، اجتماعی، فردی بر ابعاد دلبستگی به مکان حالت قدر مطلق ضرایب معناداری.

ضریب معناداری مربوط به مسیرهای مدل از ۱/۹۶ بیشتر است، که معنادار بودن مسیر و مناسب بودن مدل ساختاری و تایید تمام فرضیه های پژوهش را نشان می دهد.

۳.۲. آزمون مسیرهای مدل دلبستگی به مکان

پس از بررسی برازش مدل های اندازه گیری، مدل ساختاری و مدل کلی (شکل ۵ و ۶)، مطابق با الگوریتم تحلیل داده ها در روش PLS محقق را یاری می کند تا به بررسی و آزمون مسیرهای مدل تحقیق پرداخته و به یافته های تحقیق برسد. در صورتی که مقدار ضریب معناداری هریک از مسیرها بیش از ۱/۹۶ باشد، مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است.

جدول ۱۵. نتایج معادلات ساختاری مسیرهای مدل دلبستگی به مکان.

مسیرهای مدل دلبستگی به مکان	بتا	t	وضعیت مسیر	جهت رابطه
۱. عامل کالبدی بر دلبستگی به مکان	۰/۶۳	۳۱/۸۹	تایید	مثبت
۲. عامل اجتماعی بر دلبستگی به مکان	۰/۳۲	۷/۷۳	تایید	مثبت
۳. عامل فردی بر دلبستگی به مکان	۰/۲۷	۵/۵۶	تایید	مثبت
۴. عامل کالبدی بر بعد شناختی دلبستگی به مکان	۰/۹۰	۱۵/۴۱	تایید	مثبت
۵. عامل کالبدی بر بعد عاطفی دلبستگی به مکان	۰/۳۴	۱۳/۲۵	تایید	مثبت
۶. عامل کالبدی بر بعد رفتاری دلبستگی به مکان	۰/۷۱	۱۴/۲۷	تایید	مثبت
۷. عامل اجتماعی بر بعد شناختی دلبستگی به مکان	۰/۴۳	۳/۲۵	تایید	مثبت
۸. عامل اجتماعی بر بعد عاطفی دلبستگی به مکان	۰/۷۱	۹/۶۸	تایید	مثبت
۹. عامل اجتماعی بر بعد رفتاری دلبستگی به مکان	۰/۱۳	۲/۲۶	تایید	مثبت
۱۰. عامل فردی بر بعد شناختی دلبستگی به مکان	۰/۲۳	۲/۲۶	تایید	مثبت

مسیرهای مدل دل بستگی به مکان	بتا	t	وضعیت مسیر	جهت رابطه
۱۱. عامل فردی بر بعد عاطفی دل بستگی به مکان	۰/۲۶	۲/۷۸	تایید	مثبت
۱۲. عامل فردی بر بعد رفتاری دل بستگی به مکان	۰/۳۵	۳/۰۰	تایید	مثبت

$|t| > 1.96$ Significant at $P < 0.05$, $|t| > 2.58$ Significant at $P < 0.01$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس نتایج به دست آمده از ضرایب معادلات ساختاری در جدول شماره ۱۳، مقدار t برای کلیه پارامترها می‌توان بیان نمود که تمامی مسیرهای مدل دل بستگی به مکان با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود و اثرگذاری عوامل (کالبدی، اجتماعی و فردی) بر دل بستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله و شهر) و نیز دل بستگی به مکان در سه بعد (شناختی، عاطفی و رفتاری) به طور مثبت و معنادار می‌باشد؛ همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که عامل کالبدی بیشترین تأثیر را بر دل بستگی به مکان، عامل اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بعد عاطفی دل بستگی به مکان و عامل فردی بیشترین تأثیر را بر بعد رفتاری دل بستگی به مکان دارد.

۴. بحث

بررسی نتایج و عوامل دل بستگی به مکان در بین چهار محله از بافت‌های مختلف سنجندج نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه (محله نایسر) از کمترین میزان دل بستگی به محله برخوردار می‌باشد. از جمله عوامل تأثیرگذار بر این یافته می‌توان به عدم وجود طرح از پیش اندیشیده شده معماری و شهرسازی در این بافت اشاره نمود. ساخت این محله بدون در نظر داشتن اصول اولیه شهرسازی و معماری مردم‌پذیر و سرزنده و به صورت کاملاً خودرو، با در نظر داشتن تنها سرپناهی برای سکونت شکل گرفته است. بدیهی است در چنین محیطی که فاقد هر نوع امکانات و تسهیلات اولیه برای سکونت باشد، ساکنین آن هیچ‌گونه دل بستگی به محیط سکونت خود نخواهند داشت.

فرایند تحقیق نشان می‌دهد که ساکنین محله چهارباغ، در جایگاه سوم رضایت و دل بستگی به مکان قرار دارند، که از دلایل این امر می‌توان به این مسئله اشاره نمود که اگرچه ساکنین این محله در مرکز اصلی شهر قرار دارند اما با مشکلات و چالش‌های سکونتی بسیاری نظیر فرسودگی و ریزدانه‌گی بافت، صفر بودن سرانه فضای سبز و فراغتی اشاره نمود، که موجب بروز نارضایتی و عدم دل بستگی به خانه و محله در بین ساکنین شده است.

نتایج تحلیل برای بافت‌های میانی و توسعه یافته جدید نتایج بهتری را نشان می‌دهد. که از دلایل آن می‌توان به تنوع در کاربری و فعالیت‌های جاری در فضای این دو بافت اشاره نمود. واحدهای مسکونی در این دو بافت عمدتاً نوساز بوده و از اصول جاری و مطلوب شهرسازی و معماری تبعیت می‌نماید، ساکنین این بافت‌ها از انواع مختلفی از کاربری‌های مورد نیاز زندگی مطلوب و سرزنده در فواصل نزدیک محل سکونت خود برخوردار هستند. که همین مسئله خود موجب شکل‌گیری سطح بالایی از رضایت و دل بستگی به مکان در ابعاد و مقیاس‌های مختلفی در میان ساکنین شده است. بطور کلی، نتایج بدست آمده همسو با نتایج حاصل از تحقیقات پژوهشگرانی نظیر (حسینی و

همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۴؛ آرنبرگ^۱ و ادر^۲، ۲۰۲۱، ص. ۴۸؛ پورتینگا^۳ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲۷۳؛ صدریان و همکاران، ص. ۴۱؛ زنگنه و حسین آبادی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۵؛ توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲) بوده است و مؤید آنها می باشد.

۵. نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای دلبستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر در میان ساکنین بافت های شهر سمنج انجام شده است، نتایج تحلیل نشان می دهد که از میان متغیرهای بعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی را شامل می شود و عوامل کالبدی (ارتباط دیگران با محیط) و اجتماعی (ارتباط فرد با دیگران) و متغیرهای مستقل ویژگی های فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دلبستگی به مکان دارند. به طور کلی، بررسی نتایج و مقایسه عوامل دلبستگی در بین چهار محله نشان داده است که محله بافت حاشیه (محله نایسر) با کمترین میزان دلبستگی به محله، از میان ابعاد دلبستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دلبستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دلبستگی به محله دارد. لذا با توجه به نتایج و مؤلفه ها باید ضوابطی در طرح های پیشنهادی برای بالابردن میزان دلبستگی در این محله تدوین نمود. بنابراین، طبق نتایج و مؤلفه ها باید ضوابط و راهکارهایی در طرح های پیشنهادی برای بالابردن میزان دلبستگی در این محله تدوین نمود. اما باید توجه داشت که این مداخلات نباید به جراحی های گسترده و کلان تبدیل شوند زیرا در این صورت به گسست هرچه بیشتر بافت منجر خواهد شد. در این جا به ارائه راهکارهای پیشنهادی برای بهسازی این بافت در جهت ارتقای حس دلبستگی به مکان می پردازیم.

- ایجاد مراکز فرهنگی همچون فرهنگسرا و سرای محله در راستای تقویت بار فرهنگی محله
- متناسب سازی و همخوان نمودن نظام ارتفاعی محله به طوریکه باعث بستن دید به نشانه های محلی نشود.
- اصلاح ریتم نماها به گونه ای که در مسیر القا کننده حرکت و در فضاهای مکث القا کننده سکون باشد.
- استفاده از پالت رنگی مشخص در جداره
- استفاده از آب نما در جلوخان مسجد و مکان های مناسب برای تلطیف محیط
- نورپردازی مناسب در کل محله و نورپردازی ویژه در مسیر پیاده و ساختمان های شاخص.
- احداث پارک و فضای سبز با توجه به فقدان آن در محله توصیه می گردد.
- ایجاد زمینه برای بروز انواع فعالیت ها می تواند موجب جذابیت محله شده و مردم را به سکونت در محله تشویق کند که این موضوع موجب افزایش تعلق به مکان می شود. پیشنهاد می شود با ایجاد تنوع کاربری های موجود در محله و در نتیجه برآورده کردن نیازهای روزمره ساکنین باعث ایجاد فعالیت خرید و فروش در محله شد.

- ایجاد فضایی جهت برگزاری مراسم هایی نظیر مراسم مولودی خوانی و عروسی ها یاد می کردند و خواستار فراهم کردن فضا و بستری برای اینگونه مراسم ها شدند.

کتاب نامه

۱. احمدی، ف.، آقالطیفی، آ.، و افشار، ع. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع)، محله نوغان. هفت شهر، ۴ (۴۷ و ۴۸)، ۷۰-۸۴.
۲. توکلی نیا، ج.، افراسیابی، م.، و بوچانی، م. ح. (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضایی- مکانی آن در بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله سهل آباد شیراز). چشم انداز زاگرس، ۷ (۲۵)، ۲۴-۱.
۳. چاره جو، ف.، و حوریجانی، ن. (۱۳۹۴). ارتقای کیفیت محیط با رویکردی ویژه بر احساس تعلق به مکان. سنندج: دومین همایش بین المللی و پنجمین همایش ملی عمران شهری، دانشکده فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۴. رجایی، م.، گودرزی، م.، دارابی، م.، و تشکری، ک. (۱۳۹۶). بازتاب حس تعلق به مکان در طراحی سرای محله کوهسار تهران. پژوهش های مکانی - فضایی، ۱ (۲)، ۱۴۷-۱۲۳.
۵. رحیمی، ل. (۱۳۹۲). مقیاس مکان و دلبستگی: ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر مدل دلبستگی ساکنین (نمونه موردی: محله سرخاب و شهرک رشیدیه شهر تبریز). تبریز: پایان نامه دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۶. رلف، ا. (۱۳۹۷). مکان و بی مکانی. ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، و زهیر متکی، مجله آرمان شهر.
۷. زنگنه، ی.، و حسین آبادی، س. (۱۳۹۲). تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه های غیر رسمی (مورد مطالعه: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار). مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۳ (۸)، ۱۶۲-۱۳۱.
۸. زنگنه، ی.، و حسین آبادی، س. (۱۳۹۳). تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار. پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۵ (۱۹)، ۱۲۸-۱۱۱.
۹. شولتز، ک. ن. (۱۳۹۵). روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، مجله رخ داد نو.
۱۰. صدریان، ز.، حسینی، س.، و نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۳). ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران). معماری و شهرسازی ایران، ۷ (۷)، ۴۴-۳۵.
۱۱. علی نام، ز. (۱۳۹۳). بررسی دلبستگی به مکان در محله با رویکرد روانشناسی شناختی. تبریز: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۲. فلاحت، م.، کمالی، ل.، و شهیدی، ص. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. مجله باغ نظر، ۱۴ (۴۶)، ۲۲-۱۵.
۱۳. کاظم زاده آزاد، ف. (۱۳۹۱). طراحی با رویکرد افزایش حس تعلق به محله (مطالعه موردی محله جمشیدیه تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشکده دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

۱۴. مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۷). مطالعات طرح تفصیلی و جامع شهر سنندج. سنندج: مهندسین مشاور تدبیر شهر.

15. Abusafieh, S., & Razem, M. (2017). Human Behavior and Environmental Sustainability: promoting a pro-environmental behavior by harnessing the social, psychological and physical influences of the built environment. Western Australia: *In World Renewable Energy Congress*.
16. Arnberger, A., & Eder, R. (2012). The influence of green space on community attachment of urban and suburban residents. *Urban Forestry & Urban Greening*, 11, 41-49.
17. Azizi, F., & Shekari, F. (2018). Modeling the Relationship between Sense of Place, Social Capital and Tourism Support. *Iranian Journal of Management Studies*, 11, 547-572.
18. Bigdeli Rad, V., & Bin Ngah, I. (2013). The Role of Public Spaces in Promoting Social Interactions. *Int. J. Curr. Eng. Technol*, 3, 184-188.
19. Gattino, S., Piccoli, N. D., Fassio, O., and Rollero, C. (2013). Quality of Life and Sense of Community. A Study on Health and Place of Residence. *J. Community psychol*, 41, 811-826.
20. Hashemnezhad, H., Heidari, A.A., and Mohammad Hoseini, P. (2013). Sense of place and place pttachment. *Int. J. Archit. Urban Dev*, 3, 4-12.
21. Hosseini, F., Sajadzadeh, H., Aram, F., & Mosavi, A. (2021). The Impact of local green spaces of historically and culturally valuable residential rreas on place attachment. *Land*, 10, 1-17.
22. Jansen, S. (2020). Place attachment, distress, risk perception and coping in a case of earthquakes in the Netherlands. *J. Hous. Built Environ*, 407-427.
23. Jorgensen, B., & Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes Toward their Properties. *J. Environ. Psychol*, 21, 233-248.
24. Junot, A., & Fenouillet, F. (2018). Place attachment influence on human well-being and general pro-environmental behaviors. *J. Theor. Soc. Psychology*, 2, 49-57.
25. Kitchen, P., Williams, A., & Gallina, M. (2015). Sense of belonging to local community in small-to-medium sized Canadian urban areas: a comparison of immigrant and Canadian-born residents. *BMC Psychology*, 3, 1-17.
26. Moulay, A., Ujang, N., Maulan, S., & Ismail, S. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place. *City, Culture and Society*, 14, 28-36.
27. Pinter-Wollman, N., Jelić, A., & Wells, N.M. (2018). The impact of the built environment on health behaviours and disease transmission in social systems. *Philosophical Transactions of the Royal Society*, 373, 1-18.
28. Plys, E., & Qualls, S. (2020). Sense of community and its relationship with psychological well-being in assisted living. *J. Aging Ment. Health*, 10, 1645-1653.
29. Poortinga, W., Calve, T., Jones, N., Lannon, S., Rees, T., Rodgers, S.E., Lyons, R.A., & - Johnson, R. (2017). Neighborhood Quality and Attachment. *Environ. Behav*, 49, 255-282.
30. Raymond, C., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *J. Environ. Psychol*, 4, 422-434.
31. Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *J. Environ. Psychol*, 30, 1-10.
32. Shim, C. (2011). Urban tourism: placelessness and placeness in shopping complexes. USA: Travel and Tourism Research Association International Conference.
33. Song, Y., Wang, R., Fernandez, J., & Li, D. (2021). Investigating sense of place of the Las Vegas Strip using online reviews and machine learning approaches. *Landsc. Urban Plan.* 205, 1-12.

34. Teixeira, D. (2014). Close your Eyes and I'll Kiss You: the role of soundtracks in the construction of place, *Invisible Places*, 18–20JULY 2014, VISEU, PORTUGAL.
35. Ujang, N. (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 49, 156-167.
36. Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration. Seoul: Chung-Ang University, Asian Conference on Environment-Behaviour Studies, 170, 709-717.
37. Yuan, X., and Crooks, A. (2019). Assessing the placeness of locations through user-contributed content, *Proceedings of the 3rd ACM SIGSPATIAL International Workshop on AI for Geographic Knowledge Discovery*, 15-23.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

توسعه فضای اخلاقی شهرها؛ بررسی و تحلیل ابعاد جغرافیایی مصرف اخلاقی در زمینه محصولات محلی (مورد پژوهی: منطقه یک و بیست شهر تهران)

رقیه صمدی (دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

samadi.ro@yahoo.com

محمدتقی رضویان (استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

mtrazavian@gmail.com

جمیله توکلی نیا (دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

j_tavakolinia@sbu.ac.ir

مرتضی قورچی (استادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

m_ghourchi@sbu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

صص ۲۰۳-۱۸۵

چکیده

تحقیقات جغرافیایی از زمانی که گسترش یافته است، مسائل اخلاقی را در گستره‌ای از زمینه‌ها، از جمله شیوه‌های مصرفی، مورد بررسی قرار داده است. یکی از مباحث اخلاقی مورد تاکید در جغرافیا، مصرف محصولات محلی است که درباره مسافت غذایی و حفاظت از محیط زیست، تجارت منصفانه، عدالت اجتماعی و دموکراسی غذایی بحث می‌کند. گرچه در سال‌های اخیر مصرف مواد غذایی محلی در کشورهای توسعه‌یافته شایع تر بوده اما اخیراً مصرف این محصولات در کشورهای در حال توسعه نیز رواج یافته است. در کشور ایران نیز مناطق مختلف اقلیمی، زمینه‌های متنوعی را برای رشد محصولات محلی ایجاد کرده است. از این رو هدف از پژوهش حاضر بررسی رفتار مصرف‌کنندگان در خصوص مصرف محصولات محلی با توجه به ارزش‌های اخلاقی آنها است. در این راستا، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس از ۱۹۷ نفر از شهروندان ساکن در مناطق یک و بیست تهران سؤالاتی در قالب پرسشنامه بعمل آمد. نتایج برگرفته از تحلیل آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که با توجه به ارزش‌های اخلاقی مصرف‌کنندگان در خصوص سلامت فردی، حمایت از تولیدات محلی و حفاظت از محیط زیست، عامل دسترسی و فاصله جغرافیایی بعنوان اصلی‌ترین چالش مصرف‌کنندگان در زمینه خرید محصولات محلی به شمار می‌رود. بنابراین یکی از ضرورت‌های توجه به مصرف اخلاقی در برنامه ریزی شهری، ایجاد فضاهای اخلاقی تولید و مصرف با توجه به عامل "فاصله جغرافیایی" می‌باشد. چرا که برنامه‌ریزان می‌توانند اجتماعات محلی را برای تولید و مصرف مواد غذایی محلی پایدارتر و حفظ منابع کشاورزی محلی تشویق کنند.

کلیدواژه‌ها: تجارت منصفانه، فاصله جغرافیایی، محصولات محلی، مسائل اخلاقی، منطقه یک و بیست شهر تهران

۱. مقدمه

غذا یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری است که بنیادی‌ترین ارتباط بین مردم و طبیعت را برقرار می‌کند. در این راستا جغرافیدانان نقش مهمی را در تجزیه و تحلیل سیستم‌های مواد غذایی بازی می‌کنند. زیرا در علم جغرافیا، "مکان" نقش محوری داشته و به عنوان تقاطع بین انسان و محیط شناخته می‌شود. به عبارت دیگر مفاهیم مکان، موقعیت و متغیرهای فضایی به طور ذاتی با علم جغرافیا در ارتباط است. امروزه در چارچوب موضوعات مربوط به غذا و کشاورزی، رویکرد جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، زیرا این رویکرد به بررسی مقیاس‌های متعدد محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی می‌پردازد. از این رو، جغرافیای محصولات غذایی محلی شامل متغیرهای محیط‌زیستی و اجتماعی در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل است (دورام^۱ و ابرهولتز^۲، ۲۰۱۰، ص. ۱۰۰). از آنجایی که اهداف توسعه پایدار و تفسیر آنها، مبتنی بر ارزش‌های حقوق بشر، عدالت، سلامتی، رفاه و بطور کلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی می‌باشد، برخی از محققان اظهار داشته‌اند که این ارتباط (انسان و طبیعت) باید کاملاً بر اساس اصول اخلاقی باشد (کیتچ^۳، ۲۰۱۸، ص. ۳). مطالعات متعددی در زمینه مسائل اجتماعی و اخلاقی مربوط به غذای محلی وجود دارد که درباره عدالت اجتماعی، برابری، حقوق بشر و دموکراسی غذایی بحث می‌کند (دورام و ابرهولتز، ۲۰۱۰، ص. ۱۰۰). مباحث اخلاقی در علم جغرافیا نیز در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، که مشخصه آن تعداد قابل توجهی از نشریات، موضوعات کنفرانس و گفت و گو بین علوم اجتماعی و فلسفه است که از آن با عنوان «چرخش اخلاقی» به کار رفته است. این چرخش اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، تعهد و توجه بین انسان و محیط را به ارمغان می‌آورد (هال^۴، ۲۰۱۱، ص. ۶۲۷). در بحث‌های جغرافیایی در مورد مسئولیت‌های اخلاقی و سیاسی، اقدام مسئولانه، اغلب به لحاظ تقابل میان "مکان و فضا" مفهوم سازی می‌شود. "مکان" به عنوان محل تعهدات اخلاقی روشن است، در حالی که "فضا" به عنوان یک اصطلاح برای روابط انتزاعی و بیگانه مطرح می‌شود که در آن "مسافت" بعنوان بیان پیچیدگی و گستردگی دامنه وظایف اخلاقی به کار می‌رود (بارنت^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). تحقیقات جغرافیایی از زمانی که گسترش یافته است، مسائل اخلاقی را در گستره‌ای از زمینه‌ها، از جمله شیوه‌های مصرفی، مورد بررسی قرار داده است (هال، ۲۰۱۱، ص. ۶۲۷). امروزه شهروندان به طور فزاینده‌ای از مسائل محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی مانند حقوق بشر، تغییرات اقلیمی و .. رنج می‌برند و بیشتر آنان مایل به غلبه بر این چالش‌ها با اتخاذ سبک زندگی مسئولانه و الگوهای جدید مصرفی هستند (سیگنوریا^۶ و فورنو^۷، ۲۰۱۶، ص. ۴۷؛ کل^۸، ۲۰۱۱، ص. ۴). به عبارت دیگر

1. Duram
2. Oberholtzer
3. Keitsch
4. Hall
5. Barnett.
6. Signoria
7. Forno
8. Kell

مصرف کنندگان به عنوان یک علت و یک راه حل ممکن برای ترویج پایداری هستند و در این میان تأکید ویژه‌ای بر نقش افراد در ایجاد تغییر اجتماعی از طریق هم افزایی مصرف شده است (بار^۱ و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۱۲۲۴ و سیگنوریا و فورنو، ۲۰۱۶، ص. ۴۷۶).

در چارچوب موضوعات مربوط به غذا و کشاورزی، امروزه رویکرد جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، چرا که این رویکرد به بررسی مقیاس‌های متعدد محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در تولید و توزیع محصولات غذایی می‌پردازد. در این میان غذای تولید شده در مقیاس محلی امروزه به طور فزاینده‌ای در میان مصرف‌کنندگان محبوبیت یافته است. اگرچه امروزه محصولات محلی به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز تعریف مشخصی برای "محلی بودن"^۲ یک محصول وجود ندارد. در این میان جغرافیا می‌تواند در درک مفهوم محلی کمک کننده باشد (دورام و ابرهولتز، ۲۰۱۰). سیستم محصول محلی و "زنجیره‌های تأمین کوتاه"^۳ اغلب به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما سیستم‌های محصولات محلی را می‌توان از زنجیره‌های تأمین کوتاه متمایز کرد. در سیستم "محصول محلی"، محصول غذایی در یک منطقه جغرافیایی مشخص تولید، فرآوری و خرده فروشی می‌شود اما مفهوم محلی در رابطه با مقیاس‌های بزرگ‌تر جغرافیایی مانند منطقه‌ای، ملی یا جهانی نیز قابل درک است (استین^۴ و سانتینی^۵، ۲۰۲۱). از جمله فاصله مشخص از تولید تا مصرف، تولید در محدوده مرزهای شهرستان یا مرزهای منطقه‌ای، و یا حتی مرزهای ملی را می‌توان در تعریف محلی بودن یک محصول در نظر داشت. بنابراین، جغرافیای محصولات محلی در سطوح مختلف قابل تجزیه و تحلیل است. برای برخی، مفهوم جغرافیایی، به سادگی نشان دهنده غذای محلی است که در طی چند مایل از جایی که به فروش می‌رسد، تولید شده است. برای برخی دیگر، اصطلاح محلی بر اساس مرزهای سیاسی تعریف شده است. با این حال، عده‌ای دیگر، اصطلاح محلی را در معنای اخلاقی یا حس اجتماعی^۶ می‌دانند که به چگونگی تولید محصول غذایی، توزیع و مصرف آن تأکید می‌شود (پینچوت^۷، ۲۰۱۴). "تولید محلی" به طور کلی به عنوان تولید و بازاریابی محصولات غذایی در نزدیکی جغرافیایی مشخصی از کشاورزان و مصرف کنندگان تعریف شده است (ریمال^۸ و اونیانگو^۹، ۲۰۱۳). بعضی از مصرف کنندگان اظهار داشتند که غذا از نوع محلی، باید در مزارع محلی پرورش داده شود (ونزیگ^{۱۰} و گروچمن^{۱۱}، ۲۰۱۸). اکثر محققان معتقدند که خوردن به صورت محلی به معنای به حداقل رساندن فاصله بین تولید و مصرف، بویژه در ارتباط با سیستم غذای اصلی مدرن

1. Barr
2. Locality
3. Short supply chain
4. Stein
5. Santini
6. Sense of Community
7. Pinchot
8. Rimal
9. Onyango
10. Wenzig
11. Gruchmann

می باشد (پیترز و همکاران^۱، ۲۰۰۸). علاوه بر مسائل جغرافیایی که اصطلاح "محلی" می تواند به آن پاسخ دهد، جنبش مواد غذایی محلی به معنای "تلاش مشترک برای ساختن یک اقتصاد قوی محلی است، به عبارت دیگر خودکفایی در غذا، تولید، پردازش، توزیع و مصرف مواد غذایی پایدار به منظور بهبود اقتصاد محلی، محیط زیست محلی و جامعه محلی است" (فینسترا^۲، ۲۰۰۲). بنابراین، مفهوم غذای محلی مفهومی گسترده تر و فراتر از خرید محلی و اقتصاد محلی است (مارتینز^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

امروزه مفهوم مسافت غذایی^۴، مورد توجه بسیاری از مطالعات قرار گرفته است. به طوری که مصرف کنندگان محصولات غذایی محلی را با فاصله های ۱۰ تا ۲۰ مایل درک می کنند. در سایر مطالعات، فاصله به لحاظ ساعات رانندگی اندازه گیری می شود (ونزیگ و گروچمن، ۲۰۱۸). به گفته لیبلین^۵ و همکارانش (۲۰۰۱)، فاصله می تواند فضایی، زمانی و روانی باشد. فاصله فضایی به علت صنعتی شدن و تخصص کشاورزی است که منجر به افزایش نسبت تولیدات غذایی از مناطق دور افتاده می شود. با توجه به این فاصله فضایی، فاصله زمانی به لحاظ حفظ و ذخیره مواد غذایی هر دو اشاره به طول زنجیره های غذایی و زمان تولید و مصرف می شود. این دو نوع فاصله، فاصله روانی بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان را بوجود می آورد. مفهوم "مسافت غذایی" در محلی سازی، به کاهش مسافت غذایی و کاهش فاصله بین مزرعه (تولید کننده) و چنگال (مصرف کننده) اشاره دارد که تاثیرات محیطی مصرف مواد غذایی توسط مصرف کنندگان را به حداقل می رساند. با این حال، این ادعا توسط مطالعات متعدد مورد انتقاد قرار گرفته است که نشان می دهد "مسافت مواد غذایی" لزوما نشان دهنده بخش مهمی از مصرف انرژی در تولید مواد غذایی نیستند و انتخاب مواد غذایی وارداتی تولید شده در شرایط آب و هوایی مناسب می تواند از نظر محیط زیست و انتشار گازهای گلخانه ای مناسب تر باشد. در نتیجه این یافته ها، بعضی از نقاط این موضع گیری را به عنوان یک راه حل کاذب برای مشکلات محیطی ایجاد شده توسط یک سیستم غذایی جهانی و صنعتی مورد انتقاد قرار می دهند. در حالی که کلمه "محلی" ممکن است از لحاظ کارایی آن به عنوان یک شاخص محیط زیستی اثر بخشی خود را از دست داده باشد، نگاه کلی تر به مشارکت جنبش مواد غذایی محلی و در واقع تولید مواد غذایی به طور کلی، به ارزیابی غذای محلی به عنوان یک پتانسیل و راه حل برای رفع مشکلات اجتماعی و زیست محیطی در سیستم غذا کمک خواهد کرد. با این حال، اصطلاح "غذای مکان - محور" شامل یک مفهوم گسترده تر از مقیاس و نزدیکی و فراتر از مفهوم جغرافیایی آن بوده و شامل در نظر گرفتن روابط تجاری و پذیرش نقش حکومت در مقیاس های محلی و ملی است.

1. Peters
2. Feenstra
3. Martinez
4. Miles of food
5. Lieblein

گرچه در سال‌های اخیر تولید و مصرف مواد غذایی محلی در کشورهای پیشرفته شایع تر بوده است، اما اخیراً این محصولات نیز در کشورهای در حال توسعه ترویج و پذیرفته شده‌اند (وون^۱ و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۱۰۴). در کشور ایران، مناطق مختلف اقلیمی، پایه‌های محیط زیستی متنوعی را برای کشاورزی و رشد محصولات محلی ایجاد کرده است. علاوه بر این، به منظور حفظ سودآوری تولید محلی، سیاست‌های حمایت‌گرایانه در بخش کشاورزی مشارکت داشته‌اند. از این رو، محصولات بازار محلی در ایران فرصتی عالی برای ایجاد شغل فراهم می‌کند (پارسامطلق^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۶۰). از این رو هدف از پژوهش حاضر بررسی نگرش، تمایل و رفتار مصرف کنندگان در خصوص مصرف محصولات غذایی محلی و پیوندهای مکانی آنان در خصوص مصرف این نوع از محصولات و همچنین علل و عوامل تمایل یا عدم تمایل به مصرف محصولات محلی در میان ساکنان مناطق مورد مطالعه در شهر تهران (منطقه یک و بیست شهر تهران) است. بر همین اساس سؤالات پژوهش عبارتند از:

۱. جنسیت چه تاثیری در میزان مصرف محصولات محلی دارد؟
 ۲. آیا بین بالا بودن قیمت محصولات محلی و میزان تمایل به مصرف این نوع از محصولات رابطه معناداری وجود دارد؟
 ۳. آیا بین فاصله جغرافیایی و میزان تمایل به مصرف محصولات محلی رابطه معناداری وجود دارد؟
- مطالعه در زمینه مصرف محصولات محلی در کشور ایران از منظر مصرف اخلاقی، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. از این رو، نویسندگان این پژوهش، از ترکیب دیدگاه‌های جغرافیایی و ارزش‌های اخلاقی بصورت توانمند بهره گرفته و در زمینه مصرف محصولات محلی مورد بررسی قرار داده‌اند. از این رو، در تدوین ادبیات این موضوع از مطالعات خارجی بهره بیشتری گرفته شده است. اما مطالعات مشابهی در زمینه میزان تمایل به مصرف محصولات ارگانیک توسط محققان داخلی به انجام رسیده است. به عنوان نمونه، کوچکی و همکاران (۱۳۹۲)، مافی و همکارانش (۱۳۹۱)، آقاپور صباغی و محمدی (۱۳۹۱)، کاوسی کلاشمی و همکاران (۱۳۹۲) و پور علیجان و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی میزان تمایل به پرداخت برای محصولات ارگانیک در زمینه مواد غذایی مختلف در کشور پرداخته‌اند. همانطور که اشاره شد، مطالعات صورت گرفته در داخل کشور میزان تمایل مصرف کنندگان را بیشتر از بعد ارگانیک بودن محصولات غذایی مورد بررسی قرار داده‌اند و از بعد جغرافیایی و ارزش‌های اخلاقی به مصرف محصولات محلی در کشور پرداخته نشده است. با این حال، مطالعات متعددی توسط محققان خارج از کشور صورت گرفته است. به عنوان نمونه، روس^۳ و همکاران (۲۰۰۷)، پیگان^۴ و همکاران (۲۰۱۰)، هودارت کندی و همکاران^۵ (۲۰۱۹)، کارولان^۶ (۲۰۲۰) به بررسی ارزش‌های اخلاقی در حین مصرف محصولات غذایی پرداختند. از سوی دیگر،

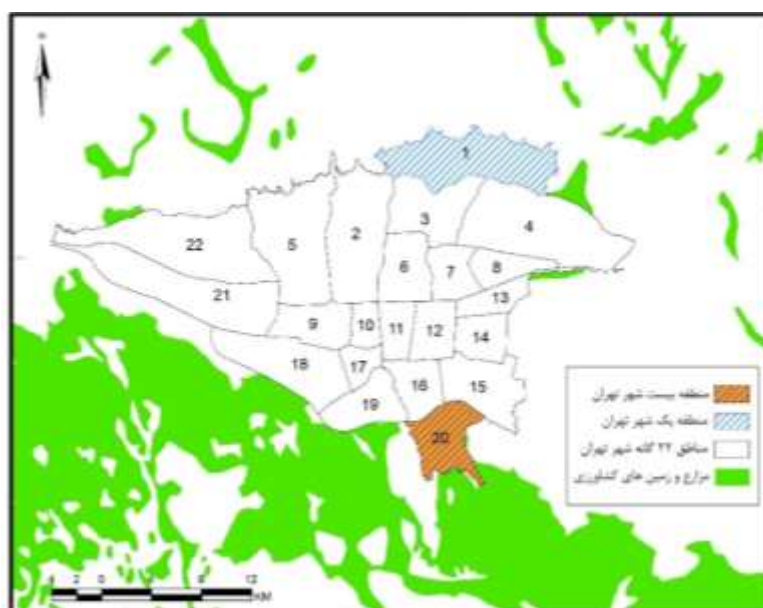
1. Voon
2. Parsa Motlagh
3. Roos
4. Beagan
5. Huddart Kennedy
6. Carolan

برخی دیگر از محققان خارجی به بررسی فاصله جغرافیایی و مصرف محصولات غذایی از دیدگاه اخلاقی به آن پرداخته‌اند. از جمله اسپنل^۱ (۲۰۱۳)، چيو^۲ (۲۰۱۳)، پرت^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقات خود به این مسأله توجه داشته‌اند.

۲. متدولوژی

در پژوهش حاضر از رویکرد تطبیقی استفاده شده است. همچنین برای تدوین چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شده است. روش نمونه‌گیری در این مناطق بر پایه روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس یا اتفاقی^۴ است. از آنجایی که پژوهش حاضر در پی تعمیم نتایج حاصل از مطالعات میدانی به کل جامعه نمی‌باشد و موضوع مورد مطالعه تنها در میان نمونه آماری کوچک مورد بررسی قرار گرفته است، این روش نمونه‌گیری انتخاب شده است.

بر همین اساس طی پیمایش ۵ ماهه (مهر تا بهمن ماه ۱۳۹۸) از ۱۹۷ نفر از مصرف کنندگان ساکن در مناطق ۱ و ۲۰ شهر تهران مصاحبه رو در رو بعمل آمده و از آنان درخواست شد تا به سؤالات پرسشنامه پاسخ دقیق دهند.



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه در پژوهش

1. Schnell
2. Chiu
3. Pratt
4. Convenience Sampling

چارچوب پرسشنامه شامل دو دسته سؤالات باز و بسته در خصوص (۱) عادات غذایی مصرف کنندگان، (۲) نگرش مصرف کنندگان به محصولات محلی، (۳) نوع محصولات محلی خریداری شده (۴) محل خریداری محصولات محلی، (۵) انگیزه‌ها و محرک‌های مصرف محصولات محلی تنظیم شده است. برای پاسخ به سوال‌های بسته از طیف پنج تایی لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شده است. همچنین از ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت شناسی مصرف کنندگان نیز سوال بعمل آمده است. همچنین جهت توصیف و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از آزمون‌های آماری توصیفی و همبستگی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

۳. یافته‌ها

۳.۱. یافته‌های توصیفی

۳.۱.۱. متغیرهای زمینه‌ای

جنسیت

یکی از مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی در این تحقیق، جنسیت پاسخ‌دهندگان است. از کل ۱۹۷ مشارکت کننده در مناطق مورد مطالعه در این تحقیق، ۹۴ نفر مرد و ۱۰۳ نفر زن در منطقه یک شهر تهران و ۶۲ نفر زن در منطقه بیست شهر تهران به این سوال پاسخ داده‌اند که در این میان، ۳۲ نفر مرد و ۶۲ نفر زن در منطقه یک شهر تهران و ۴۲ نفر مرد و ۶۱ نفر زن در منطقه ۲۰ شهر تهران مشارکت داشته‌اند.

جدول ۱. جنسیت پاسخ‌دهندگان به سؤالات پرسشنامه

منطقه	مرد	زن	کل
یک	۳۲ (۳۴/۱٪)	۶۲ (۶۵/۹٪)	۹۴ (۱۰۰٪)
بیست	۴۲ (۴۰/۸٪)	۶۱ (۵۹/۲٪)	۱۰۳ (۱۰۰٪)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

سن

گروه سنی مورد بررسی در تحقیق حاضر در ۵ گروه مورد بررسی قرار گرفته است. در منطقه یک شهر تهران ۹۲ نفر و در منطقه بیست شهر تهران ۱۰۴ نفر به این سوال پاسخ داده‌اند که در این میان گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در هر دو منطقه بالاترین فراوانی پاسخ دهندگان را به خود اختصاص داده است. گروه سنی ۳۰-۴۹ سال در رده بعدی به لحاظ فراوانی پاسخ دهندگان قرار گرفته است.

جدول ۲. گروه سنی پاسخ دهندگان به سؤالات پرسشنامه

منطقه	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰-۶۹	۷۰ و بالاتر	کل
یک	۴۴ (٪۴۷/۸)	۳۸ (٪۴۱/۳)	۷ (٪۷/۶)	۳ (٪۳۳)	۹۲ (٪۱۰۰)
بیست	۵۴ (٪۵۱/۹)	۳۸ (٪۳۶/۵)	۱۱ (٪۱۰/۶)	۱ (٪۱/۰)	۱۰۴ (٪۱۰۰)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

سطح تحصیلات

با بررسی سطح تحصیلات مشارکت کنندگان در دو منطقه یک و بیست شهر تهران می‌توان دریافت که حدود ۴۲ درصد از پاسخ دهندگان در منطقه یک شهر تهران و ۴۵ درصد در منطقه بیست شهر تهران دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی هستند. به عبارتی دیگر حدود نیمی از مشارکت کنندگان در هر دو منطقه مورد مطالعه دارای مدرک کاردانی و کارشناسی می‌باشند. از طرفی دیگر ۱۷ درصد از پاسخ دهندگان در منطقه یک شهر تهران دارای مدرک دکتری و بالاتر بوده‌اند که این میزان در منطقه بیست شهر تهران تنها حدود ۲ درصد بوده است.

جدول ۳. سطح تحصیلات پاسخ دهندگان به سؤالات پرسشنامه

منطقه	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی و دبیرستان	کاردانی و کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری و بالاتر	کل
یک	۲ (٪۲/۲)	۲ (٪۲/۲)	۱۶ (٪۱۷/۴)	۳۹ (٪۴۲/۴)	۱۷ (٪۱۸/۵)	۱۶ (٪۱۷/۴)	۹۲ (٪۱۰۰)
بیست	۳ (٪۲/۹)	۲ (٪۱/۹)	۴۴ (٪۴۲/۷)	۴۶ (٪۴۴/۷)	۶ (٪۵/۸)	۲ (٪۱/۹)	۱۰۳ (٪۱۰۰)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

اشتغال

با استناد به آمار توصیفی، از بین ۸۵ نفر پاسخ دهنده به این سوال در منطقه یک شهر تهران، حدود ۶۱ درصد شاغل بوده در حالیکه در منطقه بیست شهر تهران، از بین ۹۴ پاسخ دهنده به سوال مشابه، این میزان برابر با ۴۸ درصد بوده است.

جدول ۴. وضعیت اشتغال پاسخ دهندگان به سؤالات پرسشنامه

منطقه	بیکار	شاغل	خانه دار	دانش آموز/ دانشجو	بازنشسته	کل
یک	۴ (٪۴/۷)	۵۲ (٪۶۱/۲)	۹ (٪۱۰/۶)	۱۸ (٪۲۱/۲)	۲ (٪۲/۴)	۸۵ (٪۱۰۰)
بیست	۱۱ (٪۱۱/۷)	۴۵ (٪۴۷/۹)	۱۲ (٪۱۲/۸)	۱۹ (٪۲۰/۲)	۷ (٪۷/۴)	۹۴ (٪۱۰۰)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۱.۲. عوامل ترغیب کننده مصرف محصولات محلی

هر یک از مصرف کنندگان به هنگام خرید مواد غذایی فاکتورهای مهمی را در نظر می گیرند. در زمینه انتخاب محصولات محلی نیز عواملی همچون کیفیت محصول، تنوع، قیمت، سلامت و ارزش غذایی، برند محصول، حمایت از تولیدکننده محلی، حفاظت از محیط زیست اثرگذار هستند. در این پژوهش نیز مشارکت کنندگان در مناطق یک و بیست تهران میزان موافقت خود را با هر یک از عوامل مطرح شده از ۱ تا ۵ امتیازدهی کردند. امتیاز ۵ بیانگر موافقت خیلی زیاد و امتیاز ۱ بیانگر موافقت خیلی کم است. بر اساس آمار توصیفی مهم ترین عامل اثرگذار و ترغیب کننده در انتخاب محصولات محلی کیفیت بالای این نوع از محصولات است. عامل سلامت و ارزش غذایی محصولات محلی به عنوان دومین عامل ترغیب کننده مشارکت کنندگان در انتخاب محصولات محلی بوده است.

جدول ۵. عوامل ترغیب کننده مصرف محصولات محلی

میانگین	عامل اثرگذار	عوامل ترغیب کننده مصرف محصولات محلی
۳/۹۲	تنوع	
۴/۵۵	کیفیت	
۴/۰۷	قیمت	
۳/۵۵	برند محصول	
۴/۳۶	سلامت و ارزش غذایی	
۳/۸۸	حمایت از تولیدکننده محلی	
۳/۸۳	حفاظت از محیط زیست	
۳/۸۹	کمک به اقتصاد محلی	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۱.۳. نوع محصولات محلی خریداری شده توسط مصرف کنندگان

مصرف کنندگان بنابر ذائقه و علاقمندی خود انواع مختلفی از محصولات محلی را خریداری و مصرف می کنند. از جمله محصولاتی که بعنوان محصول محلی عرضه می شوند عبارتند از لبنیات، میوه، سبزیجات و صیفی جات، گوشت و سایر محصولات دامی و سایر محصولات محلی. در این میان ۷۰ درصد مشارکت کنندگان در مناطق یک و بیست شهر تهران لبنیات محلی، ۳۲/۵ درصد سبزیجات و صیفی جات محلی، ۲۹/۹ درصد گوشت و سایر محصولات دامی محلی و ۲۰/۳ درصد از آنان نیز میوه محلی خریداری می کنند.

جدول ۶. نوع محصولات محلی خریداری شده توسط مصرف کنندگان

نوع محصول محلی	فراوانی	درصد
لبنیات	۱۳۸	۷۰/۱
میوه	۴۰	۲۰/۳
سبزیجات و صیفی جات	۶۴	۳۲/۵
گوشت و سایر محصولات دامی	۵۹	۲۹/۹
سایر محصولات غذایی محلی	۹	۴/۶

* فراوانی هر محصول به صورت جداگانه نسبت به کل پاسخ‌ها یعنی ۱۹۷ پاسخ محاسبه و درصدگیری شده

است. (به طور مثال، ۱۳۸ نفر از ۱۹۷ پاسخگو به سوال تحقیق، لبنیات محلی مصرف می‌کنند).

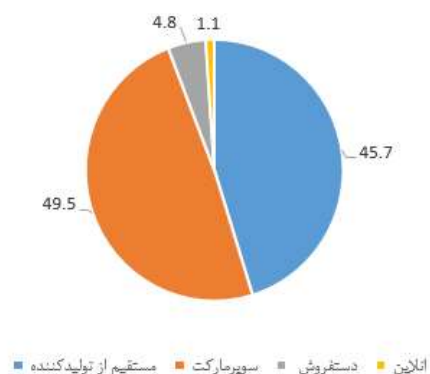
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳. ۱. ۴. محل خرید محصولات محلی توسط ساکنان مناطق یک و بیست شهر تهران

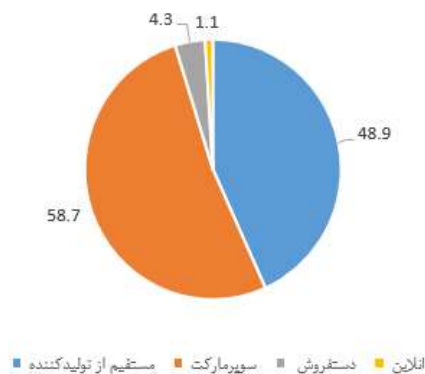
به طور معمول محصولات محلی به صورت مستقیم و بدون واسطه از تولیدکنندگان یا در سوپرمارکت‌ها و یا توسط دستفروشان در بازار مواد غذایی عرضه می‌شوند. به علاوه پدیده جدیدی که در سالیان اخیر رواج یافته است، فروش و عرضه محصولات محلی به صورت آنلاین می‌باشد. در بین پاسخگویان منطقه یک، حدود ۴۹ درصد از مصرف کنندگان به صورت مستقیم و بدون واسطه از تولیدکنندگان محصولات محلی خرید می‌کنند. در صورتی که این میزان در منطقه بیست حدود ۴۷ درصد است. علت این امر را می‌توان چنین تحلیل کرد که از آنجایی اغلب مشارکت کنندگان در منطقه یک از محل تولد خود محصولات محلی را خریداری می‌کنند، این نوع از محصولات را به طور مستقیم از تولیدکنندگان شهر خود خریداری می‌کنند. این در حالی است که مصرف کنندگان منطقه بیست به علت دسترسی بیشتر به مزارع و باغات کشاورزی اطراف، این نوع محصولات را به صورت مستقیم از تولیدکنندگان خریداری می‌کنند.

خرید محصولات محلی از سوپر مارکت در میان مصرف کنندگان منطقه یک نسبت به مصرف کنندگان منطقه بیست امری رایج‌تر است. به علاوه میزان خرید محصولات محلی از دستفروشان تقریباً برابر است. با توجه به جدید بودن پدیده فروش اینترنتی محصولات محلی و یا عومل دیگری مانند عدم اعتماد به کیفیت و سلامت محصولات محلی عرضه شده در سایت‌های فروش اینترنتی، در میان ۱۰۵ پاسخ‌دهنده به این سوال تنها یک نفر در منطقه یک و یک نفر در منطقه بیست، محصولات محلی خود را از طریق اینترنت خریداری و مصرف می‌کنند.

میزان خرید از محل عرضه محصولات محلی در منطقه بیست



میزان خرید از محل عرضه محصولات محلی در منطقه یک



شکل ۲. میزان خرید از محل عرضه محصولات محلی

۳. ۱. ۵. چالش‌های مصرف‌کنندگان در زمینه خرید محصولات محلی

مطالعات نشان می‌دهند که در برخی موارد، علیرغم نگرش مثبت مصرف‌کنندگان به مزایای استفاده از محصولات محلی، چالش‌ها و یا محدودیت‌هایی از قبیل فاصله جغرافیایی و یا مسافت دور از محل توزیع محصولات محلی، فصلی بودن این نوع از محصولات، تنوع بالای محصولات غیرمحلی و رقابت تولیدکنندگان محلی و غیرمحلی و همچنین عدم اعتماد به بهداشت و یا کیفیت محصولات محلی مواجه هستند. نتایج آمار توصیفی در زمینه این چالش‌ها نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن میانگین پاسخ‌های مصرف‌کنندگان با هریک از چالش‌های مطرح شده که با طیف لیکرت (عدد یک خیلی کم تا عدد ۵ خیلی زیاد) رتبه بندی شده است، نخستین و مهم‌ترین چالش مشارکت کنندگان در هر دو منطقه مورد مطالعه توزیع جغرافیایی محصولات محلی و یا به عبارت دیگر فاصله دور و دسترسی به این نوع از محصولات است. چرا که میانگین امتیاز به این چالش در میان پاسخگویان، ۴/۰۵ امتیازدهی شده است. چالش دوم مصرف‌کنندگان، عدم اعتماد به بهداشت و کیفیت محصولات محلی با میانگین ۴/۰۴ بوده است. تنوع بالای محصولات غیرمحلی با میانگین ۳/۹۴ به عنوان چالش سوم مصرف‌کنندگان مطرح شده است.

جدول ۷. چالش‌های مصرف‌کنندگان در زمینه مصرف محصولات محلی

نوع چالش	میزان موافقت (درصد)
توزیع جغرافیایی محصولات محلی	۴/۰۵
فصلی بودن عرضه محصولات محلی	۳/۷۷
رقابت تولیدکنندگان محصولات محلی و غیرمحلی	۳/۶۶
تنوع بالای محصولات غیرمحلی	۳/۹۴
عدم اعتماد به تولیدکنندگان محصولات محلی	۴/۰۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲.۳. یافته‌های تحلیلی

۳.۲.۱. جنسیت و میزان مصرف محصولات محلی

جنسیت همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای تعیین کننده الگوی مصرفی در میان مصرف‌کنندگان محسوب می‌شود. بر اساس مطالعات متعدد در زمینه مصرف اخلاقی بسیاری از یافته‌های پژوهشگران حاکی از این است که بین جنسیت و میزان تمایل به مصرف اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد. بر همین اساس در پژوهش حاضر بر اساس سؤالات مطرح شده درباره جنسیت و میزان مصرف محصولات محلی در مناطق یک و بیست می‌توان دریافت که زنان نسبت به مردان، به مصرف محصولات محلی علاقمندتر می‌باشند. چرا که آمار توصیفی بر اساس طیف لیکرت (امتیاز یک خیلی کم و امتیاز ۵ خیلی زیاد) نشان می‌دهد که میانگین امتیاز زنان به این سوال برابر با ۲/۳۲ و میانگین امتیاز مردان ۲/۲۶ است.

جدول ۸. میزان مصرف محصولات محلی بر حسب جنسیت

جنسیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
مرد	۱۵ (۲۰/۵٪)	۳۰ (۴۱/۱٪)	۲۴ (۳۲/۹٪)	۲ (۲/۷٪)	۲ (۲/۷٪)	۷۳ (۱۰۰٪)
زن	۲۹ (۲۴/۲٪)	۴۴ (۳۶/۷٪)	۳۲ (۲۶/۷٪)	۱۰ (۸/۳٪)	۵ (۴/۲٪)	۱۲۰ (۱۰۰٪)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۲.۲. رابطه بین بالا بودن قیمت محصولات محلی و میزان تمایل به مصرف محصولات محلی

بررسی آمار توصیفی در خصوص بالابودن قیمت محصولات محلی که با مقیاس لیکرت در پرسشنامه امتیازدهی شده است، نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان منطقه بیست تهران در مقایسه با منطقه یک، به نسبت بیشتری، بالا بودن قیمت محصولات محلی را به عنوان چالش مطرح کرده‌اند. چرا که میانگین امتیازهای پاسخ‌دهندگان بر اساس طیف لیکرت نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌ها در منطقه بیست برابر با ۳/۳۳ و در منطقه یک تهران ۳/۲۲ می‌باشد. بر همین اساس برای بررسی رابطه میان دو متغیر بالا بودن قیمت محصولات محلی و میزان تمایل به مصرف این محصولات در دو منطقه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده این آزمون در دو منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که در منطقه بیست تهران نتیجه این آزمون همبستگی منفی را نشان می‌دهد. با سطح معناداری ۰/۰۵ درصد می‌توان گفت که با افزایش قیمت محصولات محلی، میزان تمایل به مصرف این نوع از مواد غذایی در بین مشارکت‌کنندگان کاهش می‌یابد. اما نتایج ضریب همبستگی پیرسون در منطقه یک تهران مثبت می‌باشد. یعنی بالا بودن قیمت محصولات محلی در میزان تمایل به مصرف این نوع از محصولات در میان مشارکت‌کنندگان تأثیری نداشته و یا این تأثیر کمتر بوده است. بنابراین قیمت بالای محصولات محلی برای مشارکت‌کنندگان این منطقه چالش اساسی به شمار نمی‌آید بلکه همانطور که در آزمون‌های بالا اشاره شد، فاصله جغرافیایی و دسترسی به این نوع محصولات برای آنان به عنوان یکی از چالش‌ها مطرح شده است.

جدول ۹. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون			
میزان تمایل به مصرف محصولات محلی			
۰/۱۰۵	Pearson Correlation	قیمت بالای محصولات محلی	یک
۰/۳۴۴	Sig. (2-tailed)		
۸۴	N		
* -۰/۲۳۰	Pearson Correlation	قیمت بالای محصولات محلی	بیست
۰/۰۲۱	Sig. (2-tailed)		
۱۰۱	N		

* قیمت در هر دو منطقه با فرض یکسان بودن کیفیت محصولات محلی در نظر گرفته شده است.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۲.۳. رابطه بین فاصله جغرافیایی و میزان تمایل به مصرف محصولات محلی

نتایج آمار توصیفی برگرفته از پرسشنامه نشان می‌دهد که در منطقه یک شهر تهران حدود ۸۳ درصد از پاسخ دهندگان مایل به خرید محصولات محلی هستند، حال آنکه در منطقه بیست شهر تهران این میزان حدود ۷۰/۵ درصد می‌باشد. به علاوه حدود ۱۵ درصد از پاسخ دهندگان در منطقه یک تهران اذعان داشته‌اند که خرید محصولات محلی و غیرمحلی برای آنان تفاوتی ندارد. در منطقه بیست نیز این میزان بیشتر از منطقه یک بوده و حدود ۲۱ درصد است. نکته قابل توجه آنکه در منطقه یک تهران هیچ یک از پاسخ دهندگان نسبت به خرید محصولات محلی از خود عدم تمایلی نشان نداده‌اند.

جدول ۱۰. میزان تمایل به مصرف محصولات محلی توسط ساکنان مناطق یک و بیست تهران

منطقه	مایل هستم	برای من تفاوتی ندارد	مایل نیستم	کل
یک	۷۶ (٪۸۲/۶)	۱۴ (٪۱۵/۲)	-	۹۰ (٪۱۰۰)
بیست	۷۴ (٪۷۰/۵)	۲۲ (٪۲۱/۰)	۷ (٪۶/۷)	۱۰۵ (٪۱۰۰)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

با توجه به یکی از سؤالات تحقیق که مبتنی بر رابطه بین فاصله جغرافیایی محل تولید و عرضه محصولات محلی و تمایل به خرید این نوع از محصولات در میان ساکنین مناطق یک و بیست آزمون همبستگی پیرسون به عمل آمده است. نتایج این آزمون بیانگر این است که همبستگی منفی بین دو متغیر فاصله جغرافیایی و میزان تمایل به مصرف محصولات محلی در هر دو منطقه وجود دارد به عبارت دیگر در هر دو منطقه با افزایش فاصله جغرافیایی از محل تولید و عرضه محصولات محلی، میزان تمایل به خرید محصولات محلی در میان ساکنین کاهش می‌یابد.

جدول ۱۱. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون			
فاصله جغرافیای از محل تولید و عرضه محصولات محلی			
-۰/۱۴۵	Pearson Correlation	میزان تمایل مصرف کنندگان به مصرف محصولات محلی	یک
۰/۱۸۳	Sig. (2-tailed)		
۸۶	N		
-۰/۰۰۶	Pearson Correlation	میزان تمایل مصرف کنندگان به مصرف محصولات محلی	بسیار
۰/۹۵۶	Sig. (2-tailed)		
۱۰۲	N		

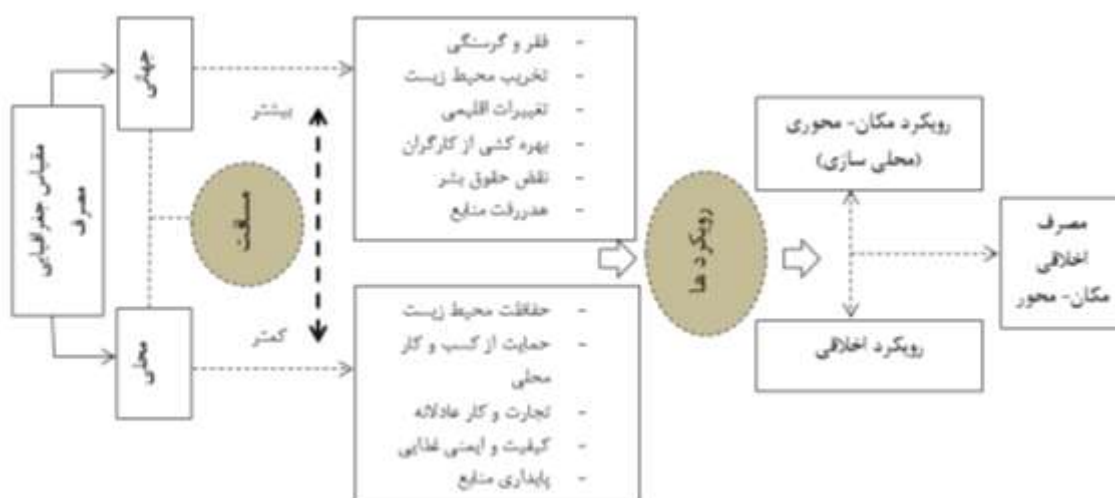
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۴. بحث

در چارچوب موضوعات مربوط به غذا و کشاورزی، امروزه رویکرد جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، چرا که این رویکرد به بررسی مقیاس‌های متعدد محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در تولید و توزیع محصولات غذایی می‌پردازد. در این میان غذای تولید شده در مقیاس محلی امروزه به طور فزاینده‌ای در میان مصرف‌کنندگان محبوبیت یافته است. اگرچه "محصول محلی" به طور مکرر در زندگی روزمره بکار می‌رود اما تعریف مشخصی برای آن وجود ندارد. همچنین بیشتر تحقیقات در حوزه محصولات محلی بیشتر در کشورهای توسعه یافته انجام یافته است و بنابراین تحقیقات گسترده در زمینه محصولات محلی در کشورهای کمتر توسعه یافته همچون ایران کمتر دیده می‌شود. از سوی دیگر، مطالعه در خصوص رفتار انسانی در زمینه مصرف یک موضوع میان رشته‌ای در بسیاری از علوم مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و جغرافیا است. به طور مشابه رفتار مصرف‌کننده اخلاقی نیز پدیده‌ای است که از دیدگاه‌های مختلف در کشورهای توسعه یافته بیشتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین ترکیب دیدگاه‌های اخلاقی با رویکرد جغرافیایی در زمینه مصرف محصولات محلی، یکی از جنبه‌های نوآوری در این پژوهش به شمار می‌آید که در این پژوهش در کنار عوامل انگیزاننده برای مصرف محصولات محلی، به عامل فاصله و مسافت جغرافیایی به طور ویژه پرداخته شده است. چنانچه یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از اهمیت عامل جغرافیایی در مصرف محصولات محلی است، این در حالی است که مطالعات پیشین بیشتر عوامل محرکه مصرف مانند ارزش‌های اخلاقی مصرف‌کنندگان و یا نوع و کیفیت محصول را مورد بررسی قرار داده‌اند و عامل جغرافیا را به عنوان عامل اثرگذار در انتخاب‌های اخلاقی دخیل نکرده‌اند. به طور کلی مطالعات متعدد در جغرافیای انسانی نشان می‌دهند که مصرف محصولات محلی می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای مصرف اخلاقی محسوب شود. از این رو، مصرف اخلاقی شامل طیف گسترده‌ای از جنبش‌ها، ابتکارات و شیوه‌هایی است که از طریق آن ارزش‌ها، اخلاق، اصول و آرمان‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی و محیط زیستی، تصمیمات مصرف‌کنندگان را در مورد خرید کالاها

و خدمات و همچنین استفاده و بازیافت آنها شکل می دهد (کرنگ^۱ و هاگس^۲، ۲۰۱۵، ص. ۱۳۱). مصرف اخلاقی به طور همزمان دو دسته متمایز از انگیزه‌ها را دنبال می کند: از یک طرف، به دنبال اهداف و خواسته های فردی است و از سوی دیگر، این انگیزه های خود محور با "پایداری و هماهنگی اجتماعی" پیوند خورده و بازتابی از "اعتقادات شخصی و اخلاقی" است (باومن^۳ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۶۹). استفاده از تولیدات محلی راهی برای جلب رضایت کسب و کارهای کوچک محلی است که عمدتاً در شرایط سرزمینی معمول قرار دارند و بنابراین منجر به تقویت درآمد آنها و حمایت از توسعه کار محلی شده و به نوبه خود نوعی احترام به چشم انداز محلی، یکپارچگی منابع طبیعی و استفاده از تکنیک‌های سنتی است (کاربنه^۴ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۸؛ ریسسی^۵ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳۹۸). آدامز^۶ و رایزبورگ^۷ (۲۰۱۰) در مطالعه خود در میان مصرف کنندگان بریتانیایی دریافتند که هنگامی که با اطلاعات فراوان درباره انتخاب محصولات اخلاقی مواجه می شوند، بسیاری از مصرف کنندگان، محصولات محلی را نوعی مصرف اخلاقی می دانند. به همین ترتیب، مگیکس^۸ و همکاران (۲۰۱۲) استدلال می کنند که مصرف کنندگان اغلب محصولات محلی را به دلایلی فراتر از خود واقعی محصول خریداری می کنند، اما به دیگر مسائل اجتماعی و اخلاقی مانند تمایل به حمایت از کسب و کارهای محلی اهمیت می دهند (نئو^۹، ۲۰۱۴، ص. ۲). برای پیش برد بحث درباره مفهوم سیستم غذایی مکان-محور، از طریق بحث در مورد اهمیت تنوع اجتماعی و زیستی، چرخه مواد مغذی پایدار و ارتباط فرهنگی، از طرفی می توان یک سیستم غذای محلی تعریف شده توسط مرز جغرافیایی را در نظر گرفت و از سوی دیگر به سیستم غذایی که به شرایط اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی در مقیاس های متعدد پاسخگو است اشاره کرد. سیستم های غذایی مکان-محور می توانند تاثیرات منفی محیط زیستی و اجتماعی را با کمک تقویت انعطاف پذیری محیطی، کاهش ریسک اقتصادی، تسهیل استفاده پایدار از منابع محلی و ایجاد ارتباطات فرهنگی قابل توجه با چشم انداز و جوامع منطقه ای، کاهش دهند (کلاسن^{۱۰}، ۲۰۱۶).

1. Crang
2. Hughes
3. Baumann et al.
4. Carbone
5. Ricci
6. Adams
7. Raisborough
8. Megicks
9. Neo
10. Klassen



شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق (مصرف اخلاقی مکان - محور)

۵. نتیجه گیری

عوامل انگیزشی مربوط به مصرف محصولات محلی تأثیرات مثبت و منفی بر خرید این نوع از محصولات دارد. هر یک از مصرف کنندگان به هنگام خرید مواد غذایی فاکتورهای مهمی همچون کیفیت محصول، تنوع، قیمت، سلامت و ارزش غذایی، برند محصول، حمایت از تولیدکننده محلی، حفاظت از محیط زیست اثرگذار هستند. یافته‌های حاصل از پژوهش میدانی در این تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت بالای این محصولات محلی به عنوان نخستین و مهم‌ترین عامل انگیزشی در انتخاب این نوع از محصولات است.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد، اگرچه مشارکت کنندگان در تحقیق بر اساس ارزش‌های اخلاقی خود یعنی سلامت فردی (با توجه به تازگی و مغذی بودن محصولات)، حمایت از تولیدکنندگان محلی و در برخی موارد حفاظت از محیط زیست اقدام به خرید و مصرف محصولات محلی می‌کنند، اما مسأله اصلی بر اساس یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که عامل مسافت جغرافیایی و دسترسی به محصولات محلی یکی از موانع اصلی در تمایل مشارکت کنندگان به مصرف محصولات محلی در مناطق مورد مطالعه است. چنانچه نتایج بررسی‌های میدانی نیز موید این نکته است که همبستگی منفی بین دو متغیر فاصله جغرافیایی و میزان تمایل به مصرف محصولات محلی در هر دو منطقه یک و بیست شهر تهران وجود دارد. به عبارت دیگر، بر اساس یافته‌های بعمل آمده در هر دو منطقه با افزایش فاصله جغرافیایی از محل تولید و عرضه محصولات محلی، میزان تمایل به خرید محصولات محلی در میان ساکنین کاهش می‌یابد. به علاوه این امر خود بعنوان اصلی‌ترین چالش مشارکت کنندگان در هر دو منطقه به شمار می‌رود. بنابراین با توجه به مسائلی مانند فاصله جغرافیایی و آلودگی، ایمنی غذایی و غیره، مداخله برنامه‌ریزان در سیستم‌های غذایی محلی بایستی مورد توجه قرار گیرد. زیرا زندگی شهری تحت تأثیر فعالیت‌های سیستم غذایی مانند کشاورزی، فروشگاه‌های مواد غذایی، بازار کشاورزان، و ... قرار دارد. به علاوه

سیستم‌های غذایی بخش بزرگی از اقتصاد محلی را شامل می‌شوند، از جمله مشاغل خرده فروشی و صنعتی و انواع فرصت‌های کارآفرینی. در اینجا است که با این واقعیت مواجه می‌شویم که برنامه‌ریزان، با روند توسعه و رهبری مبتنی بر بهره‌وری و با محوریت مصرف‌کنندگان، در برنامه‌ریزی مواجه هستند. از این رو گفتگو با شهروندان به عنوان مصرف‌کنندگان و تحلیل کیفی نیازهای آنان برای تدوین استراتژی‌های توسعه شهری از اقدامات مهم و ضروری در امر برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود. به عبارت دیگر برنامه‌ریزان می‌توانند اجتماعات محلی را برای تولید و مصرف مواد غذایی محلی پایدارتر و حفظ منابع کشاورزی تشویق کنند. برنامه‌ریزان همچنین با همکاری مصرف‌کنندگان اخلاقی می‌توانند آلودگی، زباله‌ها و تخریب محیط‌زیست ناشی از فعالیت‌های تولید و پردازش مواد غذایی را تنظیم و کاهش دهند.

کتاب‌نامه

۱. آقاپور صباغی، م. و محمدی، ا. (۱۳۹۱). برآورد میزان تمایل به پرداخت برای محصول سبزیجات ارگانیک در شهر اهواز. همدان: اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم.
۲. پورعلیجان، م.، امیرنژاد، ح.، مجاوریان، س. م.، و تسلیمی، م. (۱۳۹۹). بررسی تمایل مصرف‌کنندگان برای مصرف محصولات ارگانیک در شهر ساری. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۲۸ (۱۲)، ۹۳-۱۱۶.
۳. حقیقی، م.، و حسین زاده، م. (۱۳۸۸). مقایسه میزان تمایل به مصرف کالاهای داخلی در تهران با سایر مناطق جهان و بررسی پیامدهای آن بر ارزیابی و ترجیح محصولات. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۳ (۴)، ۱۰۳-۱۳۹.
۴. کوچکی، ع.، منصوری، ه.، قربانی، م.، و رجب زاده، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر تمایل به مصرف محصولات ارگانیک در شهرستان مشهد. *اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، ۲۷ (۳)، ۱۸۸-۱۹۴.
۵. کاوسی کلاشمی، م.، تهامی پور زرنندی، م.، و حیدری شلمانی، م. (۱۳۹۲). برآورد میزان تمایل به پرداخت مصرف کنندگان برای محصول ارگانیک مرغ سبز به روش دو مرحله‌ای هکمن. *اقتصاد و الگوسازی*، ۴ (۱۶)، ۱۱۵-۱۳۰.
6. Barnett, C., Cloke, P., Clarke, N., & Malpass, A. (2005). Consuming ethics: Articulating the subjects and spaces of ethical consumption. *Antipode*, 37(1), 23-45.
7. Beagan, B. L., Ristovski-Slijepcevic, S., & Chapman, G. E. (2010). People are just becoming more conscious of how everything's connected: 'ethical' food consumption in two regions of Canada. *Sociology*, 44(4), 751-769.
8. Carbone, A., Gaito, M., & Senni, S. (2009). Consumer attitudes toward ethical food: evidence from social farming in Italy. *Journal of Food Products Marketing*, 15(3), 337-350.
9. Carolan, M. (2020). Ethical eating as experienced by consumers and producers: When good food meets good farmers. *Journal of Consumer Culture*, 1469540519899967.
10. Crang, M., & Hughes, A. (2015). Globalizing ethical consumption. *Geoforum*, 67, 131-134.
11. Duram, L., & Oberholtzer, L. (2010). A geographic approach to place and natural resource use in local food systems. *Renewable Agriculture and Food Systems*, 25(2), 99-108.
12. Feenstra, G. (2002). Creating space for sustainable food systems: Lessons from the field. *Agriculture and human values*, 19(2), 99-106.

13. Hall, S. M., (2011), Exploring the “ethical everyday”: An ethnography of the ethics of family consumption. *Geoforum*, 42(6), 627–637.
14. Huddart Kennedy, E., Baumann, S., & Johnston, J. (2019). Eating for taste and eating for change: Ethical consumption as a high-status practice. *Social Forces*, 98(1), 381-402.
15. Keitsch, M. (2018). Structuring ethical interpretations of the sustainable development goals—Concepts, implications and progress. *Sustainability*, 10(3), 829.
16. Kell, E. (2011). *Ethical consumer in a globalized world: challenges for the individual's identity*. Sweden: Master thesis, Department of Sociology, Lund University.
17. Klassen, S. E. (2016). Decreasing distance and re-valuing local: how place-based food systems can foster socio-ecological sustainability. *Solutions*, 7, 22-26.
18. Lang, T. (2010), from value-for-money to values-for-money: Ethical food and policy in Europe, *Environment and Planning A*, 42(8), 1814-1832.
19. Lyson, T. A., & Green, J. (1999). The agricultural marketscape: A framework for sustaining agriculture and communities in the Northeast. *Journal of Sustainable Agriculture*, 15(2-3), 133-150.
20. Martinez, S., Hand, M., Da Pra, M., Pollack, S., Ralston, K., Smith, T., & Newman, C. (2010). *Local food systems: Concepts, impacts, and issues*, ERR 97. US: Department of Agriculture, Economic Research Service, 5.
21. Megicks, P., Memery, J. and Angell, R. J., (2012). Understanding local food shopping: Unpacking the ethical dimension, *Journal of Marketing Management*, 28(3-4), 264-289.
22. Neo, H. (2016). Ethical consumption, meaningful substitution and the challenges of vegetarianism advocacy. *The Geographical Journal*, 182(2), 201-212.
23. Parsa Motlagh, B., Koocheki, A., Mahallati, M. N., & Ramezani, M. (2015). Local food production and consumption in Iran. *International Journal of Plant Science and Ecology*, 1, 54-66.
24. Peters, C. J., Bills, N. L., Lembo, A. J., Wilkins, J. L., & Fick, G. W. (2009). Mapping potential foodsheds in New York State: A spatial model for evaluating the capacity to localize food production. *Renewable agriculture and food systems*, 24(1), 72-84.
25. Pinchot, A. (2014). *The Economics of Local Food Systems*. Minnesota: University of Minnesota, Extension Center for Community Vitality.
26. Pratt, S., Mackenzie, M., & Lockwood Sutton, J. (2017). Food miles and food choices: the case of an upscale urban hotel in Hong Kong. *Journal of Sustainable Tourism*, 25(6), 779-795.
27. Riccia, C., Marinellib., N. and Pulitic, L., (2016). The consumer as citizen: the role of ethics for a sustainable consumption. *Journal of Agriculture and Agricultural Science Procedia*, 8, 395 – 401.
28. Rimal, A., & Onyango, B. (2013). Attitudes toward Locally Produced Food Products: Households and Food Retailers. *Journal of Food Distribution Research*, 44(856-2016-58116), 109-111.
29. Roos, G., Terragni, L., & Torjusen, H. (2007). The local in the global—creating ethical relations between producers and consumers. *Anthropology of food*, available at: <https://journals.openedition.org/aof/489>
30. Sandin, P., & Röcklinsberg, H. (2016). The Ethics of Consumption. *Journal of Agric Environ Ethics*, 29, 1–4.
31. Schnell, S. M. (2013). Food miles, local eating, and community supported agriculture: putting local food in its place. *Agriculture and Human Values*, 30(4), 615-628.
32. Signoria, S. & Forno, F. (2016). Closing the attitude-behaviour gap: The case of solidarity purchase groups. *Agriculture and Agricultural Science Procedia*, 8, 475 – 481.
33. Stein, A. J., & Santini, F. (2021). The sustainability of “local” food: a review for policy-makers. *Review of Agricultural, Food and Environmental Studies*, 1-13.

34. Voon. J. P., Sing. N. K. and Agrawal. A. (2011). Determinants of willingness to purchase organic food: An exploratory study using structural equation modeling. *The International Food and Agribusiness Management Review*, 14(2), 103-120.
35. Wenzig, J., & Gruchmann, T. (2018). Consumer preferences for local food: Testing an extended norm taxonomy. *Sustainability*, 10(5), 1313.
36. Yazdanpanah, M., & Forouzani, M. (2015). Application of the theory of planned behaviour to predict Iranian students' intention to purchase organic food. *Journal of Cleaner Production*, 107, 342-352.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیل نقش تفاوت‌های مکانی - فضایی در احساس نشاط شهروندان اهواز

صفیه دامن باغ^۱ (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

safiye_h_damanbagh@yahoo.com

ناهید سجادیان (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

nsajadian@yahoo.com

مرتضی نعمتی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

nematigeo@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

صص ۲۰۵-۲۲۴

چکیده

شهر اهواز با چالش‌های محیطی و تفاوت‌های مکانی - فضایی (نابرابری فضاهای نشاط‌آفرین) اثرگذاری در وضعیت نشاط شهروندان روبروست. تفاوت‌های مکانی و احساس نشاط شهروندان از مهمترین متغیرهای مورد بررسی این پژوهش هستند. برنامه‌ریزی عدالت محور و کاهش نابرابری‌های مکانی و فضایی در برخورداری از فضاهای نشاط‌آفرین مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش است. پژوهش حاضر نظری-کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. جامعه آماری شامل شهروندان اهواز (اعم از زن و مرد) در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا است که برابر با ۸۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر و روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده و پرسش‌نامه‌ها در شش محله منتخب تکمیل گردید. تحلیل داده‌ها با روش‌های آماری از جمله میانگین پاسخ‌ها، رگرسیون خطی، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک راهه و نرم افزار ArcGIS انجام شده است. بر اساس نتایج، سطح نشاط شهروندان اهوازی، پایین‌تر از حد میانگین و مطلوب است. میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین گروه‌های سنی از نظر سطح نشاط تفاوت معنادار وجود دارد. تفاوت سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان در محله‌های مختلف شهر اهواز نقش دارد و سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر متغیر و سیر نزولی دارد. در واقع تفاوت‌ها و نابرابری‌های فضایی و مکانی منجر به نابرابری سطح نشاط در بین شهروندان می‌شود و توزیع نشاط در بین شهروندان بر اساس تفاوت‌های مکانی دارای یک الگوی عادلانه نیست.

کلیدواژه‌ها: تفاوت فضایی - مکانی، جغرافیای رفتاری، شهر اهواز، محیط شهری، نشاط.

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری صفیه دامن باغ دانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد.

۱. مقدمه

در اواخر قرن بیستم بحث نشاط شهروندان در محیط‌های شهری به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد بررسی قرار گرفت، زیرا یکی از مشکلات جوامع، غفلت از شادی و نشاط و در نتیجه، افزایش بیماری‌های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی بوده است (فاضلیان و عظیمی، ۱۳۹۳، ص. ۴۲). براساس تعاریف مختلف ارائه شده، نشاط^۱ به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود هیجانات منفی و رضایت‌مندی (مایرز^۲، ۲۰۱۰، ص. ۵۷؛ لوردس^۳ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۲۰۹؛ هال^۴ و هیلیول^۵، ۲۰۱۴، ص. ۳). بنابراین، بر اساس مجموعه تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های مورد نظر آن‌ها می‌توان نشاط را ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن (وینهوون^۶، ۲۰۰۰، ص. ۳۴)، بروز عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، و...) و ظهور علائق مثبت اجتماعی (احساس دوست داشتن، اعتماد، امنیت و...) در افراد است که مجموع این مؤلفه‌ها در یک محیط شهری، موجبات خلق شهری بانشاط را فراهم می‌کند.

چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی از رویکردهای مختلف نشاط است. نظریه امید یکی از زمینه‌های اصلی در به وجود آمدن احساس نشاط، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده می‌داند (رحیمی و رستمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۹). براساس نظریه محرومیت نسبی انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند خودکشی و...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به درجه بالای خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (نبوی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴). کروسبی^۷ بیان می‌کند که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع می‌تواند به احساس محرومیت نسبی بینجامد. محرومیت نسبی نتیجه مقایسه افراد با دیگر اعضای اجتماع خصوصاً همسالان و خانواده‌های آنان است (برنبرگ^۸ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۱۲۲۷) که احتمالاً رفتارها و عواطف مخربی را ایجاد می‌کند که ناخوشایند هستند و از احساس بهزیستی، خوشبختی و نشاط فرد می‌کاهد (وایت^۹ و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۳۸).

نظریه روان‌شناسی محیطی^{۱۰} تأثیر عوامل بیرونی یعنی محیط طبیعی (جغرافیا) و محیط فیزیکی یا تکنولوژی (معماری) و یا به عبارت دیگر خصوصیات فضایی-فیزیکی، بر احساس و رفتار انسان را مورد مطالعه قرار

-
1. Happiness
 2. Meyers
 3. Lourdes
 4. Hall
 5. Helliwell
 6. Veenhoven
 7. Crosby
 8. Bernburg
 9. White
 10. Environmental Psychology

می‌دهد (کیانی و نصیری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰). جرمی بنتهام^۱، فقدان نشاط را با متغیرهای اقتصادی (توزیع ثروت و درآمد) تبیین می‌کند و وجود افسردگی عمومی در سطح جامعه را به عواملی چون؛ عدم اشتغال و بیکاری، نبود درآمد مناسب، رفاه عمومی پایین، بی‌عدالتی اقتصادی و نظایر آن نسبت داد (قرائی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴). ویلکینسون^۲ (۱۹۹۷) نیز استدلال کرده است که نابرابری درآمد در مناطق کوچک (مانند خیابان‌ها، بخش‌ها و یا حتی شهرهای کوچک) بازتابی از جدایی‌گزینی سکونتگاه‌ها از نظر فقیر و غنی است (بالاس^۳ و دورلین^۴، ۲۰۱۳، ص. ۴۷۲).

نشاط در جغرافیا در حیطه جغرافیای رفتاری که محصول ورود اندیشه‌های روان‌شناسی به حیطه مباحث جغرافیایی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که در مورد اهمیت ادراک، خلاقیت، تفکر و عقاید مردم که در فرموله کردن دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به محیط و در نتیجه در نحوه‌ی روابطشان با محیط تأثیر می‌گذارد، تأکید دارد (پوراحمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷). جغرافیای رفتاری به مطالعه احساس و ادراک انسانی از مکان و محیط می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳). بنابراین در تحلیل رفتارگرایی در جغرافیای شهری، تأثیر محیط شهری در رفتار و فعالیت گروه‌های مختلف شهری، شیوه‌هایی که در آن مردم ادراک و سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت در محیطشان تأثیر می‌گذارند به بررسی می‌پردازد. در واقع در این دیدگاه جغرافیایی، تأکید و گفتمان میان صورت ذهنی، جامعه و فضا مورد توجه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۱). ادراک یک فرآیند آگاهی است که در نتیجه اطلاعات دریافت شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی یا انسانی) بوسیله دریافت‌کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود و نهایتاً موجب بروز رفتار فرد بصورت واقعه‌ای قابل مشاهده در محیط رفتاری و محیط واقعی را فراهم می‌آورد (بهنروز، ۱۳۷۰، ص. ۴۱).

مطابق با بسیاری از ادبیات، شهرنشینی با نشاط و رفاه ذهنی رابطه منفی دارد؛ با این حال، تأثیر شهرنشینی بسته به حوزه‌های مختلف شادی و نشاط متغیر است (برنینی^۵ و تمپیری^۶، ۲۰۱۷، ص. ۱). از نظر چارلز مونتگومری^۷ از هم‌گسیختگی اجتماعی می‌تواند بزرگ‌ترین خطر زندگی شهری باشد یعنی بدتر از سروصدا، آلودگی هوا یا حتی ترافیک، هرچه که ارتباط افراد با خانواده و اجتماع بیشتر باشد، کمتر دچار حمله قلبی، افسردگی و... می‌شوند (مونتگومری، ۱۳۹۶، ص. ۲۸). ویرث^۸ معتقد است که زندگی شهری به نتایج منفی از لحاظ شناختی مثل احساس بیگانگی، به لحاظ رفتاری مانند رفتارهای انحرافی و از نظر ساختاری مانند شکل‌گیری بی‌نظمی و اختلالات در شهرها که همه‌ی این‌ها با عث ایجاد ناراحتی و احساسات ناخوشایند برای شهروندان می‌شود (اوکولچ-کوزارین^۹

1. Jeremy Bentham
2. Wilkinson
3. Ballas
4. Dorling
5. Bernini
6. Tampieri
7. Chares Montgomery
8. Wirth
9. Okulicz-Kozaryn

و مازلیس^۱، ۲۰۱۶، ص. ۳). زیمل^۲ نیز در نظریه دل‌زدگی^۳ خود به برخی از بیمارگونگی‌های شهری مانند حالت ملال‌آور و ضعف اعصاب، حساسیت بیش از حد و احتمالاً دل‌زدگی و بی‌تفاوتی اشاره می‌کند و فردیت را به عنوان یکی از مشخصه‌های مدرنیته قلمداد کرده است و شادمانی و نشاط را با آن پیوسته می‌داند (نایی و حاج‌هاشمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۲).

امروزه، پدیده شهری شدن رو به گسترش بوده و این روند تحولاتی را در جنبه‌های مختلف اقتصادی، مسکن، سلامت و غیره زندگی انسان ایجاد کرده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۲۴). بنابراین مسئله‌ی مهمی که باید به آن توجه داشت این است که انسان معاصر در محیط‌های شهری با خلأهایی روبرو شده است، موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، بیکاری، گرایش به مصرف مواد مخدر (نظریان، ۱۳۸۰، ص. ۱۵)، نبودن تفریحات سالم در شهر و بسیاری از مشکلات روانی-اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند نشاط در حال رخت بستن از محیط‌های شهری است (افشانی، ۱۳۹۴، ص. ۳). بنابراین یکی از مسائل مهمی که به طور مداوم باید در جست و جوی آن بود، سطح نشاط شهروندان در محیط‌های شهری است (میچل^۴ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۱).

براساس آمارهای جهانی و برخی مطالعات انجام شده در کشور، مردم ایران، بانشاط و خرسند نیستند و از نبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی به شکل عمومی رنج می‌برند. براساس گزارش نشاط سازمان ملل متحد (۲۰۱۸)^۵ که داده‌های آن طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ از ۱۵۷ کشور جهان جمع‌آوری شده است، نمره نشاط در ایران با ۴/۷ در رتبه ۱۰۶م قرار دارد (هلیول و همکاران^۶، ۲۰۱۸). با تأمل در شرایط کنونی شهرهای ایران و از جمله شهر اهواز، این نکته احساس می‌شود که عوامل برهم زننده تعادل، آرامش و سلامت شهروندان، افزایش و پیچیدگی خاصی یافته است.

مسائل و مشکلات شهر اهواز از جمله گسترش محله‌های حاشیه نشین، میزان بالایی از نرخ جرم، بافت ناهمگن جمعیتی، قومیت‌های متعدد و بروز چالش‌های قومی، شرایط خاص آب و هوایی (ریزگردها) و بحران‌های طبیعی (سیل) از دلایل طرح مسئله نشاط شهروندان شهر اهواز است. مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مطرح است شامل: ۱- تلقی شهروندان اهوازی از نشاط محیط زندگی خود در چه سطحی است؟ ۲- وضعیت و توزیع نشاط در بین گروه‌های مختلف زنان و مردان و رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز چگونه است؟ ۳- وضعیت و توزیع فضایی نشاط در سطح محلات منتخب شهر اهواز چگونه است؟

1. Mazelis

2. Simmel

3. Blasé Outlook

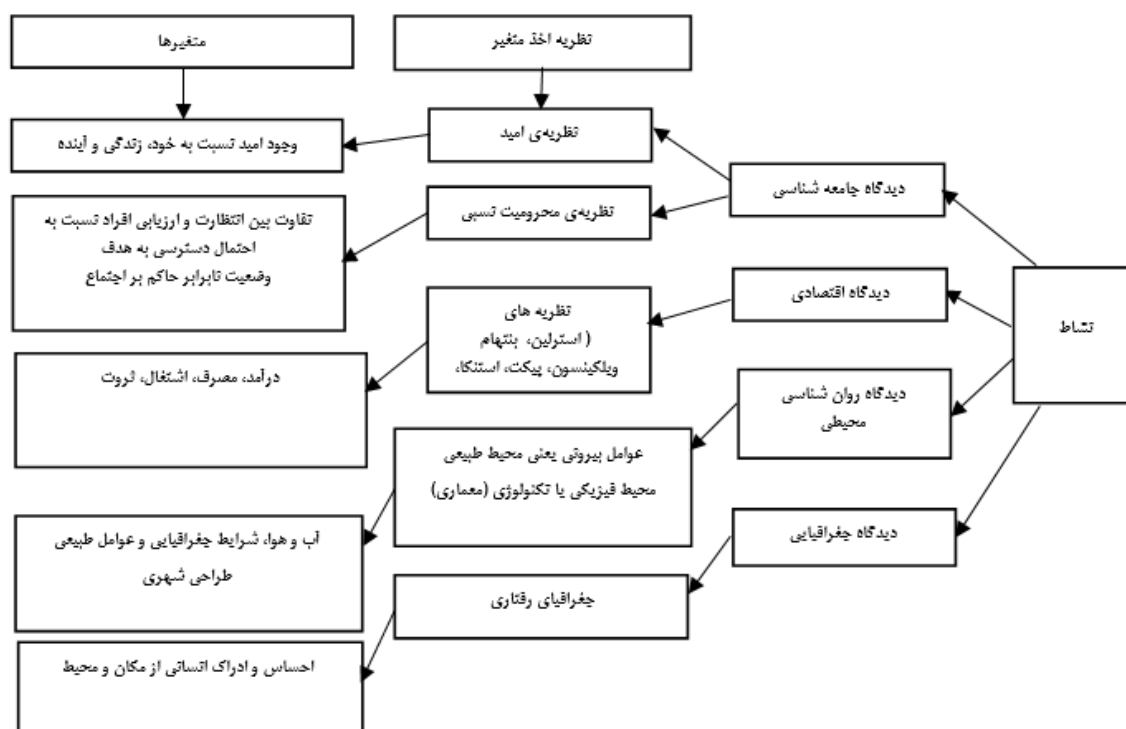
4. Mitchell

5. World Happiness Report

6. Helliwell

۲. متدولوژی

پژوهش حاضر کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. در بخش توصیفی متغیرهای کلیدی و تبیین‌کننده‌ی نشاط از منابع و پیشینه‌ی مربوط به موضوع استخراج و گردآوری گردید (شکل ۱). با توجه به اینکه موضوع نشاط در حیطه جغرافیای رفتاری است، ابزار اصلی دستیابی به اطلاعات استفاده از پرسشنامه است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد ۲۹ گویه‌ای شادکامی آکسفورد^۱ است.^۲

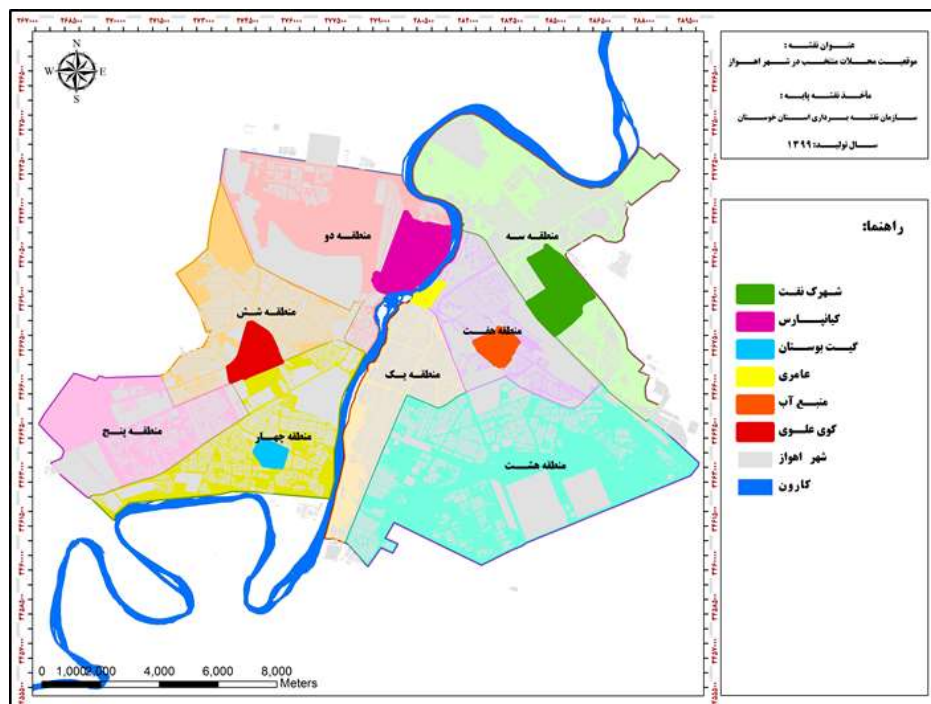


شکل ۱. مدل نظری متغیرهای پژوهش

قلمرو جغرافیایی این پژوهش شهر اهواز است و جامعه آماری شامل شهروندان (۱۵ سال به بالا) است که برابر با ۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. برای سهولت سنجش در نهایت شش محله از شهر اهواز به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و جمعیت آن‌ها به عنوان جامعه هدف پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت (شکل ۲).

1. Oxford Happiness Inventory

۲. این پرسشنامه را آرگایل و لو در سال ۱۹۸۹ میلادی تهیه کردند و ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۱۳۴۷ آزمودنی به دست آوردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعدد مورد تأیید و توانایی سنجش نشاط را بر اساس مؤلفه‌های آن در ایران را داراست.



شکل ۲. موقعیت محلات مورد مطالعه در شهر اهواز

حجم نمونه متناسب با جامعه آماری و براساس فرمول کوکران^۱، تعداد ۳۸۵ پرسشنامه برآورد گردید که تعداد پرسشنامه‌ها به نسبت حجم جمعیت محلات منتخب محاسبه شد. روش نمونه‌گیری تخصیص نسبی (طبقه‌ای) است. در جدول (۲) مشخصات محله‌ها، تعداد نمونه‌ها و پرسشنامه‌های تکمیل شده در هر محله نشان داده شده است.

جدول ۲. مشخصات و تعداد نمونه در محلات منتخب

محلہ	منطقہ	جمعیت	مساحت (ہکتار)	سطح	تعداد نمونہ
شہرک نفت	۳	۶۴۲۹	۴۹۸	یک	۳۰
کیانپارس	۲	۴۶۷۶۲	۴۰۷	یک	۱۱۵
گیت بوستان	۴	۷۱۳	۷۲	دو	۲۰
عامری	۷	۴۴۹۴	۳۷	دو	۲۵
منبع آب	۷	۲۷۹۹۱	۱۱۷	سہ	۷۰
کوی علوی	۶	۴۷۹۷۸	۷۰۳	سہ	۱۲۵

مأخذ: معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری اهواز، ۱۳۹۶ و یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جهت تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار SPSS از روش‌های آماری از جمله میانگین پاسخ‌ها^۱، رگرسیون خطی^۲، آزمون تی مستقل^۳ و تحلیل واریانس یک راهه^۴ و نرم افزار Excel و ArcGIS نیز بهره‌گرفته شده است.

۳. یافته‌ها

این مرحله از پژوهش به ارزیابی وضعیت نشاط شهروندان شهر اهواز پرداخته است. به منظور دستیابی به میزان نشاط شهروندان از روش آماری میانگین پاسخ‌ها استفاده شده است. با توجه اینکه در جریان گردآوری داده‌ها از طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده و رتبه ۱ (امتیاز پایین) تا ۵ (امتیاز بالا) به پاسخ‌ها اختصاص داده شده است، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها است. همان طور که در جدول (۳) نشان داده شده است، شهروندان اهوازی سطح نشاط خود نسبت به همه مؤلفه‌های نشاط را پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳. میانگین پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه‌های نشاط از نگاه شهروندان اهواز

گویه‌ها	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از خطای میانگین
۱- احساس شادابی و نشاط می‌کنم	۲/۷۱۶	۱/۷۲۳	۰/۰۸۷
۲- نسبت به آینده خوشبین هستم	۲/۵۸۴	۱/۰۹۶	۰/۰۵۵
۳- احساس می‌کنم زندگی سرشار از امید پیش رو دارم	۲/۳۶۶	۱/۱۷۸	۰/۰۶۰۰
۴- از همه جنبه‌های زندگی‌ام کاملاً راضی هستم	۲/۲۸۵	۱/۰۶۳	۰/۰۵۴
۵- احساس می‌کنم زندگی‌ام بی‌نهایت رضایت بخش است	۲/۳۰۳	۱/۱۳۱	۰/۰۵۷
۶- احساس می‌کنم بر تمام جنبه‌های زندگی‌ام کنترل دارم	۲/۱۵۵	۱/۰۹۵	۰/۰۵۵
۷- از آنچه هستم شدیداً احساس رضایت می‌کنم	۲/۴۵۱	۱/۱۱۹	۰/۰۵۷
۸- من عاشق زندگی‌ام هستم	۲/۷۲۴	۱/۰۰۲	۰/۲۰۳
۹- به مردم و اطرافیانم علاقه دارم	۲/۴۸۸	۱/۲۶۰	۰/۰۶۴
۱۰- به راحتی می‌توانم هر تصمیمی بگیرم	۲/۴۴۶	۱/۲۰۲	۰/۰۶۱
۱۱- احساس می‌کنم می‌توانم هر کاری را به عهده بگیرم	۲/۳۴۲	۱/۰۳۴	۰/۰۵۲
۱۲- خواب و استراحت کافی و مناسبی دارم	۲/۱۷۹	۱/۱۲۵	۰/۰۵۷
۱۳- احساس می‌کنم سرشار از نیرو و توانایی هستم	۲/۲۹۸	۱/۱۸۶	۰/۰۶۰
۱۴- دنیا برایم زیبا و قشنگ جلوه می‌کند	۲/۲۰۷	۱/۱۳۱	۰/۰۵۷
۱۵- احساس می‌کنم از لحاظ ذهنی کاملاً هوشیارم	۲/۳۵۵	۱/۲۶۲	۰/۰۶۴
۱۶- احساس سلامتی و تندرستی می‌کنم	۲/۳۴۵	۱/۲۶۷	۰/۰۶۴

1. Means
2. Regression Linear
3. Independent-Sample T Test
4. One-Way ANOVA

گویه‌ها	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از خطای میانگین
۱۷- نسبت به دیگران احساس صمیمیت و به آن‌ها عشق می‌ورزم	۲/۳۷۴	۱/۱۸۸	۰/۰۶۰
۱۸- بیشتر خاطره‌های گذشته من خوش هستند	۲/۲۰۵	۱/۱۵۱	۰/۰۵۸
۱۹- همیشه دارای شور و شوق هستم	۲/۳۵۵	۱/۳۰۷	۰/۰۶۶
۲۰- می‌توانم وقتم را برای هر کاری که می‌خواهم، اختصاص بدهم	۲/۳۴۸	۱/۱۱۴	۰/۰۵۶
۲۱- از بودن با دیگران لذت می‌برم	۲/۴۷۰	۱/۱۹۲	۰/۰۶۰
۲۲- بر دیگران اثر خوبی می‌گذارم	۲/۴۰۲	۱/۱۷۱	۰/۰۵۹
۲۳- زندگی‌ام پر از معنا و هدف است	۲/۴۷۷	۱/۱۲۰	۰/۰۵۷
۲۴- من همیشه احساس تعهد و فعالیت می‌کنم	۲/۵۰۶	۱/۲۴۶	۰/۰۶۴
۲۵- همه چیزهایی که می‌خواستم، انجام داده‌ام	۲/۳۴۰	۱/۱۰۶	۰/۰۵۶
۲۶- فکر می‌کنم دنیا جای عالی است	۲/۴۹۳	۱/۱۳۹	۰/۰۵۸
۲۷- همیشه در حال خوشحالی و خندیدن هستم	۲/۳۵۵	۱/۰۵۳	۰/۰۵۳
۲۸- جذاب هستم	۲/۴۱۸	۱/۰۳۷	۰/۰۵۲
۲۹- به نظر من همه چیزها جالب هستند	۲/۴۴۹	۱/۱۲۶	۰/۰۵۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مؤلفه‌های مطرح شده در جدول (۳) به عوامل شش‌گانه با عنوان "امیدواری، رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس" نام‌گذاری شده‌اند. که با استفاده از مدل برازش رگرسیونی در محیط نرم افزار SPSS، میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل برای مشخص شدن درجه تأثیر و رابطه این مؤلفه‌ها با سطح نشاط شهروندان در شهر اهواز مورد ارزیابی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های شش‌گانه اصلی به عنوان متغیر مستقل، و شاخص‌های تلفیقی که مجموع کل مؤلفه‌های نشاط شهروندان می‌باشد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که تمامی مؤلفه‌های شش‌گانه معنی‌دار بوده و همگی در نشاط شهروندان تأثیر خواهند داشت^۱. نتایج نشان می‌دهد که هر یک واحد تغییر در انحراف معیار به میزان ۰/۱۱۹ واحد در مؤلفه‌ی امیدواری، ۰/۱۵۷ در مؤلفه‌ی رضایتمندی، ۰/۳۲۶ در مؤلفه‌ی خلق مثبت، ۰/۴۶۷ در مؤلفه‌ی سلامتی، ۰/۲۳۷ در مؤلفه‌ی کارآمدی و ۰/۲۶۷ در مؤلفه‌ی عزت نفس در نشاط شهروندان شهر اهواز تغییر ایجاد می‌کند (مطابق شکل ۴). این در حالی است که همه مؤلفه‌ها معنی‌دار بوده و در نشاط شهروندان شهر اهواز تأثیرگذار خواهند بود. همان‌طور که در شکل (۳) نشان داده شده است، مؤلفه‌ی سلامتی (سلامتی جسمانی و روحی) بیشترین میزان اثرگذاری را از نظر شهروندان به خود اختصاص داده است. چرا که مؤلفه‌ی سلامتی به عنوان یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده احساس شادکامی و نشاط به ذهن می‌آید.

۱. لازم به ذکر است که با توجه به زیاد بودن حجم و تعداد جدول‌ها از آوردن جدول‌های مربوط به نتایج رگرسیون صرف نظر شده است و نتایج کلی به صورت شکل نشان داده شده است.

داشتن احساس امیدواری نیز کمترین میزان اثرگذاری در نشاط شهروندان را داشته است که این امر نشان می‌دهد که میزان و سطح امید در شهروندان اهوازی پایین است. این در حالی است که یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در به وجود آمدن احساس شادی و نشاط، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است و وجود امید خود شکل خاصی از شادی و نشاط است. بنابراین سطح پایین احساس امیدواری در شهروندان اهوازی، نشان دهنده وضعیت نامناسب سطح نشاط آن‌ها است؛ چرا که وجود میزان بالایی از احساس ناامیدی در بین شهروندان نقطه مقابل نشاط آن‌ها است. این امر نشان می‌دهد که نوعی افسردگی عمومی در بین شهروندان اهوازی در حال شکل‌گیری است که ادامه این وضعیت برای روحیه شهروندان اهوازی خطرناک است و مسائل روانی، اجتماعی و محیطی مختلفی را در پی خواهد داشت؛ چراکه نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های مهم افراد افسرده این است که آن‌ها دچار ناامیدی زیادی هستند؛ مخصوصاً در افسردگی‌هایی که ناامیدی بارزتر از همه چیز می‌باشد، علل‌های به وجود می‌آید که از جمله آن‌ها می‌توان از غمگینی، خودکشی، انرژی کم، بی‌تفاوتی و کندی حرکت را نام برد.



شکل ۳. میزان اثرگذاری مؤلفه‌های ششگانه در نشاط شهروندان اهواز

تفاوت میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط از جمله مباحث مورد تاکید در این پژوهش است. برای آزمون نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که با توجه معناداری به دست آمده بالاتر از ۰/۰۵، داده‌ها دارای توزیع نرمال بوده است بنابراین از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای مقایسه دو گروه زنان و مردان از نظر سطح نشاط، از آزمون t مستقل استفاده شده است، چرا که هدف مقایسه دو گروه مستقل با نمونه‌های نابرابر (تعداد زنان ۱۹۰ نفر و تعداد مردان ۱۹۵ نفر) می‌باشد. بر اساس

نتایج به دست آمده در جدول (۴) و با توجه به نتایج آزمون لوین^۱ مشخص است که سطح معنی داری به دست آمده برای سطح نشاط در دو گروه زنان و مردان بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین مردان و زنان از نظر سطح نشاط دارای تفاوت میانگین معناداری نیستند و واریانس گروه‌های مستقل مردان و زنان از نظر سطح نشاط با هم برابر هستند (با ضریب اطمینان ۹۵ درصد).

جدول ۴. نتایج آزمون t مستقل برای گروه‌های زنان و مردان از نظر سطح نشاط در شهر اهواز

تست تساوی میانگین‌ها				تست تساوی واریانس‌ها (تست لوین)			فروض
خطای استاندارد تفاوت میانگین ها	میانگین تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره t	سطح معنی داری	مقدار آماره F	
۲/۷۲۸	۶/۷۵۵	۰/۰۱۴	۳۸۳	۲/۴۷۶	۰/۳۱۷	۱/۰۰۵	تساوی واریانس- ها
۲/۷۳۲	۶/۷۵۵	۰/۰۱۴	۳۷۶/۵۳۱	۲/۴۷۳	-	-	عدم تساوی واریانس‌ها

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

علی رغم اینکه نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان داده است که سطح نشاط مردان از زنان بیشتر بوده است و زنان از نوسانات احساسی بیشتری مانند اضطراب و افسردگی برخوردار هستند اما نتایج این پژوهش نشان داد که بین سطح نشاط زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که تفاوت سطح نشاط در گروه زنان و مردان به دلیل تفاوت‌های فردی و شخصیتی مختص هر کدام از دو گروه نیست بلکه که شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز بر سطح نشاط مردان و زنان اثر گذاشته است و میزان اثرگذاری آن برای هر دو گروه زنان و مردان یکسان است. در واقع شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز نشان می‌دهد که نبود یا کمبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی و نشاط به شکل جمعی و عمومی است. به عبارت دیگر شرایط به گونه‌ای است که سطح نشاط عمومی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است و احساس ناامیدی را به شکل عمومی گسترش داده است.

در این بخش نیز تفاوت میان رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز از نظر سطح نشاط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا شهروندان شهر اهواز از نظر سن و بر اساس دوره‌های عمر به چند گروه شامل شهروندان زیر ۱۸ سال^۲ به عنوان گروه نوجوانان، شهروندان ۱۸-۲۵ ساله به عنوان گروه جوانان، شهروندان ۲۶-۴۵ ساله به

1. Levenes Test

۲. لازم به توضیح است که با توجه به این که در این پژوهش جامعه آماری در شهر اهواز، شهروندان بالای ۱۵ سال در نظر گرفته شده است بنابراین گروه سنی نوجوانان در این پژوهش شامل شهروندان ۱۵ تا ۱۸ ساله است.

عنوان گروه میانسالان، شهروندان ۶۵-۶۶ ساله به عنوان گروه بزرگسالان و شهروندان بالای ۶۵ سال به عنوان گروه کهنسالان تقسیم بندی شده است. به منظور بررسی تفاوت سطح نشاط میان رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه استفاده شده است. زمانی که محقق بخواهد به بررسی تفاوت میانگین‌های بیش از دو جامعه یا بیش از دو گروه و یا بیش از چند شاخص استفاده کند، استفاده از روش تحلیل واریانس مناسب می‌باشد. در ارزیابی تحلیل واریانس، میزان معنی‌داری معیار قرار می‌گیرد. اگر میزان آن کوچکتر از ۰/۰۵ و بزرگ‌تر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان قضاوت کرد که بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت در سطح ۹۵٪ می‌باشد. در صورتی که عدد به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان ادعا کرد که این تفاوت در سطح ۹۹٪ معنادار است (جدول ۵). پس از پی بردن به سطح معناداری میانگین‌ها، محقق باید مقایسه‌های دیگری را نیز در بین گروه‌ها، مناطق و یا شاخص‌ها انجام دهد که در این جا با توجه نامساوی بودن تعداد نمونه‌ها در رده‌های سنی مختلف، از آزمون مقایسه‌ای چندگانه شفه استفاده شده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس تفاوت سطح نشاط در بین گروه‌های سنی در شهر اهواز

متغیر	-	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
نشاط	درون گروهی	۲۵۴۵۲/۰۴۳	۴	۶۳۶۳/۰۱۱	۹/۵۴۵	۰/۰۰۰
	بین گروهی	۲۵۳۳۲۷/۳۱۸	۳۸۰	۶۶۶/۶۵۱		
	کل	۲۷۸۷۷۹/۳۶۱	۳۸۴	-		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مقایسه تطبیقی گروه‌های سنی بر اساس آزمون شفه همان گونه که در جدول (۶) نیز نشان داده شده است، در بین گروه‌های سنی به لحاظ سطح نشاط، ۳ طبقه را می‌توان شناسایی نمود. از نظر سطح نشاط گروه‌های سنی میانسالان و جوانان به ترتیب با امتیاز ۶۱/۰۰ و ۶۱/۱۴۲ در طبقه اول، گروه سنی کهنسالان و نوجوانان به ترتیب با امتیاز ۶۳/۴۱۵ و ۷۱/۹۴۰ در طبقه دوم و گروه سنی بزرگسالان با امتیاز ۸۳/۴۲۶ در طبقه سوم قرار گرفته است. این امر نشان دهنده تفاوت در بین گروه‌های سنی از لحاظ سطح نشاط آن‌ها می‌باشد به طوری که گروه سنی میانسالان و جوانان سطح نشاط خود را نسبت به گروه‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان سطح نشاط گروه سنی بزرگسالان بیشتر از گروه‌های دیگر بوده است. در این باره باید توضیح داد که عوامل تبیین‌گر شادی و نشاط ممکن است همراه با سن تغییر کنند. در واقع معناسازی از نشاط در دوره‌های مختلف زندگی تغییراتی را تجربه کرده است و در گروه‌های سنی مختلف تلقی متفاوتی از آن داشته‌اند. در حالی که جوانان بیشتر احتمال دارد نشاط را به هیجان مرتبط بدانند اما با افزایش سن بیشتر احتمال دارد که افراد نشاط را به داشتن احساس آرامش مربوط سازند.

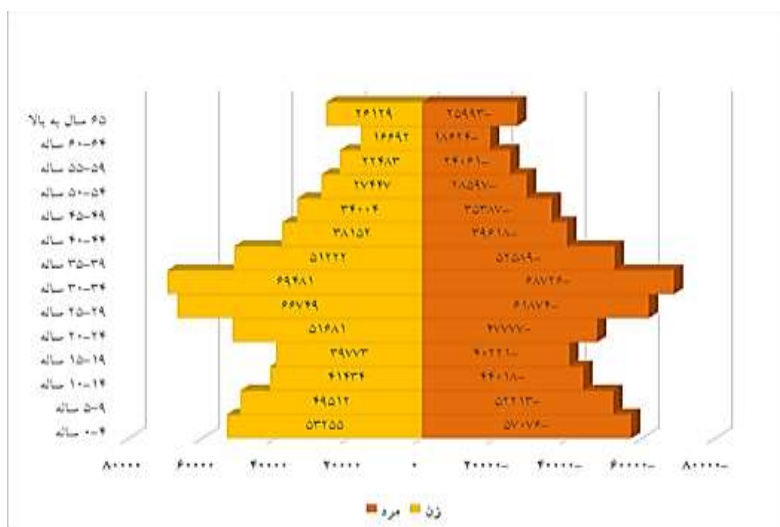
جدول ۶. طبقه‌بندی گروه‌های سنی در شهر اهواز بر اساس سطح نشاط

رده سنی	گروه	تعداد نمونه	معنی‌داری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵		
			۱	۲	۳
۲۶-۴۵ سال	میانسالان	۲۰۰	۶۱/۰۰۰		
۱۸-۲۵ سال	جوانان	۱۴	۶۱/۱۴۲		
۶۵ سال و بالاتر	کهنسالان	۷۵		۶۳/۴۱۵	
زیر ۱۸ سال	نوجوانان	۱۲		۷۱/۹۴۰	
۴۶-۶۵ سال	بزرگسالان	۸۴			۸۳/۴۲۶
معنی‌داری		-	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

دوران جوانی دوران بسیار حساس، مهم و اساسی است که در آن جوانان دارای هیجانات، احساس‌ها و عواطف گوناگون هستند. پایین بودن سطح نشاط در میان گروه جوانان و میانسالان ممکن است در ارتباط با عوامل مختلف و شرایط جامعه و شهر اهواز، باشد. عواملی مانند فراهم نبودن زمینه‌های ابراز خود و تخلیه هیجانات (کمبود فضاها و فرصت‌ها برای شادی کردن)، شرایط نامساعد و بی‌توجهی ساختارهای کلان به نیازهایشان و مهیا نساختن موجبات تأمین آن‌ها (همانند اشتغال، ازدواج و امکانات فراغت و تفریحی)، ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آینده حتی در نزد جوانان تحصیلکرده، مسائل اقتصادی از جمله بیکاری، وابستگی بیشتر جوانان به ابزارها و استفاده از وسایل تکنولوژیک و ارتباطی جدید مانند اینترنت، موبایل، ماشین، روی آوردن به شادی‌های کاذب، حس بی‌معنایی در زندگی و غیره همگی می‌تواند موجب عدم دستیابی جوانان به ایده‌ها و آمال و آرزوهای خود شده و باعث افسردگی و ناامیدی در بین جوانان این شهر شود.

نگاهی به هرم سنی شهر اهواز (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که بیشترین تراکم و درصد جمعیت در رده سنی ۳۰-۳۴ سال و پس از آن در رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال قرار دارد (شکل ۴). همان طور که در جدول (۶) نیز مشخص شد در بین گروه‌های سنی پایین‌ترین سطح نشاط در این محدوده سنی قرار داشته است که این امر نشان دهنده سطح پایین نشاط در گروه بزرگی از جمعیت و شهروندان شهر اهواز است. پایین بودن سطح نشاط در زندگی جوانان و میانسالان می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی متعددی در آنان از جمله ناامیدی، افسردگی و غیره بینجامد. بنابراین توجه به سطح نشاط جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



شکل ۴. هرم سنی جمعیت ۱۳۹۵ شهر اهواز

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

در این بخش به بررسی و تحلیل اختلاف سطح نشاط شهروندان در بین محلات مورد مطالعه با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه پرداخته شده است. همان طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری برابر با صفر به دست آمده است. بنابراین معنادار بودن آن را در سطح ۹۹٪ تأیید می‌کند. به این معنا که شهروندان در محلات مورد مطالعه از نظر سطح نشاط متفاوت هستند.

جدول ۷. تحلیل واریانس تفاوت سطح نشاط در بین محلات مورد مطالعه در شهر اهواز

متغیر	-	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
نشاط	درون گروهی	۲۰۰۵۷۹/۷۸۸	۵	۴۰۱۱۵/۹۵۸	۱۹۴/۴۲۵	۰/۰۰۰
	بین گروهی	۷۸۱۹۹/۵۷۳	۳۷۹	۲۰۶/۳۳۱		
	کل	۲۷۸۷۷۹/۳۶۱	۳۸۴	-		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه (جدول ۸)، به لحاظ سطح نشاط، ۴ طبقه را می‌توان شناسایی نمود. از نظر سطح نشاط محله کوی علوی با امتیاز ۴۳/۰۰۰ در طبقه اول، محله منبع آب با امتیاز ۵۶/۹۷۱ در طبقه دوم، محله عامری با امتیاز ۷۲/۸۰۰ در طبقه سوم و محلات گیت بوستان، کیانپارس و شهرک نفت در طبقه ۴ قرار گرفته است. این امر نشان دهنده تفاوت در بین محلات مورد مطالعه از لحاظ سطح نشاط آنها می‌باشد، به ویژه در محله‌های کوی علوی و منبع آب (به عنوان محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری) که سطح نشاط خود را نسبت به محله‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان بیشتر از سه محله دیگر بوده است.

جدول ۸. طبقه‌بندی محلات مورد مطالعه در شهر اهواز بر اساس سطح نشاط

محلّه	تعداد نمونه	معنی‌داری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			
		۱	۲	۳	۴
کوی علوی	۱۲۵	۴۳/۰۰۰	-	-	-
منبع آب	۷۰	-	۵۶/۹۷۱	-	-
عامری	۲۵	-	-	۷۲/۸۰۰	-
گیت بوستان	۲۰	-	-	-	۹۲/۹۰۰
کیانپارس	۱۱۵	-	-	-	۹۳/۸۸۷
شهرک نفت	۳۰	-	-	-	۹۶/۷۰۰
معنی‌داری	-	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۹۲۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

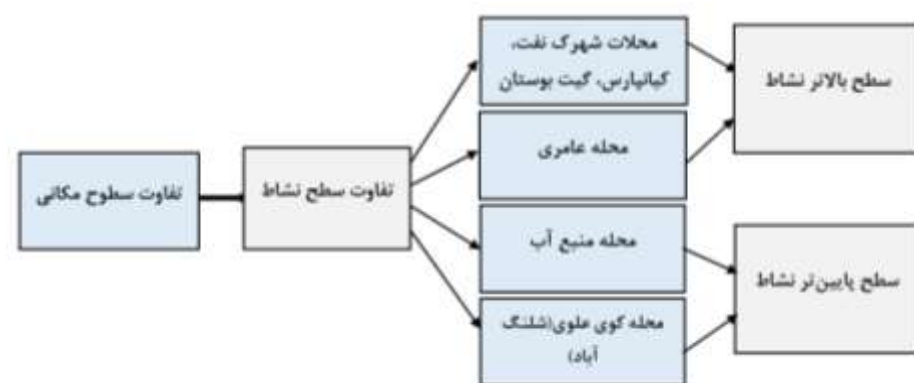
در شکل شماره (۵) رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس سطح نشاط شهروندان، نشان داده شده است. در واقع این رتبه‌بندی براساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است. از آنجایی که حدود ۴۰ درصد وسعت شهر اهواز را محله‌های حاشیه نشین و اسکان غیررسمی (محله‌های فقیرنشین) تشکیل می‌دهد، این امر نشان می‌دهد که با حجم زیادی از جمعیت (بخش گسترده‌ای از شهر اهواز) با شرایط نامناسب سطح نشاط در برنامه‌ریزی محله‌ها و شهر اهواز مواجه هستیم.



شکل ۵. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس سطح نشاط

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

به طور کلی یافته‌های این بخش نقش مکان و تفاوت‌های مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان را تایید می‌کند. بنابراین می‌توان نقش سطوح متفاوت مکانی را در تفاوت در سطح نشاط شهروندان را پذیرفت و چنین بیان داشت که سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند (شکل ۶).



شکل ۶. نقش سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط

۴. بحث

در خصوص پایین بودن سطح نشاط و گسترش ناامیدی و افسردگی عمومی در بین شهروندان شهر اهواز می‌توان گفت که عوامل محیطی (محیط طبیعی و انسانی) و مکانی - کالبدی مختلفی در ارتباط و اثرگذاری در سطح خوب‌زیستی عینی و ذهنی و نشاط شهروندان اهواز وجود دارد که این شرایط محیطی و مکانی محل نشاط عمومی پایدار در سطح شهر اهواز است.

از جمله چالش‌های محیط طبیعی شهر اهواز در وضعیت نشاط شهروندان اثر گذار است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ویژگی‌های اقلیمی شهر اهواز مانند رطوبت، دامنه گرمایی ۴۹ درجه و بالاتر، نشان‌دهنده شرایط سخت آب و هوایی این شهر برای سکونت است که در مجموع شرایط نامساعدی را برای حضور، فعالیت و لذت بردن شهروندان از فضای شهری را به وجود آورده است. آلودگی هوا و آلودگی‌های محیط‌زیستی در این شهر رنج‌هایی را برای شهروندان به همراه داشته است و بر روحیات و احساسات منفی شهروندان از جمله احساس نارضایتی آنان اثرگذار است. به طوری که پایین بودن کیفیت آب آشامیدنی و وجود زباله و دفع فاضلاب در این شهر به خصوص در زمانی بارندگی همیشه یکی از مشکلات اصلی بوده است. همچنین بحران سیل و ویرانی‌های ناشی از آن علاوه بر خسارت‌های مالی و آسیب‌های جسمانی باعث شکل‌گیری احساسات منفی مانند اضطراب، ترس، خشم، ناامیدی، غم و

اندوه و غیره در شهروندان این شهر می‌شود. بدیهی است که با وجود این گونه ریسک‌های محیطی، سلامتی، حس ناامنی محیطی و در نتیجه نشاط پایدار عمومی در شهر اهواز کاهش خواهد یافت.

این شهر همچنین با چالش‌های محیط انسانی (اجتماعی و اقتصادی) روبروست از جمله اینکه نسبت بیکاری در شهر اهواز ۱۳/۶۸ درصد است که با توجه به میانگین رسمی کل کشور در سال ۱۳۹۵، با نسبت ۱۲/۷۵، شرایط عمومی نابسامان شهر اهواز از این لحاظ به خصوص برای گروه جوانان کاملاً مشخص است. وجود بیکاری در بین جوانان در بروز احساسات منفی آنان از جمله ناامیدی، افسردگی و غیره اثرگذار خواهد بود. این نابسامانی در درون حوزه‌ها و محلات مختلف شهر وضعیت گسترده‌تری دارد. بدین معنی که این شاخص در بین محلات مختلف شهر اهواز متغیر است. تفاوت سطح درآمد نقش مؤثری در تقسیمات کالبدی و فضایی شهر اهواز ایفا کرده و به صورت تفاوت‌های طبقاتی در درآمد و شغل، در فضا تجلی یافته است. محلات کارگرنشین با محلات کارمندان و متخصصان رده بالای سازمانی که با تفاوت از نظر درآمد همراه است، شرایط را برای قشریندی اجتماعی فراهم ساخته و موجب بروز نابرابری اجتماعی شده است. از حیث کیفیت و نابرابری در سطح درآمد، بیشترین سطح فقر را اقشار کم درآمد و عمدتاً محله‌های حاشیه نشین تحمل کرده‌اند که با توجه به گستردگی آن‌ها در سطح شهر اهواز نشان می‌دهد که تعداد کثیری از شهروندان اهواز بدون دسترسی به شغل مناسب و درآمد کافی مجبور به زندگی در وضعیت نامناسب هستند. با وجود این میزان شکاف درآمدی به شکل محسوسی بر میزان فقر نسبی در شهر اهواز افزوده شده است. چالش دیگر محیط انسانی شهر اهواز نابرابری در شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و اثر آن در وضعیت نشاط شهروندان است. همچنین میزان بالایی از نرخ جرم (مردان و زنان) و همچنین بافت ناهمگن جمعیتی و وجود قومیت‌های متعدد، بروز چالش‌های قومی و وجود احساس ترس و ناامنی به عنوان عاملی برای حضور کمتر شهروندان (به خصوص گروه زنان) در فضای شهری و لذت بردن از فضاهای شهری می‌شود. از جمله بحران‌ها و مخاطره‌های انسانی که شهر اهواز آن را تجربه کرده است و شهروندان اهواز راجع به آن اطلاعات و خاطرات روشنی دارند، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران است که از دو جنبه اثرات بر سطح توسعه این شهر و اثرات روانی و ذهنی بر شهروندان بسیار اهمیت دارد.

از جمله چالش‌های محیط کالبدی - مکانی (تفاوت‌های مکانی-فضایی) شهر اهواز که در وضعیت نشاط شهروندان اثرگذار است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شهر کنونی اهواز با افزایش جمعیت و به دلیل عدم توزیع متناسب آن در ارتباط با توسعه و رشد کالبدی، به صورتی پراکنده و پیدایش محلات برنامه‌ریزی نشده و سیمایی افسرده چون محلات منبع آب، کوی علوی (شلنگ آباد) و پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدمات شهری و نابرابری فضایی از جمله نابرابری فضاهای مکانی - کالبدی و فضاهای نشاط‌آفرین در مناطق مختلف جغرافیایی شهر اهواز (نمونه در محله‌های مورد مطالعه) را در پی داشت. در مجموع تمامی زمینه‌ها، بسترها و شرایط محیطی (طبیعی و انسانی) و مکانی - کالبدی که پیشتر به آن‌ها اشاره شد، به

طور مستقیم و غیرمستقیم بر شاخص‌های کیفیت زندگی، احساس خوب زیستن و کاهش سطح شادزیستی شهروندان شهر اهواز تأثیر می‌گذارند.

نتایج این پژوهش مبنی بر پایین بودن سطح امیدواری و نشاط شهروندان اهواز همسو با نظریه‌ی امید در ارتباط با سطح نشاط شهروندان است. براساس این دیدگاه نقش احساس امید در نشاط شهروندان اهوازی مورد تأیید قرار می‌گیرد چرا که سطح نشاط شهروندان اهوازی پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب بوده است. به طوری که میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط تفاوت معناداری وجود نداشته است. نتایج این بخش از پژوهش با همسو با دیدگاه داینر و همکاران (۱۹۹۹) است که معتقدند میزان شادمانی و نشاط زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود نشاط یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیشتری دارند؛ یعنی هم عاطفه مثبت و هم عاطفه منفی بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از اضطراب و روان‌رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیشتری در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری

شهروندان اهوازی میزان و سطح نشاط خود نسبت به همه مؤلفه‌های نشاط را پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند. میزان و سطح امید در شهروندان اهوازی پایین است و نوعی افسردگی عمومی در بین شهروندان اهوازی در حال شکل‌گیری است که ادامه این وضعیت برای روحیه شهروندان اهوازی خطرناک است و مسائل روانی، اجتماعی و محیطی مختلفی را در پی خواهد داشت. علی‌رغم وجود تفاوت در برخی ویژگی‌های بین گروه زنان و مردان، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سطح نشاط هر دو گروه زنان و مردان به طور یکسان از شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز اثر پذیرفته است. در واقع شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز نشان می‌دهد که نبود یا کمبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی و نشاط به شکل جمعی و عمومی است و احساس ناامیدی را به شکل عمومی گسترش داده است. مقایسه تطبیقی گروه‌های سنی براساس سطح نشاط تفاوت معنادار بین گروه‌های سنی شهر اهواز از لحاظ سطح نشاط را تأیید می‌کند؛ پایین بودن سطح نشاط در میان گروه جوانان و میانسالان ممکن است در ارتباط با عوامل مختلف و شرایط جامعه و شهر اهواز از جمله نبود زمینه‌های ابراز خود و تخلیه هیجانات (کمبود فضاها و فرصت‌ها برای شادی کردن)، شرایط نامساعد و بی‌توجهی ساختارهای کلان به نیازهایشان و مهیا نساختن موجبات تأمین آن‌ها (همانند اشتغال، ازدواج و امکانات فراغت و تفریحی)، ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آینده حتی در نزد جوانان تحصیلکرده، مسائل اقتصادی از جمله بیکاری، وابستگی بیشتر جوانان به ابزارها و استفاده از وسایل تکنولوژیک و ارتباطی جدید مانند اینترنت، موبایل، ماشین، روی آوردن به شادی‌های کاذب، حس بی‌معنایی در زندگی و غیره همگی می‌تواند موجب عدم دستیابی جوانان به ایده‌ها و آمال و آرزوهای

خود شده و باعث افسردگی و ناامیدی در بین جوانان این شهر شود. تفاوت سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان نقش دارد و سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند و سیر نزولی دارد. مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه، تفاوت معنادار بین محله‌های منتخب شهر اهواز از لحاظ سطح نشاط را تأیید می‌کند. در محله‌هایی که سطح زندگی پایین است همانند محله‌های کوی علوی و منبع آب که جز محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری هستند، سطح نشاط پایین‌تر از محلات با سطح زندگی متوسط و بالا است به طوری که سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان بیشتر از سه محله دیگر بوده است. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس سطح نشاط از سطح بالا به سطح پایین‌تر براساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است و از آنجایی که حدود ۴۰ درصد وسعت شهر اهواز را محله‌های حاشیه نشین و اسکان غیررسمی (محله‌های فقیرنشین) تشکیل می‌دهد، این امر نشان می‌دهد که با حجم زیادی از جمعیت (بخش گسترده‌ای از شهر اهواز) با شرایط نامناسب سطح نشاط در برنامه‌ریزی محله‌ها و شهر اهواز مواجه هستیم. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با دیدگاه احساس محرومیت نسبی و سطح نشاط شهروندان می‌باشد. چراکه وضعیت نابرابر حاکم بر شهر اهواز می‌تواند به احساس محرومیت نسبی در شهروندان محله‌های شهری فقیرنشین بینجامد و وقتی شهروندان احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند، واکنش‌های شدید عاطفی منفی از خود بروز می‌دهند. همچنین نتایج پژوهش همسو با دیدگاه روانشناسی محیطی و دیدگاه جغرافیای رفتاری است چرا که بر اساس این دیدگاه‌ها احساس و ادراک شهروندان از محیط و مکانی که شهروندان در آن قرار دارند، اثر می‌پذیرد و نتایج این پژوهش نیز نشان داد که سطوح متفاوت مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان اثر داشته است. بر اساس نتایج پیشنهادهایی ارائه شده است:

- برنامه ریزی عدالت محور و کاهش نابرابری‌ها و تفاوت‌های مکانی در سطوح مختلف شهر اهواز و ارائه خدمات و زیرساخت‌های اساسی در ارتقاء و بهبود شاخص‌های خوب زیستی و کیفیت زندگی و ارتقای سطح نشاط شهروندان محله‌های محروم و فقیر نشین بسیار اثرگذار است.
- افزایش و گسترش فعالیت‌های نشاط‌آور که خاستگاه‌های فرهنگی و هویتی دارند از جمله برگزاری مراسم‌ها و جشن‌های عمومی که با هویت آفرینی برای شهروندان همراه است و اثرات روحیه بخشی دارد.
- برگزاری کنسرت‌های موسیقی در فضاهای باز در سطح شهر و در داخل محله‌ها، جشنواره محله‌ای پخت غذاهای سنتی، جشنواره لباس‌های محلی و طراحی و دوخت انواع پوشاک، صنایع دستی و فروش آن برای افزایش تعاملات اجتماعی و احساس نشاط در بین آنان در فرهنگ سراها و خانه‌های فرهنگ و غیره.
- با توجه به اینکه سطح نشاط در هر دو گروه زنان و مردان یکسان بوده است و هر دو گروه از سطح نشاط مناسبی برخوردار نمی‌باشند، انجام فعالیت‌ها و اقدامات در جهت ارتقای نشاط باید همزمان برای هر گروه صورت گیرد و تبعیض‌های جنسیتی در این زمینه رفع گردد.

- زمینه‌سازی برای پاسخگویی به نیازهای جوانان از جمله حل مشکلات اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی، گسترش و طراحی برنامه‌های متنوع و غنی و پر کردن مناسب اوقات فراغت جوانان، جلب مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی و فراهم آوردن زمینه حضور مؤثر جوانان در بستر مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.
- رفع محرومیت‌ها و ارائه خدمات اساسی به مناطق و محله‌های محروم می‌تواند در ارتقا سطح نشاط جمعیت بزرگی از شهر اهواز اثر داشته باشد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ع. (۱۳۹۵). رویکرد ادراکی به محیط در جغرافیای رفتاری. فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، ۳۱(۱)، ۴-۵۰.
۲. افشانی، س. ع. (۱۳۹۴). بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن. مجله تحلیل اجتماعی، ۶۹(۴)، ۱-۲۷.
۳. بهروز، ف. (۱۳۷۰). بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۶(۱)، ۷۰-۳۱.
۴. پوراحمد، ا. (۱۳۹۲). قلمرو و فلسفه جغرافیا. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رحیمی، م. و رستمی، ل. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه نشاط اجتماعی و میزان امید به زندگی در بین شهروندان شهر کیوی در سال ۱۳۹۶. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۳۸)، ۲۵۹-۲۸۴.
۶. رضادوست، ک.، فاضلی، ع. و مقتدایی، ف. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۸(۴)، ۴۶-۲۹.
۷. شکوئی، ح. (۱۳۹۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چاپ پانزدهم، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
۸. فاضلیان، پ. و عظیمی، ص. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه معلمان در مورد چگونگی شاداب‌سازی مدارس با توجه به استانداردهای کالبدی طراحی فضاهای آموزشی. نشریه پژوهش‌های تربیتی، ۲۹(۲)، ۶۱-۴۱.
۹. قرائی، ح.، میرخاقانی، آ. و روانشادینا، س. (۱۳۹۵). فرآیند طراحی معماری با رویکرد نشاط اجتماعی در شهر. اسلام‌شهر: همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، انجمن افق نوین علم و فناوری.
۱۰. کیا، ع. ا. و امیری، ر. (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۳)، ۱۷۷-۱۳۸.
۱۱. کیانی، ا. و نصیری، ا. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی شهر و نقش آن‌ها در سلامت روحی و روانی شهروندان از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. همدان: اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
۱۲. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.

۱۳. مشکینی، ا.، ملکی، ر.، و معماری، ا. (۱۳۹۸). واکاوی زیست‌پذیری شهری با استفاده از مدل ELECTRE (مورد مطالعه: نواحی شهرگران). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۷(۱)، ۲۴۸-۲۲۳.
۱۴. معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز. (۱۳۹۶). *گزیده اطلاعات مناطق، نواحی و محلات شهر اهواز*. ویرایش سوم، اهواز: انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز.
۱۵. مونتگمری، ج. (۱۳۹۶). شهر شاد. ترجمه حسین حاتم‌نژاد، رضا سلیمان‌زاده، باقر فتوحی مهربانی: انتشارات آراد.
۱۶. نایی، ه. و حاج‌هاشمی، م. ا. (۱۳۹۲). پیامدهای آسیب‌شناختی دوری محل کار از خانه بر فرد. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۴۲(۲)، ۲۶۴-۲۴۹.
۱۷. نبوی، ع.، رضادوست، ک.، و صالحی، ن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روانی بر احساس نشاط مورد مطالعه: دانش‌آموزان ساله شهر اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۳)، ۲۲-۱.
۱۸. نظریان، ا. (۱۳۸۰). شهرهای آینده، کانون فاجعه انسانی یا بستر تعادل فرهنگی. *فضای جغرافیایی* ۱(۳)، ۲۲-۱.

19. Ballas, D. Dorling, D. (2013). The Geography of Happiness, in David, estimation in Britain and Japan. *Studies in Regional Science*. 42(2), 163-187.
20. Bernburg, J.G., Thorlindsson, T. S., & Inga D. (2009). Relative Deprivation and Adolescent Outcomes in Iceland: A Multilevel Test. *Social Forces*, 87(3).3, 1223-1250.
21. Bernini, C., & Tampieri, A. (2017). *Urbanization and its Effects on the Happiness Domains*, CREA Discussion Paper Series 17-10. Luxembourg: Center for Research in Economic Analysis, University of Luxembourg.
22. Brul  l, G., & Veenhoven, R. (2015). Geography of Happiness Configurations of affective and cognitive appraisal of life across nations. *International Journal of Happiness and Development*, 2(2)2, 101-117.
23. Hall, J., & Helliwell, J. F. (2014). Happiness and Human Development.' *UNDP, Human Development Reports Occasional Paper*.
24. Helliwell, J., Layard, R., & Sachs, J. (2018). World Happiness Report 2018, New York: Sustainable Development Solutions Network.
25. Lourdes, R., Extremera, N., & Duran, A. (2012). Core self-evaluations, meta-mood experience, and happiness: Tests of direct and moderating effects. *Personality and individual difference*, 53(4), 207-212.
26. Meyers, D. (2010). The friends, funds and faith of happy people. *American psychology*, 55(1), 56-67.
27. Mitchell, L., Frank, M. R., Harris, K. D., Dodds, P. S., Danforth, C. M. (2013). The Geography of Happiness: Connecting Twitter Sentiment and Expression, Demographics, and Objective Characteristics of Place. *PLOS ONE*, 8(5), 1-15.
28. Okulicz-Kozaryn, A., & Mazelis, J. M. (2016). Urbanism and happiness: A test of Wirth's theory of urban life. *Urban Studies*, 55(2), 1-16.
29. Veenhoveen, R. (2000). the four qualities of life. *Journal of Happiness Studies*, 1(2), 33-46.
30. White, J., Langer, E., Yariv, L., & Welch, J. (2006). Frequent Social Comparisons and Destructive Emotions and Behaviors: The Dark Side of Social Comparisons. *Journal of Adult Development*, 13(1), 36-44.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن شهری در ایران

کسری آشوری (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

k.au70@uok.ac.ir

کیومرث حبیبی (دانشیار شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، نویسنده مسئول)

k.habibi@uok.ac.ir

میلاد دوستوندی (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

milad.doostvandi@uok.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

صص ۲۵۷-۲۲۵

چکیده

مسکن، مسئله‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فراتر از آن مسئله یک حق است که به دلیل برتری منافع شخصی بر نفع جمعی (سیاست‌های بازار آزاد) این حق در اختیار صاحبان قدرت و سرمایه قرار گرفته و به عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام شهرنشینی جهانی بدل شده است. در ایران نیز ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر مسئله‌مندی مسکن مؤثر بوده و تقاضاهای سوداگران در بازار سرمایه، مسکن را به کالایی سرمایه‌ای بدل کرده است. از این رو در این پژوهش با نگاهی همه‌جانبه پس از بررسی بنیان‌های نظری و پیشینه‌ی پژوهش، شاخص‌هایی کمی و کیفی مسکن مورد بررسی قرار گرفت و چارچوب مفهومی موضوع استخراج شد. سپس در سطح کشور، رتبه‌بندی استان‌ها براساس شاخص‌های موجود توسط مدل تاپسیس و فازی صورت گرفت. نتایج این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که تجمع ثروت در مناطق کلانشهری در کشور، افزایش مسکن سرمایه‌ای و رشد مسکن استیجاری و مسئله سکونت گروه‌های کم‌درآمد شهری و مسکن در استطاعت در این مناطق بیش از سایر استان‌ها بوده است به گونه‌ای که استان‌های دارای کلانشهر رتبه‌های اول تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مسئله اصلی ریشه در ساختارهای مدیریتی دارد و تا زمانی که میان الیگارشی سیاسی و اقتصادی هم‌پوشانی باشد، امکان برون‌رفت از بحران فراهم نیست. همچنین توجه به رویکردهای نوین و نیز سلسله قوانین مالیاتی همراه با نظرات می‌تواند به عنوان یکی از گزینه‌های مهم در حل مسئله مسکن راهگشا باشد؛ چراکه افزایش هزینه‌های مالی عدم عرضه و نبود چشم‌انداز رشد برای عرضه‌کنندگان از ارزش مبادله‌ای و سودآوری در بازار مسکن می‌کاهد.

کلیدواژه‌ها: ابعاد سیاسی، ابعاد کمی و کیفی ایران، چالش مسکن، شاخص‌های مسکن

۱. مقدمه

امروز مسکن به یکی از چالش‌های زندگی شهری تبدیل شده است و کشورهای مختلف نیز به دنبال حل این مسئله سیاست‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند هرچند که می‌توان گفت "انگیزه واقعی اقدام دولت‌ها در بخش مسکن بیشتر مربوط به حفظ نظم سیاسی و اقتصادی جامعه است تا حل بحران‌های مسکن" (مادن^۱ و مارکوزه^۲، ۲۰۱۶، ص. ۱۱۹-۱۲۰). این بحران از نظر مقیاس تنها محدود به شهرهای بزرگ نیست بلکه مراکز منطقه‌ای و مناطق کوچکتر شهری نیز امروزه به تدریج بخشی از این گفتمان شده‌اند. اگرچه مسئله مسکن با عواملی چون عرضه و تقاضا، افزایش اجاره‌بها، خانه‌های خالی، رکود درآمد نسبی و دیگر مسائل در ارتباط است (وایت^۳ و ناندکار^۴، ۲۰۲۱، ص. ۲۱۳) اما افزون بر این سطح وسیعی از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی را در برمی‌گیرد. مسکن به‌عنوان یک مسئله، به‌صورت ویژه از قرن بیستم پس از برپایی روابط پیچیده بازار آزاد و ادغام در سیستم اقتصادی سرمایه‌داری در سایر کشورها (شبه سرمایه‌داری^۵)، جهانی‌سازی، افزایش نابرابری در شهرها^۶ و تشدید نرخ رشد شهری^۷ (افزایش مهاجرت‌های روستا-شهری و نرخ رشد طبیعی جمعیت) به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه مورد توجه قرار گرفت و چالش‌ها و بحران‌های متعددی در زمینه‌ی افزایش شکاف طبقاتی، کمبود مسکن در استطاعت و گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری، ... ایجاد شده است (عارفیان^۸، ایرج‌معینی^۹، ۲۰۱۶).

در ایران نیز مسئله مسکن از دهه ۱۳۳۰ به‌صورت تدریجی در شهرهای بزرگ و پس از دهه ۱۳۴۰ در دیگر شهرهای کشور به دنبال سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مانند سیاست تخته قاپو‌عشایر (۱۳۳۶)، ایجاد صنایع مونتاژ در اطراف شهرها (۱۳۳۹)، اصلاحات ارضی (۱۳۴۰)، الحاق روستاهای اطراف شهرها به شهر (دهه‌ی

1. Madden
2. Marcuse
3. White
4. Nandedkar

۵. سرمایه‌داری در کشورهای درحال توسعه و بالتبع در ایران شرایط عکس سرمایه‌داری در جهان را طی کرده است. در جهان سرمایه‌داری روالی از ثروت به قدرت را طی نموده و این در حالی است که در ایران این روال عکس شرایط جهانی شده است (دوسوتو، ۱۳۹۵: ۱۲ و آشوری و دیگران، ۱۳۹۷).

۶. پیکتی ادعا می‌کند که افزایش نابرابری‌ها تحت تأثیر قوانین اساسی سرمایه‌داری است و تا زمانی که نرخ بازگشت سرمایه از نرخ رشد در اقتصاد بالاتر باشد صاحبان سرمایه سهم بیشتری از صرفه اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند (پیکتی، ۱۳۹۶).

۷. آمارهای جمعیتی سازمان ملل نیز گویای این امر است که جمعیت شهرنشین دنیا از مرز ۵۵ درصد گذشته است. این آمار در مناطق توسعه‌یافته ۷۸/۷ درصد، کمتر توسعه‌یافته در حدود ۵۰ درصد و در مناطق توسعه‌نیافته به ۳۳ درصد می‌رسد (United Nations, Department of Economic and Social Affairs, 2018).

8. Arefian
9. Iraj Moeini

۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵)، افزایش نرخ طبیعی رشد جمعیت و مهاجرت‌های روستا - شهری^۱ ایجاد شد. هرچند که در دوره‌های مختلف دولت‌ها سیاست‌های مختلفی از جمله آماده‌سازی زمین، مسکن پاک، مسکن مهر و مسکن اجتماعی برای حل مشکل مسکن در کشور در نظر گرفته‌اند اما سقوط شاخص قدرت خرید مسکن (شاخص قدرت خرید مسکن در سال ۱۳۹۹ به پایین‌ترین سطح تاریخی خود یعنی یک سوم سال ۱۳۹۵ و یا ۴۰ درصد سال ۱۳۷۲ رسیده است) (بانک مرکزی، ۱۳۹۹ و وزارت کار، ۱۳۹۹)، تبدیل مسکن به یک دارایی سرمایه‌ای، تشدید فعالیت‌های سفته‌بازانه و سوداگرانه در بازار مسکن، افزایش تعداد خانه‌های خالی از ۶۳۴ هزار واحد به ۲۵۸۸ هزار واحد مسکونی، کاهش مسکن ملکی از ۶۲ به ۵۴ درصد، افزایش مسکن اجاره‌ای از ۲۹ به ۴۱ درصد، کاهش مسکن در استطاعت گروه‌های کم‌درآمد شهری و گسترش سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری از جمله مشکلات اصلی مسکن به شمار می‌آیند.

در این گذار تاریخی در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب سیاست‌های متمایزی برای حل مسئله مسکن اتخاذ شده است؛ اما پس از شش دهه برنامه‌ریزی و اقدام برای بهبود وضعیت مسکن بخصوص برای اقشار کم‌درآمد، بر اساس آخرین آمارهای رسمی شاخص دسترسی به مسکن در گروه‌های کم‌درآمد نامناسب‌تر و اقشار بیشتری در معرض بی‌مسکنی یا بدمسکنی قرار گرفته‌اند. آمارهای جمعیتی ساکن در سکونتگاه‌های خودانگیخته‌ی شهری تاییدگر این مسئله است که از ۱,۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (صرافی، ۱۳۹۷، ص. ۵۸) و در حدود ۶۳ درصد از جمعیت در مناطق شهرنشین در مساکن با مساحت کمتر ۱۰۰ مترمربع زندگی می‌کنند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).

نگاهی به پیشینه بازار مسکن ایران، حاکی از آن است که این بازار، متأثر از ساختار اقتصادی کشور، از الگوی خاصی پیروی می‌کند. این الگو در دهه‌های گذشته بر تحولات عرضه و تقاضای مسکن، حاکم بوده است. مطابق این الگو، قیمت مسکن در یک دوره، از ثبات نسبی برخوردار است و تا حدودی عرضه بر تقاضا، غلبه دارد و رکود بر بازار معاملات حاکم می‌شود. بعد از طی این دوره و تخلیه کامل حباب قیمتی، ابتدا در شهر تهران (به‌عنوان شهر پیش‌تاز) و به دنبال آن در سایر شهرها، تقاضا، افزایش می‌یابد. از آنجاکه عرضه مسکن در کوتاه‌مدت کم‌کشش است، نمی‌تواند پاسخگوی این تقاضا باشد و بر اساس منطق اقتصادی، قیمت مسکن افزایش می‌یابد. در این راستا، عواملی چون ساختار جمعیتی، رشد اقتصادی، قیمت نفت، درآمد خانوار، وضعیت بازارهای موزای، نقدینگی و تورم، تسهیلات ساخت و خرید مسکن، بازار نهاده‌های تولید مسکن، سیاست‌های دولتی، قوانین شهرسازی و... تأثیرات انکارناپذیری بر بازار مسکن، بر جای می‌گذارند. (ملکی، ۱۳۹۵).

۱. آمارها نشان می‌دهد که جمعیت کشور در دوره‌های مختلف تاریخی از حدود ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به حدود ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵-۱۳۳۵). همچنین در طول سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ جمعیت شهرنشین ایران از ۳۱/۷ درصد به ۷۴ درصد رسیده است.

از این رو می توان گفت تحلیل مسئله مسکن تنها به صورتی تک بعدی قابل تحلیل نیست چراکه مسکن پدیده ای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و تحلیلی همه جانبه را می طلبد. مسکن یک موضوع کاملاً چندوجهی است. در ادبیات زبان انگلیسی معمولاً اشاره می شود که کلمه "مسکن" هم اسم است و هم فعل. مسکن یک شی مادی است، کالایی است که می تواند تولید و تخریب، تولید و مصرف شود، ادراک شود و تجربه شود، خریداری و فروخته شود (رونوورا^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۷۸). بر اساس دیدگاه کلیر (۱۹۸۵) در مورد سیستم ها، سیستم مسکن را می توان به عنوان یک سیستم متقابل متشکل از بازیگرانش مانند توسعه دهندگان، جوامع و تنظیم کنندگان و تعاملات میان آن ها همچون معاملات، زمینه، هنجارها، سیاست ها و قوانین و مقررات تعریف کرد (ایوب^۲ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲-۱).

امروزه مسکن از مفهوم تک ساحتی خویش دور شده و عواملی همچون تأثیرات محیطی و اقلیمی، دوام و انعطاف پذیری خانه ها، فعالیت های اقتصادی و ارتباط آنها با اقتصاد در سطحی بالاتر، بافتهای فرهنگی و اجتماعی جوامع و تأثیر مسکن بر کاهش فقر، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی نیز در زمره ابعاد مهم مسکن قرار گرفته اند (سقای و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۰). مسکن نسبت به سایر کالاها به دلیل ویژگی هایی همچون غیرقابل جایگزین بودن، سرمایه ای بودن، بادوام و پرهزینه بودن و غیرمنقول بودن از اهمیت ویژه ای برخوردار است (رضایی و آدریانی و احمدی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). در خصوص تأمین مسکن دو دیدگاه جهانی وجود دارد شامل اقتصاد بازاری مسکن و اقتصاد برنامه ریزی شده که هر کدام شامل ویژگی های خاصی از مسکن میباشند. دیدگاه دوم بر خلاف دیدگاه قبلی به مسئله کیفیت مسکن اهمیت بیشتری قائل است و در کنار کمیت، دسترسی به مسکن مناسب را حق خانوارها به حساب می آورد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۷).

محدودیت درآمد یکی از مهم ترین موانع خانوارها هنگام خرید خانه است. برخلاف سایر کالاها، مسکن با قیمت نسبتاً بالا یک ضرورت است. برای گروه های کم درآمد، روش های بازار به تنهایی نمی توانند مشکل مسکن را حل کنند (چن^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱). بحران مسکن دامنه جهانی دارد. تخمین زده شده است که در حال حاضر در سطح جهان ۳۳۰ میلیون خانوار - بیش از یک میلیارد نفر - وجود دارند که قادر به یافتن خانه مناسب و مقرون به صرفه نیستند. مسکن امروز مورد حمله قرار گرفته و هم زمان گرفتار در درگیری های اجتماعی است. بین مسکن به عنوان مکان زندگی، فضای اجتماعی و مسکن به عنوان ابزاری برای سودآوری نزاع وجود دارد و به تعبیری دیگر تعارضی بین مسکن به عنوان خانه و به عنوان املاک و مستغلات ایجاد شده است. به طور گسترده تر، مسکن موضوع اختلاف بین ایدئولوژی های مختلف، منافع اقتصادی و پروژه های سیاسی است و بحران مسکن ناشی از نابرابری ها و تضادهای جامعه طبقاتی می باشد (مادن و مارکوزه، ۲۰۱۶، ص. ۸-۷).

به دنبال شکل گیری مسئله مندی مسکن گفتمان های متعددی در خصوص مسکن در جهان مطرح شد. این گفتمان ها بنابر وضعیت های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بر ساخته شده و راهکارهای مختلفی را برای

1. Ruonavaara
2. Ayub
3. Chen

برونرفت از مشکلات مسکن ارائه داده‌اند. هریک از این پژوهش‌ها در قالب نظریات گفتمانی ازجمله لیبرال (لویس^۱، ۱۹۶۶ و رالز^۲، ۱۹۷۱ و ترنر^۳، ۱۹۶۷)، رادیکال (مایر^۴، ۲۰۰۹ و داویس^۵، ۲۰۰۶ و بیات^۶، ۲۰۰۴ و گیلبت^۷، ۲۰۰۴ و روی^۸، ۲۰۰۵ و الصیاد^۹، ۲۰۰۴) و یا نئولیبرالیسم (والرشتاین^{۱۰}، ۱۹۹۱ و برنجی و دوفلو، ۱۳۹۲ و دسوتو، ۱۳۸۹) چالش مسکن را تحلیل کرده‌اند و متناسب با چنین دیدگاه‌هایی نیز در سطح جهانی سیاست‌هایی در خصوص مسئله مسکن ارائه شد. تکامل سیاست‌های بین‌المللی تأمین مسکن را در سه مرحله به شرح زیر می‌توان بیان نمود: مرحله اول، از سال ۱۹۴۵ تا دهه ۱۹۶۰: سیاست مسکن عمومی؛ مرحله دوم، از سال ۱۹۷۲ تا دهه ۱۹۸۰: سیاست زمین و خدمات و مرحله سوم، از دهه ۱۹۸۰ تا به حال: سیاست توانمندسازی (هریس^{۱۱} و گیلز^{۱۲}، ۲۰۰۶، ص. ۱۶۷).

برخی از پژوهشگران مسکن را از بعد معنایی مورد توجه قرار می‌دهند و بر این باورند که مسکن را نباید تنها از ابعاد کالبدی و زیباشناختی بررسی کرد. این دسته از پژوهشگران براین باورند که دولت باید نقش تسهیلگر در تهیه مسکن را داشته باشد و مستقیم نقش سازنده مسکن را نداشته باشد. این گروه مسئله تأمین مسکن را به عهده‌ی مردم واگذار می‌کند و براین باورند که دولت باید از حفظ بازار آزاد و حق مالکیت حمایت کند و از برخورد و تمرکز ناعادلانه‌ی قدرت در بازار جلوگیری کند (محمدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۶ و تفضلی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۷). لیبرالی‌ها عقیده دارند که دولت به همان شکلی که اقتصاد داخلی را اداره می‌کند، باید روابط اقتصادی با خارج را نیز اداره کند: یعنی باید قواعد و مقررات لازم را که غالباً رژیم بین‌المللی خوانده می‌شود، برای اداره مبادلات بین پول‌های ملی مختلف وضع و تضمین کند که هیچ کشور یا گروه داخلی از رقابت بین‌المللی غیرمنصفانه زیان نبرد. در قالب این تفکر چالش مسکن ازجمله عدم تأمین مسکن در استطاعت گروه‌های کم‌درآمد و افزایش قیمت‌های زمین و مسکن در کشورهای مختلف بر عهده دهک‌های مختلف درآمدی است (محمدی و آشوری، ۱۳۹۶، ص. ۴۲). تفکر رادیکالیسم برخلاف تفکر لیبرالیسم و "نئولیبرالیسم که به‌عنوان افسارگسیخته‌ترین روند سرمایه‌داری در جهان برشمرده می‌شود" (رهنما، ۱۳۹۵، ص. ۱۲) و با تفکر نظم نوین جهانی‌شدن و بازار آزاد (والرشتاین، ۱۹۹۱) بر جهان گستره افکنده است؛ براین باور است که روند سرمایه‌داری خود به چالش مسکن و مسکن فقرا دامن می‌زند و همواره خود را به‌عنوان منجی این چالش توسط سازمان‌هایی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان هیبتات (آشوری و

1. Lewis
2. Rawls
3. Turner
4. Mayer
5. Davis
6. Bayat
7. Gilbet
8. Roy
9. AlSayyad
10. Wallerstein
11. Harris
12. Giles

دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۴) با بیانیه‌هایی چون "بهبود زندگی ۱۰۰ میلیون ساکن اسلام تا ۲۰۲۰" (پارسونز^۱، ۲۰۱۰) تلویحاً وجود اسلام‌ها را به‌عنوان واقعیتهایی پایدار می‌پذیرد. به همین دلیل نیازمند اصلاحات اساسی و تصور مجدد جهان کنونی هستیم.

آلن گیلبرت با پژوهشی متمرکز بر سیاست مسکن آمریکای لاتین به ده افسانه درباره‌ی مسکن اشاره می‌کند که می‌تواند مورد توجه کشورهای جهان جنوب باشد که عبارت‌اند از: ۱) کمبود مسکن می‌تواند برطرف شود؛ ۲) جهان بدون اسلام؛ ۳) کشورهای ثروتمند سیاست‌های مسکن معقولی دارند؛ ۴) وقتی که قیمت مسکن پایین می‌آید، یک بحران مسکن وجود دارد؛ ۵) رویای مالکیت؛ ۶) هدف اصلی حاکمان باید ایجاد یک جامعه صاحب‌خانه باشد؛ ۷) همه خانواده‌های فقیر می‌توانند صاحب‌خانه شوند؛ ۸) سکونتگاه‌های غیررسمی هیچ‌وقت خانه‌های مناسب و معقولی را فراهم نمی‌کنند؛ ۹) منابع بسیار کمی وجود دارند؛ و ۱۰) سرمایه‌های مرده بسیاری در سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارند. وی بیان می‌دارد که کشورها با چالش‌های سختی در سکنی دادن جمعیت خود مواجه هستند. آن‌ها هیچ‌وقت نمی‌توانند که همه مشکلات را حل کنند ولی با استفاده از تجربیات و شکست‌های سایر کشورها می‌توانند مشکلات را طور مؤثرتری حل کنند (گیلبرت^۲، ۲۰۱۱).

یکی از مهمترین مفاهیمی که با تعمیق چالش مسکن برای اقشار کم درآمد مورد توجه قرار گرفته است، مسکن در استطاعت می‌باشد. در طی چند سال گذشته، کاهش استطاعت پذیری در زمینه مسکن به نگرانی سیاستی عمده برای شهرهای مختلف در سراسر جهان تبدیل شده است (ویجبورگ^۳، ۲۰۲۰، ص. ۳۱). واژه استطاعت‌پذیری جنبه‌ای از دسته‌بندی مشکل مسکن را بیان می‌کند که ریشه در مطالعات قرن نوزدهم بودجه‌ی خانوارها و در اصطلاح معمول قرن، "پرداخت درآمد یک هفته برای یک ماه" را دارد (لولچاسکی^۴، ۱۹۹۵، ص. ۴۷۱). در دهه‌ی ۱۹۸۰ اصطلاح غالباً تعریف‌نشده "مسکن در استطاعت" با استفاده از ادبیاتی روبه‌رو رشد در آمریکای شمالی و اروپای غربی مورد استفاده گسترده قرار گرفت (کیرنز^۵، ۱۹۹۲ و لینمن^۶ و مگبولگب^۷، ۱۹۹۲ و استون^۸، ۱۹۹۰ و وایت‌هد^۹، ۱۹۹۱ و هانکوک^{۱۰}، ۱۹۹۳ و هالت^{۱۱}، ۱۹۹۳ و براملی^{۱۲}، ۱۹۹۴). مفهوم مسکن قابل استطاعت پیچیده و متنوع است اما به‌طور کلی می‌توان از نظر اقتصادی آن را توصیف کرد. مسکن قابل استطاعت مسکنی است که یک گروه خانواده در یک دوره زمانی معین که عمدتاً ۱۵ تا ۳۰ ساله است می‌توانند مالک آن شوند. این دوره زمانی مستقیماً با توان تملک

1. Parsons
2. Gilbert
3. Wijburg
4. Hulchanski
5. Kearns
6. Linneman
7. Megbolugbe
8. Stone
9. Whitehead
10. Hancock
11. Hallett
12. Bramley

گروه و حمایت مالی به شکل وام، یارانه و اعتبارات مرتبط است. با توجه به اینکه مسکن قابل استطاعت نوعی سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت است باید ارزش‌افزوده و آسایش و کیفیت را برای مالکان در طول زندگی فراهم کند (والبام^۱ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۳۵۴).

به‌طور کلی تعاریف مختلفی از مسکن در استطاعت مطرح شده است که عموماً تعریف موردپذیرش مسکن در استطاعت بدین معناست که هزینه مسکن یک خانوار باید بیش از ۳۰ درصد از درآمد سالانه آن‌ها نباشد. خانوارهایی که بیش از ۳۰ درصد از درآمد خود را برای مسکن هزینه می‌کنند، هزینه‌ای تحمیلی بر دوش آن‌ها قرار گرفته و ممکن است در تهیه ملزومات زندگی مانند غذا، لباس، حمل و نقل و مراقبت‌های پزشکی دچار مشکل شوند (URL، ۲۰۲۰). در اسناد سیاست‌های انگلستان، مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن، قیمت پایین مسکن برای چارک کم درآمد تعریف شده است. به‌طور دقیق‌تر، رهنمودهای ارزیابی استراتژیک بازار مسکن از سوی انجمن‌ها و دولت محلی نشان می‌دهد که مالکیت خانه در صورتی مقرون‌به‌صرفه در نظر گرفته می‌شود که هزینه آن ۳/۵ برابر درآمد ناخالص برای یک خانوار درآمدزا یا ۲/۹ برابر درآمد ناخالص برای خانوارهای با درآمد دوگانه باشد. همچنین از سوی دیگر اجاره قابل پرداخت برای مسکن اجاره‌ای در بازار نباید بیش از ۲۵ درصد درآمد ناخالص باشد. از نظر بین‌المللی نیز به نظر می‌رسد که سیاست‌های مسکن در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در راستای قابلیت استطاعت خواهان ارتباط بین مخارج بخش مسکن با درآمد‌هاست. در این صورت باید درصد تعیین‌شده‌ای از درآمد (بین ۲۵ تا ۳۵ درصد) در بخش مسکن خرج شود (مولینر^۲ و مالینه^۳، ۲۰۱۱، ص. ۹۶۷). برخی دیگر از نظریه‌پردازان بر این باورند که مبادلات هزینه حمل و نقل و مسکن باید کمتر از ۴۵ درصد باشد که مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه مقرون‌به‌صرفه باشد (سی ان تی^۴، ۲۰۰۸).

اما برخلاف این گروه از پژوهشگران که مسکن در استطاعت را بر اساس معیار توانایی پرداخت و قیمت مسکن توصیف می‌کنند، گروهی معتقدند که هزینه‌های ساخت‌وساز فیزیکی معیار معقول‌تری برای مقایسه قیمت‌ها است (گلیرز^۵ و گیورکو^۶، ۲۰۰۳). با این حال، به نظر می‌رسد که توانایی پرداخت یک عنصر اساسی در قیمت مسکن به شمار می‌روند. به‌علاوه قیمت مناسب برای اجاره در استطاعت، قیمت مناسب برای مسکن در استطاعت و قیمت در استطاعت برای صاحبان خانه‌های موجود سه منظر دیگر استطاعت‌پذیری است (روبینسون و دیگران^۷، ۲۰۰۶، ص. ۳). ریچارد فلوریدا (۲۰۱۷) بر این باور است که استطاعت‌پذیری را باید بر پایه‌ی درآمدهای قابل‌عرضه پس از پرداخت هزینه مسکن ارزیابی کرد (فلوریدا^۸، ۲۰۱۷).

1. Wallbaum
2. Mulliner
3. Maliene
4. CNT
5. Glaser
6. Gyourko
7. Robinson
8. Florida

در حقیقت به لحاظ تاریخی سیاست‌های که بر ساخت مسکن در استطاعت تأکید دارند، توجه اندکی به آثار محیطی آن معطوف نموده‌اند. ساخت این گونه واحدهای مسکونی در مرکز شهرها به پراکندگی الگوهای توسعه مسکونی در حاشیه شهرها انجامیده است (کاتز^۱ و ترنر^۲، ۲۰۰۸، ص. ۳۵۸-۳۱۹). این عامل با ایجاد ارزش افزوده مسکونی منجر به فروش مسکن و مهاجرت به مناطق اطراف خواهد شد.

همچنین از جمله رویکردهای جدید در راستای نیل به مسکن در استطاعت با تمرکز بر سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری که می‌تواند مورد توجه طراحان، برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گیرد، رویکرد اینفرمال آرمیچرز یا IAA^۳ است که توسط شخصی به نام دیوید گاورنر مطرح شد. رویکرد مذکور پیشنهاد می‌کند که مناطق غیررسمی در حال ظهور با کمک صحیح می‌توانند به مناطق متعادل و جذاب شهری تبدیل شوند و می‌توان سرزندگی، انعطاف‌پذیری، ریخت‌شناسی ارگانیک، حس مکان و درگیری غیررسمی اشتراکی را با مزایای برنامه‌ریزی و طراحی پیشرفته ترکیب کرد. این روش پیشگیرانه و مداوم ممکن است یک محصول ترکیبی (رسمی / غیررسمی) را پرورش دهد، در مقیاس‌های مختلف (از سایت خاص به منطقه) کار کند و منجر به یک محیط‌زیست غنی شهری شود (گاورنر^۴، ۲۰۱۴).

۲. متدولوژی

۲.۱. روش پژوهش

همانطور که اشاره شد مسکن مسئله‌ای همه‌جانبه و دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. از این‌رو نگاهی همه‌شمول به ابعاد و مسائل را می‌طلبد. با این نگرش در این پژوهش با استفاده از نگاهی انتقادی و روش توصیفی - تحلیلی ابعاد کمی و کیفی بررسی شده است. در این راستا پس از بررسی مبانی نظری و جمع‌بندی شاخص‌های بررسی شده در مطالعات پیشین چارچوب مفهومی پژوهش استخراج شد. جامعه آماری پژوهش جمعیت ساکن در نقاط شهری ایران است. در این راستا آمارهای مورد نیاز از سایت مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استخراج شد.

۲.۱.۱. متغیرها و شاخص‌های پژوهش با استفاده از مطالعات پیشین

بسیاری از پژوهش‌های علمی که در حوزه سیاست‌های تأمین مسکن صورت گرفته‌اند بیانگر این موضوع هستند که تأمین مسکن و سیاست‌های مربوط به آن در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد شهری به یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهری تبدیل شده و تبعات متعدد و زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی‌ای را به دنبال خود داشته است (هاگس، ۱۹۷۷ و جکسون، ۱۹۷۱ و گریسبی، ۱۹۷۵ و اسکوبی، ۱۹۷۵ و اسمیت، ۱۹۷۱ و بلیکی،

1. Katz
2. Turner
3. Informal Armatures Approach
4. Gouverneur

۱۹۷۵ و فرنکلین، ۲۰۰۶ و ساترویت، ۲۰۰۴ و جاکلین و دیگران، ۲۰۰۷ و پورمحمدی، ۱۳۸۵ و اطهاری، ۱۳۸۲ و میره، ۱۳۸۸). هریک از پژوهش‌ها جنبه‌ای از مسئله مسکن را مورد بررسی قرار که در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های اصلی مسکن با معیارهای هر شاخص در پژوهش‌های صورت گرفته

شاخص	زیر شاخص	پژوهشگران
شاخص‌های اقتصادی	شرایط تورمی کشور	زریونی (۱۳۵۵)
	وضعیت اجاره‌بها	زریونی (۱۳۵۵)، آروین راد و همکاران (۱۳۸۲) و ضرابی (۱۳۷۵) و وارثی و همکاران (۱۳۹۴)
	تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	منادی‌زاده (۱۳۶۸)
	ساخت مسکن به تناسب دهک‌های اقتصادی	منادی‌زاده (۱۳۶۸)
	تسهیل شرایط ساخت مسکن انبوه	منادی‌زاده (۱۳۶۸)
	تقاضای مؤثر و بالقوه	مجتهدزاده (۱۳۶۸) و آنزورنا ^۱ (۱۹۹۳) و وحیدی (۱۳۷۲) و مدنی‌پور ^۲ ، ۲۰۰۶
	اعتبارات (وام) مسکن	وحیدی (۱۳۷۲) و خلیلی عراقی و دیگران (۱۳۹۱) و
	مخارج مصرفی خانوارها	خلیلی عراقی و همکاران (۱۳۹۱)
	قیمت مسکن - حباب قیمت	فلاح‌شمس و همکاران (۱۳۹۱)، و سیدنورانی (۱۳۹۳) و گودمن ^۳ و ون ^۴ (۲۰۱۳) و عبده کلاهچی و دیگران (۱۳۹۳) و زریونی (۱۳۵۵) و چون تسای ^۵ (۲۰۱۳)
	هزینه ساخت مسکن	خلیلی عراقی و همکاران (۱۳۹۱)، ایزدخواستی، ۱۳۹۸
شاخص کالبدی	مسکن فقرا (آلونک‌نشینی)	حاج‌یوسفی (۱۳۵۱) و حسین‌زاده‌دلیر (۱۳۵۵) و مجتهدزاده (۱۳۶۸) و دنبات ^۶ و دیگران (۲۰۱۹) و پاتل ^۷ (۲۰۱۳)
	زمین	دلال پورمحمدی (۱۳۷۲) و خلیلی عراقی و همکاران (۱۳۹۱) و عبده-کلاهچی و همکاران (۱۳۹۳) و آلیانا سیوام (۲۰۰۳) و گودمن و ون (۲۰۱۳)
	تأمین زیرساخت - دسترسی به زیرساخت‌ها	دلال پورمحمدی (۱۳۷۰)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۳) و وصالی - آذرشریبانی و فرجی‌ملایی (۱۳۹۶)
	مصالح ساختمانی - دوام و ثبات مصالح ساختمانی	برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (۲۰۱۰: ۵۷-۶۰) و افراخته (۱۳۷۵) و مضطرزاده و حجتی (۱۳۹۰) و ربیعی‌فر و همکاران (۱۳۹۲) و وارثی و دیگران (۱۳۹۴)

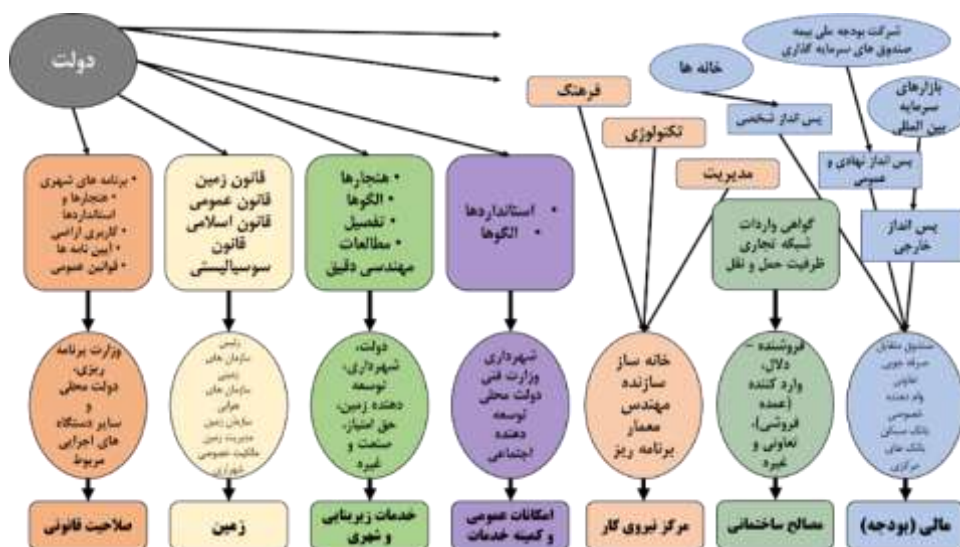
1. Anzorena
2. Madanipour
3. Goodman
4. Wen
5. Chun Tsai
6. Debnath
7. Patel

شاخص	زیر شاخص	پژوهشگران
	تراکم خانوار در واحد مسکونی - تراکم اتاق در واحد مسکونی	شیخی و دیگران (۱۳۹۱) و ربیعی فر و همکاران (۱۳۹۲) و محمودیانی و حسینی (۱۳۹۳) و عبده کلاهچی و همکاران (۱۳۹۳) و خلیلی و همکاران (۱۳۹۳) و وارثی و همکاران (۱۳۹۴) و ستارزاده (۱۳۹۶)
	زیربنای واحد مسکونی	شیخی و همکاران (۱۳۹۱) و ربیعی فر و همکاران (۱۳۹۲)
	قدمت - کیفیت ابنیه	شیخی و همکاران (۱۳۹۱) و ربیعی فر و همکاران (۱۳۹۲)
	الگوی مسکن	ارینسل ^۱ (۲۰۰۲)
	فضای عمومی	بونیللا ^۲ (۲۰۱۳)
	قوانین و مقررات	زرین (۱۳۷۴)، کرمی (۱۳۸۶) و لئونگ ^۳ (۲۰۰۴)
سیاسی - قانونی	نقش دولت	جی دولینگ ^۴ (۲۰۱۲)
	سیاست‌های مسکن - کلان و خرد	خزائی و میره (۱۳۹۰) و آرشین و سرور (۱۳۹۶) و محمدی ده‌چشمه (۱۳۹۷) و دسوتو ^۵ (۲۰۰۰)
	مالکیت - هزینه مالکیت	شیخی و همکاران (۱۳۹۱) و خلیلی عراقی و همکاران (۱۳۹۱) و وارثی و همکاران (۱۳۹۴)
	امنیت سکونت	وصالی آذرشربیانی و فرجی ملایی (۱۳۹۶)
	تعاونی‌های مسکن	کونادو ^۶ (۲۰۰۱)
	مهاجرت - شهرنشینی - جمعیت	افراخته (۱۳۷۵)، جوادی (۱۳۷۵: ۳۲۶) و ضرابی (۱۳۷۵) و پرهیزکار و همکاران (۱۳۸۸) و مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد (۲۰۰۵) و ادوفول ^۷ و هوپر ^۸ (۲۰۱۹) و زبردست ^۹ (۲۰۰۶)
اجتماعی	کمبود نیروی انسانی ماهر	افراخته (۱۳۷۵)
	بعد خانوار	جوادی (۱۳۷۵: ۳۲۶) و خلیلی عراقی و همکاران (۱۳۹۱) و ستارزاده (۱۳۹۶)
	شایستگی فردی	وصالی آذرشربیانی و فرجی ملایی (۱۳۹۶)
	قلمرو	عینی فر و فلاح (۱۳۹۷) و پرلمان ^{۱۰} (۱۹۷۳)

افزون بر شاخص‌های اشاره‌شده که بر اساس دیدگاه پژوهشگران مختلف استخراج شده است، مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد (هیبیتات)^{۱۱} نیز به بررسی شاخص‌های مسکن در ابعاد مختلف پرداخته است (شکل ۱). از نظر مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد پنج مؤلفه اصلی وابسته به هم که در هر بازار مسکن تعامل دارند شامل زمین،

1. Erinsel
2. Bonilla
3. Leung
4. J Doling
5. DeSoto
6. konadu
7. Eduful
8. Hooper
9. Zebardast
10. Perlman
11. UN-Habitat

زیرساخت، امور ملی، نیروی کار و مصالح ساختمانی (به همراه صنعت ساخت‌وساز و فناوری‌های نوین آن) می‌شود که بازار واقعی مسکن در یک کشور یا منطقه‌ی خاص به این عوامل وابسته است (هیئات، ۲۰۱۰، ص. ۱۳).



شکل ۱. چارچوب نهادی بخش مسکن از دیدگاه هیئاتت مأخذ: (هیئات، ۲۰۱۰، ص. ۱۵)

در نهایت پس از تلفیق شاخص‌های مطرح شده در مبانی نظری و مطالعات پیشین چارچوب نظری شاخص‌های مسکن استخراج شد. سپس هریک از شاخص‌ها براساس آمارهای موجود از سرشماری‌های رسمی نفوس و مسکن و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است و با استفاده از نرم‌افزار GIS داده‌های موجود به صورت دوره‌ای مقایسه شده است. سپس با استفاده از مدل‌های تاپسیس و فازی سطح‌بندی چالش مسکن در ایران صورت گرفته است. برای این کار معیارهای مورد بررسی را با استفاده از مدل فازی رتبه‌بندی کرده و امتیاز هر استان مشخص می‌شود. سپس با استفاده از مدل تاپسیس و ANP میزان اهمیت تمامی شاخص‌ها و معیارها مشخص می‌شود سپس ضرایب به دست آمده را در امتیاز هر استان ضرب می‌کنیم در نهایت تمامی امتیازات کسب شده توسط هر استان را جمع کرده و رتبه‌بندی نهایی را بر اساس بیشترین امتیاز کسب شده انجام می‌دهیم. واضح است هر استانی که امتیاز بیشتری را با توجه به معیارها و شاخص‌های ذکر شده دارد بیشترین چالش‌ها و نیازمند توجه ویژه است.

برای مقایسه عوامل اشاره‌شده^۱ از روش سیستم دینامیک در این مرحله لازم است که نمودار حلقه علی و معلولی مربوط به سازوکار تأثیر عوامل یادشده در قیمت مسکن ترسیم شود. این نمودار شیوه‌ای را که سیستم طبق آن کار می‌کند، نمایش می‌دهد. با ترسیم سلسله‌مراتب عناصر بازخوردی می‌توان تأثیر عناصر بر یکدیگر را بررسی کرد.

۱. بررسی روابط متغیرهای مستقل و تأثیر آن بر متغیر وابسته (روابط علت و معلولی)؛ به معنای تأثیر بررسی عوامل مؤثر بر قیمت مسکن (به عنوان متغیر وابسته)

شکل ۲. شاخص‌های ارزیابی مسکن و ارتباط شاخص‌ها

۳. ۱. شرایط مسکن در ایران

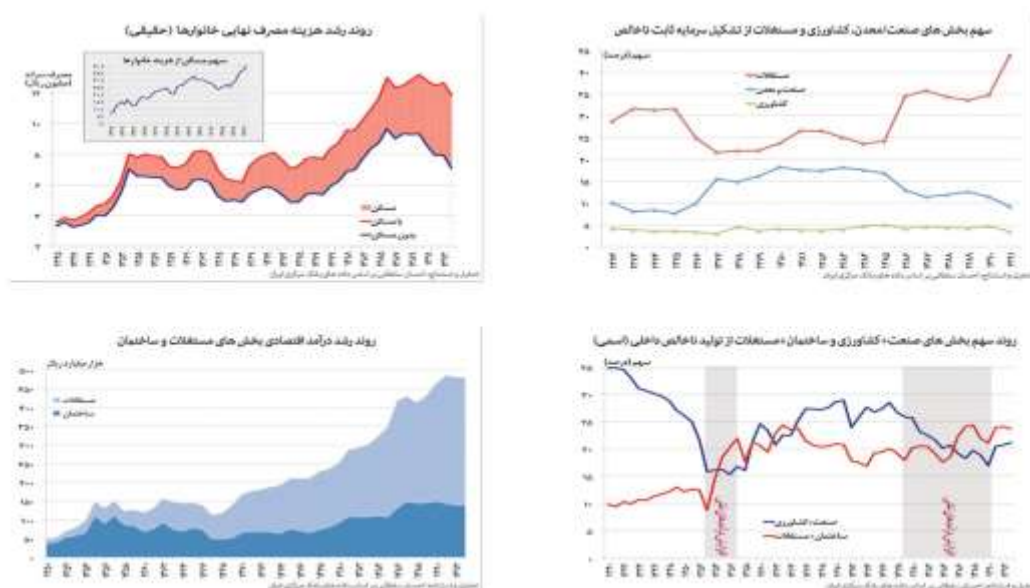
نوسانات قیمت مسکن طی سال‌های اخیر در کشور تأثیرات منفی گسترده‌ای بر خانوارها و عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد داشته است، این نوسانات همواره بر تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و سایر متغیرهای اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرات منفی داشته است (جعفری و شری زاده، ۱۳۹۸، ص. ۷۰).

عوامل متعددی بر عرضه، تقاضا و قیمت مسکن اثرگذارند که می‌توان آنها را به دو دسته درونزا و برونزا تقسیم کرد. عواملی که در بازار مسکن موجب تغییر در حجم و چگونگی تقاضا می‌شوند را عوام درونزا (نظیر هزینه‌های تولید) و عواملی که در اثر نوسانات بازار ناشی از شوک‌های مثبت و منفی شکل می‌گیرند (نظیر درآمدهای نفتی، نوسانات بازار سرمایه، سیاست‌های دولت و نرخ ارز) را عوامل برونزا می‌نامند که در بخش‌هایی جز مسکن تعیین می‌شوند اما بر عملکرد بازار مسکن مؤثرند (محسنی و بت‌شکن، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۸ - ۱۵۷). میزان تولید مسکن تابعی است از قیمت زمین، هزینه ساخت شامل قیمت مصالح، دستمزد نیروی کار، سرمایه و میزان سودی که از تولید مسکن حاصل می‌شود. هر چه قیمت مسکن و میزان بهره‌وری سرمایه (سود) در مسکن بیشتر باشد تولید افزایش می‌یابد. هر چه قیمت نهاده‌های تولید مسکن زمین، سرمایه و هزینه ساخت بیشتر باشد تولید مسکن کمتر می‌شود. عامل دیگری که بر میزان تولید مسکن اثر می‌گذارد میزان موجودی مسکن، به ویژه خانه‌های خالی است که بر میزان تولید اثر معکوس دارد. افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت دو عامل عمده افزایش تعداد خانوارها و درنهایت نیاز به مسکن جدید می‌باشند. از سوی دیگر واحدهای مسکونی موجود نیز در اثر استهلاک فیزیکی و یا به سر آمدن عمر اقتصادی خود تخریب می‌شوند (شماعی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۷).

از منظر تاریخی سیاست‌های کلان دولت‌ها بعد از انقلاب و تأثیر آن در بخش مسکن، در دوره موسوی، دیدگاه عدالت‌خواهانه و شبه سوسیالیستی حاکم و هدف حرکت به سوی عدالت توزیعی و تأمین مسکن برای همگان بود. در دوره سازندگی، هدف توسعه دولت سالار بود و الگوی غالب، تعدیل اقتصادی ساختاری با شعار کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی بود. در دوره اصلاحات هدف توسعه جامعه سالار بود و در این دوره نیز تعدیل اقتصادی ساختاری دنبال شد. در این دوره، زمین به طور کامل به بازار سپرده شد و دولت تلاش کرد تا صرفاً وظیفه هدایت و نظارت را بر عهده داشته باشد و به طور مستقیم در حوزه تأمین زمین و مسکن وارد نشود (و سیاست‌های جهانی همچون توانمندسازی اقشار کم‌درآمد را در نظر گرفت). دولت نهم و دهم شعارهای سیاسی عدالت‌خواهانه و حرکت به سوی پیشرفت و عدالت را سرلوحه سیاست خود قرار داد. در این دوره تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد و توجه به حاشیه‌نشینان و اسکان غیررسمی برجسته شد و در قالب مسکن مهر به بزرگ‌ترین پروژه مسکن‌سازی بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی تبدیل شد (هزارجریبی و امامی غفاری، ۱۳۹۸). دولت یازدهم و دوازدهم نیز سیاست‌هایی همچون بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد را در پیش گرفت و طرح اقدام ملی تأمین مسکن را در قالب تولید ۴۰۰ هزار واحد مسکونی برنامه‌ریزی نموده است. به‌طور کلی تاکنون باگذشت چند دهه از انقلاب چالش تأمین مسکن همچنان باقی است.

سازوکار حاکم بر اقتصاد و منفعت‌طلبی‌های سوداگرانه موجب شده معمولاً بیش از آنچه مسکن برطرف‌کننده نیازهای مصرفی طبیعی جامعه باشد، کارکرد سرمایه‌ای و تجاری پیدا کند. ملاحظه می‌شود در ربع قرن اخیر (۹۳ - ۱۳۶۹) در شرایطی که درآمد سرانه کل اقتصاد (بدون مستغلات) فقط ۵۹ درصد رشد کرده، درآمد سرانه بخش مستغلات ۲۳۱ درصد افزایش یافته و سهم ساختمان و مستغلات از ۱۸ درصد درآمد اقتصادی کشور (تولید ناخالص

داخلی) در سال ۱۳۷۹، به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۲ می‌رسد، بی‌آنکه رفاه عامه مردم بهبود پیدا کرده باشد. در همین حال سهم هزینه مسکن از کل هزینه خانوارها به‌صورت فزاینده بالا رفته که موجب کاهش سهم هزینه‌های دیگر خانوارها و تنزل سطح کیفیت زندگی مردم شده است. کژکاری بخش مسکن با خلق رانت‌های کلان جهت طبقات خاص از یک‌سو مانع از تأمین سرپناه برای بخش مهمی از مردم و به‌ویژه جوانان شده و از سوی دیگر با انحراف تخصیص منابع و تحریف روند اقتصاد به سمت بخش‌های نامولد، زمینه‌های کار و فعالیت مردم را از بین می‌برد (راغفر و سلطانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱-۱۰).



شکل ۳. وضعیت تأثیر هر بخش بر مسکن در ایران در دوره‌های آماری ۱۳۴۰ تاکنون

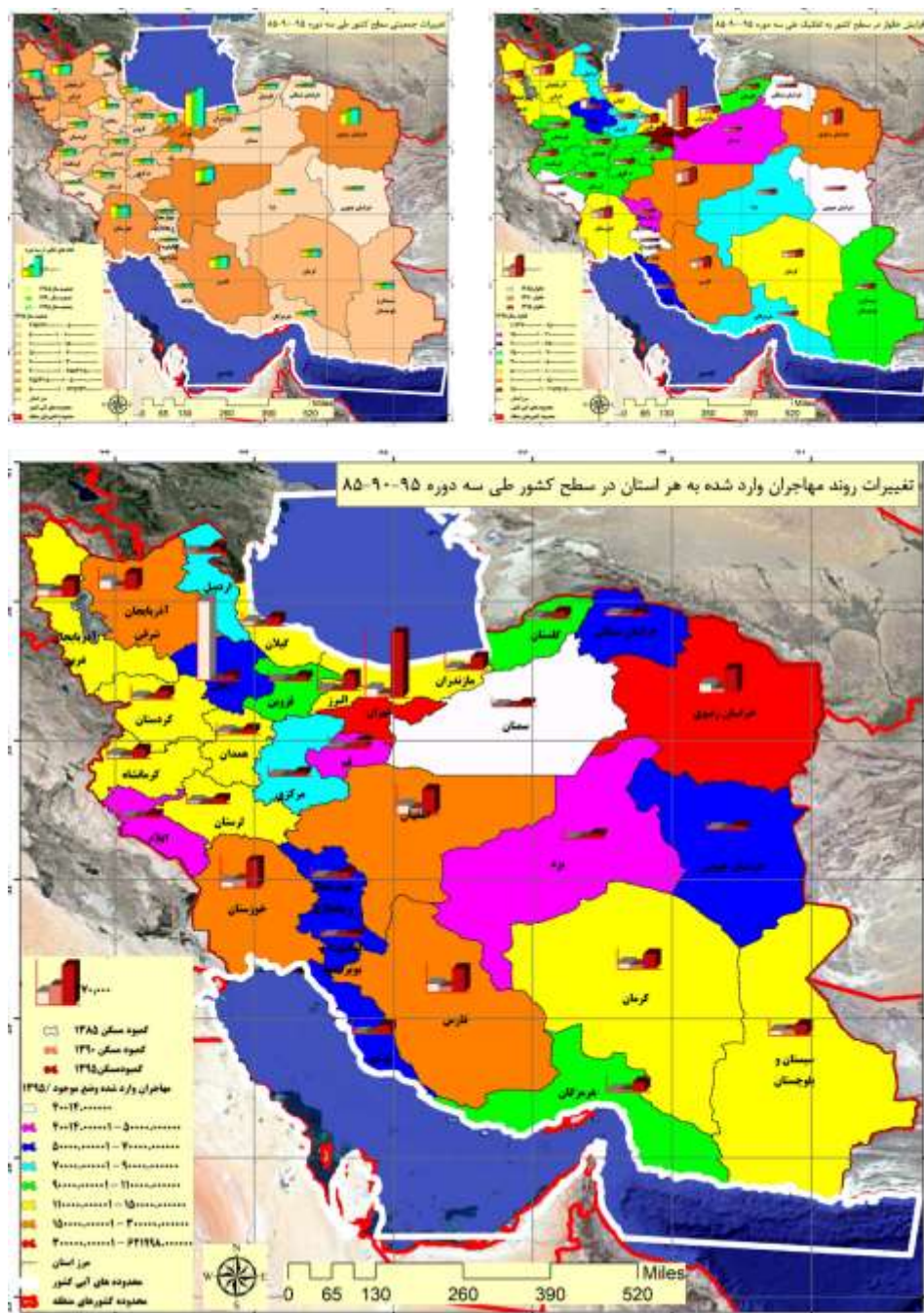
مأخذ: (راغفر و سلطانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰).

۲.۳. شاخص‌های مسکن در ایران

نیاز به مسکن دو بعد کمی و کیفی دارد. در بعد کمی نیاز به مسکن، به فقدان سرپناه و میزان دسترسی به مسکن و در بعد کیفی، مسائل و پدیده‌هایی مطرح میشوند که به بی‌مسکنی و بدمسکنی منجر میشوند. وجود واحدهای مسکونی نامناسب موسوم به بدمسکنی، از معضلات اجتماعی جوامع امروز است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۹۱). شاخص‌های مسکن از یک سو ابزار شناخت وضعیت مسکن و از سوی دیگر ابزاری کلیدی برای ترسیم چشم انداز آینده مسکن و برنامه ریزی آن هستند (علیپور و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۵).

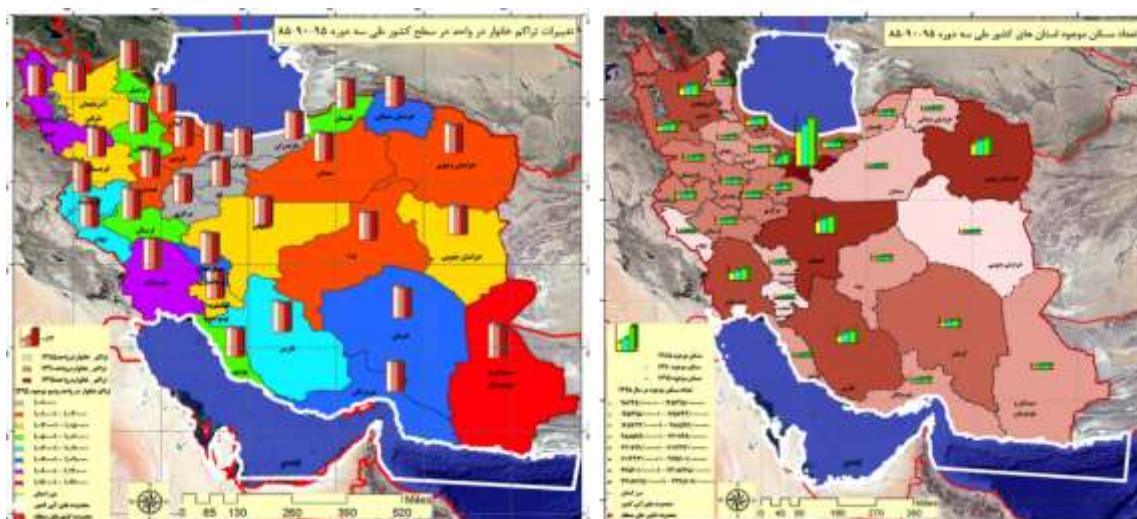
ایران هفدهمین کشور پرجمعیت جهان است که جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ از مرز ۷۰ میلیون نفر گذشت. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). البته، در این مسیر نرخ رشد جمعیت با نوساناتی همراه بوده است. میزان رشد جمعیت در دوره‌ی ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ پایین و در حدود ۰/۶ درصد بوده است، در دوره‌ی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نرخ رشد به بیش از دو برابر

افزایش یافت و به حدود ۱/۴ درصد رسید. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره‌ی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ حدود ۲/۵ درصد بوده است. از دهه ۱۳۳۰ به صورت تدریجی در شهرهای بزرگ و پس از دهه ۱۳۴۰ در سایر شهرهای کشور به دنبال سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مانند سیاست تخته قاپویشایر (۱۳۳۶)، ایجاد صنایع مونتاژ در اطراف شهرها (۱۳۳۹)، اصلاحات ارضی (۱۳۴۰)، الحاق روستاهای اطراف شهرها به شهر با رشد افقی شهر (دهه‌ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵)، افزایش نرخ طبیعی رشد جمعیت و مهاجرت‌های روستا - شهری ایجاد شد (محمدی و آشوری، ۱۳۹۵)؛ اما این روند افزایشی و صعودی رشد جمعیت از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ به دلیل اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده متوقف شد. در برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۷۸) تعدیل رشد جمعیت در دستور کار قرار گرفت و از سال ۱۳۷۸ به بعد دوباره برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران به اجرا گذاشته شد و میزان رشد سالانه‌ی جمعیت به ۱/۶۹ درصد در دهه‌ی ۱۳۷۵-۱۳۶۵ و ۱/۶ درصد در دهه‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ کاهش یافت. همچنین بررسی آمارهای سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که توزیع درآمد در ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد کشور از ۱۳/۹۲ به ۱۳/۴۳ رسیده است که نشان از کاهش درآمد این گروه‌های درآمدی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰-۱۳۶۰)؛ اما برخلاف این آمار، آمارهای بانک مرکزی در همین دوره نشان از رشد ۱۴/۸۰ به ۱۶/۰۶ را دارد. به نظر می‌رسید که از سال ۱۳۶۸ به بعد آمارهای تهیه‌شده، تصویری زیباتر نشان می‌دهد. تا جایی که بر اساس این ارقام، وضعیت ایران را بهتر از برخی از کشورهای صنعتی پیشرفته نشان داده است (رفیع‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۸). در حقیقت بر اساس سه متغیر نابرابری، بالأخص متغیر درآمد و تحصیلات، چنانچه ملاحظه می‌شود، گرچه بعد از انقلاب از میزان نابرابری کاسته شد اما به سختی می‌توان پذیرفت که بعد از سال ۱۳۶۸ نابرابری در ایران کم شده است (همان، ص. ۱۹۴). کاهش نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تداوم و به حدود ۱/۳ درصد رسیده است.



شکل ۴. تصویر پایین وضعیت مهاجرت گروه‌های مختلف جمعیتی در ایران؛ تصویر سمت چپ بالا تغییرات جمعیت در دوره‌های مختلف در ایران و شکل سمت راست بالا وضعیت بعد خانوار در دوره‌های زمانی مختلف. مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹ و مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵).

آمارهای بررسی‌شده در روند جمعیتی ایران نشان می‌دهد که مهاجرت و رشد جمعیت اغلب در کلان‌شهرهای ایران اتفاق افتاده است. این روند نشان از سوق جمعیت به سمت کلان‌شهرها در ایران را دارد (فنی، ۲۰۰۶، ص. ۴۱۱). رشد جمعیت کلان‌شهرها در این بازه‌ی زمانی به دلیل کاهش بسترهای اشتغال در شهرهای درجه‌دو در کشور و افزایش میزان درآمد در کلان‌شهرها می‌باشد. مقایسه وضعیت هرم سنی در شهرهای میانی و کوچک با شهرهای بزرگ نشان از کاهش جمعیت بین ۱۸ تا ۳۵ سال در شهرهای کوچک و میانی و افزایش این گروه سنی در شهرها بزرگ را دارد که وضعیت نامناسب اشتغال در این شهرها را در ایران نشان می‌دهد (محمدی و آشوری، ۱۳۹۶، ص. ۷۶). این افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ ایران چالشی بزرگ پیرامون مسکن را ایجاد کرده است که مشکل مسکن در استطاعت و افزون بر آن تأمین مسکن در درون محدوده‌ی شهرها را به دلیل ضوابط و مقررات غیر منعطف طرح‌های جامع و تفصیلی برای گروه‌های درآمدی اول تا چهارم بسیار سخت کرده است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۷۵).

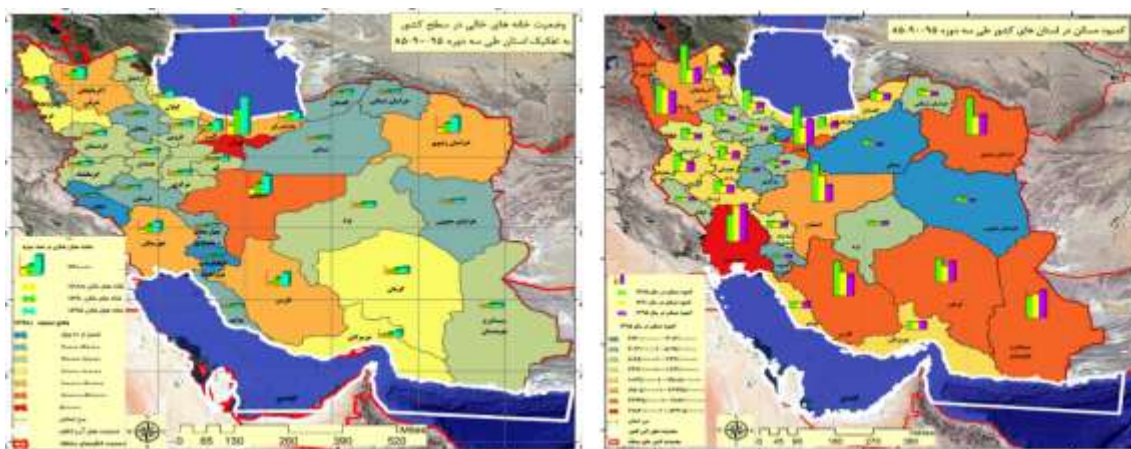


شکل ۵. تصویر سمت چپ وضعیت تراکم خانوار در واحد مسکونی در ایران؛ تصویر سمت راست تعداد مسکن موجود در ایران

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹ و مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵)

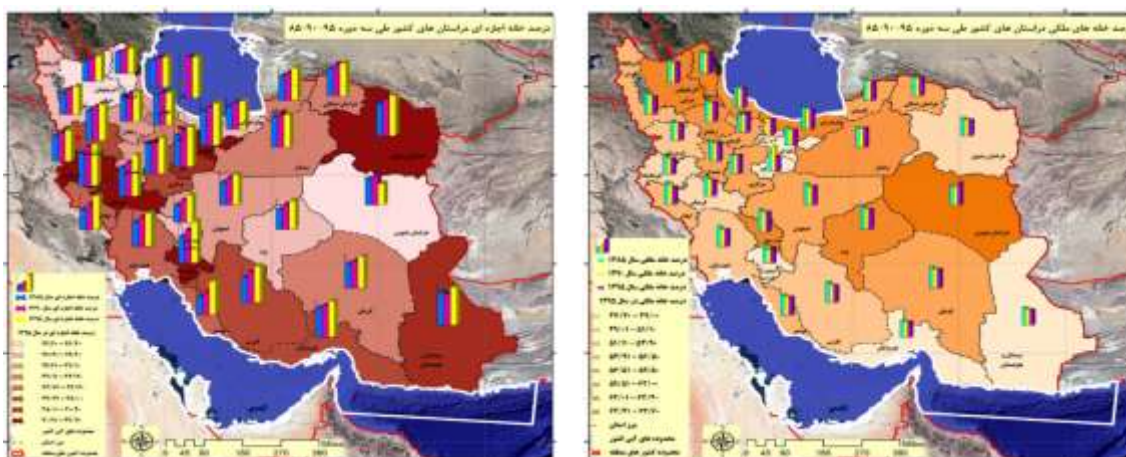
مقایسه رشد جمعیت و خانوار با شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی نیز گویای این امر است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ تراکم خانوار در واحد مسکونی از ۱/۱۷ به ۱/۰۶ رسیده است که نشان از رقم کمبود مسکن در ایران کاسته شده است اما باین‌حال کماکان تعداد خانوارها از تعداد مسکن‌ها در سطح جامعه بیش‌تر است و این کمبود مسکن در جامعه وجود دارد (محمودیانی، حسینی، ۱۳۹۳، ص. ۷-۶). همچنین از سوی دیگر بررسی‌های

صورت گرفته در سطح کشور نشان می‌دهد که بیش از دو میلیون و پانصد هزار واحد مسکونی خالی در ایران وجود دارد. در حقیقت مسکن در ایران از یک سرپناه به عنوان یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شده است. سرمایه‌داران ترجیح می‌دهند با بسازوفروشی و خریدوفروش مسکن سود کنند و دلالتی، مسکن را به خانه سرمایه‌ای تبدیل می‌کند که همین دسته یعنی بورژوازی مستغلات سرمایه‌های خود را به سمت ساخت خانه‌های لوکس و متراژ بالا سرازیر می‌کنند و خیلی از این خانه‌ها برای مشتری‌های میلیاردی خود سال‌ها خالی می‌مانند. در شرایط فعلی نیز بازار مسکن برای خانه‌های این چنینی دچار رکود می‌شود و این خانه‌ها سال‌ها به فروش نمی‌رسند (سلطانی، ۱۳۹۸).



شکل ۶. تصویر سمت چپ وضعیت تعداد خانه‌های خالی در ایران؛ تصویر سمت راست وضعیت کمبود مسکن در سطح کشور

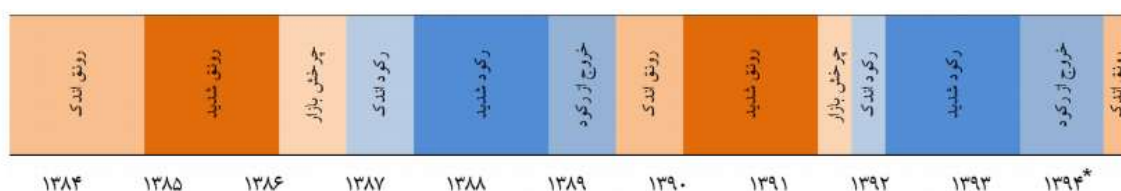
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹ و مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵)



شکل ۷. تصویر سمت چپ تغییرات واحدهای اجاره‌ای در ایران؛ تصویر سمت راست تغییرات واحدهای ملکی در سطح کشور

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹ و مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵)

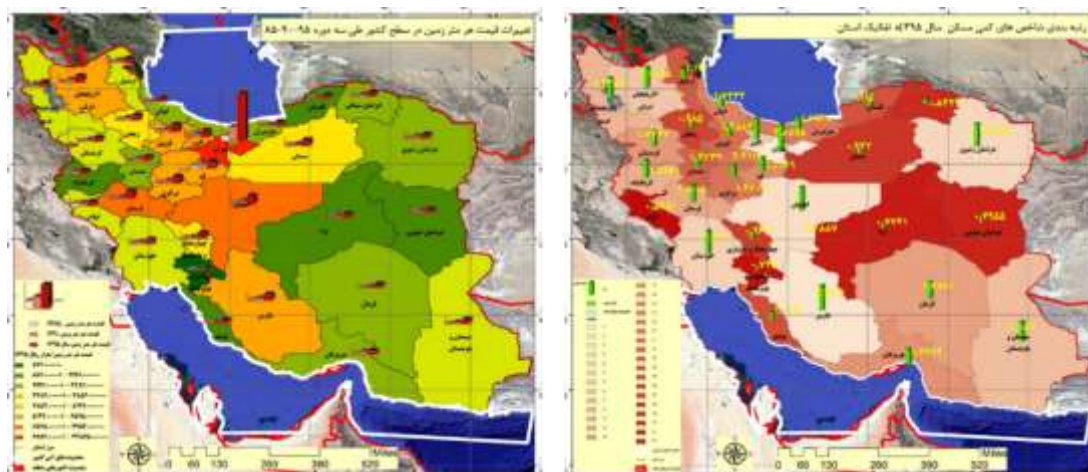
کشش فوق العاده این بازار در ایران با توجه به شاخص های مختلف اقتصادی نظیر تورم و سطح دستمزد می شویم. مقایسه این شاخص با وضعیت اجاره نشینی در ایران در دوره ۳۰ ساله نشان از افزایش میزان اجاره نشینی تا ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۵ می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵). در حقیقت عدم تأمین مسکن در استطاعت گروه های کم درآمد و دهک های پایین جمعیتی و عدم تأمین اشتغال درخور توان تأمین مسکن یکی از مسائل اساسی کمبود مسکن ملکی در کشور به شمار می رود. بر پایه ی آمارهای موجود در سال ۲۰۱۷ و مقایسه ایران با ۹۵ کشور جهان در شاخص نسبت قیمت خانه به درآمد ایران در رتبه ی ۶۷ ام و در استطاعت خرید مسکن در رتبه ی ۹۰ قرار دارد (برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۱). در خصوص قیمت زمین نیز میزان نرخ رشد این شاخص در سال های مختلف متفاوت بوده که به عوامل متعددی نظیر واگذاری های دولتی شرایط اقتصادی کشور و میزان نیاز و تقاضای مؤثر بستگی داشته است. از عمده ترین دلایل افزایش قیمت زمین در دهه ۱۳۷۰ می توان به اتمام مواد اصلی قانون زمین شهری (به ویژه ماده ۹) و به تبع آن کاهش شدید واگذاری زمین دولتی و نیز سیاست تراکم فروشی اشاره کرد (عزیزی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰). طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در حالی که متوسط درآمد سالانه ی یک خانوار شهری ۱۸ درصد رشد داشته، متوسط قیمت و اجاره بهای واحدهای مسکونی شهری به ترتیب سالانه ۲۳ و ۲۱ درصد افزایش یافته اند و لذا از قدرت خرید و اجاره ی مسکن کاسته شده است. شاخص دسترسی به مسکن که به صورت نسبت متوسط قیمت یک واحد مسکونی ۱۰۰ متری به درآمد متوسط خانوار محاسبه می شود، در سال ۱۳۸۴ نزدیک به ۸ و در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۱ بوده است، به این معنا که با فرض ثابت بودن نسبت قیمت مسکن به درآمد خانوار، اگر یک خانوار تمام درآمد خود را از سال ۱۳۹۲ به بعد را پس انداز نماید، ۱۱ سال طول می کشد تا قادر به خرید یک واحد ۱۰۰ متری شود. این در حالی است که شاخص دسترسی به مسکن به طور ایده آل تقریباً ۵ است و بین ۵ تا ۱۰ وضعیت نامطلوب و بیش از ۱۰ وضعیت بحرانی محسوب می شود. این شاخص برای دهک های پایینی حتی تا ۳۶ هم می رسد که نشان دهنده ی وضعیت بسیار بحرانی دهک های کم درآمد از لحاظ دسترسی به واحد مسکونی است. در رابطه با اجاره واحد مسکونی، یک خانوار در سال ۱۳۸۴ به طور متوسط با ۴۶ درصد درآمدش می توانست یک واحد مسکونی ۱۲۲ متری اجاره کند که این نسبت در سال ۱۳۹۲ به ۵۷ درصد و برای خانوارهای دهک پایین حتی به ۱۰۰ درصد رسیده است (گروه تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه، ۱۳۹۴، ص. ۲۱).



شکل ۱۰. نمایش تقریبی وضعیت های موجود در دو چرخه ی تجاری اخیر بازار مسکن در ایران

در نهایت می‌توان گفت که سوداگری یکی از ابزارهای انباشت سرمایه و کسب حداکثر سود است که منجر به ایجاد حباب قیمتی می‌شود. به واسطه وجود ابهام در ارزش ذاتی کالا، سوداگران ارزش‌های موهومی می‌سازند که مهم‌ترین آن‌ها، تبلیغ برای چشم‌انداز درخشان سودآوری کالا است. با ترسیم این چشم‌انداز درخشان، تقاضای آن کالا به جهت سرمایه‌گذاری روی آن بالا می‌رود و باعث می‌شود که مستعد افزایش قیمت نیز شوند. در نهایت، پولی که بدون ارزش حقیقی در عرضه اقتصاد خلق می‌شود، همان حباب قیمتی است که در مسکن ایجاد شده است (صدائق، ۱۳۹۸، ص. ۲۰).

در انتها شاخص‌های موجود مسکن در ایران به تفکیک استان توسط مدل تاپسیس و ویکور سطح‌بندی شده است. نتایج این سطح‌بندی در ایران نشان می‌دهد که اغلب کلان‌شهرها در ایران همچون تهران، فارس، اصفهان، خراسان رضوی و خوزستان از جمله شهرهای ایران است که با چالش اصلی مسکن مواجه هستند. کلان‌شهرهای کشور بدون گذار از مرحله صحیح شهرنشینی و با تکیه بر سیاست‌های برون‌زا در مرحله‌ای با رشد سریع شهرنشینی و امروزه با مهاجرت‌های گسترده‌ی صورت گرفته در سطح کشور جهت اشتغال و عدم توان تأمین مسکن در استطاعت به دلیل سیاست‌ها و ضوابط و مقررات نامتعطف مواجه هستند که این موضوع موجب شده است که روزه‌روز به مشکلات مدیریت آن‌ها افزوده شود. در جدول (۲) آمارهای مربوط به استان‌های مختلف آورده شده است.



شکل ۱۱. تصویر سمت راست: سطح‌بندی چالش‌های مسکن در ایران بر اساس شاخص‌های معرفی شده به تفکیک

استان در سطح کشور؛ تصویر سمت چپ: وضعیت قیمت زمین در ایران بر اساس وضعیت استان‌ها

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۲. آمار مربوط به شاخص‌های مختلف مسکن به تفکیک استان در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

۱	۲۳	۳۱	۶	۳	۲۱	۹	۷	رتبه‌بندی بر اساس مدل	
								رشد قیمت زمین در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵	
								ملک (درصد)	ملک (درصد)
۳۰۷	۱۳	۷۰۹	۳۰۱	۳۰۵	۳۰۱	۲۰۹	۴۰۱	۶۴/۲	۲۸/۴
۴۸۸	۵۴/۴	۵۶/۵	۵۱/۱	۵۹/۳	۶۳/۸	۵۵/۹	۶۴/۲	۱۰۰۴	۱۰۰۴
۴۳۸	۳۴/۶	۳۴/۸	۴۲/۲	۳۱/۴	۳۲/۲	۳۱/۲	۲۸/۴	۱۰۰۴	۱۰۰۴
۱۰۰۱	۱۰۰۶	۱۰۰۷	۱۰۰۱	۱۰۰۵	۱۰۰۶	۱۰۱۲	۱۰۰۴	۱۰۰۴	۱۰۰۴
۵۴۳	۱۳۰	۵۶	۳۱	۳۶/۲	۱۵۰	۴۹/۶	۳۳۰	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۴۹۰۰	۳۱/۲	۱۳۰۳	۱۳۲/۴	۲۴۲/۱	۴۱/۸	۶۷/۳	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۴۰۰۰	۲۲/۴	۱۰۳	۷۸/۲	۱۳۷/۵	۲۴/۲	۵۸/۱	۸۵/۴	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳/۱	۳/۵	۳/۶	۳/۲	۳/۲	۳/۴	۳/۴	۳/۲	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۲۴۵۲	۸۳/۶	۳۹۵	۲۵۱/۳	۴۵۰/۷	۸۶/۶	۲۰۱/۳	۲۸۰/۹	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۵۱/۴	۵۹/۱	۶۴/۳	۵۲/۱	۶۰/۲	۶۴/۸	۶۳/۲	۶۵/۸	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳۹/۷	۲۳/۳	۲۵/۹	۴۱/۹	۲۷/۸	۲۳/۸	۲۶/۲	۲۳/۹	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۰۰۱	۱۰۰۶	۱۰۰۷	۱۰۰۱	۱۰۰۵	۱۰۰۶	۱۰۱۲	۱۰۰۴	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳۷/۴	۹/۸	۵۶	۵/۷	۵۷/۱	۱۲۰	۵۶/۵	۲۹/۶	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳۷۷/۲	۲۱/۳	۸۸	۶۹/۹	۱۴۰/۹	۲۴/۱	۴۹/۲	۱۰۰/۵	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳۴۶۰	۱۵۹	۸۲	۶۴/۷	۱۰۱۸/۷	۲۰/۷	۴۸۰	۷۳/۸	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳/۲	۴/۲	۴/۱	۳/۴	۳/۴	۳/۸	۳/۶	۳/۴	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۱۳۰۶	۷۰/۴	۳۵/۷	۲۱۸/۴	۴۰۱/۸	۷۹/۹	۱۰۹/۳	۲۵/۷	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۵۶/۵	۶۴/۸	۷۰/۶	۰/۰	۶۷/۸	۶۹/۳	۶۹/۹	۷۱/۶	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳۵/۶	۱۸/۷	۲۰/۳	۰/۰	۲۳/۲	۲۱/۵	۲۱/۷	۲۰/۴	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۰۰۳	۱۰۰۹	۱۰۱۰	۱۰۰۳	۱۰۰۹	۱۰۱۱	۱۰۱۲	۱۰۱/۶	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۸۴/۱	۱۰۰۹	۶۱	۱۶۰	۸۵/۱	۱۶/۸	۶۵/۹	۸۵/۶	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۱۳/۲	۵/۷	۲/۶	۰/۰	۷۳/۹	۱۰/۹	۱۹/۲	۳۴/۸	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۲۸۱۸	۱۱/۷	۶۴	۵۲/۵	۹۴/۱	۱۵/۴	۳۷/۷	۵۵/۰	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۳/۵	۴/۵	۴/۸	۳/۸	۳/۸	۴/۲	۳/۹	۳/۸	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
۱۰۲۷/۴	۵۷/۷	۳۳/۱	۱۰۹۸/۶	۳۰۷۹/۹	۷۱/۶	۱۰۷/۲۵	۲۰/۳	۱۴۳/۶	۱۴۳/۶
تهران	بوشهر	ایلام	البرز	اصفهان	اردبیل	آذربایجان غربی	آذربایجان شرقی	استان	

۸	۲۶	۲۴	۵	۲۷	۴	۲۸	۲۵	رتبه‌بندی بر اساس مدل
۲,۶	۲,۱	۲,۱	۲,۲	۳,۰	۲,۷	۱,۷	۳,۶	رشد قیمت زمین: در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰
۴۸/۲	۶۰/۵	۶۱/۵	۵۲/۵	۵۷/۹	۵۰/۱	۷۲/۶	۶۲/۷	ملک: (در صد)
۳۹/۶	۳۳/۶	۳۰/۶	۳۴/۳	۳۳/۷	۴۲/۱	۲۲/۲	۲۸/۱	احاء: (در صد)
۱,۲۲	۱,۰۳	۱,۰۶	۱,۱۱	۱,۰۸	۱,۰۳	۱,۰۴	۱,۰۹	تاکم خانه: ا. در. واحد
۶۱,۹	۴,۰	۶,۷	۸۳,۷	۶,۵	۴۴,۷	۳,۵	۱,۰,۰	کیمه د مسک: (هزار واحد)
۵۰,۴	۲,۶۷	۲۳,۶	۱۳۱,۴	۲۳,۱	۱۹۴,۵	۳۱,۴	۲۹,۵	خانه خال: (هزار واحد)
۲۷,۳	۱,۶۵	۲۱,۰	۹۰,۱	۱۳,۶	۱۳۷,۷	۱۲,۵	۱,۶,۵	مسک: موحد: (هزار واحد)
۴	۳/۳	۳/۳	۳/۶	۳/۴	۳/۳	۳/۵	۳/۵	معد خانه: ا.
۱,۳۴۶	۵,۶	۷,۱	۳,۵۵۴	۴,۸۴	۴,۷۰۱	۴,۵۴	۶,۰۷	جمعیت نقاط شهری: (هزار نفر)
۵۱/۱	۵۹/۷	۶۱/۷	۵۴/۳	۵,۶	۵۲/۷	۶,۰/۶	۶,۴/۱	ملک: (در صد)
۳۲/۱	۳۳/۱	۲۹,۲	۳۰/۳	۳۲,۴	۳۸	۳۰,۴	۲۲/۷	احاء: (در صد)
۱,۲۱	۱,۰۳	۱,۰۶	۱,۱۱	۱,۰۸	۱,۰۴	۱,۰۴	۱,۱۱	تاکم خانه: ا. در. واحد
۵۳,۰	۳,۵	۹,۹	۷۹,۵	۹,۷	۴۰,۲	۳,۹	۱,۱,۱	کیمه د مسک: (هزار واحد)
۴۴,۴	۲۰,۴	۲۰,۱	۸۴,۹	۱۲,۶	۱۱۰,۱	۱۸,۱	۱,۶,۱	خانه خال: (هزار واحد)
۳۳,۷	۴,۰	۱,۷۱	۷۳,۵	۱۱,۶	۱,۲۰۲	۹,۵	۱۳,۰	مسک: موحد: (هزار واحد)
3/4	۳/۴	۳/۵	۴	۳/۶	۳/۵	۳/۷	۳/۷	معد خانه: ا.
۱,۲۴۳	۶۷,۴	۶۳,۵	۳,۲۸۱	۴۴,۷	۴,۳۱۱	۳۳/۱	۵,۲۱	جمعیت نقاط شهری: (هزار نفر)
۵۵/۲	۶۱/۹	۶۴,۵	۶۲/۹	۶۱/۵	۵۶/۷	۶,۰/۱	۷,۰/۶	ملک: (در صد)
۳۳/۹	۳۱/۳	۲,۷	۲,۵	۲,۷/۹	۳۳/۵	۲,۷/۲	۱,۷/۷	احاء: (در صد)
۱,۲۶	۱,۱	۱,۲۰	۱,۱۱	۱,۱۶	۱,۰۹	۱,۱,۵	۱,۱۱۳	تاکم خانه: ا. در. واحد
۴۷,۲	۱,۱۰	۷۳,۴,۲	۵۹	۳۳,۳	۸۳,۵	۱۰,۶	۱۲,۲	کیمه د مسک: (هزار واحد)
۱,۶۶	۸,۷	۷,۶	۳۳,۹	۵,۱	۵۰,۳	۸,۹	۵,۳	خانه خال: (هزار واحد)
۱,۷۹	۱,۱۰	۱,۱۹	۵۵,۲	۸,۵	۹۰,۴	۷,۰	۹,۳	مسک: موحد: (هزار واحد)
۵,۳	۳/۶	۳/۴	۶/۴	۳/۹	۳/۳	۴	۴/۲	معد خانه: ا.
۱,۰۹۳	۴۴,۱	۲,۸۷,۴	۳,۹۲,۵	۳۸,۱	۳,۹۳۷	۳۳,۷	۴۴,۲	جمعیت نقاط شهری: (هزار نفر)
سیستان و بلوچستان	سمنان	زنجان	خوزستان	خراسان شمالی	خراسان رضوی	خراسان جنوبی	چهارمحال و بختیاری	استان

[illegible]

ماخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۸۵)

در حقیقت، عوامل اصلی بحران مسکن سیاسی هستند. ۲۴ میلیون تقاضا برای مسکن و ۲۲/۸۵ میلیون واحد مسکونی بدون احتساب خانه‌های خالی وجود دارد. تعداد خانه‌های خالی به‌اضافه‌ی خانه‌های دوم، حدود ۴ میلیون است. بر همین اساس، مسئله‌ی مسکن به کمبود عرضه آن مربوط نمی‌شود. مجلس طرح جامع مالیاتی را تصویب کرد تا بر اساس آن از خانه‌های خالی مالیات گرفته شود. البته این موضوع نیز با موافقان و مخالفانی نیز روبرو است. وزارت راه و شهرسازی نهاد ناظر بر بازار مسکن و تعدیل آن است و نمی‌تواند مدافع صرف یک بازیگر ممکن باشد.

علاوه بر بورژوازی که صرفاً عرضه مستغلات است، بانک‌های بزرگ خصوصی نیز جزو صاحبان خانه‌های خالی هستند. بر اساس گفته‌ی معاون امور بانکی وزیر اقتصاد و امور دارایی، ارزش مستغلات اضافی در اختیار بانک‌ها ۷۵ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است (صداقت، ۱۳۹۸، ص. ۳). در بخش مسکن در اقتصاد ایران، حباب شکل گرفته است. تورم‌های ساختاری مانع از شکستن حباب هستند و به‌صورت ارادی و آگاهانه بر جامعه تحمیل شده‌اند؛ با انحلال ساختارها، امکان برون‌رفت از بحران وجود دارد؛ اما تا زمانی که میان الیگارشی سیاسی و اقتصادی هم‌پوشانی باشد، امکان برون‌رفت از بحران فراهم نیست.

۴. بحث

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص ابعاد وضعیت مسکن در ایران نشان می‌دهد که مسکن به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، قانونی، فرهنگی و سیاسی وابسته است و به عنوان یک مسئله تک‌بعدی نمی‌توان به این پدیده نگریست. پژوهش‌های بسیاری ابعاد مختلف مسئله‌ی مسکن را به صورت مجزا بررسی کرده‌اند (جدول ۱) که هریک به یک بعد از این مسئله پرداخته‌اند. افزون بر این در سطح ایران نیز برخی از پژوهش‌های صورت گرفته تنها به صورت آماری ابعاد کمی و کیفی مسکن در کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند (صارمی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱ و آنامرادنژاد^۱، ۱۳۹۴ و محمودیانی و حسینی، ۱۳۹۳ و آنامرادنژاد و زرابی^۲، ۲۰۱۱) و برخی از پژوهش‌ها نیز صرفاً یک محدوده خاص را بررسی کرده‌اند اما در این پژوهش افزون بر بررسی آماری کشور به تفکیک استان‌ها و مقایسه وضعیت هراستان با یکدیگر (سطح‌بندی وضعیت استان‌ها) تأثیرات اقتصاد سیاسی و قوانین مختلف بر شرایط مسکن در ایران تحلیل و بررسی شده است.

از این رو یکی از ضروریات اساسی در مسئله‌مندی مسکن ایجاد توازن میان عرضه و تقاضا بوده است چراکه غلبه رویکرد مبادله‌ای و سوداگری بر بخش مسکن به ویژه پس از قانون خودکفایی مالی شهرداری‌ها از اواخر دهه‌ی ۷۰ و مسئله رانت و تراکم فروشی موجب کمرنگ شدن نگاه مصرفی برای تأمین نیازهای خانوارها شده است. در نتیجه‌ی چنین رویکردی، شکاف طبقاتی تعمیق یافته و به حاشیه‌رانده شدن اقشار کم‌درآمد به امری متداول بدل گشته است؛ به طوری که در گذر زمان از یک سو تعداد خانه‌های خالی افزایش یافته (جدول ۲) و از سوی دیگر جمعیت سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری گسترش یافته است (صرافی، ۱۳۹۷). همچنین ساختار بروکراتیک، عدم ثبات سیاست‌گذاری، مدیریت ناکارآمد و بخشی‌نگری و موازی کاری نیز موجب شده است که همچنان مشکلات بخش مسکن باقی بماند و در برخی نقاط به ابعاد مسئله افزوده شود.

در این گذار تلافی دوره‌های آماری با دولت‌ها و قوانین موجود نشان می‌دهد که در دوره‌ی دولت هفتم قیمت زمین، مسکن و اجاره‌ای در طول این دوره تقریباً روند ثابت و در برخی از سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ روند کاهشی را

1. Annamoradnejad

2. Zarabi

تجربه کرده است. تثبیت نرخ ارز و افزایش درآمدهای نفتی در این دوره را می‌توان از دلایل عمده کاهش قیمت زمین برشمرد اما شروع دولت هشتم را می‌توان مصادف با افزایش قیمت زمین و مسکن و اجاره‌بهای مسکونی دانست. در این دوره با اتخاذ سیاست‌های مختلف و کاهش فروش نفت، قیمت مسکن دو برابر شده است. در دولت نهم وضع قوانین بسیار، چهار برابر شدن نرخ ارز، اجرای طرح مسکن مهر و کاهش درآمدهای نفتی منجر به افزایش دو برابری قیمت مسکن و زمین در کشور شد. افزون بر این افزایش تعداد خانه‌های خالی در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ و افزایش کمبود مسکن در این دوره (جدول ۲) تاییدگر این واقعیت است. یافته‌های این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد (جدول ۱) که اغلب مطالعات تنها بر یک بعد مسکن، یک شهر و یا یک محدوده خاص تمرکز داشته‌اند اما در این پژوهش سعی شده است تا با نگاهی همه‌جانبه و در سطح ملی بررسی ابعاد کمی و کیفی مسکن با دید به قوانین و مسئله اقتصاد سیاسی تحلیل شود.

۵. نتیجه‌گیری

از دهه‌های گذشته بخش مسکن همواره یکی از چالش‌های مهم در کشور بوده که متأثر از ساختار اقتصاد به صورت دوره ای با نوسان قیمت و رکود مواجه شده است.

تکانه‌های شدید اقتصادی همراه با شیوع پاندمیک کرونا در چند سال اخیر، بافت اجتماعی و ساخت جمعیتی - اقتصادی در نقاط مختلف کشور را دستخوش تغییراتی کرده که شاید این تحولات در تهران و حاشیه‌های آن، بیشتر از سایر نقاط کشور به چشم بیاید. واقعیت این است که با افزایش تورم و رشد شکاف طبقاتی، خانواده‌های متوسط به خیل خانوارهای فقیر با درآمدی زیر خط فقر، پیوسته‌اند و شوک اقتصادی اخیر ناشی از سه برابر شدن قیمت بنزین نه تنها به کاهش ضریب جینی و کم کردن فاصله طبقاتی منجر نشد (که ظاهراً هدف از اجرای این طرح اعلام شده)، بلکه به چرخه فقرزایی و تبدیل دهک‌های متوسط به فقیر شتاب بخشیده است. فرآیندی که در آن، فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند. استطاعت اقتصادی خانواده‌ها هر سال تحلیل می‌رود و به مصداق ضرب‌المثل هر سال دریغ از پارسال، سال به سال توانایی‌شان را برای اجاره خانه‌ای معمولی در محله‌ای متوسط و ادامه زندگی در کلانشهرها از دست می‌دهند و چاره‌ای فاصله از شهر ندارند. روند رشد جمعیت اجاره‌نشین در دوره‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ تاییدگر این امر است. اما نکته‌ی جالب توجه افزایش مسکن ملکی در در این بازه‌ی زمانی است که در مقایسه با منازل مسکونی خالی نشان از سرمایه‌ای بودن مسکن را دارد. روند روبه رشد شکل‌گیری مسکن به صورت سرمایه در تمامی استان‌ها دستیابی گروه‌های کم‌درآمد و دهک‌های متوسط جمعیتی به مسکن را روز به روز مشکل‌تر خواهد ساخت چراکه افزایش قیمت مسکن و عدم تناسب افزایش درآمدی با این رشد مشکلات متعددی را برای گروه‌های درآمدی متوسط و فقیر ایجاد کرده است.

در مجموع در طی دهه‌ی اخیر پیدایش ناحیه شهری در محدوده‌ی جغرافیایی اطراف شهرهای بزرگ مسائلی همچون تمرکز بسیار جمعیت و سرمایه‌گذاری‌ها، گرانی خرید و اجاره مسکن، افزایش قیمت زمین و عدم امکان

اسکان اقشار میانی و کم‌درآمد جامعه در بازار رسمی مسکن را دارد. رتبه‌بندی استان‌ها نیز تاییدگر این واقعیت است که تجمع ثروت در مناطق کلانشهری در کشور، افزایش مسکن سرمایه‌ای و رشد مسکن استیجاری و مسئله سکونت گروه‌های کم‌درآمد شهری در این مناطق بیش از سایر استان‌ها بوده است به گونه‌ای که استان‌های دارای کلانشهر رتبه‌های اول تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۲).

در نهایت باید اشاره کرد که حل مسئله مسکن امری معجزه‌وار نیست و با توجه به ارتباط آن با بخش‌های مختلف ساختار اقتصادی نگاهی همه‌جانبه و مطالعاتی جامع را می‌طلبد که در پژوهش پیشنهاداتی در این خصوص ارائه شده است:

- اصلاحات ساختاری در راستای اقتصاد مولد و کارآمد با توجه به اثر مستقیم آن بر مسکن
- عدم بخشی‌نگری در مدیریت و تفویض اختیارات بیشتر به مدیریت محلی با نظارت مستمر
- بازبینی و آسیب‌شناسی سیاست‌ها و قوانین ناکارآمد گذشته در خصوص بخش مسکن، تدوین الگوهای مختلف تأمین مسکن در ایران و عملیاتی نمودن آن و نظارت سازمان‌های مربوطه بر اجرای قوانین و طرح جامع مسکن
- تهیه بانک اطلاعاتی جامع و کامل املاک و مستغلات و در دسترس قرار دادن برای عموم مردم
- تشدید نظارت بر بنگاه‌های معاملات املاک
- وضع مالیات بر عوایدی سرمایه و ارزش افزوده املاک و نظارت بر نحوه صحیح انجام آن
- توجه به توسعه درون‌زا و تخصیص بودجه در راستای بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد با نگاه مسکن در استطاعت
- توجه به جریان‌های مهاجرتی از مرکز به حاشیه و شکل‌گیری خانه‌های دوم در حومه شهر

کتاب‌نامه

۱. آرشین، م.، و سرور، ر. (۱۳۹۶). ارزیابی سیاست‌های اجرایی دولت در تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری مطالعه موردی کلانشهر مشهد. فصلنامه مدیریت شهری، ۹(۳۰)، ۸۱-۹۵.
۲. آشوری، ک.، ایراندوست، ک.، و خالق‌پناه، ک. (۱۳۹۷). تحلیل فرآیند تولید فضای غیررسمی در شهر سنج. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۵(۱)، ۲۴۲-۲۱۱.
۳. اطهری، ک. (۱۳۸۵). عدالت رسمی و عدالت عینی در قانون‌گذاری بخش مسکن. مجله‌ی مجلس و پژوهش، ۱۳(۵۱)، ۵۵-۴۱.
۴. آنامراندزاد، ر. ب (۱۳۹۴). ارزیابی ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۰)، ۳۵-۵۰.

۵. ایزدخواستی، ح. (۱۳۹۸). الزامات و چالش‌های مولفه‌های نظام اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه مسکن: باتاکید بر عملکرد بخش مسکن در ایران. تهران: هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت، پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق.
۶. ایزدخواستی، ح.، عرب‌ماراز، ع.، و احمدی، خ. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر شاخص توان‌پذیری مسکن خانوار در مناطق شهری ایران: با تاکید بر نقش دولت. *فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۱(۲۹)، ۷۱-۴۱.
۷. بنرجی، آ.، و دوفلو، ا. (۱۳۹۲). *اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی*، ترجمه جعفر خیر خواهان و مهدی فیضی، تهران: نشر دنیای اقتصاد.
۸. بنی فاطمه، ح. (۱۳۷۴). مشکلات مسکن در زندگی شهری ایران. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۱۵۳ و ۱۵۴، ۷۲-۴۹.
۹. پورمحمدی، م. ر. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی مسکن*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. پورمحمدی، م. ر.، صدرموسوی، م. س.، و عابدینی، ا. (۱۳۹۱). تحلیلی بر سیاست‌های تأمین مسکن دولت با تاکید بر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. *نشریه مطالعات شهری*، ۳، ۴۳-۳۴.
۱۱. پیکیتی، ت. (۱۳۹۶). *سرمایه در سده بیست و یکم* ترجمه ناصر زرفشان، تهران: انتشارات نگاه.
۱۲. جعفری، ف.، و شری زاده، ع. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر قیمت مسکن با رویکرد آینده نگاری (مورد پژوهی: کلانشهر تبریز). *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، ۲۳(۶۷)، ۸۹-۶۷.
۱۳. جوادی، ا. (۱۳۷۵). *نگاهی گذرا به معضل مسکن در ایران*، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران. جلد اول، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
۱۴. خلیلی، ا.، نورالهی، ح.، رشیدی، ن.، و رحمانی، م. (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهای برای بهبود آن. *نشریه مطالعات شهری*، ۱۳، ۹۲-۸۳.
۱۵. دسوتو، ا. (۱۳۸۹). *راه دیگر*. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشرنی.
۱۶. دلال پورمحمدی، م. ر. (۱۳۷۲). شیوه های دخالت دولت در بازار زمین شهری، *نشریه رشد آموزش جغرافیا*، ۳۶، ۱۹-۱۴.
۱۷. دلال پورمحمدی، م. ر. (۱۳۷۰). روش‌های اساسی تأمین سرپناه برای خانوارهای کم‌درآمد شهری در کشورهای درحال توسعه. *نشریه زبان و ادب فارسی*، ۱۴۰ و ۱۴۱، ۴۶-۲۱.
۱۸. دو سوتو، ه. (۱۳۸۵). *راز سرمایه*. تهران: نشر نی.
۱۹. راغفر، ح.، و سلطانی، ا. (۱۳۹۵). برندگان و بازندگان مسکن در سه دهه گذشته به روایت آمار: منافع مردم اسیربازی مافیای قدرت و ثروت. *روزنامه شرق*، ۱۳(۲۵۷۴)، ۱۴ اردیبهشت‌ماه.
۲۰. راغفر، ح.، و سلطانی، ا. (۱۳۹۵). هزینه تفریح مرفه‌ترین‌ها ۷۳ برابر فقیرترین‌ها. *روزنامه شرق*، ۱۴(۲۷۷۶)، ۲۵ دی‌ماه.

۲۱. ربیعی فر، و. ا.، حقیقت نائینی، غ.، و قزایی، ف. (۱۳۹۲). ارزیابی ابعاد کالبدی مکسن با رویکرد توسعه پایدار شهری، نمونه موردی: منطقه ۸ شهر کرج. *نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۱۱، ۳۰۷-۳۲۱.
۲۲. رضایی آدریانی، س.، و احمدی، ح. (۱۳۹۹)، تحلیل و ارزیابی شاخص های کمی و کیفی مسکن در شهرستان های استان اصفهان. *فصلنامه آمایش محیط*، ۴۹، ۴۴-۲۳.
۲۳. رفیع پور، ف. (۱۳۹۲). *توسعه و تضاد*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۴. سقایی، م.، موذنی، ا.، و ثنائی راد، م. (۱۳۹۸). مسکن اجتماعی و عوامل مؤثر بر تأمین مسکن گروه های کم درآمد (نمونه موردی: اسلامشهر). *فصلنامه جغرافیا*، ۱۷ (۶۳)، ۱۹۵-۱۷۹.
۲۵. شماعتی، ع.، دلفان نسب، م.، و پورا کرمی، م. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر قیمت مسکن در محله پارک الله تهران. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۰ (۵۹)، ۱۹۵-۱۷۳.
۲۶. شمس، م.، صفاری راد، ع.، و قاسمی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل کمی و کیفی مسکن در شهر برازجان بعد از انقلاب اسلامی. *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۰ (۳۲)، ۵۴-۳۹.
۲۷. صارمی، ح. ر.، و ابراهیم پور، م. (۱۳۹۱). بررسی شاخص های مسکن ایران و جهان مطالعه موردی ایران، انگلیس و فرانسه. *هویت شهر*، ۱۰ (۶)، ۹۱-۱۰۲.
۲۸. صداقت، پ. (۱۳۹۸). مسکن؛ خانه یا سرمایه؟ ویژه نامه مدرسه تابستانی *مطالعات انتقادی شهری با تاکید بر مسئله مسکن در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. صرافی، م. (۱۳۹۷). رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران. *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۶۲، ۶۲-۵۷.
۳۰. عزیزی، م. م. (۱۳۸۴). تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص های مسکن شهری در ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۳، ۳۴-۲۵.
۳۱. علیپور، س.، مشکینی، ا.، و احدنژاد روشنی، م. (۱۳۹۹)، رتبه بندی شاخص های کمی و کیفی مسکن با استفاده از مدل تصمیم گیری ELECTRE III (نمونه مورد مطالعه محلات شهر کرج). *نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی*، ۲۴ (۱۷)، ۲۹۵-۲۷۳.
۳۲. قربانی، ر.، محمودزاده، ح.، و حسین پور، م. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص های کالبدی مسکن با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: مناطق ۲ و ۴ شهر تبریز). *فصلنامه جغرافیا*، ۱۶ (۵۶)، ۹۰-۱۰۷.
۳۳. گروه تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه (۱۳۹۴). *بررسی تحولات بازار مسکن ایران*. تهران: گروه تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه
۳۴. محسنی، ح.، و بت شکن، م. ه. (۱۳۹۷). پیوستگی انتقالات نوسانی میان بخش مسکن و بازار سرمایه. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۵ (۹۵)، ۱۷۶-۱۵۵.
۳۵. محمدی ده چشمه، پ. (۱۳۹۷). ارزیابی سیاست های دولتی تأمین مسکن در مورد گروه های کم درآمد شهری (مطالعه موردی: شهر سامان). *فصلنامه جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای*، ۸ (۲)، ۲۹۵-۲۸۱.

۳۶. محمدی، ا.، آشوری، ک. (۱۳۹۶). *درآمدی بر برنامه‌ریزی مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری با تأکید بر توسعه درون‌زا*. سندج: نشر جهاد دانشگاهی..
۳۷. محمودیانی، س. ا.، و حسینی، ح. (۱۳۹۳). شاخص‌های کمی و کیفی مسکن: تجربه‌ی ایران بعد از انقلاب اسلامی. *مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران*، ۱ (۵)، ۱-۱۸.
۳۸. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۳۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۴۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۴۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۴۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۴۳. مضطرزاده، ح.، و حجتی، و. (۱۳۹۰). شاخص‌های مسکن مطلوب و آسیب‌شناسی مشکلات آن در ایران. شیراز: نخستین همایش ملی مسکن ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۴. ملکی، ب. (۱۳۹۵). *تحلیل بازار مسکن ایران*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۴۵. هزار جریبی، ج.، و امامی غفاری، ز. (۱۳۹۸). بررسی تحولات سیاست‌گذاری رفاهی مسکن در ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۸). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۱ (۳۸)، ۷۶-۱۲۰.
۴۶. وارثی، ح. ر.، ایزدی، م.، و محمودزاده، م. (۱۳۹۴). تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی تاثیرگذار در برنامه‌ریزی مسکن استان‌های کشور. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۵ (۳۷)، ۱۵۳-۱۳۳.
۴۷. وصالی آذر شریانی، م.، و فرجی‌ملایی، ا. (۱۳۹۶). بررسی چالش‌های مرتبط با مسکن مناسب با رویکرد ارائه راهکارهای عملی. تهران: کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

48. Abrams, C. (1964). *Man's Struggle for Shelter in an Urbanizing World*. Cambridge: MA: MIT Press.
49. AlSayyad, N. (2004). *Urban Informality as a New Way of Life*, Chapter of book. New York: Lexington books.
50. Annamradnejad, R., & Zarabi, A. (2011). The Qualitative and Quantitative Changes of Housing in Iran (1966-2006). *World Applied Sciences Journal*, 15(3), 350-358.
51. Arefian F. F., & Moeini S. H. I. (2016). *Urban Change in Iran, The Urban Book Series*. New York: Springer
52. Ayub, B., Naderpajouh, N., Boukamp, F., & McGough, T. (2020). Housing market bubbles and urban resilience: Applying systems theory. *Cities*, 106(102925), 1-14.
53. Bayat, A. (2004). *Globalization and the Politics of the Informals in the Global South*. Lanham: Lexington Books.
54. Bramley, G. (1994). An affordability crisis in British housing: dimensions, causes and policy impact. *Housing Studies*, 9(1), 103-124.
55. Chen, M. Wu., Y. Liu, G., & Wang, X. (2020). The effect of the housing provident fund on housing consumption and inequity risks. *Cities*, 104(102812), 1-11.
56. Davis. M. (2006). *Planet of Slums*. New York: Verso.
57. Doling, J., & Elsinga, M. (2013). *Demographic Change and housing wealth*. New York: Springer.

58. Gilbert, A. (2004). *Love in the Time of Enhanced Capital Flows: Reflections on the Links between Liberalization and Informality*. Maryland: Lexington Books.
59. Gilbert, A. (2011). Ten Myths Undermining Latin American Housing Policy. *Revista de Ingeniería*, 35, 79-87.
60. Glaeser, E. L., & Joseph, G. (2003). The impact of building restrictions on housing affordability. *FRBNY Economic Policy Review*, 21-39.
61. Golubchikov, O., & Badyina, A. (2012). *Sustainable housing for sustainable cities: a policy framework for developing countries*. Nairobi, Kenya: UN-HABITAT.
62. Gouverneur, D. (2014). *Planning and design for future informal settlements: shaping the self-constructed city*. London: Routledge.
63. Hallett, G. (Ed.) (1993). *The new housing shortage: Housing affordability in Europe and the USA*. London: Routledge.
64. Hancock, K.E. (1993). Can pay? Won't pay? or economic principles of affordability. *Urban Studies*, 30(1), 127-45.
65. Harris, R., & Giles, C. (2003). A mixed message: the agents and forms of international housing policy, 1945–1973. *Habitat International*, 27, 167–191.
66. Hulchanski, D. (1995). The Concept of housing affordability: Six contemporary uses of the housing expenditure-to-income ratio. *Housing Studies*, 10(4), 471-491.
67. Iain, W., & Gauri, N. (2021). The housing crisis as an ideological artefact: Analysing how political discourse defines, diagnoses, and responds. *Housing Studies*, 36(2), 213-234.
68. Katz, B., & Margery, A. T. (2008). *Rethinking U.S. Rental Housing Policy: A New Blueprint for Federal, State and Local Action*. In *Revisiting Rental Housing*, edited by Nicolas P. Retsinas and Eric S. Belsky, Washington D. C.: Brookings Institution Press.
69. Kearns, A. (1992). Affordability for housing association tenants: A key issue for British social housing policy. *Journal of Social Policy*, 21(4), 525-549.
70. Lewis, O. (1966). The Culture of Poverty. *Scientific American*, 215(4).
71. Linneman, P. D. & Megbolugbe, I. F. (1992). Housing affordability: myth or reality?. *Urban Studies*, 29(3/4), 369-392.
72. Litman, T. (2019). *Affordable-accessible housing in a dynamic city; why and how to increase affordable housing in accessible neighborhoods*. Victoria: Victoria Transport Policy Institute.
73. Madden, D., & Marcuse, P. (2016). *In defense of housing. The politics of crisis*. London: Verso.
74. Mayer, M. (2009). The 'right to the city' in the context of shifting mottos of urban social movements, *City*, 13, 2–3.
75. Mulliner, E., & Maliene, V. (2011). *Criteria for sustainable housing affordability, environmental engineering*. Vilnius, Lithuania: The 8th International Conference.
76. Parsons, A. (2010). *The Seven Myths of 'Slums': Challenging popular prejudices about the world's urban poor*. New York: Global Policy Forum.
77. Perlman, J. (1973). *Favela four decades of living on the edge in Rio de Janeiro*. Oxford, Oxford University Press, Inc.
78. Robinson, M., Scobie, G. M., & Hallinan, B. (2006). *Affordability of housing: Concepts, measurement and evidence*. New Zealand: New Zealand Treasury Working Paper.
79. Roy, A. (2005). Urban Informality: Toward an Epistemology of Planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147-158.
80. Ruonavaara, H. (2018). Theory of housing, from housing, about housing. *Housing, Theory and Society*, 35(2), 178-192.
81. Stone, M. E. (1990). *One-Third of a Nation: A New Look at Housing Affordability in America*. Washington D. C.: Economic Policy Institute.
82. Turner, J. F. C. (1967). Barriers and Channels for Housing Development in Modernising Countries. *Journal of the American Institute of Planners*, 33, 167–81.

83. UN-Habitat (2010). *The 2010/11 State of the World's Cities Report, "Bridging the Urban Divide*. New York: United Nations Human Settlements Programme.
84. UN-Habitat (2011). *A practical guide for conducting: Housing profiles supporting evidence-based housing policy and reform*. New York: United Nations Human Settlements Programme.
85. United Nations, Department of Economic and Social Affairs (2018). *World urbanization prospects: The 2018 revision*. New York: United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
86. URL1: <http://www.hud.gov/offices/cpd/affordablehousing/>
87. Wallbaum, H., Ostermeyer, Y., Salzer, C., & Escamilla, E. Z. (2012). Indicator based sustainability assessment tool for affordable housing construction technologies. *Ecological Indicators*, 18, 353-36
88. Wallerstein, I. (1991). Capitalist markets: theory and reality. *Social Science Information*, 30(3), 371-379.
89. Whitehead, C. M. E. (1991). From need to affordability: An analysis of UK housing objectives. *Urban Studies*, 28(6), 871-887.
90. Wijburg, G. (2020). The governance of affordable housing in post-crisis Amsterdam and Miami. *Geoforum*, 119, 30-42.

The Evaluation of Quantitative and Qualitative Indicators of Urban Housing in Iran

Kasra Ashouri

PhD Candidate in Urban Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Kyoumars Habibi ¹

Associate Professor in urban Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Milad Doostvandi

PhD Candidate in Urban Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Received: 16 December 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

Housing is a social, economic, and political issue and, beyond that, a right given to possessors of power and capital which has turned into a basic challenge in the global system of urbanization due to the preference of personal interests over collective benefits (free market policies). The analysis of the status of housing requires a comprehensive view of its different aspects. In Iran, this has been influenced by economic, political, social, and cultural aspects, and housing has turned into capital goods by demands on the capital market which is called a business. In this research, the quantitative and qualitative indicators of housing were investigated with a comprehensive view. The conceptual framework of the issue was offered after reviewing the related literature and introducing the theoretical foundations. Then, Iran's provinces were ranked based on the available indicators using the TOPSIS method and fuzzy models. The results of ranking demonstrate that regions in the country with metropolises are affected more seriously than others by the accumulation of wealth in those regions, the increase in housing as capital, the growth of rental housing, and the issue of affordable housing for low-income urban groups, hence the provinces with metropolises have the first to tenth ranks as such. The results also indicate that the major issue is deeply rooted in the structures of administration, and it would be impossible to end the crisis as long as the political and economic oligarchies overlap. Another significant alternative that may help resolve the issue of housing is to consider modern approaches and series of taxation acts accompanied by supervision, because housing could be devaluated as a means of trade and business on the market through a rise in financial costs, shortage of supply, and lack of prospects of growth for suppliers.

Keywords: Challenge of Housing, Housing Indicators, Iran's Quantitative and Qualitative Aspects, Political Aspects

1. Corresponding author. Email: habibi_ki@yahoo.co.uk

Analyzing the Role of Local-Spatial Differences in the Sense of Happiness among the Citizens of Ahvaz

Safiyeh Damanbagh¹

Ph.D. in Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Nahid Sajadian

Professor, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Morteza Nemati

Assistant Professor, Department Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 13 December 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

As Ahvaz faces environmental challenges and local-spatial differences (inequality of uplifting spaces), this affects its citizens' happiness. Local differences and citizens' sense of happiness are the main variables of this study. Generally, justic planning and reducing local and spatial differences to benefit happiness spaces are the main suggestions of the study. This study is of the theoretical-applied type following a descriptive-analytic methodology. The statistical population of the study includes the citizens of Ahvaz (both men and women) in the age range of 15 years and above, which is equal to 887,280 people in the total population of Ahvaz. The sample size is 385 citizens of the city based on Cochran's formula and the sampling method used is simple random. The questionnaires used in this study were completed in six selected neighborhoods. Data analysis was performed by statistical methods including mean responses, linear regression, independent t-test and one-way ANOVA and ArcGIS software. According to the results, the happiness level of the citizens of Ahvaz is lower than average. In addition, there was no significant difference found between the two groups of males and females in Ahvaz in terms of happiness level, but there was a significant difference between the age groups in terms of happiness level. The difference in spatial levels plays a role in the difference in the happiness level of citizens in different neighborhoods of Ahvaz City; in fact, the happiness level of citizens varies and decreases from places and neighborhoods with higher levels to places and neighborhoods of lower levels. In other words, local and spatial differences and inequalities lead to inequity in the level of happiness among the citizens, and the distribution of happiness among the citizens based on spatial differences does not have a fair pattern.

Keywords: Happiness, Behavioral Geography, Urban Environment, Spatial Differences, Ahvaz

1. Corresponding author. Email: safiyeh_damanbagh@yahoo.com

Towards Developing Ethical Spaces in Cities: Exploring Geographical Dimensions of Ethical Consumption in Tehran by Focusing on Local Food Consumption

Roghayyeh Samadi

Ph.D. candidate in geography & urban planning, Faculty of earth sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mohammad Taghi Razavian ¹

Professor in human geography, Faculty of earth sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Jamileh Tavakolinia

Associate professor in human geography, Faculty of earth sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Morteza Ghourchi

Assistant professor in human geography, Faculty of earth sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 8 December 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

Geographical Research has been examining ethical issues in a wide range of areas including consumption patterns. One of the ethical issues in geography is the consumption of local food products which refers to food miles and environmental issues, fair trade, social justice, and food democracy. Although in recent years, local food consumption has become more prevalent in developed countries, but recently it has been widespread in developing countries. In Iran, different climatic zones have created various opportunities for growing local food products, but consumers are facing many challenges in consumption of this kind of products due to various factors. This study aims to investigate the consumer's attitude, intention and behavior regarding local food products. In this regard, 197 consumers selected in districts 1 and 20 of Tehran City using convenience sampling method completed the questionnaires used in this study. The results of data analysis showed that despite the ethical values of the respondents, including their health-related issues, supporting local producers and protecting the environment, there is a positive correlation between the long distance for buying local food and the unwillingness to consume local products. In addition, geographical distance is one of the most important challenges for consumers to buy local products. Therefore, the intervention of urban planners in local food systems should be considered here due to issues such as food miles and environment pollution, food safety, etc. Urban planners should encourage local communities to produce and consume more sustainable local foods and protect local agricultural resources as well.

Keywords: Local Food Products, Ethical Issues, Food Miles, Fair Trade, Districts 1 And 20 Of Tehran City

1. Corresponding author. Email: mtrazavian@gmail.com

Exploring the Role of Factors Affecting Place Attachment in Urban Textures (Case Study: Old, Middle, New, and Suburb Textures of Sanandaj City)

Farzam Allahveisi

Master of Urban Design, Department of Urban Planning and Design, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Farzin Charehjoo¹

Department of Urban Planning and Design, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Received: 27 November 2020

Accepted: 4 October 2021

Abstract

Creating the grounds for place attachment in residential areas and strengthening the affective components while meeting the daily needs of people can also be responsive to their needs at higher levels. Given the social importance of residential spaces, the need for paying attention to place attachment and identifying the factors that strengthen this phenomenon would be prioritized. The present study aims to investigate the factors affecting the promotion of place attachment in three scales of the home, neighborhood, and city among the inhabitants of Sanandaj City. The study is of applied type in terms of purpose and it is descriptive-analytical in terms of research methodology. The statistical population of this study is 321 residents of the four selected textures of Sanandaj City. Place attachment and its different dimensions are considered as dependent variables, and the factors of attachment to place and the scale of place are considered as independent variables. To make a comparison between the areas of the research at the three mentioned levels, the post-experimental Tukey test was used. The structural equation modeling was also used to evaluate the effect of physical, social, and individual factors on place attachment and to examine the different levels of place attachment from the cognitive, emotional and behavioral dimensions. Results show that among the variables of psychological dimension, the emotional, cognitive, and behavioral elements of place attachment, the physical and social factors, and the independent variables of individual characteristics have a significant relationship with the dependent variables of place attachment. Examining the results and comparing the attachment factors between the four areas shows that the marginal texture neighborhood (Naysar neighborhood) with the least amount of attachment to the neighborhood, among the dimensions of attachment, emotional dimension and among attachment factors, physical factor has a more effective role on neighborhood attachment. Thus, it is necessary to pay special attention to these factors in future plans to increase the residents' attachment to the neighborhood and prevent the migration of residents to places out of the neighborhood and avoid its subsequent consequences accordingly.

Keywords: Sense of Belonging, Urban Textures, Structural Equation Modeling, Sanandaj

1. Corresponding author. Email: f.charehjoo@iausdj.ac.ir

Strategic Future Studies in Isfahan Metropolis: The analysis of challenges through the cause and effect model

Fatemeh Daneshvar

PhD Student, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Hamid saberi ¹

Assistant Professor, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 15 November 2020

Accepted: 6 September 2021

Abstract

As lack of futuristic vision in the urban development system is considered as one of the main weaknesses of the urban planning system, it is necessary to understand the future in the framework of futuristic models with an urban planning approach to minimize the challenges ahead. This study has been conducted with the aim of researching the future in urban planning and management with the approach of recognizing future challenges in the field of urban planning in Isfahan metropolis and recognizing executive strategies to reduce challenges from the perspective of experts and executives in the field of urban management and Delphi model. In doing so, first, 16 factors were identified as key challenges in the future of the city of Isfahan. Then, the Dimetal method was used to analyze and rank the causes and effects. The results of the analysis show that lack of integrated and efficient urban management, extensions to the city of Isfahan and overcrowding of the municipality are the main and most effective factors in creating future crises in the city of Isfahan, and finally using the experts' opinions and the Delphi model, the most efficient solutions are determined according to the problems raised and ranked using the Shannon entropy model. Using Shannon's entropy model. The results also show that the most important strategies for overcoming the problems of Isfahan metropolis include planning and an integrated view of urban issues and the establishment of integrated urban management and a comprehensive urban plan with new approaches and finally planning for the participation of people (i.e. people for people).

Keywords: Future Studies, Urban Planning, Delphi Model, Dimetal Method, Isfahan

1. Corresponding author. Email: hamidsaberi 2000@gmail.com

The Analysis of Factors Affecting the Reconstruction of Historical Textures from the Perspective of Tourism Development

Mojgan Sheikhhinasab

PhD Candidate in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Mehri Azani¹

Assistant Professor in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Mehdi Momeni

Associate Professor in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Mostafa Mohammadi Dehcheshmeh

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 12 October 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

The reconstruction approach has a significant reference to the identity of the historical texture, the achievement of which depends only on paying attention to creative urban tourism. Paying attention to worn-out textures and eliminating their instability has become a central issue in cities, so that urban construction with a tourism development approach is recommended as a solution to preserve such valuable textures. Reconstruction emphasizes upon the maintenance of historical textures and the best use of cultural and historical heritage. Reconstruction helps to modernize historical textures in line with the development of tourism industry. Organizing and reviving urban textures results in tourism development, which helps to preserve the historical textures as the construction quality of all the relevant spaces improves. The present study aimed at identifying and analyzing the factors affecting the reconstruction of historical textures from the perspective of tourism development using a descriptive analytical method. The components of the study were divided into seven factors: worn textures, regulations, social, cultural, physical and infrastructural, economic, and political factors. To meet the goals of the study, Fuzzy DEMATEL method was used to address the research questions. The results of Di+Ri showed that the economic factor with a final score of 3.159 is the most important factor for the development of tourism in the old textures of Ahwaz. Moreover, the results of Di-Ri showed that the cause group includes social, economic, physical and political factors in which the most effective one is social factors with a final score of 0.615, whereas the effect group includes cultural factors, worn-out textures, and regulations in which the most effective one is worn-out textures with a final score of -0.4723.

Keywords: Reconstruction, Historical Textures, Tourism, Ahvaz

1. Corresponding author. Email: mehri.azani@gmail.com

The Analysis of Urban Livability with Emphasis on Housing Indicator (Case Study: Mashhad Metropolis)

Mohammad Ghanbari ¹

Head of Process Improvement and Transformation Department of Mashhad Municipality and PhD in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

Mohammad Ajzae Shokuhi

Associate Professor, Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Mohammad Rahim Rahnama

Professor, Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Omid Ali Kharazmi

Assistance Professor, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 16 September 2020

Accepted: 1 September 2021

Abstract

Today different approaches are proposed and used for solving the current issues and problems in cities. Multiple factors affect the livability of a place, of which we can note the presence of people, mixed use, housing, safety and security, sense of belonging, efficiency and the environment. The main goal of this study is to investigate urban livability with emphasis on housing indicator in Mashhad metropolis. The research method of this research is applied in terms of goal and is descriptive analytical in terms of methodology. GIS and SPSS software, and Vikor and Entropy models were used for data analysis. The person density in the residential unit of Mashhad metropolis was 3.4 based on population and housing census in 2011. Zones 13 and 8 had the highest residential per capita with 56.9 and 56.8 m², respectively, whereas zones 4 and 5 had the lowest residential per capita with 20.7 and 20.1 m², respectively. Zones 12, 12, 1, 11, and 1 had the best situation in terms of oldness, durability, ownership, access to municipal sewage and housing price indicators, respectively. The results of the study showed that the zone 11 of Mashhad metropolis is the best zone in terms of housing indicator, followed by zones 10 and 9, respectively. By contrast, zones 5, 4 and 13 had the worst conditions in terms of housing indicator, respectively. About 38% of the zones of Mashhad are in a very unfavorable level of housing in terms of urban livability.

Keywords: Urban Livability, Housing Indicator, Objective and Subjective, Mashhad

1. Corresponding author. Email: m.ghanbari233@yahoo.com

Wayfinding Pattern Analysis of Children 10 to 14 Years Old with Emphasis on Cognitive Development (Case Study: Lashkar, Ghasemabad Neighborhood)

Shima Abedi

PhD Candidate, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Toktam Hanaee ¹

Associate Professor, Department of Urbanism, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Zahra Bagherzadeh Gol Makani

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Neishabour Branch, Neishabour, Iran

Received: 2 September 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

The importance of studying development is crystallized in the field of child psychology. On the other hand, cognitive development is a source of awareness in the field of children's development and has a double effect on the process of children's wayfinding. Paying attention to this in urban spaces can make it easier for children to successfully find their way. The purpose of this study is to analyze the wayfinding pattern with emphasis on the cognitive development of children aged 10 to 14 years old. The research method in this study is of the applied type. In this regard, to collect the necessary data, field observations, questionnaires and site visits were used. The sampling method was random using Cochran's formula, and the questionnaire was completed by 106 children in the age range of 10-12 years and also 106 children in the age range of 12-14 years. To analyze the wayfinding pattern of children affected by cognitive development in Lashgar neighborhood, the data were calculated quantitatively by factor analysis using LISREL software. To evaluate the relationship between wayfinding and cognitive development, the data were analyzed using the statistical methods of dependent t-test, Kolmogorov-Smirnov hypothesis test. The results of the study indicated that children in the age range of 10-12 years would mostly pay attention to the colors of buildings, building structures and buildings with more distinct forms and designs in comparison with other buildings in the neighborhood.

Keywords: Child, Cognitive Development, Lashgar Neighborhood, Wayfinding

1. Corresponding author. Email: toktamhanaee@yahoo.com

Recognizing the Factors Affecting Iran's Urban Issues with an Emphasis on Social Justice

Abolfazl Meshkini¹

Associate Professor of Geography and urban Planning, Tarbiat modares university, Tehran, Iran.

Morteza Nosrati Heshi

PHD student of Geography and urban Planning, Zanzan University, Zanzan, Iran

Received: 12 August 2020

Accepted: 27 December 2021

Abstract

With the formation of the growth pole theory after the land reform of the 1940s, as well as the continuing population growth and rural migration to cities after the revolution, the concentration of investment, especially in large cities, and the neglect of equitable distribution of power, wealth and facilities in other areas, the urbanization of the country has been intensified. Accordingly, the purpose of this study is to identify key and effective variables and the prevailing relationships between variables in the Iranian urban system to achieve social justice in a short time on the horizon of 1410. Therefore, the present research is of applied type in terms of purpose and it is descriptive-exploratory in terms of the research approach. Data were collected using environmental scanning techniques. The participants included 16 urban planning experts at universities and research centers as members of the panel of experts. The result is to identify 21 primary variables to examine the future status of social justice in Iranian cities. To identify the effective variables and the relationships between the variables, the structural analysis of variables, the widely used method in futures research, was used. The results of the research showed that the variable "citizenship rights education" has very high stability and effectiveness in the system environment. Also, the variables of "creating equal opportunity" and "urban democracy" as two-dimensional variables, "equitable distribution of power and wealth" as a variable of risk and target variables including "equitable allocation of resources and facilities" and "entitlement" have very high impact and effectiveness. These variables have a great potential to become key players in the system to achieve social justice in Iranian cities.

Keywords: Justice, Social justice, Iran's urban issues, Futures studies, Micmac

1. Corresponding author. Email: meshkini@modares.ac.ir

Analysis of components explaining the sense of spatial belonging in urban new neighborhoods (Case study: Yaghchian neighborhood of Tabriz)

Alireza Soltani

Assistant Professor, Department of Architecture and Urbanism, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Elham Hatami Golzari ¹

Assistant Professor, Department of Architecture, Sardroud Center, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Received: 1 July 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

Nowadays, urban planning and development is a bottom-up process that starts from the micro-scale, ie the neighborhood and its primary goal is to create desirable places (neighborhoods) for life through human connection with place, in other words, to promote a sense of spatial belonging. In this regard, considering the importance of neighborhood-based planning and development in achieving urban development and the effective role of human connection with neighborhoods and its development, the purpose of this study is identify the components that explain the sense of spatial belonging in in urban new neighborhoods of Tabriz (Yaghchian neighborhood). The research method is applied in terms of application and descriptive-analytical in terms of nature, which in order to analyze the information, has been used the model of the minimum partial inputs in the Warp-PLS software. Also, the statistical population of the study is residents of Yaghchian neighborhood (about 150,000 people), which the sample size is estimated at 384 people based on Cochran's formula and 340 has been reduced based on Cochran's modified formula. Findings of the research based on the structural model indicate that in the study neighborhood, the components that explain the sense of spatial belonging are in the first place: flexibility, comfort and attractiveness with a value of 0.65, 0.59 and 0.44, respectively, in the second place: sensory and emotional belonging, visual and social appearance with a value of 0.41 and 0.38, respectively, and in the third place: conceptual belonging, place identity and personality, readability and perceptual ability and perception of place with a value of 0.32, 0.27, and 0.22, respectively.

Keywords: Spatial belonging sense, new neighborhoods, Tabriz Yaghchian neighborhood.

1. Corresponding author. Email: e.hatami.g@sardroud-iau.ac.ir

Validating the Urban-Sport Branding Questionnaire (Case study: Juybar)

Saeid Tabesh

Assistant Professor of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Meysam Noori Khanyourdi¹

PhD in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran, Corresponding Author

Mir davood Hosseini

PhD Student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 23 June 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

The importance of sports in attracting tourists, capital and also promoting the status of the city is very remarkable; however, the potential for sport branding has not been materialized in many cities in developing countries. Thus, the main question remains here is what factors are needed to brand cities through sports. To this end, the present study was conducted with the aim of validating the urban-sport branding questionnaire. This study is of the applied type in terms of purpose; it is descriptive-analytical in terms of methodology and also qualitative-quantitative in terms of the nature of its data. The research instrument used was the modified version of a questionnaire developed by Noori and Kalateh (2017). The statistical population of this study consisted of faculty members in the domains of sport management, city marketing, geography, and urban planning as well as sports managers, faculty members specialized in branding and marketing, urban managers (municipal and provincial), sports coaches, and sports champions, and also faculty members in our neighboring countries with experiences in branding who had traveled to Iran several times. The study used purposeful and convenience sampling method. In the second stage (interview) after theoretical saturation and in the third stage, 21 and 18 individuals were selected for the research sample, respectively. Finally, the items were prepared in a questionnaire which was later submitted to a group of experts. The results showed that the urban-sport branding questionnaire has 6 dimensions, 16 categories, and 76 indicators. Given the importance of urban branding through sports, city managers and policy makers can identify potential cities and increase the city's influence, credibility and development by considering these factors.

Keywords: Urban Marketing, City Branding, Urban Development, Sport

1. Corresponding author. Email: Meysam1896@yahoo.com

Exploring the Impacts of Urban Built Environments Characteristics on the Public Health of Citizens with an Emphasis on Land Use Mix (Case Study: Mashhad City)

Seyyed Hadi Hosseini ¹

Assistant Professor of Geography & Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 3 June 2020

Accepted: 20 December 2021

Abstract

This study seeks to investigate the effect of land use mixing as one of the components of the artificial environment on the general health of people in Mashhad. The type of research is applied-developmental and falls under the category of case studies, survey and correlation. Herfindahl-Herschmann-Frank and Shannon entropy methods were used to measure user mixing. The statistical population of the study includes 25 year-old citizens and older in Mashhad and the sample size is equal to 1022 samples. The required data were collected from 16 neighborhoods of Mashhad. The results showed that in the studied areas, the expectation that land use mixing could have positive effects on the general health of individuals as well as physical activity and walking of citizens had not been materialized. Based on the findings, there was no significant relationship between land use mixing with physical activity and daily walking. In contrast, the findings showed a significant but negative correlation between land use mixing with public health. This means that by increasing the land use mixing score in the target areas, the quality of public health would decrease. In fact, given the different results of this research compared to the international findings mainly about the cities of developed western countries and the serious lack of experimental local studies and the novelty of research related to urban health planning in Iran, the results of this study should never be generalized to other cities in Iran, and it is thus necessary to conduct some more empirical studies on Iranian cities.

Keywords: Built Environment, Land Use Mix, Public Health, Mashhad

1. Corresponding author. Email: sh.hosseini@hsu.ac.ir

Table of Contents (Extended Abstracts)

▪ Exploring the Impacts of Urban Built Environments Characteristics on the Public Health of Citizens with an Emphasis on Land Use Mix (Case Study: Mashhad City) Seyyed Hadi Hosseini	1
▪ Validating the Urban-Sport Branding Questionnaire (Case study: Juybar) Saeid Tabesh, Meysam Noori Khanyourdi, Mir davood Hosseini	2
▪ Analysis of components explaining the sense of spatial belonging in urban new neighborhoods (Case study: Yaghchian neighborhood of Tabriz) Alireza Soltani, Elham Hatami Golzari	3
▪ Recognizing the Factors Affecting Iran's Urban Issues with an Emphasis on Social Justice Abolfazl Meshkini, Morteza Nosrati Heshi	4
▪ Wayfinding Pattern Analysis of Children 10 to 14 Years Old with Emphasis on Cognitive Development (Case Study: Lashkar, Ghasemabad Neighborhood) Shima Abedi, Toktam Hanaee, Zahra Bagherzadeh Gol Makani	5
▪ The Analysis of Urban Livability with Emphasis on Housing Indicator (Case Study: Mashhad Metropolis) Mohammad Ghanbari, Mohammad Ajzae Shokuhi, Mohammad Rahim Rahnama, Omid Ali Kharazmi	6
▪ The Analysis of Factors Affecting the Reconstruction of Historical Textures from the Perspective of Tourism Development Mojgan Sheikhasab, Mehri Azani, Mehdi Momeni, Mostafa Mohammadi Dehcheshmeh	7
▪ Strategic Future Studies in Isfahan Metropolis: The analysis of challenges through the cause and effect model Fatemeh Daneshvar, Hamid saberi	8
▪ Exploring the Role of Factors Affecting Place Attachment in Urban Textures (Case Study: Old, Middle, New, and Suburb Textures of Sanandaj City) Farzam Allahveisi, Farzin Charehjoo	9
▪ Towards Developing Ethical Spaces in Cities: Exploring Geographical Dimensions of Ethical Consumption in Tehran by Focusing on Local Food Consumption Roghayyeh Samadi, Mohammad Taghi Razavian, Jamileh Tavakolinia, Morteza Ghourchi	10
▪ Analyzing the Role of Local-Spatial Differences in the Sense of Happiness among the Citizens of Ahvaz Safiyeh Damanbagh, Nahid Sajadian, Morteza Nemati	11
▪ The Evaluation of Quantitative and Qualitative Indicators of Urban Housing in Iran Kasra Ashouri, Kyoumars Habibi, Milad Doostvandi	12

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities

Journal of Geography and Urban
Space Development

**Vol. 8, No. 1, Spring & Summer 2021,
Serial Number 14**

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnema, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan,
Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnema
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and
Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh. Sabaghi Abkooch

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
<http://jgusd.um.ac.ir>



Ferdows University of Mashhad

Journal of Geography and Urban Space Development

(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 8, No. 1, Spring & Summer 2021, Serial Number 14

- **Exploring the Impacts of Urban Built Environments Characteristics on the Public Health of Citizens with an Emphasis on Land Use Mix (Case Study: Mashhad City)** 1
Seyyed Hadi Hosseini
- **Validating the Urban-Sport Branding Questionnaire (Case study: Juybar)** 2
Saeid Tabesh, Meysam Noori Khanyourdi, Mir davood Hosseini
- **Analysis of components explaining the sense of spatial belonging in urban new neighborhoods (Case study: Yaghcian neighborhood of Tabriz)** 3
Alireza Soltani, Elham Hatami Golzari
- **Recognizing the Factors Affecting Iran's Urban Issues with an Emphasis on Social Justice** 4
Abolfazl Meshkini, Morteza Nosrati Heshi
- **Wayfinding Pattern Analysis of Children 10 to 14 Years Old with Emphasis on Cognitive Development (Case Study: Lashkar, Ghasemabad Neighborhood)** 5
Shima Abedi, Toktam Hanace, Zahra Bagherzadeh Gol Makani
- **The Analysis of Urban Livability with Emphasis on Housing Indicator (Case Study: Mashhad Metropolis)** 6
Mohammad Ghanbari, Mohammad Ajzae Shokuhi, Mohammad Rahim Rahnama, Omid Ali Kharazmi
- **The Analysis of Factors Affecting the Reconstruction of Historical Textures from the Perspective of Tourism Development** 7
Mojgan Sheikhasab, Mehri Azani, Mehdi Momeni, Mostafa Mohammadi Dehcheshmeh
- **Strategic Future Studies in Isfahan Metropolis: The analysis of challenges through the cause and effect model** 8
Fateme Daneshvar, Hamid saberi
- **Exploring the Role of Factors Affecting Place Attachment in Urban Textures (Case Study: Old, Middle, New, and Suburb Textures of Sanandaj City)** 9
Farzam Allahveisi, Farzin Charehjoo
- **Towards Developing Ethical Spaces in Cities: Exploring Geographical Dimensions of Ethical Consumption in Tehran by Focusing on Local Food Consumption** 10
Roghayyeh Samadi, Mohammad Taghi Razavian, Jamileh Tavakolinia, Morteza Ghourchi
- **Analyzing the Role of Local-Spatial Differences in the Sense of Happiness among the Citizens of Ahvaz** 11
Safiyeh Damanbagh, Nahid Sajadian, Morteza Nemati
- **The Evaluation of Quantitative and Qualitative Indicators of Urban Housing in Iran** 12
Kasra Ashouri, Kyoumars Habibi, Milad Doostvandi

ISSN: 2538-3531